



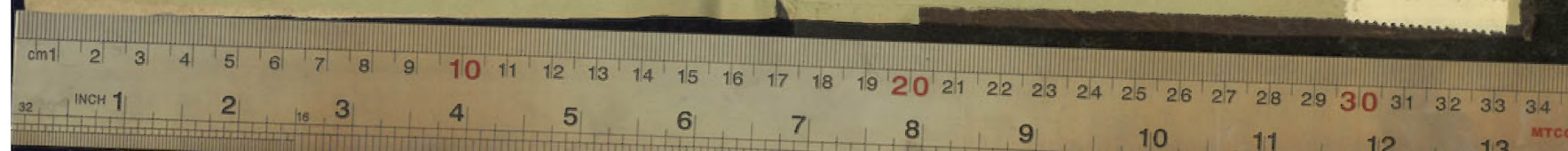
بازدید شد
۱۳۸۲

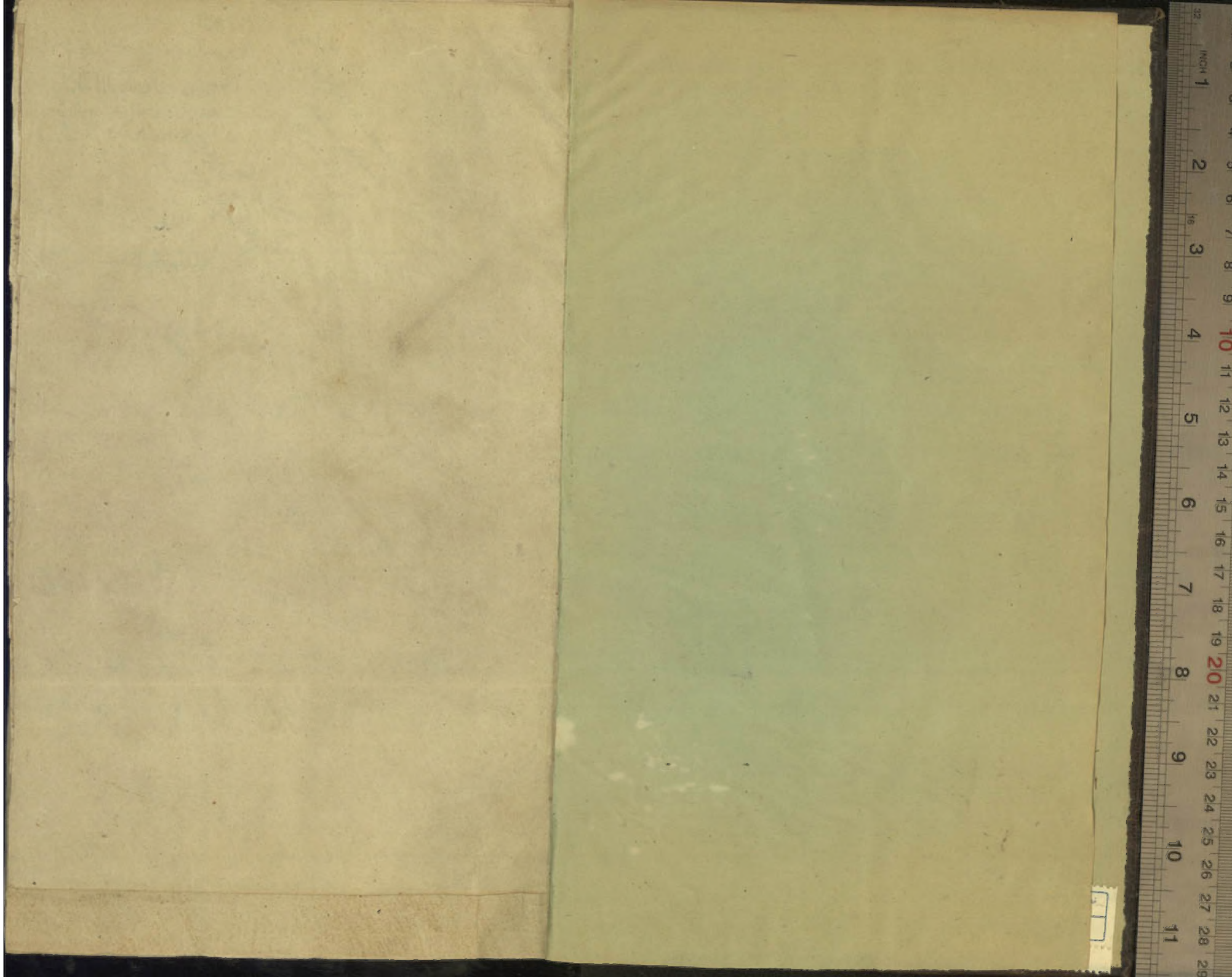
بازرسی شد
۳۶ - ۳۷

۹۰۳۱-ن

کتابخانه مجلس شورای ملی	
کند جمال الصالحین	شماره ثبت کتاب
مؤلف حسن بن محمد الزرقانی (حسن بن علی بن محمد الزرقانی)	۱۵۴۶۷
موضوع	۱۱۹۲۹
شماره قفسه ۹۴۱۷	

فصلی - فهرست شده
۹۴۱۷





علمها

الحی ری عالی دهری ان الله کان علم حکما

من الله کان علم عالما حکما

و در آن دو فصل ایک فصل اول

در بیان مومنان و مکارم الخ

فهرست سجد و دهری و غیره
باعتبار سجد و دهری
و در آن دو فصل ایک فصل اول

در بیان مومنان و مکارم الخ
باعتبار سجد و دهری
و در آن دو فصل ایک فصل اول

علی بن ابی طالب

کتاب در بیان مومنان و مکارم الخ
باعتبار سجد و دهری
و در آن دو فصل ایک فصل اول

۱۲۶

۶۶۶

۲

الحی ری عالی دهری و غیره
باعتبار سجد و دهری
و در آن دو فصل ایک فصل اول



رَبِّ ثَقَفِي
کتاب جمال الفضائل

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين حق حمد و صلی الله علیه و آله و الله اعلم
اشاعره چنین گوید احوال الله الی فضل رجس بن عبد
رجعها الله من التواضع والمتطهرين وجعلها ماسر عباد الفضائل
که مجموع علمیت موسوم بجمال الفضائل در بیان فضایل و ادب
و اعمال و محاسن اخلاق و افعال که مؤمنان را در اکثر اوقات و
مراجعات آن باید نمود و از من لایست آن غافل نباید بود و متوفی الله
تعالی و عوفی فرشته می شود برای جمیع انبیا و صلوات که زبان عربی دارند
و استنباط الفا و ارکات اخبار نتوانند تا انشاء الله از فضایل آن محقق
نمانند و محققان را از اصول احادیث و اخبار و کتب ادبی و آثار عقل
اطهار و صلوات الله علیهم جمیع صلوات باقیات الی یوم الدین الحقا
می شود و بجز آنکه معنی بسیاری فایده بیست و هفت تطویل کلام
اعتبار شود و اکثر مباحث تصریح بلفظ حدیث و روایت و امثال
آن ناموده اکتفا بر جمیع محققان و این مطالب انشاء الله
و در آورده باقی خاتمه بیان شود و تفصیل آن بدین سبب
مقدم در ذکر احادیث و اخبار و نکات و اسرار و حکایات و فضایل
اجمال باعث غیبت بطاعت فضایل اعمال و موجب کراهت و معاصی

در فضایل

و در ذیل فعال کرد **باب اول** در فضایل عقل و علم و مکارم
اخلاق و صفات و در ذیل مباحث و معاصی و ادب و فضیلت
و این مجموع انشاء الله در چهارده فصل بیان شود **فصل اول**
در فضایل عقل و علم **فصل دوم** در صفات مؤمن بر سبیل جمال
فصل سوم در مکارم اخلاق و صفات **فصل چهارم** در فضیلت
فصل پنجم در سبیل رحمت **فصل ششم** در حق جوار **فصل هفتم** در فضیلت
و محبت و زیارت مؤمنان **فصل هشتم** در ادب ملاقات و محبت
فصل نهم در سکوت و کلام **فصل دهم** در کرام و رفیع مؤمنان **فصل**
یازدهم در سرور مؤمنان و قضای حاجت ایشان **فصل دوازدهم**
در ذیل معاصی و مباحث بر سبیل جمال **فصل یازدهم** در فضیلت
معاصی و مباحث بر سبیل تفصیل **فصل بیستم** در روای معصیان و
باب دوم در تطهیر قلب و جلاله کثافات و لطایف ظاهری و
تطهیر جسد و دل و ترک کبر و رت و احداث شیطانی و این مجموع انشاء الله
در ده فصل بیان شود **فصل اول** در فضیلت نظافت **فصل دوم** در آقا
تمام رزق و آنچه در آنجا باید بجا آورد **فصل سوم** در فضیلت
شارب کف و ناخن چیدن و آداب **فصل چهارم** در فضیلت
و آنچه متعلق است بآن از آداب **فصل پنجم** در فضایل سهو کشیدن
و این کفر و آداب **فصل ششم** در بیان قضای حاجت و آداب
آن **فصل هفتم** در فضایل وضو و غسل و آداب **فصل هشتم** در فضیلت

در فضایل

در فضایل

مسالك کردن و آداب آن **فصل هشتم** در فضایل وضو و غسل و آداب
 نمازها ^{نمازها} و غیره و ذکر نمازها و فضایل آن و ذکر بعضی عیبه مخصوص
 آن **باب نهم** در فضایل نماز و متعلقات آن و ذکر بعضی عیبه مخصوص
 بیاعات و فضایل نماز و این مجموع انشاء الله در بانه فصل
 بیان شود **فصل اول** در فضایل نمازهای فیه بر میسر و ذکر جماعت
 و فضایل این شیئ **فصل دوم** در ذکر نوافل و فضایل این شیئ
فصل سیم در اوقات نمازها و فضایل آن و احکام متعلق بآن **فصل**
چهارم در فضایل مسجد و آداب آن **فصل پنجم** در کیفیت توجیه نماز
 و فضایل آن و اقامت و احکام متعلق **فصل ششم** در کیفیت اشتغال
 بنماز و آداب آن **فصل هفتم** در آداب نماز با سر مقتضیات و اعمال نماز
 و ذکر تقیه آداب افعال آن **فصل هشتم** در فضایل تعقیبات **فصل**
 در فضایل ذکران ساعات شبانه روز و اولد صبح و شام **فصل نهم** و ذکر
 بوسه و بوییل و تعقیل و بیان ذکر آداب و عیبه متعلق بآن **فصل دهم** و ذکر
 بعضی افعال که در اثنا نماز خوان کرد **فصل دوازدهم** در آداب جماعت
فصل سیزدهم در احکام هر وقت که عرض بعضی حوائج در نماز
فصل چهاردهم در ذکر بعضی دیگر از نماز مفروضه و مستحبیه **فصل پانزدهم**
 در فضایل قرائت و آداب تلاوت آن **باب چهاردهم** در فضایل **فصل**
 و دعا و احکام متعلق بآنها و این مجموع انشاء الله در ده فصل بیان
 می شود **فصل اول** در فضایل ذکر **فصل دوم** در فضایل بعضی افکار
 مخصوص **فصل سیم** در ذکر فضایل اهل بیت و صلوات بر ایشان و بعضی

و ذکر فضایل و خیرات و آداب اعمال
 و ذکر فضایل و خیرات و آداب اعمال
 و ذکر فضایل و خیرات و آداب اعمال

امور مناسب آن صلوات الله علیهم **فصل چهارم** در فضایل
 دعا و بعضی امور متعلق بآن **فصل پنجم** در آداب حاجت دعا و
 احکام متعلق بآن **فصل ششم** در ذکر بعضی عیبه که دعا نشان مستجاب
 شود و جمعی که مستجاب نشود **فصل هفتم** در فضایل دعا و آداب آن
فصل هشتم در ذکر بعضی عیبه و وسایل حاجات **فصل نهم** در تعویذ
 و حرزها و مخاوف و مکاره **فصل دهم** در بعضی ادعیه متبرکه که مانع
باب پنجم در آداب احوال و مجاری احوال و سایر جزئیات و
 افعال و این مجموع انشاء الله در دوازده فصل بیان شود
فصل اول در انواع لباس و آداب پوشیدن آن **فصل دوم** در قد
 طعام خوردن **فصل سیم** در اوقات طعام خوردن و آداب
 متعلق بآن **فصل چهارم** در فضایل بعضی انواع ماکولات **فصل پنجم**
 در فضایل آب و آنچه متعلق است بآن از آداب **فصل ششم** در فضایل
 ضیافت کردن و احکام متعلق بآن **فصل هفتم** در آداب سکن
 و احکام متعلق بآن **فصل هشتم** در وظایف شبانه و بختی بیداری
فصل نهم در آداب بیرون رفتن از خانه و راه رفتن و سوار
 شدن و فضایل و آداب حقوق ایشان **فصل دهم** در فضایل و آداب
 مکاره و بیعها و امان **فصل یازدهم** در فضایل مرض و عیادت مریض
 و معالجات امراض **فصل دوازدهم** در سایر جزئیات عادات **فصل**
ششم در حقوق اموال و رعایت احوال عیال و این مجموع

انشاء الله در ده فصل بیان شود **فصل اول** در وجود و بطلان **فصل دوم**
 در فضایل کثرت و عقوبت منع آن **فصل پنجم** در صلوات بر اهل بیت
 و ذریقت طینین و اتباع ایشان از مؤمنین سلام الله علیهم اجمعین
فصل چهارم در فضایل معروف و لحسان **فصل پنجم** در فضایل و صفت
فصل ششم در مذمت سؤال و رد سایل **فصل هفتم** در رعایت
 حال عیال **فصل هشتم** در احسان مؤمن بطعام و جامه **فصل نهم**
 در فضایل فرض دادن و احکام متعلق بآن **فصل دهم** در سایر
 وجوه خیر و بر **باب نهم** در فضایل روزه و احکام متعلق بآن
 از آداب فضل اعتکاف و متعلقات آن از آداب و ثواب این
 مجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود **فصل اول** در فضایل
 مشایق روزه **فصل دوم** در فضایل روزه و رجب **فصل پنجم** در فضایل
 روزه ماه شعبان **فصل چهارم** در فضایل روزه ماه مبارک
 رمضان **فصل پنجم** در آداب صایم **فصل ششم** در تحویر **فصل هفتم** در افطار
فصل ششم در فطیر صایم **فصل نهم** در فضایل افطار کردن برای
 سرور مؤمن **فصل دهم** در اعتکاف **باب ششم** در اعمال شهر و اعرام
 و لیالی و ایام و مقصود از این باب در ده فصل انشاء الله بیان
 شود **فصل اول** در اعمال هر ماه که اختصاص با هر ماهی ندارد **فصل دوم** در اعمال
 ماه محرم الحرام **فصل پنجم** در اعمال ماه صفر **فصل پنجم** در اعمال ماه
 الاول **فصل ششم** در اعمال ماه حجه **فصل هفتم** در اعمال

در اعمال روزه و فضایل آن **فصل دهم**

مکرر بخوان

شهر شعبان المعظم **فصل هشتم** در اعمال ماه مبارک رمضان **فصل**
نهم در اعمال شانزده روز بعد فطر **فصل دهم** در اعمال شهر ذی القعد
 الحرام **فصل یازدهم** در اعمال شهر ذی الحجه الحرام **فصل شانزدهم** در ذکر
 حدیثی در فضایل اعمال شهر رطعام و لیالی و ایام و بیل اجمال
باب نهم در تزیین و احکام متعلق بآن و مقصود از این باب انشاء
 در ده فصل بیان شود **فصل اول** در فضایل تزیین و لوازم
 غروب **فصل دوم** در فضایل تعب و سیر **فصل پنجم** در اختیار روزه
 و صفات زیان **فصل پنجم** در اوقات ترویج و آداب آن **فصل پنجم**
 در آداب زفاف **فصل ششم** در قوا و باشرت و آداب و اوقات
فصل ششم در طایفه نرین **فصل ششم** در فضایل حمل و ولادت و احکام
 متعلق بآن **فصل نهم** در آداب تولد طفل و نام گذاشتن و عقیقه
 و ختنه کردن **فصل دهم** در فضایل ولاد و تربیت ایشان **فصل یازدهم**
 در حقوق زوجین بر یکدیگر **فصل دهم** در بعضی نوا در مناسب
 این باب **باب دهم** در آداب سفر و احکام متعلق بآن و این مجموع انشاء
 در ده فصل بیان شود **فصل اول** در بعضی مقدمات سفر **فصل دوم**
 در اختیار ساعات برای سفر **فصل پنجم** در تحصیل فقی و تهیه اسباب
 و بعضی نباتات این باب **فصل چهارم** در افتاح سفر و عاقل **فصل**
پنجم در وداع و مفارقت **فصل ششم** در آداب عوار شدن و راه
فصل هفتم در آداب متعلق بفرز **فصل هشتم** در آداب سفر دریا **فصل نهم**

در مکان اخلاق و آداب رفاقت و شهر **فصل دهم** در شرح انصار
باب نهم در فضایل حج و عمره و زیارت و مقصود ازین باب
انشاء الله در ده فصل بیان شود **فصل اول** در فضایل حج و عمره **فصل**
دوم در زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم **فصل سوم** در زیارت
سائر اهل بیت صلوات الله علیهم بر سبیل اجمال **فصل چهارم** در زیارت حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه **فصل پنجم** در زیارت حضرت امامین
علیه السلام **فصل ششم** در زیارت حضرت امام رضا علیه السلام **فصل**
هفتم در زیارت اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم
فصل هشتم در زیارت مشرکین و عجم و زیارت **فصل نهم** در فضایل
اماکن مقدسه که در آن حدود واقع است **فصل دهم** در فضایل آثار
ذریع طیبین و صلحای مؤمنین **باب دوازدهم** در احکام متعلق
باموات و زیارت قبور مؤمنان بعد از وفات و این مجموع انشاء
در ده فصل بیان شود **فصل اول** در وصیت و بیعت و بیعتی است
فصل دوم در آداب حالت احتضار و فضایل بعضی اوقات و احوال
که وفات در آن اتفاق افتد **فصل سیم** در بیعتی است **فصل چهارم**
در شهادت خبر وفات و دیدن جنازه و تشییع و تدفین آن **فصل**
پنجم در نماز میت **فصل ششم** در مکان قبر و آداب دفن **فصل**
در ثواب تصدیع و عز **فصل هفتم** در ثواب آداب تدفین و اگر این جمیع
فصل نهم در هدیه برای میت عالمی که با و نفع رساند **فصل دهم** در زیارت

قبور **خاتمه** در مواظبت و نصایح و فوائد متفرقه **مقدمه** در ذکر احوال
و اخبار و نکات و اسرار چند که بر سبیل اجمال باعث رغبت
و فضایل اعمال و موجب کراهت معاصی و مرز اهل فعال گردد
بدانکه در احادیث اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم جمیع
ثابت و محقق گشته که خدای عز و جل ایمان ابراعضای ایشان
قیمت نموده و هر عضو جزوی از آن احسان فرموده مثلاً
بر دل و کبیت بند یقین کردن و اعتقاد نموده بآنکه خدای
تعالی منزله است از آنکه او را شریک و نظیر و شبه و وزیر باشد
یا احدی در مملکت سلطنت او دخل و تصرف و تدبیر
و تکلفی نماید بجز او و او مقدم بر آن است که عیار
و قصور و آنکه از جانب جلال و کبریا تواند نمود و غنی تر از آنکه احتیاج
و افتقار بعبادت اغیار بر امور عظمت جبروت او کرده و دفع
تراز آنکه مکان و زمان و حرکت و انتقال و تغیر احوال نزدیک
حوال که برای او شود و قوی تر از آنکه ظلم و زور و عجز و فقر بخوار
قد بر آن دور توهم عبور نماید و اعتقاد نمودن باینکه حضرت
محمد صلی الله علیه و آله و سلم خاتم نبیین و سید ملین و افضل
اولین و آخرین است و هر چه گفته از حلال حرام و مباح و منکر
همرا از جانب خدای گفته و هر حق و صدق است و باینکه اهل بیت
طاهرین و علیهم السلام اوصای و خلفای خدا و علام و شادان

هدايت و بعد از آن فضل جميع اهل عالم و انوار كافه نفع بنی الهی و ايمان
و سبب ايقاع رحمت و واسطه فضل و نعمت خدايند در نيا و آخرت
و هر كس ايمان نكرد و راضی بآن بوده كافر و ملعون و منافق
و مطعون و واجبت بعض او براءت از و نيز بر دل واجب
كرد ايند راضی بودن و تسليم نمودن بهر چه خداي تعالی بغير
او صلی الله عليه وسلم گفته و کرده و خواستند و بر زبان و كنج
افرا كردن و اعتراف نمودن بهر چيزي بآن اعتقاد کرده و همچنین
و كوشش دست و پا هر يك از اعضا عبادتی و طاعتی واجب کرده و هر يك
خداي فرموده و هر يك از اعضا امری چنانچه امر کرده و از آن نيز فرموده
كه بحمل تفصيل آنها انشاء الله در فضا عفاين مجموع عريان شود و نيز
اخبار بيار از ائمه اطهار عليهم السلام روايت شده كه صفا چنانچه
علامات اسلام و ايمان و صفات ذميه را بعضی علامت نفاق و بعضی
علامت كفر و بعضی علامت ضلال شده اند و هم از ايشان عليهم السلام روايت
كرد بآن قسم است تمام و نفاق و زياد ايمان تمام است بآن كليه جميع محرمات
و معاصي تا نيايد بهر جميع فرايض و واجبات را بعمل آورد بجهت نيكو
معصيتي صادر نشود و همچو فریضه ترك بخورد و ايمان نفاق اگر بعضی
معاصي بصدق آید يا بعضی واجب ترك شود و بگذرد بآنكه واجب ترك و
بشتر باشد نقصان ايمان بيشتر بود و ايمان زياد بآنكه زياده بر حجاب
مستحبات و مندوبات نيز صادر شود و بگذرد بآنكه واجب ترك و معاصي

و هر كس ايمان نكرد و راضی بآن بوده كافر و ملعون و منافق و مطعون و واجبت بعض او براءت از و نيز بر دل واجب كرد ايند راضی بودن و تسليم نمودن بهر چه خداي تعالی بغير او صلی الله عليه وسلم گفته و کرده و خواستند و بر زبان و كنج افرا كردن و اعتراف نمودن بهر چيزي بآن اعتقاد کرده و همچنین و كوشش دست و پا هر يك از اعضا عبادتی و طاعتی واجب کرده و هر يك خداي فرموده و هر يك از اعضا امری چنانچه امر کرده و از آن نيز فرموده كه بحمل تفصيل آنها انشاء الله در فضا عفاين مجموع عريان شود و نيز اخبار بيار از ائمه اطهار عليهم السلام روايت شده كه صفا چنانچه

نیز در این

زياده بر محرمات مكر و هيات و مذمومات نيز صادر شود و قلم
مستحبات بيشتر و مكر و هيات كمتر ايمان زياده تر باشد و هم از ايشان
صلی الله عليه وسلم روايت كرده كه چون كسي ترك معصيتي شود با ترك
فریضه نمايد و ترك حلال نكند از ايمان بيرون رود و اسم مؤمن
بر و صادق نباشد تا از اسلام بيرون نرود و اگر حلال نيز داند
از اسلام بيرون بيرون رود و كافر باشد و هم از ايشان عليهم السلام
اخبار بيار آمده كه اگر كسي ترك فریضه نمايد كه در آن لذت و شوق
نيز مانند ترك نان كافر شود و ترك سبب ترك در بصيرت
بغير استخفاف و بجهت ممتی بآن فریضه چيزی ديگر نباشد و هر كس
استخفاف بفریضه نمايد كافر باشد و از امام همام محمد بن علي
الباقر عليه السلام روايت كرده كه فرمود ای جابر يا ابیست كسي
كه دعوی شييع ما ميكنند و تشيع را بخود محو بند و هيمن كه ميگويد
من دوستدار اهل بيتيم و الله كه شييعه ما نيست مگر كسي كه از
معصيت خداي پرهيز كند و طاعت نمايد و انجماعت استقامت
شناخت مكر و توليع و خشوع و امانت و ذكر خداي عزوجل
و بياد داشتن خداي در مجاري الحوال و سوايح اعمال و نماز كند
و روزي كند و طاعت و الدين نمايند و رضاي ايشان بچنين
و نعمت الحوال اسايگان و فقر و مساكين و قرض داران و ايتام
نمايند و امانت ايشان كنند و دين ايشان ادا نمايند و حاجت ايشان

و هر كس ايمان نكرد و راضی بآن بوده كافر و ملعون و منافق و مطعون و واجبت بعض او براءت از و نيز بر دل واجب كرد ايند راضی بودن و تسليم نمودن بهر چه خداي تعالی بغير او صلی الله عليه وسلم گفته و کرده و خواستند و بر زبان و كنج افرا كردن و اعتراف نمودن بهر چيزي بآن اعتقاد کرده و همچنین و كوشش دست و پا هر يك از اعضا عبادتی و طاعتی واجب کرده و هر يك خداي فرموده و هر يك از اعضا امری چنانچه امر کرده و از آن نيز فرموده كه بحمل تفصيل آنها انشاء الله در فضا عفاين مجموع عريان شود و نيز اخبار بيار از ائمه اطهار عليهم السلام روايت شده كه صفا چنانچه

خداوند بر او ایستاد استغفار کند حق می آید و دریا و سحاب و خورشید و
عبادت و مطاع علم افضل است از هفتاد ساله عبادت و در کعبه
عالم افضل است از هفتاد رکعت عبادت یکایک پیش از نشستن افضل
از هزار سال عبادت کردن و نظر بر روی عالم افضل است از یک سال
اعتکاف و سجده و زیارت افضل است از هفتاد حج و عمره و حج
کسی عبادت با علم است و حج برایش نیک است و خداوند تعالی بر وحشت
فرستد و رشت و آب بکشد و چون کسی بطریق علم رود راجع به نیت
برایش کشته شود و بگوید که الی کاشانند تا بران پاک دارد و اهل آسمان و زمین
حق را می دانند و برایشان هفتاد رکعت و اگر عالم یک ورق علم دارد آن ورق
میان و آتش شده مجای باشد و بعد از هر حرف از آن خداوند تعالی
در بهشت مدینه عطا کند هفتاد بار و وسیع تر از تمام دنیا چون
عالمی بر فرشتگان و مقام برتر که در آن عبادت میکرد و در کعبه
آسمان که اعمالش را میرفت و بگوید و در خضر عین پیدا شود که هیچ
چیز عالج آن نکند و علم را لازم و علامت است از انجمن تقوی و ورع
و صلاح و طاعت و عمل کردن بمقتضای آن که علم و عمل و نور و پاک
همچنانکه علم عمل حیرت و ضلال عظیمترین مسرطه دارد و زنی است حیرت
عالیه که در کجای عالم و عمل کرده و او خود محروم مانده باشد و هفتاد
کناه از جاهل آرزیده شود تا بیک کناه از عالم آرزیده شود و از هفتاد
امام جعفر علیه السلام تفسیر قوله فی الحجه النبیه الله تعالی بیدار فرمود و فرمود

کون

خداوند تعالی بیدار کان سوال کند که خبر حق را میدانستید یا نه اگر گویند
میدانستیم که چه جواب عمل بگویند و اگر گویند ندانستیم که چه جواب تحصیل
علم بگویند تا عمل بگویند برایشان از علم کم کرده اند و از انجمن خضوع
و خشوع و خشیه و زهد در دنیا و رغبت با آخرت و علم و قاف و کلام
بحق و کورت از غلط و تحلی و کلام و تحلی از زایل مرید است که عالم آن
که فعلا تصدیق فرست کند و کجی چنین نباشد عالم نباشد و از انجمن
تفلسف و خضوع چند علم بیشتر آثار و علامات در و بعد از حضرت عیسی
علیه السلام روزی با حواریین گفت مرا با شما احاطی گفتند بل ای
حاجت با حاجت مقرون است پس جزو است برای بنا تراشت و بوقت
یک سوید گفتند یا رسول الله این کار با انبیا و فرمود ترا و برین
مردم بخت و فراضه نمایند و این نهایت رفیع فراضه و چنین بخت
است که مردم تا بدانند که با مردم تا بجهت فراضه باید کرد و علم حقوق
چند نیست اما خداوند تعالی بر عالم آنکه هر چه خواهند بگویند که گویند
گویند ملائکه رحمت عذاب بر او لغت کند و هر کس عمل کند در ورش
شیرین باشد و آنچه دارند در مقابل این و از اهل دریغ ندارد و اگر ظلم
کرده باشد چون کسی وای می تواند و کند چنانست که هر چه
کرده باشد و زنده کردن و علم افضل است از هر زنده کردن و علم حق و
و جان و بقای جا و در جهان و روح و بدن و قوه و شوق است و از غرض
پنهان دارد که هر کس خطی را از کتب حق حرمات زیادی شود و رحمت

ک

فنا و عظیم و ضلالت ضعفها باشد و هرگز یک نفس بکنش چنان است که
 ناسرکش باشد و کشتن بصلالت عظیمات از هر کشتن کسی خضر است
 علیه السلام پرسید که بر ما ولایت که هر چه ندانیم سوال کنیم فرمود که گفت
 بر شما ولایت که هر چه سوال کنیم بر ما گوید فرمود هر چه بپرسید ما را بگویم
 عالم مثل طبعان قنات و وارد در موضع نالبت جمال کند و از غیر آن نگاه
 دارد و حق عالم هر چه در آن است که چون کسی در محال چیزی باشد داخل شود
 سلام کند و عالم را نیز یاد و نیت و اگر اختصاص دهد و برابر رویش نشیند
 که عالم احتیاج روگردانیدن نباشد و دانستن بخیر و اذکار بجا نشیند و
 سوال بسیار نماید و خلافت قول و کنی و کف و لان و فلان چنین گفته
 و بجمله از هر چه خلاف و بی باشد احتراز کند و حق متعالیم عالم آنکه با او زبان
 باشد و هر چه فاسد اندازد و در بیغ ندارد و از هر چه مایلش است احتراز
 نکند و در بیعلم میان تلامذ و تفاوت نکند و در محله هر چه مقتضای
 شفقت باشد رعایت کند **در صفات مؤمن بر سبیل جمال و غیره**
 از اهل بیت ظاهر برین عالم السلام که مؤمن است که درین خدایا و ایمان
 دانا باشد و درین صلابت که کران **و در طاعت خدا سخت زاری**
 و ستان باشد که ریا نیست توان شکافت و دستی مرد و بیرون
 نتوان یافت و رویش خفته و خندان و دلش محفوظ و گریان رغبت
 بحسن از قیام که برین خاطرش منزه باشد و کینه بخلق صاف دل
 هیچ از نه عیب جویم عیب جانش و نه خدیت گویم عار کمالش طالب

متمم

شهرت و نام و خواهان صیت و نشان زبان از فضل بسته و محکم
 خویش نشسته در نعمت سکوت و محبت در مسیبت صبور و زهد و عفت
 سر ز قبح و غفلت و نه حسیبت باعث خیر و وحشت در کفر و
 مغرور و بفرخ و سرور و خلقت موفق و طبعش مایلیم و فاشی ثواب
 زایل و در کلامش کذب که در نه از هر که عرض و دانسته که بخند و غل
 نشود و اگر بخند طبعش کند بخند خیر و خیر و سوالش بر این عالم عظیم
 الحکم در کارها اشتیاقی بجمال و نه در مقام حق و لکری و ملال حکمتش
 انصاف میل ترا و علش از جهل و جور و علی نفسش در دین بخیر
 شک و عاقلش بیرون قرآن نشسته در نعمت حریص و نه در فقر و جوع
 نه در عیاف و نه در عیاف و نه در عیاف و نه در عیاف و نه در عیاف و نه در عیاف
 قنوت با مردم و وصول و بهر بیان و متحمل کاره از ایشان و خوشی
 و فضیلت و قلیل راضی بقضای خدا مخالف نفس هوا از غلظت و درخت
 منزه و از غرض و مال و ابی و عدل و ناصر دین و حامی و یار
 مسلم و مودع و ثار از نظرش بیاری و فیض طبع و نیا دلش از کار
 و ظهور و کشفش از حق و فرود رحمت از غلش خبری قولش در لیل فعل
 و فعلش صدق قولش غلش و فرود رسا و دلش نگاه و بینا با مؤمنان
 و وصول و با فقر و اول نه در وصلش غنچه خلاف و فرود بدش نحلی
 از رخ و معامله با عیب جده و عذر و فرخ الطراش و نه در عیاف و عیاف
 نه بر و عیوب و نشان و نه راضی بضرر ایشان معین ضعیف و در عیاف

مقتضای است که بابت و محنت دوم در وقت طاعت تمام در ترک
معصیت هر کس بکند خداوند تعالی برایش صدقه بدهد و هر کس
کرد آنکه مابین هر دو در جهشت مابین آسمان و زمین باشد و هر
در طاعت بکند صدقه بدهد که مابین هر دو در جهشت
زمین باشد و ابتدای عمرش هر کس در ترک معصیت بکند صدقه بدهد
کند که مابین هر دو در جهشت زمین باشد و انتهای عمرش و هر
مخوفست بکار و صبر و در نه مخوفست لذات و شهوات
بکار و صبر و داخل است شود و هر کس پیوسته است تا آخر عمر
بود چون مؤمن داخل قبر شود نماز در دست نشانی است و در
در دست چپ بر سرش بماند و صبر کنای از استوار کردن
شماره حساب و بکار اعمال است و هر کس که عاجز آید مایه را
در مایه و هر کس بکند و بقضای خدا در دفع و خیر و شر رضا
دهد و غیر از رضا و تلبی چیزی بخاطرش خطی بکند خداوند تعالی بر او
او بفریز رضای شود و هیچ جز از خدای نخواهد کرد آنکه مستجاب شود
خدای تعالی بر او عباد نخواهد کرد اگر یکی را با نفع بلا مبتلا سازد
خیرش در آن باشد و اگر دیگر را با بداء مشرق و مغرب بکند
مصلحتش در آن بود و هر کس بقضای من رضا دهد و بر ملاقی
بکند و نفعی را بکند از او در نزد من از جمله صدقان باشد و هر
بقضای خدا رضا دهد قضا بر او و لیس عظیم بود و اگر بقضای

قضا خورد

قضا خورد بکند و اگر شرب باطل شود فرمود هر کس از همه خلق قطع کند
و طمع بکند و توکل و اعتماد بکند و پناه ببرد و در دنیا و آخرت
باشد آن تمام است و اهل آن در صد دیکر و مکر و ضرر
باشد و در آفتابان حفظ کنم و هیچ ضرر با او نباشد و اگر اعتماد
بکند و بکند بایشان نماید سبب است از قطع کنم و هر چه بر سر آید
بر او نیاید و حضرت صادق علیه السلام فرمود هر کس خواهد که هیچ جز خدا
از او نماند مگر آنکه عطا فرماید باید قطع است هر کس باید و باید
بفرزند ندارد و چون خدای تعالی لشکر درین صادق بایست
سرا کند عطا فرماید و معنی توکل زانست که کسی است سعی و کسب کارها
کند که چنین کسی که عاقل است و خدای تعالی را خداوند استوار بدارد
اینست که کار و عاقلات و هر چه مقدور باشد از طریق جلال بکند
باشد اما اعتماد بر آنها و هر چه جز خدا نداشته و غیر از هر چه و هیچ
کرد کار را نداند و سعی و عاقلات و غیر آنها و واسطه و وسیله
دانست که خدای بر او مصلحت حال نظام خلق مقدور نموده تا هر کس حکم
او را در آن رعایت و با او عمل نماید مستحق فضل و ثواب و نعمت حساب
شود و هر کس مخالفت آن کند و متابعت و تقوی و اطاعت شیطانی
نماید و جلال اکتفا نموده است در حال من مستحق جزو عقاب گردد
حضرت امام علیه السلام بکند همیشه دعا کند که خدای تعالی از او بدارد
نکند و از خدا تقصیر بپزد و نیارد و آنکه گفت معاینه میداد که ایمان

مدتی پیش از ایشان عاری است بعد از آن سلب شود تا معنی خروج
از حق تقصیر چیست فرمود آنکه هر چند عبادت بیشتر کنی خود را
در آن مقصود آنی که حق عبادت خدا را هیچکس نتواند گذارد و خود
تعالیه فرموده نیکو در عبادت و عمل کنی که اگر کسی تمام عمر در عبادت
من گذارد و لحظه فارغ نباشد هنوز مقصود نباشد و حق تعالی
بیجا نیارده بود بلکه اعتماد بر رحمت من کنی و امید بفضل
من داری و بحسن ظن با من معامله نمایند که من عیبی جز این ندارم
خو هم هرگز عیبی بجان و از من امید داشته باشند با ایشان چنان
معامله نمایند که امید بر رحمت خدا باید داشت که اگر با ذنوب
ثقلین بجزای بر تو رحم نماید و آنقدر بر تو خیر و از عفو پیش
باید داشت که با احسان ثقلین ایی قبول فرماید در دل من
دو سطر از نور نوشته کنی خوف و دیگری رجاء که اگر با هم بخیزد
شوند هیچ کدام بقدر رفته زیاد می کنند بحضرت صادق علیه السلام
گفتند که جمعی از موالی شما معاصی میکنند و میگویند ما امید داریم
خدا داریم فرمود دروغ می گویند موالی ما نیستند و فرج دارند
هر کسی بدینچه باشد طاعت الله بود و هر که بخلاف اینچه باشد از آن
مکرمین و الله که شیعه ما نیست مگر کسی طاعت خدا کند و از رحمت
او بجا آید بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود ای نبی
عبد المطلب کی می بینی که محمد از ما است هر جا او باشد ما نیز باشیم

و الله که اولیای من نیستند مگر و ثقیان من عذر شما خواستند و از
عهد آن پس رو آمدن همچون روز قیامت شما دنیا و دیگران
آخرت برده و ثواب کرده آید شما را نشناسم و خوشی شما شود و نه
و حضرت امیر المؤمنین صلی الله علیه و آله و سلم خطبه خواند فرمود
ای مردمان واقعه که من یکدم از حق شما نقصان نمی کنم عقل باید
آنحضرت برخواست گفت تو مرا و سیاه حبشی را بر او میدی فرمود
خاشا و باش چو این ترا آن سیاه حبشی هر که تو را پیشتر در جبهه
رفع تر بحضرت صادق علیه السلام سوال کردند از تفسیر این و قد
ای ما عاکلوا من عسلک فجعلناه قبا بحشرنا یعنی روز قیامت متوج
اعمال ایشان شوم و چون غبار بر باد دهیم فرمود و الله که ایشان
جمعند که اعمال و عبادتشان در خوبی کمال رسیدن اما چون مانع
از ایمان ایشان و محبت خیر و اجتناب نمایند پس اعمالشان
شود ندهد و از ایشان علیه السلام مروی است که از ما نیست کسی
که هر روز بحساب نفس خود مکتوب و ملاحظه اعمال خود ننماید و هر
کس که کرده و چه میکند روز قیامت بجا هر نفس برای حساب مقرر است
که هر کدام مقام هزار سال است هر کس در دنیا محاسبه خود کند بقدر
آن از نعم الله است حساب قیامت خلاص باشد و هر چند پیشتر بغفلت
گذارد و آنروز برای حساب پیشتر توقف نماید پس محاسبه خود کتبش
از آنکه برای حساب توقف فرماید و معنی محاسبه نفس است که آنکه

باشند و بخوبی در دهر آنک و دنیا و عالم کنی صاحب هر ساعت و دقیقه
عمر خود طلبی و هر لحظه را ملاحظه کنی که در طاعت و غیره بگذرانند خدا را
شکر کنی و توفیق برای طلبی و اگر در باطل و معصیت خود را
برای توبه و عتاب کنی استغفار کنی و در صدد تلاقی و قدوم آن
باشی و بکنایه که شری دیدن عمل ثابت ماند با حق از آن فوت شود
و هر کاری که خواهی و از قاتل کنی اگر نفع آخرت یا دنیا باشد که با آخرت
مضرت نکند در و باشد و شری و اگر با آخرت مضرت نکند که
همین که نفع کند تا که بکری و عمر را مشغول آن سازد که مشغول
الکرم در و عذاب نباشد همین آنرا بگویم که ما فخر و شرف می شود که روز
قیامت هیچ کس از حضرت و ملائکه خالی نباشد خوبان حضرت آنکه هر چه پیشتر
نموده و بداند از حضرت آنکه هر چه باید کرده اند و کسی که بفضل و توفیق الهی
ساعات عمر عزیز کرده و آنرا صرف در باطل و بیفایده محافظت نموده
در طاعت و عبادت نگذرانند باشد پس خود را از امثال این امور باید
فارغ سازی و مشغول عبادت و طاعت و عباد هر چه رضای خدا
در آن نبی که دانی که هر کس خود را از باطل و بیفایده برای عبادت
و طاعت خدا فارغ گرداند و این را مانع هر کاری اند و خدای تعالی
از خوف خود برین و بغیر از خلق مملو گرداند و مشغول حرام و مباح
اوشود و کار او را بدین بگری و نگذارد و هر کس برای طلب باطل و مشغول
باز عبادت و طاعت کند و آنرا مانع این دانند خدای تعالی

مشغول

مشغول دنیا و آخرت آن گرداند و از کفالت هر چه بخرد و گذارد
و لغوه باقی بگذرد کسی خدا را بخرد و گذارد از جمیع کار و گذارد
و بصدیق و اگر در الحال بماند عاقبت در و نفع محال گردد و در است
که حضرت یونس را بقدر بلای چشم زد و گذارد طعمهای گشت
و نیت عبادت هر کاری که بپایان بر یا و عرضهای باطل دنیا
برای خدا و رضای او و توقع رحمت و ثواب و حال کسی دانی که
جزای هر عمل بقضای نیت آن باشد و اگر نیت خیر صحت باشد
اطاعت خدا بود و جز این خیر و رضای خدا بود و اگر نیت شر و باطل
باشد اطاعت شیطان و جز این شر آن بود هر کس برای رضای
خدا کند خدای تعالی او را بآنکه عمل را بشکند و گذارد و افضل
و رحمت خود محروم گرداند حضرت پیغمبر صالوات علیه السلام و توفیق
برای نیاید که مردم عبادت و طاعت را برای او اغراض نیابند
پس خدای تعالی این را بعقوبت و بلامتناهی گرداند و هر چه در
غیر وقت و باینند و قصر و عاکلت و تنجاشد و مروت
که نگاه داشت عمل شکل است اصل کردن که چون کسی عملی
شایسته و صلح و غیر آن بنهایی برای خدا کند و نیت را بپای
هفتاد مرتبه مضاعف نویسد و اگر بعد از آن ذکر آن کند و حرکت
علیه یعنی یک مرتبه نویسد و چون مرتبه دیگر مذکور کرد و آن
و یا نویسد و هر کس خود را برای خدا کند و کارهای خود را برای

انما المراد از خداوند برای و باشد و او را بر حق و خالص دارد و در ثواب
 معرفت و حکمت برین سازد و چون اراده علی بن ابراهیم را در تخیل نماید که بگوید
 که بعد از این چه رود و هر چه که در آن تاخیر شود شیطان را در آن
 وضع نماید که شاید چنانکه و مانع آن شود و بیا باشد که بنده دور کند
 کند این روز و روز دیگر با شرف کند و بجای عمل صالح که خدا را
 از این خوشتر آید و بسبب آن هر که آنها را میبرد و گوید بعد از این هرگز
 کتاب بر تو نویسم و اگر عملی غیر از این را در آن روز کنی از آن بهتر
 که شیطان کام خود گیرد و بیا باشد که بنده عملی کند که خدای تعالی
 از آن بداند و فرمان بفرستد و بعد از خودم که بعد از این هرگز از این
 و خدای تعالی فرموده هر بنده که طاعت من کند و رضای من جوید
 او را بیکری گذارم و رضای او جویم و هر بنده که مرا معصیت کند
 مخالف رضای من نماید و از خود شرف گذارم و بر او انگیزم هر چه که هلاک
 شود و حضرت ما محمد باقر علیه السلام فرمود ای صدیقان بحجت و وکالت
 ما فریفته مشوید و طاعت خدا کنید و ایضا که میان ما و خدا قرابتی نیست
 و ما را بر خدای تعالی حق نیست و تقرب بخدا حاصل نشود مگر بطاعت او پس هر کس
 مطیع خدا باشد و ولایت او را سوزند و کوی از صداق علیه السلام پسند
 که از شما حدیثی روایت کند که هر کس شیعه ما باشد هر چه خواهد کرد
 فرموده بلچنین است گفت که چه زن او در دوزخ میبردند فرمود **إِنَّ اللَّهَ**
وَأَنَا إِلَهُ الْجَوْنِ مردم انصاف دارند و خدا خود بطاعت عبادت

این حدیث در
 کتاب
 ۱۱۹۱۹
 ۲۸

این حدیث

امید نجات و طاعت داریم چون دیگر از ارضعت معصیت دهیم
 بطاعت بعضی محبت ما نجات یابند بلکه معنی از حدیث اینست که هر کس
 مؤمن باشد اعمال خیر خواه بسیار کند و خواه کم که داخل بهشت شود
 و نیز فرمود خدای تعالی یا دارد آنکه جمعی که دعوی محبت و ولایت
 جمعی کنند و در عمل خلاف ایشان باشند روز قیامت ایشان را با هم در یک
 منزل قرار دهد و بگوید ای کعبه فیم که هرگز نژاد و نیکوکاران ایشان علیه السلام
 مرید است که فرمود اگر شیعیان را غریب الهم فیک و بد ایشان را از هم جدا
 سازم از هر که در یک حال باشد که از ایشان اهل قولند و اهل فعل
 در میان ایشان بسیار نادر است همه بر مسند ها میگویند و بهجت
 و حق بر روی برآیند و گویند ما شیعه علم شیعه علی نیست مگر کسی که با
 علی نماید و فعلش تصدیق قولش کند و هم از اشیاء علم است که مرید است
 که افضل عبادت تفکر است و تفکر دو قسم است یکی تفکر در معرفت
 خدا و علم و فضایل این قسم از حدیث شرح بیرونست و ثمره آن در فضل
 از آن گذشت و تفکر در اسرار دنیا و اهل عبارت آن و بحاصلی لذات
 و مباحات این تفکر افضل است از بکشت عبادت که سبب هلاک در دنیا
 و آخرت می باشد و در عبودیت قصور آنرا ظاهر کند و محبت آنرا از دل
 بیرون کند و در امتثال آن لذت که داند و سوج طاعت و عبادت و لذت
 مساویست و هر دو شوق و شوق و معصیت باشد و هر کس دنیا پرست
 شود خدای تعالی در نظر او شکست و نیز معرفت مملوک داند و از دنیا

سلامت بیرون رفتن بدو است که در آن کمال است و امن و امان و محفل
نعمت و لذت و دانت ورود و حرام است بر هر که که حلال و حرام را بداند
ناجحت بی از وی برود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هیچ
در طلب حق که خدا فضل از خود در دنیا و آخرت بخت آن و هیچ کس
معرفت خدا و رسول و اهل بیت و علیهم السلام انقضای دنیا نبیند که
مؤمن از محبت دنیا خالی شود از محبت خدا بر شود و التفات به هیچ چیز
خدا و هر چه رضای خدا در آن یا بد کند یا حق که اهل دنیا گویند
دوران گذشته و چون در واقع کرده و حال آنکه محبت خدا در واقع کرده باشد
و هم آنکه محبت علیه السلام فرمود که از جمله سوار عظم القان باید شریک بود
که تو در دنیا با اهل بصری می بینی و در آخرت خود ندیده اند و عمل خود
و فاکون با اجر و وفا کنند و در دنیا مثل کوفتی می باشد که در آخرت
جرا کنند عین که فرمود و وقت گشتن باشد بلکه دنیا را مثل بالیوان
بر سر و فری که از آن بگذری و هر که بان حرم بگفتی و بلا که در اقامت
در پیش خدا استاده باشد و چه چیز از نور سوار است جلالت که چه عمل می
رساندی و عکس چه چیز که اندی و مال که از کجا که می و یکجا صرف
نمودی پس محتای جوابی از غم دنیا فارع باش و کمال خدا است
که در حرام است از خود غدا و در حلال از هم حساب و بگوید خیر و در
و از آن که نیست نه آنکه دست از حرام باز دارد و هر یک از این عمل را
دلت شود و با هر کس بقدر عمل حاصل نماید هر کس که خدا بقبل از وی را می

شود و هر کس با جاه و مال بسیار باشد عبادات و اعمال بسیار باید نمود
شیعیان خالص را در زمان دولت باطل هر چند به مشرق و غرب
روند زیاده از غریب نصیب باشد و هر چند کسی با ایمان زیاد و
معشیت بروقت بود که اگر تمام دنیا در پیش خدا اعتبار با آن کسی
شرعی ایلان بکار نمی چنانند فقرای مؤمنان به عمل خیر بیشتر
از غنیای ایشان در ریاضت بیشتر مشغول صحبت و لغت باشند
و لغت در موقف که قادر حساب باشند و مرید است که با صفت
منزاع است و بک علم سال و علم ایشان علیه السلام موعود است
که در مؤمن را با هم حساب آن که در فقر و غنی و در فقر و غنی با هم
که در منصبی است که عدل با جور کرده و در مالی داوری که جور با عدل
و زبده باشند نماید است می گوید و در دنیا بدین خلاق گشته
داخل است شود و غنی مشغول حساب کرده و آنقدر توقف کند
که از غرق شدن در شرب و طاعت دست بر حرم داخل گشتن شود و وقت
فقرش او بپند که بدین هر چه را در کردی که بد طول حساب که تمام
داشتند خدای تعالی هر یک عمل را می بخشد و عمل دیگر پیش می آید
تا آخر هر را بخشد و در محبت فرمود که بخت با نعم و مرید است که هر روز
قبالت فضل و در جات فقر باشد شود و هر که کند که کاش در دنیا
زیاده از غریب نباشد و هم از ایشان علیه السلام مروی است که فقر امانت
از خدا در دین است و هر که از ایشان دارد مثل اجر صائم باید و هر کس

خدا نیز از وی بقبل از وی را می
راضی شود

الطهارات بخالفین و ظالمین کند حکایت خدا بدین او کرده باشد اگر
بفرستی اظهار کند که قادر بر قضاء حاجت باشد و کند چنانکه او را
کشت باشد و روز قیامت خدای تعالی مثل کسی که از دوستی عذر خواهی کند
بفقرای مؤمنین که بر معرفت خود کم کم در دنیا غماز از روی حقارت
فقر کرده اند بلکه برای فضل و نوابیجات بگویم امر و بر بندگان که چون
تلافی آن کم هر یک از شمار اهتدا و مثل آنکه از ابتدای دنیا تا انقضا
آن دنیا داده ام عطا فرمایم و هر که در دنیا بشمار بماند و حساب کرده
دستش را گرفت و جای بهشت خواهد بود و همه از ایشان علیهم السلام است
که کاملترین مؤمنان در ایمان کسیت که خلقش بپایند و بعد از آن
جمع از خلق خوب نیست و صاحب خلق و خیر صایم و اجر عابد
باید و اکثر است بد و محصله اخل بهشت شوند قوی و حسن خلق
بکدام چنانکه آفتاب بخار و حسن خلق و برتر و جلیلی تر و عظمی
بلاد باشد و چهار صفت است که در همه کس باشد اسلام و کمال و کمال
خالص کرد و اگر چه مرا با کناه باشد و خدا از او راضی باشد آنکه بگوید
و فاکند و استغوی باشد و انقیاد و در پیش خدا و مردم می آید و با
خود و سایر نامشروع خلق باشد و خلق در عمل را فاسد کنند آنکه
که عمل را و هیچ جرم پیش خدا و شراره و جرم نباشد و یکی جرم عظمی
که بجزم رکنی و دیگری جرم عظمی که بجزم رکنی و یکی جرم عظمی و دیگری
مگر آنکه خدای تعالی در دنیا و آخرت عزت میفرماید و چون قادر

بر تمام

بر انعام باشد و خشم فرود بر خدای تعالی اجر شهیدی عطا فرماید
و روز قیامت دلش را ازین و امان و رضا ملوک و داند و هر که غضب
خود را حفظ کند خدای تعالی عذاب بر او قیامت از او برگیرد و عذاب
بپوشد و خدای تعالی در مناجات حضرت موسی علیه السلام است
در حال غضب می آید و کن نامن نیز در حال غضب با او گفت و غضب
هر شریعت و با نماند فاسد کند چنانکه سر که عمل را و چون دو کس
با هم نزاع کنند دو ملت نازل شوند و هر کدام که از ایشان که سفا
و ناخوشی بپوشد با او گویند هر چه گفتی خود لایق این و زود باشد که
جز این بیای و بآن دیگر که صبر و حلم و زود گویند زود باشد که کناها
آمریزد شود اگر حلم خود را تمام کنی و تو نیز مثل او صفت کنی و عفو
و جفا را هیچ مکافا و بهتر ازین نباشد که ایشان معصیت کنند و عفو
و طاعت نماید و هر چه از اخلاق دنیا و آخرت نیست که چون عفو
نماید که عفو کنی و اگر از تو قطع و دوری کند تو وصل و فزونی کنی
و اگر از تو غیر و غمستی محروم سازد و بخل کند تو جود و عطایای را که
با تو بدی کند تو نیکی و احسان فرمای و چون باین صفت آید
باشی خدای تعالی عزت بر او زیاد کند و محصله است که در هر کس
عمل و طاعتش تمام شود و در عی که او را از معصیت باز دارد و خلقی
که با مردم مدارا کند و حتی جاهل را دفع نماید و مدارا با مردم
نصف ایمان است و ولایت بایشان نصف زندگانی و هر که از ولایت

نصیب ایشان نصیب کسی که از این نصیب بیاید مگر آنکه نصیبش باشد و هیچ
کس از آن محروم نگردد مگر آنکه عاری و تنگش بود و جمعی که ملائمت و روزی
شود و زیان و سبع شود و چون از آن بی نصیب باشند خبر از ایشان
بناصیب باشد و چون دو کس با هم مصاحبت کنند آنکه ملا و ملا بمنزله بود
لحیرت عظیم فرزند و مر و بیست که اگر ملا بر خلق می بود که دید می شمع
خلق الحسن از وی بود و هر کس درستی نصیبش شود ایمان آن و بجزی که بود
و اگر درستی خلق بود که دید شود و هر چه چیز ترازی بود و هر کس را
خداوند تعالی تراشید خدا را بداند که داند و هر کس فکر کند او را بداند که داند
و روز بکرین مردم بخداستراضعاتند و در و برین متکبران برسیدند
که حق تراشید چیست اما علی السلام فرمود در جات بسیار است الخ
اینکه کسی در خود بشناسد و زیاده از مرتبه خود توقع نکند و با مردم
چنان کند که می خواهد او چنان کنند و چون با او بد کنند کسی دفع
کند خشم فرمود و عفو کند باشد و مرویت که از جمل تو نصیب
کرد در جلیلیت ترازی و خبر خود نشنید هر که بر می سلام کنی و در آن خصوص کنی
اگر چه حق با تو باشد و بخوابی که تمام حق و شاکست و روزی حضرت امام
رضا علیه السلام طعام طلبید و ملازمان و غلامان سیاه و سفید را
فرموده با هم بر یا خوان نشستند کسی گفت کاش خبری مایه برای ایشان
طعام جلد کند فرمودند خدا یک است و درین یکی و دیگر و باور یکی
و جزا هر کس عیشش باشد و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود که بیست

صفت از ایشان شود نام بر ای و چه با و خاد و دشت ضامن شوم
کند و از فقر نترسد و افشای سلام کند در عالم و ترک خصوصت کند که
مستحق باشد و از انصاف بگذرد و هر کس باضا باشد و با فقر در مال
موا ساه کند بحقیقت مؤمن باشد خدای تعالی عزیزش کرد و اندونیز
فرموده است در اعمال خصلت است انصاف و موا ساه و ذکر خدا در
حال زمین تنها سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله والله أكبر بگوید
و افعال خدا را بداند اگر رضای خدا در آن کند و کفر از آن بگذرد و هر کس
منصف باشد و غیبت مردم نکند در چیزی تا آن اولی خود ملک کند
و کسی را پیش از یقین تم و تاخیر نکند تا رضای خدا در آن نداند و سایر
عزیز خدا باشد و روزی که هیچ کس پناه نمی باشد و کسی فرزند بکرین
مرد مستحق خدا در روز قیامت کسی که در حال غضب است بخدا نشود
تا بر نبود است ظلم نکند و کسی که چون در معامله میان دو کس لطف
شود بیک طرف میل نکند و کسی که در معامله و منازعه انصاف حق
نکند و خدا بداند نیست که داخل آن نشود مگر کسی که اگر بغض
خود حکم حق کند و هر کس ایمان بخدا و روز آخرت دارد باید بگوید
و فاکند که وعده مؤمنان نیست که هیچ کفار ندادند مگر و فاکان
هر کس خلف وعده کند اول با خدا خلف کرده و منکر خطا گوشت
باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده از ما نیست کسی که
خطا کند و امانت جلدینق و خیانت جلدینق نماید و حضرت بخدا

علیه السلام فرموده اگر قاتل بدیدم شمشیری که آنحضرت با آن شهید کرده
بن بامانت بسیار در هر آنکه از ادا کنم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرموده اگر قاتل علی بن ابیطالب یا من مشورت کند و خبر دهد و شمشیری
بن بامانت دهد و من قبول کرده باشم هر آنکه ادا میماند که چهار صفت
که در هر مومنی که باشد خدای تعالی او را در اعلیٰ علین در بالا ترین غرضای
شرف و کرامت مقرر کند و آنکه کسی که بنم راد و بیاهم خود دارد برای این که باشد
و بیضعتا ختم کند و اعانت حوایج ایشان نماید و والدین را نفقه دهد و
ایشان ملائمت و ملاطفت کند کند و خدمتی که بملوک خود در هیچ
خود نیز مدد و اعانتش نماید **فصل چهارم** در بر والدین و تربیت
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که بر والدین روز قیامت بوقت وفات
تمام فرزند صاحب بزرگوار داشته داخل بهشت کند و روز قیامت حوالی
نجد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده و گفت جوان و توانا می
و جهاد دارم فرمود چه ادکون که اگر گشته شوی در پیش خداوند باشی و از
لغتهای بهشت منع باشی و اگر بگری بگری و فریاد بر خیزد باشد و اگر باز
گری از گناهان پاک کردی همچنانکه از مادرت گشته بودی پیش
یا رسول الله ما والدین من این اثر دارند و می خواهند در پیش ایشان
باشم فرمود باش که یک شب از ایشان با فخر است از یک سال جهاد
در راه خدا و نیز آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم همیشه بر دوا
روزی بخند آنحضرت آمد چون او را دید شگفته گشت و لحاف

خورد

و در روز قیامت آنکه از والدین خود در پیش خداوند باشد و از گناهان پاک کرده باشد و از گناهان پاک کرده باشد و از گناهان پاک کرده باشد

خورد و انداخت تا بر آن بهشت بر منجر گشت ملاطفت و شگفتگی
مینمود و چون او رفت برادرش آمد و بپای او نفرمود و انسیب
آن سوال کرد و فرمود آن زن بر شوهرش با والدین خود بیشتر از نیست کسی
بحضرت امام جعفر علیه السلام معروف داشت که پدرم بسیار پیر شده
چون قضای حاجت خواهد که با پدرم و شوهرم فرمود اگر قولین
خود مباشرت خدمت باشد که قولی تو حجاب باشد از آتش و دیگری
از آنحضرت سوال کرد که والدین من مخالفه هستند با ایشان چه
کنم فرمود یکی کن همچنانکه یاد و ستان و مولد ما میکی هر کس بابت
بر والدین باشد از دوزخ این باشد و بهشت مسکن کند
و هر کس عاق باشد از بهشت نبوی شود و در دوزخ ما وی
ناید و هر کس شکستن آن بر والدین کند و حال آنکه ایشان برو
ظالم نباشند نمازش مقبول نشود و چهار کس بوی بهشت نشوند
با آنکه بوی بهشت را از هزار سال راه نماند شنبه عاق و
قاطع رحم و پیری که زن ناکند و متکبر و حضرت سجاده علیه السلام
مردی را دید که بر پدر خود میگریه راه بر رفت بر و غضب فرمود
و با او حرف نزد تا از دنیا رفت و هم از ایشان علیه السلام مرویست که از
حاجه حقوق و والدین آنست که محبت ایشان را نیکویی کنی و کناری
که ایشان از تو چیزی سوال کنند که مستغنی باشند بلکه تصدداً بر ایشان
باشی همین که جان کنی چیزی می خواهند پیش از سوال مهیا کردانی و اگر

ترا بختانند ای کوی و اگر بفرزند بخانی بکاه عاکی و برای ایشان امرش
 طلبی بیا بکاه مبروی ایشان کنی سکران روی حجت مهربان و آواز
 برایشان بکنی و دست بالای دست ایشان نداری و بدش و ایشان
 مرفوع و نشستی و ایشان را بنام بخوانی و برای ایشان دشنام حاصل کنی
 و در مجال اطاعتشان کنی مگر در عصیت خدا و در خیال بفرمدا
 و ولایت کنی و اگر تو امر کنی که از اهل و مال بیرون روی بروی و اگر از
 رفته باشند نماز روزه و حج و صدقه و غیر آن از جو خیرات برای
 ایشان کنی و تو ایشان را بایشان هدیه کنی و هر چو کنی مثل آن برای تو نیز
 ثبت شود و کسی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسید که آیا هیچ چیز
 خدای حق و الدنیا باشد و نه هیچ چیز برای آن نباشد مگر آنکه بده
 باشد بخیر و آنرا دکنی و اگر دین داشته باشد و ادانای و هم آنحضرت
 علیه السلام فرمود که باشد کسی را تا م حیات و الدین با ایشان باز
 باشد و بعد از مرگ و دینشان را داد کند و برای ایشان استغفار
 نماید خدا تعالی او را عاقبت و کاه باشد در جنة ایشان
 عاقب باشد چون بعد از وفات دینشان ادا کند و استغفار
 باز نوشته شود و کسی بخبر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله معروض
 داشت که پیش از آنکه ما بسلام مشرف شویم دختر می داشت چون بمقد
 بلوغ رسید روزی و در آن وقت کرده بر جامی بر دم و در جام
 آیا گفتار داشته باشد فرمود مادر دست زننده است گفت فرمود

در این کتاب

خالوات زننده است گفت بلی فرمود با او نیز و یکی گفت که زننده مادر است تا گفتار
 آن شود و هر از ایشان علمم تکم مروی است که هر چه از زن و الدین بر ولد
 لازم است بد ایشان نیز لازم است باید با فرزند چنان سلوک کند
 که باعث بر او باشد با ایشان چنان کنی که سبب عفو شود و رحمت
 خدای بر والدین که فرزند را بریز خود دارند و لعنت خدای بر والدین
 که فرزند بر عقوق خود دارند **فصل پنجم** در صلح رحم مروی است
 از اهل بیت علیهم السلام که اگر چه حقوق دین صلح رحم است اگر چه کسی را
 باید رفت و اگر چه نسبت آب یا بسلامی باشد و هر که چیزی داشته بود
 تا صلح رحم کند هر که چهل هزار حسنه نویسد و چهل هزار استغفار
 بخواند و چهل هزار در جنت ذکر کند و از دین و اجر صد شهادت
 و چنان باشد که صد سال عبادت کرده باشد و صلح رحم دفع
 کند و حساب نیامد آسان گرداند و خلق نیک کند و بخیر
 بخیر گرداند و روزی غفر بدارد وصال زیاد کند و اعمال پاکیزه کند
 و سبب سعادت و بار و نیاید عمر باشد تا آنکه کاه باشد که عمر
 سال باشد چون صلح رحم کند سی سال شود و کاه باشد سی سال
 باشد قطع رحم کند سی سال شود و رحم پدرش او بخیر می گویند
 خدا با وصل کن رحمت خود هر کس بر او صلح کند و قطع کن آن رحمت
 خود هر کس مرا قطع کند و روز قیامت هم و امانت در دو جانب
 صراط ایستد چون وصل رحم و مؤدی نماید بکند در داخل

بهشت اندک کنند و چون فاطمه رحم و خابین مانند بگذرد سر از زمین
 افکند و بسا باشد جمعی که با جریا باشند چون با هم سواست و وصلت
 کنند سالنات بسیار و زلفشان وسیع شود و اگر و نیز گمان باشد که چون
 از هم فارقت کنند و قطع یکدیگر نمایند پشیمان گردند و بلاد و مسان
 شایع شود که کسی بخیر حضرت خیر صلی الله علیه و آله رفت که گفت خورشید آن
 با من بسیار دیدم مخالفت میکنند و دشنام می دهند من هم در آن
 نرسیده ام که فرمود اگر این کار کنی خدای تعالی عذابش را از تو کند و الله
 حجت خود قطع نماید و کسی بخیرت امام جعفر صادق علیه السلام از تو بای
 خود شکایت کرد فرمودند ما او را وصل کن گفت هر چند من را
 و بهر بائی یکم ایشان همان بدی می کنند فرمود پس بخیر او و هم مثل
 ایشان باشی تا خدای تعالی به هیچ کدام نظر نکند و بدی بخیرت
 آنحضرت رفتار نماید و آن وعده را که از کان شکایت کرد گفت خانه
 بر من نماند کرده اند فرمود صبر کن که خدای تعالی از ایشان نجات
 دهد و او را بکوبد و بالای حوادث شد که از ایشان هلاک باشند
 پس حضرت رفعت و آنچه فرمودم فرمود جزای آنست که با تو می
 حال از این صحتی که فرموده و همان سوار می گردند و گفتند بگو
 و نیز میروید است که هیچ کامی بر داشته نشود و دست و پایشان از کار
 یکی بصفی که در آن خدا را است و یکی جرحی که قطع رحم کرده باشد
 فصل ششم در حق جبار و ویرانست از طهارت اطهار علیهم السلام که از

حکایت

ماست کسی که با یکی از خود کند و خیر کردن با یکی عذر نداد
 و رزق بفرماید و سبب معوری دارد باشد و هر کس این بخدا و ملت
 دارد باید حساب از آن بخاند و هم از آن کرامی دارد و چون محکم کند
 خیر که با ساست باشد و هر که حساب از آن بخاند و نیاز از خدای
 تعالی و زقیامت عتلت و خطاهای او را عفو نماید و حضرت تعبیر
 صلی الله علیه و آله فرموده که چنانچه قدر در حساب را وصیت شود که چنان
 کرد که او وارث من خواهد که داند و نیز فرموده که ایمان من ندارد کسی
 که شب بخوابد و حساب از آن گرفته باشد و روز قیامت خدای تعالی
 نظر کند با او و در میان ایشان خامه گرفته باشد و حضرت تعبیر
 علیه السلام فرموده که خدا یار من رحم می کند بر کسی که پیش از آنکه
 بر سر را بر روی خدای تعالی فرمود که در جهات مرده می بودند برای او
 می کرد و اما تو بیا و نمی آری که فلان روز که سفندی خیم کردی و بر بیان
 نموده تناول کردی فلان حساب صایم بود با تو بخیر شدی بعد از این
 هر جاست و شام ساد حضرت یعقوب تا یک فرسخ راه نداشت کرد
 که هر که مرده باشد بخانه یعقوب بیاید و حضرت امام موسی علیه السلام
 فرمود و خیر حسابی که نیست که حساب را از آن یکی بلکه تحمل از آن
 از ایشان کنی و هر کس بکوبد زمین به حساب نیست که خدای تعالی
 آنرا تا زمین هفتم در روز قیامت طوق کرد و نشکند و هر که حساب
 بخاند بر وی بهشت بر و حرام شود و هر که در میان آنجا حساب

شما و بصره چند روز است گفت از خبر با اگر با موافق باشد پنج روز
از شکی هشت روز و غیره و چون بک بود در آن مؤمن بگویند و بگویند
و عهد ها تازه کنند که روز قیامت هر کس را که او در کار است که شهادت
بر پیش دهد و اگر صومعی بقصد زیارت یا برای حاجتی بخانه کسی رود
و او در خانه باشد و اذن ندهد در لعنت خدا باشد تا وقتی که با هم
ملاقات کنند و هر کس میان خود و مؤمنی حجاب یا فتنه گذارد و خدای
تعالی میان او و پشت هفتاد هزار باره نصیب کند میان هر دو
هزار ساله باشد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که شیطان
میان مؤمنان نزاع و فساد می کند پس خدا رحمت کند بر کسی که میان دو دوست
مالفت و اصلاح کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود میان
دو کس لایح کم دوستی دارم که دو دنیا طلاق نصیب کنم و فرمود چون کسی
از هم بر بخش مفارقت و هجرت کند یکی از ایشان نگاه باشد هر دو مستحب
لعنت و بد است از زمین شود که کسی جعلی الله فداک شاید یکی ظالم
باشد فرمود باید قصه خود را بنویسد و بگوید و غدا خواهد کرد و بخواند
که مهاجرت واقع شود هر هفته دو روز مقرر است که اعمال عباد را بخواند
تکاء عرض کند چون میان دو کس بخش و عداوت باشد اعمال ایشان را
و اگر از دنیا رفتی که صالح کند و چون دو کس از هم سر و نه هجرت کنند و صلح
و لایت اسلام در میان شان منقطع شود و وایستد که هر کس از
سر و نه هجرت کند و فرسخ با او طلاق باشد و هر کدام سبقت بصلح کنند

بجست کند و هر کس را صلاح میان مرد و زن سعی در اجتناب از شهید
باید هر کامی که مرد و زن که کوبیدن کمال عبادت فرستند با روزه روزها
و قیام شبها **فصل ششم** در آداب ملاقات و محالست عروبت
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که شما با وسعت مال یا مردم و بیای
بتکلف کی طلاق و وجه ملاقات کنید و صفت است که هر کس بیکی از آن
متصف باشد بهشت را و اول جایی باشد طلاق و وجه و انصاف وجود
در پیشانی و نیز مردی است که اصطناع معروف و حسن پیشانی
و خول بهشت و محنت و بخل و عبوس موجب قبول نارد و در آن
خداست اول ملاقات سلام است و مردی است که اگر کسی از اسلام
حرقت ندجو اینتر مگوید و چون دو کس بر هم سلام کنند میان
ایشان هفتاد و سه تنه شود شصت و نه حسنه از آنکه آید کند و یکی
از آنکه جوار یک بد و اگر کسی بوده که از اولین سلام کند چنانست
که نیده آنرا کند و ست است افشای سلام یعنی هر کس سلام کند
اگر ظالم باشد که سلام خدا بظالمان نشد بخیر ترین مردم
که در سلام بخیر کنند و بیت که شما که مردم در خوابند و خواسته بخانه
کند و با مردم بسلامت گفتگو کند و افشای سلام کینا سلامت
به بهشت روید و هر کس در سلام غنی یا موقر امتیاز دهد و عجب
خدا باشد و سلام را بداند و باید گفت تا بشنود و مگوید سلام
کردم جواب بخفتی که شاید بشنوا بدید باشد و چون جواب بدید

گویند تا گویند که جواب سلام گفتی و هر کس سلام علیه کرم گوید و حسن باشد که
و رحمة الله تبارک و تعالی بر او باد و اگر بر کافران و کفری باشد و اگر کسی
که سلام و دعای عطیه دعا کند کسی را که بگوید یا علی یا محمد یا
باشد که با هر کس جمعی از اهل اسلام باشد و چون بر او سلام کند ایشان جواب
گویند و کسی که ملک بر او سلام کند از خدا بسلامت باشد و سلام
علیه و بر حکم الله و عافا کم الله بگوید و او را نیست که سوره بر پا د
و استوار بر استوار و استوار بر استوار و استوار بر استوار و استوار بر استوار
بر کس و قلیل بر کس سلام کند و بر چند کس سلام نباید کرد و در این میان
و در و مجاهد بنسب و مختار شاعر که در زمان عقیقه الهی که در میان
و کسی که مشغول قضای حاجت باشد و زن و کس که در نماز باشد یا در حرام
باشد و چون سلام یا محبتی دیگر کند محبت که تلاقی آن احسن از آن باشد
و افاتش از آنکه جان قدس را در تلاقی کند و چون کسی سلام علیه کرم گوید آنست
که رحمة الله بر کافران و کفری باشد و اگر آنرا گفته باشد و بر کافران و کفری
و اگر آنرا بگوید این را تمام بگوید و وایتی دیگر آمده که در حضور
و علیک تنها نواز که قنایه و اما زیاده این مخالف سنت است و مروت
کسی بخیرت یا المؤمنین علیه السلام کرد لفظ و مغفرت و زنده
افزود حضرت را و زانی فرمود و اگر آن کسی سلام رساند جواب بگوید و علیک
و علیه السلام و انقباه و علیه السلام نیز مجزی بود و مروت است که جواب گفت
بفرستد جواب سلام و الحیبت و معنی سلام و جوابش نیست که تو ازین

و با خدای تعالی عهد کرد که غیبت تو بگویم و غیبت تو بگویم و چون دو بینم با هم
ملاقات کنند و صاحبان نمایند که انا هان مرد و برین مثل را با خودت
تا آنکه هیچ نماند و خدای تعالی بایشان نظر کند تا آنکه از هم جدا شوند و صد
چند ایشان فرستد و فرزندانش باشد که محبتش بیشتر باشد و خدای تعالی
با او صاحبان فرماید و آنکه بکشد بکشد و دست بکشد و دست بکشد و دست بکشد
از آن که بکشد تا خدای تعالی و صاحبان و ملاقات بعد از این
اگر چه برود و در حق بگوید یا چند کلام از هم جدا شوند و مروت است تمام
تحت برای مقیم صاحبان و تسلیم بر شافری و عاقبت است و چون در حق
معاقبت کنند رحمت ایشان را فرماید و چون در پیش هم وقف کنند و نشینند
و عرض یزید را بایشان نباشد و ملک و ائمه کنند که انا هان شما از آن
شد اعمال از کس برود و چون شروع در گفتگو کنند و گفتگو کنند و گفتگو کنند
بیا بید بکاری و بگویم که نباید ایشان را با هم سزی باشد و اگر خدای تعالی
بگوید که او را بکشد باید روی هم را ببرد و ببرد و ببرد و ببرد و ببرد
و طفلان صغیر را دوست بپسندند نباید مگر بفرماید و صبی او را ببرد
دیگر آمده که دست کسی را بپسندن چنان است که نماز برای او کرده باشد
یعنی نماز او کرده باشد و هر کس در مجلسی بماند که از آن بفرماید و بفرماید
شرد خدا و ملاک بر و صلوات فرستند تا وقتی که بخیزد و مروت است که بخیزد
کسی در هر کس که کند بفرماید که بکشد یا لا نشین و مروت است که بکشد و مروت
هر صاحبان که بپسندند که او را بخیزد و بپسندند و بپسندند و بپسندند و بپسندند

این دو حدیث قل الله اعلم ثم قال استغفر فی العلم باین زبان کرد که اگر عالم
باشد که غرض صاحب آن شخص مکلف است قبول نباید کرد و در اطاعت باید
چنانکه لفظ اکرام و عین شرافت بر آن و بهرین مجالس کدوی
قبیل باشد و مروری است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله حضرت می نشسته
یکی دویم زانو دوم آنکه ساقها از زمین بردارد و دستها را از پیشانی
کد باند بر ساعد کد سیم آنکه یک پا بر پای دیگر کد و واحدیت متعدد
آمده که بعضی غیبه طاهرین علیهم السلام باین هدایت نشسته بود که گفت
این وضع نشستن مکروه است فرمودند این قول یهود است که می گویند
خدای تعالی از خلق سمرات و از رخ نارنج شصتین نشسته است
کند من برای ملاست چنین نشستم خدای تعالی املالت نمی باشد
و مروری است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هرگز هیچ نشسته
خدای نشستن را دشمن دارد و مروری است که اگر یهودی بنشیند غشایی
او را اینکو کند و چون کسی داخل مجلس شود تعظیم کنید و جاکشاید
که تعظیم در مجلس بر کتف در وقت رفتن تعظیم میکنند و شایع و در
میان هر دو کتف من مقدار یک ذراع فاصله باید گذاشت که اگر ما از آن
نکند که و اگر در ثنای حرف و سخن را با یکدیگر است که روی او را
باشد و هرگز در وقت نشستن بگویند بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله
عنه و آله و اهل بیت علیهم السلام بر روی او کند که در آن مجلس و آن
کردن حفظ کند و اگر وقت برخاستن بگوید بر اهل مجلس سلام

کلاس

کتابشان از غیبت او منع کند و هر که بخواند از مجلس بگوید سبحان
رب العزیز مقا صفوت و سلام علیکم و بگویند والله رب العالمین
گفته آن مجلس باشد و بعد از هر نماز و احسنه باشد و خدای تعالی
که آنها را بشناسد که کند فصل در سکوت و کلام رویت از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که سکوت بابت آن احوال است و حاجت کند
و دلیل هر جز است شیعیان ما و لایال باشند و کجی حقیقت ایمان ایشان
نارسان از لغوه بند و نجات مؤمن در حفظ زبان است و باین کلید
هر جز است پس با فراموشی که هرگز از زبان راه بر یکدیگر نشستن
ناساکت است محسن نشسته شود و چون محکم کند محسن باینکه
کلام را از جمله اعمال خود شمرد در اعمالش خطابا باشد و غذایش
میتابد و هرگز کلام خود را از جمله اعمال ناسد محکم نکند و مکرر آنکه
نافع باشد و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه بر روی گذشت که
لغو بفرماید می گفت فرمود ای مردی که می گویند بگویند می نویسد و بگوید
تعرض می کنند ترک مهوره گویند و سخن کوی که لغوی در آن باشد
و شمره و از آنکه چون نام اعمال تو بر خدا معروف شود این از سخن
در رو باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بگفت من سخن هر جز است
کم که بآن داخل بهشت شوی گفت بل فرمود سخاوت بیشتر گفت
شاید من محتاج تر باشم فرمود مظلوم حضرت کن گفت شاید
عاجز تر باشم فرمود جاهلان از هدایت کن گفت شاید جاهل تر باشم

فرمود جواب زبان بر من که از خیر بعد از آن فرمود نمی خورای که این
صفات در تو باشد که ترا در بهشت بود و هم حضرت صلی الله علیه
و آله فرموده خدای تعالی زبان را عذاب کند که هیچ عصبی را نکند ^{بسیار}
که کلام از زبان بیرون آید که در مشرق و مغرب پهن شود و چون
بآن ریخته شود و فرجه های حرام بجهت گردد و سخن گفتن بخیال افضل
از سکوت و باطل و هر کس با نثر است که با نثرش پاکیزه شود
و مروتی که نماز و روزه و طول رکوع و سجود مردم فریفته شود که با
باشد آن عادی باشد که ترکش موجب حشمت باشد بلکه قدر عقل
و صدق کلام و ادای آمانش نظر کند و مروتی که با باشد که الله
را شکر کند که خدای تعالی او را از جمله صدیقان نویسد و بیایند
که انقدر دروغ گوید که از جمله کذابین نوشته شود و هر چند که
ایمان نیاید تا دروغ و اسطفا عمد و هرگز از او بگردد و کذب با نثر
خراش کند خدای تعالی بر هر شری قضا کرده و کلیه آثار را از او
گردانند و کفر بپوشانند از شرافت روز قیامت از هر کس سوال کنند
مگر بکنند یکی آنکه در معرکه جهاد با خصم کوبیده و آنکه بر اوصاف
بیان دو گفته شود سلامی که با اهل خود و بعد از آن داده کردن
آن نداشته باشد و چون کسی بین و الله که خدا قلا و انبیا مرز
خدای تعالی فرماید که است که از جانب من قسم بخورد که او را انبیا مرز
او را امر ندیدم و عمل این را باطل کردم و اگر کسی را گفتند با شماست

بر هر کس

بر کسش دهند اگر چنان باشد راست گفته باشد و کفر بکنند باز
کرد و اگر مروتی را بخش گوید خدای تعالی بر کسش از بخشش کرد و
بسیار و فاسد که دارند و قطره حشمت بریدند از زهر واد و اگر
در روی موی طعن کنند بر بدترین وجهی بر روی او را نماند
و هر کس بخیر از خود در بهشت حرام است بر هر فحاشی بجا آورد
نکند از هر چه گوید و با و گویند و مروتی است که چنین کسی را بخشش
کنی و الله از فایا شرت شیطان باشد و خدای تعالی دشمن دارد
فحاشی سخت گوید بدترین مردم کس که از قرین با نثر اگر اسکن
و محال نشد از ناخوش دارند و هر کس از زبانش برترند و نثرش
آنرا باشد و بدترین مردم کس که طعام خورد و آنها خورد و
منع کند و مملکتش بسیار بزرگ و بدترین کسی که بخیرش را بداند
و از شرش این نباشی و بدترین فحاشی که چون کسی پیش او نماند
شود و لعن کند و چون او پیش مردم مذکور شود لعنش کنند حضرت
صادق علیه السلام دوستی بود که هر کس از خدمتش مقارقت نمی
روزی در خدمت آنحضرت بر اهری فرشت غلامی او داشت چندی
نگاه کرد و او را بنیدم و بگوید نگاه کرد آمدن بود گفت یا ابن الفاعله
کجا بروی حضرت دست بر روی مبارک زده فرمود سبحان مادرش
دشنام میدهم تو خود را ستیغ مینوی معلوم شد که و عی نماند گفت
جعلت فدا الله او را شکرست فرمود باشد نمی دانی که هر قوی در میان خود

کلیه دارند که خود را از نماند دارند و در شوازمین روی کوی و بکر او را
در خدمت آنحضرت ندیدیم تا آن دنیا رفت خدای تعالی دوست دارد
مراج را که در آن فحش نباشد و مزاج حسن خلقت و سبب ^{نشان}
شود و کثرت مزاج با آنکه متعین فحش یا کذب یا استهلال و مجمل متعین
قدح و باطل باشد و قرار و آبرو و نور را بیان ببرد و سوزناستغفار و توبه
باشد و بیخوش و بکینه شود و گناه باشد که کسی که کوی که در مزاج باشد
بقدر مایه زمین و آسمان او را از بهشت دور گرداند و در روزگاری
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودی هر کسی که دروغ گوید از بهشت ^{نماند}
بعد از آن سه مرتبه فرمودی هر و کثرت ضحاک دین را بکلی از حجاب که
آن بیک را و آنکه میرد و رعایت دیگر آمد که هر کس که دروغ گوید از بهشت
دور از علقش رفت کند و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود با کسی
که خنده و لغزش بسیار باشد و رزق قیامت کوی را بسیار باشد و با
کسی که از بیم گناهان کوی را بسیار باشد در بهشت خنده و سرور و شاد
بسیار بود فرمودی صاحب علمای رسالت را از خنده و دندان نماند
وای که بسیار آلوده سیاهان زمین باشد از زمین حاد **فصل**
در اکرام و تفریق مؤمن و مومن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر
مؤمنی با اکرام کند اول خدا را اکرام کرده باشد و روی شیطان را
خراشیده و دلش جرات شود و هر کس بر روی مؤمن بکشد برایش
حسنت ثبت شود و اگر کثافتی از رویش دارد ده حسنت ثبت شود و اگر

عزیزی

مؤمنی بکشد و خداوند تعالی از رزق قیامت برای او حسنت ثبت کند
با او بخیر و از آنجا ملاطفت کند از رزق قیامت عطا فرماید و اگر کینه
گوید که خوش گفتی مؤمنی باشد و در سایه رحمت خدا باشد و از کثافتی
از راه مؤمن بردارد و لجر قیامت چهار صد آفرقان باید که هر روز از آن
ده حسنت و اگر مؤمن را بخیالیت تکایا طعام یا جامه یا سلام یا غیر
آن ملاطفت و اکرام کند بهشت از جاد را بکند که مکافات آن کند پس ^{خداوند}
تعالی از این نعمتهای تبارک و تعالی در دنیا هم کرده ام مؤمنی با وی
و چون روز قیامت شود فرماید هر و از اولیای مرا مکافات کن
پس هر و غلمان از بهشت بیرون آیند در دست طبقهای پر از
نعمتهای کوفه کون سرهای آن بار و پوششهای اول و جواهر پوشیدن
چون بهشت و نعمتهای آن است و علفشان بر و از کند و چون جهنم را
بیت از اهل آن دست نمالند و از آن کرد و بر آن جانب غرض نماید
بخشید که هر کس طعام بهشت بخورد و در رزق بر وی حرام شود پس است
و از آن گروه تناول کند و هر کس چیزی از بهشت بخورد که بدان عدد از آن
حت عطا فرماید و بخاد هم مؤمنان در طاعت خدا و حسن و قور
مکافات و بکشد بر خدای تعالی ببرد و آنجا باشد از رزق قیامت و هر کس
مؤمنی محاسن قید و تعظیم و تفریق کند از رزق و رزق قیامت کرد و اگر
با او استغفار کند و خدای تعالی که طی و مسلط گرداند که با او استغفار
کند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود از آن نیست که کسی که با او

ایمن م

و هر که در روز قیامت از این دعا بخواند
 خداوند او را از هر گناهی که خواهد
 بخشاید و او را بهشت را نصیب کند

و صغیرا ترجمه کند و هر کس مؤمنی فقیر یا غنی فقیر را بخیر کند خداوند تعالی
 او را دشمن دارد و تحقیر کند خداوند تعالی روز قیامت او را در میان
 خلایق رسوا کند **فصل یازدهم** در سرور مؤمنان و قضای حاجت
 ایشان و زیارت اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس عبادت
 خدا نکرده بخیر یا فضل از سرور مؤمن کرد ای نبی که با کسینش
 میکنی یا غیر آن و هر چند عظیم تر بود تو این عظیم تر باشد و هر کس
 سرور کند خداوند تعالی روز قیامت او را سرور کرده اند و خداوند تعالی
 خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم سرور کرده باشد همچنین اگر کسی
 آنرا رد کند ایشان را از رد کرده باشد و سرور مؤمن هزار مرتبه
 باشد خداوند تعالی در رضا حاجات بحضرت موسی علیه السلام فرمود
 که هر کس مؤمن را سرور کند در بهشت او را میر و حاکم گردانم و حضرت
 پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود دل مؤمن عرش خداست و هر کس دل مؤمن
 خورشید کند خداوند تعالی قریشی خالق کند که هزار بار دل داشت باشد و هر
 هزار بار سرور هر هزار بار سرور و هر روز و هر روز و هر روز
 زبان با هر زبان جز این لغت برای آنکه خداوند تعالی تسبیح کند و استغفار
 نماید تا روز قیامت و هر روز که مؤمنی در ملک جباری بود از جور
 و ظلم و کینه بیدار اهل شرک رفت مشرک را و احاطه کرده مهمانی کرده
 چون از دنیا رفت خداوند تعالی فرمود اگر مؤمن شرک نمی بود و یقیناً در بهشت
 جاسد ابد هم تا بهشت برتر که حرام است پس آتش و زنجیر فرمایند

که او را اهل زمان و بیترسان ائمه مسلمان و هر صبح و شام از قریش بفرستند
 را و هر کس بیدار کند قریش از بهشت آید حضرت ایا هم علیه السلام
 فرمود از هر جا خدا خواهد و هر کس دفع مضرت آید یا آتش از ایشان
 کند بهشت او را واجب شود و هر کس غنی شد یا از مؤمن بر دارد
 خداوند تعالی هفتاد و دو رحمت برایش نویسد یکی مادر دنیا بچند
 کند که امر معیشتش را با آن اصلاح نماید و هفتاد و یکی بر او ای اهل دنیا
 قیامت خیره فرماید و روز قیامت طعن خاطر محسن کرده و کس
 عورت و عیب و غنی پس شد خداوند تعالی هفتاد و عیبی در دنیا و
 بر او پس شد و هر کس قضای حاجتی مؤمنی کند خداوند تعالی روز قیامت
 هزار حاجتش را برآرد که اول آنها این باشد که او را فریاد و آشنایان
 و دوستانش را به بهشت برد اگر ناسبی نباشد و قضای حاجت
 مؤمن بهتر است از آنکه ده بنده آزاد کند و هزار است بر او خدا
 فرستد و افضل است از بهشت حج که در هر حج هزار در هر سفر کند
 و امانت دیگر آمده که باطل است از خانه کعبه شش هزار حسن است و شش هزار
 شیعه بخور و شش هزار در جبهه بکشد و در وایت بکوشد از اجازت
 برآورده شود و چون در پیش ملتزم رسد هفتاد و نازدهای بهشت
 برایش کشوده کرده و قضای حاجت مؤمن افضل است از جبهه
 و هر کس حاجت مؤمنی را برسد و باورسد و قادر بر قضای آن
 نباشد و او را این جهمت و دیگر شود خداوند تعالی بیست و یک و دیگر و در بهشت

عطا فرماید و هر کس حاجت می کند هزار هزار حسن برایش نوشته
شود که در آن میان اقربا و محبا یکانه بجای آید و آتش آبرو شود
و هر کس که کسی حاجت می بیند در آن حسن نوشته شود و سینه بخورد
و در سینه بلند شود و اگر آن حاجت در دست او برآید ثواب یک حج و یک
عمره و ده ماه روزه و اعتکاف در مسجد الحرام داشته باشد اگر نیاید ثواب
یک حج و عمره داشته باشد و روزی خیر و شایسته بر او جاری شود و در اعتکاف
بهر روز یک آیه از کسی که کایت کرد و التماس کرد که روزی از من با او گفتگو
کن حضرت برخاسته و آن گفتگی گفت باین رسول الله که فراموش
کردی که اعتکاف از این فرمود فراموش نکردم آنکه کسی حاجت می بیند
کند چنانست که در هر سال عبادت کند که روزی از هزار روزه داشته باشد
چنان برخاسته باشد و هر کس امانت می بیند که خدای تعالی عفو فرماید
و عفو فرماید که یکی در دنیا و هفتاد و دو روز قیامت که هر کس بجا آورد
و زمانه باشد و هر کس استعجزی که گفته بخانه یا مسجد یا حاجتی دیگر
ببرد بهر کس که ببرد و در بخت و عقوبت نباشد نبوده و ملائکه بر او ملات
فرستند و هر کس حاجت عاجز را کفایت کند خدای تعالی او را برکت
ارتقا و از آتش عطا فرماید و هفتاد هزار حاجت بر او برآورد و مستغفر
خست کرد تا انان کار فارغ شود و هر کس قادر بر قضاء حاجت می بیند
باشد و بخدای تعالی و بر فرمای عظیم تسلط کرده اند که او را بگویند
باشد تا روز قیامت بعد از آن که خواهد بخشید و کرده اند که اگر کسی

حاجت او را معذرت دارد و حالش بگوید و باشد و روایت دیگر آمده که
هر کس حاجت می بیند یا از خود یا از دیگری منع کند و قادر بر آن
باشد و روز قیامت رو بیاورد از چشم دستها بر گردن بسته شود
بر چنین او را پند گویند اینست که با خدا و رسول خدا خیانت کرده
پس از آتش افکند و هر کس قادر بر امانت می بیند باشد و بکنش امانت
دشمنان خدا شود و روز قیامت بر آن محکوم باشد و هر کس را خدای تعالی
و از فرمودن محتاج بشاید کند خدای تعالی فرماید ای ای که در بیند که بنده
من چون در خانه من بخل و روزی بفرست و جلال خودم که هر کس در دست
نکند **فصل دوازدهم** در ذل اهل عاصی و بی امان و بی امان و بی امان
پست عصمت صلوات الله علیه بر جمیع که هر کس با حکم و احضار استغفار و بی
اعتنائی که خدای تعالی روز قیامت با او استغفار و بی اعتنائی نماید
خدای تعالی هر دل نوری بفرستد چون کسی که کسی که در غلظت و در غلظت
رسد که تو بگو که آن ظلمت را ایل شود همان تو عود کند و اگر چنانست
میگرداند باشد و غیره غلظت نماید و شود تا تو را پیش و تمام دل سیاه
و ظلمت آید که در و چون مغفرت باشد چنین شود هر کس اصلاح پذیرد و بخواهد
نیاید و بیا باشد که بنده کنایه کند که خدای تعالی فرماید بجز خیر
که بعد از این هر کس بنابر من و بیا باشد که روز قیامت بنده بر یک کتا
صد سال حبس کند و اهل خیال و دوستان خود را پند که در روز
جنان مشغول نباشند و هر کس که غرض از ارشاد کبریه کند

کند و هر چه که برین اصرار کند کبر شود و خدای تعالی بر هر بنده چهل
پرده از رحمت پرشیده که کسی بر کنایان و غیر این اطلاق نیابد چهل
کبره کند پرده ها و برخواست شود خدای تعالی ملائکه را فرستد که در آنجا
خود او را بپوشند و اگر کنایان معاصی قیام میکردند ملائکه خدای تعالی
قیام کند و آنرا احسن بنده از خود بخواهد داشته باشد و این ملائکه
بالمهای خود را از دور در آید و بعد از آن شروع در بعضی عداوت
اهل بیت علیهم السلام کند و گناه و فسق است یکی آنکه اگر بنده آفریده شود
و آن گناهیست که خدای تعالی در دنیا عقوبت آن کرده و در آخرت آنرا
که بک گناه دوزخ عقوبت میکند پس آخرت آنرا بیا مرزد و دوزخ مقام اعیان
آورد که کسی در خطایم برکشی نداید یا حیوانی شاخدار و حیوانی بی شاخ
نزد که خدای تعالی البته مقام آن یکدیگر بنماید گاهی که کسی در از آن فریب
نماید و فریادان باشد و امید غفر و مغفرت داشته باشد حضرت امام علی
السلام فرمود ما بنده مثل خر و شتر و اسب و مویسم و امید مغفرت داریم و مال
معاصی در محال ایشان که قادر بر دفع آن نباشد نباید داشت که با او
غضب بعلیه بر ایشان نازل شود و او را بنده در آن میان فرو کرد حضرت
امام علی السلام یکی از اصحاب فرمود ترا در پیش فلانی دیدم آنجا هیچ کس نیست
او خالی نیست فرمود از عصمت خدای کند یا باید ترک ماکوف و منیوس
روی یا پیش آبی و ترک نماید که هرگاه آنچه او می کند من نمی چهر
دار و فرمود نمی ترسم که بر و غضبی نازل شود و ترایم با او بیکدیگر بیانی

مردی از اصحاب موسی که بدین اقوم فرعون بود چون فرعون بنیان
موسی رسید فلان مرد استاد که بدین خود را موعظه نموده بدین موسی
چون بدید بر بارید فلان بجهل گرفت و غرق شدند و خدای تعالی
تعالی جعل کرد و سر اخضر عذرا که چرا از محله اهل معاصی و بنده
نقل شد در دنیا بعضی معاصی منافی بپیل تفصیل
مروید است از اهل بیت عصمت صلوات الله علیهم چنان که هر کس را
آخرت و دنیا میسر شود اگر اختیار آخرت کند خدای تعالی از
راضی شود و دنیا را مالش بیا مرزد و اگر اختیار دنیا کند هیچ
او را نباشد که حجاب او را آتش شود و اول چیزی که سبب عصمت
خدایا باشد شریک است در دنیا و حبیبی است و حبیب طعنا
خوای حبیب است و حبیب است و کرک در دوزخ در کله بی راعی آتش
ضرر بخند که محبت دنیا و جاه و شرف و بزرگی دنیا و درین
ملعونست هر کس را است کند و هر کس را زده آن بنده کند و هر کس را هم
بخاطر کند از دوزخ و هر چه از دنیا باده بر قد رکفا فایان است و معصیت
حضرت علی السلام فرمود که گشت که اهل آن و دوزخ و بطیور
هلاک گشته و درین بکوره افتاده بود و بدین بدی بر آمده ایشان را
آواز کرد یکی از ایشان جواب گفت فرمود اعمال شما چه بود که چنین
شدید گفت طاعت اهل معاصی و حبیب و ناپاک مل و خوف قلیل عقوبت
از خدا و شغل و غلبه بود عاقبت شما چون شد گفت در عین غفلت

بودیم ناکاه خود را در هافر دیدیم و فرمودها و بیعت کردیم هرهای
آتش کبریا افریختند و هر چند تضرع می کنیم کجایا رید که ما را
بدینا بید نازد و زنجیر و طاعن کنیم میگوید دروغ می گوید فرمود
چرا بگوئی غیر تو جواب گفت گفت ایشان همه ایاتش انجام کرده اند
که حکم نشن اند کرد و من در میان ایشان بودم اما ایشان نبودم
همی در کنار چشم از ایشان دیدم خواهام افتاد با نجات و خیر امانت و هر کس
مال حرام گشت یا با فقر حرام خورد یا با جاه حرام پوشید هیچ طاعت از او قبول
نشود و فریضه و ناله و بقدان و زور و نوینند و هر چه از آن مال اهل
ماند تو ششم چشم از آن شد و هر کس بر او کند که مال را از آنجا تحصیل کند
خدا نیز بر او کند که آنجا که چشم و هر کس را مقدور باشد و از آن خدا
دست بردارد خدا و تعالی دو دست دارد و او رحمت خود را مملو کند
و از اهل برکت گرداند و نور چشم حرام هرگز از او در رکعت نازورده
باشد تا که مال حرام بر او است با مقتدا و قبول و خدای تعالی ابر
کرده کسی را که بر او دهد و کسی که بر او نگیرد و کسی که شاهد بر او باشد
و با هفتاد و چهار دست و پهل ترین آن مثل است که کسی با او در خود دارد
خدا را کند و یکصد هم با عظیم است از هفتاد و ناکه با خود باشد
عمره و خاله باشد و هیچ عبادت افضل از عفت و عین و فرج نیست که احرام
حفظ کند و هر کس از مال نیم نیم بخورد و عفت و عفت و عفت و عفت و عفت
در دنیا که خدای تعالی را بر او دلش لظا کند و او را در قوم در کس و آتش

جهنم و در هیچ خانه خیار نیست از ذی باز تا یا به غیر خیار است که اگر
برکت از آن خانه نایل کرد و در خوار شود و هر کس در آن شربت سکری یا نا
جبل و در غارت قبول نیست بلکه درین ایام نازک و غارتش
مضا عفت کرد و درین ایام نازک قبول نشود و اگر غیر در کافرا باشد
یکبار و میگوید یا شامد خدای تعالی از جرات و عی که در جهنم از فرج
زنان محراب با او باشد و اگر مردا و ست بدن کند مثلث برت باشد
و شرب و خوان و در قیامت و سیاه و از در چشم و غش کج شده لعل
و غش و در آن کشته پانی بر آنکت با بسته بخت این بیدانی که اهل
بخت و از هر چند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم ده کس در شربت
لبن فرموده کسی تا که از آن بنشاند و کسی که محافظتش نکند و کسی که بفرست
و کسی با شامد و کسی ساقی باشد و کسی برای کسی برده و کسی برایش
ببرند و با بیع و شری که کسی که قیدش بخورد و فرموده با شارب الخ حالات
سکند و در خربا و بیدید و از و بخورید و امانت با و بسیار بداند
مکشید و بجهنم از او حاضر شود کسی که حضرت امام جعفر علیه السلام
پرسید که مردی از عقیان و سالی شاست اما شارب بخورد و فرمود اگر بپوش
بدون آن سکند و هر کس شارب با سکر و بیک داخل عرقی از عرقش
خود خدای تعالی آن عرق را بصد و شصت دفع عذاب کند و هر کس
یکصد شارب با سکر می خورد و کسی که خدای تعالی او را انجم
جهنم با شاست و حرام است در جهنم که چون نزدیک آید هنوز بپوشد

نکند از شدت حرارتش رو بست اندازد و هر کس با بیس و کمرش را بکشد
 دیگر در آن باشد و چشمش کند روز قیامت صلی الله علیه و آله و سلم
 ترک کند برای خدا بلکه هر کس برای مصلحت خود خدای تعالی و را سکر
 کند و از حق محرم نباشد که شراب بنوشد از شرابهای است که خدای تعالی
 مشرب را با مثل مخموم ساخته و برای خود خود مقرر فرموده و از حضرت
 امام رضا علیه السلام را بشام بردند برید علی علیه السلام فرمود که اگر او شراب
 نکند و رویش خورند و بر روی آن شطرنج می بخت و فقام می باشد
 و در جام را بدین شست بر روی می بخورند هر کس بخت ما باشد باید
 از فقام و شطرنج بختنا بکند و هر کس چون نظرش بر فقام و شطرنج افتد
 و بریزد و الی این لغت کند کنا خاشر جمله مزید شود اگر چه مثل شاه
 "سمان" باشد و نیز رو بست هر شش ماه مبارک و رمضان خدای تعالی
 جمعی بسیار از آنرا داده کند مگر کسی که افطار بر مگر کسی کند یا صاحب
 شطرنج یا صاحب دعوی باشد و هر چه بآن قمار کند مثل آن بود
 و شیخ صدوق رحمه الله در کتاب من لا یضره الفقیه گفته اند و فرمودند
 تراست از شطرنج و داشتن شطرنج کهر است و بازیش ترک و تعلیم نگیرد
 مگر بعد و سلام بر کسی بآن بازی می کند عصیت و نظیر آلات آن مثل نظیر
 فرج مادر و هر چه بآن قمار کند مثل این باشد حق بازی آنکس و کرده آن
 و غیر آن و هر کس ضعیف ترند شیطان با او رفیق شود و ملائکه بگریزند
 و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویت که وقتی آدم علی التمام حیات

شراب

در این
 کتاب
 از
 علم
 است

نزد الملبس قابل بر صورت او شحات نموده با هم سیاه و و لعین خراج
 کردند بعد از آن فرموده هر چه ازین قبل چیزها باشد که مردم از آن
 ملتذذ شوند مثل آن بود و در خانه کسی که چهل روز بر طهارت
 فتنه نام برده است اگر در هر عضو خود را بر عضوی از وی گذارد و در
 بدین و بعد از آن غیرت و حیا از وی ابل شود تا حدی که زنانش را نکند
 و بر او نکند و از حق عود و امثال آن نفاق در دل رویا نکند
 آنکس که از حدیثی دیگر روایت شده که نکاح با عیال نکند و در آن
 دفع ترند و بشنیدن آن امر و غنا نیز نفاق رویا نکند چنانکه آب گناه
 و اصل این مجالس از عصیت این نباشد و دعا شان مستجاب شود
 و خدای تعالی را ایشان نظر کند و فرشته داخل شود و غنا از جمله
 چهار است که خدای تعالی فرموده که برای اصل آن عذاب بین مرتبات
 و در بهشت در خنیت که خدای تعالی با دارا کند که آنرا بر کف
 برین که هر کس مثل آن نشیند باشد مترجم شود و بدلی جمعی که در دنیا
 از غنا منزه باشند و کسی که بختنا بر نموده باشند از شنیدن آن محروم باشد
 و نیز مرویت که کز بختان مغنیه میفرزند و صلوات کبیری بر ایشان
 و پیشان اصل و پدر ایشان حرام و تعلیمشان کفر و شنیدن از ایشان نفاق
 و غیبتشان سخت است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده که کوشش
 کسی عبادت او کرده باشد بی آنکه حق او را از خدا کوید عبادت
 خدا کرده باشد و اگر باطل کوید آن شیطان کوید عبادت شیطان و لعن

بسیار نیز در مدح صورت حسن و زینت قرآن بصورت خوش و رخصت
ترجمه وارد شده مثل آنکه خوشتر است صورت حسن و هیچ چیز بدتر
نشد مگر با و از خوشتر مثل آنکه علم السلام از همه ناخوشتر و از خوشتر
امام اندکی از حسن صورت خود اظهار کند هیچ کتاب بخاری و غیره
سجده علیه السلام چون تلاوت قرآن میفرموده متره درین از حسن صورتش
پیشتر می افتادند و مثل آنکه قرآن بخیر نماند کشته بخیر نماند
کند و در قرأت قرآن ترجیح صوت کند که خدای تعالی او را
صوت حسن را که ترجیح و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله قرآن را
با لحان عرب بخوانید و با لحان اهل صوت فوق و کما یسجد
و بعد از آن جمع می نمایند که قرآن را ترجیح غنا و ترجیح کند و لهای ایشان
جمع کنند ایشان را خوشتر دارد بر کشته است و کسی حضرت سجده علیه السلام
سوال نمود از خیرین بسیار خوشتر از قرآن و قصوری ندارد و اگر خبری
و را میاد بهشت اندازد و نیز اخبار بسیار وارد شده که باکی نیست
مغنی که در عروسیها باشد در مثل زنا نیست که مردان برایشان وارد
شوند پس از مجموع این احادیث معلوم است که نغمه و وقیمت یکی
مذموم و حرام که غناست و قویمت و عقوبات بر آن وارد شده
مدح و حلال که مدح و رخصت در شان آن آمده انداد تحقیق
معیار حلال و حرام اقوال مختلفه گفته اند اما آنچه این حقیر از نظر
قرآن مجید و مجموع احادیث وارد درین باب استنباط نموده است

که معیار

که معیار حلال و حرام حق و باطل است اعنی هر نغمه و صورتی تصنع
و تصرفی که بدی و غفلت از خدا و رغبت بدنی و هتاهل
ولادت و بیوی و آرزوهای باطل و خیالهای فاسد و مجال باطل
باشد و مذموم و حرام است و هر چه بشا در وقت قلبی باشد و دل در
از دنیا و شهوات و شوق آخرت و باقیات صالحات و مجال حق
باشد مذموم و حلال است چنانکه بعضی جلالت مذکوره مثل امثال
قرآن بخیر و محو به و برکتش مردم از صوت امام علیه السلام و با لحان
عربی از لحان اهل صوت و یاد آوردن بهشت و رخصت که معنی
در عربی و ظاهر قرآن و سایر اخبار نیز غلبه مشاعر بر این اذان
جمله نغمه زغنائی حرام بلطف لحن و لغو و قول زود که در قرآن بسیار
واقع شده از آنجه اخبار بسیار که از ائمه اطهار علیهم السلام سؤال کردند
از غنا فرمودند و زغنائی که خدای تعالی حق و باطل را از هم جدا کند
در کدام طرف باشد باید گفت در طرف باطل فرمودند خود بخاک
و از آنجه که جمعی از امام علی السلام از غنا سوال نمودند فرمود شما
اتقوا که ایام باشد شما را باطل چکار است و الله اعلم ثم قال یسجد
فی العلم چون از آنجه استنباط آنکه آنچه در غنا گفته شده در سائر اقوال
چنانکه بعضی نقصان ترجمه کنند زیرا که اصل سائر مطلقا در دین
حرام است و هیچ یک از انواع آن را رخصتی نیست بخلاف آن که از خوشتر که اصل
آن حرام مقرر ثابت است در اصل آن حلال حرام هر دو هست چنانکه

احادیث مذکور و محبت در آن پس فرق میان حلال و حرام هر دو است
باینکه گفتند و عادت نموده و انباشته باشد آنکه صورت که اصلش حلال است
کاهی بالعرض حرام شود مثل آنکه مقرون با زوهار باشد و نظیر آن طعام
حرام است که اصلش حلال است بالعرض حرمت یابد چرا که کشته و یا بکشد
مصارف شستن صورت حلال و حرام نیست که در اکثر طبایع و اول و غیره
باطل است که اگر چه کاهی بعضی طبایع یا عیال است و آنست که چنانچه
معیا خوبی و بدی و طعم و در واقع نیست که اکثر طبایع را اول و آخر
آید یا بد یا بد و اگر کاهی بعضی طبایع را بر سبب آن بعد از عادت از طعمی
خوشتر آید یا بد معتبر نباشد و لحاظ بقدرت الهی و چون زن شایع
شود صورت نجاه و او را عجز یک قبل از آن در میان ایشان نبوده شایع
شود و زانی یا خدای تعالی شش عقوبت کند سه در دنیا که روز از رویش
برود و بفقر مبتلا شود و اجلس نزد یک کرد و سه در آخرت غضب خدا
و سختی حساب خلود و آتش و غیره و بیک سبب هزاره از جهنم می کشند
شود که اعمالهای آتش و عقارب حیات دارد و در آنجا آید و عذابش کند تا روز
قیامت بعد از آن بدو رخ رفت چون رو قیامت زمان محض شود
بوی و رغابت عفو شده از فرج ایشان آید که اهل محشر تا وی خواهند که
نماند مگر ایشان را هر کس و هر کس باز نماند محرم مکاتیب و بیک کار کرد
هزار سال و در آن محبت کرد و اگر در بر عیبت خود اطاعت کرد هر چه در
ایشان گذرد و گناهش مثل گناه مرد باشد و اگر چه بپوشاند گناه و نیز مردی

می شود و هر کس چشم از نگاه حرام ببرد خدای تعالی پنجاه سال از آتش می کشد
برق ناصح و در آیه و او را با شیطانی در شکار آتش کشند پس از آتش اندازد
و هر کس از زنان مردم عقیقت باشد مردم نیز از زنان او عقیقت باشد و
هر کس عقیقتان مردم رود مردم نیز از عقیقتان او بروند و هر کس مردم
معامله کند با او چنان معامله کنند حضرت سید جلال الله علیه و آله و سلم فرمود
با فلان طایفه از مردم عیب که در ایشان عقیقت بیند نه نشان بخشد
و هر کس با نظر بر زن ناصح افتد و چشم زد و بگوید آن زن چشم مردم زده
باشد خدای تعالی او را عیال عطا فرماید که لذتش در دنیا بدو از آخرت
برایش زیاده می نماید و هر کس لغو کند با زن حرام یا ببرد هیچ عیبی
از او مقبول نشود و از عقوبت اینها اهل محشر تا وی باشند و کافران
و براسبق و جریب نیست نه نیست کسی که با او لغو کند و هر کس را عذاب
نباخ و کشت چنانست که جمیع ناسی کشند باشد و جزایش جهنم بود و خدای
مقتل را از گناهانش بابت کند و همه را بر فانی نماید و مکتش برین مردم
از خدای تعالی کسی که کسی با با حق بکشد یا بزند و اگر اهل سزا است
و از حق مقتل سلی شایع باشد و بآن راضی باشد خدای تعالی او را
سزا نبرد و در آنجا بکشد و هر کس بکشد عانت قتل صلی کند و روز قیامت
از عطا الله خوف کند و هر کس با مؤمنی در حاجتش رفاقت کند و در آن
در آن ملاحظه نکند یا خداوند سزا و الله طهار و صلوات الله علیه بر آنست که
باشد و اینان در زیارت با او محبت کنند و هر کس سزا کاری برایشان

مرد و آنرا ضایع کند خدای تعالی و لضایع کند و هر کس را از طلب چیزی
اگر چه همین ده کس باشد و میان ایشان عدل بخند و رزقیات
مرد دست بپا بست و سر را رخ نارسا کرد و بجزایرند و هر کس را از
رحمت خویش بپایان روی نهان کند خدای تعالی و رزقیات از او
و از خویشش اعراض کند و اگر در کار سازی از ایشان هدیه بکند
گروه باشد و اگر در حکم میان ایشان رشوه بگیرد مثل این باشد
و او کسی که داخل جهنم شود پادشاه و حاکم است که باریت عذرت کند
و صاحبی که خرم مال داد کند و فقری که فاجر باشد و هر کس بر کسی
کند خدای تعالی و ایران در نفس با در مال و در واد و در واد
مراخذ نماید و ظلم در دنیا ظاهر است در آخرت و بر صراطی است که هر کس
با مظلومان نتواند گذشت و هر کس را کسی را بظلم و غصب بکند خدای
تعالی از روی رحمت بگرداند و هر طاعتی که از قبول نعمت او
نام علالت نکند تا آنکه توبه کند و هر کس را ظلم معذور دارد و بیگنا
کند خدای تعالی ظالمی را بر مظلوم آرد اند و در خیال که مظلوم باشد
دعا بشنود و در آن ظلمی بر وی شود و بفرمانش باشد و هر کس
اعانت ظالمی کند در گناهش نزاع باشد و با او محسوس شود و کسی که
در واکت کند ظلمی را بشنود یا کسی بفرماند و کسی که راضی بظلم باشد
ظالم باشد و خدای تعالی در زمان پادشاهی چنانچه بر پیغمبری و حق
که باین پادشاه بگویم که من زاید پادشاه گفتم که خون مردم میریزد مال

بگیری

بگیری بلکه ملک بشود و اده ام که بداد مظلومان رسی و من مظلومان
نخواهم گذشت اگر چه کافر باشند و هر کس ساطاتی را بر جور دلا کند
تا ظالمی مستور ظلم گرداند و در ورش و زخ قریب ها مان بپا بست
صیغ بجزند و ظلم کسی در خاطر نداشته باشد کناهان از ورش
آمریزد می شود و هر کس با مخالفین و ظالمین مقاربت کند و ملازمت
ایشان نماید خدای تعالی در ورش و هر چند بایشان بن بکند
دور باشد و خدای تعالی در ورش و هر چند بایشان بن بکند
و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود حقیقت بر خدای تعالی
که ثمار و از لغت با کسی فنی گرداند که نزد کافی با او کرده اید و کسی
از انحضرت علیه السلام پرسید که شیعیان از پیشتی کا هر کارها مثل
بنای عمارت و حفرت و باغبانی برای مخالفین می کنند و می گویند
و تمام کنیم دهند که برای ایشان مرکب فریبند و ملامتی فریبند
ظالمین و رزقیات در سر برده های ایشان باشند و فتنی که خدای تعالی
عباد بکند و هر کس صاحب طاعتی را برای طمع مدح کند و جهل
او باشد و هر کس بر صاحب طاعتی یا مخالفی در دین برای طمع نکند
افتادگی کند خدای تعالی او را ظلم کند و برکت از او بردارد و اگر
بان مال بچ یا عتیق بفریبد یا سار بکند بجز بداند از ایشان
روایت آمد که اگر مخالفین و اهل جور مال کسی ببرد یا بکند او در آن
سعی نکند که حلال باشد و روایت دیگر آمده که مال از ایشان نگیرد

محمّد باقر

بدست ایشان از این فقره ای شصت و هفت مرتبه شهادت باشد و کسی که
حضرت امام علی الهدی علیه السلام عرض داشت که مدتی در دیوان خواجه نصیر مکتب
کرده ام هیچ کفاره داشته باشد فرمود نه ناحق هر کس با صاحب فرستادی
و کسی که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض نمود که من در دیوان نجی
مدتی نویسنده بودم و مال بسیار از آن دستم آمد که چشمم زایل شد
پرسیده ام فرمود اگر ایشان نویسنده و خادم و چشم نیامد که ریاضت
یابند و حق بار اعطی کند گفت از آنچه کرده ام چیزی داشته باشم فرمود اگر
بگویم سبکی گفت بل فرمود و هر چه در آن عمل تحصیل کرده بروی ای
و هر کس اینها می چشاند بدن و هر کس اینها را می خورد و کس من را می
نویساند من بهشت شوم پس آن مرد فریاد کرد و حق تعالی را سپید کرد و بدست داشت
پرسید که تا آنکه ایشان در میان خود بدین قوت و لباس تو بگردند
و از آن وقت بعد از آن بهار شدن یکی از اصحاب آنحضرت کو به بهار آمد
و فرمود چشم باز کرد و گفت و الله که آنحضرت بوعده خود وفا نمود و در آن
پس خدمت آنحضرت رفتم همین که مرا دید آمدند که اگر کسی بلا زنت بخالین
و ظالمین بکشد و کفاره داشته باشد که قضای جویای نویسن و رفع طهارت
و اصاله تبع ایشان کند تا حسنه در برابر بسته باشد و چون نزل آمد
و منی شکر شایع شد خداوند تعالی ایشان محاربه کند و حضرت را
صلوات الله علیه بر سرده تمام اعمال او و جهاد در راه خدا در پیش
و منی شکر شایع است که کسی بر روی دریا می عظیمی کند و افضل از آنکه

نمود که و الله که بوعده خود وفا نمود و هم از ایشان
علیه السلام و در آن سال
۹۰

محمّد

حقیقت که در پیش جابر گفته شود و چون کمال و وزن نقصان کند بفر
و خط وجود و سلطان مبتلا شود و چون منع رگه کند زمین بجزایرت
و بیکان خود مثل زرع و ثمار و معادن کند و چون قطع احکام شود
بدست ایشان منقل شود و هر کس صورت حیوانی بسیار در روز قیامت
خداوند تعالی عذابش فرماید که در آن صورت روح بدید و نتواند و فرقی
کرد و میان سایر دواب و غیر آن مشهور است اصلش در حدیث معلوم است
و هر کس غضب بر حق تعالی باشد بقدر سلام از او تخطی و با اهل جاهلیت
عشر بخورد و هر کس بخاری از وی غضب بخشد می کند که او را بشمارند
تعالی غضب خود او را برساند و هر کس یک روز کذب را نثار باشد و لیاقت
نشود و متکبران روز قیامت بصورت من عیسی و فرشته و اهل عشر
پای ایشان گذاشتند و با یال باشند تا خدای تعالی احسان بفرستد
شود و در جهنم من حیث برای متکبران که شرف نام آنست از شد و حرارت
شکایت کرد و از آن خواست نفسی کشیده نفس را تمام جهنم سوخت و نفی
و کسی صاحب خود را می کشد تا جهنم ابله بخورد و خود گفت نفی حسد و میان
ایشان افکند که بر او است یا نه از چیز نفی و زیاد می چیزی بخورد و مگر آنکه خداوند
ذلیلش گرداند و حسد را با او بسوزد چنانکه آتش جبر را و هر کس بعد از خوردن
عصیان در دلش باشد با کفار جاهلیت محشر شود و هر کس گفت کند بر حق
ایمان آورد و در حق تعالی خود را فاضل از خلق است و روزی کسی رحمت حضرت
امام محمد باقر علیه السلام گفت سرافراز و صاحب علی و در تو خود بزرگ عزیز

فرمود چو منتهی بهایم فی خدای تعالی بایمان بلند گردانیده هر کس باشد
و بکفر و کفران گردانیده هر کس کافر باشد و هیچ کس را بر کفر نمی شود مگر بقوه
که با هم هم دور و در میان معاشرت کند و ز قیامت او را دور از آتش
باشد و حضرت ابا بلقیه علیه السلام فرمود اگر نوکر و خدعه و جرم می بود
آنکه کس کار خیری ببرد و مرویت دهد عیب نیست آدمی را که عیب مردم را
پند و از عیب خود چشم پوشد و عیب کند دیگر را بر صفتی که خود در آن
آن نتواند و عیبش را بوسیله بر بخاند و نزد دیگرین صفات بکشد
که عیب خطاهای مؤمن را حفظ کنی تا روزی بران سر زنی بفرستی
و بفرستی که هر کس در عیب بپایان باشد خدای تعالی در عیب او باشد
تا رسالت کند حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده جمعی عیب بسیار داشتند
چون از عیب مردم خاصش بودند خدای تعالی مردم از عیب ایشان
خاصتر کرد تا آنکه مردم عیبی از ایشان در میان مردم نبود و چون
هم عیب داشتند عیبی بود مردم کردند خدای تعالی عیب ایشان را اظهار
نمود که زبانی مردم افتادند از دنیا رفتند و هر کس بدی و عیبی
از کاشی کند چنانست که خود آنرا کرده باشد و هر کس عیبی را سر زنی کند
مرویت که مؤمن از نور علم و جلال خدا بخوار گشته هر کس بر طغی و
کند بر خدا کرده باشد و شراب شیطانی باشد و دست اگر کسی بر زمین
طعن بد بدترین و جرم بزرگ و هر کس از مؤمن چیزی را بکشد که باعث
خفتن او باشد خدای تعالی او را از ولایت خود بیرون کند و ولایت شیطان

شیطان

و شیطان نیز قبولش نکند و هر کس در معصیت مؤمن نهامت کند از دنیا
نرود تا آن سبلا شود و هر کس مؤمنی را عیب کند چنانست که کشت
مشته او را بخورد و در روز قیامت از دهنش بوی آید بدتر از بوی جیفه که اهل
عشیره از آن مژده می شنند و از جمله آنان باشد که خدای تعالی فرمود
جمعی که می خواهند معصیت در میان مؤمنان شایع شود لعن الله
الجمعه و لعن الله من غیبت مؤمن بشود و قادر بر لعن است باشد
و بکند خدای تعالی در دنیا و آخرت را لعن کند و لعن الله من غیبت کند
و کنا حق را در حق و کنا کس را کنا باشد که غیبت کرده و اگر امانت کند
و غیبت باز و دفع کند خدای تعالی از رفیع بدی مردم دنیا و آخرت
از دفع کند خدای تعالی هر که از رفیع بدی مردم دنیا و آخرت
گرداند و غیبت آنست که صفتی که در او باشد و او خود پنهان دارد
و مردم پنهانند که کند و اگر خود پنهان ندارد و غیبت نباشد و اگر
صفت در پنهان شد پنهان باشد و هر کس مؤمن یا مؤمنه را پنهان کند
روز قیامت بر سر فلان آتش نگاهش دارند نقد که از کناه پاک شود
و بهشت حلیم است به کسی که غیبت مؤمنان گوید و خود چینی کند لیکن
ایشان فتنه کنند چه با کسی را بختیم بد و از خیم خیم بیایند که اهل
جهنم تا له و فغان ایشان زاری کنند و گویند ای پنهان چه کردی که ما را
باین عذاب آید و بیکت پنهان گویند آنکه در تابوت آتش افتد
کسی که سزاوار مردم گردنش بود او را اندوه و اندوه او کردن هم کند

و انکه در دهاد نزل کند بخند و روان شده از بول اجناس و مالات کرده
و انکه بزرگ بخون از عفت و انانیت من مردم حکایت میکرد و ایشان
قتله می کردند و انکه گوشت خود را بخورد و غیبی نمی میکرد و کسی
با مریضان بد همان باشد ایمان در دلش بگذار و مثل شک در آب
موشی از حاکم برساند و از آن حاکم ضرری با و نرسد و از آن جهت باید
و اگر ضرر برسد با فرعون و آل فرعون در جهنم باشد و اگر باز بماند
از خدای تعالی تا نماند از آنش بر و رفت و اگر طایفه بخند روز قیامت
اعضایش از هم جدا گشته و بر دستهایش گذاشته بخور شود تا بجهنم
رود مگر آنکه بزرگ کند و هر کس تا زبانه یا چیزی در دست گیرد و پیش حاکم
جابر باشد و خدای تعالی آنرا از دهنهای کند که طرش هفتاد ذراع
باشد و در روز قیامت بر و صلوات کرد اند و خدای تعالی فرمود هر کس
مستخرج قندهار دروغ شود از رحمت من فیضی باشد و هر کس
نرسد قسم بغیر خدای تعالی خورد و قسم بخدای تعالی نبرد ^{مطلب} برای هر
سهلی اگر چه راست باشد نشاید خورد که موجب تخلف و عفت
آنجاست تعالی عز و له و هر کس حق مومنی را حبس کند و بی عدالت
ناید برکت رزق بر او حرام شود و هر یک روز که تاخیر کند مثل و در
بر و نویسد روز قیامت باشد سال و اربعه پای از دهن او آتش
روان شود و سادی نذر کند که اینست ظالمی حق مومنین را حبس کرده
پس چهل روز و پنجش کند پس آتش امر فرماید و هر کس نیت دای

مومنین نداشتند باشد مثل دزد و حرامی بود و همچنین کسی که ترک
زکوة کند و کسی که مهر زنان را ببرد و کسی که نیت دای دین داشته
باشد و در ملک از جانب خدا و مویکل شوند که محافظت کنند و ^{عانتش}
نمایند و اگر نیتش دای دین کوتاهی کند ملک او نیز بقدر آن در
اعمالش کوتاهی کند و چون کسی در راه خدا کشته شود قطره اول
که از خورشید بریزد کفایت کند که عاقبتش باشد مگر دین که کفایت ندارد مگر
ادایات با آنکه صاحب حسن ملائکه کند یا کسی بدهد خود کرد و صاحب
راضی آن شود و هر صاحب نی که طلبکارش از پیش او راضی برگردد و تا
زین و مایه در یاب و صلوات فرستد و اگر از زده برگردد و حال آنکه قادر
باشد هر ضیاعه روز که حق او را حبس کند ظالمی و فرشته شود و رضای
اینست که اگر مقدر باشد عفت او کند و اگر مقدر نباشد بدایت
و هواری عدل خواهد کرد و هر کس را بجز در بحر قسطنطنیه کشتن بجوی
بر حرام شود و هر کس را از نماز جمعه منع کند که عاقبتش بر و باشد و اگر
مافق نشود در نماز شریک باشد و بعد از عورت دادن بپوشید باید بود
مرویت که هر روز عرق خشک نشده باشد که اگر این را بدید و پیش از آنکه
بپوشد و مفاطمه کند کار نباید فرمود و هر چند گوید هر چه عید ازین
و ضایعند هم و تا یکد بلوغ درین وارد شده و هر کس شهادت نامحرم
با سناقتین در درک منفصل جهنم زیانش بیاورند و هر کس که ^{هد} شهادت
کند خدای تعالی در میان اهل محشر کوشش را با و بخورند و زبانه بخورد

می خوانید باشد تا بجهت مردم و خوردن کل بر سر هر کس است و هیچ
 کند و قوت ساق و قدم میرد و از عباداتی که پیش ازین می کرد هر چه درین
 وقت بی ضعیف نقصان باید بدین حساب و عذاب کنند و هر کس دوست
 خالق اطاعت مخلوق کند و رضای او جوید از دین خدا بیرون رود
 و خدای تعالی بپایان که هر کس محبت بکرد و دوستی کند و مؤمن نگاه
 کند بهر است از آنکه بعمل و عبادت بخیزد و در آن چنین بودی خدای تعالی
 هر کس مؤمن را بکنه استلا کردی و حضرت امام علیه السلام فرمود عابدی
 و فاسق با هم مسجد رفتند چون بیرون آمدند عابد فاسق و فاسق
 صدیق بود زیرا که عابد عبادت می کرد و فاسق فاسق است و معصیت
 خود می ران و پیشانی بود و استغفار می نمود و نیز فرمود عالمی از عبادی
 پرسید که عبادت تو چیست گفت کسی از مثل من سوال عبادت کند
 می چندین سال است عبادت کنم پرسید که می ران چیست گفت از خیر و بر
 عالم گفت که خندان و نرسان و مصاحبه می بودی بهتر از آن بود که
 و کریان باشی چون کسی بعمل خود مشغول می شود راضی شد هیچ
 عملی را قبول نشود این بود که بعضی معاصی را بداند آن و بعضی
 نیز در فضول سابقه گشت و بعضی نیز در مباحث خود انشا الله تعالی
 فرمود بسم الله الرحمن الرحیم در دوای معاصی
 و سیئات مروت است از اهل بیت طاهر علیهم السلام هر کس را در اوبیت
 در دوای غیبت استغفارات و استغفار بهتر از دعاهاست که آنها را

بریزد

بریزد مثل برکت از درخت هر کس استغفار بسیار کند تا نامه عیش را بوزن
 و در بخشان بالا بریزد خوشا کسی که روز قیامت در نامه عیش بازی
 هر کس را حق استغفار کند کسی بخیر است امام محمد باقر علیه السلام عرض نمود که مرا
 چیزی بقللم فرماید که چون بآن عمل کنم در دنیا و آخرت با شما باشم فرمود
 انا انزلناه بسیار بخوان و استغفار را با استغفار تو تازه دار و بین
 از ایشان علیهم السلام مروی است که هیچ شیعی بنی از نوبت کسی که از کناه
 نوبت بچنانست که کناه بخورد باشد و خدای تعالی نوبت بد خود
 بیشتر از آن فرجال و شادمان شود که کسی سفره شب تار را در اول
 خوراک کرده باشد و بپای کسی که نوبت توضیح کند یعنی بعد از صبح
 خدای تعالی او را دوست دارد و بجهت خود پیوسته و کناهها را شست
 دارند تا روز قیامت هیچ چیز نماند بر کناه او نهد و اگر بکناه مصور
 باشد و نوبت کند و استغفار بسیار کرده بآن بچنانست که خدای
 تعالی آنرا کرده باشد و خدای تعالی به نعمت توبه کند کانه عطا فرود
 که اگر یکی از این ائمه اهل آسمان و زمین عطا فرود می بخشد
 یکی آنکس از دوست داشته و هر کس را خدا دوست دارد عذاب نکند
در دوای معاصی و جمله عیشت از سروده برای ایشان استغفار کنند و دعای
 ایشان را البته اجابت فرماید بستم الله و عده فرموده که سیئاتشان را
 بدل فرماید و همان ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس را که هم مقدار شود
 پس خندان بیاد آورد و از ملائکه کاتبین شرم کند و آنرا از کتب کفر

از این مسکن بیرون برود و با
 اعضایش و مکانی که کناه کرده
 امر فرماید تا کناهها را شست

مهری باشد

امروزه شود و اگر چه منکاه تمام حق و انبیا باشد و هر کس عیبی کند
در دل از خدای تعالی بزرگوار بداند که خدا قادر است عقوبت کند
بیاورد و بپوشد و اگر استغفار کند و چون مؤمن کناه کند آنرا فراموش
کند اگر چه بعد از هفت سال باشد یا دارد و استغفار کند امر نیک
شود و چون کافر کناه کند و بپوشد و فراموش کند حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام فرمود که گاه باشد که خدای تعالی بکناه منبذ را
بهشت برسد کسی برسد یا حضرت چون شود که کناه موجب بهشت باشد
فرمود کناه کند و پیشانی شود و عیبش بران باشد و با خود دشمن شود
و خود را عیبی قوی کند پس خدای تعالی بر او رحم کند و بهشت برسد
و هر از ایشان علم السلام مرویست که هر که یک روز کناه کرد
که یک قطره اشک در پایهایش افروشد اند و اگر کسی بر آن می کند
خدای تعالی بگوید و این است رحم فرماید و اگر اشک در چشمش
غبار مذلت براند و رویشند و اگر روان شود خدای تعالی بر او
بر آنش حرام کند پس هر قطره مثل گوشت است فرماید و هر قطره
در بهشت چشمة آب عطا نماید که در اطراف آن شهرها و قصرها باشد
که هر شجره بزرگ و کوچکی باشد و بظاهر هیچ کس نگذشته باشد و هیچ قطره
پیش خدا در شتر از ده و قطره نیست قطره خون که در خدا بریزد و قطره
انگی که در شتر از سر او بچکد هر شجره روز قیامت گردان باشد
مکان چشم چینی که از خود خدا گردیده و چینی در طاعت او بخوابد

و چینی

و چینی که از حرام پوشید باشد چینی که از خود خدا بگوید و غماشانی فرج
اعلی باشد که چینی ایشان در آنجا شایک نزد حضرت بشیر بحضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله و اطهارین بود و چینی
و عیب هر کس محافطت نماید از خود فراموشی خدا کفر بسیار است
که هر قطره از عذاب و بهشت عطا فرماید و هر از ایشان علم السلام
مرویست که اگر کسی شانه روزی چهل کسر از و صادر شود پیشانی
بگوید استغفر الله الذي لا اله الا هو القوي القهار التوراة و الا
و ان لا اله الا هو و اسأله ان يغفر لي عني و ان لا يغفر لي
من عني و ان لا يغفر لي من عني و ان لا يغفر لي من عني و ان لا يغفر لي من عني
از چهل کسر کند و اگر کسی هر روز صد مرتبه استغفار بگوید
کناش امر زنده شود و کسی که هر روز زنده از هفتصد کناه کند
خیری در وی بود و نیز مرویست که هر کس بگوید استغفر الله الذي
لا اله الا هو القوي القهار و ان لا يغفر لي من عني و ان لا يغفر لي من عني
فرار از جهنم نموده باشد صالح یعنی از جهنم باشد که اعظم
کبایه است و نیز مرویست که هر کس بگوید اغفر لي الله
الذي لا اله الا انت خدای تعالی فرماید ای ملائکه من میداند
که کناش را بفرستد کسی فراموش کرده باشد که او را امر زنده کسی
در خدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله از بسیار کناه
کرد و فرمود سجده بسیار کن که عجزه کناه را بریزد و چنانکه با در بر

از درخت و روایت دیگر آمده که بیک عجب خطبه میخواند و در خطبه میگوید
مرویت که کسی را حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه استغفار
انحضرت فرمود ما درت بر تو بگریه میدادیم استغفار کلام است استغفار
شش شرط دارد اول آنکه از کرده پشیمان باشی دوم آنکه غم داشته باشی
دیگر رجوع کنی سیم آنکه حقوق مردم را از تو نپاوری و بپوشش تو مطلق نباشد
چهارم آنکه هر فریضه که در آن تفسیر کرده تلاوت کنی پنجم آنکه که شریعت را حرام
در بدنت رسته نغم و اندوه نگذاری تا بپوشش بر استخوان چسبند و در آن
میان کوبت نازد و فریاد شستم آنکه بدو الم و مشقت طاعت بخشای چنانکه
لذت و راحت محبت چنان بدو چون باین شرایط عمل کنی استغفار کرده
باشی و میباید دانست که اگر کلاه حق الناس را نباشد استغفار و توبه در طلب
کافی نباشد چنانکه حدیث با معنی در فصل سابق گذشت که فرمودند
که اموال مردم کفاره ندارد مگر آنکه هر کدامش را حقش را بر صافی و هر کدام
نیشناسی از جانب او قصد و کنی و نیز کسی از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام پرسید که اگر کسی با جاره دیگری زنا کند توبه از چیست فرمود
آنکه دیگر این عمل مخفی و از صاحب جاره معذرت خواهد و الناس
که کار را اسلاف نماید گفت اگر حلال بخد چون باشد فرمود زانی و زانیه
باشد گفت پس چه خواهد رفت فرمود شفاعت پیغمبر صلوات الله علیه
و شفاعت مائمه کما هان شوا و فاکند تا مائمه بر شفاعت حرکت بکنند
کسی این عمل کند و الله که عالم و عذاب هول جهم فرموند شفاعت

در نیاید و امثال این احادیث بسیار روایت شده و نیز مرویت است
که اگر کسی نفاق ظالمی کرده متواند برای مظلوم استغفار و طاعت
کند کفاره آن باشد و اگر کسی غیبت کرده باشد هر مرتبه که خطبه
رسد برای استغفار کند کفاره آن باشد و حضرت امیرالمؤمنین
صلوات الله علیه فرمود با کسی که طلب توبه کند و دستش بر آن زمین
آنت که ترک کنایه کنی و از پیم نپذیرد فارق باشی و لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم **باب دوم** در تطبیق بدین و جامه از کفای
و اجابت ظاهری و تطهیر جسد و دل از کدورات و احداث
باطنی و این مجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود **فصل اول**
در فضیلت نظافت از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه مرویت
که فرمود پاک کنند بدن و جامه را از این های بد که خدای تعالی دشمن دارد
کناف و بوی بد را و نیز فرمود شستن جامه بگریه میبرد و جامه از بوی
نماز پاک میکند و از اهل بیت طهارت صلوات الله علیه جمیع مرویت
که پاک کردن جامه و بدن از کثافات از جمله خلاقی انبیاست **فصل دوم**
در ادب حمام رفتن و آنچه در آنجا باید بجا آورد از اهل بیت عصمت
مرویت است که چون در محل حمام شوی یا چوبی بپوش کنی و بگری سیم و
بگری اعوذ بالله من الخبیث الخبیث الشیطان الرجیم و هر کاری
که در حمام یا غیر حمام کنی از نشستن و برخاستن و غیر آن هر چه باشد
بسم الله بگویی تا از شرک شیطان بمن شوی و در وقت غروب و قیام

انگشت بزرگ راست شود و از حضرت امیر المؤمنین صالوات الله علیه
 مرویست که اگر انگشت کوچک راست بعد از آن انگشت میان ^{از آن}
 بزرگ بعد از آن پهلوی کوچک بعد از آن سبابع و دست چپ
 انگشت بزرگ بعد از آن میان بعد از آن کوچک بعد از آن
 سبابع بعد از آن پهلوی کوچک و دست است شارب بسیار و گرفتن
 تا آنکه رابری شود و ریش رابری را گرفتن مرویست که بحیران
 شارب را در آن کند و ریش رابری را بگیرد و شارب را در آن کند و رابری را
 شربتیزید و این که مشهور است استحباب گفته برای ریش اصل این
 از احادیث معلوم نیست بلکه در حدیث همین قدحست که
 زیاده از قبضه نباشد که زیاده در آتش باشد و موی عقب را
 کنند مکره است روایت شده که موی سفید را سلام نور است
 در روز قیامت و گرفتن موی پیچیده را بفراید و نباید کردن که آن
 ضعیف کند و مستحب است گرفتن ناخن و موی از هر جای که
 و خون در خال **فصل چهارم** در فضایل خضاب و فایده متعلق
 بان از ادب اهل بیت طاهیرین صالوات الله علیهم اجمعین مرویست
 که یک درهم که صرف خضاب شود افضل است از هزار درهم که در راه
 صرف شود و چهارده خضاب در خضاب است بوی مانع ببرد
 و برده چشم را دهد و مانع از املا می کند و بوی خوش کند و کشت
 دندان سخت کند و بیماری و لاخر میبرد و سوسه شیطان کم کند

و ملائکه خوش شوند و مؤمنان را خوش آید و کافران را غمناک کند و فرشت
 بفراید و خوشبوی باشد و مان از عذاب فرمود و سوسه و بکرا و سوسه
 دارند و در روایت دیگر آمده که آب و پی بفراید و باه قوت دهد و فرشت
 بکشد و خضاب که در دین و غیره بخواند است و اسلام بسیار میبرد
 اسلام و ایمان و سوسه و شستن و محبت زمان باشد و ^{استحباب}
 که زمان سر را خضاب کنند و حیض بشیر را بکشاید و دست باید آغوش
 خالی نباشد اگر چه همین باید درون تنها خواه شود و آشته باشد برای
 نیت و اگر نداشت باشد با پیر باشد برای آنکه دست ایشان نیست
 مردان شود اما استحباب خضاب است برای مردان چنانکه مشهور است
 از احادیث معلوم نیست بلکه از بعضی احادیث است تمام که آن شی
 چنانکه از حدیث مذکور حدیث دیگر روایت شده که مردی ^{است}
 خضاب که بخندست یکی از حضرت امیر طاهیرین علیه السلام
 حضرت فرمود اگر خدای تعالی است شارب این بر تن خلق کرد
 تر از خوش آمد گفت فرمود پس این چه عبادت است که چنین کردی
 و جوی خاری نباشد که خضاب کنند تا شارب بر ایشان دست
 نیاید **فصل پنجم** در فضایل موی شانه کردن و آداب ^{است}
 بظاهیرین علیه السلام مرویست که موی یا شانه من را بکشد
 دگاه دارند و هر وقت نماز مستحب است شانه کردن و شانه کردن ریش
 و دندان را محکم کند و بسیار شانه کردن از سوسه ببرد و روزی ^{بفراید}

وقوت مباشرت وبادکن ویشانه استخوان شانه کردن است به سر
 شانه کردن سوس بر ویاند و کرم دماغ میرد و نشسته شانه کند که قوت
 باشد و باشد و باشد که ضعف دل آرد و شانه کردن بعد از هر وضو
 بود و چون سر و ریش شانه کند بین فرود آرد و لکری و ببرد و چون
 هفتاد و نه بار بر ریش زند و یک بار بشیر و چهل و نه بار بر شانه زند
 او شود و شانه را بدست راست گیرد و بگوید اللهم صل علی محمد و
آله و خسته الصدوق و سوسه الشیطان و سوره الم
شرح لك و قل هو الله بخواند و چون فارغ شود بگوید سبحان
من ربك العالی باللحم و النساء و الذوات فصل ششم در وقفا
 روایت کرده اند که هر که در روز نیت است و در چشم چشم نافع
 باشد و در خواب مان است از خواب و از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
 کند و نفعش تا چهل روز بماند و هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد
 سر بکشد و سنگ چشم چشم را بدهد و سوسه زان بر ویاند و قوت
 دهد و اعانت طویل گردد نماید و دهن خوش بکند و قوت باقی ماند
 و چشمی ضعیف باشد و روقت خواب هفت میل به یک چهار
 میل چشم است و میل چشم چو سرکت بسم الله بگوید
 و این دعا بخواند اللهم انی اکتفی بحمد محمد و آله محمد ان تفعل
محمد و آله محمد و ان تفعل التوفیق فی البصر بصری والبصر فی

فی البصر والبصر فی البصر بصری والبصر فی البصر
والبصر فی البصر والبصر فی البصر بصری والبصر فی البصر
 نظر و زاینه کردن که اگر شافعی روی باشد دفع کند تا نظر
 بر میان مکر و نماید و چون اینده بست که بسم الله بگوید
 چکچک و چون نظر نماید کند دست است بر روی بکشد و بگوید
الذی خلقنی فاحسن خلقی و صنعتی فاحسن صنوعی و صنعتی فاحسن صنوعی و صنعتی فاحسن صنوعی
 زان می نماید من عزیز و الذی ای الاسلام و اگر خواهد بگوید
اللهم کا حسنت خلقی فحسن خلقی و صنعتی فاحسن صنوعی و صنعتی فاحسن صنوعی
 دست بکشد و بگوید اللهم لا تغیر ما فی قلم و صنعتی فاحسن صنوعی و صنعتی فاحسن صنوعی
و صنعتی فاحسن صنوعی و صنعتی فاحسن صنوعی و صنعتی فاحسن صنوعی
 وادان چون قضاای بول و غایب شود نشاید از نگاه داشتن
 از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم روایت کرده اند که اگر کسی بگوید
 بر سر شمع شعله و در حال خواب یا بیداری و غایب کند تا شمع بمیرد نباشد
 و چنان باشد که در دامن داشته باشد و چون ادا ده آن کند جای
 اختیار نماید که می و رانه بپند و بول برورش کند و در میان او
 که مردم نشند و غافل فرود آید نشیند که ملعون باشد و در کافرها
 که مردم نرود نماید و بر در مسجد ها و خانه ها نشاند و در باری
 درخت که سوسه درو باشد نشیند که ملائکه در آنجا باشند و در
 و از خواب آید ده بول کوی و خواب روان بسم الله بگوید و در آن

ملائکه را که باشند و زایل شده بود که در فراموشی و چون بسیار
مناجیه را بخواند و خواهد داخل شود پای چپین گذارد و بگوید اللهم
وبالله اعوذ بالله من الشیطان الرجیم و بعد از این شیطانی را که در
عورت را برسد بگوید یا شیطان نکاح کند و در وقت قبله
و بار و افتاب و ماه و کنه بختی که در آن بر عورت نماید و اگر بخواهد
نشسته باشد و در آن افتاد شود برای نظم و قبله و می گرداند
هنوز از جای خود بر نخیزد تا بگوید که گناهان من آمرزیده شد و ایستاده بگوید
بسم ربانی و چون بنشیند بگوید اللهم کما اضعفتم طیبانی
عافیة کما خرجت منی خبیثا فی عافیة و بر هر کس که در وقت و در وقت
دیگر و ملک وارد شده که کردن او را بگوید تا نگاه بفا بط خود
کند و میگوید ای آدمی بر رفتنت که بقیقت تحصیل نموده ملا
کن تا از کجایم میرسانی و لغز خیم می شود پس چون بران نگاه کند
بگوید اللهم انی اذنی لک و جنتی لک و جنتی لک و جنتی لک و جنتی لک
و شکم بالذی بکری محمد الله انما طاعتی الاذی و هتانی طاعتی و
و غافلی من السکوی و در خلا بسیار توقف نماید که سورت بر آید
و در روایت دیگر جو راحت بجای نیاید وارد شد و سر برهنه نباشد
و انکسری یا درمی که بران نام خدا افش باشد در کعبه یا در فضل
پنهان و مادامی که در خلا باشد بر عورت با کسی سخن بگوید که در
در خلا سخن کند یا جانش بر نیاید و در آن حال قرآن نباید خواند

ایم الکرمی

ایم الکرمی یا ربکم ربنا العالمین و اگر او را زان شود و حکایت
آن تواند بود و ذکر خدا کند بگوید یا محمد الله الذی جعل لنا طهورا
و لم یجعل له نجسا و چون خواهد که استنجاء کند و استنجاء نماید
که از پیش منقعه تا بغض عضو و از اینجا تا سر عضو سه مرتبه دستمال
و مرتبه سه عضو را بپوشد تا قطرات بول هر چه مانده باشد ببرد
که چون استنجاء کند بعد از آن اگر طوطی بنشیند هر چند بسیار باشد
بول نباشد و نباید شست و اعاده وضو نماید که در وقت
استنجاء بگوید اللهم حقن فرجی و اعف عني و استر عني و عی
علی النار و استنجاء با دست راست بکند و دست راست بر عورت
نهدد و در دست چپ اگر انکسری باشد که نام خدا بر و نفس باشد
پس برون کند و چون خواهد بیرون آید پای راست پیش کشد
و بگوید بسم الله و الحمد لله الذی غافانی من الخبیث و انما طاعتی
الاذی **فصل ششم** در فضایل سوا که در آن را و اهل بیت
طاهرین صلوات الله علیهم مرودست که در سوا که در آن را و اهل بیت
ست اینها است علیهم السلام و در دهین باب است که در چشم را جلاد دهد خدا
راضی شود و دندان را سفید کند و بیخ دندان محکم سازد و گوش را زاف
و اشتها آورد و بغم وقع کند و قوت حافظه بفرماید و حسانت عی
شود و ملایکه را خوش آید و مستحب است هر وقت وضو سوا که در
لا اقل با انگشت که در رکعت نماز یا سوا که در فضل است از هفتاد و

بأن وسلك بمنزل فضو یا بد کرد و اگر بعد از آن سر بر زمین نهد و
بغیر صلی الله علیه و آله و سلم بر زمین نهد و سر بر زمین نهد و سر بر زمین نهد
و چون از خواب بیدار می شد برای عبادت و وقت نماز می فرموده که اگر
بدانند چه قدر منفعت در سواک هست در وقت خوابیدن نیز از خود
جدانکت و سواک را بعد از وضو ندانند و نمایند و تمام و در وقت
تخلیه سواک کردن سوره بر وی من باشد **در فضایل وضو**
و قل یا اهل بیت طاهرین علیهم السلام وضو است عمل
بسیار کند که عمر را دراز کند و اگر توانید و همیشه بایستد باشد
که اگر کسی با طهارت می رسد شبانه باشد و چون خواهد که وضو کند بگوید
بگوید که شام بدین طهارت می رسد و همچنان که بگوید با غسل کرده و اگر بگوید
همان اعضای که تصحیه است پاک شود و چون دست بزد کند و بگوید
بگوید که شام که با دست کرده و بریزد و شب طهارت دور شود و چون
مضمضه کند بوی آتش در رخ نشود و چون روی بشوید که شامی که با دست
و در هر کرده و بریزد و در وضو بایستد و رو باشد و چون ساعده
بشود که شامان از دست و بریزد و غلغله آتش بر سرش شود و چون
مسح کند خدای تعالی او را از سیئات پاک کند و چون مسح پاکند
که شامان با هر بریزد و از وضو پاک کند و در وضو که قدمها در آن می رسد
و چون برای نماز صحیح وضو کند که شامان باشد که در آن نشوید
غیر از کبار و چون برای نماز شام وضو کند که شامان باشد که در آن نشوید

سواک و دیگر

سواک بابر و اگر وضو داشته باشد یا اگر حدیث رود و حدیث
وضو کند یا استغفار و بر سر وضو بایستد بر سر وضو
حسبه دارد و هرگاه خواهد وضو کند چون نظریه را بگوید
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ جَعَلَ لَنَا طَهْرًا وَ لَمْ يَجْعَلْ لَنَا رَجُونَ
برای کار دیگر در اسلام الله و بایستد که بگوید خُذْنِي مِنَ الْقَائِمِينَ
و اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ و اگر در مثل طشت یا کاسه وضو کند
مستحب است که برای این بایستد که از دو اول دستها را نماند
بشود یا اگر بعد از خواب یا بول باشد بگوید و بعد از غایب شود
و بعد از جنابت سر بر زمین و چون مضمضه کند بگوید اللَّهُمَّ لَقِّنِي
حَسْبِيَ قَوْلُكَ الْفَاكُ وَ أَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ وَ خَشَعْ كَلِمَتِي
استنشاق کند و بگوید اللَّهُمَّ لَا تُخَيِّرْنِي طَيِّبَاتِ الْجَنَّةِ وَ
اجْعَلْنِي مِنْ رَجَائِي وَ رَوْحَهَا وَ رَوْحَهَا وَ رَوْحَهَا وَ رَوْحَهَا
اللَّهُمَّ مَيِّقٌ وَ حَيٌّ وَ مَيِّقٌ فِيهِ الرُّوحُ وَ لَا تَمُوتُ وَ حَيٌّ
مَيِّقٌ فِيهِ الرُّوحُ وَ در شستن روی چشمها بگوید اللَّهُمَّ
برسد تا آتش در رخ دهنبد و چون دست راست بشوید بگوید اللَّهُمَّ
أَعْطِنِي كَيْفَ يَخْتِي وَ الْخَلَّةُ فِي الْجَنَانِ بِيَارِي وَ چون دست چپ بشوید
بگوید اللَّهُمَّ لَا تَعْطِنِي كَيْفَ يَخْتِي وَ لَا تَجْعَلْهَا مَعْلُوكَةً إِلَى عَنَقِي
أَعُوذُ بِكَ مِنْ مَقْطَعَاتِ لَيْلَتِي وَ مَرْدَانِ آبِ بَرِيَّتِ دَسْتِ
بریزد و زنان بروی دست و چون مسح کند بگوید اللَّهُمَّ غَشِّنِي

و طهارتها

214

فردوس

[illegible]

اسماء

ذو که هر این قصد کند و بیک غسل کند برای عجز باشد و حلقه را
سخت است که در ایام حیض وقت هر نماز وضو کند و در روزی
بالفته ذکر خدا کند و سخت است که وضو و غسل برای این
ایب وضو بخند بقدر یک چهار یک و آب غسل بقدر یک این
بوزن تبرین باشد و نیز سخت است که آب پاکین باشد متعفن
و کثیف باشد **فصل دهم** در فضایل بوی خوش و آداب استعمال
آن از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیه جمیع روایت کرده
نماز باری خوشتر از فضل است زهنا در رکعت بی آن و دل را قوت
دهد و قوت مبارکتر از قوت بوی خوش و هر باید کسی هر
روز استعمال بوی خوش کند و کلاه آبرو زیاده کند و برایشانی
بیر و چون کلاه استعمال نماید بر دست یابد و صلوات بر غیر
واهل بیت اثر بفرستد و شانت که هر روز استعمال بوی خوش کند
و اگر مقدر شود یک روز در میان و یک هفته بیشتر تاخیر نماید
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله را منک دانی بوده که بعد از هر
ازان استعمال میفرمود و اگر بوی خوش نمیداشته متعنه
نشان را باب تمسک کرده و بر روی مبارک بمالیده و فرموده
هر کس خواهد بوی را بشنود کل سرخ میسوزد و نیز فرموده کل سینه
از عرق من روییده و کل سرخ از عرق جبرئیل و کل زرد از عرق
براق و روایت دیگر آمده که در شب معراج عرق آنحضرت بر زمین

کل سرخ ازان رویید و چون کسی را تکلیف بوی خوش کند و نباید کرد
و بد که بوی خوش را کمیت و در ایام نماید و اگر کل با آب
بکی دهند بوی خوش و بیوتید در چشم گذارد و صلوات بر پیغمبر و اهل
بیت اثر فرستد هنوز از دست ننگ داشته باشد که کنا هانش از زمین
شود و در روایت دیگر آمده که برید و بر چشم گذارد و صلوات بر
بعد از یک بیابان و علاج با آب نیست که بر یک بیابانیت دارد
باب سیم در فضایل نماز و متعلقات آن و ذکر بعضی اعمیه
مخصوصه بیاعات و فضایل قرآن و این مجموع انشاء الله در باب
فصل بیان نزه **فصل اول** در فضایل نمازها و فیضه یوسفیه و ذکر کتب
و فضایل این سنت سینه از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیه
اجمیع ماثر ذات که بعد از ایمان و معرفت هیچ عملی و عبادتی
بهتر از نماز نیست و چون مؤمن مشغول نماز شود خدای تعالی
شترجه جانبا و شود و از اطراف آسمان تا زمین رحمت بر و نازل
شود و اطراف او را از پیش قدمش تا اطراف آسمان سلام بکیرند
و ملکی ندا کنند و گویند ای بنده سرفراز که مشغول نماز گشته اگر بدانی
که کمیت که شترجه بنوشده و با با که در کف کوبی که هرگز از نیجا بجا
نروی و باک نماز بنماز هر آنچه که هر چه بنماز تمام دنیا و آخرت
در دست از نعمتهای و رحمتها و نماز در میان عبادت آنها مانند توت
خیمه است که اگر محکم و بر جای باشد پرد های و تنهاها و میخها

کذا روای فی کتابی که در بیان این بنده مرمان دارد که
 او در دست دیگر است غیر من که باین شتاب عبادت من می کنند
 که حاجت من را بر من کسی نماند آورد و هر کس عبادت نماز کند که در باشد
 و ملت اسلام از او بزار شود و افضل همه نمازها نماز جماعت و هر کس
 واجب است مگر بر پنج کس مریض و مجنون و مسافر و زنان و اطفال
 نابالغ و در بعضی روایات زیاده برین چهار کس یک کس کور است
 اعمی و مجنون و پیر عاجز و کسی که قنارش زیاده اند و فرج دور باشد
 و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و خداوند تعالی نماز جماعت را
 فرموده چنانچه هر کس آنرا از روی تمکیر یا استخفاف نکرده باشد
 عادل داشته باشد و اقامت حیوة یا بعد از وفات من خداوند تعالی
 جماعتش را پایشان کند و احوالش را نظام دهد و کارهایش را بسازد
 مگر در نماز و روزه و زکوة و حج و هیچ کار خیر از او مقبول نباشد
 و هر کس جمعی را با وی علی غایت کند خداوند تعالی و لشکر را
 نفاق هر کند و روزی که جمعی را حکم فرماید از آسمان نازلند و با
 طلا و لوحهای نقره و بر در مسجد ها بر کرسیهای نقره نشینند و نام
 حجاجی که بخارج جمع حاضر شوند نویسد بر تریب هر کس بیشتر نویسند
 و هر کس بر فراختر نویسند و روزی که جمعی را از این بنده بزار شود
 کنند برای جمعی که بنماز جمع نروند از کسانان پاک شود و هر کس
 که بخارج جمع حرکت کند خداوند تعالی خطایش را از او محو کند و کسی که

روزی که هر کس از او بزار شود و روزی که جمعی را
 بنماز جمع حاضر شوند

حضرت

حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نکات کرده و گفت چند مرتبه بنماز
 و مقدم نشد فرمود نماز جماعت را که هیچ مساکین است و هم از آخرت
 صلی الله علیه و آله مرویست که هر کس غسل جمعه کند و صبح روز جمعه
 جمع رود و نزد یک بابام نشیند و نمازش باشد و لغو نکند و بگوید
 هر کس که بر دارد و بگذارد اجر عبادت یکساله یا بدک و روزها و روز
 باشد و همیشه عبادت کند و مسافر اگر نماز جمعه بگذارد بی عیب
 و محبتش با آن قریب صد هزار جمع میماید و عطا فرماید و کسی که مریض
 نباشد یا روزی که بابام نشیند و کسی که خطبه دارد و خاصش باشد از او
 تا جمعه دیگر و سه روز زیاده بر آن کناهنش آفریده شود و خداوند تعالی
 در کفش ثواب ببار دهد و اگر دور نشیند و خاصش باشد و کوش
 کند یک کف از او بدهد و اگر نزدیک نشیند و حرف زند و کوش کند
 دو کف از او داشته باشد و اگر یکی بیاید خاصش باشد حرف زند و با
 و هر کس حرف زند نماز جمعه اش مقبول نباشد و اما این که شمس و سوره
 که خطبه ایام معصوم علیهم السلام شرط است در اقامت جمعه و حیوان
 کافر اهل اسلام گفته از فضایل از فیض عظمی تعالی است که از فیض
 در علم بر و طمیان از باب نفاق و عدوان ناشی شده
 و در حدیث و قرآن هیچ وجهی از این در بدک و در قرآن و حدیث
 هیچ امر فرموده اند و هیچ را بغیر از کفر که مذکور شد یا اینکه محلی
 تقیه باشد و خفت نداده اند و ای را احادیث امام عادل دارد

همچنانکه در نماز جماعت بفرزوار گذشته و سنت مؤکد است نماز را بجماعت
گذاردن یک رکعت با جماعت بهتر است از بیست چهار رکعت با جماعت که هرگز
بهتر است از چهل ساله عبادت و هر کس مسجد رود برای اینکه نماز جماعت گذارد
هر کس که بر بار هفتاد هزار حسنه برای او ثبت نمایند و هفتاد هزار حسنه
از او محو کنند و اگر درین حالت بپر خدای تعالی هفتاد هزار فرشته بر او نازل
گرداند که او را در قیامت کنت و بشارت دهند و با او سوار نمایند
و برای او استغفار کنند تا آنکه از قبر بیرون آید و هر کس نماز صبح و غروب
جماعت گذارد در امان خدا باشد پس هر کس بر وظایم کند بر خدا نظر کرده
و هر کس او را حقیق شمارد و تحفه خدا کرده باشد و هر کس نماز صبح و عصر با جماعت گذارد
و در جای نماز نشیند و ذکر خدا کند تا طلوع آفتاب و در وقت
فرد و عشاء در جبهه باشد که میان هر دو درجه بافتد و ساق است
که استغفاره را هر روز هفتاد سال بخواند و اگر نماز ظهر با جماعت گذارد
عدت بخانه در جبهه باشد و اگر ما بین هر دو بخانه سال را راه آید و هفتاد
هزار باشد و اگر نماز عصر با جماعت گذارد اجزای داشته باشد که
بنده از اولاد استغفیل بزرگوار کرده باشد که همه صاحب خانه و عیال باشد
و اگر نماز شام با جماعت گذارد و ثواب بیست و یک عمر مقبول داشته باشد
و اگر نماز غفقت با جماعت گذارد چنان باشد که در لب القدر عبادت
کرده و هر کس نماز مغرب و عشاء صبح در سجده با جماعت گذارد چنان
که آن شایع باشد و بهترین صفات اول است و بهترین و جامع آن

آنکه با ما می نزدیک بود و نماز در صفا اول مثل چهار دست در راه
خدا و کسی که محافظت صفا اول و بیکر اول نماید بختی که از راه می
نماید ثواب و ثنات داشته باشد و در دنیا و آخرت و ثواب و ثنات
انشاء الله بعد از این بیاید و فضل جانب است هر صبح بر جانب
چپ مثل فضل جماعت باشد بر انفراد **فصل دوم** در ذکر نوافل
در وقت و قطایل این سنت سینه اهل بیت طاهرین صلوات الله
علیهم جمیع ما مؤثر است که خدای تعالی شرم دارد که از عبادت
بندگان کمتر از ثلث البقول نماید این سبب حضرت محمد صلی الله علیه و آله
در شبانه روزی سی و چهار رکعت از سنت گردانید که دو رکعت اول
بود است تا اگر در روز یا بعضی من و نقصان باشد خدای تعالی انوار
تمام نماید و ترک آن بی ضرورت و عذری معصیت است و بخانکه
ترک فریضه کفر است و نماز شب کفایت گناهان روز و سخت بدین
و عجب و عت بر قول است و شرف و عزت مؤمن است در دنیا و آخرت
و هر کس غلش بنماز شیختم کرد و اهل جهنت باشد و نماز شب
رضای خداست و چشم را جلا دهد و رو بر او نازل کند و هر کس
شیعی عبادت کند بلای رضای خدا باشد و از خدای تعالی کویدی
ملا بیک حسنه بنویسد برای این بنده من بعد هر دانه و هر یک
و یکا می و هر چه از زمین روید در شب هر کس شیعی عبادت کند
و دعا را جواب فرماید و روز قیامت نامه اعمالش را بدست

دهند و اگر ثمن شیعی عبادت کند خدای تعالی اجرش پدید می آورد و اگر در راه
بر شقتهما و قیسمانم روزه و بیعت صادق خالص جهاد کرده باشد
عطا فرماید و او را شمع اهل بیت خود که داند و اگر شیعی عبادت
کند و وفایست چون از قیام و نوبت و روزه و شب چهارده باشد
و چهار مؤمنانی که این اهل بیت را در راه جهاد بکشد و اگر در شیعی
عبادت کند از جمله ابراهیم نوشته شود و گناهان گذشته و آتی بزرگ شود
و اگر کسی شیعی عبادت کند یا ابراهیم علیه السلام و عیسی علیه السلام و محمد
ص علیه السلام و اگر شیعی عبادت کند در اول صفت فایزین باشد چون
با دقت از جهاد بکشد و عبادت داخل بشود و اگر ثمن شیعی عبادت
کند هیچ فرشته نماند مگر آنکه بر شک بریزد و او را هر روز بشت کند
در روز و اگر نصف شیعی عبادت کند هفتاد هزار بر روی زمین
مبارک شود و افضل از آن باشد که هفتاد بند از اولاد اسمعیل
کند و اگر ثمن شیعی عبادت کند در یک بیابان عالم حشرات باو دهد
که کوچکترین آن حشرات ده موی بزرگتر از کوه احد باشد و اگر یک شب
تمام عبادت کند آنقدر ثواب باو دهند که درین آن این باشد که اگر ثمن
باک شود و چنان موی که از او در متولد شده و بعد هر چیزی که خدا
افزاید حشرات برای او نویسد و درجات بلند کنند و گناه و حد از
پروان رود و فرشته نوزاد باشد از علی علیه السلام باشد و از آتش
دوزخ خلاص شود و در زمره انبیا معصومین گردد و خدا تعالی او را پدید

در هر روز

پدید آید و این امر این شب برضای من ایجاد آید و او را در جنت فرود
جاده دهد و در آن جنت هزار شهر باو دهد که در هر شهری صد هزار
و چشم را اند و درین خوشایند و آنچه باو هر چه بکشد باشد و بیابان
و اینها سوای کرامت و عز و قیامت است که برای او معین آید و خانه که در آن
نماز گذاردن برای او لایکه آسمان و جنان باشد چنانکه ستادگان برای
اهل زمین و هر کس که شیعی عبادت کند و وضو کامل بپوشد و بیعت صادق را
و بدن خاشع و چشم کمر بپوشد نماز گذاردن در صف اول که بیست و نه
گذاردند که یک طرفه و صغری در شرق و دیگر در مغرب باشد و
ایشان را هیچکس نماند غیر از خدا و چون از نماز فارغ شود بعد از آن
در جات برای او بلند کند و کسی که نماز شب بخواند و خواب بر او غلبه
بیشتری که بر است و حقیقت و در هفتاد و بیست و نه عبادت برای او فرماید که
در هفتاد و بیست و نه عبادت برای او فرماید که بیست و نه عبادت
مشت عبادتی که من بر تو فرموده ام کند یا بیست و نه گناهانش
بپایانم تا بخوابد و بگوید انا لله و انا الیه راجعون که او باشد که هر سه را
باو عطا فرودم و هر کس بعد از نماز شام پیشد و تحقیق بخواند و با
مغفرت بدنا آید و رکعت نماز نافله بگذارد آن نافله برای او در
قد کشند و اگر چهار رکعت بگذارد و در هر رکعت برای او نویسد و اگر
نافله فرستد و قضای آن بگذارد که خدا را خوش آید و مباحات کند
با آن بند و گوید ای لایکه که بیست و نه عبادت برای او فرموده

قضای کند گواه باشد که گناهان اش را از من بزدیم و اگر کسی بخیر باشد و بر
 نافله بیاید و روزه چون نوافل بقضا کند و تمام بقضای آن داشته باشد
 خداوند تعالی بعد از این او ایستاد کند و عده نوافل بویستی و چهار رکعت
 و دو رکعت نافله صبح و هشت رکعت از ظهر و هشت رکعت از عصر و این
 هجده رکعت بیشتر از فیه گذارده شود و چهار رکعت نافله شام و دو رکعت
 نشسته و تیر خفتن که یک رکعت استاده حساب شود و ایستاده افضل
 و اگر استاده گذارده همان دو رکعت گذارد و این پنج رکعت است و
 فیه گذارده شود و هشت رکعت نافله شب و یک رکعت و تیر و دو رکعت
 شفع و یک رکعت و ایضا و تیر گویند و شانزده رکعت نافله ظهر
 و عصر و سفر و اقیانوس و آنرا سائر نوافل در سفر و حضر و شب و حال
 خود باشد و نوافل یاده را ثنائی یا سه پیاده و سواره و توان گذارد و اگر
 ضرورت نباشد در رکوع و سجود را بر نماید و ایامی سجود و تیر رکوع
 باشد و نشسته و از روی اختیار و توان گذارد و اگر خواهد فضیلت
 پیاده را داشته باشد چون با خرسوره رسد بخیزد و سوره را این
 تمام کند پس رکوع کند همان فضل استاده داشته باشد **فصل ششم**
 در اوقات نمازها و فضایل آن و احکام متعلق بآن از اهل بیت
 طاهر علیهم السلام مرویت که هر نماز برادر و وقت است و وقت
 اول افضل است از وقت دوم آنقدر که آخرت افضل است از دنیا
 و بخت است برای مؤمنان از غیر مؤمن و مالش و اول وقت رضا است

و آخر وقت مفرا و عفت باشد و سکر از گناه یعنی کسی که از اول وقت و عفت
 تا آخرت گناه کرده باشد پس اگر در آخر وقت بخیزد و آن گناه عفو شود
 و هر کس را رخصت نیست که بی ضرورت تا آخر نماز نکند که هر چه عفت
 باشد و کار خیر چند زود تو کرده شود خدا را خوشتر آید و وقت
 هر نماز درهای آسمان گشوده شود و اعمال بندگان را بالا ببرد
 و حضرت امام علی علیه السلام فرمود بخوانم که عملی که پیش از نماز
 برود و نام دیگری پیش از نام من نیست شود و وقت ظهر و دهها
 آسمان گشوده شود و دعا مستجاب گردد پس خوشا کسی که در آن وقت
 از عمل صالحی بالا ببرد و اول طلوع صبح و قبل که ملک آسمان
 بخیزد و ملائکه و فرشتگان آیند پس کسی که نماز صبح را در آن وقت گذارد
 هر دو طایفه ملائکه شاهد باشند و آن نماز را دو مرتبه ثبت نمایند
 و هر کس تا آخر نماز صبح کند تا آنکه شاهدان تمامین ملعون باشد و هر کس
 نماز عصر کند تا آنکه آتیه بشود یا عز و یکند و بخت موفور
 باشد یعنی اهل و مال نداشته باشد و هر کس نماز شام را تا آخر کند
 بکار فضیلت تا آنکه تازه شود و دست بهم دهد اهل بیت علیهم
 السلام از او میز را باشند و هر کس بخوابد و نماز خفتن را تا آنکه
 نصف شب شود ملکی مویکت که نفرینش کند و یکی در خواب فضیلت
 نشود و چون بیدار شود باید نماز را قضا کند و آنروز را روزه دارد
 بعقوبت این عمل التامیان و قضا آنکه وقت اول نماز صبح طلوع

صبح صادق است تا آنکه روشنی صبح را برساند پس شروع وقت دومین
 تا طلوع افتاب و وقت ظهر از زوال افتاب تا آنکه سایه دو قدم زیاده
 شود و وقت عصر تا آنکه بقدر چهار رکعت نماز افتاب بماند و وقت
 اول عصر بعد از چهار رکعت از اول زوال است تا آنکه سایه چهار قدم
 زیاده شود و اگر تا شش قدم تاخیر در تفسیع نماز کرده باشد و وقت
 دومین تا غروب افتاب و وقت اول شام از غروب افتاب است تا آنکه
 شفق مغرب نیل شود و اگر از غروب تاخیر کند تا آنکه سرخ مشرق نیل
 شود افضل باشد و وقت ویمین تا آنکه در غیب بگذرد و تا آنکه شب
 و نصف شب بگذرد و ایت وارد شده و وقت اول حقین از زوال تا
 مغرب تا آنکه شفق و وقت ویمین تا نصف شب و چند نمازها با اول وقت بگذرد
 باشد افضل است و وقت زوال تا غروب تا نصف شب است تا طلوع صبح صادق
 و هر چند بجز آنکه بگذرد باشد افضل است و تا طلوع صبح بعد از نماز شب
 تا آنکه سرخ صبح نمایان باشد و زوال ظهر از اول زوال تا آنکه دو قدم
 سایه زیاده شود و زوال عصر بعد از فرضه ظهر تا آنکه چهار قدم سایه
 زیاده شود و زوال شام تا آنکه سرخ مغرب نیل شود و در هر چهار
 و چهار رکعت بر زوال ظهر و عصر بنشیند و مجموع بیست رکعت پیش
 از ظهر بگذرد باین ترتیب چون افتاب پیش شود شش رکعت و
 بلند شود نزدیک وقت چاشت شش رکعت و نزدیک غروب شش رکعت
 و وقت زوال دو رکعت و اگر در ایامی که در وقت بگذرد بگذرد

بود و هر یک

بود و هر یک از زوال ظهر که وقت بگذرد و دیگر ابتدا بر تفسیع نماز و تا طلوع
 بعد از آن قضا کند و اگر از زوال ظهر و عصر یک رکعت در وقت خود
 گذارده باشد و بعد از آنکه بگذرد اگر چه وقت بگذرد و اگر وقت
 نماز شب تکمیل شده باشد و صبح بسیار نزدیک باشد باشد اول نماز تفسیع
 و وقت بگذرد پس که هنوز صبح طلوع نکرده باشد نماز شب بگذرد و اگر
 طلوع کرده باشد تا طلوع صبح بگذرد و نماز شب بعد از فرضه قضا کند
 و اگر چهار رکعت از نماز شب گذارده بود که صبح طلوع کند و بعد از نماز از روز
 تمام کند و افضل است که تا طلوع صبح بگذرد و وقت نماز قضا کند تا فرضه وقت
 بگذرد تا تا شش و وقت ظهر و عصر و زوال بخواند که هر یک بیست
 بر زمین مستوی چهار رکعت کند و مقدار هر یک از زمین مرتفع است
 بر روی زمین هفت رکعت نمایند و هر یک بیست قدم کویند و افتاب چون
 طلوع کند سایه چهار رکعت در کمال درازی باشد و ایت است که شود
 تا وقت ظهر بخواند رسد که از آن کمتر شود آن حد ایشان است همین که از آن
 حد شرع بزیاده کند و اول شد پس بزیاده می شود بقدر دو وقت چون
 رسد وقت ظهر تا طلوع باشد و چون بقدر چهار قدم رسد وقت
 و تا طلوع اش و سایه اول ظهر نهایت حد که تا هوای در اخل حساب
 نباشد در فضایل مسجد و اذان این از اهل بیت
 طاهرین صلوات الله علیهم جمیع مرویات که یک نماز و مسجد جامع
 بیست است تا بعد نماز و در مسجد محله بیست و پنج نماز و در مسجد لاری

ظهر

با از باد و از ده غار و چون کسی سجده و بر هیچ موضعی قدم نکند و اگر
اینکه آن موضع تا این هفتصد بار و تسبیح کند و کسی که در جاده خود
طهارت بکشد و بحدود رود کنایه آن پاک شود و زیارت خدا کرده باشد
و حقیقت بر سر هر کرام زایر نماید و هر کس سجده در نماز بخواند
یکی از هشت نعمت باو عطا فرماید یا بر او نعمتی با علم نازده با او حکم
یا کلمه بر او راستی و راهدایت کند یا حجت تان که پیش از آن نرسیده باشد
یا کلمه او را از هر ملک بجات دهد تا ترک کنایه کند از سر خدا یا از سر
شرم و جفا و غیر اینها مساجد است و بهترین اهل مساجد است
انان که بیشتر داخل شوند و بیشتر بیرون آیند و مر و است که هر کس از آنان
در سجده شود و نماز نکند رده بیرون رود منافق باشد مگر آنکه در سجده
باشد و بهترین مساجد برای زنان خانه های ایشان است و بیست خانه
از صحن و صحن افضل است از ایوان و ایوان افضل است از صحن خانه
و صحن از بام و چون من سجده شود و از خانه بیرون آید بگوید ^{بسم الله}
خَلَقَنِي مِنْ نَفْسٍ وَكَذَلِكَ يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ وَيَقْبَلُ وَكَذَلِكَ يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ
يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ وَكَذَلِكَ يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ وَكَذَلِكَ يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ
بِرَبِّهِ وَكَذَلِكَ يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ وَكَذَلِكَ يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ
صِدْقُ الْآخِرِينَ وَكَذَلِكَ يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ وَكَذَلِكَ يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ
که چون این بگوید خدای تعالی او را ایمان و حق هدایت کند و از او
راشده بهشت میرسد که اندک نماند کناهان اش باشد و خدای تعالی

موتن را مثل موت شهدا و چنین است مثل حیوة سعد اگر داند و خطا
که کرده باشد یا مرزا که پیش از کفر با باشد و حکم عالم باو عطا
فرماید بصلواتی گذشته و آیند ملحقش سازد و او را از جهل صادق
ثبت نماید و نماز گیرم در حجت نعیم باو کرامت فرماید و کناهان
بدر و مادرش را میزند و چون خواهد داخل مسجد شود کفش را ^{حفظ}
نماید که نجاست و کثافتی نداشته باشد و بای راست پیش کند و بگوید
بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ وَمِنْ اللَّهِ وَالْإِلَهِ وَخَيْرُ الْأَشْيَاءِ كُلُّهَا اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْكَلِمَةُ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ
أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَتَوَكَّلْ عَلَى أَبْوَابِ مَعِينَتِكَ وَتَوَكَّلْ عَلَى
مِنْ وَتَوَكَّلْ عَلَى مَسَاجِدِكَ وَتَوَكَّلْ عَلَى أَسْمَائِكَ فِي الْقَبْلِ وَالْآخِرِ
مِنْ الدِّينِ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَكَذَلِكَ يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ
وَيَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ وَكَذَلِكَ يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ وَكَذَلِكَ يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ
أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَدَّ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا كَبِيرًا
لَهُ كُنُوزٌ وَسُحُوحٌ وَاللَّهُ يَكْفُرُ وَأَصْلًا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَكَذَلِكَ يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ وَكَذَلِكَ يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ
حج مقبول و اگر اراده نشستی داشته باشد بصلوات و تضرع شود
و در سجده نماند که اگر کسی در سجده خزانده و آیت شده که بگوید
فَضَّلَ اللَّهُ فَالْتَّعِزَّ خَدَّيْهِمَا فَالْتَّعِزَّ خَدَّيْهِمَا فَالْتَّعِزَّ خَدَّيْهِمَا فَالْتَّعِزَّ خَدَّيْهِمَا
در سجده خطیبت است و گفتار اش اینست که در حق کند و اگر کسی را

بسم الله

از حسن و اود ما غافل بود خدای تعالی برای او حشمت نماید و محو نماید
و قوت بدست یزید و هیچ کس در عاقبت ندیده که آنرا زایل کرد و اندر وقت
خوشحال خندان معروف شود و نامه عملش بدست راست دهنده خواهد بود
و گفتگوی دنیا نکند که سجده جای عباد است و سجده نمی کند و می گوید
که بگویند لا ادر الله علیک یعنی خدا کم شده آنرا برتر سازد و او را بکشد
و اطراف دریا مکان وسیع و فرعی از سجده و کند و اگر کسی در مسجد بخواند
یا بگوید لا ادر الله تجارک یعنی خدای تعالی تجارت ترا سود ندهد
و هر کس در مسجد چنانی روشن کند تا روشنی از آن باقی باشد جمله مشرک
ملایکه برای او استغفار کنند و هر کس مسجد را حار و کعبه قرار آن دارد
که بکشد از آن کند و اگر بقدر دزد که در چشم افتد کفایتی بیرون برود خدا
دو کف از رحمت باو دهد و اگر بخشد و شب سجده خوب کند و بقدر
که بخشد کفایت بیرون بردگان اشرار مزید شود و چون خواهد
از مسجد بیرون آید در مسجد بایستد و بگوید اللهم و عظمی فاک
و عتقت و صلیت مکتوبت و انشئت فی ارضیک كما امرت
من فضلت العمل بطاعتک و البینات تحتک و الکفاؤ من
الزین رحمتک در بیرون آمدن یا پیش از آنکه وارد و بگوید
و صلوات بر پیغمبر اهل بیت اش صلی الله علیه و آله و سلم و بگوید اللهم
و ارفع فی ابواب فضلت و فصل **فصل** در کیفیت توجیه بنابر
و فضایل ذات و اقامت و احکام متعلق بان اهل بیت طاهرين

صلوات الله علیه و آله و سلم و بگوید که چون برای طهیه نماز بخیزد بگوید
الحمد لله نور السموات و الارض و من فیها انت الحق و انت المکرم
الحق و قولک الحق و لقاؤک الحق و لبتک الحق و السامع الحق
اللهم لک اسکت و بک انت و بک انت و بک انت و بک انت و بک انت
و بک خاصت و بک خاصت و بک خاصت و بک خاصت و بک خاصت
و ما امرت و ما اعلنت انت اهل الاله الا انت و چون برخیزد
که مشغول بنماز شود بگوید اللهم انی قد اکتفیت و بک انت و بک انت
علیه السلام بک انت و بک انت و بک انت و بک انت و بک انت
عندک فی الدنیا و الاخره و من المکرم و اجمع صلواتی به
مقبوله و دینی مغفوره و دعای به مستجابا انک انت الغفور
الرحیم و اگر بگوید نماز شب بخیزد بگوید اللهم انی قد اکتفیت
الیک نیت فی الصلوة و الیه و اقدیمهم بین بک انت و بک انت
فاجعلنی بهم و جیبها فی الدنیا و الاخره من المکرم اللهم
انحی بهم و لا تعذبهم و اهدهم بهم و لا تضلهم و لا
تحرقهم بهم و اقصهم حوائجی لدنیا و الاخره انک علی کل شیء
قدیر و چون در بیداری بگوید اللهم انک و جنت و عرضاتک
طابت و ثوابک انعمت و بک انت و بک انت و بک انت
صلی علی محمد و آل محمد و ارفع مقامی لک و بک انت و بک انت
و دینی نیت و لا تخرج قلبی بعد از هدایتی و بک انت و بک انت

اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ و چون خورشید که شروع در نماز کنی برای نماز فرضه اذان
 واقامت هر دو بگویند و وصف ملائکه در پشت و نماز کنند و اگر اقامت تنها
 بگویند يك صفت که هر صفتی از فرشتگان تا مغرب باشد و موفقی که برای خدا اذان
 بگویند برای جبریت و دیار و روز قیامت در پشت و دیار برای توفیق
 بابتد و در بیان اذان واقامت اجر میدهد که در راه خدا و چون
 غلطی باشد بخدای تعالی باو دهد کسی گفت یا رسول الله مردم در اذان
 پیش نمی بکنند و فرصت نمی دهند حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 فرمود زمانی بیاید که اذان گفتن را از روی بکبر بضعفا و گذارند و گو
 ایشان بخدای تعالی بر آنش و زجر حرام کردند و کسی برای خدا اذان گوید
 خدای تعالی از او چهل هزار شهید و چهل هزار صدق و باو عطا فرماید
 هزار گناه کار را بپاقت و به بهشت برود و چون اشهدان لا اله الا الله
 بگویند هفتاد هزار فرشته برای او عاقدت و استغفار نمایند و روز قیامت
 در سلوک عرش خدا باشد تا حساب مردم تمام شود و چون بگوید اشهد
 محمد رسول الله چهل هزار فرشته فراتر بفرستند و او یک سال در
 آن همه جای سلام اذن گویند گناهش از او میزد شود اگر پیش از او احدی
 و بهشت او را واجب شود و اذان را بگفت و بلند بگوید گفت که او از فرشتگان
 و فرقی که برسد برای او شهادت دهد و هر قدر بلند شود آنقدر گناهان
 او میزد کرد و هر کسی باو نماز گذارد و او را بلند و شکر باشد و بعد از آن
 باو نماز گذارد برای او حسن ثواب شود و خدای تعالی باو بی پایان

کردن

کرد اندک که او را آنرا با آسمان برده چون ملائکه بشنوند گویند ان اذان
 است محمد است صلی الله علیه و آله که توحید خدا می کند پس برای ایشان استغفار
 کنند آنکه آن نماز فارغ شوند و اگر در خانه اذان بلند گویند شیطان
 دور کند و برای اطفال بگوید که صدای اذان وصیت بماند
 بشنوند و بیماری و پریشانی زایل کند و دوی گوید من و اهل خانه
 من همیشه بیمار و غلیل می بودیم و گاه می شد که هیچکس نماند که بخندد
 تا این حدیث را شنیدم و بان عمل نمودم بیماری رخا نه زایل شد
 و دیگر برای بیماری و بی فرزندی بخندم مام رضا صلی الله علیه
 شکی که در فرمود در خانه خود اذان بلند بگوید چنین کرد بیمار
 زایل و اولادش بسیار شد واقامت است تر و روانتر گویند و هرگز
 که نام حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بگویند و شنوند و صلوات
 فرستند و اذان را نشنیده و سوره و در راه و بی طهارت و بغیر قلم
 اگر در گفتن شهادتین رو بقبله باشد نماز گفت تا اقامت را
 بشناید و هیات نماز بگوید و در اثنای اذان واقامت حرف نزن
 جایز است تا اگر کثر فضیلت به تخصیص در اثنای اقامت و چون گفت
 الصلوة گفته شود احادیث وارد شده که حرف نزن حرام شود بزرگوار
 و سایر جماعت هم بگویند که برای اقامت کسی را گویند پیش پایت بعضی
 از علمای تجوید حرف نزن برای سایر چیزهای که بفان متعلق باشد
 نیز فرموده اند و اگر حرف نند اقامت را اعاده کند و اگر خبر از اذان

ای از آنکه

واقامت با قلمش کند رجوع نماید و اذان تکبیرین تا آخر و اگر اذان
 نواز شود و بخاطرش رسد که اقامت تکبیر صلاوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله
 بفرستد واقامت بگوید بعد از آن نماز کند اگر هنوز شروع در قرات
 نموده باشد و روایت دیگر آمده که اگر رکوع نموده باشد جمع
 نماید و اذان واقامت بگوید و برای زنان اذان واقامت بقدر
 تاکیدند و اما افضل اینست که بگویند و میان اذان واقامت
 فاصله کند قلن انک قد سمعنا بال محمد لله یا سبحان الله بکریه یا نبشید
 یا سجده کند اگر نبشید بگوید اللهم جعل قلی باراً و رزقی داراً و جعل
 عند قبر رسولک صلی الله علیه و آله متقراً و قللاً و اگر چه کند بگوید لا اله الا انت ربی بحمدک لک خاصاً خاصاً و کلاً و فصلک علی محمد و آله
 محمد و آله و ارحمی و نبی علی اقل انت الثواب لرحیم خدای تعالی
 همه کنهات او را بیا مریز و اگر میان اذان واقامت شام بیند بجهت آن
 که در امتداد رجوع غلیظه باشد و در ظهر و عصرش رکعت نافله یا
 پیش از اذان بگذارد و در رکعت میان اذان واقامت اگر جماعتی
 باشد که مؤذن اذان گوید جماعت می بینند و چون قدامت الصلوة
 گوید همه بجزیرند و یا بپشت و چون مؤذن اذان گوید کسی که شروع در
 مؤذن گوید همه بگوید روزیش زیاده شود و چون مؤذن شهادتین
 گوید شونند بگوید از روی تصدیق و اقرار و نا تشهدان لا اله الا الله ان محمد رسول الله اکثیری لعین الی و محمد و آله
 من اذی

من اذی

من اذی و تشهد بعد هر کس شهادت و ایمان آورده و هر کس
 انکار نموده و ایمان نیاورده اجر و ثواب داشته باشد و روایتی
 آمده که چون مؤذن جمل گوید شنیده حواله گوید و چون اذان
 صبح و شام شنود اللهم فی ائمتک یا قیال هارک و اذنا لیک
 و حضور صلواتک و اصوات دعااتک و تبسمک انک تکتبک انی
 علی محمد و آل محمد و ان مؤتب علی اقل انت الثواب لرحیم و در
 بجای اقبال هارک و ادبار لیک بگوید یا قیال لیک و ادبار
 هارک و اگر در لوت یا در ن شیخیه تا به شهید باشد **فصل**
ششم در کیفیت اشتغال بنماز و ادب آن از اهل بیت
 بنیوت صلی الله علیه و آله و سلم روایت که هر کس پیش از آنکه داخل نماز شود
 بگوید اللهم انی اتوجه الیک بحمد محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد
 و اقل هم بین بدعی صلواتک و اقرب بهم الیک فاجعلنی
 بهم وجهها فی الدنیا و الاخره و من المقربین منک علی نعمهم
 فاجعل فی بطاعتهم و معرفتهم و ولائهم فانهما السعاده الخ
 لها اقل علی کل غافیه و بکلام نا اخر دعا که در فضل تعقیب
 انشاء الله میاید با محمد و آل محمد باشد صلی الله علیه و آله و اقل
 نماز بیک تکبیر واجبست و تکبیر افضل و بیخ افضل اذان
 و بیخ افضل از همه یکی از جمله تکبیر واجبست و باقی منسخت
 و بعد از تکبیرین بگوید اللهم انت الملك الحق لا اله الا انت سبحانک

وَبِحَبْلِكَ عَلِمْتُ سَوْءَ وَظَلِمْتُ نَفْسِي فَأَعْرِضْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا التَّوْبَةُ
وَعِدَاؤُكَ بِكَ يَجْعَلُكَ لَيْسَ لَكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ فِي بَيْتِكَ
الشَّرُّ لَيْسَ لَكَ وَالْمَهْدَى مِنْ هَدَيْتِ عَبْدِكَ وَابْنِ عَبْدِكَ
ذَلِيلٌ بَيْنَ بَيْتِكَ مِنْكَ وَبَيْتِكَ وَكَانَ وَالْيَا لَمْ يَلْمِ وَلَا خُفَا
وَلَا مَقَرَّ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ سُبْحَانَكَ وَحَسْبُكَ
سُبْحَانَكَ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَهَرِيسُ بَيْتِكَ بِكَ يَجْعَلُكَ لَيْسَ لَكَ
الْمَسْحُ وَقَدْ مَرَّتْ الْحُسْنُ أَنْ يَجْعَلَ مِنْ عَرَفِجٍ مَا هَلَمْ يَخْدَى
بِأَيْدِيهِ كَرِيمٌ كَوَاهُ بَاشِدُ كَمَا هَانَتْ بِأَعْفُوفٍ مَرْدَمٌ وَهَرِيسُ
حَقِيقِي مَظْلَمَةٌ أَشَدُّ زَوْرَاضِي مَرْدَمٍ بِسُورَةِ كَيْفَ هُوَ مَرْدَمٌ رَاقِدٌ حَامِلٌ كَيْفَ
دَعَا بَيْتَكَ بَيْتَكَ وَبَعْدَ ذَلِكَ يَجْعَلُكَ بِكَ يَجْعَلُكَ لَيْسَ لَكَ
الْتِمُوتُ وَالْأَرْضُ عَلَى يَدَيْهِمْ وَدِينُ مُحَمَّدٍ وَبَيْنَهُمَا عَلَى الْأَقَامِ
بِالْأَمَةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَالسَّلَامُ حَسْبُهَا سَلَامٌ وَمَا أَنَا
مِنْ أَتَمِّكُمْ أَنْ صَلَوَاتِي وَتَحِيَّاتِي وَتَحِيَّاتِي وَتَحِيَّاتِي اللَّهُ رَبِّ الْعَالَمِينَ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَاقْفَا مِنْ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ
وَهُوَ رَجُلٌ يَتَادَنُ وَرُكُوعُ كَرْدَنُ بَاهَا رَازِمٌ كُنَّا بِدِيقِ رَسْمِ كُنْتُ
بِأَيْدِيهِمْ فَنَافٍ دَهْرُهُ وَحَالٌ بِهِمْ نَزْدِيكَ بِكَ رَدَّ نَافَا صَلَافًا بِشَدِّعًا
أَنْ شَيْطَانُ الرَّجِيمِ نِيَاهُ بَعْدَ بَرْدِهِ بِكَ يَجْعَلُكَ بِأَعْفُوفٍ مَرْدَمٌ رَاقِدٌ حَامِلٌ كَيْفَ
الْجَحِيمُ وَبَعْدَ ذَلِكَ الْحَمْدُ وَسُورَةُ دُرُودُ رُكْعَتَا أَهْلِي نَافَا صَلَافًا بِشَدِّعًا
أَنْ أَسْتَكْرِمُ رُكْعَتَا قُلْ ظَهْرُ عَصْرِ مَغْرِبٍ وَرُكْعَتَا كَوَاهُ بَاشِدُ كَمَا هَانَتْ بِأَعْفُوفٍ مَرْدَمٌ وَهَرِيسُ

أَهْلًا

وَالْيَا لَمْ يَلْمِ وَلَا خُفَا
وَسَبْحُ اسْمِهِ وَدُعَاؤُكَ بِكَ يَجْعَلُكَ لَيْسَ لَكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ فِي بَيْتِكَ
حَدِيثُ الْعَاشِيَةِ وَهَلْ لَيْتَ عَلَى الْإِنْسَانِ وَدُرُودُ رُكْعَتَا أَهْلِي نَافَا صَلَافًا بِشَدِّعًا
أَحَدٌ يَزِيدُكَ بَعْدَ أَنْ تَقْرَأَ خَوَانَهُ عِي شُورَهُ وَدُعَاؤُكَ بِكَ يَجْعَلُكَ لَيْسَ لَكَ
قُلْ هُوَ اللَّهُ سُبْحَانَكَ وَدُعَاؤُكَ بِكَ يَجْعَلُكَ لَيْسَ لَكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ فِي بَيْتِكَ
وَدُعَاؤُكَ بِكَ يَجْعَلُكَ لَيْسَ لَكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ فِي بَيْتِكَ
وَدُعَاؤُكَ بِكَ يَجْعَلُكَ لَيْسَ لَكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ فِي بَيْتِكَ
خَوَانَهُ عِي شُورَهُ وَدُعَاؤُكَ بِكَ يَجْعَلُكَ لَيْسَ لَكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ فِي بَيْتِكَ
زَابِئَةٌ بِأَشَدِّ زَوْرَاضِي مَرْدَمٍ بِسُورَةِ كَيْفَ هُوَ مَرْدَمٌ رَاقِدٌ حَامِلٌ كَيْفَ
جَعْدُ وَنَافَقِينَ بِأَيْدِيهِمْ كَرِيمٌ كَوَاهُ بَاشِدُ كَمَا هَانَتْ بِأَعْفُوفٍ مَرْدَمٌ وَهَرِيسُ
وَأَجْرُ شَدِّعًا وَكَرِيمٌ كَوَاهُ بَاشِدُ كَمَا هَانَتْ بِأَعْفُوفٍ مَرْدَمٌ وَهَرِيسُ
أَيْدِيهِمْ كَرِيمٌ كَوَاهُ بَاشِدُ كَمَا هَانَتْ بِأَعْفُوفٍ مَرْدَمٌ وَهَرِيسُ
نَافَا صَلَافًا بِشَدِّعًا
أَوَّلُ ظَهْرِ جَعْدُ بِأَيْدِيهِمْ كَرِيمٌ كَوَاهُ بَاشِدُ كَمَا هَانَتْ بِأَعْفُوفٍ مَرْدَمٌ وَهَرِيسُ
عَمَلُ نَافَا صَلَافًا بِشَدِّعًا
كَرْدُ وَحَدَّثَ هَلْ لَيْتَ كَرِيمٌ كَوَاهُ بَاشِدُ كَمَا هَانَتْ بِأَعْفُوفٍ مَرْدَمٌ وَهَرِيسُ
وَحَدَّثَ هَلْ لَيْتَ كَرِيمٌ كَوَاهُ بَاشِدُ كَمَا هَانَتْ بِأَعْفُوفٍ مَرْدَمٌ وَهَرِيسُ
وَحَدَّثَ هَلْ لَيْتَ كَرِيمٌ كَوَاهُ بَاشِدُ كَمَا هَانَتْ بِأَعْفُوفٍ مَرْدَمٌ وَهَرِيسُ
أَنْ أَسْتَكْرِمُ رُكْعَتَا قُلْ ظَهْرُ عَصْرِ مَغْرِبٍ وَرُكْعَتَا كَوَاهُ بَاشِدُ كَمَا هَانَتْ بِأَعْفُوفٍ مَرْدَمٌ وَهَرِيسُ

تا آنکه داخل بهشت شود و بعد از تمام شدن الحمد و تسبیح بعد از سوره بقره
 آنکه نفسی انکسید ساکت شود و چون انقباضت فارغ شد و آب است که در
 رکوع کند و دست را بر زمین نهد و انگشتان را بکشد و چنانکه از انقباض
 داشت بکشد و زانو را عقب ببرد و دست را بکشد و زانو را بکشد و دست را
 بر پشتش بگذرد و قرار گیرد و بطرف حرکت نکند و اگر خرد را زد کند و سر را
 بکشد و اهلای از هم بکشد و اعضا را بکشد و بکشد و زانو را
 بالا برد و زانو را بکشد و آب است که در رکوع و انقباضت هم جمع قریب است
 بتای سبحان ربك العظيم و سجده و اگر تسبیح رکوع و سجده را بکشد و
 ثلث نماز کرده باشد و اگر دو مرتبه و ثلث و اگر هیچ یک از اینها را
 باشد و تسبیح مرتبه فضل است و هفت مرتبه فضل از آن و هر چند بکشد
 افضل بود و رویت که هر کس رکوع را تمام کند از وحشت قریب باشد
 و چون سر را رکوع بردارد و است بایست و هر کس بعد از رکوع بکشد
 نکند نماز نکرده باشد و استاده بگوید مع الله من حده الحمد لله رب
 العالمین اهل الجحیم و المکرار و التکلیف و التکرار و التکرار و التکرار
 پس چنانکه استاده بگوید و سر را بکشد و رکوع و هر دو دست را با هم
 بیشتر از زانو بر زمین گذارد چنانکه بگوید و زانو باشد و انگشتان را
 چسبیده بر زمین باشد و ساعد ها را از زمین بردارد و با اهلای بکشد چنانکه
 هر عضو را بکشد و زانو را اول بکشد و زانو را بیشتر از دست بکشد
 بخوابد و سجده هشت عضوی را بکشد و دست و زانو را بکشد

بزرگ با و بر سر هفت اول و الحیت و الخشت رویت که هر کس بکشد
 بتای می گذارد و بکشد از نمازش مجزئ بود و تسبیح گفت و استاده را بکشد
 که سجده بران صحیح باشد و از قیامت غل بران بکشد و در سجده
 با تسبیح مرتبه با هفت مرتبه بیشتر بگوید سبحان ربك الاکمل و سجده و کسی
 که سجده را طول دهد و هفت بکشد و بکشد و بکشد و بکشد و بکشد
 کرده و من معصیت نمودم و او سجده کرده و من سرکش کردم و تسبیح
 که سجده در بر سرک مام حسین علیه السلام باشد که در میان بنده و خدا
 حجابها را بکشد و نوزده مرتبه تسبیح کند و چون سر را سجده بردارد
 دست کند و بکشد و تسبیح چنانکه هر دو پای را بکشد و تسبیح
 و تسبیح پای راست بر کف پای چپ باشد و تسبیح بکشد و تسبیح
 بهمان طریق استغفر الله ربی و اونی که تسبیح چنان تسبیح بکشد
 و سجده و بکشد بهمان طریق بکشد و چون سر بردارد بکشد و تسبیح
 پس بر کف دست چپ بهمان طریق بکشد و چون سر بردارد بکشد و تسبیح
 و از سجده راست بر پا بخیزد که آن بدعت خیاران است و در
 بر سر زمین هر دو کف دست بر زمین گذارد و بگوید بحول الله
 قوه اقر و قعد و اگر خواهد بگوید اللهم ربک بخولک و
 قوتک اقر و قعد و اگر خواهد و اگر کعبه و سجده نیز زیاده
 و چون از قرائت رکعت دوم فارغ شود بکشد و تسبیح و دستها را
 قوت بخواند هر دو کرد و عالی که خواهر می باشد او را تسبیح

سبحان الله بكبير وهو جند طول بستر دهد روز قامت رخسار
 بستر دهد و افضل نمازها آن است که قنوت طول زیاد شود و از
 جمله کلمات قنوت کلمات فرج فضل بسیار دارد و آن کلمات
 لا اله الا الله العظیم العزیم لا اله الا العلی العظیم سبحان الله رب
 السموات السبع ورب الارضین السبع و ما فیهن و ما بین
 و رب العرش العظیم و الحمد لله رب العالمین و بعد از آن طاعت
 پیغمبر الهی بفرستد و هر حاجت و مطلب بنویسند و آخری که در
 و مغفرت برای خود و دیگران که خواهد بطلبید و از جمله اعمیه مانده
 که مضنون بها باشد اینست اللهم انی استأذنی و اذنی و
 اذنی و اهل بی و اخوانی المؤمنین فیک الیقین و العفو
 و المعافاة و الرحمة و العفوة و المعافاة فی الدنیا و الآخرة
 و در نماز صبح قنوت مستحبات خواندن اللهم من کان اصبح
 و لم یغفر ذنبا یا غفر الذنوب فانت تغفر و رجائی یا ارحم
 الراحمین و یا ارحم من ارحم و ارحم من ارحم و ارحم من ارحم
 حلی و امنن علی الجنة و فیک ربی من النار و عافانی فی
 نفسی فی جمیع موری برحمتک یا ارحم الراحمین و در نماز جمع
 و قنوت بخواند در رکعت اول پیش از رکوع و در رکعت دوم
 بعد از رکوع در قنوت اول کلمات فرج بخواند و بعد از آن بگوید
 اللهم صل علی محمد و آل محمد كما هدیتنا الیک صل علی محمد و آل

کما اهدیتنا

کما اهدیتنا الیک اللهم اجعلنا من اخیرة الدین و خالقته و خالق
 الهم لا یخرج قلبنا بعدا و هدیتنا و هدیتنا من لدنک رحمک
 انت الوهاب و در قنوت دوم بگوید اللهم فم نزلت هدیت فیک
 الحمد ربنا و بسطت یدک فاعطیتنا نکت الحمد ربنا و عظمک
 فعمرت فیک الحمد ربنا و جعلت کرم الرجوع و جعلت خیر الخیر
 و عظمک فضل العطا و کما لها شفاع و کما فتنک و عظمی
 فتنک لمن غفرت غیبت غیبت المسفرة و کما فتنک و کما فتنک و کما فتنک
 العزیم العظیم لا یخرجی الا لیک احد و لا یخسر فیما ینک و لا یل
 اللهم الیک رفعت شخصت الاکابر و رفعت الاقدام و رفعت الاشی
 و رفعت الیدی و انت دعوت بالکس و الیک سرهم و نجوهم فی
 الاعمال ربنا اغفر لنا و ارحمنا و افرحنا و یسنا ما یحق
 و انت خیر الافاحین اللهم فانت کما ینک عینه نبنا اماننا
 و کما انمان علینا و وقوع الفتن و کما انمان و کما انمان
 عدونا و کما عدونا فافرح ذلك یا رب ففتح منک ففتح و کما
 منک ففره و امان عدل نظیره الاله الحق اللهم بعدل نظیره
 الحاج فی تفرقه ربنا العالمین و ارحضرت امام همام علی بن ابی
 الرضا علیه السلام و بیت کزکی برسدیم که در نماز جمع و قنوت
 بخواند گفت بخبر مردم بخوانند حضرت فرمود این قنوت بخوان اللهم
 صل علیک و خلقک بما اظنک به انبیاک و رسالتک و حقک و کما

وَأَيُّهُمُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَاتَّبَعْتُكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمَنْ خَلْفَهُ صَلَّاهُ
يَحْفَظُونَ تَمَازُجَ كُلِّ سَاعَةٍ وَأَيُّهُمُ مَنْ يَحْفَظُ خُوفَهُ أَمَّا بَعْدُ لَكَ الْبُكَاءُ
بِهِ سُبْحًا وَلَا تَجْعَلْ لِحَكَمِكَ مِنْ خَلْقِكَ عَدُوًّا لَكَ سُلْطَانًا وَأَدْنَى لَهُ
فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ وَلَجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ أَمَّا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ وَبَعْضُ أَرْشَادِ رَحِمِ اللَّهِ تَعَالَى كَرَمَهُ كَرَمَهُ دَرْغُوتِ دَسْتِهَا بَابِ
رَوِيكَ خِطَابِكَ أَكْثَرُ نِشَانِ مَبْرُورٍ بِأَمْرِ وَجْهِهِ وَجَرُونِ ارْتَوَتْ
فَارِغَ مِنْ تَكْبِيرِ كَرَمِ بَكْوَيْهِ وَبَعْدَ رَجْعِهِ ثَانِي كَقَبْلِ أَمْرِ مَكْرُورٍ
نَبِيْنَدِ وَنَشْمَدِ بَابِ طَرِيقِ نَجْوَانِ لَيْسَ مِنْهُ أَمْرٌ وَبِأَمْرِ اللَّهِ وَتَحْمُدُهُ وَتَبَارَكَ
لَهُ أَتَقَدَّرُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَتَشْكُرُكَ يَا مُحَمَّدُ
عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَرْحَمَهُ بِالْحَقِّ قَبِيْلًا وَقَدَّرَ بَيْنَ يَدَيْهِ لِسَانًا عَزِيزًا
أَنْ يَرْفَعَ لِيَعْلَمَ النَّبِيُّ وَأَنْ يَحْمَدَ أَهْلُ الرِّسَالَةِ كُلُّهُمْ صَلَّيْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَارْتَفَعْ رَجْعُهُ وَبَعْدَ زَانِ دَوَابَرِ بَابِ رَحْمَتِهِ
بَكْوَيْهِ وَجَوْنِ خَوَاهِدِ بَرْخَزِهِ كَفَتْ دَسْتِهَا مِنْ كَذَارِ وَوَجْهِهِ
وَقَوْلِكَ أَقْرَبُ قُلُوبًا وَدَرْجَتِ سِتْمِ وَجْهِهِ أَمْ حَادِثِ سَبَّاحِ
وَارْدِ شَدِّ كَرِيْمِشِ وَتَحْمُدِشِ هَرُ دَوَسَاوِيْتِ هَرُ كَلَامِ بِالْجَوْنِ تَعَالَى
صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ مَرْوِيْتِ كَقَرَاتِ الْحَمْدِ دَرِيْنِ كَوِيْتِ
بَشِيْحِ الْفَتْحِ كَرَمَهُ مَكْرِبًا رِيَاكِي كَبِيْرًا سَمُو كَنْدِ بِرِ بَابِ بَرِيْنِ حَدِيْثِ
اَلْبَاطِ اَلْبَسْتِ كَرِيْمِشِ وَرَوِيْتِشِ نَحْوَانِ وَجَوْنِ خَوَاهِدِ سَلَامِ هَيْدِ
بَكْوَيْهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ الرَّحْمَةِ وَالْبَرَكَاتِ اَلسَّلَامُ

عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ اَلسَّلَامُ عَلَى جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَصَلَّى عَلَى الْكَافَّةِ
اَلسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ مِنْ مَلَكِيْنِ عِنْدَ اللَّهِ خَالِمِ النَّبِيِّينَ لَا يَنْتَبِهُ بَعْدُ اَللَّهُ
عَلَى أُمَّةٍ الْخَادِمِينَ الْمُهَيَّيْنِ اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِيَالِنَا وَاللَّهُ اَلضَّالِّحِ
وَسَلَامِي كَرَمَازَانِ تَمَامِ شُرُوْهِ سَلَامِ اَلْخَرِيسَتِ حَوَالِ اَمَامِ بَاشِدِ وَخَوَاهِدِ
وَخَوَاهِدِ مَقْرُوْهِ وَبَابِ سَلَامِ حَضَرَتِ سَغِيْرَةِ سَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهَا مِنْ طَاهِرِيْنِ صَلَوَاتِ
عَلَيْهِمْ اَلْقُدْسُ كَنْدِ سَلَامِ هَائِي بَكْوَيْهِ سَبْخَتِشِ اَلْاَمَامِ بَاشِدِ بَعْدَ اَلسَّلَامِ
نَازِ خَطَابِ نَبَاوِيْنِ كَنْدِ وَبَكْوَيْهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَ
مَامُو بَعْدَ اَلسَّلَامِ نَازِ دَوَسَلَامِ بَكْوَيْهِ جَوَابِ اَمَامِ وَاَكْرَدِ رَجَائِبِ
كَمِيْ بَاشِدِ بَابِ سَلَامِ وَدَرِيْنِ قُدْسِ كَنْدِ وَبَكْوَيْهِ جَانِبِ جِبِّ وَاَكْرَدِ بَآخِجِ اَلْبَنِي
وَاَكْرَبَاتِ اَلْبَنِي سَلَامِ وَدَكَارِ بَاشِدِ **در اشاره به**
مَقْدَمَاتِ وَاَعْمَالِ اَشْرَافِ وَدَكَرِيْقَتِهِ اَدَابِ اَفْعَالِ اَنْ اَزْ اَهْلِ بَيْتِ طَاهِرِيْنِ
صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ جَمِيْعِيْنِ مَرْوِيْتِ كَرَمِيْنِ جَانِبِ هَائِي وَبَرِيْنِ رِيْنِ
بَابِ مَرْزَانِ لِبَاسِ تَقْوَى وَبَرْخَزِ كَارِيْتِ اَزْ هَرُ جَوْنِ اِيْ اَلْعَالِي اَلْحَرَامِ كَرِيْمِ
وَازِ اَسْكُورِ وَدَاشْتِ وَلِبَاسِ طَاهِرِيْ نَعِيْمِيْتِ كَرَامَتِ مَرْمُودِ مَاعُوْرَاتِ
وَاعْصَاوِيْنِ وَبَقِيَا اَلْبَنِي بَابِ نَبِيْشِ شُرُوْهِ مَسْئُورِ كَرَمِ وَنَوِيْرِ
كَرَامَتِ اَلْحَقِ اَلْمَرْمُودِ نَاكَلِ اَمَامِ بَاطِلِ وَمَسَاوِيْ اَخْلَاقِ وَهَوَاهِ
فَاسِدِ وَازِ رَوَاهِيْ بَاطِلِ پَهْنَانِ كَرَمِ وَبَخْفِ اَمَامِ بَرِيْنِ عَمُورَاتِ
عَرِيْبِ نَظَاهَاتِ اَزْ اَخْلَاقِ پُوشِيْنِ دَارِيْ وَبَقِيْ كَمِيْ اَلْاَهْلِ اَلْبَنِي
شَرْمِ هَارِ اَزْ اَمَامِ اَلْبَنِي وَدَرْغُوتِ بَاطِلِ رَا وَدَرْشِ اِيْ جَلُوْهِ هَوَاهِ

از هم ندادی و مستراح از آن جهت مستراح گفت که بدین در کجا از بقدر
نجات است احتیاج بد و از کدورت کثافت استراح نماید پس زمین چون
که لطیف ترین نعمتهای دنیا و لذتیزترین لذتهای آن باین زود و عجب
چیز بود باید برین از آن کرد و دست از چنگ کردن باز دارد و دل از تفرش
آن فارغ سازد تا بجهت خاطر مشغول عبادت خدا شود و تحصیل نجات
باقی نماید چه حالست که شکم را از نجاست دنیا خالی کنی و بدن را از کثافت
و لغت دمی و دل را از وسوسه آن لبریز سازی و از تفرش اندیشه
آن بپروازی و خدای تعالی بر اظهر کرد دایده نافع و لذت بخش
بان بشوی و از کدورت احداث و کثافات تنزه یابی و چون
توبه و استغفار جاری ساخته تا نجاست ذنوب و سیئات بان
تطهر شود و از شساعت اقام و خطیئات و اهریج و نجاست
ان الله نجاست ظاهر و دست و رو در وضو نشوی قابل آن
نباشی که روی بدن بقبله گردانی و باعضای طاهر داخل
مسجد شوی و بر سجاده بنشینی و زبان دهان تسبیح و تسمیه
نمای پس ان الله نجاست باطن نامنوره و خاطر از حدت
باطل شست و شوی و بر سجده نموده و نیت را برای خدای
خالص مقرر دایده چکونه لایق آن باشی که روی دل سوی خدا
و بر بیاطرف و کرامت بیکر نمای در حضرت عزت حدیث
اسلام برای و بسواک دندان را از کثافت آثار طعام جلا

ودهانرا

ودهانرا از کراهت بوی آن صفادهی چکونه جوارح را از نجاست
و محالفت خدا و دل را از طاعت شیطان و محبت دنیا بضرع
و خشوع و انقیاد و خضوع طهارت مذهبی و چون مشغول
شوی و بر پای ایستی روی از چرخ زها بگردانی و روی دل از تفرش
مگردانی و ایستادن و وقف عرض اعمال و بیدار گشتن خفیات سرار
یا چکنی و چون از آن نماز نشوی از تفرش روز قیامت دارد و چون
روی بقبله کنی روی طاهر چرخ خداست باز از و چون بر پای ایستی
آن روی کامل خضوع و خشوع بایست و هر چه غیر خداست چنان بپندارد
خدمت خدا ایستاده و باحضرت اورد و مکالمه و تامل نیست که هر ظاهر و
پنهانی دانند و توان نیست که هر چه بخاطر گذرانی نماید و یا جاهلیست که
آسمان و زمین دو دشت همکث است از ذرات و هر دو جهان از یکبار
چرا و قطره در خدمت و چنان بایست که ضعیف ترین بنده
در خدمت عظیم ترین پادشاهی که بر سر بخار و بخار و کرد و نشیند و ایستد
مگر در کاهل و خواب اورد و سنگین چنان در پیغمبر که این جمله از صفات
مناقب است و باریش و دست بازی ممکن و انگشتان در میان یکدیگر
مبارک که اینها همه از نماز نقصان است و دستها بر سینه بگذارد که این عمل
محو است و خیانه با دهن و اعضا ممکن که از جمله اعمال شیطان است
و اگر کسی در نماز انگشت بپنجه نشیند از نماز هان باشد و چون بیکر
کوبی بزرگی و عظمت خدا را یاد دارد و هر چه غفلت در پیش بر زکات او بپای

و غار شمار که اگر با دیگری داری و دیگری را از کفر خدای تعالی گوید و دفع
کوی میفرماید و در بیان الله که کسی و بدلی بدیگری میدهند و جزو حال
خودم که از غیر منی که خویش محروست سازم و از نزدیکی جناب خود دور
و از لذت مساجات بی نصیب بجاور گردانم و در نماز دستها را بر روی
ران بیندازم و ایکنان بهم چسبیده باشد و سرگردن و گمراشته گرد
بطرف قبل و مجری تکیه کن و زنان دستها را بر سینه بچسباند تا بپایان
متصل شود و بلند و پشیمان نمایند و در آشتای نماز از حسن وضاع
بنفک که هر کس برای تعظیم خدای آنرا فرو برد خدای تعالی و در اوقات
مات صحت بدست که است فرماید و یا با از ابرو هم بگذارد که پیش و پس باشد
و بیشتر و در چیز بر روی بیند که نقصان ندارد و نظر از موضع سجده
برسد و با طرفه التفات ممکن که هر کس در نماز با طرفه نگاه کند خدا
تعالی گوید ای بنده من بچنانکه ایکنی و گمراشته طبعی با خدای تعالی
مقتضی با جبرادی سواد من بچون غم اگر کم و کمین و منم جود اگر کمین
بهترین معطی منم که انقدر در نماز هم ترا که هر کس در نماز نداند و روی نجای
من که منم روی با تو دارم و ملاک من روی با تو دارم و روی بچای
من بچای که هر کس در نماز و مستقر نماز شود که آنجا کرده بود را بیل شود و اگر از
التفات بطرف نماید خدای تعالی همان مکالمه فرماید و عجیب و با جبار
و مرتبه چهارم خدا را از او بگرداند و ملاک میگرداند و فرماید ای بنده
من و اگر داشتم تا آخر عمر من را بابت بکار آمدن که در مرتبه خدای تعالی

رو بگرداند و بعد از آن هر کس را و نظر نکند و غود با الله من و ذلک و در نماز
دل با خدا دارد و خیال غیر نماز بخاطر مبارک کرد و رکعت نماز با فکر که نماز
از قیام لیل و هر کس در رکعت نماز گذارد و بعد از آن که چهری گوید میان او
و خدا هیچ کلاه نماند که این که امر بیک شود و هر قدر نماز گذارد ایکنان
باشد حساب شود و هر چنان غافل باشد بر هم بچند و بر روی
صاحبش زنند و در رکوع چشم پوشیا نظر دو میان هر دو پایدار
و در آن کردن کردن در رکوع مغشش نیست که کردن از خدا
نگفتم و سر از طاعت و در بجم اگر چه در نماز بیند و هیچ بند و کوعی نیست
نگرده مگر اینکه خدای تعالی او را بنور خویش مرقب کند و امید در سایه
کبریا بخود بپا هفتاده و خلعت اصفا بر او پوشانند و رکوع است
و اطاعت و سجود قربت و عزت کسی که او بضا بعم کند اهلای قریب
نداشته باشد و در سجده گذاشتن مغشش نیست که خدا با اصل
من همین خاک ذلیلست که هر کسی با بر و گذارد و چون سر بردارد یعنی
مرا ازین خاک افزید و از خاک برداشته و چون سجده و قوم کند یعنی
بار دیگر مرا میرانی و با خاک یکسان گردانی و چون سر بردارد یعنی
مرتبه دیگر مرا ازین ساری مروتیت که والله که نمایان بخورده کسی که سجده
بحقیقت کرده اگر چه در تمام عمر بچند باشد و بدین و کسی که حق
ان ضایع نموده و مانند فریبندگان غافل از مرتبه ساجدان
با خدا خلوت نموده هر کس از خدا دور نشود کسی در سجود بکلیست

گشتم و درین مقام ظاهر عبادت از نسخه های این حدیث قاده گویا
 باین مضمون باشد که او را عزیز گردانم و بر حجت خویش انحصار دهم و چون
 سجده دوم کند فرماید بپسندیده مرا چون بتراضع من عود نمود گواه
 باینست که حجت خود را بر او اعاده فرمایم و چون برای رکعت دیگر از جای خود
 برخیزد فرماید ای مایه که بپسندید چون بر خیزد همانا او را از زمین بلند فرمایم
 و بفرستد که دانم و هر رکعتی که گذارد خدای تعالی فرماید تا آنکه بپسندید
 نشسته و خدای تعالی فرماید ای مایه که بپسندید من و حجت عبادت مرا بجای آورده
 نشسته و از نشانی گوید و بر پیشین صلوات فرستد و فرماید من بر تو صلوات فرستادم
 همچنانکه تو بر من صلوات فرستادی و از شمع تو گردانم همچنانکه تو از شمع من
 ساختی و چون سلام نهد خدای تعالی و ملائکه برو سلام کنند و بفرمایند
 و بگویند که سلام بعد از هر نماز امان است یعنی هر کس نماز خدا و سنت
 پیغمبر صلی الله علیه و آله را بختصر و خشم بجا آورد امان است او را از بلا و عذاب
 و عذاب آخرت و محقق نمایند که در این اصل است بر علیه المؤمنین صلوات الله علیه
 اینست که بعد از صلوات بر پیغمبر برای وی فرستد بر ملائکه او امیر المؤمنین
 و علی را ببرد و امام دیگرند صلی الله علیه و آله حدیث دیگر وارد شده که سلام ملائکه
 و سایر شیعیان بر ائمه اهل بیت است و بعد از صلوات بر ایشان تسبیح از آن
 قصد باید نمود **فصل ششم** در فضایل تعقیب و کیفیت آن از صلوات
 طاهرین علیهم السلام روایت کرده که بعد از نماز فریضه تا وقت نماز دیگر تعقیب
 بخواند همان خدا باشد و خواست بر خدا که همان خود را که فرماید

همچنان

مخلفند

خوناندن بعد از نماز صبح تا طلوع افتاب برای وسعت روز و بزرگوار
 انصاف است و نجارت نمودن با اینکه حادث و دیگر آمدن که جز روزی
 و نجاست است و باین جز و در غیر آن و تعقیب خواندن بعد از فریضه
 افضل است از نافله گذاردن و ظاهر امر ازین نافله غیر نافله تعقیب
 و هر کس بعد از نماز صبح بجای نماز بنشیند و تا طلوع افتاب تعقیب
 بخواند خدای تعالی او را از اندوه و رخسار مستور گرداند و کناهان گذشته
 امر بپوشد و در جهان باشد که زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
 کرده باشد و اگر بعد از نماز شام تعقیب بخواند و حرف نزد تا آنکه بپسندید
 نافله بگذارد آن نافله در عین ثبت نماید و اگر چه بار رکعت
 بگذارد حج مقبول برای او ثبت کند و فضل تعقیب بعد از فریضه
 بر تعقیب دیگر است و روی بقبله باشد و حرف نزد که هر چه بنما و ضرر
 کند بتعقیب نیز ضرر نکند مگر آنکه ضرورت و حرکتی روی دهد
 پس تا با وضو باشد و تعقیب باشد این بر ویان فضایل تعقیب پس
 اجمال و ادب آن اما تفصیل و کیفیت آن چنان است که مرویست
 از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیه همین که هر کس بعد از سلام نماز
 دست بردارد و سه مرتبه قلله بگوید و بعد از آن بگوید لا اله الا الله
 و الحمد لله و بعد از آن و بعد از آن و بعد از آن و بعد از آن و بعد از آن
 و الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله
 و الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله
 شکری که واجبست بر وی بسبب قوت یافتن اسلام و جنودان

خواب

بجا آورده باشد و هر کس بعد از نماز فیصد تسبیح حضرت فاطمه را خواند
علیهما بگوید و بعد از آن بگوید لا اله الا الله بگوید کنا هاشم علیا مرتبه
شود و در روایت مذکور که بیشتر از آنکه بابا از وضعی در غار نشسته بود
تسبیح بگوید و بعد از هر نماز هر روز گفتن این تسبیح هفتاد و سه مرتبه از آنکه هر روز
هزار مرتبه نماز گذارد و هر کس این تسبیح را بر خود لازم گرفت و هرگز
شقی بگوید و مرویت که اگر کسی بترتیب تسبیح می بود پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم حضرت فاطمه عطا میفرمود مستجاب است که تسبیح از خال
مقدس امام حسین علیه السلام که نیت شیعیان است و اگر کسی
بگوید بعد از هر روز چهل مرتبه داشته باشد و اگر عیبت باشد
بگوید آن هر روز هفت مرتبه دارد و اگر در آن فکری در آن باشد
کند و همان تسبیح را می گردانند باشد و قبول آن ذکر داشته باشد
و روایت دیگر آمده که اگر کسی تسبیح از آن تربیت مبارک استغفار
کند هر استغفار می عفتاد و مرتبه مضاعف شود و اگر در وقت تسبیح
نکند هزار و هفتاد مرتبه و روایت دیگر آمده که هر کس این تسبیح
مقدس تسبیح کند چهارصد حاجتش بر آید و نیز مرویت که هر کس این
تسبیحات را بر می گرداند هر روز شش هزار مرتبه نیت کند و اقیه
محو نماید و اقیه در جبهه بگذارد و اقیه در شفاعت عطا فرماید
و مرویت که شیعیان ما را از چهار چیز مستغنی نباشد حصیری
که جای نماز و انگشتری و سواکی و تسبیحی خالی از امام حسین علیه السلام

کسی و سه دانه باشد و در روایت دیگر کسی و چهار دانه وارند
و احتمال دارد که با دانه مؤذن باشد و هر کس بیشتر از آنکه بابا از تسبیح
که نیت میکرد اند سه مرتبه بگوید استغفر الله الذي لا اله الا هو
القيوم ذو الجلال والاكرام و انوب اليه خدای تعالی کنا هاشم
بیامرزد اگر چه مثل کف دریا باشد و اگر پیش از آنکه نماز را شروع
خود تغیر دهد سه مرتبه بگوید شهدك لا اله الا الله و حذرك لا اله الا
له الهك احدا صمد لم يخذلنا صابرا ولا ولا و لا يجهلنا غدار
هزار مرتبه برای او ثبت شود و چهل هزار مرتبه محو شود
و چنان باشد که و از ده مرتبه ختم قرآن کرده و اگر بعد از هر نماز بگوید
اعوذ بربيعك الكريم و عزيتك التي لا تلهي و قد رمتك التي لا تبيح
شي من شر الدنيا والاخرين و شر الاكواع كلها و لا حول ولا
قوة الا بالله العلي العظيم خدای تعالی خیر دنیا و آخرت برای او
جمع نماید و اگر بگوید شهدك لا اله الا هو يالبيح الحساب
و اية الكرسي و قل هو الله احد الله سم ما لك الملك يا بغيضا
بخواند خدای تعالی فرماید بعت و جلال خودم که هر روز بخشیم بنها
خود هفتاد مرتبه و فقط کم و هر مرتبه هفتاد حاجت او ببارم و او را
با فقر کنا که در او قبول نمایم و در روایت دیگر آمده که هر روز هفتاد
حاجتش بر آید که کمترین آنها استغفرت کنا هاشم باشد و در خطبه
خوش جاوید هم و در عثمان قصه ششم و در عثمان بسلامت در هم

الرزق من المؤمنين حتى الخائف من المخلوقين حتى الزايقين
 المشروقين حتى الذي لم يزل حتى جنتي من كان مذكبت
 حتى أحبني الله الذي لا اله الا هو عليه نزلت هو رب العرش
 العظيم وهر كره روز بعد از نماز عصر بگوید استغفر الله الذي
 لا اله الا هو الحي القيوم الرحمن الرحيم والجلال والاكرام
 واسأله ان يتوب عنك قربة عتده ليل خاصه فقير يا ربك
 متجبر لا يملك لنفسه نصرا ولا نفعا ولا حيو ولا موتا ولا شفا
 خدای تعالی میکند وافر نماید تا نامه کناهان او را هر چه باشد
 در آن روز بوزنند و هر کس بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار
 کند هفتصد کناهش در آن روز آمرزیده شود و اگر او را نباشد
 از نماز و شکر و اگر او را نبود از تحوینان اش الا در فالا و در اگر بعد
 نماز عصر و موقوفه اقا اثر لناه بخواند بعد و هر کس نماز عصر کند و بر
 او خشت نماید و روایت دیگر آمده که مثل اعمال غیلابی
 برای او ثبت نمایند و روایت شد که دو ایت سوره بقره این است
 یا اترل تا آخر سوره خدای تعالی از کتبهای بهشت فرستاده و در
 هزار سال پیش از آنکه خلایق را بیافرید است خود نوشته و هر کس بعد
 نماز خشت بخواند چیزی باشد و از ان مقام لیل و هر کس در سجده
 نماز صبح پیش از آنکه رکوع کند بگوید اللهم ما قلت فی جمعی هذا من
 قول او حلفت فیها من حلفت او نذرت فیها من نذرت فیها من

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بدنی ذلك كله فبانت منه اوت يكون كان وما لم تسانه
 لم يكون اللهم اغفر لي و تجاوز عني اللهم من صليت عليه
 فضلا لي عليه ومن احبته فلعنني عليه كفاره کناهانی باشد
 که در آن هفته کرده و هر کس بعد از نماز عصر و در جمعه هفت مرتبه بگوید
 اللهم صل على محمد و آل محمد الاوصیا المرصین بافضل
 صلواتك و ببارك عليهم بافضل بركاتك عليه و عليهم و
 رحمة الله و ببر کافه خدای تعالی برای او صد هزار رحمت
 نماید و صد هزار سینه از او بخور نماید و صد هزار درجه بداند
 و صد هزار حاجتش را بر آورد و بعد و هر کس را احسن باشد و
 اعمالش در آن روز مقبول گردد و چون روز قیامت بیاید میان
 هر دو پیشتر نری در خشان باشد و چون از نماز و نغیبات
 آن فارغ باشد و ملائکه را از آن خوش آید و خدای تعالی حجاب
 از میان او و ملائکه بردارد و گوید ببینید بندگان مرا عبادت
 من بجای آورده و اکنون سجده می کنند مرا بکرامت توفیقش داده ام
 پس جزای آن چه باشد ملائکه گویند خدا با رحمت تو فرماید و دیگر چه
 بهشت گوید و دیگر چه گویند کفایت تمامش و هم چنین سؤل کند و ملائکه
 جواب گویند تا آنکه چیزی نماند مگر آنکه گفته شود باز سؤل فرماید
 گویند خدا یا پیش ازین علم ما و فاکند پس خدای تعالی فرماید
 شکر او کنم همچنانکه او شکر من میکند و بفضل خویش روی او کنم حال

و السلام
 شریف است نماز که لازم است بخواند
 که نمازبان تمام شود و در حجب رعایت نماید

وجبت ان توجدا شرم و بگویند دست رس نباشد و هم از ایشان
 مروست که شیطان لعنة الله هر روز از طلوع صبح تا طلوع افتاب و از غروب
 افتاب تا غروب خورشید و از غروب خورشید تا طلوع صبح در زمین منتشر سازد و در
 اضلال مردمان پس بدین دو وقت ذکر خدا بسیار کند و بخود و کوفت
 بخدا پناه دهد و استغاثه نماید تا انکند و شر شیطان محافظت
 نماید که این دو ساعت ساعت غفلتند و هم از زبان علمای اسلام است
 که خدا و عزالی بفرماید که یک ساعت بعد از صبح و یک ساعت بعد از
 ذکر من کیند تا من کفایت تمام غمها نام و بفرموده اند که افتاب
 زرد شود و ذکر خدا کند و اگر با جمعی باشد که شمار اشغول سازند یا
 ایشان بخیرند و مشغول ذکر و دعا گردند و در وقت طلوع صبح بگوید
 الحمد لله فالق الاكباح سبحان رب السماء ورب القبا اللهم
 صلح ال محمد و برکته و عافیه و سروری و حمزه و عین الله انک
 تنزل باللیل والنهار ما نشاء و انزل علی و علی اهل بی من
 برکة السموات والارض برز قاحلا لا کثیرا تعیننی برکته
 خلقک و از جمله ادعیه مخصوص صبح است عظیم الفضائل جسم الغد
 شریف المصابین منسوخ حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه اللهم
 یا من دلع لسان الصبا یطوق قلبه و سرح قطع اللیل المظلم
 یغیاه یجلیه و اتقن منغ الفکک الذی فی مقادیر برکته
 و شفع ضیاء الشمس بنور کافیه یا من دل علی دایه بدایه و نه

عن مجاهد مخلوقاته و جعل عن ملائمة کفایت یا من قریب
 من خواطر الظنون و بعد عن ملاحظه العیون و علم عما
 کانت قبل ان یكون یا من ارفع من فیها و آمنه و امانه و انطقی
 الی ما یخفی به من سینه و اخبائه و کففت الشری عن عین و
 سلطانہ و صل اللهم علی الذلیل الذی فی اللیل الا لیل و الممتک
 من انبایک یجیل الشرف الا طویل و الناصح الحسب فی ذروة الکمال
 الا تمیل و الثابت القیم علی رجا یقفها فی الزمان الا وکل الصالح
 و علی الیه الاخبار المضطیفین الابرار و ارفع اللهم علی مضایع الصباح
 بمفاتیح الرحمة و الفلاح و البشی اللهم یا فضل خلیع الهادی و
 الصالح و اعزیز اللهم لعظمتک فی رب جبار و تابع للشرع و
 اجر اللهم طینتک من انافی و زلات النجوم و اذی اللهم مع حرث
 منی یا رب الشرع الهی ان لم یکن فی الرحمة مثک تجس النور فی
 بین السالك الی لیک و اخرج الطریق و انما سلمنی فانک لقائد
 الاصل و النبی من المعبد عزلی من کبریات الهوی و ان خذلنی
 نصرک عند محاربة النفس و الشیطان فقد و کنتی خذ لا تمکلی
 حیث التصبیح یجر ما الی فی انبتک من حیث لا دال الی لم یخلقک
 حین باعدت فی نوری من دار الرضال فیلس الطیفة الی انکلت نسی
 من هرا و لا هالک الی سولت طائر هرا و مناها و قبالها لمرآة
 علی سیدها و لاها الی و غمت لایت رحمتک بید رجائی و غمت

اِهْدِنَا صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ
 عِزًّا يَا اَللّٰهُمَّ وَقَدْ اَسْكَنْتَنِيْ حَسَنَ الظَّنِّ بِكَ فِي عَمَلِيْ وَفِي قَلْبِيْ
 مِنَ الشَّكِّ وَفِي عَمَلِيْ وَفِي قَلْبِيْ عَمَلِيْ وَفِي قَلْبِيْ عَمَلِيْ
 لَا خَلْفَ لَكَ وَلَا مُبَدِّلَ يَوْمَ تَدْعُو كُلَّ اَنْسَانٍ اِلَى مَا مِنْهُمُ ذَلِكُمْ يَوْمَ
 التَّشْرِيدِ اذْ تُفْجَرُ فِي الْعُتُورِ وَتُجَرِّبُ الْقُبُورَ اَللّٰهُمَّ اَوْفِرْ وَاشْهَدْ
 وَاعْرِضْ وَلَا تَجْعَلْ لِيْ فِيْ عَمَلِيْ اَوْفَرَ وَاعْلَنْ وَاعْلَنْ مَا لَكَ اَنْتَ اَللّٰهُ
 لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيْكَ لَكَ وَانْ تُعَذِّبْ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ
 وَانْ تُعَذِّبَ اَمْرًا مُّؤْمِنًا وَسَيِّدًا مُّؤْمِنًا وَوَارِثًا لِمُؤْمِنِيْنَ وَ
 قَاتِلًا لِّلشُّرِكِيْنَ وَامَامًا لِّلْمُتَّقِيْنَ وَبَاحِيَةً لِّلْكَافِرِيْنَ وَكَافِيَةً
 وَنَارِيَةً لِّلْاِمَامِيْ وَنَجِيَّةً وَغَوْفًا وَصِرَاطًا وَدَلِيْلًا وَنَجِيَّةً
 وَاسْمًا لَا اَوْفَى اَلْعَمَالِ وَانْ تَكُنْ وَلَا اَنْهَا مُنِجَةً وَانْ
 صَلَّيْتَ الْاَيُّوْمَ كُنْتَهُ وَالْاَيُّوْمَ كُنْتَهُ وَالْاَيُّوْمَ كُنْتَهُ وَالْقَبُولِ
 مِنْ حَلَّتِيْهِ وَالتَّسْلِيْمِ لِرُؤُسِهِ اَللّٰهُمَّ وَاقِنْ يَا وَصِيَّائِيْ مِنْ اَمَنَّا
 اَمْنَةً وَنَجِيَّةً وَادْكَةً وَسُرْجًا وَاعْلَامًا وَمُنَارًا وَمَادَّةً وَاقْدَامًا
 وَوَسِيْرًا وَسِرْجًا وَظَاهِرًا وَبَاطِنًا وَجَنَّةً وَنَجِيَّةً وَنَجِيَّةً
 وَغَايَةً لَّا تُشْكُ فِيْ ذَلِكَ وَلَا تَنْبَاطُ بِحَوْلِيْ عَنَّهُ وَلَا تَنْبَاطُ
 اَللّٰهُمَّ فَادْعِنِيْ يَوْمَ تَحْشُرُنِيْ وَتَجْعَلُنِيْ يَوْمَ تَحْشُرُنِيْ
 دَعْوَتِيْ وَكَتَبْنِيْ فِيْ اَصْحَابِهِمْ وَتَجْعَلُنِيْ مِنْ اَخِيْرِهِمْ وَتَقْدِيْرِهِمْ مِنْ
 التَّيْبَانِ وَانْ كُنْ رَحْمَتِيْ رَوْحَ الْخِيَارِ فَانْ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ

كُنْتُ

كُنْتُ مِنَ الْفَاسِقِيْنَ اَللّٰهُمَّ وَقَدْ اَصْبَحْتُ فِيْ يَوْمِيْ هَذَا لَا اِقْنَةَ
 وَلَا رَجَاءَ وَلَا مَقَرَّ وَلَا مَلْجَأَ وَلَا مَلْجَأَ عَمْرٍ مِنْ قُرْبِكَ بِكَ اَللّٰهُمَّ
 وَهَمَّ رِسَالَتِكَ وَاللَّهُ عَلَى اَمْرٍ مُّؤْمِنًا وَسَيِّدًا فَاِجْعَلْهُ لَكَ
 سَيِّدَةً النَّبَا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ وَتَحْمِيْدًا وَتَحْمِيْدًا وَتَحْمِيْدًا
 وَعَلِيَّ وَتَحْمِيْدًا وَعَلِيَّ وَتَحْمِيْدًا وَتَحْمِيْدًا وَتَحْمِيْدًا وَتَحْمِيْدًا
 الْمَجْمُوعُ لِلْاَمَةِ مِنْ ذِيْقَتِهِمْ وَحُجْرَتِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمُ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْهُمْ
 جَعَلْتُمْ فِيْ هَذَا الْبُيُوتِ وَمَا بَعْدَهُ حُضْرِيْ مِنَ الْكَارِ وَتَحْمِيْدًا وَتَحْمِيْدًا
 وَتَحْمِيْدًا لَهُمْ مِنْ كُلِّ عَذَابٍ وَتَحْمِيْدًا وَتَحْمِيْدًا وَتَحْمِيْدًا
 اَعْرِضْ وَمَا اَنْتَ وَمَا اَنْتَ وَمَا اَنْتَ وَمَا اَنْتَ وَمَا اَنْتَ
 رَبِّيْ اَخِذْ بِنَاصِيَّتِيْ اِنَّ رَبِّيْ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّشْفِقٌ اَللّٰهُمَّ فَتَوَلَّ
 لَهُمُ اَللّٰهُمَّ وَتَقَرَّبْ بِحَبِيْبِهِمْ وَخَصَّصِيْ بِالْمَا مِنْهُمْ اَفْخَ عَلَى هَذَا
 الْيَوْمِ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ
 وَتَحْمِيْدًا لِيْ خَلَقْتَ وَتَحْمِيْدًا لِيْ وَتَحْمِيْدًا لِيْ وَتَحْمِيْدًا لِيْ
 كُلِّ شَيْءٍ فَذِكْرُكَ اَللّٰهُمَّ وَلِكُلِّ عَمَلٍ ثَوَابٌ وَلِكُلِّ شَيْءٍ ثَوَابٌ
 حَقٌّ فَاَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ
 اَنْ تَعْرِضَ لِيْ بِرَحْمَتِكَ بِرَحْمَتِكَ بِرَحْمَتِكَ بِرَحْمَتِكَ بِرَحْمَتِكَ
 وَتَحْمِيْدًا لِيْ وَتَحْمِيْدًا لِيْ وَتَحْمِيْدًا لِيْ وَتَحْمِيْدًا لِيْ وَتَحْمِيْدًا لِيْ
 وَتَحْمِيْدًا لِيْ وَتَحْمِيْدًا لِيْ وَتَحْمِيْدًا لِيْ وَتَحْمِيْدًا لِيْ وَتَحْمِيْدًا لِيْ
 وَتَحْمِيْدًا لِيْ وَتَحْمِيْدًا لِيْ وَتَحْمِيْدًا لِيْ وَتَحْمِيْدًا لِيْ وَتَحْمِيْدًا لِيْ

رَأْسُكَ مِنْ بَابِ

جَعَلْتُمْ دَل

قَاظِرُ الْكَلْبِ لَكَ وَلَيْتَكَ وَابْنُ مَيْتِ قَتِيلِكَ اسْتَعِي بِاسْمِكَ
 صَلَوَاتِكَ عَلَيَّ لِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ حَتَّى يَطْعَمَ كَفِّي مِنْ لُبِّ الْجِلْدِ
 مَرْقَهُ وَيُحْيِيَ اللَّهُ رِيحِي وَيَجْعَلَ اللَّهُ لِي وَاجِعَهُ مَقَرّاً لِلطَّاهِرِينَ
 عِبَادِكَ وَنَاصِحِينَ لِي لِيَجِدَ لَكَ عَمْرُوكَ وَيَجِدَ لِي عَظِيمَ نِعْمَتِكَ
 كُنَايَتِكَ وَمُسْتَدَامَا وَرَدِّكَ مِنْ أَعْلَى دَرَجَتِكَ وَسَمْعَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاجْعَلْهُ اللَّهُ مِنْ حَقَّتْ لَهُ مِنْ نَابِ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ
 وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ قُرْبِهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى نِعْمَتِهِ
 وَأَرْحَمَ نِعْمَتِكَ لَنَا مِنْ جَدِّهِ اللَّهُمَّ اكْشِفْ عَنْهُ الْعَمَلَةَ عَنْ هَذِهِ الْأَمَةِ
 مُحْتَضِرَةٍ وَجَعَلْ اللَّهُمَّ طَهْرَهُمْ بِرُوحِهِ بَعْدَ وَرَبِّهِ وَبِأَمْرِهِ
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بَعْدَ أَنْ سَمِعْتُ مِنْ رَأْفَتِهِ رَأْفَتَهُ وَكَوْنِهِ
 الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الْمَنَانِ الْعُرْفُ الْعُرْفُ
 صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ نَاثِلَةٌ إِلَيْكَ حَتَّى يَكُنِيَ اللَّهُ مِنْ قَوْلِكَ وَحَادَةً
 وَبَيْنَكَ وَبَيْنَكَ يَا مَوْلَايَ الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ الشَّاعِرُ الشَّاعِرُ
 بَعْدَ أَنْ يَسِيرَ بِأَحَابِيتِهِ الْإِيمَانُ الْإِيمَانُ الْإِيمَانُ الْإِيمَانُ
 الْعُرْفُ الْعُرْفُ أَدْرِكْ حَقِّكَ وَحَقِّ الْبَائِلِ الطَّيِّبِ الظَّاهِرِ الْقَصْدِ
 الْمَكْرِيهِ وَأَزْهِلْ بِتَطَاهُرِهِ عِلْمَ الْمُسْلِمِ مَرُوسٍ كَمَا جَرَلَتْ
 كَهْمُ بَعِيرَانِ إِذَا دُمْنَا حَضْرَتِ خَاتَمِ صَلَوَاتِهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَرْجُو كَوْنَهُ
 كَهْمُ لَدُنْ وَأَنْ أَيْسَرَ كَهْمُ وَرُوحِي كَوْنَهُ اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ يَا قَاتِلَ الْفِرَارِ
 بِرَقْلِي وَيَقْبِ احْتِقَاقِي أَعْلَمُ أَنَّكَ لَا تَهْتَبِي لَأَمَّا كُنْتُ لِي وَرِطَاءُ عِيَانَتِي

ودر بعضی

ودر بعضی روایات این عبارت نیز آمده بر آن مده حَتَّى لَحِثِ
 نَعْلُ مَا آخَرَتِ وَلَا تَأْخُذْهَا عَجَلَتِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ رَحْمَتِكَ
 اسْتَعْنِ صَلَوَاتِي شَانِي كَلِمَةً وَلَا تَكُنْ لِي فِي نَفْسِي طَرَفٌ عَيْنٌ أَبَدًا
 صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَكَذَا هُوَ وَنَبِيٌّ أَنْ طُلُوعِ أَفْقَابِ كَوْنِهِ
 اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ كَبِيرًا وَأَصْبَحَ اللَّهُ مُحَمَّدٌ نَبِيٌّ
 الْعَالَمِينَ كَبِيرًا لَأَسْأَلُكَ اللَّهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مِنْ قُرْبِهِ
 ودر میان بال خویش گذاشته ایمان رود و چون با آسمان و دنیا
 رسید بیکدیگر بگوید با خود چه داری گوید این کلمات را که موی کمرش را
 دعا کند و گویند خداوند تعالی بر آن مومن رحمت کند و گناهانش را ببرد
 و همچنین هر ایمان که رسید بیکدیگر آن آسمان همین دعا کند تا آنکه بجا آید
 عرشِ سعادتیان نیز این دعا کند و گویند این کلمات را بخوانند و در آن
 اقوال مومنان بسیارند و در میان خزینه ثبت نمایند که این کلمات
 خزینه است و هر کس هر صبح و عصر مرتب بخواند اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ وَصَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ فِي الْمَرْكَبِينَ اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَصِيلَةَ وَالشَّرَفَ
 وَالرِّفْقَةَ وَالذِّجَّةَ الْكَبِيرَةَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَعِي بِمُحَمَّدٍ وَكَمْ أَرَاهُ فَلَا
 تَحْزَنِي بَرَاءَةُ الْغَيْبِ وَرُوحِي وَأَرْزُقْنِي نَجَاتَهُ وَرُوحِي عَلَى مِلَّتِهِ وَنَجِي
 مِنْ نَارِ حَوْضِهِ مُسْتَبَارِدًا يَا نَافِعًا هَيْبًا لَا تُلَاقِي بَعْدَ أَبَدًا أَنْتَ
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ اللَّهُمَّ وَكَمَا أَنْتَ بِمُحَمَّدٍ وَكَمْ أَنْ تَعْرِفَنِي فِي الْحَيَاتِ وَ

ودر بعضی روایات این کلمات را بخوانند و در آن اقوال مومنان بسیارند و در میان خزینه ثبت نمایند که این کلمات خزینه است و هر کس هر صبح و عصر مرتب بخواند اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي الْمَرْكَبِينَ اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَصِيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالرِّفْقَةَ وَالذِّجَّةَ الْكَبِيرَةَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَعِي بِمُحَمَّدٍ وَكَمْ أَرَاهُ فَلَا تَحْزَنِي بَرَاءَةُ الْغَيْبِ وَرُوحِي وَأَرْزُقْنِي نَجَاتَهُ وَرُوحِي عَلَى مِلَّتِهِ وَنَجِي مِنْ نَارِ حَوْضِهِ مُسْتَبَارِدًا يَا نَافِعًا هَيْبًا لَا تُلَاقِي بَعْدَ أَبَدًا أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ اللَّهُمَّ وَكَمَا أَنْتَ بِمُحَمَّدٍ وَكَمْ أَنْ تَعْرِفَنِي فِي الْحَيَاتِ وَ

اللَّهُمَّ إِنِّي غَافِيكَ وَعَشِي بِرَحْمَتِكَ وَجَلَلِي كَرَامَتِكَ وَفِي
شَرِّ خَلْقِكَ مِنَ الْإِنْسِ وَالْأَنْسِ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ وَمَرِي
که در وقت ظهر گفتن این تسبیح را محافظت نماید همچنانکه چشم
خود را محافظت کنی سبحان الله ولا اله الا الله والحمد لله ولا
لم یغدر ولا ذل ولا یکن له شریک فی الملک وکم تکن له ولی من الا
وکیتره فکبروا واکافضایل ثباته روز جمعه و او را دان مرویت
از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم جمعین که صبح و زانبا
طلوع کند افضل از روز جمعه و سید روز هاست خدای تعالی
در روز جمعه نجات مضاعف کند و نیات بخواند و در جات
بلند گرداند و دعوات اجابت فرماید و نیات دفع کند و حاجات
عظیم بر آورد و رحمت و فضل زیاده گرداند و هیچ کس درین روز
دعا نکند و طلب مغفرت ننماید و حال آنکه حق آنکه حق و رحمت
این روز زیاده است و هر آنکه بخدا لازم باشد که او را از آتش
دور بخاند کرد و اند پس اگر در روز جمعه باشد بیدار نشاید
تا از عذاب آتش و ریخ این باشد و هر قدر خواند درین روز طاعت
و عبادات و سایر خیرات زیاده کند که نوافضات مضاعف باشد
و ترک معاصی منافی جمیع ملامی نماید که عقوبت سبب است عفو
کرد و بباید که کسی دعا کند و خدای تعالی تا آخر اجابت کند و الله
جمع برای فضیلت آن روز و شب جمعه نیز در فضل و شرفش روز شنبه

روز شنبه و روز جمعه و روز یکشنبه

و خدای تعالی هر چه از اول شب تا طلوع صبح از بالا می شنود
فرماید و گوید ای خداوندی که حاجتی اری بر این خدایت با دنیا طلب
نمای تا اجابت کنم و اگر گناه می کرده است غفار نمای تا قبول نمایم و اگر معصیت
تبت بود سوال نمای تا باز یاده فرمایم و اگر بیماری دعا کنی شفا دهم و اگر
و غم باشی استغاث کن تا نجات دهم و اگر غم باشی استعانت نمای
تا نصرت دهم و در وقت آخر هر شب تسبیح جمعه از اول تا طلوع صبح بخواند
فرستد تا از جانب جناب او نازل گردد و گوید هر کس را حاجتی باشد بخواند
تا اجابت شود و اگر گناه می کرده بودم نماید تا مغفول گردد و رای طالبان
مشغول بخیرید و رای طالبان شریک شرور نمایند و چون صبح طلوع
کند بمقام خود در ملکوت سما جوع نماید و مستحب است در روز جمعه
بجهت عیال و اطفال مسکین و تحفه تازه که در روزهای دیگر نوزده
باشد آوردن تا درین روز شاد و خوشحال باشند و محتشان بآن
روز زیاده گردد و هر کس استغاث بجهت این روز کند و حق آنرا ضایع نکند
بر خدای تعالی لازم باشد که او را بجهت آن ببرد مگر آنکه قریه و اگر درین روز
یک بیت شعر بخواند نصیبش از فضایل آن همان باشد و افضل اعمال آن
در روز جمعه صلوات فرستادنست بر پیغمبر و آلش صلی الله علیه و آله
بخشیده شود ملاک از آسمان نازل شود بعد سر بر اقله های طهارت
فرقه و تاشیبه کارشان همین باشد که هر کس صلوات فرستد نویسد و این
در روزهای دیگر نازل شود و مستحب است روز جمعه از مرتبه و سایر روزها

صدقه صلوات فرستادن و هرگز هر شب جمعه سوره بقره را بخواند از صاحب
حضرت صلواتی همان صلوات الله علیه در هرگز هر شب جمعه بار و چهل مرتبه
سوره کاف بخواند تا جمعه بخواند باشد و اگر هر شب جمعه بخواند در جمعه شهادت
و در روز اربعان محشر شود و کفاره کنه هاشم باشد از جمعه سابق تا این
و هرگز هر شب جمعه را شب قدر یا شومی و مریه بخواند یا اذ انکم الفضل علی البریه
یا یا یا ایل الین یا العظیة یا صاحب الواهل الشیعة صل علی محمد و آله
خیر الوریة و اغفر لنا یا ذا العلاء فی هذه العشیة هزار مرتبه
برای و شبت نمایند و هزار مرتبه استغفر فرمایند در مجلسی از حضرت نمایان
و روزه این روز برای است باده روزی و روزی درختان که روزهای نیاید
شاید شود و مستحب است روز جمعه زیارت حضرت پیغمبر و اهل بیتش صلوات
علیهم و چون خواهد زیارت کند غسل کند و جامه های پاکیزه بپوشد و سجده
رو و در روایت دیگر بام خاکی برآمده و چهار رکعت نماز بکند و در هر
بیت باریت و بگوید السلام علیک ایها القی و رحمة الله و بركاته
السلام علیک ایها القی المرسل و الوصلی المرفعی و السید الکبری
و السید الزهر و السیطان المنجیان و الاولاد الاعلام و الا
المنجیون جنات فقطاعا الیکم و الی باکم و الیکم الخلف علی
تحتی قلبی الیکم و صبر الیکم معذرة حتی یحکم الله لینی نعم الیکم
لا مع عذرتکم ان لم یکن الف الفین بفضلكم بقره جمیعکم لا اله الا الله قدس
ولا ارفع الا ان شاء الله سبحان الله ذی الملك و الکوری و سبحان الله یا امین

جمیع

جمیع خلقه و السلام علی افاضکم و احسانکم و السلام علیکم و رحمة الله
و بركاته و مستحب است روز جمعه انواع تطهر و تنطیف و تطهیر خیار که
بتفصیل در باب دوم بیان شد و بهترین جامه ها که مقدور باشد بپوشد
و با سبک و نرم و نازک و سجد شدن و چون نه مرتبه ناز کرده مستحبه
سجد شود بگوید اللهم من هیتا و تعبتا و اعدت و استعدت لوفادته
الی محفل و رجاء رفده و ملکنا فله و بخوارین و قواضی الی الی الی
و قادی و تبتی و تعبتی فی اعدادی و استعدادی و جاد و جاد
و بخوارین و ذلک فلا تحسب الموت رجائی یا من لا یحیی علیه
سأفک و لا ینقصه نائل فان لم اقلک لبور بعد سبیل الی الله
و لا شفاعة تخلق رجوة و لیکن آیتک مقرا بالظلم و الاثم و
و لا تخف لی و لا عذر فاسئلك یا رب ان تعطينی سألی و قلبی
یرغبنی و لا تردنی بحسبها و لا خائیا یا عظیم یا عظیم یا عظیم یا عظیم
اسئلك یا عظیم ان تعفونی العظیم لا اله الا انت اللهم صل علی
محمد و آل محمد و ان رفی خیر هذه الی الی الی رفقه و عظمته و
اقبلنی فی من جمیع ذری و عطا بای و رد فی من فضلک اذ كنت
المرتاب و در روز جمعه دو ساعت است که دعا در آن بهتر میجاء
شود وقت نزال و دوم آخر و زمانه که دعا کند و مستحب است در میان
آخرین روز خزان و دعای سمات رویت از حضرت امام همام محمد
علی الناق علیهما السلام که این دعا از عمیق سکون و مخزون علم است برای

حاجات وهداك دشنام ما تخلفند وبالطفال وسفها وذلالمات وبنافقان
 اظهار ان مى كند وكرم باد كرم اسام اعظم ودين دعاست دانه كنه باشم
 ودعا انست اللهم انا سئلك باسمك العظيم الاعظم الاعز الاكبر الاكرم
 الذى اذا دعيت به على عالوا ابد السماء للفتح والرحمة انفتحت وادوات
 به مقادير ابواب الارض للفرج انفرجت واذا دعيت به على العسر اليسر
 تيسرت واذا دعيت به على الكوارث للشوق انقضت واذا دعيت به
 على كثرة البلاء والقضاء انقضت وبطلت وبجملتك الكرم الكريم والرحمة
 والكرم الذى عنت له الرجوع الذى خفضت له الارتفاع
 خففت له الاصلات ووجلت له الفلوات من مخافتك وتغزيتك
 التى تليك بها السماوات تقع على الارض لا باذنتك وتمسك السموات
 والارض ان تزلزلا وتيسر لك التى دان لها العالمون ويحكى لك التى
 خلفت بها السموات والارض ويحكى لك التى صنعت بها السمايات
 وخلفت بها الظلمة وجعلتها ليل وجعلت الليل سكنا وجعلت
 بها النور وجعلته نهارا وجعلت النهار شوقا صغيرا وخلفت بها
 القمر وجعلت القمر نورا وخلفت بها الكواكب وجعلتها نجوم وادوات
 ومصابيح ورحمة وجوفا وجعلت لها مشارق ومغارب وجعلت
 لها مفاصل وتجارت جعلت لها فلكا وسمايح وقدرتها في السماء
 مشارق فاحسنت قدرها وصورها فاحسنت تصويرها
 احصيتها فاحصنتها فاحصنتها فاحصنتها فاحصنتها فاحصنتها فاحصنتها

وغيرها

وتجعلها سلطان الليل وسلطان النهار واسماها وعنده السبب
 والحيات وجعلت رؤيتها لجميع الناس مرمى واحدا وسئلك
 اللهم بجديك الذى حكمت به عبدك وسئلك من سئلك
 عليك السلام في المقادير فوق اجناس الكواكب فوق عبادك
 القرب فوق ثابوت القنطرة في عمود النور وفي طور سيناء وفي كل
 حوريت في الارض المقدسة في المقعد المباني من جانه الطور
 الايمن من الشجرة وفي ارض مصر سبع ابواب بينات ويوم وقفت
 لى ايل النور وفي النجاة التى صنعت بها السمايات في جبروت
 وعقدت ماء البحر في قلوب البحار والنجارة وجاهت بينى اسرائيل البحر
 وتمت كلمتك الحصى عليهم بما صبروا واورثهم مشارق ومغارب
 التى لا تركت فيها للعالمين واغرقت فرعون وجنوده وركبه
 في اليم وباسمك العظيم الاعظم الاعز الاكبر وبجديك الذى
 جعلت به لوى على كعبك عليه السلام في طور سيناء وكلام
 عليك عليه السلام في بئر سبع وليعقوب بيتك عليه
 السلام في بيت ايل واوتيت لادبهم عليك السلام بينا فاك ولا تخش
 محاسنك وليعقوب عليك السلام بشهادتك وللذين يرونك
 وللذاهين باسمائك فاحسنت وبجديك الذى ظهر لى من
 غمران على قبة الزمان وبأيدك التى رفعت على ارض مصر بجديك
 العزة والعكبة يا ايات عزة وسلطان القوة وكثرة القدر

ربنا
 هم

وَيُنَادِي السَّامِيَةَ وَيَكْلِمُنَا نَارَكَ الَّتِي تَقْضِيكَ بِهَا عَلَى أَهْلِ السَّمَوَاتِ
 وَلَا تُفْرِقْ أَهْلَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَبَرِّحْنِكَ الَّتِي تُنْشِئُ بِهَا عَلَى جَمِيعِ
 خَلْقِكَ وَيَأْسِطُ عَلَيْكَ الَّتِي تُنْشِئُ بِهَا عَلَى الْعَالَمِينَ وَيُؤَيِّرُكَ
 الَّذِي قَدْ خَرَجَ مِنْ قَرْعٍ طَوِيرٍ سَبَاءً وَيُعَلِّمُكَ وَجَلَّالِكَ وَكَرِيمًا
 وَعَزِيزًا وَيَجْعَلُكَ بِكَ الَّتِي كَمْ تَنْشِئُهَا الْأَرْضُ وَتَخْفِضُهَا
 لَهَا السَّمَوَاتُ وَتَفْرَجُهَا الْعُسَى الْأَكْبَرُ وَرَكَدَتْ لَهَا النُّجُودُ
 وَالْأَنْدَادُ وَخَفَضَتْ لَهَا الْجِبَالَ وَكُنْتُ لَهَا الْأَرْضُ بِمَنَاجِلِهَا
 وَانْشَلَتْ لَهَا الْخَلَائِقُ كُلُّهَا وَخَفَقَتْ لَهَا الرِّيحُ فِي جُزْأِهَا
 وَتَحَدَّتْ لَهَا النَّبَاتُ فِي أَوَّلِهَا وَيَسْطَا بِكَ الَّذِي عَرَفْتَ لَكَ بِهِ الْخَلْقَ
 دَهْرًا لَدُنَّ هَوْنٍ وَجُودَتْ بِهِ فِي السَّمَوَاتِ وَالْآخِرِينَ وَبَرِّحْنِكَ كُلِّ الْفَيْدِ
 الَّتِي بَقِيَ لِأَيُّهَا أَدَمَ عَلَيْكَ سَلَامٌ وَفَرِحْتِ بِهِ بِالْحَجَرِ وَأَنْشَلْتَ كُلَّكَ
 الَّتِي عَمِلْتَ كُلَّ شَيْءٍ وَيُؤَيِّرُكَ وَيَجْعَلُكَ الَّذِي تَجْعَلُكَ بِهِ لِلْعِبَادِ
 دَعَا وَكَرَنَ سَرَى صَحْفًا وَيَجْعَلُكَ الَّذِي ظَهَرَ طَوِيرُ سَبَاءً فَكَلَّمْتَ
 بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ فِي الْجِبَلِ سَرَى عَمَلًا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِطَلْعِكَ
 فِي بَاعِ عَمْرٍ وَظَهَرَ لَكَ فِي جِبَلِ قَارَانَ بِرَبِّكَ الْمَقْدِسِينَ وَجُودَ
 الْمَسَاحِكِ السَّجَّيْنِ وَبَرِّكَ كَانَتْ الَّتِي نَارَكَ لِإِخْفَافِ صَفِيَّتِكَ فِي
 أَمَّةٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَارَكَكَ لِيَعْقُوبَ بَنِي إِسْرَافِيلَ فِي أَمَّةٍ سَرَى
 عَلَيْكَ السَّلَامُ وَبَارَكَكَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي عَرَفَةِ وَفِي
 عَلَيْكَ السَّلَامُ وَأَمَّا اللَّهُمَّ وَحَمْدُكَ عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ تَنْهَ عَنْهُ وَأَنْشَأَ بِهِ وَلَمْ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

مِنْ صَدَقَاتِ

مِنْهُ مِنْهُ فَأَوْعَدَ لَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَأَنَّ نَارَكَ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَرَحِمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَأَنَّ فَضْلَ مَا صَلَّيْتَ وَ
 بَارَكْتَ وَرَحِمْتَ عَلَى أَرْبَعِينَ وَآلِ أَرْبَعِينَ أَفَكَ سَجْدَ فَقَالَ
 لِمَا تَزِيدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهَرَجَ جَابَتْ كَخِرَاجٍ وَجَاهِدَ
 بَعْدَ أَنْ يَكُونَ اللَّهُمَّ إِنَّ أَسْمَاءَ خَرَجَتْ هَذَا الدَّعَا وَبَارَكَاتِ
 مِنْهُ سَيِّدَ الْأَنْبِيَاءِ وَبَارَكَكَ عَلَيْهِ مِنَ التَّعْظِيمِ وَالْقُدْرَةِ الَّذِي
 لَا يَحْطُ بِهِ إِلَّا أَنْتَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَحْمِلَ لَهُمْ
 فِي عَاقِبَةِ وَهَلِكِ أَعْدَائِهِمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ تَرْفَعَهُمْ
 مَا تَرْجُو وَتَجْعَلُ لَنَا الْأَرْضَ جُودَ وَتَصْرِفَ بِهِمْ عَنَّا شَرَّ مَا تَخْذَلُ وَتَقْرَأَ مَا لَا
 تَحْذَرُ أَيْتَكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنْتَ أَلَمْ تَكُنْ فَتَقْضِ **فَقَضِ**
 وَرَفَعَهُ بِرَبِّهِ بِسَبِيلِ تَقْضِيلِ وَبَيَانِ وَفَكَرَ مَا بِطَاعَتِهِ يُعْلَنُ بَلَّ
 أَنْ أَهْلَ بَيْتِ طَاهِرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ جَمِيعِينَ كَأَنَّ قِتَاحَ زَوَافِلِ هَوْنٍ
 تَكْبِيرًا وَدَعِيَّةً أَنْ دَرَسَ بِرُضْعٍ بَابِ دَعْوَةٍ أَوَّلَ زَوَافِلِ ظَهَرٍ وَأَوَّلَ زَوَافِلِ
 وَبِكْرِكَ وَفَرَدَ زَوَافِلِ بَعْدَ أَنْ لَحْدَ هَرَسُورَهُ كَخِرَاجٍ وَجَاهِدَ
 أَفْضَلَ بَيْتِ كَرْدِ رَكَعْتَ أَوَّلَ زَوَافِلِ ظَهَرٍ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ وَدَرَدَ وَقُلْ
 بِأَيُّهَا الْكَافِرُونَ بَخْرَانِ وَدَرَدَ زَوَافِلِ عَصْرِ فَاجِرَ نَصْرِهِ يَا
 الْمَلِكُ الْمَكَاشِيرَ بِأَسْمَاءِ سُوْرَةِ هَامِ كِتَابِهِ وَدَرَدَ زَوَافِلِ
 قُلْ هُوَ اللَّهُ وَدَرَدَ وَقُلْ بِأَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَرَوَا بَيْتِ بَكْرٍ لَمْ يَكُنْ
 قِيلَ هُوَ اللَّهُ وَدَرَدَ بَلَّ قَاتِلُنَا وَدَرَدَ رَكَعْتَ بِسْمِ اللَّهِ وَرَوَا حَلِدِ

وَبَارَكَكَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَبَارَكَكَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَبَارَكَكَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَبَارَكَكَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

تا هو علم بذات القدر و در حد کعب چهارم آخر سوره خضر از ائمه
 تا آخر و در رکعت اول و غیر سوره الملك با سوره واقعه و در دوم
 قل هو الله و در اول نوافل شب قل هو الله و در دوم قل یا ایها الکافرون
 و روایت دیگر آمده که هر کس در رکعت اول نوافل شب در هر رکعت
 قل هو الله احد بخواند میان او و خدای تعالی حاجتگاهی نماید مگر آنکه
 شود و در رکعت های دیگر مستحب خواندن سرهای طویل مثل ارف
 و مانند آن اگر وقت وفا کند و اگر وقت تنگ باشد و قل هو الله
 کافی بود و در رکعتی شفع معز دین و در رکعت و تر قل هو الله هر کس
 سه رکعت این سوره بخواند فرشته ندا کند که ای بنده من مژده باد
 خدا که ورت مقبول گشت و روایات دیگر آمده که در هر سه رکعت
 قل هو الله بخواند تا در سه رکعت و ختم قرآن شده باشد که قل هو
 ثلث قرآن است و روایت دیگر آمده که حضرت امام رضا علیه السلام
 در هر یک از این سه رکعت سه مرتبه قل هو الله و در رکعت سیم بعد از
 قل هو الله بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و در رکعت اول نوافل صبح
 الکافرون و در دوم قل هو الله و روایت که هر سوره اذ انزلت
 در نوافل می خوانند یا در هرگز نزلت متلاش شود و بزلزل و صاعقه
 و طوفانی از آفات ببرد تا آنکه با اجل مقدر از دنیا رود و چون
 وقت مونث سد فرشته که می آید پیش خدای تعالی آید و باینش نشاید
 و گوید یا ایاک الموت یا و یا خدای ملائمت و مدد نمای که مرا بیاورد

میگرد و سوره اذ انزلت بسیار می خوانند و سوره نیز همین مکالمه
 پس ملک الموت گوید من اینجا به الهی ما سوره که اطاعت و نیکوئی و اذ
 ند هد قبض روحش نکنم پس حجاب ز پیش نظرش برگیرد تا آنکه پیش
 در بهشت ملاحظه نماید پس اذن دهد و قبض روحش نماید با حال ملک
 بر هفتاد هزار فرشته مشایخش نمایند تا داخل بهشت شود و هر سوره
 و العصره و نوافل بخواند رویش و قیامت نزدیک باشد و گفته
 و شاه سات به بهشت رود و هر کس سوره انا اعطیناک در فراغ و نوافل
 بسیار بخواند خدای تعالی از کوی ایشان دهد و مقامش در بهشت طویل
 حضرت سید علی علیه السلام باشد و فضایل بعضی دیگر از سوره قرآن در
 و این و نوافل انشاء الله بعد از این بیاید هر چه نوافل کتفا بخواند
 مجزی بود و تخصیص اگر وقت تنگ باشد یا شغل ضروری باشد تا
 و از کار نوافل بیاورد این که بعد از هر دو رکعت نوافل ظهر بگوید اللهم
 انی ضعیف فقیر فی رضاک ضعیفی وخذ الی الخیر یا صیتی و خیر
 الايمان شتهی رضای و بارک فمنا امتک لی و بقیه رحمتک
 کل الذی ارجو منک و اجعل لی و ذی و رزق المؤمنین و عهدا
 عندک و اگر در سجده آخر نوافل غریب غریب و مخصوص در سجده
 مرتبه گوید اللهم انی اشدک برحمتک الکریم و یا شاک العظیم
 ان تصلى علی محمد و آل محمد و ان تقدر لی الذنب العظیم کنها
 امریده شود و بعد از هر دو رکعت نوافل شب گوید اللهم انی اشدک

وَلَمْ يَسْأَلْ مِثْلَ مَا كُنْتَ تَوْضِعُ مِنْ كَرَامَاتِكُمْ لِي وَنَسْتَهَى رَغْبَةَ الْوَالِدِ
أَدْعُوكَ وَلَمْ يَدْعُ مِثْلَكَ وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ وَلَمْ يَرْغَبْ إِلَيْكَ مِثْلَكَ أَنْتَ
مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُسْتَطِيقِينَ وَأَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ اسْتَغْنَى بِفَضْلِكَ الْغَنَى
وَأَحْبَبَ وَأَعْظَمَ مَا بَايَأَهُ اللَّهُ بِأَرْحَمَ بَابِ رَحْمَتِهِمْ وَيَسْأَلُكَ الْحَسَنَى
وَأَسْأَلُكَ الْعَالِيَا وَنِعْمَكَ لِي لَا تَخْشَى وَلَا أَكْثَرُ اسْمَاكَ عَلَيْكَ
وَأَحِبُّهَا إِلَيْكَ وَأَحْبَبُهَا إِلَيْكَ وَسَبَّحَكَ وَأَشْرَفُهَا عَلَيْكَ مِنْ لَدُنْكَ
وَأَحْبَبُهَا لَدُنْكَ نَرَانَا وَأَشْرَفُهَا فِي الْأُمُورِ بِإِجَامَةٍ وَبِاسْمِكَ الْكَلْبُ
الْأَكْبَرُ الْأَمْرُ الْأَكْبَلُ الْأَكْثَرُ الَّذِي يُجِيبُهُ وَهُوَ يَهْدِي بِهِ عَمَّنْ
دَعَاكَ فَاسْتَجِبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَحَقَّ عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخْزِيَنَا بِكَ وَلَا
تَرْفُذَ وَتُكَلِّمُنَا دَعَاكَ وَتُكَلِّمُنَا بِكَ وَمَلَا تَكُنْ لَكَ وَأَنْبِيَاؤُكَ
وَرُسُلُكَ وَأَهْلُ الْبَيْتِ لَمَّا عَمِلْتَ مِنْ خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَنْ تُعْجَلَ دُجَى وَلَيْلِكَ وَأَمِنْ وَلَيْلِكَ وَتُعْجَلَ خَزِينَةَ عَدْلِهِ وَتُعْجَلَ
مِنْ تَحَابِهِ وَأَنْصَارِهِ وَتُعْجَلَ زَيْنَتِهِ وَتُسَبِّحُ بِهِ دُعَاءَكَ وَبِعَدْلِهِ
كَعَمَلِهِمْ بِكَ كَالْحَقِّ بِكَ اسْتَغْنَى بِكَ بِحُجَّةٍ مِنْ عَادَتِكَ وَبِجَانِبِ
قَبْرِكَ وَاسْتَظَلَّ بِقَبْرِكَ وَانْقَضَ بِجَنَابِكَ وَلَمْ يَشُقْ إِلَّا بِكَ لِلْبَيْتِ
الْعَظِيمِ مَا بَسَطَ إِلَّا سَارِي يَامَنْ سَمِعَ نَفْسَهُ مِنْ جُودِهِ وَهَابَا
أَدْعُوكَ رَغْبَا وَرَهْبًا وَخَوْفًا وَطَمَعًا وَاجْهَادًا وَتَضَرُّعًا وَتَلَقُّاؤًا
وَعَائِدًا وَرَاكِبًا وَسَائِدًا وَرَاكِبًا وَمَا شِئْنَا وَدَاهِيَا وَجَانِيَا وَكُلَّ
حَالَةٍ وَاسْتَغْنَى بِكَ اسْتَغْنَى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْتَفَعَ بِكَ

وَلَمْ يَسْأَلْ مِثْلَ مَا كُنْتَ تَوْضِعُ مِنْ كَرَامَاتِكُمْ لِي وَنَسْتَهَى رَغْبَةَ الْوَالِدِ

خَيْرِيَا لَكَ سَائِلُكَ وَأَعَذُّكَ بِرَحْمَتِكَ مِمَّا اسْتَغَاذَ مِنْهُ عَالَمُكَ
وَبَعْدَ ذَلِكَ كُنْتُ شَفَعْتُ بِكَ بِكَرِيمِ الْوَعْدِ مَنْ لَكَ فِي هَذَا الْبَيْتِ الشَّعْرُ
وَقَصْدَكَ بِهِ الْقَاصِدُونَ وَأَمَلُ فَضْلِكَ وَمَعْرِفَتِكَ
الظَّالِمُونَ وَلَكَ فِي هَذَا الْبَيْتِ فَخْرًا وَجَوَانِزًا وَعَطَايَا
مَوَاهِبَ تَنْتُنُّهَا عَلَى مَنْ بَنَى مِنْ عِبَادِكَ وَتَسْعَى
مَنْ لَمْ يَتَّقِ لَكَ الْعِنَابَةَ مِنْكَ وَهَذَا أَنَا ذَا عَبْدِكَ الْفَقِيرُ
إِلَيْكَ الْمُوَقِّلُ فَضْلَكَ وَمَعْرِفَتَكَ فَإِنْ كُنْتُ بَاغِيًا لِي
فَقَصَلْتُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَعَدْتُ عَلَيْكَ بَعَادَةً مِنْ
عَطْفِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ
الْمُخْتَبَرِينَ الْفَاضِلِينَ وَجِدْ عَلَى بِفَضْلِكَ وَمَعْرِفَتِكَ وَكَرَمِكَ
بَارِبِ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الظَّاهِرِينَ
الَّذِينَ أَذْهَبَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطَهَّرَ إِلَيْكَ حَبِيبُ مُحَمَّدٍ
أَلَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي إِنَّكَ لَا
تُخْلِفُ الْوَعْدَ وَدَقِيقَاتُ وَفَرِيدُكَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ لَا
إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ السَّامِعُ الْبَصِيرُ
الْمُخْتَبَرُ السَّامِعُ الْبَصِيرُ وَمَا يَنْتَهِى وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ
أَلَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ قَوْلُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ أَنْتَ اللَّهُ جَمَالُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ عِلَاقَةُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ قَوْلُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ اللَّهُ صَبْحُ السَّمَوَاتِ

وَأَنْتَ اللَّهُ غِيَاثُ الْمُسْتَغِيثِينَ وَأَنْتَ اللَّهُ الْمُرْجِعُ عَنِ الْكَافِرِينَ وَأَنْتَ
اللَّهُ الْمُرْجِعُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْتَ اللَّهُ مُجِيبُ دَعْوَى الْمُضْطَرِّينَ
وَأَنْتَ اللَّهُ إِلَهَ الْعَالَمِينَ وَأَنْتَ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَأَنْتَ اللَّهُ كَافِي
الشَّوْءِ وَأَنْتَ اللَّهُ بَلَدُ كُلِّ حَاجَةٍ يَا اللَّهُ لَيْسَ بِرَدِّ غَضَبِكَ
الْأَحْلِلَكَ وَلَا يَنْجِي مِنْ عَذَابِكَ إِلَّا رَحْمَتُكَ وَلَا يَنْجِي مِنْكَ إِلَّا الْقَضَاءُ
إِلَيْكَ فَمَنْ لَدُنْكَ يَا أَلَهِي رَحْمَةً تَقْبَلُهَا عَنْ رَجْعَةٍ مِنْ سِلَاحِ
بِالْفِدَاءِ الْغَرِيْبِ الْحَيِّتِ جَمِيعَ نَاقِي الْبِلَادِ وَهَاجَتِ رَسَيْتَا الْعِيَادِ وَلَا
تُفْلِكُنِي عَمَّا حَتَّى تَقْرُبِي وَتَرْحَمِي وَتَقْرُبِي الْإِجَابَةِ فِي دُعَائِي وَتَرْحَمِي
الْعَاقِبَةَ لِأَنْتَ الْإِلَهِي وَأَقْلَمِي عَمْرِي وَلَا تُشِمْ بِي عَذَابِي وَلَا تُكَلِّمَنِي
مِنْ رَقَبَتِي اللَّهُمَّ إِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي وَإِنْ أَهْلَكْتَنِي
فَمَنْ ذَا الَّذِي يَهْلِكُنِي بِنِعْمَتِكَ وَيَسِي أَوْ يَمْرُضُ لَكَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِي قَدْ
عَلِمْتُ أَنَّ لَيْسَ فِي خَلْقِكَ ظُلْمٌ وَلَا فِي تَقْدِيرِكَ حِكْمَةٌ إِلَّا مَا يَجْعَلُنِي
يَخَافُ الْمَوْتَ وَتُجَاهِجُ إِلَى الظُّلُمِ الضَّعِيفِ قَدْ تَعَالَيْتَ عَنْ
ذَلِكَ يَا أَلَهِي فَلَا تَجْعَلُنِي لِلْبِلَادِ عَرَضًا وَلَا لِقَبْرَتِكَ نَصَبًا وَتَقْبَلِي
وَتَقْبَلِي وَأَقْلَمِي عَمْرِي وَلَا تُشِمْ بِي عَذَابِي وَلَا تُفْلِكُنِي عَمَّا حَتَّى
وَقَلَّةِ جَبَلِي أَسْتَعِذُّ بِكَ لِلْسَّلَاةِ فَأَعِذْنِي وَاسْجُرْ بِلَكَ مِثْرَ
النَّارِ فَأَجِرْنِي وَأَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ فَلَا تَخْرِجْنِي بَعْدَ ذَلِكَ مِنْهَا إِنَّكَ
بَلَدٌ رَكْبٌ وَبِكُورٍ وَجَهَنَّمُ تَحْتِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ الْأُخْرَى
حَقِيقًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْكَافِرِينَ إِنْ صَلَّيْتُ وَتَوَكَّلْتُ وَتَجَنَّبْتُ

وَأَنْتَ اللَّهُ غِيَاثُ الْمُسْتَغِيثِينَ

وَأَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَبِذَلِكَ أَمُرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأُولَى
الْعِزِّ مِنَ الرُّسُلِ وَالْأَنْبِيَاءِ الْمُنْتَجِبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ الْوَاقِعِينَ وَتَحِيَّ
وَأَخْرَجَهُمُ اللَّهُمَّ عَذَابُكَ مِنْ أَهْلِ الْكَفَرَاتِ وَجَمِيعِ الشَّرِكِينَ وَتَحِيَّ
مِنْ الْمُنَافِقِينَ فَإِنَّهُمْ يَتَّقُونَ فِي قُلُوبِهِمْ وَيَجْعَلُونَ لَكَ لُحُودًا
تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُونَ وَعَمَّا يَصِفُونَ عَلَيَّ كَيْدًا اللَّهُمَّ الْعَيْنِ الرَّؤْيَا
وَالْقَادَةَ وَالْإِنْبَاءَ مِنَ الْأَوَكِينَ وَالْآخِرِينَ الَّذِينَ صَدَّقُوا
عَنْ جِبَلِيكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ إِلَهِي بِكَ تَقْبَلُ قُلُوبَنَا كَتَبْتُ عَلَى رَأْسِكَ
وَبَدَلْتُ لِقَابِيكَ وَأَفْدَيْتُ بِإِعَادَتِكَ وَخَرَفْتُ كِتَابَكَ وَغَيْرَ ذَلِكَ
بَيْنَكَ اللَّهُمَّ اللَّهُمَّ وَأَتَيْنَاكُمْ وَأَوْلِيَاكُمْ وَأَعْلَى أَمْرٍ وَجْهَهُمْ وَشَهَادَتُهُمْ
وَأَتَيْنَاكُمْ إِلَى جَهَنَّمَ رُفْقًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى
وَرَسُولِكَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَعَلَى أُمَّةِ الْهُدَى الزَّاهِدِينَ الْمُتَّقِينَ
بَعْدَ إِيذَانِ بَرٍّ جَاهِلٍ كَرِهُوا أَنْ يَدْعُوا كَذِبًا فَاوَسَى بِهِمْ وَانْجَرَى
بِهِمْ كَذِبًا وَدَعَا جَاهِلٍ مِنْ دَعَائِي كَذِبًا خَرَفْتُ كِتَابَكَ وَغَيْرَ ذَلِكَ
وَسَجَّيْتُ بِهَمِّ جَنَانٍ يَفْتَنُ بَارِدًا وَدَابَّةً رَاسَتْ بِشَيْخٍ شَبِيرٍ وَهَقَّادٍ
مُرِيضٍ تَغْفِرُ اللَّهُ وَأَتَيْنَاكُمْ كَذِبًا كَذِبًا كَذِبًا وَتَوَقُّوتٍ وَتَوَقُّوتٍ
مَدَارُتٍ نَمِيدًا تَجَابَلُ الْهُمُ مَغْفِرَتُكُمْ كَتَابُهُمْ وَاجْتِهَادُهُمْ وَاجْتِهَادُهُمْ
بِأَشَدِّ كَذِبٍ وَدَعَا مِنْ جِهَدٍ وَصَفِّ نَعْمَةٍ وَنَعْمَةٍ وَتَوَقُّوتٍ وَتَوَقُّوتٍ
وَجَوْنٍ سَرَّ كَرِهُوا بَرَادًا بِنَا وَبِكُورٍ وَهَذَا مَعَهُمْ مِنْ حَسَنَاتِهِ نَعْمَةً

مِنْكَ وَسَيَأْتِيهِمْ وَذُنُوبُهُمْ عَظِيمٌ وَشَكَرَهُ قَلِيلٌ وَلَكِنَّ لَكَ لَأَعْلَمُ
وَرَحْمَتِي إِلَى صُورِ الْأَمْثَالِ فَذُخْرِي لَكَ بِكَ وَمَعَاكِ الْمَسِيرُ
فَدَعَيْتُكَ الْأَعْيُنَ وَمَدَّيْتُ الْعُقُولَ فَذُخْرِي إِلَيْكَ فَأَمَّا
الرَّجَاءُ وَإِلَيْكَ الْمُلْجَاءُ الْوَرْدُ مَقْصُودٌ وَبِالْأَجْرِ سَكْرٌ لِهَرَبِ
إِلَيْكَ بِنَفْسِي يَا لَمُحَارِبِينَ يَا نَفَالِ الدُّعْوَى جَاهِلًا عَلَى ظَهْرِ الْأَعْدَاءِ
إِلَيْكَ شَاقِصًا رِيْعًا مَرْتَبِي أَفَلَا أَقْرَبُ مِنْ جَاهِلٍ إِلَى الْخُطْبَةِ
وَأَهْلُ مَا لَدَيْهِ الرَّاغِبُونَ يَا سَنَ فَتَى الْعُقُولِ بِمَعْرِفَةِ وَطَاقِي
الْأَكْبَرِ بِحُجَّتِي وَجَعَلَ مَا مَتَّقَ بِهِ عَلَى خَطْفِهِ كِفَاءً لِنَادِيهِ حَقِّهِ
صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا يَجْعَلُ لِمُؤْمِرٍ عَلَى عَقْلِ سَبِيلًا وَلَا يُلْطِ
عَلَى عَمَلِي دَلِيلًا اللَّهُمَّ فَتَى فِي حُكْمِكَ بِلَا التَّنَزُّلِ عَلَى لِسَانِ بَيِّنَاتِكَ
الرَّسُولِ عَلَيْهِ وَاللَّهُ أَسْلَامٌ كَانُوا أَقْبَلًا مِنْ لَيْلٍ مَا يَجْعَلُونَ وَيَا لَا
يَسْتَعْفِفُونَ ظَالِمُ جُرْعِي وَقَدْ قَامِي وَهَذَا الشَّعْرُ يَا نَاسَ غَيْرِكَ
لِدُعْوِي أَسْتَعْفِفُ مَنْ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْسًا وَلَا هَرَمًا وَلَا مَوْتًا وَلَا
حَيَاةً وَلَا شَرًّا وَلَا بَعْدًا لَكَ سَلَامٌ وَهَذَا كَوَيْدًا نَادِيكَ يَا سَجْدِي
كُلِّ مَكَانٍ لَعَلَّكَ تَسْمَعُ نَدَائِي فَقَدْ عَظُمَ جُرْعِي وَقَدْ جَاهَلِي نَادِي
يَا سَرَّ لَا يَأْتُرُ لَا يَأْتُرُ لَا يَأْتُرُ لَا يَأْتُرُ وَلَا يَأْتُرُ وَلَا يَأْتُرُ وَلَا يَأْتُرُ
لَا الْمَرْءُ لَكَ كَيْفَ وَمَا بَعْدَ الْمَوْتِ اعْلَمُوا وَأَدْعُوا يَوْمَ لَا يَأْتُرُ
حَتَّى تَمُوتَ يَوْمَ لَا يَأْتُرُ لَكَ لَعْنَتِي يَوْمَ بَعْدَ جُرْعِي ثُمَّ لَا يَأْتُرُ
صِدْقًا وَلَا وَفَاءً يَا عَوْنًا ثُمَّ وَأَمْرًا بِكَ يَا اللَّهُ مِنْ جُرْعِي

عنه

قَلْبِي وَمَنْ عَدُوٌّ قَدْ سَكَبَ عَلَى قَلْبِي دُنَا قَدْ تَرَكْتُ لِي وَمَنْ نَفْسِي
أَتَانِي بِالْشَّرِّ الْكَامِرِ بِرَبِّكَ سَرَّ لَا يَأْتُرُ لَا يَأْتُرُ لَا يَأْتُرُ لَا يَأْتُرُ
فَأَسْتَعْفِفُ وَأَنْ كُنْتُ قَلْبِي قَلْبِي قَلْبِي قَلْبِي قَلْبِي قَلْبِي قَلْبِي قَلْبِي
أَنْ تَعْرِفَ مِنْ لَحْنِي مَنْ يُعَذِّبُنِي بِالْعَمِ صَبَاحًا وَمَسَاءً وَأَنْ
يَوْمًا بِكَ قَدْ أَتَانِي خَشَا إِلَيْكَ بَصَرِي فَقَدْ عَلِمْتُ قَلْبِي قَلْبِي قَلْبِي قَلْبِي
مَنْ لِي وَأَنْ مَنْ كَانَ لَهُ لَدَيَّ وَحْيِي قَاتِلُ لَحْنِي قَلْبِي قَلْبِي قَلْبِي قَلْبِي
وَيْحِي فِي الْعَمْرِ وَحْيِي وَمَنْ يَنْطَلِقُ لِسَانِي أَوْ الْحَوَارِثُ يَهْدِي نَادِي لَحْنِي
أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ قَاتِلُ قَاتِلُ نَعَمْ قَاتِلُ الْمَرْبِ مَنْ مَدَّ لَكَ وَإِنْ قَاتِلُ
لَمْ أَفْعَلْ قَاتِلُ أَلَمْ أَكُنْ الشَّاهِدَ عَلَيْكَ فَعَمَلُكَ عَمَلُكَ يَا سَرَّ لَا يَأْتُرُ
أَنْ تَعْلَمَ الْأَعْيُنُ لَأَعْنَقَ يَا نَعْمَ الرَّاحِمِينَ وَجَرَّ الْغَافِرِينَ وَبَعْدَ
نَافِلَةٍ مَجْهُدَاتٍ كَمَا بِجَانِبَاتٍ رَوَى بِكَ كَيْدَ جَنَانِكَ بِسَبِيلِ
بُحَابٍ وَدَسَّاسٍ بِزُورِي بِكَ رَوَى بِكَ رَوَى بِكَ رَوَى بِكَ رَوَى بِكَ رَوَى بِكَ
الْتِمَاسُ وَالْأَرْضُ نَاثَاتٌ لَا تَخْلُفُ لِبَعَادَةِ مَجْرَانِي بِكَ بِكَ بِكَ بِكَ بِكَ
تَعْرِفُ اللَّهُ لَوْ تَعْرِفُ الْقَوْلَ لَا تَقْضِي سَطْرًا وَتَقْضِي بِحِيلٍ هَلْ تَعْرِفُ وَأَعْمَدُ
بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ نَفْسَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ نَفْسَةِ الْحَيِّ وَالْأَنْثَى
رَبِّكَ اللَّهُ رَبُّكَ اللَّهُ الشَّهْدُ يَا اللَّهُ وَكَلَّمْتَ عَلَى اللَّهِ لَأَحْوَلُ وَلَا فَوْقَ الْأَوَاثِ
وَمَنْ يَنْتَكِلُ عَلَى اللَّهِ مِنْ سَبِيهِ إِنَّ اللَّهَ بَالِغٌ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ
شَيْءٍ قَدْرًا حَسْبِي اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ اللَّهُمَّ مَنْ صَبَحَ وَكَانَ حَاجَةً إِلَى
مَعْلُوفٍ قَاتِلُ حَاجَتِي غَيْبِي إِلَيْكَ وَحَدَّثَكَ لَأَشْرَكَ لَكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ

و فراموش بیند بلکه اینم در وقت امام بنشیند و چون امام سلام
و خواسته نماز خود را تمام کند و بیان امام و صف اول و چنین بیان
صف فاصله زیاده از آنکه سجده نماز کرد و نباشد و نیست که اگر فاصله بیشتر
آن امام برایشان امام نباشد و اهل هر صف دو مرتبه پیش بایستند پیش و پس
نباشند و در میان دو مرتبه پیش و پس بایستند تا شیطانی بر ایشان دست نیابد و اگر
در صف بیشتر موضعی خالی بیند برود تا آن موضع را بگیرد اگر چه در آنجا
نماز باشد و نیست که هیچ کس در پیش خود و در پیش دیگران بایستد که بر داری
برای آنکه تا صف خالی نماند و در آنجا نماز بصف عقب تر از رفتن
آنکه جانشینی کند که درین وقت پیش و پس هر جا و سعی کند و توانست
کرد و بایستد که در صف نیست که آنکه در صف و جای نباید که درین
نماز باشد و آنجا بایستد که محاذی امام باشد و اگر امام در پیش
بایستد و ما و من در صفی بلند مثل امام یا کوفی بایستد جایز بود اما
عکس آن جایز نبود و مگر آنکه یک زمین را بایستد که بعضی موضعش بلند
آنکه یک مرتبه پیشتر باشد که درین وقت جایز است که امام در موضع
بایستد و بیان امام و ما و من اگر چه در یاد داری فاصله باشد تا نماز
جایز نباشد مگر کسی که در برابر و باشد تا ستونها که در میان ساجده
صف و فاقه می شود ضرر ندارد و چون امام اقامت کند ما و من را جایز باشد
قراءت که در وقت که اگر با جمعی که با و راضی باشد و اقامت می کند قرائت
کند چون برید و غیره و سلام بخورد و بشود بلکه اگر نماز از خلفانی باشد

ما و من بر بخورد و کند و اگر چه می باشد و صدای امام بشنود اگر چه
چنین همه را بشنود و کلمات را تمیز نکند گوش کند و اگر چه می باشد و صدای
امام حتی هم نشنود و از فضل اینست که ما و من خود اقامت نکند و اگر
اکتفا بقراءت ما و من بکند بخوبی بود و سایر از کار و افعال را خود بخوبی باید
در همه افعال قیام و قعود و رکوع و سجود تابع امام باشد و پیشتر بایستد
سر بردارد مگر در تشهد که اگر امام تشهد را طول دهد و ما و من در تشهد
باشد قرائت پیش از امام سلام دهد و برود و ما و من باید و عقیقه و اگر
استه که برین و صدای خود با امام بنماید و چون امام قرائت حمد فارغ
شود و همچنین چون بعد از رکوع سمع الله لمن حمده گوید ما و من بگوید
الحمد لله رب العالمین و ما من سمع الله لمن حمده و گوید و اگر ما و من
در اثنای نماز با امام رسد بکمال رکوع بایستد و دخل نماز شود هر جای
نماز که باشد پیش از رکوع را با امام در یاد رکعت را حساب کند و اگر بعد از
رکوع امام در سجده یاد در تشهد و دخل شود آن فعل را با امام جایز است
اگر چه سجده آخر باشد یا آخر نماز باشد که فضل جماعت را بآن در یاد
آنرا بر کف حساب بکند و آن زیادتی نماز شرع نمیشود و چون امام
سلام دهد و سلام نداده بخیزد و هر چه از نماز مانده تمام کند و اگر
سهوا سلام دهد ضرر ندارد و بخیزد و نماز را تمام کند اگر چه بعد از سلام
عذر حق هم روزه باشد چون سلام اش از روی سهوا شده ضرر ندارد
بعد از نماز سجده سهوا کند و اگر بگیرد رکوع را از امام شنیده باشد واجب است

که در آن رکوع داخل شود بلکه چون امام سر بردارد داخل شود و هرگاه امام
تشهد بخواند و نیز بخواند آنکه موضع تشهد خود شریف باشد که تشهد برکست
اما درین صورت بر سر پائیند و درست بر زمین نشیند چون شمع
تشهد بخوردش رسد تشهد تمام بخواند و زود برخیزد تا با امام طاق شود
و اگر رکعت دوم امام برسد با امام قنوت بخواند و همین قنوت از قنوت
مجزی بود و اگر رکعت سیم و چهارم امام اول و دوم اوباش پس اگر امام
گوید یا خود الحمد و سوره بخواند و اگر امام رکوع کند و فرصت سر برداشتن
نشود همان الحمد مجزی بود اما اگر امام قرائت کند و نماز خلفای باشد و قرائت
نکند و اگر سجده باشد چون قرائت امام انگی شود خود قرائت کند و اگر
کسی در سجده بیند که امام در رکوع است یا رکوع میرود و ترک نافه ^{سجده}
امام میرد دارد در نمازها که باشد رکوع کند و اگر خراست سجود نکرده
بعد از آن برخاست بصف طاق شود پس اگر ایستاده باشد بایستد و اگر
نشسته باشد بنشیند و اگر خواهد همچنان در رکوع برود تا ملحق شود و اگر
پیش از آنکه امام از رکوع یا سجود بردارد ماسوم سر بردارد باز سر بگذارد
تا با امام برخیزد و اگر کسی با امام رکوع کند و بسبب کثرت و از حاکم ^{نشود}
کرد تا آنکه امام داخل رکعت دیگر شود درین رکعت با امام رکوع نکند
و بقیه رکعت سابق سجود با امام کند که آن رکوع باین سجود ^{مکمل}
شود و اگر سجده بقیه همین رکعت کرده باشد باین سجده هیچ رکعت ^{مکمل}
نشود بلکه سجده دیگر بقیه سابق کند تا آن تمام شود و اگر کسی از چهار رکوع

نیز از قنوت تشهد رکوع و سجود کند بعد از آن با امام ملحق شود و اگر
در نماز پنجگانه رکعت با امام در یا بد چون امام سلام دهد یک رکعت
دیگر تنها بگذارد و اگر بعد از رکوع آخر با امام رسد چهار رکعت نماز
ظاهر گذارد **فصل سیزدهم** در احکام سهو و شگ و عروض بعضی
حوادث در نماز اما احکام سهو و شگ بدانکه احادیث اهل بیت ^{علیهم السلام}
السلام و اقوال علمای کرام درین احکام اختلاف عظیم دارد و انشاء
آنچه با اصول احادیث ائمه و باجتهاد اقرب باشد درین بیان نمایم پیش
از شروع در مطلب شرح این الفاظ نموده گویم که سهو و شگ کفین دانند که ^{سهو}
زیاده یا کم کرده و شگ آنست که خاطر میرد و باشد میان و چیز یا بیشتر بخشی
که هیچ کدام را بر دیگری ترجیح ندهد و وطن آنست که بعضی را رجحان دهد
و کاش آن بیشتر باشد تا یقین نذار و وطن آنست که در جمیع احوال که
مذکور خواهد شد حکم یقین دارد یا بمعنی که هر جا یقین داشته باشد چه
با بد کرد و اگر وطن داشته باشد همان کند چون این جمله و انستی بد ^{شگ}
در نماز متعلق است بعد رکعات یا یا جزای نماز تا اگر در عدد رکعات
باشد پس اگر یک رکعت یا بیشتر از نماز نقصان کند خواه نماز دو رکعتی ^{سهو}
رکعتی باشد خواه بیشتر از هوزن روانه بگذرانید باشد همان چه نقصان ^{شگ}
بجا یار و تا نمازش تمام شود اگر چه فاصله بسیار شده باشد و اگر چه حرف
زده باشد یا حدیث کرده باشد اما اگر حرف زده باشد بعد از نماز
سجده سهو کند و اگر حدیث کرده باشد وضو سازد و اگر در وقت ^{سهو}

باشد احتیاط اینست که نماز را اعاده کند و اگر بکرکعت یا بیشتر در نمازین
دانی که نیاده شده هر نماز که باشد پس اگر دو رکعتی که سلام بابت داد
نشسته خوانده باشد نماز تمام بود و چیزی بر و لازم نباشد و اگر زیاده
بکرکعت باشد اگر خواهد بکرکعت بآن ضم کند تا نافله شود و اگر در آن
نشسته بخواند باشد بکرکعت زیاده را باصل نماز متصل کرده باشد
نماز را اعاده کند و اگر بداند که نشسته خوانده باشد بپیشین و نشسته سلام
بکری بعد از آن دو رکعت نشسته بکری در دو رکعت زیاده اضافه کند
تا نافله شود و نماز این شقوق در صورتیست که سه رکعت بعد از تمام شدن رکعت
تکبیر بخاطر رسیدن اگر در میان دو سجده بخاطر رسیدن احتیاط اینست که همین
تفصیل عمل نماید و اگر بعد از رکوع یا پیش از آن بخاطر رسیدن سلام دهد
و احتیاطا سجده سهو کند و اگر شک کند که تمام یا زیاده شده هیچ
کدام بلیغین نداند سلام دهد و سجده سهو کند و اگر در نماز دو رکعتی
خواه صبح و خواه عصر و خواه نماز صفر و همچنین در نماز شام و همچنین در نماز
اول نماز چهار رکعتی شک کند بجهتی که یقین نداند که دو رکعت یا کمتر
افضل و اقرب احتیاط اینست که نماز را اعاده کند تا در نماز چهار رکعتی
دو رکعت تمام یقین دانی و شک کند میان دو سجده یا بینگی که رکعتی که تمام
شد نداند که دو سجده یا سه یا میان سه و چهار یا میان دو و چهار یا میان
دو و سه و چهار شک کند یا میان اکثر از آن و قطعا رکعت تمام کند سلام
دهد و بعد از آن اگر شک میان دو و سه یا میان دو و چهار باشد دو رکعت

احتیاط اینست که اگر در دو رکعت یا میان سه و چهار باشد دو رکعت نشسته
و اگر میان دو و سه و چهار باشد دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته
پس اگر نماز تمام باشد رکعتهای احتیاط نافله حساب شود و اگر کم باشد
بکرکعت احتیاط تمام شود و در رکعتهای احتیاط هم یک رکعت احرام یک رکعت نافله
بخواند و در هیچ یک از این شقوق سجده سهو نباشد اگر سهو و شک در
افعال نماز باشد پس در هر فعل که سهو یا شک کند و محل آن فعل گذشت باشد
آن فعل را بجا بیاورد و اگر بعد از آن بخاطر رسیدن آن فصل کرده بوده باشد
این زیاده را نیز ننگند و هیچ بر و نباشد و محل تکبیر احرام تا وقتی است که شروع
در قرائت کند و محل قرائت و قنوت تا وقتی که برای رکوع دستها را از قنوت
و اگر هنوز برافزاییده باشد اگر چه تمام شد باشد محل باقی باشد و محل رکوع
تا آنکه برافزاید و سر از پیش بردارد اگر چه هنوز سر سجده فرسیده باشد و محل سجده
و نشسته و سهو تا آنکه دو رکعت دیگر رکوع درود اگر چه قرائت و قنوت
کرده باشد و در شک تا آنکه رات بایستد اگر چه شروع بقرائت بکند
باشد و اگر محل فعل گذشت باشد و شک کند اعتبار ندارد و همچنانکه
هست نماز را تمام کند و اگر بعد از آن چیزی بخاطر رسید حکم سهو دارد
چنانکه بیان می شود اما اگر سهو کرده باشد و بعد از گذشتن محل
بخاطر رسیدن اگر سهو در یقین یا تکبیر احرام یا رکوع یا در دو سجده یا سه
در یک رکعت کند نماز را اعاده و اگر در قنوت حمد یا سوره یا در دو
باشد و بعد از رکوع بخاطر رسیدن نماز صبح بود و تلا فی ندارد و اگر بعد از

سوره بنظر آن که غلط رسد که حد بخوانند و ظاهر نیست که بعد از آن
 اعاده باید کرد و اگر کلمه یا آیه از سوره فراموش کند پس اگر خواهد که بماند بخواند
 اکتفا نماید و اگر خواهد از آن فراموش کرده در میان بگذارد و تکرار نماید
 و اگر خواهد جمع ببرد و بگوید و هر شیئی صحیح باشد اگر وقت را بعد از
 نماز بخاطر رسد اگر چه جای خوب و خواسته و وقت باشد هر جا که غلط کرد
 و بقبله نرفته قنوت بخواند و اگر در کعبه یا مسجد و خانه باشد و در
 محله نشسته باشد آن سجده را قضا کند و اگر نشسته باشد سه رکعت در کعبه
 دو سجده از نماز سجده سهو کند و ظاهر اینست که این سه سجده
 که در سجده خوانده می شود کافی باشد و محتاج بقضای آنها نیست و اگر چه
 اگر علم اقتضا را از این می شناسد و اگر نشسته باشد رکعت آخر را سهو کند و همان
 مکان اگر نهد بایست باشد و اگر در مکانی بایست هر جا باشد نشسته نشد
 بخواند در ضرورت سجده سهو نباید و اگر در اثناء نماز سهو کند غیر
 رد عابکین سجده سهو کند اما در سایر افعال نماز مثل ذکر و کوع و سجود
 و سلام و غیر آن اگر سهو کند یا چیزی را در نماز صحیح بود و این می گویند
 که زیاده و نقصانی که در نماز شود مثل نشستن و برخاستن و قرائت
 کردن و غیر آن سجده سهو کند و این روایت اگر چه ضعیف است اما چون صحیح
 معارضی نقل کرده که آن عمل نمایند قصوری ندارد و اما اینکه در میان
 مشهور گفته اند که زیاده و نقصان در رکعت سهو و عمل بطل نماز و حجب
 اعاده است اصلش در احادیث اخبار اهل بیت صلوات الله علیهم معلوم است بلکه

حقیقت آن مروج بر موافقت اخبار و روایات احتیاط بخوبی که تفصیل
 مذکور شد و الله اعلم بالصواب و اگر کسی نماز را تمام کند پس اگر نشسته
 باشد که قصور و اجابت نماز شرعی بود و اگر دانسته باشد اعاده کند
 خواه وقت باقی باشد و خواه نه و اگر همه را تمام کند پس اگر وقت باشد اعاده
 کند و اگر گذشته باشد صحیح باشد و در نوافل و رکعت احتیاط سهو
 اعتبار ندارد و در آن سجده سهو و رکعت احتیاط باشد و همچنین کسی
 که شک بسیار کند اوقات آن می کند و آنچه را شک کرده در حساب
 کند اگر چه وقتش باقی باشد و روایت که شک از شیطان است و شیطان
 خبیث بخیزد را می دهد و بیوسه خورد عادت می دهد که هر چند پیشتر
 اطاعتش می شمرید و رکعت و وسوسه نماید و چون بداند که مخالفتش می
 و اطاعتش نمیکند و شانزده بار دارد و کسی از بسیاری شک بخیرت رسول
 صلی الله علیه و آله شکایت نمود فرمود چون داخل نماز شوی یا بکنش نشانی
 است فان جئت بنهار و بکوی لبس الله و یا لله فکفک علی الله عود
 یا الله السميع العليم من الشيطان الرجيم شيطان دور شود و از خود
 او این کردی انشاء الله و کسی که بخیرت امام جعفر صادق علیه السلام
 شکایت کرده اند و نماز مغرب نه رکعت بعد از حمد قل هو الله و قل لا
 الکافرون بخوان چنان که در حجات است و کیفیت سجده سهو است که در حد
 کند در هر سجده بگوید یا الله و یا الله لک الحمد صل علی محمد و آل محمد یا بگویند
 یا الله یا الله السلام علیک ایها النبی و رحمة الله وبرکاته و بعد از

شود و آن چهار رکعت در هر رکعت بعد از الحمد قل هو الله سبحان الله
 و سجدات تسبیح این نماز باید تسبیح که مرویست از آنحضرت علیه السلام
 مَنْ لَمْ يَسْجُدْ مَعَالِ سُبْحَانَ مَنْ يَقْضُ حُرْمَتَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْفَعُ
 الْفِرْعُ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْفَعُ مَا عِنْدَ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْفَعُ لَكَ الْحَدُّ
 مِنْ أَمْرِ سُبْحَانَ مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَأَيْنَ نَمَارُ لَهْ وَفَتْ كَرِخَاهُ
 كَذَا وَافْضَلُ وَفَاضِلُ شَبَاهُ رَوْجُهُ وَمَاهُ مُبَارَكُ رِضَا
 كَرَحَاتِ مَضَاعِفُ شَدِيدُ **سُبْحَانَ** مَا زُحُفُ فَاطِمَةُ صَلَوَاتُ
 عَلَيْهَا هَارِ كَلْبِ نَمَارُ لَكَ دَرَمَانُ وَوَحْدَانِي إِلَى كَيْفَ كُنَاهُ نَمَادُ
 مَكْرُوكُهُ كَرَمُ زَيْدُ شُورُ وَأَنْ دُرُوكُ عَسَتْ دُرُوكُ بَعْدَ زَلْجُودِ
 أَتَانِ لَنَاهُ وَدُرُوكُ مَصْدَرُ قَبْلُ وَهُوَ بَعْدُ نَمَارُ زَيْتِ الْخَضِرِ
 عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بَكْرِي **سُبْحَانَ** مَا زَيْتِ بَيْتِ نَمَارُ زَيْتِ كَمْ حَضَرَتْ
 بِغَيْرِ صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْهِ لِيَعْفِرَ مِنْ أَسْمَاءِ عَطَاةٍ مُرَوِّدَةٍ وَهُوَ دَائِرُ
 هَرُورِ بَاهُ شَيْبَاهُ رَوْزِ بَاهُ هَفْتِ بَاهُ مَاهُ بَاهُ رِيَالِ بَاهُ رُفُوتِ
 كَخِ اِهْ بَكْدَارِي هَرِ كُنَاهُ كَمْ دَرَمِ مِيَا نَكْرَدَه بَاشِي هَرِ بَاشِي كَرَمُ زَيْدِ
 شُورُ وَهَرِ كَلْبِ نَمَارُ لَكَ دَرَمَانُ كُنَاهُ شَرِ كَرَمُ زَيْدِ شُورُ دَرِ كَرِمْ شَلِ بَكْ
 بِيَا بَانِ عَالِجِ بَابِ لَكِ دَرِ بَا بَاشِدُ وَهَرِ دَرِ دَرِ دَرِ حَسَنَةِ بَرِ اِيَشِ
 كَمْ كَرَمِ نَمَارُ شَلِ كَنْ أَحَدِ بَاشِدُ وَأَنْ خِي مَارُ رَكْعَتِ بَدِ اِيَامِ
 دُرُوكُ تَوَلُّ بَعْدَ الْحَمْدِ أَذْ ذَلِيلَتِ وَدُرُوكُ مَعْدُ الْحَمْدِ أَذْ جَاهُ
 وَدُرُوكُ مَعْدُ اِنْتِزَاهُ وَدُرُوكُ هَارِمْ لَهْ وَفَتْ خَوْنِ وَدُرُوكُ زَيْتِ دُرُوكُ رَوْقَا

و العبادات و در ستم اذاجا وارد شد و در هر رکعت بعد از نماز تسبیح
 مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَبِحَمْدِهِ وَدُرُوكُ وَبَعْدَ
 رُكُوعِ اِيَتَاوَهُ وَدُرُوكُ نَشْتَدَه مرتبه ده مرتبه بگوید که در هر رکعت تسبیح
 پنج مرتبه و در تمام تسبیح مرتبه باشد و اگر خواهد این نماز بگذارد و نیز اقل
 شبانه روز حساب کند و اگر در رکعت گذارده باشد که جلوتی یا بحر کتی تسبیح
 شود و در وقت فارغ شود دو رکعت بگوید و بگذارد و اگر شبانه در تسبیح
 نماز اذیت سُبْحَانَ بگذارد و تسبیحات بگذارد و تسبیحات اَرْزَانِ بگوید
 و تسبیحات که در سجده الغرین نماز بعد از تسبیحات بگوید سُبْحَانَ مَنْ
 لَيْسَ الْغَرِيبُ وَالْوَقَارُ سُبْحَانَ مَنْ لَقِطَ بِالْحَيْدِ وَكَرَّمَ بِمَعْرِفَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ
 لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَحْصَى كُلُّ شَيْءٍ عَلَيْهِ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ
 وَالنَّعِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْعِزْلِ
 سُبْحَانَ ذِي الْقُوَّةِ وَالْقَوْلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا قَدْ لِعِزَّتِكَ
 عَرْشِكَ وَمَنْتَهُمُ الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِأَمْرِكَ الْأَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ
 الْقَائِمَاتِ الَّتِي نَفَتْ صِدْقًا وَعَدْلًا أَنْ فَصَلَى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَأَنْ تَقْعَلَ لِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَهَرَجَاتِ كَخَوَاهُ بَخَوَاهُ سُبْحَانَ
 عِبَادِ مِنْ نَمَارُ خَوَانَتِ اِيْنِ دَعَا سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْغَرِيبُ وَرَوْقَا
 سُبْحَانَ مَنْ لَقِطَ بِالْحَيْدِ وَكَرَّمَ بِمَعْرِفَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ
 إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَحْصَى كُلُّ شَيْءٍ عَلَيْهِ وَخَلَقَهُ بَعْدَ تَرْكِ سُبْحَانَ
 ذِي الْمَنِّ وَالنَّعِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بِعَاقِبَةِ الْعَمَلِ مِنْ عَمَلِكَ وَسَمِعَ الرَّحْمَنُ مِنْ كِتَابِكَ وَيَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ
وَكُنَّا نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ بِكَ قَائِلِينَ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ بِرُءُوسٍ
تَحْمِلُ الْقُلُوبِينَ وَأَنْ تَجْعَلَ لِي خَيْرَ الْمَنَاسِكِ وَالْآخِرَةِ بَعْدَ تَحْمِيلِ الْقُلُوبِ
أَنْتَ تَحْمِلُ الْقُلُوبَ الْعَظِيمَ الْخَالِي لِمَا رَفَعَ الْحَبِيبُ بَيْنَ يَدَيْكَ
الْبَيْعُ لَكَ الْكُفْرُ وَلَكَ الْحَقُّ وَلَكَ الْحَقُّ وَلَكَ الْحَقُّ
وَمَكَرَكَ لَأَنْتَ لَكَ يَا لِيْلِدُ يَا أَحَدُ يَا أَحَدُ يَا مَنَ لَمْ يَكُنْ وَكَانَ
وَلَمْ يَكُنْ لَمْ يَكُنْ أَحَدُ يَا أَهْلَ الْقُرَى وَيَا أَهْلَ الْعَمْرِ يَا أَهْلَ الْقُرَى
يَا عَمْرُو يَا عَمْرُو يَا وَدُودُ يَا تَكْوِينُ يَا تَكْوِينُ يَا تَكْوِينُ
أَجْمَعِينَ يَا كَرِيمُ يَا جَوَادُ اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ هَذِهِ الصَّلَاةَ تَبِخًا
وَقَدْ بَلَغْتُكَ وَمَعْرِفَتِكَ وَنَجَاةً رَفُودَكَ وَجَانِزَتَكَ وَعَظِيمَ عَمَلِكَ
وَقَدْ بَلَغْتُكَ لَكَ قَسَمٌ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَعَلْ مَا فِي عِلْمِكَ
وَلَقَدْ تَلَّهَا مَعِيَ وَتَعَلَّ نَافِلَتَكَ وَمَعْرِفَتَكَ وَرَجَاءُ مَا أَرْجُو مِنْكَ
فَكَانَ رَقِيبِي مِنَ النَّارِ وَالْقَوْلُ بِالْحَقِّ وَمَا جَعَلْتَ فِيهَا مِنْ
الْقَسَمِ وَمِنْ حَسَنَاتِ الْمَوْتِ وَالْعَمَلِ وَاجْعَلْ خَارِجَتَكَ مِنْكَ الْعَمَلِ
النَّارِ وَغَفْلَتِ دُؤُوبِي وَدُؤُوبِ لَدُنِّي وَمَا وَكَلْتُ وَجْهِي إِخْرَاقِي وَخَالِي
الْمَرْبُوبِينَ وَالْمَرْبُوبَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْكِبَارِ مِنْهُمْ وَالْكَافِرَاتِ
وَأَنَا تَحْتِ دَعَائِي وَرَحْمَتِي وَبَرَكَاتِي وَلَا تَقْضِ خَائِلًا خَائِلًا
وَأَقْلِبْ مَقْلِبًا مَقْلِبًا مَسْجِدًا دَعَائِي مَقْشُورًا يَا أَهْلَ الْقُرَى
يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ قَدْ عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَمَلِكَ قُلُوبُ الْعَمَلِ

بِخَيْرِ

يَا حَسَنَ الْخَائِرِينَ يَا وَاسِعَ الْغَفَرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ يَا رَحِيمَ الْبَاقِيَا
بِالْخَيْرَاتِ يَا مُعْطِيَ الشَّلَاتِ يَا تَحِيَّاتِ الْقُرْآنِ يَا نَارَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَقَدْ رَفَعِي مِنَ النَّارِ وَأَعْطِي نُوْرِي وَتَحِيَّاتِي عَالِي وَارْحَمْ صَفِي
وَقَصْرِي وَتَدَانِي وَافْعَلْ لِي خَيْرَ الْحَيَاتِ كُلِّهَا لَدُنِّي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي
مَا ذَكَرْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ أَذْكُرْ وَاجْعَلْ لِي فِي ذَلِكَ الْخَيْرَةَ وَلَا تَجْعَلْ
خَائِلًا خَائِلًا وَأَقْلِبْ مَقْلِبًا مَقْلِبًا مَسْجِدًا دَعَائِي مَقْشُورًا يَا أَهْلَ الْقُرَى
يَا أَهْلَ الْقُرَى يَا أَحَدُ يَا أَهْلَ الْقُرَى يَا أَهْلَ الْقُرَى يَا أَهْلَ الْقُرَى
لَعَنَ يَا أَهْلَ الْقُرَى يَا أَهْلَ الْقُرَى يَا أَهْلَ الْقُرَى يَا أَهْلَ الْقُرَى
خَاضِعٌ ذِكْرُ عَبْدٍ مُقَرَّبٍ مَسْتَكِبٌ بِحَبْلِكَ مَعْتَصِمٌ مِنْ دُؤُوبِي
أَقْرَبُ إِلَيْكَ اللَّهُ تَعَالَى بِمَا وَأَوْسَلُ إِلَيْكَ اللَّهُ تَعَالَى بِمَا وَأَوْسَلُ إِلَيْكَ اللَّهُ تَعَالَى
خَوَالِي إِلَيْكَ اللَّهُ تَعَالَى بِمَا وَأَوْسَلُ إِلَيْكَ اللَّهُ تَعَالَى بِمَا وَأَوْسَلُ إِلَيْكَ اللَّهُ تَعَالَى
دُؤُوبِي وَالْجَانِبَ دَعَائِي اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَقَبَّلْ دَعَائِي يَا
الْأَحْمَدُ **حَقِّقْ** نَازِي كَحَضْرَةِ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَاعِدْ عَمَّا
فَرُودُ وَفَرُودُ هَرَمُومٍ وَمِنْكُمْ رَفْعُ جَعْلِهِ نَازِي كَذَرُومٍ بَرَاءِي
ضَامِنٌ بِشَرْمٍ وَهَوْنٍ رَجَائِي خُودِ خُودَاتِ بِشَدَّةِ كُنَاهَانِ أَوْوَالِدِ
هَلْ أَمْرِي شُدُّوَانِ دَعَائِي كَحَضْرَةِ جُورِي وَفِي بِلَدِ شُدُّوَانِ دَعَائِي
بِكَ سَلَامٍ كَذَرُومٍ دَرُودٍ بَعْدَ زَاكِيَةٍ قُلُوبِي بِرَبِّ الْفَلَاحِ هَمَّتْ
مَرْبُودُ دَرُودِي قُلُوبِي بِرَبِّ الْفَلَاحِ هَمَّتْ مَرْبُودُ بَعْدَ زَاكِيَةٍ سَلَامِ هَمَّتْ
مَرْبُودُ دَرُودِي بِرَبِّ الْفَلَاحِ هَمَّتْ مَرْبُودُ بَعْدَ زَاكِيَةٍ سَلَامِ هَمَّتْ

که از جمله سلب است اما عبادت او بیشتر بوده که این نور و جلال و اعطاش و
 نصیب نگشته پس بر صفت شهادت گفته اند که این را می شناسیم که از جمله شهادت
 است اما صفتش عظیم تر بوده که این نور و جلال و اعطاش بافته و چنین
 بر صفت غیاور و سلک دارد و مثل این گفتگو که در این محضر و محضر کشته
 بخداست حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که این کتب که ما می بینیم
 آنقدر در مایه این جنت خداست بر خلق و کائنات و این کتب که ما می بینیم
 بر صفت این که در این کتب که در مایه این جنت خداست بر خلق و کائنات و این کتب که ما می بینیم
 بل این کتب که در مایه این جنت خداست بر خلق و کائنات و این کتب که ما می بینیم
 من و ای کلام صادق و مطلق من هر چه دارم و هر چه خواهم و هر چه می توانم
 خواهی شفاعت کنی و هر چه طلب کنی با جانت مغفرت پس هر چه بخواهی بگو
 خدا را بندگان تو بعضی مرا محافطت نمودند و بعضی سطاقت خود را
 من داشتم و حق من رعایت کردند و بعضی حرمت من نداشتند
 و حق مرا ضایع کردند پس خداوند تعالی فرماید بفرات و جلال خود که هر کس
 قرآن را با وضو یا بشی جزای رضای تو یا و رسالت و اولاد تو را ضایع کرد
 و هر کس از وضو یا بشی انقام تو از او بگیرم پس بصورت جوانی که اهل محشر
 نشاند و پیش شیعان اید و گوید منم که شما را شغل تلاوت شما باجای
 خرابید و کشیده و روزها بعضی از شما را بشتن کشیده اید و روز
 بسبب من مشتقه را دیده و از دستتان مصیبت ما رسیده پس این را بشنید
 پیش خدای تعالی برو و گوید خدا را اینان مندرک آن تواند و توانا اند

در هر روز هر ششای

بر که از هر ششای و نوری که در محافطت و رعایت من چها کشیده اند
 فرماید تا ایشان را بهشت برده و حلای بهشت در ایشان پاشند و با آنها
 کرامت بر ایشان دهند و بفرمایند تا این که این کتب که ما می بینیم
 که در محضر و محضر کشته بخداست حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که این کتب که ما می بینیم
 فرماید بفرات و جلال خود که این کتب که ما می بینیم
 که در محضر و محضر کشته بخداست حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که این کتب که ما می بینیم
 چشمت را ملوحت و خلوت در جنت کرد و اولاد تو را با وضو یا بشی
 قرآن که بفرزند خود کرده اند و حله آن بهشت پاشند و هم از این کتب که ما می بینیم
 مرویت که هر کس در نماز نشسته قرآن بخواند بعد از هر حرف برایش حسنه
 نوشته شود و پنجاه حسنه محو کرد و در پنجاه درجه بلند شود و اگر این تازه
 بخواند بعد از هر حرف صد حسنه نویسد و صد حسنه محو کند و صد حسنه
 بلند کرد و اگر در نماز بخواند هر حرف ده حسنه نویسد و ده حسنه
 محو کند و ده درجه بلند کرد و اگر بخواند تلاوت نکند و کثرت
 تلاوت دیگری دارد هر حرف یک حسنه عطا فرماید و یک حسنه محو
 نماید و یک حسنه بلند کرد و اگر در نماز ختم کند و را دعا می
 بود و اگر ختم در روز واقع شود تا شش کسرت قطع شود تا روز عید تا که
 بر وضو فرستند آن حضرت امام علی است که پرسیدند که این فضیلت
 برای کسی است که قرآن را در روز و خدای تعالی که هر کس بخواند
 هر کس ختم کند چنان است که ختم قرآن کرده باشد و این فضیلت را

فرماید و هر کس در یک مجلس از جمعه تا جمعه که زیاده باشد بختم کند و در وقت
صبح شود از جمعه قبل دنیا فاجعه اخراج برای او قرار حسن می بیند
و همچنین اگر در روز دیگری باشد از مثل آن تا مثل آن و هم از ایشان عالم
مرویت که هر کس شیعی و یا یزید بخواند و از آنجا فایده می بیند
و اگر بخواهد از آنجا بخواند از کبریا نوشته شود و اگر صد این بخواند
سجده فائزین و اگر در وقت پنجشنبه از خاشعین و قرآن در وقت
با او خاصیت بخند کند و اگر سیصد این بخواند از فائزین و اگر
پانصد این بخواند از عابدین و اگر هزار این بخواند بک قطار ثواب
برایش نویسد و قطار پانزده هزاره شقال است و یکصد این است و چهار
قرط و کو حکیمین قرط مثل کوه احداث و بزرگتر از زمین و آسمان
و کی قرآن بشتت بیاموزد و ثوابش مضاعف باشد و در خانه که
قرآن خوانند و ذکر خدا کنند و لا اله الا الله حاضر شوند و شیاطین دور شوند
و برکت زیاد شود و آنجا برای اهل آسمان نورانی باشد مثل شاد
اهل زمین و خانه که قرآن بخوانند و ذکر خدا کنند و لا اله الا الله بیرون و در خانه
حاضر شوند و برکت کم شود و چیز از اهل خود بخدا شکایت کنند و بگوید
که در آن نماز که دارند و عالمی که قدرش ندانند و قرآن در خانه که لا اله
مکتب نمایند و این بود بعضی از فضایل جمله قرآن و هر یک از سوره
و آیات و این فضایل به نهایت روایت شده که هر صلاه این حال
اگر چه وسعت حکایت آن ندارد اما آن چون از آن نیز محرم

نثران گذاشت بر و این بعضی شرف که در آنم و گویم هر مومن که بسم الله
الرحمن الرحیم گوید بعد از هر حرف از رحمت عطا فرماید که هر چه بخواهد
از تمام دنیا و نعمهای آن و خدای تعالی کارها بشمارد و باریک نماید
و اگر گوشت کند که دیگر بخواند ثواب خواننده داشته باشد و اگر
از روی اقرار و اعتراف بخواند و خدای تعالی نعمهای اخروی را برای
اضافه نعمهای دنیا گرداند و بلاهای اخروی را با اضافه بلاهای دنیا
دفع کند و رحمت وافر و عطیه کامل احسان فرماید و روز قیامت
حسابش را آسان کند و حنائش را بپذیرد و بتائش را بخرد
و برای او که است فرماید که هر مخالفین براندازی برین و در شهادت
معبر و سیکرین باشد و براه راست و طریقه اهل بیت علیهم السلام
مطابقش کنند و چنان است که در وقت قرآن خوانده و هر مومن که
صدقه داده باشد بقرآن را که بخواند قیامت مثل دو باره
انحراف و ثواب برایش سایه کنند پس هر کس بخواند که اهل بیت
غیر و چنان است که در آیه مرقم قرآن کرده باشد و اگر کسی
بخواند تا شب محفوظ و مرزوق باشد و اگر کسی پیش از آنکه بخواند
هر روز یک برهه بگوید که ان شاء الله و آیات محافظت کنند
و اگر در آن شب میرد سوی هزار ملک در ضامن حاضر شود و برای او
استغفار کند و قافیه پشیمان نماید و بعد از آن در قبرش آنگ
شوند و عباد خدا کنند و ثوابش را برای او نوشته شود و پلش

کار کند و قبرش را وسیع کند و از قضا و قدر این شود تا روز قیامت نوری
از قبرش ظاهر شود و درختان درختان باشد و چون از قبر بیرون آید و بگوید
با او متابعت نمایند و مرده بخیر رحمت دهند از سبیلان و صراط
بگذرد پیش خدای تعالی و مقامی باز دارد که هر کس نزد بکر از
خدا نباشد مگر لایکه بفرستد و انبیا و مرسلین و ائمه اطهار علیهم السلام
و ائمه ائمه باشد و از هر خوف و حزن امین باشد پیش خدای تعالی و بگوید
ای پند من هر چه خواهم بگویم تا عطا کنم و هر که خواهی شفاعت
کن تا اجابت فرمایم و از مذلت و سقمت این باشد و هر چه خطبه بگوید
فرستد تا آنکه هر کس گوید سبحان الله یا من بده خدا هر چه خطبه بگوید
پیش آن جلایه فقای حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم باشد و بگوید
و بگوید که هر کس در صورت عمر خود بگوید این سوره بخواند بعد از هر
خلق در دنیا و آخرت برایش در هر روز از حسن و زینت و در هر روز از شرف
محک کند و از جنون و جذام و افات و آلام این کمره و کمره و کمره و کمره
اسان شود و خدای تعالی خود سوره قیامت بخواند و خوش شود و رحمت
معشیت دهد و روز قیامت خوشحال باشد و از قدر و ثواب او دهد
که از هر چه در پیش میاید که آسمان و زمین گوید بای پند استغفار کند
از روزاضی کنیم هر کس بخواند خدای تعالی بزرگوار هر کس که سوره حضرت
داود کرده و حسانت عطا فرماید و هر کس که سوره بخواند از قدر و ثواب و از
آخرت ما و دهد که هیچ کس نداده باشد مگر بنی مرسل و ملک و قریب و دور

سوره

او خواهد

او خواهد از اهل بیت خجانش اگر چه از عیال و اهل شفاعت او نباشد
بیشتر برده **و الله** سوره حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه است هر کس
هر شب بخواند از رفقای آنحضرت باشد و از اوقات و مکات و دنیا
کرد و هر کس هر شب بخواند پیش از آنکه بخوابد و پیش از روز قیامت
مثل بد تمام باشد **و الله** هر کس بخواند حضرت عیسی علیه السلام
و عا کند و برایش استغفار نماید تا در دنیا باشد و در وقت
وفات آنحضرت باشد و هر کس باین سوره در فراموش و نوافل و در وقت
ناید در صف لایکه و انبیا و مرسلین باشد **و الله** هر کس بخواند
جزایش بهشت و حریم بهشت باشد و اگر در نماز صبح دو شب بخواند
از شرف آن روز این کرد و اگر سوره بخواند در خدمت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله باشد و هشتصد و چهار هزار مرتبه از خود
با و عطا کند **و الله** هر کس بخواند بعد از هر کس نماز جمعه بگوید و هر کس
نیاید و بیدار اهل اسلام ده حسنه عطا کند **و الله** هر کس بخواند از
تفاق برای شود هر کس بخواند بعد از هر کس که بر حضرت امیر
و موسی و محمد صلی الله علیه و آله و علیهما نازل گشته ده حسنه عطا
فرماید و هر کس در نافله یا از بیض بخواند و روز قیامت گوید از هر دری
که خواهم داخل بهشت شو حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده
بر شیعیه و اهل بیت است که شب جمعه نماز سوره جمع و سوره توحید
جمع بخواند و منافقین کذاب و هر کس چنین کند چنانست که عمل

صف

صلی الله علیه و سلم کرده باشد و بخوانش بیست بود **الحاقه** برای عالم
امیر المؤمنین صلوات الله علیه و سلم و لعنة الله نازل گشته بر
دو فرایض و نوافل بسیار بخوانند از صلوات **سار** هرگز بخواند
از عذاب بر این شود و اگر نماز خفتن بخواند در امان خدای تعالی
باشد تا صبح روز قیامت تا آنکه داخل بهشت شود **و الفجر** سوره حضرت
امام حسین علیه السلام است هرگز در فرایض و نوافل بخواند کناهانش
از زمین شود **انا لله** سوره اهل بیت طاهرین علیه السلام است
هرگز بخواند چنان است که ماه مبارک رمضان از روزه گرفته باشد
و لیلة القدر را احباد داشته باشد و هرگز یک مرتبه بخواند چنان
که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد و اگر بکفر بگردد بخواند
چنان است که در راه خدا غیر از علاف کشیده باشد و اگر در قهر
بخواند هرگز کناهش از زمین نشود و اگر در نماز فریضه بخواند نماند
ند کند که اعمال را از سر گرفته کناهش از زمین نشود و فضایل این
سوره زیاده از آن است که در حوصله این رساله انجود و بعضی از آن
حاصل این در باب است سابق گفته و بعضی نیز انشاء الله در جای باید
و الفجر هرگز بخواند خدای تعالی در دنیا عاقبت یقین و در آخرت
بعد هرگز این سوره را خواند ثواب بیک روز و نه بار عطا فرماید
و هرگز در فرایض و نوافل بخواند هر جای بیست که خواهد با عطا کند
و الفجر سوره حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و سلم است هرگز بخواند

آن مداومت کند از رفقای آنحضرت و در پناه او باشد **سار** هرگز
بخواند چنان است که هر از این قرآن خواند باشد و خدای تعالی بر
نعمتهای که در دنیا با و داده او را محاسبه فرماید و اگر در فریضه بخواند
چهار صفت ملائکه با و افتد و اجر صد شهید داشته باشد
و اگر در نوافل بخواند اجر پناه شهید یابد **سار** هرگز بخواند چنان است
که در نماز قرآن بخواند باشد و شیاطین او در و شوند و از سر بر او رود
و از فرغ اکبر این کرد و هرگز سوره حمد و توحید در فریضه و نوافل
بخواند کناهان او از زمین و اولاد ایشان هم از زمین شود و اگر
شعبی باشد از دیوان اشقیاء محروم شود و در دیوان سعادت ثبت گردد
و در روز امان محشر شود **و الفجر** هرگز یک مرتبه بخواند چنان است
که ثواب قرآن خوانده باشد بعد از هر نوبتی ده خیمه عطا کند و چون
سوره بخواند ختم قرآن کرده باشد و هرگز یک مرتبه بخواند خدای پرو
برکت و رحمت زیاده کند و اگر در سوره بخواند بر او بر اهل بیت و اگر
سوره بخواند برایشان و بر صاحبان اش و اگر در سوره بخواند
دارنده قصر و بهشت عطا فرماید و چون حضرت خیر صلی الله علیه و سلم
بر عبد بن معاذ نماز کند و دید گفتند و هر از ملک که صلی الله علیه و سلم
از آنجا برود و نماز کند از روزگار برسد که حدیثی بخواند
که است گفت باید که در جمیع احوال نشستن و برخاستن و آمدن و رفتن
و سوره و بیاد هفت قلعه الله می خواند **و الفجر** هرگز بخواند چنان است

و اطمان خاطر و رو و بقیه بدو نانوشتند و کند و در انقائ و نانوشتند
 گفتند و افضل اینست که از روی مصحف تلاوت کند که عذاب از این تخفیف
 یابد اگر چه کاف باشد و نظیر خط قرآن عبادت است و اگر در جامی تلاوت
 کند باید سالت بود و کثرت یافت و چون قرآن بر او تلاوت بر کرد
 اَللّهُمَّ اِنَّا نَسْئَلُكَ كِتَابًا لَا يَلْبَسُ لَنَا مِنْ عَمَلِنَا عَلَى رِوَالِكَ تَحْدِيثِ
 عَمَلِ اللَّهِ كَلَامَكَ الشَّاطِرُ عَلَى لِيَانِ نَبِيِّكَ جَعَلْتَهُ هَادِيًا مَنَّا
 اِلَى الْخَلْقِ وَجَلَّ مُنْصَلَاةً مَنَّا بِكَ وَبَيْنَ عِبَادِكَ اَللّهُمَّ اِنَّا نَسْئَلُكَ
 عَمَلَكَ وَكِتَابَكَ اَللّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي فِيهِ عِبَادَةً وَقِرَاءَةً فِيهِ كَرَامَةً
 وَفِرَافَةً فِيهِ اَعْبَادًا وَاجْعَلْنِي مِنْ بَقِيَّةِ مَنَّا بِكَ مَلَأْتَ فِيهِ
 وَبِحَقِّكَ مَعَاصِيكَ وَلَا تَقْبَلْ عَمَلِي فِي عَمَلِي اَللّهُمَّ اِنَّا نَسْئَلُكَ
 عَلَى بَصَرِي عَمَلًا وَلَا تَجْعَلْ قِرَاءَةَ فِي قِرَاءَةٍ لَا تَدْبُرُ فِيهَا اِلَّا جَعَلْنِي
 اَتَدْبُرُ اِيَانَهُمْ وَاحْكَامَهُ اَخْلَصْتُ لِرَايِجِ دِينِكَ وَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي فِيهِ
 عَمَلًا وَلَا قِرَاءَةً فِي عَمَلِكَ اِنَّكَ تَنْتَ لِقَوْلِكَ الرَّحْمَ وَجُونَ خَوَاهِدِ
 شَرِّعٍ دَرِ تِلْكَ كُنْدَارِ وَنَاوِشِ شَيْطَانٍ وَغَدَلْتَ قَلْبِي فَضَاوَتِ
 بِنَاهُ بَعْدَ اِيْتَالِي بَرْدِ كَوْنِ عَمَلٍ اَبْهَمَ التَّجَرُّعِ اَللّهُمَّ اِنَّا نَسْئَلُكَ
 الرَّحْمَ وَجُونَ بِلَا مَسْجِدٍ رَسَدِ اِنْ زَكْرِيَّا شَبَّوْهُ سَجْدَ كُنْدِ وَجُونَ
 بِكَ اَللّهُمَّ اَلَا اِنَّكَ حَقًّا حَقًّا اَلَا اِنَّكَ اِيْمَانًا وَتَصَدَّقًا اَلَا اِنَّكَ
 اَلَا اِنَّكَ حَقًّا وَرَفًا حَقًّا لَكَ يَا رَبِّ تَسْبُدًا وَرَفًا لَمْ تَشْكُفًا
 وَلَا تَشْكُفًا اَلَا اِنَّكَ عَمَلًا كَيْفَ خَائِفٌ سَجْدَ وَبَعْدَ اَنْفَاعِ اَلَا اِنَّكَ

بگوید

بگوید اَللّهُمَّ اِنَّا نَسْئَلُكَ قَدْرًا نَفَقَتُهُ بَيْنَ كِتَابِكَ الَّذِي اَنْزَلْتَهُ
 عَلَى نَبِيِّكَ الصَّادِقِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَانَ لِحَمْدِكَ رَبَّنَا اَللّهُمَّ
 اجْعَلْنِي مِنْ حَمَلِ خَلْقِكَ وَحَمَلِ عَمَلِكَ وَبُيُوتِ حُجَّتِكَ وَمَنَّا بِكَ
 وَاجْعَلْهُ اَسْكَافِي قِرْيَ وَأَسْكَافِي حَشْرِي وَاجْعَلْنِي مِنْ نَزْوِيهِ
 بِحَمَلِ اِيْتِهِ وَبِحَمَلِ اَعْلَى عِلْمِ اِيْمَانِ رَحْمَةِ الْعَالَمِينَ وَجُونَ خَتَمِ
 قَلْبِي كُنْدَارِ اِنْ جَعَلْتَهُ كَلَامًا لِحَمْدِكَ اَللّهُمَّ اِنَّكَ اَعْتَمَدْتَنِي عَلَى خَتَمِ
 كِتَابِكَ نَاخِرُهُ **باب چهارم** در فضایل ذکر و دعا
 احکام متعلق بآنها و این مجموع انشاء الله در بعد فصل بیان شود
فصل اول در فضایل ذکر و سب از اهل بیت طاهرین
 علیه السلام که هر کس ذکر خدا را بگوید یا دعا را بگوید یا از ایشان
 دو نسخ این کرد و در حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
 دلهای خود را رعایت کنید و بنده خدا را ندیده دارید و بفرستید انکه
 غافل قفس عهد ایمان در دل شما راه یابد که چون دل از ذکر و یاد
 خدا غافل شود نه زمین باشد و نه کاف و مثل جامه که با استخوان
 بر سیده پس زمین حالت خدا را یاد کنید و از قفس عهد ایمان بر سید
 که چون دل بچیند چالشی رود و هدایت دل خدا را ندیده ارا و خبر داشته
 باشد ایمان در دلش اندازد و اگر ذکر و دعا را بگوید فرمود ای نبی
 آدم تو در دل خود مرا یاد کن تا من در دل خود تو را یاد کنم و خدا که در
 ذکر خدا را بگوید و تلاوت قرآن کند و برکت بسیار و ملائکه فرستد

و شایسته دو رشتند و آنجا نمر برای اهل اسرار نزلت باشد چنانکه بشاید
بر اهل زمین و شیطان هر دو را و بخیر و بد و ذکر خدا کنند از روز و شود و چون
تو که ذکر کند که او را شنید و خدای تعالی فرموده مال بسیار کنایه ها را
فرموده که تو که ذکر من قنوت و لا اورد و هر کس خدا را در دل
یا ذکر تو را یا ذکر غیر خدا کند یا ند و هر کس در میان غافلان و مشغولان
دینا ذکر خدا کند خدای تعالی از حق است بر او برسد و روز قیامت
بیاورد و آمرزشی که بخاطر هیچ کس نگیرد و چنان است که در بعضی کلام
که خیر باشد ثابت قدم استاده با اعدای خدا مقابله کند و بهشت
او را واجب شود و مؤمن هر طریقه مبتلا شود و کمی مشغول گری باشد بعبادت
مبتلا شود و هیچ جمعی در مجلس مشغول گریشند مگر آنکه جمعی را که با ایشان
نشست نفرین شود و یکی ایشان بگوید کند و دعا شان را این گویند و
مناوی را همان ندانند که سیادت شما را بزرگتر شد و بحضرت بدگشت
و اگر کسی در میان ایشان باشد و ذکر کند و غیر بیست ایشان را بر
شود و حضرت موسی علیه السلام سؤل نمود گفت خدا با ایا فرمودی که ما را جا
کم یاد و روزی او را سازم فرمود من هر چند با کسی ذکر من کند و هم حضرت
مناجات نموده گفت روزی که هر کس را بنام من بنام خدا شود و بنام رحمت
تو که باشد فرمود تا آنکه ذکر من کند و ذکر ایشان کم و برای من با هم محبت
کنند و من با ایشان محبت کنم ایشانند که اگر خواهم اهل زمین عذاب کنم
ایشان را بیا دارم عذاب عظیم و غیر مناجات نموده گفت خدا یا ارحم

احمد

احمد ثم اید که ذکر تو کم فرمود و هیچ حال بدی که من سازم که ذکر من
حال خوبت و بیاید طاعت که ذکر من ساقم است که بگوید که بعضی خدا
بیاد داشتن و دل با خدا داشتن است و با زبان مثل مثل لیل شمع
و تلاوت قرآن و مذکره مسایل مایل دین و ایمان و امر معروف و نهی
منکر و غیر آن هر چه خدا بپا دارد و با اعضا و ارکان مثل عبادت
طاعت او ترک ساهی و ستیفات و افضل همه ذکر یا دل که محبت
شعایت از آن و ذکر یا دل که ترفع است و ذکر یا زبان و ارکان
بندگی بدین که چون قول و فعل بدینیت خدا و یا او باشد مثل صورت
باشد بچنان و ازین صورت بجهت است که اعمال و یا د اغراض دنیا
و همچنین عبادات مخالفین و عاقلین مثل منان و اطفال مقبول
نباشد و خدای تعالی فرمود من هر کلام حکمت را بقول نکنم بلکه نظر
بر او کنم که برای من و بیاد من کرده و اگر نه بآن و اگر نام
که برای او کرده و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده است من هر کلام
از علل که عمل بدینیت مقبول نموده و با نیت که عمل مقبول نباشد
همان اجر یا بد چنانکه مریدیت که وقتی در مدینه فطحت شد کسی روزی
در محراب نعلی یکی گذشت گفت کاغذ این می گفتم بود عیال بر سر دلم
این خبر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله رسید فرمود همان را بیا بید
و رجوع دیگر نیز برای پیغمبر نبوت روایت شده که این مقام ذکر آنها
نبوت و نیز در باب بیان آن گذشت که هر قدر از نماز که با کمال احوال باشد

شود و چهل و پنج هزار سینه محو کرد و چهل و پنج هزار درجه بدست آورد
حرز او باشد از شیطانی و سلطان و کبره و انگریز و چنان است که در آنروز
دوازده مرتبه ختم قرآن کرده باشد و عاذه در بهشت برایش نیاکتد و هرگز در
بگوید لا اله الا الله حقاً حقاً لا اله الا الله عبودیه و رفقا لا اله الا الله عاذاً
و تصدیقاً خدای تعالی از روی کرم متوجه او شود و هرگز از روی کرم و اندک نادان
جست شود و هرگز بگوید لا حول و لا قوة الا بالله خدای تعالی فرماید ای ملائکه
بند من کارهای خود را بمن و اکذابت و اعتراف بجز وفاق و توفیق خود و مواضع
بزارید و هرگز مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی
نمود و من نوع بلا از دفع شود که هرگز از بدن مجنون باشد و هرگز بگوید
اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و خرافه از حقیقت
سوره **سوره** در فضایل آن که اهل بیت و صلوات بر ایشان علی الله علیه
و بعضی از مسائل مرویست از ایشان که هیچ مجلس نیست که جمعی نشینند و ذکر خدای
تعالی و ذکر مائیکه و صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرستاده و بخیرین مکرمانیکه
آن مجلس و وفیقات برایشان حسرت باشد و نیز فرموده اند که ذکر مائیکه و صلوات
و ذکر اعدای مائیکه شیطان که دشمن خلافت و چون در وین بام ملاقات
نماید و ذکر خدا و ذکر فضایل ما نماید هرگز گشت که در روی او پلایشند و بگوید
تا آنکه خوشتر از شدت آله و ملائکه آسمان و خزان جهان از آن است
و ملائکه مقربین او را هست کند و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده هرگز مجلسی
نشیند که فضایل و اخبار مائیکه شود و ولایت و حق ما در آن مجلس نرسد

دانش نبرد و روزی که دلهای همه مرده باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرموده هرگز فضیلتی از فضایل علی بن ابی طالب علیه السلام نکند و افراد
بآن داشته باشد که گناه گذشته و آینده اثر از نرسد شود اگر چه چنانکه
جن و انس باشد و هرگز فضیلتی از فضایل او را بنویسد تا اثری از آن با
باشد ملائکه برایش استغفار کنند و هرگز فضیلتی از فضایل او را
گناهانی که با کوشش کرده امر زید شود و هرگز گناه نباشد و فضیلتی از او نکند
گناهانی که با چشم کرده امر زید شود و بعد از آن فرموده نظر بر علی بن ابی
طالعبی داشت و ذکر او عبادت است و ایمان هیچ بنده مقبول نشود مگر با
او و عبادت از اعدای او و حضرت امام حسن علیه السلام فرمود هرگز در
باعتبار او و عبادت و وفایان نصرت نکند با ما در غرق ما باشد و هرگز در
محبت دارد و باز بان نصرت کند یکی چه از آن است قریب باشد و هرگز
محبت او و عبادت و وفایان نصرت نکند و در بهشت باشد و حضرت امام
علیه السلام فرمود هرگز بان باالاعتنا ما کند خدای تعالی روز قیامت را
بجشنش که بکند و علم از ایشان علیه السلام مرویست که هرگز در مجلسی حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرستد خدای تعالی با هزار وصف ملائکه هر یک هزار
صلوات بر او فرستد بعد از آن هیچ مخلوق نمائند مگر که بر صلوات فرستد
پس هرگز این نعمت رعیت نکند جاهل و مغرور باشد و خدا و رسول و اهل
بیت از صلوات بر آنحضرت بود چون اعمال مؤمنان را در میزان گذارند و
حسنات سبک و ثقیات سنگین باشد آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم

کبر و فرستاده باشند بر حسنات گذاردن باری تعالی زیادتی که پیش
برد و صلوات بر آنحضرت صلی الله علیه و سلم که امان پیشتر بخورد که اگر پیشتر
و نیز مرویت که هر کس قیاد و بر کفاره که امان نباشد صلوات بر آنحضرت
و آنحضرت صلی الله علیه و سلم که صلوات بر ایشان بر امانت با حلیل تسبیح
و تکیه هر کس نام آنحضرت در پیش من بگوید و صلوات بر آنحضرت در پیش
بر خطا شود و هر کس دعا کند دعایش محو میگردد و یا لا یزول و یا صلوات
فرستد و آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود در وقت دعا را مثل کوزه
مکوبانید که چون بخواهید باران ببارد از کوزه ببارد و عقوبت یا لا یزول
که هرگاه نشسته شود بر دار و بلکه در اقل و میان و اشرف دعا کند و نیز فرموده
هر کس در صلوات پیشتر فرستد روز قیامت بن فرشتگان بگوید و هر کس از آن
تکلیف محبت طلبد که بعضی آن صلوات فرستد حاجتی او اجابت شود و قرب
صلوات نیز داشته باشد کسی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام گفت چون
کعبه بیرون میروم دعا یا بطور داشته غیر صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و سلم
هیچ کس بخوبی تو بیرون نیامده و هر کس در صلوات بر آنحضرت مثل برك
از درخت بریزد و ملاحظه که هفتاد صلوات فرستند و دعای یا ایها
اگر شایسته صلوات بر او فرستاده بدین هفتاد صلوات بر او فرستد
و اگر در آن صلوات فرستد بر او طاعت نشود و حال آنکه بر طاعت و دنیا
ساز راه قرآن شنید و میان او و آسمان هفتاد سجده یا بگوید و دعای
تعالی بگوید یا ایها که دعا بکنند یا لا یزول یا جعفر یا جعفر یا جعفر یا جعفر

و مرویت که هر کس بگوید صلی الله علیه و سلم و دعای یا ایها بکنند و دعا فرستد
و فضا یا بگوید برای صلوات و بعضی صلوات مخصوصه در بخت تعقیب
و اعمال جمعه غفران گذشت **فصل چهارم** در بیان فضایل دعا
بعضی امور متعلق بآن مرویت از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم
که دعا افضل است و دعای یا ایها هیچ چیز را در سزاوارتر ندارد و گفته اند از آن
مستجاب است کند و هیچ چیز بدتر از آن ندارد که استبکارد کند و در آن
مستجاب باشد و در قرآن مجید فرموده اگر از این بود که شما دعا می کنید خدا هیچ
اعتنا بشما نمی کند و دعا را هیچ مؤمن و عمو و دین و فرزندان و ارحم
و قضای صبرم بدعا را دشوارتر و دعا در قضای حاجت پیشتر است از تضرع
شان در گوشه آنحضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که کس
با هم شروع در نماز کند و با هم فارغ شدند یکی دعا پیشتر کرد و دیگری
قرآن فرمود آنکه دعا پیشتر کرده افضل است و هر یک که بگوید یا لا یزول شود
تعالی و شرف اندازد که دعا کنند آن بلیه و ذرایل شود و اگر دعا تاخیر
شد بلیه بطول کند و چیرت بند دست بدعا بردارد خدا ریشم آید
که از احوالی مرگند و دعا حاجت که بیهوشی کند هفتاد مثل آنست که علامه
کنند **فصل پنجم** در باب اجابت دعا و بعضی حکایات متعلق
بآن اسباب اجابت دعا که مرویت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام است
حالات و صفات داعی و ریت که جمعی بخیریت یکی الشیبه
طاهرین علیهم السلام گفته اند باین رسول الله دعای یا ایها فرموده دعا

که من اجابت می کنم و یا دعای کم و مستجاب نشود و قیود و ملای شایب و محظ
 موه است و عوی خدا شناسی میکند و اطاعت خدا نمی کند و عوی محبت
 رسول الله می کند و با اولادش عداوت می کند و قرآن می خواند و عمل می
 آن نمی کند و عوی عداوت شیطان می کند و بی رویش نیز می کند
 و عوی محبت طاعت می کند و با اهلان سعی نمی کند و عوی خوف و درخ
 می کند و خود را در آن می نکند و مشغول عیب دیگران می شود و از
 عیب خویش چشم می پوشد و عوی بغض دنیا می کند و دست از آن نمی کشد
 و از اعراب می کشد و بطن او سرخ می کند و اموات خود را دفن می کند
 و از آن عبرت نمی گیرد و از نیست که دعای شما مستجاب نشود و روایت
 دیگر آمده که کسب خود را خلاص کند و دعای شما مستجاب نشود که چون کسب
 لغیر خود و چهل روز دعا بشوید مستجاب شود و خدای تعالی فرموده
 که دعای هیچ کس از من محجور نگانند مگر کسی که لغیر خود دعا کند و اجابت کنم دعا
 کسی که مظلومی را زندگان من بشوید و باشد و تار و آن مظلوم کند و
 خانه من نشود و ما دمی که در نماز باشد و را لعنت کنم و کسی از منی را لعنت
 سر سالد عالی کرد و مستجاب شد آخر حاجات کرد و گفت خدا یا ایام را زود
 و دم که از من نمی رسد یا زود یکی اجابت نمی کند خدای تعالی کسی را قریه
 با و گفت یا ربان فحاش و دل الوده سرکش و بی تقی می شود دعا میکند مستجاب
 نشود و نیز روایت که با تقوی و یکی تقدیر دعا کافی است که تنک در طعام
 اوقات مخصوصه که دعا در آن غنیمت باید دانست و فرصت باید

شرم از بخل وقت زوال و در هر روز مخصوصا در روز جمعه تا وقتی که امام
 از منبر فرود آید و ساعت آخر و جمعه و تمام شب جمعه و از نصف شب
 تا ثلث آخر شب و این ساعت هیچ می شود عا نکند مگر آنکه البته مستجاب
 شود و میان اذان و اقامت و بعد از هر فرضه مخصوصا بعد از
 نماز صبح و ظهر و مغرب و در قنوت نماز و نیز بعد از تلاوت قرآن
 و وقت وزیدن باد و نزول باران و غیر آن از اوقات که
 بعضی تقریبات گذشته و بعضی نیز در مقام خود اثناء استغاثه
سیم اموری چند که در حال اشتغال بدعا و بعد از
 فراغ رعایت باید نمود از آن جمله وضو یا غسل داشتن و جامه های
 پاک پوشیدن و بوی خوش بکار بردن و صدقه دادن هر قدر که
 مقدور شود و مکانی مثل مسجد و غیر آن اختیار کردن
 و دست بچایب آسمان برداشتن که خدای تعالی گویم است شرم دارم
 که دست مؤمن را خالی بردکند و حاجت را بخصوص نام برود
 که خدا را خوش آید اگر چه حاجات کسی میداند و در دعا اجتماع
 نمودن که هرگز چهل مؤمن در دعا اجتماع نکنند مگر آنکه البته مستجاب
 شود و اگر چه چهل نفر باشند چهار کس در مرقبه دعا کنند و اگر چهار
 نباشند یک کس چهل مرتبه دعا کند و روایت دیگر آمده که هر کس
 چهار مؤمن در دعا اجتماع نکنند مگر که با حاجت مغرور شوند و کسی
 که امین گوید و دعا بشوید یا باشد و از جمله اسباب آنکه بعد از آن

وثنای خدا کند که بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض داشت که
فرموده دعا کنید که من اجابت میکنم مادامی که من مستجاب نمیشود فرمود
چنان داری که خدای تعالی خلاف وعده کند گفت و فرمود پس مستجاب
نمیشود گفت نمی آیم فرمود کسی که اطاعت امر خدا کند و از راهی که باید
دعا کند البته مستجاب شود گفت نه اهمل کدام است فرمود اول حمد خدا
و ذکر نعمتهای کند و خدا را بآن شکرت کند پس صلوات بفرستد و اگر فرستد
و گناهان خود را مذکور سازد و اقرار بآنها و استغفار کند بعد از آن
حاجت بخیر که مستجاب شود و دست را بآب و قندیل جستن است
بفرستد و اگر صلوات بفرستد و رویت که کسی هفتاد و نه بار در دو روز
بماند بعد از آن مناجات نموده گوید خدای بحق محمد و اهل بیتش که چون
در حکم پر خدای تعالی جبرئیل را فرماید که او را از آتش بیرون آورد و در
بغیر خودم که اگر بحق ایشان سوال نمیکردی بسیار داناتر بماند ایشان
من میخورد و اجر بجهانم اندم که هر کس بحق ایشان سوال کند اجابت فرمایم
و این صفیون در احادیث بسیار آمده و روایت که هر دعا از آسمان
مستجاب است تا صلوات بر آنحضرت و آلش صلی الله علیه و آله و سلم و فرمود
که صلوات بر ایشان رفته شود پس چون در اول و آخر دعا صلوات فرستد
خدا را شرم آید که اول و آخر را قبول فرماید و میانه را رد کند و از جمله
اینست که دعا را عام کند و بگوید و آنچه میطلبم با خودم شریک گردانم
بکدام ایشان مقدم دارد که برای ایشان و برای خودش هر دو مستجاب شود

بعضی از علماء درین معنی گفته اند که ذکر شمس بقیامت است بیکه خدای
تعالی بندگان خود را نمی فرموده که چون چندین بار با هم بیک صبیح
گفت بعضی از علماء دارند و بعضی رد نمایند و دعای مؤمن غایتها
البت مستجاب است چنانکه باید پس چون کسی خود را با دیگری در دعا
جمع کند لایزال بخداست بخداست که چیزی که بندگان را منع فرموده خود
انرا بکنند و از جمله اسباب یکدیگر در وقت و عا دل خبر دار و دقیق و محقق
باشد که دعای دل غافل و سخت و فرحان مستجاب شود و خدا تعالی
دل محزون را دوست دارد و چشم گریان باشد و اگر کسی بیاض میگرداند
و خود را بر کبریم دارد و چون اشک عار از غنیمت یا بددانت که بر چهره
سریکس باشد که خدای تعالی چشم گریان را دوست دارد و دیگر در یکس
برافتی رحم فرماید و از جمله آنکه از روی او بیاض افتد و از آنکه شادمانی
آید و از آنکه اللهم سوال کند و چیزی که از حوصله و ظرفیت او بیرون است
طرح کند که مستحق حرمان شود و از جمله اینکه لطیفان و حسن ظن
با اجابت داشته باشد که خدا پیش ظن بند مؤمن است هر چه بخواهد
باشد چنان کند و مرویت که چون دعا کردی حاجت را بفرستد و خاتم
و از جمله اینکه پیش از وقت در حال غایت و فاقه همیشه دعا می کرد
تا چون در بلبه و شدت دعا کند مستجاب شود و از آسمان بحجوب
بماند و لکن در حدیثی که بر اجابت عزراست و نکند گویند این چه و از آن
که نمی شناسیم و این یکیت و پیش ازین کجا بود که بدین راه الهی رجوع

نمی نمود و از جمله اینک در آخر دعا بگوید ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله که خدای تعالی فرماید ای ملائکه این بند مراد یابید و اعانت
کنید و حاجتش را بپذیرید که کارهای خود را بمن و بخوانش من قلم
کرد و اعتراف نمود که هیچ کس غیر من حاجت نخواستند کرد و چون از دعا
فارغ شود هر دو دست بر سر و دو مال بر سر روایت دیگر بر روی
باله که دست بدعا برخواست از رحمت خالی نباشد و از جمله اینک در دعا
الحاکم که خدای تعالی و البته حاجت فرماید و نیز روایت کیا
باشد که بنده دعا کند و خدای تعالی از او عرض فرماید باز دعا
کند و عرض فرماید پس هر چه بخواهم و روایت دیگر در مرتبه ششم فرماید
ای ملائکه بنده من مکرر دعا کرد و عرض نمودم همان دعا که کنی
می دانی که گناهش را بفرست کسی تا مرز کوه باشد که او را از زمین و اگر
در حاجت ناخیر شود تا یونس و فریید نباید شد که خدای تعالی فرمود
از رحمت فریید نباشد مگر کفار و کراهان و یا باشد که بنده دعا
کند و خدای تعالی برای او بگوید عا و مناجات او را دست دارد و دعا
تا خیر فرماید تا بیشتر دعا و تضرع کند و دعای مؤمن البته حاجت شود
و اگر در دعا بخواست و مصلحت باشد همان را عطا کند و اگر بخواست
باشد که دفع او ضرر و قهر و خود را از آن ببرد و آنرا دفع فرماید و اگر
هیچ کلام نباشد در پشت اضعا ف مضاعف عوض دهد و روایت
دیگر آمده ذکر در آنچه خواسته مصلحت نباشد کفار و کناهانش شود

دعا فرد

دعا فرد مستجاب شود مغفوف و مغفور و نسا بدگشت که شاید بدین
باشد چنانکه در باب اول گذشت و یا باشد که بنده دعا کند
خدای تعالی برای اینک از او او بدد و زود و اجابت فرماید الخ
او را فرزند بلکه اگر زود شود شکر و حمد و اگر دیر شود صبر و تحمل
باید کرد و در هر حال تضرع و انابت و تعلق و اطاعت باید نمود
فصل ششم در ذکر جمعی که دعائشان مستجاب شود جمعی که دعائشان
مستجاب شود در روایت از اهل بیت طاهیرین صلوات الله علیهم
که چند کنند که دعائشان مستجاب شود و از خدای تعالی محبوب
نماند و درهای آسمان را بشکافد شود تا بهر شرف اهل حج و عمره
و جهاد پس در صد احوال اعیان ایشان باشد و سعی در حوائج ایشان
نمایند و مریض پس او را مریض نمایند و نام عادل و ولد صالح برای
والدین و ولد صالح برای ولد و صایم تا وقتی که افطار کند و مؤمنی
که برای مؤمنی غایبانه ذکر خیر دعا کند ملائکه گویند چه خوب بودی
تو که برادر خود را غایبانه مدح و دعا میکنی خدای تعالی و برادر
آن تر عطا کند و دو مثل آن تر مدح فرماید و اگر دعای بد بود
شکند گویند چه بد برادر تو بخورد و چمن و تراب این گفتگو که فرزند
مرویت که دعای مؤمن برای خود بگوید دعاست و چون برای مؤمنی
غایبانه دعا کند از آسمان اول بکند که صد هزار مثل آن تر
باشد و از آسمان هفتم دوم نداند که فرادوست هزار مثل آن بود
و چنین تا آسمان هفتم صد هزار بار بفرماید بعد از آن خدای تعالی

و ما یایم غنی که هرگز فقیر نشوم و از هر از مثل آن عطا فرمایم و دعا
 و کوی و انتقام تو بکنم اگر چه بعد از مدت باشد و دعای الدبر و لد که
 بزید و تر است نشیر و چند کند که دعا شان مستجاب شود کسی که
 و سعی کشید و در خازن نشیند و دعا کند خدای تعالی فرماید من دعا سعی
 تحصیل برای تو کرده ام راه مکن و سعی برای حاجت بزنم و کسی
 که خدای تعالی او مالی داده و در باطل صرف کرده و چون دعا کند
 فرماید روزی و دینت دادم و ضایع کردی و کسی که زن یا بنده یا جامه یا
 فخرین کند فرماید راه خلاصی نموده ام و از اطلاق کوی و بند را بفر
 و از همه بایر بفر کن و کسی که بی شاهد و بی یکه کسی فرض دهد فرماید
 بایست شاهد و بی یکه کسی تا مالک باطل نشود و کسی که از زیر دیوار
 شکسته بنشیند و دیوار هم را که احیاناً بشکند فرماید بگویم که خبر را
 در همه ملک بگویند تا اهل آن بخوردی **فصل هفتم** در فضایل دعا برای
 مؤمنان و مؤمنات از اهل بیت طاهرون علیه السلام و هر مؤمن که برای
 مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات حاجات و اموات ایشان دعا
 خدای تعالی بعد از مؤمن و مؤمنه اول دنیا تا آخر دنیا احسنه
 برایش ثبت کند و بعد از هر کس مثل آنچه دعا کرده با عطا فرماید
 و اگر روز قیامت او را بدو رخ امر کنند می کشند بایست تا بدو رخ
 مؤمنین و مؤمنات اجتماع نموده گویند خدایا این کسی در دنیا ما را دعا
 میکرد و امروز ما را شفاعت او کرد و خدای تعالی شفاعت ایشان را قبول
 فرموده او را بختان دهد و هر کس هر روز بگوید یا ایها الذی لا اله الا انت

للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات بعد از هر مؤمن که
 و این دعا روز قیامت برایش حسن ثبت کند و بنده محو نماید و
 بلند کند **فصل هشتم** در ذکر بعضی دیگر و سایر حاجات
 مرویت که کسی بخواند اهل المؤمنین صلوات الله علیه کایت کند
 که حاجات دعا بم دیر می شود فرمود چهل دعا می رید الاجابة بخوانی
 گفت نمیدانم کدام است فرمود اینست اللهم انی یا ربنا انک العظیم العظیم
 الاجل الاکبر الخیرین المکونین النور الحق البرهان المبین الذی
 نور مع نور و نور من نور و نور فی نور و نور علی نور و نور
 فوق کل نور و نور علی کل نور و نور تضی به کل ظلمة و تنشر
 به کل شیة و کل شیطان مرید و کل جبار عیبد و لا تقرب الیه
 و لا تقرب الیه شیئا و یا من به کل حایف و یبطل به کل ساحر
 و یغنی کل باع و یحک کل حاسد و یصدع بکلمته البر و الخیر
 و یکفیل به الفلک حین یتکلم به المملک فالیکون للبیح
 علیک سبیل و هو اسمک الاعظم الاعظم الاجل الاکبر النور الاکبر
 الذی یحییق نفسک و استکویت به عرشک و اتوجه الیک
 یحیی و اهد بیده و استک بک و یطمأن نفسی علی محمد و آل محمد
 و حاجتی که داری طلب نما و بستان حضرت را ما جعفر صادق علیه
 السلام که چون کسی را حاجتی رود و هدیه یا بختی بفرماید صلی الله علیه و آله
 و سلم برده و صل کند و در رکعت نماز بکند و در مثل نماز قبضه قیام

الملك هراي واز ملك الشيطان فلما احدثت علي والبيان فان
لقد بني قديري غير طام وان لغريب ورحمى فالك جوا كركم
بالكرم نانس فلك نك شود با ايمان كل شيء وخوف كل شيء
ان نفسي على محمد وال محمد وان تعطيني امانا نفسي اهل وولد
ولبارنا انعمت بر علي حتى لا اخاف ولا احذر من شيء ابدا لك
على كل قدير وحسن الله وتغم الوكيل با كافي اهلهم شروا كافي
موسى فرعون اسألك ان نفسي على محمد وال محمد وان تعطيني
شئ فلان من فلان وكفى از خوف داشت يك نام بعد از ان محمد
كند واز روی نفع حاجت بطلب كه هر من وسومين باين طرفه
عمل كنند كه اكد دعاي اسمان براي حاجت ش كوده شود و همان وقت
مستجاب شود هر چه بطلبند بعد از ان فرود از فضل خلاصت مياورند
ماور كه در يك مجلس هزار مرتبه بگوين ماشاء الله توفيق حج بايد رويت
كه ابو القاسم مردی بوده ميطلع هر كجا راي بفرستد كه از آن خريست حضرت
امام موسي كاظم عليه السلام تكايت فرود فرود بعد از ان نماز صبح و شام
بگوين سبحان الله العظيم ويحمد استغفر الله واسأله من فضله كرم الله
وفاي بيش كد تكايت كه از جاي كه هر كجا نداشت خدای تعالی را غنى كرد ايند
تكونا صاحب خير صلي الله عليه له ملكي بخود نشان حضرت زكوت بعد از انكه
رفت بر سيد جهانغ كه بش ما نجا اي كفت بهاري و پويشاني فرمود كه اين
كلمات را بگوئي كه هر روز ايل شود لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

وكانت على

توكت على الخ الذي لا يموت واتخذ الله الذي لم يجد ولذا لم يكون له شريك
في الملك ولا يكون له ولي من الدن ولا يكون له كبري راي ان حضرت امام
جعفر صادق عليه السلام دعاي خواست براي وسعت رزق فرمود بگوي
اللهم ان رزقي من فضلك لا يسع لي الا ان اطلب رزقا واسعا خلاصا
ليت ابلوا غا للدينيا والاخرة صبا صبا هنيئا مريها مريها من غير كد ولا
من احد من خلقك لا تسعة من فضلك لا يسع فانك قلت و
اسأل الله من فضله من فضلك اسأل ومن عطينك اسأل
ومن يدك الذي اسألك راوي كويد براي اين طلب هر چه جزئ اين
دعا نديم و حضرت پيغمبر صلي الله عليه له وسلم حضرت امام باقر
صلوات الله عليه له كفت براي ادای دين بگويد اللهم اغني عني عيالك
عن حراميك وبقضائك عنك انك لا اكسل ضربه داشته باشي ادا شود
و صبر كوهيت در يمن كردان بلاد اعظم انان كوهي نيت و علم ان
حضرت صلي الله عليه له و بگوي فرمود دو ركعت نماز بكن اسمع بعد ان
ايه الملك بخون بعد از ان بگوي يا رحمن الدنيا والاخرة ورحمةها
تعطيني منها ما تشاء وتمنع منها ما تناء اقض عني ديني كد ريش ري
زوين طلا دين داشته باشي ادا شود و كسي حضرت امام جعفر صادق
عليه السلام تكايت فرود كرد بر چند مردم وادرم ووصول نشود فرمود
بگوي اللهم تحطه من خطاياك بقدر علي غراني في القضاء وبقدر
في القضاء انك على كل شيء قدير و هم از حضرت مرويت

وَتَحْفَافٍ بِأَفْزَاقٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَخَلَّاهُمُ اللَّامَةُ وَالْأَكْثَرُ مِنَ السَّمَاءِ
عَلَيْهَا فِي كُلِّ خَالٍ لَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لِيَأْتِيَ أَهْلُهَا وَهُوَ حَسْبِي وَهُمْ الرُّكْبُ الْقَلْبُ
وَالْمَالُ وَدُرُوفُهَا خَتَمٌ عَرَضِيٌّ كَمَا تَبَيَّنَ أَنَّهُ خَصْرَتِ صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْهِ
كَدَرِ عَمَانٍ غِيبَتْ خُصْرُ بَدَنِهِ أَنْدَكُ عَمَانِ بْنِ سَعِيدٍ عَمْرِي بِإِشْرَافِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ
بِأَحْسَنِ بَنِ رُوحٍ بِأَعْلَى بْنِ مُحَمَّدٍ بَاشَتْ مَسْئِلَتُهُ بَكْرِ بْنِ بَالَدَانَ بْنِ قَلْبِ بْنِ سَلَمٍ
عَلَيْكَ أَشْهُدُكَ وَأَعْلَى لَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَعْلَى لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهَذَا قُضِيَ
وَلَحَاقَتِي إِلَى مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَلَّمَهَا إِلَيْهِ فَأَمَّتِ الثَّمَنَةَ الْأَكْبَرُ عَبْدُ اللَّهِ
عَرِضَةً لِّمَفْكَدِكَ أَتَاهُ اللَّهُ بِأَوْرَدِهِ شَرُّهُ وَهَلْ زِلْزَلَتْ صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْهِ
مَرُوءِيَّتُكَ جَوْنُ خَوَاصِيهِ بِلَا طَلَبٍ وَحَاجَتِي كَيْفَ يَأْمُرُ بَارِقُهُ نَبِيٌّ أَوْ لِيَا قَلْبُ بْنُ بِلَادٍ
بِرِزَالِهِ نَبِيٌّ كَيْفَ يَسْمِعُ اللَّهُ خَوَاصِيَهُ إِنْ أَتَاهُ وَعَدَّ الصَّابِرِينَ الْخُرُوجَ فَمَا يَكُونُ
وَأَنْزَلَ فِيهِمْ حَيْثُ لَا يَحْتَبِرُونَ حَيْثُكَ اللَّهُ إِنَّمَا كُنْتُمْ الْقَلْبُ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ
وَلَا هُمْ يَخْشَوْنَ رَأْيِي كَوَيْدٍ بَعْدَ أَنْ تَكُونُ حَدِيثُ نَبِيِّكُمْ هَرُونَ بِلَا طَلَبٍ
نَفْسَتُمْ مَكْرًا لَكُمْ بِأَجَابِ مَقْرُونٍ وَكَلَامُهُ كَثُرَ **فصل** وَتَقَرُّوهُ
حَرُونَ خَوَافٍ وَمَكْرَهُ انْجِلُوا سَائِلِ بِيَارِ مَرُوءِيَّتِهِ أَهْلِيَّتِ أَطْهَارِ صَلَواتِ
اللَّهِ عَلَيْهِمْ بِأَجْبَدِ حَرْفٍ كَقَوْلِهِ بَاشَتْ أَتَاهُ دُرُكُكُمْ **فصل** وَتَكُونُ حَضْرَتُ
إِمَامِ جَعْفَرِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعْرُوفَةً أَنَّ كَرَامَتَهُ سُلْطَانُ مَطْلِبِهِ وَمِنْ أَتَيْتُهُ
وَأَمْرُ فَرِيدٍ جَوْنِ ارْتِخَادِهِ بِرُوحٍ قَلْبُهُ أَهْلُ ارْتِخَادِهِ رُوحَانِيَّتِ وَأَمْرُ
بِشْرُ رُوحَانِيَّتِهِ بِأَلَا مَرُوءِيَّتِهِ بِأَخْبَرَانٍ كَمَا دَلَّ دُرُوحَ صَارِيَّتِ بِرَأْيِ
أَسْطُطَانٍ وَبِشْطِطَانٍ وَفَرِيدِ مَرُوءِيَّتِ كَجَوْنِ بِلَا طَلَبٍ **فصل** مَلَأَتْ كَيْفَ كُنْتُ

مَرُوءِيَّتِهِ بِكَيْفَ كُنْتُ بَيْنَ عَيْنَيْكَ وَتَرَكْتُ خَتَمَ قَلْبِكَ وَبِاللَّهِ سَعِيدٌ
عَلَيْكَ اللَّهُمَّ أَكْفَيْهِ بِأَشَدِّ فَاكُهُ لَأَوَّلَةِ الْإِكْبِ وَجَوْنِ ارْتِغَابِ
إِيثَانِ مَرُوءِيَّتِهِ لَطْفَاتُ عَيْنِكَ بِأَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ حَسْبِي اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا
هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَجَوْنِ نَظَرِ إِيثَانِ فَرِيدِ
قَلْبِهِ اللَّهُ خَوْنُ وَبَادَتْ حَيْثُ كُنْتُ بِمَرُوءِيَّتِهِ كَمَا زِلْزَلَتْ بِرُوحِ الْإِكْبِ
مُخَوْنُ بَاشَتْ مَرُوءِيَّتِ كَيْفَ سُلْطَانُ بَقَا طَلَبِ حَضْرَتِ إِمَامِ
جَعْفَرِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدَرِيَّتِ إِمَامِ حَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرِيدِ
بَارِئَانِيَّةٍ كَمَا مَضَتْ خَوْنُ وَتَرَكْتُ حَضْرَتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ارْتِخَادِهِ
سُلْطَانِيَّتِي كُنْتُ دِيدَ كَيْفَ عَقُوبَتِ كَرْدِهِ بِرُوحِ الْمَدْرُودِ الْإِكْبِ
عَيْنُ بَاجِرِ مَسْأَلَتِهِ بَيْنَ حَادِثَيْنِ مَرُوءِيَّتِهِ **فصل** وَتَكُونُ حَضْرَتُ
إِمَامِ بْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرِيدِ أَرْتِخَادِهِ وَتَرَكْتُ جَوْنِ جَعْفَرِ
جَوْنِ إِيثَانِ كَلَامَاتِ بِكَيْفَ يَأْتِي بَاشَتْ بِأَشَدِّ بَارِقُهُ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ
إِلَى اللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَكَلِمَةُ رَسُولِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَسْلَمْتُ قُضِيَ
وَالْيَاكَ وَتَجَاهَتُ وَتَجَاهَتُ وَالْيَاكَ تَجَاهَتُ تَجَاهَتُ إِلَيْكَ فَرُغْتُ لَمْ يَكُنْ
اللَّهُمَّ أَحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَمِنْ بَيْنِي
وَمِنْ تَحْتِي وَمِنْ قُرْبِي وَمِنْ بَعْدِي وَمِنْ قُدْرِي وَأَقْوَ عَيْنِي بِجَوْنِ تَوَكَّلْتُ
فَاكُهُ لَأَوَّلَةِ الْإِكْبِ وَتَرَكْتُ حَضْرَتِ إِمَامِ حَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
فَرِيدِ كَرَامَتِهِ بِرُوحِ صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْهِ جَوْنِ إِيثَانِ دَعَا وَخَرَدَ وَهَبِ
لَشَرِّ حَمَلَةٍ بِكْرٍ مَكْرًا لَكُمْ مِنْهُمْ مَرُوءِيَّتِهِ وَتَرَكْتُ حَضْرَتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هَوَيْتُ رُغَاءَ الْكَرِيمِ وَهُوَ لِي مَقْصُودُ يَأْمَنُ رَجَاءُ عِيَادِهِ بِحَالِهِ شَدِيدُ
 يَأْمَنُ لَيْسَ بِلَا إِلَهٍ وَلَا مَوْلَا وَلَا يَأْمَنُ شَيْئُهُ وَمَشَلَهُ غَيْرُ عَجْزٍ يَأْمَنُ كَرَمُهُ
 فَضْلُهُ غَيْرُ عُدُوْدٍ يَأْمَنُ حَرُوسُ بَرِّهِ لَدَا نَامُ مَدُوْدٍ يَأْمَنُ لَا يُوَضَعُ رُغْيَا
 وَلَا تُفَرَّدُ يَأْمَنُ لَا يَحْرِي عَلَيْهِ حُرُوكُهُ وَلَا جُرْدُ يَأْمَنُ يَأْمَنُ بِأَسْمَاءِ رُغْدِ
 يَأْمَنُ الشَّيْخُ الْكَبِيرُ يَقُورِبُ لِبَاغَا فَرِ الذَّنْبِ دَاوُدُ يَأْمَنُ لَا يَخْلِفُ الرُّغْدُ
 وَيَقُورِبُ عَنِ الرُّغْدِ يَأْمَنُ رُغْدُ وَشَرِّهِ لِبَاغَا صَبْرُ مَدُوْدٍ يَأْمَنُ
 تَلْجَا كُلُّ مَقْصُودٍ يَأْمَنُ ذَاكَ كَلِّهِ جَمِيعُ خَلْقِهِ بِالشَّجَرِ يَأْمَنُ لَيْسَ
 عَنْ تَلْجِدِ وَجُودِهِ أَحَدٌ مَصْدُوْدُ يَأْمَنُ لَا يَجْعَلُ فِي حُلْمِهِ وَجَلْمُ عَنِ الظَّالِمِ
 الْعُسُودِ الرَّحْمَ عَيْدًا حَالًا كَلِّهِ يَأْمَنُ بِالْمُؤَدِّ قَالَتْ كَلَّا لَنَا رُغْدُ يَأْمَنُ
 بَارِدُ وَصَلْ عَلَى مُحَمَّدٍ خَيْرٌ مَبْعُوثٍ دَعَا إِلَى خَيْرٍ مَبْعُودٍ وَعَلَى الْإِلَهِاتِ
 الظَّالِمِينَ أَهْلُ الْكَلَامِ مَبْعُودٌ وَفَعَلَ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ لَا أَرْكُمُ الظَّالِمِينَ
 وَهَلْ أَنْتَ خَيْرٌ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرُوبِيتُ كَهْرِكُ يَأْمَنُ دَعَا بِلَا نَدَا
 مَلَائِكَةُ هُنَا لِحَاثٍ وَفِيهِ جَمْعُ شُرُودِ نَارٍ وَفِي بَابَاتِ فَوَائِدِ الزُّهْرَانِ
 وَبِكِي نَزَلَتْ بِيَانُ نَمُودٍ وَازْعَبْ دَاهِيَةَ سَلَامٍ مَرُوبِيتُ كَهْرِكُ بَعْضُ الرُّغْدِ
 أَيْنَ دَعَا كَهْرُ تَوْفِيْقِهِ مَدُودُ اسْتَأْنِيتُ كَهْرِكُ خَدَايَ تَعَالَى بَقِيَّتُ
 خُودِ بَيْنَ كَلِمَاتٍ دُرْدَلُشْ جَاوِدُ هَرُودُ وَدُرْدَلُشْ بَاوَرُ مَلَائِكَةُ بَاهَا
 دُرْدَلُشْ وَفُورُودُ نَارُ عُرُودُ وَخُشَانُ شُرُودُ وَانْعَادُ قَبْرِ وَفَنَةُ دَحَالِ
 وَفَرُودُ كَرُودُ وَفِي بَابَاتِ يَمُودُ كَرُودُ وَدُرْدَلُشْ كَهْرِكُ يَأْمَنُ وَفُورُودُ
 بَاشَدُ وَازْعَرُودُ وَخُرُودُ يَأْمَنُ وَجُورُودُ سَحَرُودُ وَدَلُشْ سَاكِنُ

وطمئن باشد وهر طلب که باین دعا سأل کند خداوند عطا فرماید
 ورضا بدین بکر بسیار که این رساله حوصله کرد آن نداده بآلله بآلله بآلله
 اَنْتَ الْمَرْبُوبُ مِنْكَ جَمِيعُ خَلْقِكَ يَا مُرَرِ الشَّوْكَ اَنْتَ الَّذِي لِحَبَبَتِ دُونَ
 خَلْقِكَ فَلَا يَمُودُ لَكَ مُرَرُكَ مُرَرُكَ بآلله بآلله بآلله اَنْتَ الَّذِي لِحَبَبَتِ دُونَ
 اَرْقَعَتِ قُوَّةَ عَيْنِكَ مِنْ قُوَّةِ عَيْنَايَكَ فَلَا يَصِفُ عَيْنُكَ أَحَدٌ مِنْ
 خَلْقِكَ يَا مُرَرِ الشَّوْكَ قَدْ اسْتَنَاءَ عَيْنُكَ اَهْلُ سَائِلَاتِ وَاسْتَنَاءَ عَيْنُكَ
 اَهْلُ الرِّضَاتِ بآلله بآلله بآلله اَنْتَ الَّذِي لِحَبَبَتِ دُونَكَ قَالَتْ اَنْتَ
 تَكُونُ لَكَ فَيَكُودُ وَتَعْقَلُ عَنْ اَنْ تَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ عَنْ اَنْ تَكُونُ
 لَكَ قَبْلَهُ بِجُودِ عَنْ اَنْ تَكُونُ لَكَ صِدْقًا قَالَتْ اَنْتَ الْحَمْدُ بِكُلِّ لِسَانٍ وَ
 اَنْتَ الْعَبْدُ فِي كُلِّ مَكَانٍ وَاسْتَأْنِيتُ لَكَ دُونَ فِي كُلِّ اَرَانٍ وَرِيَانٍ يَا مُرَرِ الشَّوْكَ
 كُلُّ مُرَرِ حَامِدٍ لِيُورِكَ يَا مَلِكُ كُلِّ مَلِكٍ يَقْبَلُ عَيْنُكَ يَا دَاهِيَةَ كُلِّ قَبِي
 بِمُورِكَ يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ اَرْحَمِي رَحْمَةً تُطْفِئُ لَهَا عَيْنُكَ
 وَتُخَفِّتُ لَهَا عَيْنُكَ وَتُرْفَعُ لَهَا سَاعِدَةٌ مِنْ عَيْنِكَ وَتُحَلِّيُ لَهَا ذَاكَ
 اَلْقِي نَسْمَةً يَأْمَنُ تِلْكَ مِنْ خَلْقِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَأْمَنُ اَنْتَ الْبَاقِي
 سَرَّ الْبَيْتِ يَأْمَنُ كَمْ يَأْخُذُ بِالْجُودِ وَكَدَّ جُنْدِكَ السَّيْرُ بِأَعْيُنِ الْعَيْنِ
 يَا حَسَنَ الْقَبْرِ يَا وَاسِعَ السَّعِيرِ يَا بَاسِطَ الْبَيْتِ يَا رَحِيمَ الْبَاقِي
 كُلِّ جُودٍ يَأْمَنُ كُلِّ فَكْرٍ يَأْمَنُ كُلِّ كَبْرِيَةٍ يَأْمَنُ كُلِّ الْعُسُودِ الْكَرِيمِ
 الْقَبْرِ يَأْمَنُ كُلِّ مَلِكٍ يَأْمَنُ كُلِّ مَلِكٍ يَأْمَنُ كُلِّ مَلِكٍ يَأْمَنُ كُلِّ مَلِكٍ
 يَا اَمْلَاهُ يَا غَايَةَ رُغْبَاهُ اَسْأَلُكَ بِكَ وَبِحَبْلِ عِلْمِي وَفِي طَهْرَةِ وَطْنِي

وَالْحَسَنَ وَعَلِيَّ وَجَعْفَرَ وَرُسَيْنَ وَعِيسَى وَعِزَّةً وَعَلِيَّ وَنَحْسَةً
الْقِيَامِ اَنْ تَصِلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَالْمُحَمَّدُ مَا اَلَهُ يَا اَلَهَ اَنْ لَا تَقُو
خَلْقِي فِي النَّارِ وَ اَنْ تَقْرُبَ لِي رَحْمَتُكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ اَنْ تَقْبَلَنِي بِرَحْمَتِكَ
وَالْآخِرَةَ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ صَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِهِ وَ هَمَّ اَنْ تَحْضُرَ
صَلَاتِي عَبْدُ اَلِهَ وَ سَلَّمَ رُبِّكَ كَهْرَمَانٍ دَعَا اَبْرَهْمَ طَلِبَ مُحَمَّدًا وَ اَنْ اَلَهُ هَاجَرَ
بِرَاوِرِهِ نُوْرٍ وَ اَلِ اَكْرَمَ شَيْءٍ جَمْعُهُ خَيْرٌ مِنْ دِيَارٍ اَوْ خَدَايَ يَخْلُجُ كَمَا مَنَّا بِكَ
كَمَا يَمْرُؤُ وَ اَلِ اَكْرَمَ لَطَافٍ جَابِرٍ وَ دُوْشٍ اِنْ اَنْدَكَ اَسْلَمَ نُوْرُ مُحَمَّدٍ وَ خَدَايَ يَخْلُجُ
سَلْطَانُ اِيَّاوُ شَفِيقٍ وَ مَهْرَبَانٍ كُوْدَانِ اَشَاءَ اللهُ اَللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ يَا سَيِّدَ الْخَلْقِ
بَشَاعَ نُوْرٍ عَنْ نَوَاطِرِ خَلْقِي يَا مَنْ قَسَمَ بِالْجَلَالِ وَ الْكِبَرِيَّاءِ فِي نَفْسِهِ وَ مُحَمَّدٍ
يَا مَنْ اَفْكَدَتْ اَلْخَوَارِجُ بَارِئَتَهَا طَوْعًا اَوْ كَرْهًا يَا مَنْ قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَ اَلْاَرْضُ
مُجِيبَاتٍ لِرُغْمَتِهِ يَا مَنْ رَزَقَ السَّمَاءَ بِالسَّحَابِ اَلْغَايَةَ وَ جَعَلَ اَلْهَادِيَةَ لِحُجَّتِهِ
يَا مَنْ اَقَامَ الْقَمَرَ الْمُبِينُ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ اَلْمُظْلِمِ بِلُطْفِهِ يَا مَنْ اَقَامَ النَّمْلَ
الْمُبِينُ وَ جَعَلَ اِيَّاهُ مَعَاكِلَ اَلْخَلْقِ وَ جَعَلَ اِيَّاهُ مَعْرِفَةً بَيْنَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ
بِعَظَمَتِهِ يَا مَنْ اَسْتَجَابَ لَشَوْكٍ كَثِيرٍ بِحَابٍ جَدِيدٍ اَسْأَلُكَ بِعَاقِدِ الْوَرْدَيْنِ
عَرْنَتِكَ وَ مَنَتِي اَلرَّحْمَةَ مِنْ كَيْفَايِكَ وَ بِكُلِّ اَنْتِمُ هُوَ لَكَ سَمَّيْتُ بِهِ فَتَكُنْ
اَوْ اَسْمَاؤُكَ بِهِ فِي عِلْمِ الْعَلِيِّ عِنْدَكَ وَ كُلِّ اَنْتِمُ لَكَ اَنْزَلْتُكَ فِي كِتَابِكَ
وَ اَنْتَبَهْتُ فِي فُكْرٍ اَلصَّافِيْنَ اَلْحَقَّ اَنْتُمْ حَوْلَ عَرْنَتِكَ فَزَجَّجْتَ اَلْقُرْبَانَ اِلَى
الصُّدُورِ عَنْ اَلْبَيَانِ بِاَخْلَاصٍ اَوْ بِخِدَائَةٍ وَ تَحْقِيقٍ اَوْ بِاِيْتِهِ مَعَهُ اَوْ بِاَلْبُيُوتِ
وَ اَذَلِكَ اَنْتَ اللهُ اَنْتَ اللهُ اَنْتَ اللهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ وَ اَسْأَلُكَ بِاَسْمَائِكَ

اَللَّهُمَّ اَلْحَسَنَ عَلَيَّ اَلْحَسَنَ اَلْعَظِيمَ قَلْبًا بَلَدًا شِعَاعَ نُوْرٍ مُجِيبٍ بِهَا اَلْعَظِيمَ
عَرْنَتِ الْجِبَالِ مُتَدَلِّكَ لِعَظَمَتِكَ قَلَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ قَلَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ
قَلَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ وَ اَسْأَلُكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِرَحْمَتِكَ وَ اَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ
بِقَطْرِ اَلْمَاءِ وَ بِرَحْمَتِكَ فِي عَرْنَتِ اَلْمَيْمَنِ شَرَاتِ رِيَاثَةِ الْعُيُوبِ اَسْأَلُكَ
بِعَرْنَةِ ذَلِكَ اَلْاَنْثِمُ اَنْ تَقْبَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَالْمُحَمَّدُ وَ اَنْ تَحْضُرَ عَنِّي جَمِيعَ
اَلْاَلَاءِ وَ اَلْعَاقِبَاتِ وَ اَلْاَعْرَاضِ وَ اَلْاَخْرَاضِ وَ اَلْاَحْطَا بَا وَ اَلْذُرِّيَّةِ لَكَ
وَ اَلْقُرْبِ وَ اَلْكَفَرِ وَ اَلْقَطَافِ وَ اَلْقُتَافِ وَ اَلْقُدَالِ وَ اَلْجَعْلِ وَ اَلْقَتِ
وَ اَلْعَصَبِ وَ اَلْعَرِ وَ اَلْعَبْقِ وَ قَلَا وَ اَلْعَبْرِ وَ حُلُولِ النِّفْسِ وَ مَنَاقَةِ الْكَلْبِ
وَ عِلَّةِ الرِّجَالِ اَنْ تَكُنْ سَمِيعَ اَلْذَمِّ اَلْعَظِيمِ لِيَا بَا اَرْحَمَ رَحِمَةٍ صَلَّى اللهُ
عَلَيْهِ اَلْمَرْوِيَّةِ كَهْرَمَانٍ اَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَاكِتَ اَلْبَاحْثِ وَ مَحْشُورِ كَرْدِ
وَ اَتَحَضَّرُ شَيْعَتَهُ بِاَسْمَاءِ وَ خَدَايَ كَثِيرَةً فَرَجَ دَعَا وَ دُوْشٍ اِنْ اَدَاكَ
كَارِثُ اَسَانِ كَرْدَانِ وَ بَرَاهِ رَاسْتِ اَسْمَاءِ فَرَايِدِ وَ بَرَاهِ اَسْمَاءِ فَرَجَ دَعَا
هَنَكِ شَرِّكَ وَ اِيَّاهُ اَسْمَاءِ شَرِّكَ صَدْرُكَ نَمَائِدِ وَ دُرُوقُكَ بِرُوقِ رَفْتِ
رُوحِ شَهَادَتِ لَالِ اَلَهَ اَلَا اَللهُ تَقْلِيْقُ لَكُنْ وَ اِيْنِ عَاكِتَ اَلْبَاحْثِ اَسْمَاءِ فَرَايِدِ
وَهَرِ كَرْدَانِ اَسْمَاءِ اَلْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَاكِتَ اَلْبَاحْثِ وَ مَحْشُورِ كَرْدِ وَ مَحْشُورِ
هَرِ كَرْدَانِ اَسْمَاءِ اَلْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَاكِتَ اَلْبَاحْثِ وَ مَحْشُورِ كَرْدِ وَ مَحْشُورِ
عَلَامِ اَسْمَاءِ اَلْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَاكِتَ اَلْبَاحْثِ وَ مَحْشُورِ كَرْدِ وَ مَحْشُورِ
عَلَامِ اَسْمَاءِ اَلْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَاكِتَ اَلْبَاحْثِ وَ مَحْشُورِ كَرْدِ وَ مَحْشُورِ
وَ اَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَ اَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَ اَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَ اَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ

جَلَّتْ

امير المؤمنين صلوات الله عليه وبيته كبره الغيبة وقوت من خزانة وفروقه
 كهر كبره من النيران جنان سكره وعزوه بدو جبين واحد من اهرار
 بنو كبره انداخته با شد اللهم صل على محمد وال محمد وال محمد وال محمد
 وسجنهم ما وطأ عوقبهم ما وفكهم ما وابنتهم ما الذين خالفوا امرك واكفرك
 وعينك ومحمد العالمك وعصيانك وقلبا ديتك وخرقا
 كتابك واحبا اعداك ومحمد الامك وعظما املاكك وابطالا
 قرايتك والحق في ايمانك وعاديا اوليا نك والينا اعداك كبريا
 يلاذك وانك اعداك اللهم العنهم اعداءنا واوليائهم اعدائهم
 ويحجهم فقد اخبرنا ببيت النبوة وردنا بابه ونقصا سقفه والحقا
 سماه بارئته وغالبه بساطه بظاهرين باطنه وانما صلا الله
 وآبانا الصلوات وقدا اطفاه واخليا مبصره من وجهه ووارث
 عليه ومحمد الامامة واشركا بينهما فاعظم ذنبهما وخطيئتهما في سقر
 ولما ادركت ما سقر لا يفر ولا تدرك اللهم العنهم بعد كل منكر
 اقن وحق الحق ومبصر عكوف ومؤمن رجوت وسافين وكوف وولي افو
 وحكيم اوف وصاحب حر دوه وكافر يصفوه وامايم مهره وقوس
 غيروه واثر انكوفه وعين اوفه ودم اوفه وخبر بد لك وكفر
 نقبوا وارث عصبوه وقوف افعطوه وسحبوا كلن وسحبوا
 وباطل السق وجوب يسطون ونفا في استوفه وعند راضيه وقول
 نكرو ونعمد خلقوه وانان خائف ونعمد نقضوا وحلال الحرف

وحرام احوه ويطير نقض وقصص وقصص وقصص وقصص وقصص
 وعين اوله ولبس اعزوه وحق مشعوه وكذب كس وحق قلب
 اللهم العنهم بكل ما يخرقها وبقضه تركها وبقضه تركها
 مشعوه واحكام عطلوها وبعده نكروها وعزوه عطلوها
 انكروها وحيلة احدثوها وخبايا اوردوها وعقبه ارفوها
 وديار خمر جرها وانباي لزموها وادب كتموها ووصيت
 مشعوه اللهم العنهما في كسر النير وظاهر العلانية لعنا
 كسر ابدا دائما سدا لا انقطاع لا مدي ولا فساد ليعده لعنا
 بعدوا اوله ولا يروح اخبرهم ولا على انهم وانصارهم ويحجهم
 وسواهم والسلب لهم والنايلين اليهم والناحيين اليهم
 والكفيت يمين يكلامهم والنصديقت احكامهم بعد ان اجهار
 مرتب جودا اللهم عذبهم عذابا شديدا من اهل النار ومن بارئ
 العالمين **باب عجم** در ادب عادات ومجاري
 احوال وما يجر نيات وسواخ افعال وابن مجموع انشاء الله در
 فصل بيان شرف **فصل اول** در انواع لباس ادا بپوشیدن ان
 مروت اهل بيت طاهرين عليه السلام كهندى فعال جميل است
 در جمال را چون بكني نعمتي عطا فرمايد دوستي رد كه انا را نشن
 از نظا هر باشد پس اگر اندها را انا را نشن كند شكوان كذا رده بود و اگر
 نه كزان كرده باشد و بغيرين لباسها بپوشيد كه لباس حضرت پيغمبر اهل

هضبت

مبت است صلوات الله عليهم وهر لباسی که بر خنجر و قاضی و قاضی باشد
بدرین لباسها افکند چوبی که بر عیون و روی و دست که حضرت امام زین العابدین
علیه السلام جامهای فخر پوشید از خانه بیرون رفت بخود گذشت بر سر
فرموده از بدن بیرون کرده جایزه بگوشید و فرمود که باین درختها
عاقبت الحسین بنورم و هاج حضرت علیه السلام فرمود چون بدن جامه نازک
پوشد گشود و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روایت که جامه بر تن
و حضرت پوشد روز قیامت خدای تعالی جامه از آنش دوپوشاند و در هم
قرین قارون باشد از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت که کشتی
در لباس کلام است فرمود اینک چون جامه بپوشی خوشی که مردم بپوشند
و لباس طلا و حریر بر در آن حرام است و هر کس در دنیا خرید پوشد در آخرت
از آن محروم باشد بنجی صلوات الله علیه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و اللهما
الظاهرین فرمود چوبی که خدای تعالی روز قیامت بدست را با آن بر آید
و بهتر آن که ماد و لباس خدایت و سیاه لباس بی اعتبار است و سیاه و هر
لباسی که است که در عبا و موزه و در روایت دیگر عمامه و زوار و در
لباس خنجر است و فرمود لباس شیطان و معصوم لباس اهل بیت علیه السلام
و کفش زرد لباس نبی است علیه السلام چشم لغوت دهد و دیگر بپوشد و بر
چرخ کشته شود و قوت با اوست دهد و کفش خنجر نوزده نشد باشد
که خدا تعالی بپایان مالی عطا فرماید و کفش سیاه لباس شیطان است و چشم
کند و صورت غم باشد و سیاه تر صورت کند و اهل لباس نازک نشاید

که نوزاد

که نوزاد بپوشد با آن ناز کند و مرویت پاک نباشد و کسی که در آن
انگشت آهن باشد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که
سرخ و زرد و سفید و سکه و در اینست عقیق مشرق است بر خانه حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سفید بر خانه امیر المؤمنین علیه السلام و زرد بر خانه
فاطمه علیها السلام و خدای تعالی و سجده و تقدیس می کنند و بر او
اهل بیت علیه السلام استغفار می کنند هر کس که نیت بیان که یکی از اهل انکسار
کند خنجر و خنجر و وسعت روزی و سلامت از جمیع انواع بلا بپوشد
و امانت از سلطان و از جمیع کار و مخاوف و دفع پریشانی کند
و عاقبت نایل گردد و هیچ دستی به عا بر آید نشود و در شهر پیش خدا از
دستی که با انگشت عقیق بر آید و حاجات با حاجت مقرون باشد
و خدای تعالی نظر بر زمین انگند و از نوزاد خورشید عقیق فریب
فرمود قسم بذات خودم که عذاب نکند دستی را که با ولایت علی انگشت عقیق
داشته باشد و روایت دیگر آمده که چون خدای تعالی کارها را از
ولایت علی علیه السلام بر ایشان عرض فرمود اول عقیق و با وقت قبول
کردند پس ایشان افضل و شرف عطا فرمود و روایت دیگر آمده که عقیق
سرخ اول کوهیت که اقرار بر خدایت خدا و نبوت حضرت پیغمبر است
امیر المؤمنین و اولاد طاهرین صلوات الله عليهم و بهر نیت برای شیعیان
و جبهه برای اعدای ایشان نموده و در وقت نماز با عقیق بر آید
بافزار رکعت و کسی که محمد بنی الله و علی بنی الله بر عقیق نقش کرده است

کند از دینار و در مکه بر فطرت ایمان و جمعی را در سفر حرامی زده بود بخت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله لعنه الله علیه شکایت نمودند فرمود بابت انکسرتین
با خود دارید که امانت از جمیع مکان و حدیث دیگر نزد یک یارین فصل
حرز و تقوی کند و یکی از مردان امام علی علیه السلام
گوید رفتم بخدمت آنحضرت که برای بارت امام رضا علیه السلام خواست
شوم فرمود انکسرتین نزد با خود در دار که بر یک رویش مانده الله
تبارک و تعالی استغفر الله و بر روی دیگرش محمد و علی نقی باشد که
امانت از راه ردن و بجهت حفظ دین بهتر برای ملاقات تمام است
و انکسرتین بگوید نزد برادر بیک رویش الله الملك و بر روی دیگرش الملك
الرحمن الله باشد که امانت از سباع و طفلیت در چهار و چون
از دنیا بود بگوید عیسی سر راه را گرفته و اقله را منع کند و عیسی بنی خاتم را
با و بنمای بگوید که سولای من می گوید که از راه ما کنار رو پس هر دو انکسرتین
چنانکه فرموده بود برداشتم و حکایت چنانکه فرموده بود گذشت چون
از زیارت مراجعت نمودم بخدمت آنحضرت رفتم حکایت واقعه فرمودم
بلکه حکایت دیگر مانده گفتیم ای محمد سوش کرده باشم فرمود علی بنی پیش
قبول شد آنحضرت فرمود بگوید که جماعت است چون زیارت آمده بود
چون انکسرتین از دست دیدن پروت کرده باشند و این نام بیاری
داشتند و اندک شفا یافت انکسرتین در دست راست تو بود در چپ کردند
تو چون پیدار شدی بگوید یا کردی و بیشتر از این تو در پیش دیار

یا قون با قی که الحال با خود داری هدیه این است برای تو آورده اند از
بیازار برده و بهشت دنیا را ملا میفرشی بی از لجان قیمت فروشم
و آنحضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده بود دوست دارم که
مانع انکسرتین از این باشد یا قون برای زینت و دفع فقر و عیب و کمال اخلاص خود
با خود و با مادران پیش است و فرمود که من نشان از خوش اید و محتاج نشود
دستی که فرموده در آن باشد و چشم و دل را قوت دهد و خدای تعالی شرم
دارد که کند دستی را که با فرموده بدعا بخیزد و حدیثی همیشه
در دست بختند بلکه با خود دارند که کشان جنت و این دو رو کند چون
نظامان و انکسرتین ملاقات کنند در دست کنند که ترا نشان از دفع کینه و
اشرف که کشان انکسرتین که نظر که بر آن کند بخی باشد که فراموش نشود
انیا و صلحا بود و اگر در بیت رحمت خدا بی شعیان می بود که می خواهد انبیا
و فرستاده الله و باشد شریف از ایشان می کرد که هیچ زبان و فاکند و
مرویت که جری بمالی که فارسیان سلیمان گویند شیخ و استغفار کند
قوانش برای صاحبش باشد و در رکعت نماز با این برای است با هفتاد و نمان
پوشیدن جامه مرویت از اهل بیت طاهرین علیهم
السلام که در جامه کنند و پوشیدن و هر کس از بیستم که بگوید یا قون یا قون
و هر کس جامه نو بپوشد وضو کند و در رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد لله
اکبر و قل هو الله و اما انزلناه بنحو الله و بگوید الحمد لله الذي كساني هذا
و عورتي و اجمع لي في الناس و حولي بسیار بگوید در آن جامه نصبت

و در آشنای طعام خوردن بسیار کند و باری لغو و باد و بکند که هر یک طعام بد
 قیامت شهادت دهد و طعام بسیار گرم نباشد که بی برکت بود و سلطان شریف
 و در طعام نه بکند که برکتش برود و سوزش است و در طعام را در بر و صحت
 و بر وضع بخور و پخت نباید کرد و اسفند را از گوشت بسیار نباید کرد که فساد است
 و مر ویت که هر یک چنین کند و غلظت از آن او را از شر چیزی که شر و چون جمیع
 باشند اگر کسی زود تر بخورد دست نخورد که مباح است و فاجع شود و گرسنه مانند
 و هر که با بر بلبل است که مثل آن از فساد کند و هر که از کتاف ابله خدای
 گفتن باید باری که فایده خوردن و زبانی نان و طعام که از خوان و کتاف
 امانت از خون و جدام و بر ص و صفر و خون و دوا و عسل و هر چه از این است
 و اولاد بسیار و فقر کردن از و و از و ولد و ولدش تا هفت پشت تا اولاد
 و در بر و ن خان باشد و زهای خوان را نباید برداشت هر چند بسیار باشد
 که مضرب طبع و حیوانات و هر که پاره نانی از سر راه بردارد و بخورد و مضرب
 حسنه باشد اگر از میان نجات بر دارد و بشوید و کناری گذارد و هفتاد
 بود و اگر بخورد بهشت او را واجب شود و هر که پاره نانی یا خرما یا بکدو غلظت از آنها
 هر چه باشد اندامه پسند بخورد و هنوز از شکمش بیرون نرفته باشد که کتاف
 از زنده و بهشت او را واجب شود و چون از طعام فارغ شود بگوید الحمد لله
 الذي أطعنا في خافيت وسقانا في ظمائنا وكفانا في غائبات
 وهذا نافي جبالين وحملنا في الجليل وكافانا في ضاحين وكننا
 في غائبين وقصصنا على كثير من النملين وهرس بعد ان طعام كوفنا

خال

الذي أطعني فيه ونزقني به من غيري عزلي في ولائني كفانا شفتا باشد
 و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله شربت اول فرمود می گفتی اللهم بارك لنا و زفنا
 من و چون ماهی تاول فرمود می گفتی اللهم بارك لنا في كبدنا و خيرا من و
 خرا و بردارد بگوید اللهم لنملي الله رب العالمين اللهم جعلا لنا غنة شكوى و
 صاحب طعام را دعا کند و بگوید اللهم بارك لنا في قلوبنا و قلوبهم و اغفر لهم و انهم
 اللهم انهم من أطعني فليس من تغاني و بعد از طعام تا از جری بالیت
 که اگر چربی در دست بماند و بخورد از کرم و لجنه بیرون رود و چون بعد از طعام
 دست بشوید دست بر آید و با لدم و صبر و بگوید الحمد لله المحسن
 للجميل المتعفف الغفيل از مردم چشم نمیزد و در دست بر و با لدم و صبر
 زایل کند و بسیار می رزق شود و چون دست بر و با لدم و صبر و بگوید الحمد لله
 الذي خلانا و أطعنا و تقانا و كلنا بلاء و ضاح و لا ناكس و نون
 جود و چشم گذرد و بگوید اللهم كما استغنا أو كما في غائبات
 فاننا آخرها في غائبات و غير بگوید اللهم بارك لنا في هديتنا و بارك
 لنا في ضاعتنا و بارك لنا في مديتنا و چون تاول کند بگوید اللهم
 أطعني أو كما في أطعني آخرها و بارك فيهما و مستحب است که آنرا
 بگویند بچهره اطفال دهد و مر ویت که میوه را بشوید که میوه نهی
 بر دارد و بعد از طعام که در سینه و سینه سینه سینه و سینه و سینه است
 چون شربت بر و دندان را بچشم کند و بسیار میوه روزی باشد و لا یدک
 از چاقی بپزد نباید از طعام که در زیر دندان مانده و بدو شود باشد

و چون

و حضرت عیسی علیه السلام فرمود که خدای تعالی بخت کند به هر کس در حق
و طعام خلل کند از امت من و ملک من از آسمان دعا کند که اللهم بارئ فی
و الخلق لیس خلل الین انانند که سرکه در خمر دارند و متخللین انانند که خلل
کند و هر چه با خلل از دندان بیرون آید باید انداخت و اگر با زبان
جدا شود فرو برند و با چوب ریختن و افار خلل نکند که عرق جناب را
بجگر کشد و کسی که باقی خلل کند هفت روز دعایش مستجاب شود **فصل**
چهارم در فضایل بعضی انواع ماکولات مرویت از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که ما و شیعیان از خلل و مخلوق کثیر ایم اذان است که خلل
دوست داریم و غیر مرویت که مؤمن لذت و غیرین است لذت و غیرین را که
و مرویت که نیکوتر است و است و هیچ قدرت و مرویت و عمل و ای هر که است
و هیچ ضرر و کدنا تا قدر استعمال آن در احادیث بیان نکند و آنکه است
و ما هر یک که در مثل آن وارد شده اند آنکه هر روز و هر وقت در هر حال که خورند
خورند توقع شفا داشته باشند و غیر مرویت که عمل که بزرگ باشد
و بیوش عطره او یا طهرش در زایقه تند و کزنده باشد ستم فائز است و غیر آن
نافع و دوات و مرویت که ما اهل بیت حرم ما دوست داریم و شیعیان
ما از طبیعت ما مخلوقند خرم ما دوست دارند و اعدای ما از طبیعت
آتش مخلوقند مسکروست دارند و غیر مرویت که اگر ام کیند عمره خود خلل
که از بقیه طبیعت آدم مخلوق کشته و هر کس هر روز هفت و نه سجده کند و نیت
انغمز ما بنشیند تا بخورد و در آن روز از سحر و هر شیطان این باشد و اگر

وقت خرابیدن بخورد و کم معدن را بکشد و مرویت که اگر ام کند
ناز که خدای تعالی بر کات سعادت را برای او ازال فرموده و دیگر
ارض را بیرون آورده از عرش تا عرض در آن عمل نموده و از جمله آن
است که با کار و تیرید و زیر پا نکند او را و چون بر سقر حاضر شود
چیزی دیگر نفرمایند و زیر می بکنند مرویت که دانیال علیه السلام
بکشتی یابی نانی داد که او را در کشتی نشاند ناند او را انداخت و گفت
این را بچکم این در پیش ما در زیر پا افتاده است دانیال علیه السلام
بر داشته گفت خدایا دیدی که ما را چه کرد و چه گفت نازا اگر ام فرما
بر خدای تعالی فرمود که باریان از آسمان نیامد و گیاه از زمین نرفت
و قحط شایع گشت فلجی که روزی زنی باو بگری گفت بیا تا امر فرماید
ما را با هم بخوریم و فرمودند و فرمودند آن طفل را با هم خوردند و روز و بگو
طفل دیگر بخورد و فرمودند و فرمودند و فرمودند و فرمودند و فرمودند و فرمودند
شما با پنجاه سید و پنج ساله و کجدا با کودکان و بکننا هاند بکننا کشتی بان
مواخذ کن و برایشان رحم کن پس باریان آمد و قحط را ایل گشت و از این
علیه السلام مرویت که فضلان جو بریا را تا هاشم مات بریا ناس
و دای هر علت است صاحب را هیچ چیز نافه از زمان پنج منبت و زیادت
بسیار آمده که اهل بیت کشت بسیار تا اول کینم و بسیار دوست داریم و دوست
داریم کسی که گوشت را دوست دارد بت طعام ما گوشت در دنیا و آخرت
و هر کس پهل روز گوشت بخورد بد خلق شود پس در گوشتش اذان باید گفت و

و ناول گفته باز آوردن است
چون بعضی شیعیان از این

هر سه روز گوشت خورده و يك روز دو مرتبه نبا بخورد و بهتر است گوشتها را
گوشتند است و مرغ است كه اگر بخت از آن برود خداي تعالی آنرا برای تعبیل ^{شاید}
و گوشت كبك ببلع كند و بهترين اعضاي حيوان اعالي بدن است مذهبين
اعضا كه بوضع بول نزديك است و بتلطعام گوشت و برنج است بواسطه قطع
و مريض نافع بود و هر سه مانند است كه حضرت بنو صلي الله عليه و آله و سلم
گشت و چهار روز قرق عبادت از آن و عدول و دفع كند و اشك روايت كند
و با قلا و صافين با قوت دهد و خون صالح از آن قلد كند و بهتر و كذا
هر يك تنها خور كند و با هم نافع باشد و روايت ديكر آمده كه بزرگ در روز خورند
و شايع باشد و آنحضرت امام جعفر صادق عليه السلام رويت كرده كه هر چه
لقمه پزيرين را خوش طعم و خوش بو كند و طعام خضم نمايد و اشها ارد
و رويت كه هر كس اول ماه ببا بخورد اميد هست كه در آن ماه دعايش
رد نشود و خريزه ايش رحمت و شيرينش راحت و يك لقمه از آن هفتاد
خسته شست شود و هفتاد هزار ستمه محو كند و دونا نشا ببا بخورد كه حبيب
فالج است و انكورد رانق اذ ميوه هاي بهشت است و انكورد ببا غمزايل كند
و هر كس هر روز با نشا پست مي كند نه ميوه سرخ بخورد و انجبه از اين
كه در مكره رض الموت و مرغ است كه خداي تعالی صد و پست نوع ميوه
بشما داده و سيد عالم ناز است و فرزند را بگو كند و اگر كرسنه بخورد ببا
شود و اگر بزرگ طعام بخورد خضم كند و در هزار ناز دانه بهشت است و اين
جهت انار را كه آنها و تمام بايد خورده تا دانه بهشت فرو نشود و هر كس يك

انار تا بخورد خداي تعالی چهل روز نشت يافتا از او و كند و اگر
دو انار بخورد صد روز و اگر سه انار بخورد يك سال و هر كس يك ^{شيطان}
از او دور شود كناه نكند و هر كس كناه نكند به بهشت رود و روايت ديكر
آمده كه هر كس يك دانه انار بخورد در آن روزاني كند و چهل روز شيطان
و سوسه بجا نكند و هر چه دانه انار داخل شکم مونس نشود مگر آنكه
دوای چهل گوشت باشد و سبب سحر و جادو و ساير عوارض و لغم و با
و عاف و نيك دني كند و حضرت امام جعفر صادق عليه السلام فرمود
ما اهل بيت پياران خود را بسبب يك سر مدواي كيم شما اين پياران خود را
سبب بدديد كه هر چه خور تا از آن نيك راوي كند اهل بيت مرده بپاريد
اين از سبب دادم رحمت يافتند و خوردن سبب نيك ناست بعد از قوت هيد
و هر جانور از هر چه نافع تر از او سبب نيك كيا شاست و اناسيدن از او سبب
در عافين رحمت شد و بعد و در لقوت دهد و نيك و در صاف
كند و ببا دانه را دانه كند و فرزند را بجيل كند خصوصاً اگر ناشا ببا
بخورد و غم ببرد و حجاب نكند انكشت عرق پشاني را با يك كند و دل چشم بجا
و عقل را بيقاريد و محبت در دل نيا كند و هر كس يك بخورد خداي تعالی
چهل روز نشت با نشا ببا بجا كند و اگر سه روز نشت بخورد و
صفا يابد و دل از علم و عقل مملو گردد و از كيد بلي و جودش محفوظ
گردد و امر و در لقوت دهد و بعد از دانه نيك كند و در دواي اين روايت
ديكر در بر طعام ناز است و ديكر يبرد و انجبه بزرگ سوسه است ^{طشت}

چند

و برای غفر قلع کند و روی مهر برید و استخوان محکم کرد و در غفر قلع باشد
 و محتاج هیچ دوا نباشد و کدو مانع را قوت دهد و عمل زیاد کرد و خضر ^{تندر}
 صلی الله علیه و آله چون در خانه اش طعام بخشد و می خوردی تا که در آن بسیار کند
 بر کافره و می رود و بر آن عرق خدام را قطع کند و بر سبام را هیچ چیز قطع
 نبود و این صبح آن احتیاط باید نمود که هیچ سر و کلاه نگذارد اما است از قلع و کلاه
 و در سبام است معین باشد و باید بخان اما است از قلع و کلاه مانع بود و الحی
 در آن نباشد و در سبام و کلاه بر و جان را ساقی باشد و بیان بلغم می رود و در ^{تندر}
 کند و در هر شیء که در اند و عقل بر آید و اعصاب محکم سازد و جماعت را
 اعانت کند و گوشت دندان محکم کرد و در مر و بیت که چون داخل بلدی
 شود از زبان آن بجز یک چیز از دهان را نافع است و بکند ناست بندها
 هر روز هفت قطره از پشت بر آن می ریزد و برای قطع کند و در هر شیء که در اند
 و باید هفت کند و اما است از خدام که می آید که با آن مداوت نماید و چون سوز
 بجز ناست بندها نافع باشد و کانی بندها هر روز قطره از پشت بر آن می ریزد
 پس باید از ایشان در و شستن و بر می حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
 اولاد که بسیار کن و مر و بیت که فضل آن بر سایر بندها فضل است بسیار
 نافع و این از علل است و هر که وقت خوابیدن هفت بر آن از آن بخورد از اهل
 بهشت شود و سبب است که اگر ختم کلسی را بکارند بعد از آن دو مرتبه شستن
 کند لطیف تر شود و با هیچ در و ج که بفارسی یا در غیبی که در غایت
 امیر المؤمنین علیه السلام اهل بیت توفیق خوان بآن نمایند و اما است

اندر

انجام و هر علقی و حضرت امام علی علیه السلام و اهل فرموده دور دارم که
 پیش از طعام از آن بخورم که سنگ بکشد و اشتها آورد و سل برید و چون
 پیش از طعام بخورم بعد از آن هر چه بخورم بر و ایکنم و اگر بعد از طعام ^{تندر}
 هضم طعام کند و دفع ثقل نماید و بر روی خورش کند و برک ترب
 طعام هضم کند و باها دفع کند و برل براند و بخش بلغم قطع کند و کسی
 که در شب جگر بخورد که بفارسی می نوزد برک گویند از خدام و بر این
 نباشد و قاعدت و جگر الحی ساخته شد که کوفت بر و یاند و استخوان
 کند و بر و بر و بر و بلغم و صفرا قطع کند و هفتاد و نوح بلاد دفع نماید و
 اگر بعد از طعام بخورند معین هم باشد و در و ایکنم که مردان قاعدت
 باشد که بخورد که ایشان از مضرت باشد و اگر کوفت مر و بر با آب بنویزند بعد از آن
 بقدح دیگر ریخته می رود و تریساق و قدم کند و کسی که بر می سبام
 مبتلا است حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود قاعدت و قاعدت
 تشنگی نباشد و معده قوت دهد و همچنان خون را که در اند و ^{تندر}
 اندون نباشد و دوا هفتاد و علت بود و مر و بیت که زین را حیض
 کرده بود تا آنکه مشرف بموت شده بود حضرت امام محمد باقر علیه السلام
 و نود و قاعدت و عدس شامید صحت یافت و کسی که ختم مرغ مداوت
 نماید اولادش بسیار شود و ماهی بسیار خوردن بداند اگر کند و اگر کسی
 ماهی بخورد و بر آن چند دانچه یا با عسل بخورد و بیم فالح بود و بر و جگر
 هر که که داخل بدن شود و آنقدر کوفت بیرون کند و در و جگر

مهمانی وارد شده در شب خوراک که قبل از فراغ رادستی نزد حضرت می فرستند و خود نیز آن کت و فرمود ما اهل بیت مهمانان خود نیستیم و اگر چه در آن کت چون مهمان داخل شود و زاورون خوراک و لباس او را می دهند و چون بیرون رود می کنند و از جمله اگر مهمان اینست که خلال آب می پاشند و او را در طعام خود در رفاقت باید نمود و تا او دست نکند و تا او دست نکند دست نباید کشید و اگر مهمان خود را نداده شود برایش تکلیف نیاید که بلکه هر چه در خانه باشد اکتفا باید نمود و اگر دعوت کرده باشند تکلیفی که مقدور باشد باید کرد و مریت که معلوم نیست که کدام عجب باشد مهمانی که میزبان را بر تکلیف دارد و اگر میزبان که با مهمان تکلیف کند و میترسد و نیست که هلاک شود میزبانی که آن خود خانه دارد برای مهمان حقیر شمار دو مهمانی که آنچیز برایشان نهند حقیر ندارد و روایاتی بسیارند که محبت دوستان با هم ازین توان دانست که طعام یکی را از روی غیبت و انبساط و شنگی خوردن یا از روی محبت و کثرتی از آن یکی از اصحاب امام جعفر صادق علیه السلام گوید روزی بخندم آنحضرت رفتم فرمود طعام آوردند قدری خوردم و دست کشیدم فرمود بخور که تمام خوردم پس است فرمود دیگر بخور عیدانی که محبت است و این معلوم شود که طعام یکی بگو و از روی انبساط و غیبت خوردن پس با کثرت مبارک طعام جمع می فرود و من می خوردم و امثال این روایات بسیارند و چون مؤمنی کسی را دعوت کند اجابت باید نمود که احادیث

بسیارند که اجابت دعوت مؤمن از جمله حقوق واجب است که مؤمن باید بر یکدیگر داشته است و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود وصیت می کنم و غایت آنست خود را که اجابت دعوت مسلم کند اگر چه پلاید رفت که اجابت مسلم از جمله حقوق دینست اما در محال است که معصیت کنند و طعام حرام و مشرب و همچنین طعامی که اغنیاء در آن باشند و فقرا نباشند اجابت باید کرد که درین غیر لغبار بسیارند و نمی بالغ شود و امثال این محال است معصیت و دوری از خدا و تفاوت قلیب محبت دنیا باشد و اگر غلبه چون بشود که در جای طعام است بر وجهی از آن بخورد خیان است که بانه آتش بخورد و چون کسی طعامی دعوت کند و دیگری برایشی دعوت با خود ببرد غاصب باشد و هر چه بخورد حرام باشد مگر چیزی که محبت و اخلاط و ربط در میانشان در یکا کنی رسید باشد و یکا کنی از میانشان منقطع باشد و کمان مانع و عذر می آید اجابت صاحب طعام نباشد و در بعضی روایات ایشان رسیده که از آن در خانه بگو طعام خود را ببرد و دیگر نبرد دهند **فصل هفتم** در ادب استکان و احکام و متعلق بان مرویت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در استکانی که اجابت خدا چنانکه باید مقدور باشد و قن و اقامت نباید بلکه غیر از این موضع نباید کرد و خداوند تعالی در بیان مجیدی و این روایت باقیست بایشان گویند که چرا در عبادت تقصیر کردی گویند در مکانی که ما بودیم مقدور بود پس بپای عتاب تو بیخ فرماید که مؤمن

خداوند بود که نتوانست بفعل نمود پس ما وای ایشان جهنم باشد مگر جمعی
ضعیفه عاجز باشند و قادر بر فعل و تحویل نباشند که ایشان معدوم
باشند و باین است که مردم که هفتان و فری و صحرانینان و همچنین مردم
که در بلاد مخالفین نطق کنند و اولاد ایشان و هم جمعی که در گوشه ها نشینند
و با علماء و اهل دین نبرد و سنگین از آثار و مراسم دین و ادارت معالمان
بجای آورند و جبهه و اخلاق و صفات سبع و حیوانات در این
غالب باشد و باین است که این جمعی که در راه و امر در زیارت و الفت و محال
مؤمنان وارد شده چنانکه شمره از آن در باب اول گذشت و نیز یکی از آن
علیه السلام پرسیدند که بعضی مردم خلوت اختیار کنند و زلزله نبرد و در میان
مردم کوفت فرمود پس درین خود را جرف بدست می آورند و نیز اخبار بسیار
که چون کسی تنها باشد شیطان برودت یابد و شیطان با تنها یان
باشد و هم از ایشان علیه السلام مرویست که اجماله عادت مرد و عت
فضای خانه است و خوب هم ایرو شاست خانه تنگی قضات و بدی هم
و فرموده اند اول هم اختیار کنید و بعد از آن خانه و بنای که زیاده
بر کفایت باشد و فضیلت بر صاحبش بال بود و هر کس زیاده برگذا
بنای کند برای بها و تفاخر همایکان و مؤمنان و فضیلت
الخانه را تا در هفت امتی کند خلع و روطه کرد و درش کرد اندر
دو خوش افکند مگر آنکه نوبه کند و هر کس کوه مال دهد یا مالی از آن
کند وای تعالی بر کل مبر و صلوات کرد لذت با نهای زیاده گذارد پس

و بر و بال شود و رفتن و نکلت که هر کس که ارتفاع سقف خانه را زیاده از
زیاده کند با و کوی های فاسق و کجایم روی و هر چه زیاده از هشت در آن
و چون مسکن کند و اگر خانه زیاده از هشت ساخته شده باشد در آن زیاده
از اکثر بنویسند تا دفع جن و شیاطین کند و در خانه که سست یا صورت
انسان یا حیوان یا طریقی که در آن بول کند یا شعله ای که داخل نشود اما اگر
صورت دفع جن و جرح های مکرر باشد که در آن کفر یا کفر نبود و در حال جریب
و خانه مشکوک در خانه که از آن که مرد و وای شیطان باشد و مرویت
که خانه اجاره و کسب یا شیب به بود بشیرید و جاره و کسب خانه دفع کند و خان
رو به بلد خانه و در یک خانه باید گذاشت که شیاطین جمعیت کنند و
امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر کس در دست و دست و دست
و خرویس بنید از فرقی یعنی آنکه تاجش و باره باشد خانه صاحب خرویس
خانه طوطی از اجرات کند و یک بال از آن در کبر خانه و طوطی
از هفت خرویس فرق و خانه که کبوتر در آن باشد از فرود آمدن امن باشد
و چون دفع شوند و اهل خانه را انباشان آنست و مرد و مرویت که
کبوتر بر باد در خانه ها نگاه دارید که فانی اما علیه السلام العن می کنند
و کربن خدایش را هر چه کند و دوست دار اهل بیت است علیه السلام صاحب
اللقه گوید و نشان کبر و صحران است و صاحب باران گوید و باران
و فاقت در خانه نباید داشت که صاحب خانه را نفرین کند و چون خواهی که
خانه تو نباشد مستحب است که کوفت درین فروخته و طاعت می آخره صرفه ساکن

سهرته فلهو الله احد بخوان ختم قرآن کرده باغی و صلوة برین و بر ایما
بدرست هم شمع و بایتم در روز قیامت و برای مؤمنان استغفار کن همان
توراض شوند و سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله بگویند و غیره گفته
باشی و اگر قرآن الله و معن ذین سهرت بخوان ختم قرآن کرده باشد
و بعد از آن قرآن قرآن بفرماید و اگر بگوید یا ک شود مثل روزی
که مرگد شد و اگر در آن شب بید باشد و اگر بگوید یا ک شود
بخواند و در آن شب خود از زمین تا عرش که عرضش مثل و رحمت او باشد
در هر درجه آن هزار ملک باشد هر یک از هزار زبان با هزار زبان
تغییری و استغفار کند تا نصف شب بخواند آن نور را در سینه و کند
تا روز قیامت اگر آن شهد الله بخواند هفتاد هزار ملک خلق شود و
قیامت برایش استغفار کند و اگر الهکم التماس فرخواند از عذاب برود و
اگر سر بگوید استغفر الله الذي لا اله الا هو الحق القیوم و اؤب اليه
گناهانش ازین شود و اگر بخیر اقام دنیا یا گفت یا باریک یا عراج
باشد و اگر بخوبی عارض شود که بخوابد بگوید سبحان الله و ذی القین
و انی التلطان عظیم البرهان کل یوم یوم فی قیام یا شمع البطلون الخائفة
یا کاسی الخوب العارفة یا سکن العروق الضاربة یا سوره العیون الخائفة
سکن عروق الضاربة و انی لعینی قوما عاجلا و اگر خواهد که اگر بخواند
و بگوید و اذینکم التماس انفسه و جعلنا قوما ساءا و اگر بخواند
تبرید وقت خوابیدن ده مرتبه بگوید اعوذ بکلمات الله من عقیسه وین

عقابه

عقابه وین شتر عقابه وین شتر عقابه وین شتر عقابه وین شتر عقابه
و ان یخضرون و اگر خواهد معن ذین و ایه الکبری بخواند و بگوید یا ک
التعاسر تا آخر و اگر بخواهد که بگوید یا ک الله الذي خلق السموات
و الارض فی سبعة ايام ثم استوی علی العرش ففی البلی التهانطه
خشتا و الشمس و القمر و النجوم مسخرات بامر الاله الخلق و لا یستبان
الله رب العالمین و اگر از خدام نبی شد که اللهم انی اعوذ بک من الاختلام
وین من الاختلام وین ان یبذل عینی الشیطان فی البفظة و انکم
و در ایات بسیار آمده و بسیاری از تجزیه نموده اند که اگر از آن
که بخواند هر وقت که خواهد پدیدار شود وین از حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و سلم روایت هر که وقت خواب بگوید اللهم لا تؤیی منک و
ولا تنسی ذکرت و لا تجعلی من الغافلین اقول ساعة کذا و هر
ساعت که خواهد مذکور سازد خدای تعالی ملکی مقرر کند که در آن
ساعت پدیدار شد و شاید رحم الله در کتب خود ذکر کرده اند که
اگر کسی حاجتی باشد یا امر مشکلی یا شیء باطله یا رفته و در آن فراموش
و لغات یا ک بخواند و منی با او باشد و در خواب الشی و البلی هر یک
هفت مرتبه بخواند و بعد از آن بگوید اللهم لا تجعل لی من امری هذا و کذا
در شب یا شب یا شب یا شب کسی را در خواب بیدار کند و روزی از آن برایش
بناید او را بیدار کند امری عظیم بود که از علایق آن عاجز گشته بودیم
عمل نمودم در شب و دیدم که در کل بدن جوش من نشسته یکی از ایشان

مخلوق گشته و به شکر و تعظیم و معارف و تحصیل احوال و معاد الفتن و اشیای باطن
و قوی و اعضای بدن گرفته و شغل تدبیر نظام مملکت بدن و همچنین
اشتغال احوال حیوان دنیا از بدن و شنیدن و خوردن و سایر احوال
حوالی قوی مانع توجه و التفات و به عالم اخرویه و سبب غیبت
عالم دنیوی و اسیر ملاحظت ملکوت سما و ملا اعلی که وطن اصلی او
گفته هرگاه اندک فرصتی بسبب تخفیف این علایق و مواضع و احوال حاصل
شود در جمیع عالم اخرویه نموده با انبیا و جنس خویش ملائکه و اهل
ملا اعلی الفت گیر و میروانست نمایند و از رشحات علوم و معارف و اشیا
که از فضل جود و رحمت الهی اهل آن عالم و هر یک بحسب استعداد
خود استغنا ضمیمه نماید و بهر قدر که در این احوالات غنی عالم اعلی و استغنا
از فضل اهل ملکوت سما و لیا و اصفیای خدا را که از شدت معیت
دین قوی و کمال مثال احکام شرع مستقیم و زهد در دنیا و ترک پیروی
هر چه و هر چه و رفض علایق لذات و شهوات و غرایب تحصیل فضل
و تجملات بدن و اعضای خود را از فضل فضلات ماکل و شارب
یا کینه ساخته و اینه لسان از نیک گدورت فکرهای باطل و غیای
فاسد خراج و مادی و بد اخیره و روحشان از تیرگی و ظلمت اشتغال
با این دنیا و جلایافته و بهر میزان عالم که تمام امور و فضیلت صفیه
قابلیت تافت و کمال سلطه بر نفس خود و قوی این بهم رسانیده اند اینها
همیشه مقدر را باشد خواه در خواب و بیداری ایشان یکسان باشد

چنانکه

چنانکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده شام عینی و کاینکام قلبی و کجیم
کاهی و خواب یکسانند اما همیشه در خواب بیدار است و از هر جهت است
که انبیا علیهم السلام بر قفا خوابند و در کجاست منتظر نزول و حیوان چنانکه گفته اند
امده اما سایر مؤمنان را بجا اختلاف و مرید و قابلیت کا و کاه و احیاناً کبر
از فضل فضلات و بخارات غذا خفیف و دل از نیک و ظلمت خیالهای
باطل دنیا خالی و روح از شدت شغل تدبیر بدن و قوی فراخ گشته و اینه
خاطرشان بخود یاد خدا جل و صفا یافته باشد چون بخوابند و در این
نیز از اشتغال محسوسات فراخ حاصل شود و دلشان از تنویر و احوال
عالم ظاهر خلاص و باطن بحال خود بر دارد و متوجه عالم باطن که ملکوت عالم اعلی
شود و روحشان را با اهل انعام که کلان تدبیر حال حادثات و احوال
نظام احوال کاینات را در تباط و اختلاط رود و آن رشحات علوم معارف
ایشان که صدق و حقیقت و از خزان علم الهی ایشان احسان شده بر این
روح بحسب سبب و قایم کرد و در او در انعام بحسب و کوش و قوای روحانی
ان عالم و معرفت با جزئی که متعلق با احوال و یا غریب باشد نماید و چون همزیر
انصاحت بدن و قوای بدن خلاصی تمام حاصل نموده بلکه انوار حقایق و قوای
بدن همزه در جوهر روح واضح و تابست مشاهدات روحانی هر یک بصورت
و کیفیتی که مناسب باشد و در نظر من جل و کند و آن مشاهدات روحانی را احیاناً
میدارد که بحسب ظاهر بیفت و واقع شده و این حالت را غنی مشاهدات روحانی
و ارتباط با ملائکه و اهل ملاعاری و استغنا ضمیمه بعضی از مؤمنان را بین

چون ایم کرد که خدا کفایت و هدایتش نمود و محافطتش فرموده و اگر وقت بیرون رفت
بگو یا عوذ بما عادت بیکلام الله من ترعدا البوی الحیدر الذی غایت
لم یهد من تر نفسی و من تر عیسی و من تر الشیاطین و من تر نفسی
لا ولی الا الله و من تر الجن و الاشرار و من تر الشیاع و الهام و من تر کون الحیام
کلها اخر نفسی یا الله و من کل شیء خدای تعالی کنا هاشم یا مرز و قوی من
بقول کند و کفایت همناش نماید و ارجح و روزگار در بنه خورد و دارد
و مرویت که اگر چیزی بر قدر و سبقت فراموشی یافت این بود که در وقت بیرون رفتن
از خانه در حضور و در غایت انوار بخواند که در مراجعت نماید و اگر برای
حاجتی و طلبی بیرون رود و صبح و عصر و شب بعد از طلوع افتاب بیرون رود
که در ایات متعدد آمده است که این دو صبح برای حوائج مبارکست و روز نشسته
ببرای ایات بسیار آمده که روز قضای حوائج و اسالی کارهاست و خدای
دربین روز اهر برای حضرت داود علیه السلام فرمود که در هر ساعت در وقت
بیرون رفتن و برون آمدن از احوال عمل کن اوست فی خلق السموات و الارض و فی کل
لا یخلف للعباده و اما انزلناه و ابنا الکرم و الحمد لله بخواند که حوائج دنیا و
آخرت در بین ایاست و در راه رفتن زنان از کتا و هائی که بیرون میآید
جاده را برای مردان گذارد و مردان از میان زنان نگذارد و بر سر پل
شیطان ایستاده باشد پس چون بر پل رسید بگوید یا الله الله الهم انصر
عنی الشیطان الرجیم تا شیطان دور شود و **فصل دوم** در مضایق و حقوق
دواب و ادبیاری مرویت از اهل بیت طاهین علیه السلام که هر یک از ایشان

از حق و حق

که زین بر خدات و منافع و فوایدش از شش و ده و بیست که هر یک از
با شش است و هر یک که دارد که قضای حوائج بخورد بآن کند یا دفع غم نماید
هر روز سینه از او بخورند و شش حشمت که در او اگر اینجیکه دارد که بآن
جهاد کند و دفع اعدای دین نماید هر روز سینه بخورند و یازده خفت
کرد و اگر اینجیکه دارد هر روز دوش بخورند و هفت غم که در
و حضرت امام علیه السلام علی التقی علیه السلام از کسی پرسید که چه چیز است که برای
میکنی گفت الاغ و این غم بزرگ دنیا از حد فرمود این را بجهل از آن
که الاغ این غم بزرگ است چنانکه غم غم گفت مؤمنان شش است فرمودی
که مؤمنان الاغ می دهد و غم سبب می تواند داد غم دانی که کسی ضرر بیکانند
و اسبی نگاه دارد و متظرف فرج بماند و اعدای همان است که باز خدای
تعالی و زینش را بفرستد و بنده اش را بایمان صفا دهد و از او بپایان ببرد
و معین حوائجش باشد و جز اینانی است بایان تا روز قیامت و هر کس
در راه خدا است و فقیر و در خجاست که دست بصدقه کشوده باشد
و هر کس از دیگر و مرویت که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ازین
جهل علیه السلام بخدایت حضرت غم صلی الله علیه و آله آورده بود پرسید
که او صاف لها بایان نمای گفت یکی اشرف غمی که روشن است دست بصدقه
فرمود آن برای من نگاه دار گفت دوی بیک کبست غمی امام حسن و امام حسین
علیهما السلام دیده گفت یکی دیگر هم یعنی کوب و نشان است فرمود آنرا
بفرست و فقیر عیال خوردن بعد از آن فرمود بمینت است

که نشانی غیر از نام خود داشته باشد و نیز عروبت که هر کس اشتباه کند در پشانی
سفید باشد و اگر سفیدی کثیف باشد و بهر بود و در دست پایش نیز سفید
باشد و نگاه دارد تا آن اصبه ملت و در خانه او باشد فقر و ظلم در آن خانه راه
نیاید و نیز عروبت که در او بر صاحبش چند حق است بگوید و نیز چوب تن
و داغ نکند که روی و آب و جود و نیز چوب بکند و زیاده از قدر طاقت نراند
و بار کند و پشانی او را بکشد و صاحب ندارد و بدار نگاه دارد و در هر حال که
رنگش بر عرض نماید و چون در منزل فروید اول وقت از او بگوید و بار کند
نگذارد و هر دو بار آن یک خط فایز و بگوید یک خط کند و پیشتر از آن کند
و چون دم کند نزد کجی در نظر ایشان آید که در نظر ایشان نیاید که
بلند و سکنی می خورد بگوید الحمد لله و دشنام نهد که اگر بید میان
من و تو هر کدام معصیت پیشتر کرد چنین باشد و لعنت کند که خدای تعالی
او را لعنت کند و هر کس را بگوید دعا کند که خدایا مرا صاحبی شفق مهربان
عطا فرماید که هرگز سیرا جارد و زیاده بر طاقه نماند و عروبت که در
پنج چهار یا شیطانی باشد چون خواهد جاسوس شد بسم الله بگوید و اگر
در جای کمرون یا سوار شدن یا غیر این بختی کند این آیه در گوش راستش بخواند
اَعْلَمُ بِمَنْ يَشْعُرُونَ وَ كَمْ مِنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ أَلَيْسَ
بَرْحَمُونَ وَ فَبِذِكْرِكَ الْفَتَمُ خَرُّوا وَ بَارَكَ فَهَذَا يَحْيَىٰ مُحَمَّدٌ وَ آلهُ وَ أَنَا أَنَا
بخوانند و هر وقت سوار شدن بسم الله بگوید و فرشته باور دین شود و کمال
کند تا آنکه فروزاید و اگر بسم الله بگوید شیطان را ردیف شود و گویند

و غنا کن اگر گوید نمیدانم که بدار زوهای باطل کن پس همیشه در زوهای
باطل باشد تا وقتی که فروزاید و اگر وقت سوار شدن بگوید بسم الله
لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الَّذِي هَذَا فَالْهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَقْدِرَ
لَوْلَا أَنَّ هَذَا اللَّهُ شَجَّانَ الَّذِي حَرَّكَ هَذَا وَ مَا كُنَّا لَمُتَّقِينَ أَوْ كُنَّا
هر روز محفظه باشد تا آنکه فروزاید و اگر تا آنکه نماند بخواند و بگوید
سکین تر از این باشد و بسلامت کتکها فرود آید و سواره و پیاده
نکند و راه بده که از خصال جوهر است زنانه بر زمین سوار نشود که برین
برای ایشان ملعون است بفرستد تا کند و اگر جبار و بکبریز و مکر بگوید
يَا عِلَّاهُ اللَّهُ اجْعَلْ لَكَ إِشَاءَ اللَّهُ بَارَكَ اللَّهُ فِيهِ وَ فَضَائِلُ
و او را بکتاب معاملات عروبت از هر جهت ظاهر علیهم السلام که عباد
خدا در جزوات و فضل اجزایش طایفه است و هر کس طایفه را نکند
مردم مستغنی باشد و رعایت احوال همایکان کند و زقیامت و پیش
چون ماه شجارد و هر کس از من حلالا که کینه و تحصل محبت
برای عیال خود نماید جریش عظیم تر است از کسی که در راه خدا جهاد کند
و انچه عادت و عادت است که عیال خود باشد و خدای تعالی بخصرت
و او علیهم السلام فرمود تو خوب بنده اگر کس کف و از بیت المال عیال بکشی
خدا بکشتی نمیدانم و خدای تعالی این را فرماید که نه روی ساخت و نه
تا آنکه مستغنی گشت و خدای تعالی دشمن دارد آدم بر خواب بکار و ازین

مرویت کندی تعالی روزی هر کس را انضال قوت کرده و تقدیر فرموده اند
 حرام پس هر کس بکند و از حرام اجتناب نماید خدای تعالی رزق او را افزا
 برساند و تا آنچه برای او تقدیر فرمود تمام نکند و دنیا نرود و اگر هفت حجت
 اطاعت و ترک کتب علم شود هر قدر از حرام تحصیل کند آنقدر از حلال کم کنند
 و روز قیامت مطالبه بخواهند نمایند و انشا الله این اخبار و فضایل که حلال
 و الحرام از حرام زیاد و انزال است که درین محقق گنج و مرویت که خبر و
 در تجارت و ملک جز و در سایر کارها و تجارت عقل نازد و کس و قوت این
 و قوت عقل کم کند و در احوال کردن کجای الکلیات و روز قیامت اهل ان
 من و بکسر بر سر من و بکندی تعالی و مقام ایشان بترین مقام هاست
 و بترین کارها از اوست که انسان و حیوان منقطع شوند و نیکی و
 بدایان بر برند و کویگان بخیر و بدی برای هر دو صفت بر احوال استغفار کنند و اگر
 بدان بخورند هر چه بخواهند ایشان لغت کنند و در احوال اهل تو کنند که
 تخم افشانند و توکل بر خدا کنند و در احوال اهل تو کنند که تخم افشانند
 و مستطوف فضل و رحمت او باشد ^{ادامه} و بکسای معاملات و بکسای
 که چون کسی خواهد تجارت کند و قول صاب را داد انرا بیاورد و حلال
 و حرام انرا بداند و معاملات خفی تر است از نقیض بای و برین استخوان
 و بکسای و با عظیم تر است از نقیض و تر که با عظیم تر است و با عظیم تر است
 معامله نماید که دست را تا رفیق در هر دوا که بکسای است از نقیض بکسای

مکمل

معامله کنی و اول روز بجای معاملات و حاجات مبارک است خصوص
 روز شنبه و پنجشنبه که حضرت خیمه صلی الله علیه و آله دعا کرد و گفت خدایا
 صبح این روز روز بخت من مبارک گردان اما پیش از طلوع آفتاب
 مشغول کارهای دنیا نباشد که آن ساعت اعتصاب و وکالت
 و جزو شیطان در اطراف برای اضلال انسان متفرقند و چون کسی داخل
 بازار شود بگوید لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله
 و بگوید و بگوید لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله
 ثبت گشت و هزار مرتبه بخواند و هزار هزار مرتبه بگوید که ان الله
 بکرمه ان شاء الله لا اله الا الله تا اخر چنانکه در فصل دخول مسجد است
 مبارک است بایک سجده و عمر و چون داخل دکان خود شود بگوید لا اله الا الله
 انی استأثرت من غیرها و غیرها و اعوذ بک من غیرها و غیرها و اعوذ بک من غیرها
 تعالی فرشته فرستد که اند که در آن روز از شهر بازار و اهل بازار محافظت نماید
 و چون بنشیند بگوید لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله
 ان محمد عبده و رسوله اللهم انی استأثرت من فضلك خلاکم و اعوذ بک من فضلك
 و اعوذ بک من ان اظلم و اظلم و اعوذ بک من ضقت خایره و
 یمن کا ذبه فرشته که بر او مژگین است گوید مرده باد و اگر امروز درین
 بازار هیچ کس را معامله نکرده باشد که حسنه و بدیهه و سبب است
 و ضعیف و حلال و مبارک بنویسد و هر کس را بازار و کس را کس و حلال
 خدا را فراموش نکند و از حکم او تجاوز ننماید و بعد از انسان حیوانی

کند و روایت دیگر آمده که ملعون است کسی که در وسعت و ازلی پیش از چهل روز
و در تنگی و کدلی پیش از سه روز احکام کند **فصل دوازدهم** در فضایل و عیبت
و عبادت و ریاضت معالج امراض و رویت از اهل بیت علیه السلام که هر یک
مربوط و مدله که ذکر کنند بر ویست از اعمال او هرگاه با آسمان رو کند خدا
تعالی از ایشان سؤال نماید که این بند من در ایام مرض چوین شده اند که
شکایت فرمایند ایضا و بناید که من بنده خود را حدیث بران شکایت بخش
نمایم چه از عبادات و طاعات در ایام صحت برای او می نوشتند و در ایام مرض
نیز همان را بنویسد و درین هیچ سینه بر وی نباشد و فاله و ریاضت هیچ و فریاد
تخلیل است و غلطی نیست در میان جاچنان است که در ده خدا شایسته
بهر چه صحت یابد که ترک معاصی و خدای تعالی بازگشت نماید که اهلش را
شود و اگر چه در آن شود و همان بر حال سابق باشد و ای بر و بعد از آن
و نیز مرویت که چون مؤمن یکشنبه کند کفاره و یکشنبه ها نشاید و عبادت
با یکسال عبادت با دو شب یک سال و شب یک سال و یکشنبه صدراع
خطاها را بریزد و یکشنبه بخوابد و سبب مرض یا وجع است عظیم است
از یکسال عبادت و خدای تعالی فرموده چون بنده مؤمن را مرض یا بلا می آید
و یکشنبه کایت نکند هر یک از گوشت و پوست و خون و موی را بدین نام هر
از آن که بآن گناه بخورد باشد پیش از آنکه شایسته هم چنان که بود و کفاره و اگر وقت
کنم بخوار است خود بر من و هر مؤمن که یکشنبه روز مرض شود و شکایت کند
با این اغمیل معجرت شود و چون بر فراغ لاسع انصراف کند و هر یکشنبه

و الودع است باشد و از آن شکر کند و قبول نماید یعنی کایت نکند شصت
سال عبادت و پیش نویسد بر بدن که حد شکایت کدام است **فصل سیزدهم**
اما علم السلام فرمود که گویند یا آن را می کشند که هر یکشنبه اما اگر
اگر یکی نباشد که با پنجوازی کشند و مثل این و راست گویند کایت نشاید
و چون طفلی مرض شود کفاره کنه امان و الا بشیر باشد و مستحب است
که چون کسی را مرضی عارض شود و نشان آخر کند تا عیالیش کشد و اگر
چنین کند ده حسنه برایش نویسد و ده سینه بخورد و ده و بخورد
که مانند و اما فضایل و اداب عبادت و ریاضت و حج و حجاج او نیست
که هر کس مؤمنی را عبادت کند داخل رحمت شود و چون پیش از نبیند
و محنت او را فرگیرد و چون مراجعت کند خدای تعالی هفتاد هزار
ملک بر وی مقرر گرداند که شایسته کشند و با وی رفیق باشند تا آن
اندوزند و بگویند برای او دعا و استغفار نمایند و گویند خوش باشی
و خوش باد و قل بهشت مکانی در بهشت عطا فرماید که چهل روز و
راه سواری باشد و روایت دیگر آمده که هفتاد هزار ملک فرماید
که بخانش آیند و قارون قیاس است پنج و نقد پس تحلیل و تجزیه گویند
و نصف عبادت ایشان برای او ثبت شود و یک ملک مقرر فرماید
که او را در قریع عبادت کند تا روز قیامت برایش استغفار نمایند
و ساحت است که چون عبادت و ریاضت و بندگی با هر چه بخواهد و بخواهد
وی ببرد تا بآن تعلق یابد و گفته شود و در پیش او بسیار عرف

نباید که که بسادام و دشوار باشد و هر کس عبادت می رسد و باین کلمات
 او را دعا کنند و گویند البسه ثوبا یا بدو که می رسد بخت باشد سئل الله العظیم
 رب العالمین العظیم ان یخیرک و یجین ان یخیرک و یجیرک و یجیرک
 و یخیرک و یخیرک و یخیرک و یخیرک و یخیرک و یخیرک و یخیرک و یخیرک
 برای ایشان دعا کند که دعا می رسد برای کسی که بعد از نشو و نما است
 و هر کس که بخواهد روز چهارم را در دنیا امانت علی السلام بگوید و بگوید
 بر روز چهارم بگوید و هر کس در حاجتی برای می رسد می رسد و بر او شده
 و خواهر از کفاه پاک شود مثل روزی که می رسد و کسی که می رسد یا رسول الله
 اگر می رسد از اهل بیت که می رسد و بخت می رسد و بخت می رسد و بخت می رسد
 امر آن که می رسد از اهل بیت طاهر علیهم السلام و قلم است یکی آنکه می رسد
 از راه توکل و انقطاع بخدا و التماس بحضرت الطاهر و توشل بولایت غیبت
 اهل بیت علیهم السلام است و از طبیعت و مزاج را درین حلی نیست فکر بعضی
 آنکه اندک حلی هم باشد و از اخلاص و یقین تا اثرش مثل سایر ادویه باشد
 و هر کس را از اخلاص و یقین و التماس بقیقت باشد و این قسم معاجات الهیه
 منتفع شود چنانکه در زمان حضور خدایتان علیهم السلام جمعی که التماس
 با باندک و سطوح شده و عمل می نموده اند از آن عظیمتر می رسد و بگوید که
 منتفع می شده اند و درین انتم که بسید و مقدم معاش و شمع ساهم علی حصر
 و توفیق و توفیق و توفیق و توفیق و توفیق و توفیق و توفیق و توفیق و توفیق و توفیق
 باشد که می رسد از روی خلوص و یقین دعا کند یا معالج عمل نماید و بگوید

اجابت و سخت مقررین باید و صدق آنچه گفته شد از مضامین بیاری احادیث
 که ذکر آنها موجب خروج ازین باب است و از انجیل این حدیث که مذکور
 میشود ظاهر و لایست حضرت اما جعفر صادق علیه السلام فرموده روی
 علی بن السلام با یکی از اصحابش در خدمتش بر اهل بیت می نشستند و می پرسیدند
 علی بن ابی طالب یقین بسم الله گفت و بر روی ایشان شد آن مردین
 از روی یقین بسم الله گفت و بر روی ایشان شد آن مردین
 بخاطر این بود که هر تفاوت است میان من و پیغمبر خدا که ما پیغمبر نیستیم
 حضرت علی بن ابی طالب که فرمود از انجیل حضرت رسیده است تقارن است
 که همان برای روی ایشان شد ضمیم دوم آنکه تا پیش از این از این طبع است
 و این قسم بحال اختلاف امر از من و امکان و از من مختلف شود و
 بیاری مردم بسبب این که فرق میان این دو قسم کرده اند و در این امر
 مخالفت از منجر ناسا است حال کرده اند و می بینند و هلال کشته و بیان
 ما در بقا الکفایت که قلم اول غایب اما انی سمیت که این رساله از شوق
 روایت قسم دوم محروم باشد چند دوا از آن هم بر صفحہ روایت نگاریم
 و بعد از آنکه ملاحظه و افقت احتیاطا بر ذمه کلمی معالج کنند که این قسم
قسم اول و آن دو نوع است **نوع اول** صدقه و ادعیه مرئوسه
 که بپایان خود را بصدقه معالج کنند که امراض و بلاها را دفع کنند و سخت
 که بپایان خود صدقه معده و بایل بگوید که نا اویا دعا کند که دعا
 سایل برای معطی است و تفصیل مضایل صدقه انشاء الله بعد ازین

بیاید و اما در عقیده و کار بسیار است بلکه نظری از آن لغت را بکنیم **جمع** از
واو جمع بگوید و تکرار **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و **سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ** و دست بردن
موضع بالدم و دست که هیچ کس از روی اخلاص و خیر نگوید مگر آنکه ندانم یا باطن
عالت و در جمع هفتاد مرتبه بخواند و دست که هر یک بخواند و در جمع
رجوع کند و عجب باشد و مری که با خود شفا نباشد یا بد هیچ شفا نباشد یا بعد از آن
صحیح بگوید **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ وَبِجَدِّكَ وَبِعِزَّتِكَ وَبِعِزَّةِ اللَّهِ وَبِعِزَّةِ الْكَلِمَةِ**
تَبَارَكَ اللَّهُ تَعَالَى الْخَالِقِينَ وَالْمَخْلُوقِينَ وَالْمُكَرِّمِينَ وَالْمُذَلَّلِينَ وَالْمُعِزِّينَ وَالْمُفْضِلِينَ
بر موضع بالدم و روی که در کوفتی عارض شد که اطباء از معالجات آن عاجز شدند
عز ندانم و اما ویر کشید پس من از غایت خورن و اندوه گاهی بود آن
که مطالعکم در پشت آن کتاب این را دیدم روی آن حضرت صادق
السلام برین غمان صبح گذاردم و باین عمل نمودم هنوز نشست بوجرم که آن
علت صحت یافت و منبریدم که بسا ابار نمود کند سه روز هر یک درم و این
عمل بخودم بعد از آن بد رخورد آن خبر که ختم کوفته طبعی حاذق بود
اورد و حکایت قضیه با نقل کرد چون ملاحظه نمود همان لحظه ایمان
اورد **بسم الله الرحمن الرحيم** بند بر این بکناید و برید و آن که پانزده اذان
اقامت بگوید و هفت مرتبه بخواند و روی که بدین بن بستیم و چون
کردم گویا از بند رهایی یافتم و بقیه دیگر اول صبح پیش از آنکه با کسی حرف زدن
هفت مرتبه بخواند و اگر صحت نیابد روز دیگر هفتاد مرتبه بخواند
حضرت صادق علیه السلام فرمود من بعد از این ضامن شفا می آید و بقیه دیگر

مکمل

مکمل کلام دونت بفرست بخواند بکن است آنکه بدین بگوید و بر پشت بخواند
و کلام با روی بنه بریزد و هر یک که بخواند و بگوید **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ**
بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا نَاكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ كَفَّتْ مَا بِهِ مِنْ ضَرٍّ وَكَفَّتْ لَهُ
فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَهُ خَلْقَكَ عَلَى خَلْقِكَ أَنْ تَصْلِيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَكَانَ تَعَالَى مِنْ عَمَلِي بِهِ است بخواند و کلام را از اطراف
جمع کند و همین دعا بخواند پس چهار رفته کند و همین دعا بخواند
و هر یک را بکنی هدای که بگوید چون خبر کردم که با آن بدیجات
با فتم طریقه دیگر ما در بیمار و در کفستان بگذارد و در سجود بگوید
اللَّهُمَّ إِنَّكَ وَهَبْتَهُ لِي وَكَمْ شَيْءٌ أَهْبَهُ لِي هَبْهُ جَدِيدٌ روی
کردم من بیمار شدم دانستم حضرت صادق علیه السلام بدین سن
اند چون جرم ما در مرده بدین طریق بعلمش فرمود چون صباح
شد بر لب بخت بودند من بن با ایشان شاکت کردم و این طریقه در دنیا
و دیگر چنین آمد که مردم آمده بودند که بجزای من حاضر باشند حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام ما درم فرمود که عمل کن و بکن آن در زیر پستان
دو رکعت غمان بگذارد و بعد از آن بگوید **اللَّهُمَّ إِنَّكَ وَهَبْتَهُ لِي وَكَمْ**
بِكَ تَبَارَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ شَيْئًا فَأَعْرِضْهُ طَرِيقَهُ و دیگر ما در بیمار
با لای علم رفته و فتنه زهر دارد و سوی بر آسمان کشود بگوید **اللَّهُمَّ**
أَنْتَ أَعْطَيْتَنِيهِ وَأَنْتَ وَهَبْتَنِيهِ فَأَجْعَلْ هَبْتَكَ لِيَوْمٍ جَدِيدٍ آنکه
فاد و مقتدر که هنوز زهر بر نداشته باشد که فرزند شفا یابد و بقیه دیگر

268	فاوید	محمد
5	رد	رمض
269	فاوید	محمد
6	رد	رمض
270	فاوید	محمد
7	رد	رمض
271	فاوید	محمد
8	رد	رمض
272	فاوید	محمد
9	رد	رمض
273	فاوید	محمد
10	رد	رمض

انفاضة

[illegible]

السَّيْرِ وَالْغَفِيَةِ يَا مَنْ السَّمَوَاتِ هَذِهِ رُحَاةُ يَا مَنْ الْأَرْضِ هَذِهِ مَدِينَةٌ
 يَا مَنْ الْجِبَالِ يَا مَنْ مَنَافِقُهَا يَا مَنْ نَحْيُهُ صَاحِبُ الْعَرْشِ مِنْ كُلِّ أَمَةٍ
 وَبَلِيَّةٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَيْرَ خَلْقِكَ وَاسْتَغْفِرِ اللَّهُ عَنْهُمْ فَلَانِ بْنِ فُلَانٍ
 وَخَانِ بْنِ فُلَانٍ وَغَافِلِينَ بِأَلَمِكَ تِلْكَ قَادِرٌ عَلَى مَا تَشَاءُ وَتَأْتِيهِمْ
 الْمَلَائِكَةُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ طَرِيقُهُ يَكُونُ شَرْعُ خَلْقِكَ
 كَدُّهُ وَهُوَ يَرْفَعُ نِيَامَهُ بَاشِدُهُ بِنُوبِهِ وَكَأَلُوكَ عَنْ لَيْلٍ تَأْمَلُ
 أَمَّا لِحَاكُمُ الْقَبْلَ لَيْتَ كُنْتُ وَجِبْرِي بِأَلَمِ قَلْبِي بُولِ دَرْخَانِ بِجَانِبِي
 بَارِعُ فَرَانِ بِنُوبِ لَيْلٍ لَحْنِ الرَّحِيمِ يَا مَنْ الْأَرْضِ كَرِيمِ بِنُوبِ نَافِثِ رَكِ
 جَامِ بِشُورَاتِ اللَّهِ بِمِلْكِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْ تَرَوْهُ لَا تَكُنْ زَالِيًا
 إِذَا كُنَّا مَعَكُمْ لِحَدِيثِ بَعْدِ أَمَّا كَانَ حَلِيمًا عَقُورًا بِسَابِغِ شُورِ
 مَكَاهِدِهِ دَارِ بَعْدَ زَانِ بِوَارِجِي بِي سِي بَامِدَادِ نَوْبِ دِهْمِ بَارِ بِوَالِدِ
 مِنْ قَلْبِهِ هُوَ اللَّهُ وَمَعْقُودِيْنِ وَأَمِيرِ الْكَرِيمِ كَوْنُكُمْ هَذَا الْقُرْآنُ نَاخِرِ
 سُورَةٍ وَقُلْ أَتَمُّ لَكَ وَأَوْدَعُ عَلَى الرَّحْمَنِ نَاخِرِ سُورَةٍ بَعْدَ زَانِ بِنُوبِ
 الرَّحْمَنِ اللَّهُ بِمِلْكِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْخَرَابِ بِسُورِ بِنُوبِ بَارِ مِنْ هُنَّ
 هَكَذَا عَمْرٌ أَمَّا تَخْفَانِ بِنُوبِ فُلَانِ بِنُوبِ فُلَانِ مِنْ غِلْبَةِ الْبُولِ بِسُورِ
 بَاشِدَانِ بِتَوَقُّدِ بَارِ بِشِظْمِ بَارِ بِرُفُوفِ بَارِ بِرُفُوفِ بَارِ بِرُفُوفِ
 بِرُفُوفِ بَارِ بِرُفُوفِ بَارِ بِرُفُوفِ بَارِ بِرُفُوفِ بَارِ بِرُفُوفِ بَارِ بِرُفُوفِ
 وَسَعْدَانِ بِرُفُوفِ بَارِ بِرُفُوفِ بَارِ بِرُفُوفِ بَارِ بِرُفُوفِ بَارِ بِرُفُوفِ
 كُلُّهَا بِسَارِ دُودِ رُفُوفِ بَارِ بِرُفُوفِ بَارِ بِرُفُوفِ بَارِ بِرُفُوفِ

انك ان نبشدد ودين اقام اليك تجرد وحقن على ذليل سرفروزي
 بكنايه كجبل الجبل نشو ابله را اين كل با بنوب وديانوش بند اكبر
 نيامد باشد نيابد واكماد باشد و ياده انان نيابد ساير امراض
 وديان امان كم سقف نباشد و تمامه باشد بديدا اللهم انك عرفت انما
 في كتابك فقلت قل دعوا الدين وعبادتهم من دونه فلا يملكون كفت
 الفخر عنكم ولا تخجلوا قيا من لا يملك كفت ضرر ولا تخجلوا عنى احدكم
 صل على محمد و آل محمد و انكف عنى وسوله الى من يدع عن معك
 اخر فاني انشدك ان لا اله عني كوين جان و هفت من محمد بخاند و
 حضرت محمد صلى الله عليه وسلم دار غارت محراب كوين جان و غارت
 شد عرفت لعن كود و فوسود و دغان و غارت كسي با ميكنار د برك بران
 مالبس و قل يا ايها الكافرون و معتودين بران بخواند سرخه و كبر كويان
 خورشيد و بران عضو كويد اذهب الناس ربك الباس عنك انت الشافي
 لا شافي الا انت نسان بخواند امن و عامدا و مست نماييد روايتي
 امده كبا عمل سفيد بك برقد حيايك بنريد و با آب باران بشو
 از انكه بيزين رسد بدين و سه روز ناست با شام خدا و تعالى قرآن
 و علم عطا فرمايد اللهم اني اسئلك و كم يسأل العباد شئك انت ملك الحق
 محمد ياتيك و رسالتك و ابراهيم خليلك و صفيك و موسى كلمك و
 يحيى كلمك و عيسى كلمك و زكريا كلمك و اسئلك بصحف ابراهيم و زكريا
 و زبور داود و انجيل عيسى و قرآن محمد صلى الله عليه و آله و بكل و سجي

سوره	ن
ن	ن
ن	ن
ن	ن

أَوْجَيْتَهُ وَقَضَاءِ امْتِنَانِهِ وَحَقِّ فَضِيلَتِهِ وَغَنِيِّ اعْتِنَانِهِ وَضَالِ
هَدْيَتِهِ وَسَائِلِ اعْظَمَتِهِ وَأَسْكَاتِ بَاسِيَتِ اللَّهِ وَضَعَتْهُ عَلَى الْإِلْد
فَأَظْلَمَ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَضَعَتْهُ عَلَى النَّهَارِ فَاسْتَنَارَ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ
وَضَعَتْهُ عَلَى الْعَرِضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَدَعَمَتْ بِهِ السَّمَوَاتِ فَاسْتَقَلَّتْ
وَضَعَتْهُ عَلَى الْجِبَالِ عَرَسَتْ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ فَتَبَّتْ بِهِ الْأَرْضُ وَأَسْكَاتِ
بَاسِيَتِ اللَّهِ وَخَيَّ بِهِنَّ الْمَوْتِ وَأَسْكَاتِ بَاسِيَتِ اللَّهِ فَكَانَ بِهِ عِبَادُكَ
الَّذِينَ أَحْبَبْتَ لَهُمْ وَأَيُّكَ أَوْلَىكَ فَفَقَرْتُ لَهُمْ وَرَحِمْتُهُمْ وَأَسْكَاتِ كُلِّ
أَيُّكُمْ أَنْزَلْتَهُ فِي كُنُوتِكَ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ الَّذِي سَقَرْتَهُ بِعَرْشِكَ وَبَاسِيَتِ
اللَّهِ جِدَ الْأَحَدِ لِقَدْرِ الرَّبِّ الْمُتَعَالَى الَّذِي يُكَلِّمُ الْأَرْضَ كَمَا تَكَلَّمَ
الظَّاهِرُ الظَّاهِرُ الْبَارِكُ الْقُدُّوسُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالَى وَكُنُوتِكَ لِمَنْ تَرَكِ بَاسِيَتِ اللَّهِ وَكُنُوتِكَ الْكَافِي
وَبَرَكَاتِ الْغَايَةِ وَكُنُوتِكَ وَأَسْكَاتِ اللَّهِ وَأَسْكَاتِ بَاسِيَتِ اللَّهِ
عَرَسَتْ وَفَتْنَتِ بَاسِيَتِ اللَّهِ مِنْ كُنُوتِكَ لِقُدْرَتِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ
وَأَنْ تَرْفَعِي حَقِّقَ الْقُرْآنِ أَوْضَاءً لِعِلْمٍ وَأَنْ تَنْتَهِي فِي قَلْبِي بِسَمْعِي
وَبَصَرِي وَأَنْ تُخَالِطَ بَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ
لِيُكَلِّمَ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ فَاتَّهَ الْأَحْرُكَ وَالْفَوْقَ الْأَكْبَرُ
بَاسِيَتِ اللَّهِ بِأَقْبَرِ طَرَفٍ دِكْرٍ بِحَقِّهِ مَقْرُوءَ حَافِظٍ وَرَفَائِلِ بَيَانِ دُنَا قَلْبٍ
يُخَالِطُ بَاسِيَتِ اللَّهِ الْأَنْزِلَ الْأَخْرُسُ وَبَقَرُ مَوَاطِنِ نَمَائِجِ بَدَنِ الْكَافِي
اللَّهُمَّ لَا تُنْشِئْ لِي أَقْرَبَ فِي بَيْتِي هَذَا فَاتَّهَ قُلْتُ سَقَرْتَهُ فَاتَّهَ طَرَفُ

دِكْرٍ بَعْدَ زَهْرٍ نَمَائِجِ بَدَنِ الْكَافِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِ بَاسِيَتِ اللَّهِ
مَنْ لَا يَأْخُذُ هَذَا الْأَرْضَ الْكَافِي الْعَدَابِ بَاسِيَتِ اللَّهِ لِقُدْرَتِهِ الْكَافِي
أَجَلْتُ لِي فِي قَلْبِي نَوْمًا وَبَصَرًا وَقَهْمًا وَعِلْمًا أَتَيْتُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ فَكُنْ
طَرَفٍ دِكْرٍ بَعْدَ زَهْرٍ نَمَائِجِ بَدَنِ الْكَافِي حُرُوفِ زَهْرٍ دِكْرٍ بَدَنِ الْكَافِي
بَاسِيَتِ اللَّهِ فَلَا يَمُوتُ فِي عِلْمِهِ وَلَا يَمُوتُ فِي نَوْمِهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ
كَرَمُهُ نَابِشَانِ فَرَجِهِ مَزَاجِ طَبْعَتِهِ الْكَافِي بَعْضُ الْأَنْزِلِ الْكَافِي
مُطْلَقٌ أَشَدُّ بَاسِيَتِ اللَّهِ وَأَنْزِلُ جَدِّهِ وَأَكْرَمُ عِلْمٍ **طَرَفٍ دِكْرٍ** نَزَبَتْ مَقْدَرِ
حَضْرَتِ مَاهِ حَسْبِ عِلْمِ مَرْوِيَّتِ الْأَعْلَى بَاسِيَتِ اللَّهِ عِلْمِ الْكَافِي
مَقْدَرِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ مَكَرًا لَكَ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ
وَحَرُّهُ خُرُوفُ كُنُوتِ بَاسِيَتِ اللَّهِ مَاهِ حَسْبِ عِلْمِ مَرْوِيَّتِ الْأَعْلَى بَاسِيَتِ اللَّهِ
مَرْوِيَّتِ الْأَعْلَى بَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ
كَسْبَ بَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ
مَكَرًا لَكَ بَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ
وَأَسْكَاتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ
تَحْلِيلُ كُنُوتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ
أَبْنِ بَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ
مَقْدَرِ بَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ
بَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ وَبَاسِيَتِ اللَّهِ

هَذِهِ الْقُرْآنُ الْبَارِكَةُ الظَّاهِرَةُ وَرَبِّ الْمَوْتِ الَّذِي نُزِّلَ فِيهِ وَرَبِّ الْمَحْدِ
 الَّذِي كُنْ فِيهِ وَرَبِّ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ كَلِمَاتُ بِهِ اجْعَلُهُ لِي شَفَاعَةً
 نَزَّاهُ كَذَا وَانْ عَلَّمَ رَأْسَهُ بِرَبِّهِ جَعَلَ رَأْسَهُ بِيَانًا مَدَّ وَجْهَهُ لَكُمْ
 اجْعَلُهُ رِزْقًا وَاسْعًا وَغَلًّا نَافِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَتَقِيمُ كَذَا
 بِرَبِّكَ شَانَ رُبِّهِ عَمَلْتَ وَالْمَوْعِدُ وَحِينَ رَأَى نَعْمًا يَدُورُ لَيْتَ يَكُونُ
 كَرَامَتِ دَعَا سَمِعَ رُبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي
 اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَاسْعًا وَغَلًّا نَافِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَتَقِيمُ كَذَا
 شَوْقِي قَدْ رُبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي
 يَا أَبَا بَرٍّ أَنْ هَجَوْتُ سَاحَةَ دَارِ الْمَرْضَى لِيَأْمَنَ بِدِي **سَمِعَ** هَسْتُ حَسْبُكَ
 رُبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي
 صَلَّاهُ دَارِ الْمَرْضَى وَرَبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي
 وَأَقُولُ وَرَبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي
 وَاسْتَعْمَالَ تَمَازِيهِ **جَاهِلِي** أَبِ نِيَّانٍ مَرْوِيَّاتِ خُصْرِي خَيْرُ صَلَاتِي عَلَيْهِ
 وَالْعَقْلُ كَمَا فَرَسَ شَمَانُ دَوْلَتِ بَاسُورِ كَمَا بَاجُودِ أَنْ مَخَاجِ بِالْجَانِ نَزَّاهُ
 بِرَبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي
 كَلَامِ اسْتَعْمَالَ أَبَا بَرٍّ نِيَّانٍ كِيرِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي
 وَرَبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي
 أَنَا أَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي
 تَبَرُّهُ لَكَ هَفَا وَرَبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي

كَلَامِ

که مرا بجهت نبوت شناسد مگر جبریل گفت از جناب الهی که حرکت و مرض که در
 رکها و استخوانها می باشد بیرون رود و شفا یابد و اگر در روح محفوظ طینا
 او علی ثبوت باشد محو شود و اگر در زندش نشود بشر و اگر چه عقم باشد و اگر عین
 باشد عاقبت یابد و اگر زن بقصد پر خورده بذر رود و وی جمیع امرها را
 در هر عضو که باشد حتی کور و لالی و شلی و دیوانگی و امان است از همه
 مکاره و از نزول ابیضا و چشمه زو و سواج و شیا جین و دلش و فرزند
 و روشن کرد و دوا الهام شود و دلش یابد و حکمت از دل بر وی نشانی
 جاری شود و هزار رحمت و هزار مغفرت بر وی فرستد و غش و حسد و تبا
 و غیبت و کبر و غفلت و عداوت و ظلم از دلش برود
سَمِعَ ابی بَرٍّ نَزَّاهُ بَالِغُ کَمَا بَاشَ بَشَرِ أَنْ تَنْتَدِي وَرَبِّهِ يَنْتَدِي
 و معقودین هر یک هفتاد و نوبت بخواند و یک دفعه صبح و یک شام بپا
 هر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم فرمود بخواند که مرا بر نبوت اختصاص فرمود
 کبرای هر عمت و آنکه پیا شام تا از ان بدین و استخوان و عروق بیرون بود
 و فضایل بصیرت و فرات و منتهی شایع و کرم قبل ازین گذشت **قسم دوم**
 او که که با نریشان از هر مخرج و طبعات و حیوانات و منجم و بلاد و موصول الا
 محال مختلف شود پس در استعمال آنها ملاحظه مناسبت باید نمود تا مؤثری باشد
 و مضرت نشود و از ان جمله چیزی دوا ذکر کنیم **اول** ساروی که اگر چه
 دفع مرگ تواند کرد سنا باشد و اگر مرده بماند که چه منفعت در و هست
 بپس شغال از ان بدو شغال طلب بخور تا امان است از بقی و بر وی خدام جزون

و قال و لغز شام و مین سرنخ و دانه و هلیله زرد و سیاه و کبابی الجزا
سا و میخون ساخته مقدار سه درم ناشنا و سه درم و وقت خواب اول
کند **دوم** بر قطونا اگر صاحب مقدار و درم در اقل تناول
کند در آن کوفت از مرض برسام این باشد **سیم** سیاه دانه مرویت
کردن ای هر علتی است که در زای برسد که چو استعمال کنی نمود
سه شب هر شب و یک دانه در بار چوبسته در این میان و روز اول
در هر ریاخ و دماغ با قطره بچکاندن و روز دوم در جانب است
دو قطره و در جانب دیگر یک قطره و روز سیم در راست یک قطره و در چپ
چهارم الطویل مرویت از حضرت صادق علیه السلام که مرویت بن عثمان
علیه السلام از طوبت و لغز بخدای تعالی شکایت کرد و مرده هلیله بلیله
و اما اجزا ساوی که فته بار و غزکا و چوبک و با عمل میخون سازی
استعمال نمای از حضرت صلوات الله علیه فرمود اینها و میخون است که تا
اطرافیل صغیر بگوید نفای هر علت است مگر موت **پنجم** کلنی انقب
ربع شکایت کرد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود قدری فصد صلابه
کرده در آب ببرد و به هم زن تا خوب بشربت شود صبح شام با شام **ششم**
عمل مرویت که عمل دوی هر کوفت و اگر کسی هر ماه یک مرتبه عمل کند
از هر امراض این شود **هفتم** که کلنی عطسه بسیار کند و غن مزخوش
در دماغ بچکاند تخفیف یابد و مرویت که عطسه و زکام را معالج
می کند که امانت از جدام و از بادیه که در سر و رویم رسد و فوالب

و مروی زاید که در چشم و سکن دماغ و نیز مرویت که هرگز در کمان جدام
در سر و کمان نباشد و بدین باشد چون رت جدام لیجان ابد خدای
زکام را بر و سکنه که فاندنا ماده جدام دفع شود و چون رت بر میخون
کند مثل آب و بخار و ناماده بر صفت دفع کند چون زکام یا در طویل
خدا احمد گوید **هشتم** صبر و صطوری و مرویت کافور را ماهی ساوی
هم کوفت و از هر یک بخت شل سر و در چشم کشد و در چشم وضع
با سر و نافع باشد و در وایت عین صبر و مرویت کافور است بخافور
و فرموده اگر ماهی بکوبد و در چشم کشد امراض آن سرع نماید **نهم**
مرویت از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه که زعفران و سعد
هر یک قدری با عمل میخون ساخته هر روز دو و شقال تناول کند
از شدت حافظ میمان شود که ساحر باشد **دهم** حجامت و فصد
مرویت که چون افارز با دی ظاهر شود خون از بدن بیرون
که گاه باشد که غافل نقصان کند و مؤدی جلالت شود و نیز مرویت
که در هیچ چیز مماند و امکان از ملک حجامت خون یا با یک انگشت عمل
و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حجامت سرود وای هر
مکرموت پس از این بروی خود و جبک و با آنجا که ابهام رسید فرمود این
موضع حجامت کنید و چون حجامت کنند با چیزی خورده باشد که
خون در موضع حجامت جمع شود و کوفت و الم از بدن بیرون رود و
اگر چیزی نخورده حجامت کند خون برود و کوفت بماند و بعد از حجامت

اتنا بر حساب در ماه نایم است که ظاهر اول سالش روزی نود و شصت و هفت
سی روز تمام می شود تا آخر سال و لحاظ به بسیار روزه و نخاست روز عاشورا
و دو شب و چهارشنبه که چنانکه ان شاء الله بعد از این مذکور شود و روزه
دیگر آنکه که بار و روزه ها دشمنی میکند تا آنجا با شما دشمنی کند و از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مرویست که هر کس در روز یکشنبه جامه بپوشد
منور و در آنجا می آید شود روزی و شبی مبارک باشد و روز شنبه
در روزه شود یا بسوزد یا در آب ریخته شود و چهارشنبه در آن جامه بپوشد
او را روزی شود و در پیش مردم مکرّم باشد مگر آنکه آنرا یکی در میان آنجا
انباری احادیث معلول است اینست که هر کاری چون توکل بر خدا کند
و متوکل بر خدا باشد و صدقه شود از هر ضررها این کرد و مناسبت
این مقام است تحقیق عمل بخیر و آن چنان است که حدیث بسیار که ذکر کرده
درین رساله بکنجد و بر آهین عقلیه نیز صحبت درین که خدای تعالی بفرستاده
حکایت کامل و صلوات الله بر کارخانه صنعت خود هر کار را بر کار فرمای جمیع
ساخته و برای نظم امری تعیین فرموده و از آنجمله احادیث و جزئیات عالم
کون و فساد را از قرابت و دوری آنکه اسماء که ان شاء الله و کواکب بخیر
جنود و اعمال و خدایم ایشانند جمیع گردانیده و ایشان را برین نظام
نشان داده اند و هر چه جزئی از این جزئیات درین عالم حادث نشود مگر با مشیت
و امر ایشان باذن الله العزیز الحکیم اما بعد سبب اهل بیت نبوت و حکمت
از تعلیم و پرورش منع فرموده اند اول آنکه بعضی از غیر معرفت باب احکام

کواکب

کواکب حرکات افلاک و خصوص نسبت و ضاع آنها با هم معارضت کنند
با یکدیگر معارضت نمایند چربا باشد که نظریه و وضعی خاص مقتضی آن
و نظریه و وضعی دیگر مقتضی خلافین باشد و اما معارضت کنند با یکدیگر
زیادی نماید و غیره که کواکب و اجرام و عدد و خصوص فلکیات و احکام ایشان
از ایشان غیر اهل بیت نبوت ذکر می نمایند و اطلاع بر عقابین و کائنات ایشان
کسی نتواند و از آنجمله از آنجمله در نجوم مضبوط عددی مخصوص است فلان نیز در
عدد و عدد و استخراج و بیخ و صنعت سطرلاب که ثابت بقوم انیس و طوطی
نیت بر او و جود این همه تصویب بر ویان سوا حیرت و تعجب حاصل شد
و می دانست آنکه کسی از حضرت امام علی السلام پرسید که عمل بخیر می کنی یا نه
منع می کنی که از هر چه بدید من دارد ترک کنم فرمود ضرر بدین ندارد اما
علی است که بسیار از ایشانند و کثرت دفع ندارد و بعد از آن که کسب کند نام
نمود و از بعضی احوال آن استفسار فرمود گفت نام این کواکب را هرگز نیشده و
کتابی ندیده ام فرمود که **و الله** که اگر این حساب بدانی توانی دانست که فی
که در میان بی زواست کدام است و در هر طریقی چند عددی هست
تا آنکه یک فی از علم تو بر من نرود مرویست که آنحضرت علیه السلام بگری
فرمود که شما بطالع الحساب می کنید چه قدر حساب بدین توان استنباط
نمود و امثال این اخبار بسیار است **و قوم** آنکه تا ثبات حرکات افلاک
و کواکب اختلاف طالع و لورد ناسر مختلف شود زیرا که نظر خاص طالع
خاصی نمی کنند و با طالع دیگر تا ایندیگر کنند و اگر نه لازم آید که چون

چند کرد و یک ساعت کاری کند برای خدا و بگوید که این ساعت را به خدا بخشیدم و حال آنکه
تجربه خلاف آنست و میگوید این که حضرت امام علی علیه السلام فرمود که کسی که بخیر عمل کرده
بود فرمود چه بگوید چون دوستو یارهای او میگویند که این ساعت را به خدا بخشیدم و حال آنکه
ایشان اختیار ساعت سعد میکنند و چون محاربه می کنند یکی مقصود و دیگری
مقصد و هر که در این نحو است در آنوقت بگوید بعد از آن فرمود این که می دانند
که برای خلق بر آید **سیم** و این امر از آن دو است این که مقصود اصلی
از این میسر نیست که روی و خلق را از هر چه غرض است بخند باز گردانند و
و اعتماد و بهیچ حال بخند داشته باشند و چون ادبی در محاربه احوال
از سعد و بخش ساعت بخند داشته باشند ناچار است آنرا با یک شبهت
و محبت خدا شود و از هر چه غرض نیست کشته و اعتماد و برین توکل برو کند و دم
بدن و الحاح و غرض فصل و منظر حمله باشد و از هر چه غرض نیست که
نداشته باشد و با وجود این که غرض اصل است متوکل بر صدقات و ادعیه
و انکار و عطف بقصود و غنای استغفار شود و بفنای دل و ثواب آید و
کرد پس اگر آن ساعت واقع سعد باشد و شریعت دان امر مقصود است و مقصد
نباشد با وجود آن هر قضای کار غیر زیادت بلکه باین توکل است با آنکه
و سعادت اخیری نباشد و اگر آن ساعت واقع غرض است و غرض نباشد پس اگر آن
از امور محتوم و لازم نباشد و صدقات و توکلات مرقع گردد و بآن فضایل
و حصول مطالب نیز شود و اگر آن امور محتوم نباشد و البته اگر بفضایل
و توکلات فایز گردد و شریعت که از غرض ساعت و وعد و وعید با و حسنات

و محرمات و دفع در جات گردد و چنانکه مریت که خاری بیای میمن
نمود مگر آنکه برای آنکه شکی نیست شود با سبب محرم گردد و اما این روایت
بسیار است بخلاف آنکه بعضی اوصاف از طالع بر بخش ساعت داشته باشند
اعتماد بر آن کرده بعد از آنکه اعتماد کنند توکل و التجائش بخیر و الله تعالی
و مقصود بر آن و نگاه باشد که با عیضا در عبادت ساعت از فضایل است
و دعا و سایر وسایل الکلیه یا بعضی از آنها محرم گردد و اگر غرض در عبادت
پند از آن فضایل محرم و کشته از طالع اگر امانت از غرض و مقصد نباشد
نحوست و بضیعت باشد و چون از این جمله دانسته شد بدانکه نحوست بعضی اوقات
و ساعات که در لحاظ دارد و در آنکه بعضی از اوقات و مقام مذکور شد و بعضی
بیز در باب کمال و باینکه ان شاء الله مذکور شود و قسم است که آنکه با نیت
ذات جبهت طبعیت خاصیت آن و دانسته شد که یکسبب و قایل است که در آن
وقت مثل روز عاشورا و روز و شب یا بسبب کمال تقطیع آن روز و
عمل آن روز مثل روز جمعه و این قسم در نحوست نظیر نیست مقدرات
در شفا چنانکه گذشت و قسم دوم آنکه نحوست از جهت طبعیت و خاصیت
مثل غنای توکلات این قسم مثل تأثیر و طبیعت است و مخفی نماید که این جمیع
که برای عمل بخیر مذکور شد در این قسم ساعات نیز جاریست چه در آن روز
که روز جمعه باشد و مثلاً از جهت طبعیت خود نحوست باشد اما اگر با عبادت طالع دعا
و صدقه یا عبادت فلاحت و زچندم فلان ماه با عبادت طالع سرور و جمع
شود مساوی شوند بلکه گاه باشد که عبادت این غالب شود و باین است

فی عافیة پیوستند و بگوید اللهم خذنی و اخذنی فی جمیع اموری فی غیر ذلک
و عافیة پس کاغذ هار از هم ریز و یک یک نام کاغذ پرون ارد پس اگر
بفضل با هر سه لافضل باشد بقضائی آن عمل کند و اگر مختلف باشد
تا پنج کاغذ پرون ارد پس افضل یا لافضل هر کدام بیشتر باشد چنان کند
حقیقا انکه دعا کند و از خدای تعالی در آن کار طلب بخیر نماید پس کل
نموده شروع در آن کند اگر کارهای بسیار باشد مثل بنده خریدن و فرو
و امثال آن هفت مرتبه بخواند و اگر کاری عظیم باشد صد مرتبه بخواند
که خواهد و اگر کسی از دو عبادت که در استخوان ذات الرقاع گذشت بگوید
مستحب باشد و رویت که هر کس این دعا هفتاد مرتبه عا کند البشیر
خیر است خدای تعالی برای او اختیار فرماید یا اَبصرُ لَنَا ظَمِنَ و یا اَسْرِعِ
الشَّامِعِینَ و یا اَسْرِعِ لِلْخَاسِیِینَ و یا اَحْمِ التَّوَّابِینَ و یا اَحْكَمْ لَنَا کَلِمَ
صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ و خَیْری فِی کَلَامِ وَحْشَتِ صَادِقِ عَلَی لَیْسَ
فرمود هر کس خدای تعالی بیک مرتبه بخیر کند و استغاثه نماید و یا بخیر
تغاث برای او اختیار کند و اضربا شد البشیر است خدای تعالی برایش اختیار
فرماید و هم آنحضرت علیه السلام فرمود چون استغاثه کند بعافیة سلامه
طلب کند چه باشد که خبر کسی در قطع بد یا موت ولد یا بلیه و بگوید باشد
تسبیح مشورت با عقلا و رویت که با عقلا در کارها مشورت کنید
و آنچه اختیار کند مخلوق آن میکند که موی فسادت باشد و مر و ب که
چیزی مشورت با کسی محمد یا احمد یا حامد یا حمود نام داشته باشد با

حاضر شود مگر آنکه خبر برای ایشان اخیار شود **تسبیح** مرویت که این
مسائل از انجمن بر خور و بر دیکر از انجمن گفت و اگر خبری بر قدر الحیثی
کند تا آنکه چشم زدنت و چون از کسی می پویند که بنظرش حق است یا باطل
با یکدو روایت می گویند که چون از انجمن خم میزدان یکا د بخواند یا تسبیح
بگوید یا الله از مشورتشان این شوید و نیز رویت که چون جائز شود
که از آن خوشتراید وقت پرون رفتن از خانه معرزه بین بخواند که انشاء الله
تطمین شوید و حضرت امام رضا علیه السلام کسی فرمود که غالیه برای و ساختن
بنظر سبک رسیدن از خوشتر است و فرمود الحمد لله و قل هو الله و معرزه بین
و انشاء الله کسی می پویند و غلا و نیست بگوید که انجمن محقر باشد **تسبیح** چون
خبری خوش شنود بگوید الحمد لله و روایت بگوید بگوید که چون بعضی
یا احسانی مار فزع کرد و همان خدای تعالی برسد بگوید الحمد لله شکر شکر
کناده باشد و اگر مرتبه دوم بگوید نوازش بخند بد شود و چون مرتبه
سوم بگوید گناهانش آمرزیده کرد و اگر سجده شکر کند ده حسنه
شود و ده خطیئه عظیم محو گردد و ده درجه در بهشت بلند شود و رویت
که چون لغتی که خیرش باشد بیا دایم و اگر در جای باشد که کسی نمی بیند
کند و اگر در پیش مردم باشد بجز آنست که بهما از پشت خم کند و قصد سجده
و فرستادن خدای تعالی کند و اگر سوره باشد فرماید و سجده کند و اگر الله
شهرت و بیا کند بر قریب زمین سر بگذارد و اگر نقاشی بر کف دست بکشد
و حمد خدا کند و اگر کوهی یا جلاد یا خواهری را منح شود بگوید الحمد لله

چنین بگوید و اگر از سر من بفرستد بگوید شفا که شفا از سر من است
و اگر طفلی عطسه بگوید زک الله و اگر مریض باشد بگوید شفا که شفا
که سر من را حق و جنت است که اگر در آن تقصیر کنند روز قیامت عطسه طلب حق
خورد کند و خداوند تعالی برای او حکم فرماید و از آنجا دعای عطسه است و دعای
دعای عطسه بگوید و بگوید که الله و یصلح لکم تسبیح چون چنین را فراموش
کند و بیا دنیا بدست برسد بانی ندارد و بگوید که الله لکم تسبیح یا تسبیح
انحر و فاعلموا که مریضی فضل علی محمد و آل محمد و آن تذکره ای است
الشیطان چون در روز قیامت فرستاده بگوید بسم الله الرحمن الرحیم که هر کس
و لا فوالله العلی العلی لکم انوار تعب و فیما استمع من خلق
تعالی ابراهیم از دفع کدو نم و کرم و خور و غزلان و خضر و صا و و صلیت ام
که فرمود و عجب ایدم از عجبها و کس با عجبها و عجبها و عجبها و عجبها و عجبها
باین ایضاً بن حبیب الله و یعمم الکریم که خدای تعالی بعد از آن وعده که است
و سرور و رفعت فرموده و کسی که ممکن باشد عجب بنام باین ایضاً و لا اله الا انت
مسبحاً تا تالی کنت من الظالمین که خدای تعالی بعد از آن وعده نجات
از عجم فرموده و کسی که از کرم و عجم و عجم بنام باین ایضاً و لا اله الا انت
الی الله بعد از آن وعده امن و سلامت از کرم فرموده و کسی که سال خدا عجب بنام
باین ایضاً و لا اله الا انت که بعد از آن وعده مال و فرزندان فرموده
و و این عجب بنام که برای دل غم سهوی آسمان کند و سرور بگوید بسم الله
الحق الحکم که خدای تعالی که در عشر افصح و حد و نیز مریت که هر کس عجم

این دعا بخواند خدای تعالی عشر افصح بدو که اید الله انی عبدک و کرم
عبدک و ابن امک و ما حبیبی بدلت ما حبیبی عبدک که بخواند **ساعت**
چون چنین بامانت در جای گذارد و انا انزلناه بر این بخواند محفوظ ماند
انشاء الله **چون** بامانت در روز بگوید اللهم انی اسئلك خیر ما خلقت
الریاح و خیر ما فیها و اعود بک من شرها و شر ما فیها اللهم لمصلحنا
علیاً رحمة و علی الکافرین عذاباً و صلی الله علی محمد و آلِهِ و تبسبب
با و این بگوید انشاء الله شکی نیست **باید** طلبی ای معز دین بخواند
و بعد و صاعقه بگوید سبحان ربی سبحان ربی سبحان ربی سبحان ربی سبحان ربی سبحان ربی
و نیز بگوید اللهم لا تقنطنا بنصرتک و لا تهملنا بعقابک و عافنا قبل
ذلک **باید** بگوید صبا هینا **باید** از بیرون داخل خانه شود
بگوید ربی ادخلنی من کل صدق و اخرجنی من کل کذب و کبر و کبر
سلطاناً و صبر و چون داخل خانه شد بنشیند و بگوید بسم الله و یا الله استمد
ان لا اله الا الله و احد لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله
صلی الله علیه و آله پس در خانه کسی باشد بر سلام کند و اگر کسی باشد
که استلام علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین السلام علی ائمة
الهادیین السلام علیک و علی عباد الله الصالحین **تقسطم** اگر
کاغذی که نامی از نامهای خدا بر آن نوشته باشند در سر راهی و جایی
بچرخانی افتاده باشد خدای تعالی هفتاد هزار فرشته بر آن موکل گرداند
که با لها یخرد از آن محافظت کنند تا آنکه یکی زد و شان خدا آن را برد

باشد و معرفت مالی که زکوة آن ندهند و خدای تعالی فرض زکوة را بر هر نفس
نماز کرده اند و هر کس زکوة نهد نمازش مقبول نشود و هر کس ملک یا برادری که زکوة
معطل بر وی رسد و نیاز است از زکوة منع کند مؤمن باشد و نه مسلم چون
بیمه می رود باشد یا نصرانی و روز قیامت از دهای از آتش طوق کردنش
شود و عذابش کند تا وقتی که از حساب فارغ شود و هر کس زکوة طلا یا نقره
مع کند خدای تعالی روز قیامت او را در میان بانی محبوس سازد و ماری عظیم
که از بسیاری نمره می برش ریخته باشد بر او مسلط گرداند و چون هر چیزی
کویر و بخار نیاید ناچار دست جو خطا باور دهد تا بدندان پاره پاره کند پس
برگردنش بعد و عذابش کند و هر کس زکوة کو سفند و غیر آن از جیوات
مع کند در میان محبوس گردد که در جزایه صدمه او را پادشاه بر جزایه
دارد و آن پاره اش کند و هر کس زکوة نهد و فراموش کرد آنرا که زمین بخش نیست
طوق کردنش شود و رویت کرد و قیامت جمعی ز قبر بیرون آیند و ستم او کرد
بست و ملائکه چند بر ایشان مسلط باشند و ایشان را سرش کند و گویند
اینانند که حق خدا را از مال خود داده اند و بخیر و قلیل از آن بر خود می کشند
و چون مردم منع زکوة اسوالی خود کنند زمین هم باذن خدا بر کات خیرات
خود منع کند و حجب خط و تنگی شود و ادای زکوة و سایر اقباض و اجبات علامه
مایند و صدقات و سایر مستحبات بهمانی افضال است و فرایست خدای تعالی
حقا بر این علامه است **فصل بیستم** در صلکه اهل بیت طاهرین و زکوة
طیبین و ائمه ایشان از مؤمنین سلام الله علیهم اجمعین رویت از حضرت

عزیز الله و السلام
زکوة

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم رویت از اهل بیت من احسان کند و در رویت
چهار کس اشفاق کند که اگر چه با کناه تمام اهل بیت نباید که نصرت و نصرت
کرده و کسی مال خود را در وقت تنگی بذل ایشان نموده و کسی با دل و زبان
بایشان محبت داشته و کسی در جوارح ایشان سر کرده و حضرت صادق علیه السلام
فرمود رویت است شادی ندانند که ای خدایا این شخص غایب باشد که حضرت محمد
المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم باشد یا نه گفت کسی که در پیش آنحضرت بر سر است که بداند
خدا بر او هر کس بر سر نبی و معنی اهل بیت است و خیر و مال از آنرا که هر کس بداند
بدین و ما فدای نبویا و در احداث که هست و وقت و احسان بر تو باشد
باشد که گفت و وقت و احسان و شفقت هر چه در سول خدا است و هیچ
پس آنحضرت کوید بل هر کس یکی از اهل بیت مرافقه داده یا با ایشان یکی کرده
یا بر همه ایشان را پوشیده یا اگر سه یا سه کرده میاید تا مسکافات آن کنم
پس جمعی که این کارها کرده باشند بخیرند پس از جناب آنحضرت که ای حبیب
من مسکافات ایشان را بر تو رجوع داشتم و در جای بهشت که خواهر ایشان
جایی ده پس ایشان را در دوزخ که در جایت مخصوص آنحضرت و اهل بیتش
جایی دهد پس این امری است که در جایت مخصوص آنحضرت و اهل بیتش
نادر خدمت ایشان باشند و در میان شان حجاب مانع نباشد و هم
آنحضرت صلوات الله علیه فرمود که هر کس قادر بر صلای ما نباشد صلای
شیعه ما بجا آورد تا صلای ما داشته باشد **فصل بیست و یکم** در فضایل
معروف و احسان رویت از اهل بیت احسان علیهم السلام که بهشت را بدست

که در ساعتی محض خود شش ساعت بعد بیرون رویم چون رفتم و بستم
نسبت خوب بنام خدا و بچشم دست بردست زده از روی محبت و رحمت گفت هرگز
چنین چیزی ندیده بودم من گفتم طریقتی وقت بیرون آمدن تصدیق و آن
نحوه مغفوره و همان ایشا علیهم السلام مرویت که در زمان نبی کریم صلوات
تحتی عظیم شد روزی نیک لقمان داشت دروین گذاشت که بخورد سالی
سوال کرد از لقمان از درون بیرون آورده بایل داد اتفاقا آن از طفل
صغیر بود در صحنه او را بر او طفل فریاد کرد مادرش خبر یافتند در پی او را
روان گشت بپیش آمد و طفل را از درون کرک گرفته باو داد و گفت این لقمان
عوضان لقمان است و هم از ایشان علیهم السلام مرویت که در روزی از بزرگان بیرون
یکی از اولاد الله باو خبر داد که برت در شب عروسی خواهد و از آن که چون شب
عروسی رسید بر عیال را دید و در رحم کرد طعناش او بر گفت مرقده کوی
خدا را زنده دارد پس در خوابان و گفت که خدای تعالی بسبب این صدق
مرت از برت دفع نمود و نیز مرویت که هر کس صدقه را در دنیا خرج نکند
مگر که خدای تعالی بعد از وفات او را در آخرت بخوبی کند و مرویت که هر کس
نصدق کند اگر چه نصف عمر باشد و از دادن کم شرم کند و هر کس از آن است
و چون بداند آنچه بعد از او باشد جو کند پیش خدا عظیم باشد و اگر چه نباشد
مگر لایم و زبان خوش جوی که بدو در دنیا است خدای تعالی فرماید این
بنام انعام و احسان فرمودم و مال و فرزندانم را ختم و کوش عطا نمودم
کوین باو پس گوید و بنده که برای عمر و نفعم بنا کرده این چه چیز است که

خبر بیاورد که آنرا از ایشان دفع کند و زمین قیامت تمام آنرا است که
سابقه من که صدقاتش را پیش از آنکه بگذرد و آنرا منع نماید و کسی که
برای محتاجی به مثل آنرا که دارد که آن صدقه را داده و مرویت که آنقدر
صدقه بدهد که گوید اسراف کردیم اما اسراف کرده باشد و نیز مرویت
که قاتلین صدقه بدهد و از پیشانی فرزند که هر کس از صدقه داد
پیشانی نشود و صدقه مال را نداد که در دنیا و انبیا و کسی که پیشانی
سوی علیهم السلام نکند که در پیشانی من بخندد رسید که فلاخ و جلاله
خود بیرون کرده بن داد و نمود روزی بکر و صدق کن گفت از آنچه بن
بهم فرمود هر چه مقدور می شود بده اگر چه خود بان حاجت داشته باشی
احسان و مهر باقی که بکسی صدقه باشد خوشی که با کسی کوی حرفی باو
بشنای خفا کند او را بخوان و افضل صدقات آن است که پنهان باشد که
صدقه پنهان آنرا غنیمت باشد و صدقه شعل غنیمت الله با او کند
و گناه عظیم را محو کند و صاحب قیامت اسان کند و صدقه روز مال
و عمر را کند و خطاهای عظیم کنی را بخاک آنکس را و حضرت عیسی
علیه السلام بخوابد یا کندش فریادانی در آن انداخته حواریین گفتند و این
این نای فریاد بود و در حیوانات بخورند و در پیش خدا عظیم
و افضل صدقات آن است که در وقت تنگی و بریشانی باشد و بگوید
بخور و بخوابد و اگر عیال بعد از آن خویشان بعد از آن همایان
اگر محتاج باشد صدقه بدهی بدیگری نباید داد و هر چند کسی دیگر

می کند و نیز بایمال هرگاه خدای تعالی او را رحمت دهد و نیز عیال او مستعد دهد
و هرگاه کسی ترک کند و نیز بخین کند و بهیزین صدقه و احسان است که بعد
قد رکاف عیال باشد و هرکس مرتزبا اهل خود نباشد زقرش بادشود
حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمود وقتی که عیال من غنی شود
کند میان روزم و بهای ایشان کشت بخرم و دستم دارم بکنده انانکم
و اهل کجخانه از سکنان اعیال خود و کسی در دنیا طلب بخت حضرت پیغمبر صلی
علیه السلام و علم برده گفت میخوام باین مگر بخرم که باین سوار شوند و در راه خدا
جهاد کنند فرمود والدین داری صرف ایشان کن که افضل است بخان
که خود و نیاز دیگر آورد فرمود زنت داری صرف کن که افضل است بخان
که خود در دنیا دیگر آورد فرمود خادم داری صرف کن که افضل است بخان
که خود و نیاز دیگر آورده و گفت باین مگر بخرم فرمود بخرانها باینکه این افضل
از آنهاست و مردی که موت بخوانش اهل خود چهری بخورد و میافزاید
خود **فصل هجدهم** در احسان مؤمن بطعام و جامه و بیت از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که هرکس بخواهد احسان کند چنان است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
کرده باشد و هرکس مؤمن را طعام دهد بهتر است از آنکه دهنده از او دکنده
چنانکه از او و اگر ملک مؤمن بخوان طعام دهد چنان است که ملک کسی از او داد است
از آنچه بخوان دهد و اگر مؤمن فقر را طعام دهد چنان است که صدک از او داد
اسماعیل از آنچه بخوان دهد و اگر از آن است که ملک بده از او دکنده و اگر مؤمن
طعام دهد خدای تعالی او را در ملکوت سمی او را ندهد بهشت فرزند و وطن و جنت

عدن طعام دهد و از درختی که خدای تعالی در بهشت بدست خود نشاند و
امام محمد باقر علیه السلام فرموده بکسی که خادم دوستم دارم از آنکه هفتاد دینه از او
کنم و اهل کجخانه از سکنان اعیال خود که کم که گرسنه اند یا فریاد کنند و بوجه برایشان نم
وایشان از حاجت مردم بهانم دوستم دارم از آنکه هفتاد دین بکدام و هرکس
مؤمن را در بهشت اعانت کند یا بوجه برایشان خدای تعالی هفتاد هزار سال
توکل کرد آنکه تا وقت صورت برای همه کن امان او استغفار کند و روایت
دیگر هفتاد بهشت برایشان و سکر است بوی برافسان گرداند و فرزندانش
کند و چون از قبر برون آید ملائکه استقبال کنند و بتارش دهند و او را
خاصیست و رویشند و تا از آن جامه رشت باقی باشد ملائکه در و صلوات
فرستد و در دهقان خدا باشد و نیز رویت که هرکس مؤمن برهنه برایشان در بهشت
خدا باشد تا از آن جامه بپوشد یا بپوشد و رویت که احسان ناپسند نکند
مکرمه حضرت یحیی علیه السلام از اسماعیل و حقیق انکاری تا در فقر او عظیم شود و قوم
او که بیخان داری تا بر او گذار شود و ستم آنکه در ادای آن عجز کنی تا تمام شود و چون
این سه حضرت مراعات شود احسان در پیش خدا عظیم گردد **فصل نهم**
در فضل اهل قرین دادن و احکام متعلق بآن و رویت از اهل بیت علیهم السلام
علیهم السلام که از صدقه بکسی بدهد و فقر بقرین دادن بکسی بدهد و هرکس بقرین
دهد و فقر که فقر بر او ایوان بپوشد یا ملائکه در میان باشد و برای او صدقه
شود و نیز رویت که هرکس بقرین فرزند دهد بویک درهم مثل کوه احد و طوبی
و رضوی که کوهیت در مدینه جنت عطا نماید و اگر در مطایبان و ملائکه

پس از عذاب چون برق خالفت از من طایفه که در دوزخ میروند که هر کس در دنیا
 قرض دهد و در مسأله بعد از آن که خدای تعالی بگوید هر چه از قضا را از دست
 فرماید و هر کس بخواهد قرض دهد و قضای جانشین کند و او را سر و گردان
 حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را سر و گردان باشد و چون و عذاب و چون
 از دفع شود و اگر مقدور نباشد و بدهد بوی پشت بر حرام شود
 و رویت که قرض او و خیر و نان و انش و مثال آن از جمله کارهای اخلاقی
 و جلب رزق کند و مضایقه و آن سر و قفس باشد و هر کس قرض او را
 برین شان از هر ملک دهد یا چیزی از خود یا بخشد در سایه رحمت خدا باشد و رویت
 که هر کس سباده و پناه بنیاند و از حرارت خشم و غم بپاشد و چنان است
 که هر روز مثل آن تصدق کند و اگر کسی را حلال کند هر چه در دست
 یابد **فصل دهم** در سایر معنی خیر و بر از انچه از حق معلوم است
 و حق معلوم آنست که کسی مال خود را بری معین بقدر وسع خود مقرر کرد
 که هر روز یا هر هفته یا هر ماه یا هر سال و بجهت معین بفقرا و مساکین و
 خدای تعالی در قرآن مجید فرموده و نفی است و در نسخ او از کند و بجهت
 خود طلبد کسی را که از راه راست روگردانند و ما را از این سر جمع نموده و بخیر
 کرده مگر چند طایفه را یکی آنکه در مال خود و حق معلوم مقرر کرده باشد و از آن
 بنای خیر نیامده باشد و رویت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر کس در دنیا
 مسجوری بنا کند خدای تعالی بقدر هر یک و بجهت آن با هر یک ذریع و تر و دارا
 بنا کند در بهشت شهری که جمیع هزار ساله راه باشد از ظلال و فز و در و ملاوت

و تر و وزیر و در شهری که جمیع هزار هزار فقر و در هر فقری که جمیع هزار فقر
 در هر فقری که جمیع هزار فقر و در هر فقری که جمیع هزار فقر و در هر فقری که جمیع هزار فقر
 و در هر فقری که جمیع هزار فقر و در هر فقری که جمیع هزار فقر و در هر فقری که جمیع هزار فقر
 و جمیع هزار فقر و در هر فقری که جمیع هزار فقر و در هر فقری که جمیع هزار فقر
 از اهل بیت باشد و احادیث معتبره آمده که کاه هر چه در مال او باشد و منک
 چنانست که در برای مسجد از آن ظاهرین علیهم السلام می پرسیدند که این زمین از انچه است
 میفرمودند و از انچه بنای ساز است و در هر ماه رویت از انچه حضرت صلی الله
 علیه و آله که هر کس در راه پناهی و معزلی بیازد که قافله و سر و درین فرو و این چون
 و نفی است معیشت شود بر کجای از در و سوار شود و نور و نفی بر تمام اهل محشر
 تا بان باشد و با این اجماع علیهم السلام در مکانی از رحمت نماید و اهل محشر گویند این
 فرشته است که مثل او در میان فرشتگان نیست و جمیع هزار فقر و از انچه است
 او داخل بهشت شوند و از انچه عتیق رقبت است رویت از اهل بیت ظاهرین علیهم السلام
 که هر کس در مؤمنی را از آن که خانه و بهشت برایش نباشد و در هر عصری از روز
 آنش از آن سو و حتی فرج فرج و کافر و مشرک را بنا بداند و گردن و اگر طفل یا
 عاجز یا زاده کند باید فقه اش بدهند تا وقتی که خود شرف و رفعت بر تحصیل
 نیابد و بداند که در حال تنوع باشد از آن که در دنیا و در دنیا **باب**
هفتم در فضیلت روزه و احکام متعلق بان از ادای فضل امتکاف
 و متعلقان آن از ادای قربان این مجموع است از راه دوده فضل بان
فصل اول در فضایل متعلق روزه و رویت از اهل بیت ظاهرین علیهم السلام

که چیزی از گوشت و زکوة بدن روزه است و روزه ساری از آنست که
روزه دار هیچ در عبادت است که چه خواب باشد و مادام که غیبت سلی
و خدای تعالی روزه مخصوص نیست یعنی نهان ترین عبادت است
و از یاد دور است از هر چه که بر خورش باریست و بوی دهن روزه دار
پیشتر است از بوی مشک دیگر از روزه که خاص برای خداست و باری
باید سال و هر که روزه خرد از پنهان دارد خدای تعالی فرماید ای بلکه
بنده من از آنش بپایه جوی پناهش دهد ای که نماید برای روزه داران
دعا کند دعا بستان التماس بفرماید و هر که روز روزه بگذرد و در وقت
که ما وقت نشو و خدای تعالی از ملک تو بگذرد فرماید که آن ملاطفت است
کنند و بپا نشو و حتی که افطار کنند و فرماید چه خوش این روز از
بوی تعالی بگویم که گواه باشد که کناهای را امر بیدم و حضرت پیغمبر صلی
علیه السلام روزی فرمودی خواهید شمار بجای تعالی که شیطانی از شما
دور کند مثل دوری شرف از مغرب گفتند بلی یا رسول الله فرمود روزه
رویش بپایه کند و صدقه پیشش بگذرد و دوستی برای خدا و معاوت برادر
خیر بخیر انجام بکند و استغفار و دلش قطع کند و خواب روزه دار عبادت
و نفسش تسبیح و غلش مقبول و دعایش مستجاب است و هر که یک روز روزه
بگذرد و طبع نباشد مغفرت کناهای از خدا و طبع نباشد و بپایه
که کسی یک روز روزه بگذرد و در وقت نماز گذارد خدای تعالی فرماید ای
هر که از این بگویم و طبع نباشد و اگر از این بگوید و چون روزه دار پیش جوی

شود که چیزی خورد هر صی که در بدنش باشد بپا نشو و ملائکه برایش استغفار
نمایند و چیز است که طعم قطع کند و حافظ را بداند که از روزه و سوار است و آن
فصل دوم در قضای ماه و حیه و بیت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که ب
نام نه است در بهشت سفید تر از شیرین انجلی هر که یک روز روزه
درین ماه روزه بگذرد از آن نه باشد و از آن روز و رخ صد ساله را از
دور شود و روایت دیگر آمده که هر که یک روز درین ماه روزه بگذرد
خدا غنیمت دانند و میان او و در رخ هفتاد و خدای تعالی
فاصله کند که عرض هر چند قتل مبین زمین و آسمان باشد بهشت او را
و طبع نباشد و اگر یک روز در میان بگذرد و شمع کناه کاران شود و بعد
تسبیح و مضمر که دو قیل اند از اعظم قبایل عرب و اگر یک روز روزه
بگذرد از پادشاهان بهشت شود و شمع بپزد و مادر و برادر و خواهر را
و عم و عمت و خال و خاله و از شایان و همایکان خود شود که سبب
است باشد و نیز از روایت که هر که درین ماه یک روز از اول و یک
روز از میان و یک روز از آخر روزه بگذرد کناهای گذشته از طاعت
شود و اگر سه روز بگذرد کناهای گذشته و اینده همه امر بپا نشو و هم
از ایشان علیهم السلام روایت که هر که یک روز از اینها روزه بگذرد با ما در بهشت
ما باشد و وقت شام او را ده دعا مستجاب باشد و اگر برای دنیا دعا کند
خدای تعالی عطا فرماید و اگر بخواهد که از اولیا و اصفیا دعا کرده اند
برای آخرت بخیر کنند و اگر دو روز روزه بگذرد در زمره صادقین بخیر

شود و با ایشان بهشت رود و هیچ کس از اهل آسمان و زمین نتواند بیان
 کرد آنچه از فضل و کرامت در پیش خدای تعالی برای او مهیاست و گناهان
 گذشته اش همه از یادش شود و اگر سه روز بگذرد گناهانش همه از یادش شود
 و هرگز آن دوستان و آشنا یان و اقربا نخواهد شفاعت کند و محبت حق
 او بخند و لجب شود و اگر چهار روز بگذرد جزین و جلال و جود و از قضا
 حلال و عذاب باقی نماند و مثل ثواب تقوا بین او بین برایش می رسند
 و آثار اعمالش از دست راست او ایل عابدین با و دهند و اگر پنج روز بگذرد روز قیامت
 رویش مثل ماه شب پاره باشد و بعد از هر یک بیان عاجل حیات دهند و
 بختا می بینند و گویند چه چیزی خواهی از خدا طلب کنی و اگر روز بگذرد چون از قبر
 بیرون آید رویش از آفتاب روشن تر باشد و غیر از این نور دیگر با و عطا فرمایند
 که تمام محشر از آن نورانی شود و از اهل حال روز قیامت این باشد و بجا آید
 رود و اگر هفت روز بگذرد هفت روز نوح از دستش شود و آتش بر حرام شود
 و اگر هشت روز بگذرد هشت در بهشت بر او کشته شود و اگر نه روز بگذرد روز
 قیامت او را نوح عطا کنند که اهل محشر همان کت که بر آن جمله انبیاء کتب
 قرآن است که بجا آید بهشت رود و اگر ده روز بگذرد خدای تعالی با و دهد
 مندرم بزرگ یاقوت که چون برق از صراط بگذرد و سیات از عبادات مبتد
 گردد و از جمله تیرین نوشته شود و چنان است که هزار ساله عبادت کرده باشد
 و اگر یازده روز بگذرد قیامت هیچ کس شایسته او نباشد مگر کسی که الله را شسته
 کوفت باشد و اگر دوازده روز بگذرد و حله از دستش بر آید بهشت در پیش

که اگر کسی

که اگر کسی از اهل دنیا آید و در روز آخرت با او مشورت دارد و او را بگوید خوش بوی از
 مشک کرداند و اگر سیزده روز بگذرد روز قیامت که هر کس بخت و بدیه کوفت
 باشد برای او در سایه عرش خوانی گذاردند از یاقوت سبز هفتاد مرتبه و سبع
 تر از تمام دنیا که در داف کاسه با و بختها باشد از دوز و یاقوت و در هر یک
 هفتاد نوع نعمتها باشد که هیچ یک بدیگری شبیه نباشد و او در کنار آن
 و نعم مشغول باشد و اگر چهارده روز بگذرد انقدر قصرها و ثوابها
 با و دهند که هیچ چینی ندیده و هیچ کوشی نبیند باشد و اگر پانزده روز بگذرد
 روز قیامت در سرفراستین باب است و هیچ غمخیزی و غم نشسته و نگرانی
 مگر کوی که خوش باد که توان جمله تیرانی و اگر شانزده روز بگذرد از اول حیات
 باشد که بر برگهای نور سوار باشد و در عرض بهشت ببرد و اگر هجده
 روز بگذرد روز قیامت هفتاد هزار شمع از نور بر صراط گذارند که در
 الظاهر و در باطن یک بتلیم و بلا لطفت مشایعتش کرد و اگر هجده روز بگذرد
 در جنت خلل برسد و یاقوت با ابراهیم علیه السلام رحمت نماید و اگر
 نوزده روز بگذرد در جنت عدن برای او قصری بنا کنند از لؤلؤ و
 قصر آدم و ابراهیم علیه السلام که بر هم سلام کند و با هم صحبت دارند و در
 روز که در وقت کوفت ش هزار ساله روزه باشد و اگر بیست روز بگذرد
 قبیل مصر که از کار او شایع باشد اگر بیست و دو روز بگذرد نماند
 از آسمان نماند که ای و خدا مرده با در آنکه امتی عظیم خدا و وفاقت
 بنشین و صدیقین و شهدا و صالحین و اگر بیست و سه روز بگذرد از آسمان

گردانند و اگر ده روز یکبار قمری باشد هفتاد و چهار در هفتاد و پنج و بیست
 کند و اگر یازده روز یکبار باشد بیست و نه و در بیست و نه کند و اگر دوازده
 روز یکبار هر روز در هفتاد و چهار باشد و اگر بیست و نه روز یکبار
 ملائکه هفتاد و چهار برای استغفار کنند و اگر بیست و نه روز یکبار همه چیز
 حتی ماهیان دریا را برای استغفار کنند و اگر یازده روز یکبار خدای
 تعالی بفرستد خود قسم که مرا با این عذاب نکند و اگر بیست و نه روز یکبار
 هفتاد و چهار بار تسبیح از او بخواند و اگر هفتاد و چهار روز یکبار همه درهای
 بهشت بر او گشاده شود و درهای دوزخ از او بسته شود و اگر هفتاد و چهار روز
 هفتاد و چهار بار قل از او بخواند در بهشت با او دهند و اگر بیست و نه روز
 یکبار همه درهای بهشت بر او گشاده شود و اگر بیست و نه روز یکبار هفتاد و چهار
 العین برایش فرو فرستد و اگر بیست و نه روز یکبار ملائکه با او می
 و ملائکه نمایند و اگر بیست و نه روز یکبار هفتاد و چهار بار قل از او بخواند
 در بهشت و اگر بیست و نه روز یکبار هفتاد و چهار بار قل از او بخواند
 پوشد و چون از قبر بیرون آید کجا نرسد و سوار شده به بهشت
 رود و اگر بیست و نه روز یکبار شصت و هفتاد و چهار بار قل از او بخواند
 و اگر بیست و نه روز یکبار از اتفاق بری شود و اگر بیست و نه روز یکبار از او
 بخواند و اگر بیست و نه روز یکبار از او بخواند و اگر بیست و نه روز یکبار
 روز یکبار رویش نوزانی و درختان باشد و اگر بیست و نه روز یکبار صبح
 اکبر الهی فایز شود و اگر بیست و نه روز تمام یکبار خدای تعالی فرماید که گناه تو بجز

اسمان و قطره باران و برکت درختان و خاک زمین و دریاک بیان باشد
 که هر امر بیدم و نیز مرویت که هر که ماه شعبان را بماء عمار رمضان متصل
 کند گناهان گذشته و آینده اش باشد و نیز مرویت که هر که بیست و نه روز
 از آخر انبیاء روزه کرد و بماء مبارک رمضان متصل کند چنان
 که دو ماه متوالی روزه گرفته باشد و گناهان گذشته باشد **فضل**
چهارم در فضایل روزه ماه مبارک رمضان مرویت از حضرت
 نبی صلی الله علیه و آله که فرمود اگر شما فضایل این ماه را بداند خدای تعالی
 بسیار شکر کند که این تفصیل بنما فرموده هر کس این ماه را روزه کرد
 روز اول گناهان عمر بزرگ شود و در هزار درجه برایش بلند کند و در روز دوم
 روزه یکبار انبیا و روز بیستم بعد هر سالی که در این دارد قیامت در روز
 عطا فرماید از در سفید که بر بالا بهشت دوازده و در زیرش دوازده
 خانه از نور باشد و در خانه هزار بر هر بر چوری نشسته و هر روز هزار
 ملک هر یک با تحفه و هدیه پیشش آیند و روز چهارم در جنت خلد
 هزار قصر عطا فرماید در هر قصر هفتاد هزار خانه و در هر خانه هزار بر
 بر هر بر چوری نشسته در خدمت هر یک هزار کنیز که به مقنع هر یک
 از ایشان بفرستد از تمام دنیا و ما فیها و در زیر پنجم در جنت الماوی
 هزار شهر در هر شهر هفتاد هزار خانه و در هر خانه هزار بر و در هر خانه
 در هر خانه شصت نوع طعام که هیچ کدام یکدیگر شبیه نبود و در ششم در جنت
 السلام صد هزار شهر در هر شهر صد هزار قصر و در هر قصر صد هزار خانه

نسخه
 هر کس که بر او عبادت یکساله
 و در روز بیست و نه روز یکبار
 و در روز بیست و نه روز یکبار

بهر کس که در هر روز از این دعا بخواند هر روز در پیشگاه خداوند عز و جل حاضر باشد

صد هزار کیس و پنجاه بادق با قوت باقی یکس و هر یک یک کیس که در دست گرفته روز
هفتم ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدق عطا فرماید و روز هشتم
عمل شصت هزار و عابد و شصت هزار زاهد و روز نهم ثواب عالم هزار
و هزار از بطریق میل الله و روز دهم چنان باشد که هفتاد هزار حاجت برآورده
باشد و اوقات ماه و ستارگان و همه مخلوقات حق طیب و سیاق و سکن
کلخ و مایهان در باب و برکت در میان برایش استغفار کند و روز یازدهم
ثواب هجده و چهل هزار که هر چه با نوری و هر چه با جلال باشد که در دنیا
و روز دوازدهم استغفار کند و حشرات شود و حشرات مضاعف گردد که هر
خسته بر او خراج بدهد باشد و روز یازدهم عمل عبادت اهل که در دنیا
و بعد از هر یک و کلخ و مایهان که در دنیا استغفار عطا فرماید و روز
چهاردهم چنانست که با دم و نوح و ابراهیم و موسی و داود و وسیله ملاقات
گرفته و صحبت باشد و چنانست که با هر پیغمبری دو بیت سال عبادت
کرده باشد و روز پانزدهم چنانست که با هر شیئی که باقی عطا
فرماید و دعایش مستجاب باشد و جمله عرش برایش استغفار کند و روز
قیامت چهل هزار عطا فرماید و در هر جانبش ده نور و روز شانزدهم
از قبر برود و ثواب شصت هزار بهشت در پیشند و بر کعبه از بهشت وارد
شود و ابوی بر سرش از آرزو ساقیه کند و روز هفدهم کنایان
او و کنایان ابایش امر رفته شود و از شداید روز قیامت این گردد
و روز هجدهم خدای تعالی فرماید که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل

و سلم

و جمله عرش و کوئین برایش استغفار کند تا سال دیگر و روز قیامت
ثواب عیسا باو عطا فرماید و روز نوزدهم چنانست که با هر شیئی که در دنیا
ادب خواسته هر روز بر او ثواب چهل هزار عطا فرماید و روز بیستم
بیت هفتاد هزار ملک بر او ملک شود که از شیاطین محافظت نمایند
و بعد از هر روز که روز کوفت ثواب صد ساله روز عطا فرماید و میان او
دو رخ خندق فاصل کند و ثواب هر کس بودی و انجیل و زبور و فرقان
خوانده و بعد از هر روزی از ابوالجبرئیل عبادت بجای آید و ثواب چهل
عرش و کس عطا فرماید و بعد از هر روز از قرآن خوری برایش ثواب دهد
و روز بیست و یکم خدای تعالی فرماید که از هر روز و سیع که داند و وحشت
ظلمت از او برکد و قریش مثل قبول شهید اگر داند و روز بیست و دو
بر صفت علیت کم کند و روز بیست و سوم ملک الموت در وقت قبض
روحش چنان آید که چنان بیامرد و هر روز یکم و یکم و یکم و غلب
الخرق از او بر خیزد و روز بیست و چهارم با بنی بن و صدیقین و شهدا و
صالحین از صراط پاک گذر چنانست که هر یک و اسیر و برهنه را پوشیده
باشد و روز بیست و چهارم از دنیا رود و تا جای خود در بهشت
فرستند و ثواب عطا فرماید و هر روز یکم و یکم و یکم و غلب
باشد و باید و چنان باشد که هر روز از اولاد اسماعیل از دکن
و روز بیست و پنجم خدای تعالی در زیر عرش برایش ثواب نوزده
بنا فرماید و بر هر یک خیمه از نور و فرماید ای بنده من در دنیا عرش

و زین

من درین قیام یا سحر و از غنای کثرت تقوی نماید و از هر چه فائده در آید با
و هزار حاجت روزی سرش نمند و بر کجای نرسد و شود که نماز او قبول باشد
و بر نماز او حلقه طلا و بر حلقه نیکو نکل در دست هر سال بخوری
از نور و داخل بهشت شود و از این و آخرین از حال او در قیامت باشد و روز
پست و ششم خدای تعالی بر وی نظر کند و همه گناهانش را بامرزد و مگر
و مال مردم و روزی پست و هفتم چنانست که هر مؤمن و مؤمنه از نعمت کرده
و حفظ او را بر زمین بماند و هزار مرتبه بیست و یک بار خداوند را بخواند که در جمیع
کتابهای اخراوند باشد و روزی پست و هشتم خدای تعالی او را در جنت خلعت دهد
شهر از نور و در جنت الماوی صلاه و نور از فقر و در جنت نعیم صلاه
خانه از نعمت الهی و در جنت فردوس صلاه از شهر و در شهر از حجر و در جنت
الجلال صلاه از شهر از شهر و در جنت هر منبر هزار خانه در هر خانه هزار
هزار بر پا و در جنت و در هر جوی پست و نهم عطا فرماید و در جنت
نهم هزار از منزل و در هر منزل قیام سفید در هر قیام سرری از کافور و یک
سیر هزار رساند از سبزه و در هر سبزه جوی پست و دهم عطا فرماید
حل پیر شده و هشتاد هزار کیس کلید بدو عطا فرماید و پست و یازدهم عطا فرماید
و چون سی روز تمام شود بعد از هر روز که روزی کوفه ثواب از شهید
و هزار صدیق و عبادت پناه سال عطا فرماید و هر روز که روزی دوازده
مبارک و روزی هزار روز باشد و بعد از هر درخت و گیاه که از آن میوه
رسته در جنت بماند و از غذای این باشد و بر صراط بگذرد

و بهشت در دست ریان نام که تا روز قیامت کشته نشود و از نور بکشد
و رضوان خازن بهشت گوید ای روزه داران ماه مبارک رمضان
از امت محمد صلی الله علیه و آله این در داخل بهشت شوید پس حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود کسی که درین ماه امرزید نشود در کدام ماه
خواهد شد و فضل سایر روزهای سخت هر یک در جای خود است
بباید **فصل پنجم** در آداب صیام و بهشت از اهل بیت ظاهرین علیهم
السلام که روزی گرفتن همین از خوردن و آشامیدن نیست بلکه چون
روزی که می باید چشم و گوش و بوی و پوست و جوارح و اعضا را از تمام
قیح در روزه باشد و روز صیام مثل سایر ایام نباشد یا مردم مجاهد و قیام
مکن و دروغ مگوئی و دشنام دهی و قسم بخوری و مردم را سختی ندهی
مرغان و از آن که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و آله و سلم را دیدن روزه
دا که کینه از خود را دشنام داد آنحضرت آنرا از طایفه و طعمای
فرمود بخور و گفت من روزه دارم و نه خوردن و نه داری که دشنام میدی
روزی همین از طعام و شراب باشد و چون کسی روزه دارد دشنام دهد
او را بگویند من روزه دارم مثل تو دشنام میدی هم خدای تعالی فرماید
من روزه بنا میبرد او را پناه آید و دشنام و نیز مرویت که در روزه
و در شبانه روز جمعه در شب طهارت و در شبانه روز ماه مبارک رمضان
و کسی محرم باشد و در کعبه معظمه شعر خواندن نشاید اگر چه در مدینه اهل
بیت علیهم السلام باشد و مرد از جن شراب است که مثل بر کند و همچو طعمای

واقفات و دعای باطل و غیر واقع و امثال این باشد چنانکه در میان شعرا
شایع است اگر چه موضوع حق باشد مثل مدح اهل بیت علیهم السلام و اگر چه
ایشان ارفع از آن باشد اما اگر معالی حق واقعی باشد و موضوع نیز حق
باشد مثل مناجات و موعظه و مدح اهل بیت علیهم السلام قصوری ندارد
چنانکه از تتبع کلام عرب و اخبار و آثار اهل بیت علیهم السلام ظاهر و مبین است
و روزه دار افضل اینست که مضیفه و استنشاق بخند مکر برای نماز در حینه
و یا چوب تو سوا نکند اما اگر چوب خشک باشد و بایز تر کند حرکت
دهد تا آتش بریزد و قصوری ندارد و سرکه مشک و استنشاق با بعضی
محبوب و بگو شود در چشم نکند و جالب تر نباشد مگر بعد از افشردن آن
در آد آبستن قصوری ندارد مگر زانو و شکم و نوک و ریحان
و هر کس با خوشبو نبوی که بخیل برای صایم مکر و هست اما با عطرها و کله
و بخور قصوری ندارد بلکه قیط و بخور برای صایم مستحب است و مرویت که روزه
دار در اول روز قیط کند و غلش زایل شود **فصل ششم** در سجده است
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در ماه مبارک رمضان افضل اینست
که رکعت سجده کنند و در غیر آن اگر خواهند کنند و اگر خواهند نکرد
همیشه سجده کنند کای صلو که اگر چه با پیشها افطار کند که قوت بر صوم دارد
باید و خدای تعالی بر سجده کنندگان صلو و رحمت فرستد و هر کس قوت
سجود و افطار را تا آنکه از نماز بخواند چنان است که در راه خدا و خیر بخورد
غلبه باشد **فصل هفتم** در افطار مرویت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام

که حضور

که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله افطار بجلو میفرموده و اگر جلوانی بود
بقند و خرما و اگر هیچ کدام نمی بود نابت بکرم و افطار نابت بکرم و بعد
و جگر را پاک کند و بوی دهن خوش کند و دندان محکم کرد و اندوختن
قوت و جلا دهد و کناها را از دل ببرد و کلهای جهنم را نکند
دهد و صفا بکند و بلغه قطع کند و حلاوت معدن و صداع را بیل
کردند و افضل اینست که اگر کسی انتظار نکند افطار بعد از نماز نکند
که روزه بنام ختم شود و دعا در وقت افطار مستحب باشد و افضل
قرات اقا از لثاء در وقت افطار در فضل سابق گذشت و در وقت
افطار بگوید یا عظیم یا عظیم یا عظیم ان شاء الله لا اله الا انت اعظم
العظیم ان شاء الله لا یغفر الذنوب الا انت یا عظیم ان شاء الله یا عظیم ان شاء الله
مثل روپی که منور شده و ایضا در وقت افطار بگوید یا عظیم یا عظیم
یا عظیم ان شاء الله یا عظیم ان شاء الله یا عظیم ان شاء الله یا عظیم ان شاء الله
فصل هشتم در قیط صایم مرویت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که هر کس صایمی افطار نماید پیش از خواب داشته باشد و هر عبادت
و حسنه که بقوت آن طعام کند در ثوابش شریک باشد و افطار فرمود
صایمی افضل است از روزه که خورده و اگر در صایم رمضان افطار فرمود
چنانست که بنده آزاد کند و کفاره کناها را نکند باشد و حضرت
اما محمد باقر علیه السلام یکی از اصحاب فرمود بنویس که در ماه مبارک رمضان
هر شب بنده از ولاد اسمعیل از آن کسی گفت ما را باقی قدر وفا کنند

واقع شد مستحبست درین روز روزه داشتن و عمل کردن و جامه پاکیزه
 پوشیدن و غبطه نمودن و خواندن هر یک از این اذکار و ایستادن عبادت اقام سال
 اللهم هذه سنة جسدك وانت ملك قديم اسفل جبرها وجرها وبقها
 واعود بك من شرها وشر ما فيها واستغفرك مؤمنها وغلها بالانجيل
 والاكلام وهر كرس من روض بعد ان تمان عصر جهار ركعت نماز گذارد و در
 اول بعد از الحمد ده انا انزلناه و در دوم ده قل يا ايها الناصرون و در
 ده قل هو الله و در چهارم ده معبود من و بعد از فراغ سجدهات كنند و در
 اين دعا بخوانند چاه ساله كنند افسوس بر من شود اللهم حسبي على محمد
 ال محمد لا و صلياً المزمين و على جميع انبيائك و مرسلك ما قبل
 صلواتك و بارك عليهم بافضل بر صلاتك و صل على ارحمهم و صل
 اللهم بارك على محمد و بارك لنا في خير ما هذا الذي فضلكه
 و كرمته و شرفه و عظمت قدره اللهم بارك فيما انزلت على
 حتى اشكر اعداءك و قدح على من يري باء الجلال و الاكرام اللهم
 ما غاب عن من حق فلا يبق في عونك عليه حتى لا انكف ما لا اخراج
 لا الجلال و الاكرام و يوشن هفت لام باشك و زعفران و كلاب و شاد
 ان امانات تا روز بكار عمل و امر بخداست و است و در سجده
 بنظر رسیده و در حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله و سلم
 لقول و لا تخال الخ لخال الحسن الخ بعد اقام سال شهره
 اما حدی بنظر منید **فصل** در اعمال ماه که مخصوص این ماهی

ندارد و نسبت از هفت طاہرین علی السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه
 و آله ماه فید بدی می باشد و اما الطبع الثانی السبع المصروف و مکتوب
 الجبروت بالقدس برین و برکت الله اللهم اهلك علينا بالامن و الايمان
 والاسلام والسلامة والاحسان و كما بلغت اهلك قبلتنا احره و
 اجعله شهر ابارکنا بخیر فيه الساعات و ثبت لنا فيه الحقائق و رفع
 لنا فيه الدرجات و اعظم لنا الخيرات و اكرضنا دعای صحیفه کامله
 بخواند که اتم و کاملست و هر کس درین ماه هفت مرتبه الحمد بخواند و راناه
 چشمت از زمین باشد و هر کس درین ماه هفت مرتبه الحمد بخواند و راناه
 از زمین باشد و هر کس در اقل ماه پیغمبره ایستد هست که در راناه دعا و
 مرد شود و اقل ماه در رکعت نماز بگذارد در رکعت اول بعد از الحمد
 قل هو الله و در دوم می راناه انا انزلناه بخیر و آنچه مقدور شد تصدق
 کند و سلامت نامه از خدای تعالی بخرد و هر کس در هر ماه حضرت ایا
 حسین علیه السلام زیارت کند و از صد هزار شکر از شهادت بدی بدی
 و شد است در هر ماه سه روز روزه داشتن پنجشنبه اول و آخر ماه
 و چهارشنبه میان که بر ابواب با صوم هر دو سه خاطر واقع
 کند از نامه طاہرین علیهم السلام از سیب این روزه سؤال نمود و نمود
 پنجشنبه برای اذکار اعمال جزئی و تعامری می شود و نسبت بار و روزه
 شود و چهارشنبه میان ماه روزه عذاب است و ارکان انش و چهارشنبه
 افزوده شد و خدای تعالی جمع اسماء و چهارشنبه میان ماه عذاب

کرده و روزمان است از خدا بزرگوار اول ماه و پنجشنبه باشد اول الفضل
والخر و پنجشنبه باشد اخر الفضل و اگر سید یا بنویسند شقی روزی
دشوار باشد فضا کند بایکد هم که بخندد و دنیا است بایکد کند
باغبان از طعامها که بخندد ازین تبریکها یکت نصف کند و روزی
بسال آمد که نصفه و فضل است و در یکی این ربایات آمده که این
نصفه در نظر روی کم نمود اما علی السلفه بود مؤمنی طعام داد
افضل است از یک ماه روز کفر و نیر و نیست که هر کس یکی
از ماههای حرام که در جبهه الفعد و ذوالحجه و محرم است پنجشنبه
و جمعه شنبه روزی کرد عبادت هشتصد ساله برایش نوشته شود
فصل سیم در اعمال ماه محرم الحرام اینها اول سه هجرت است بر
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام هر کس هر سال روز اول این ماه دو رکعت نماز
کند و بعد از سلام سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَبَدِيُّ الْقَدِيمُ
الْعَفْوُ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ وَ هَذِهِ سَنَةُ حَبِيبِكَ فَاسْتَكَ الْعَصَمَةَ فِيهَا
مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَالْعَوْنُ عَلَى هَذِهِ النُّفُورِ الْاَمَارَةِ وَالْاِسْتِعَاذَ
بِمَا بَقِيَ مِنْكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْاَكْلَامِ يَا اَرْسَلَ
الرَّحْمٰنِ خدای تعالی برود و ملک مؤکل گرداند که بقیه عمر بخوابد
از دفع کند و از متابعت نفس انار و پیروی هوا و هویر محاش
نماید و بر طاعات و حقا اعانتش کند و روز جمعه این ماه فضیله
عظمتی که واقع شده و بنیامیه و اتباع ایشان لعنهم الله این روز بزرگ

کردند

کردند و روزی که هر کس این روز روزی کرد بان تبرک کند با ال
سید باد لعنهم الله در جهنم باشد و هر کس این روز فخره گذارد خدای تعالی
نفاق و رشق اندازد برکت از روزان اولادش و اهل بیتش بر دارد و بخوان
در این شریک شود و اگر سعی در کارهای کارهای دنیا کند ساخته نشود
اگر شود مبارک نشود و هر کس این روز دست از حایج باز دارد خدای
تعالی حایج دنیا و اخرتش را بر دارد و از اعظم سختی است درین وقت
مشغول مصیبت حضرت امام حسین علیهم السلام و اهل بیت و از با و اصحاب
او علیهم السلام که اعظم باشند بلیات بودن و نیست مصیبت مردگان و خوف
و گریان جلوه که بیان کسودن و فایک ساعت بعد از عصر دست از طعام
و شراب بگذارد و شربت کشیدن و بعد از آن بایندک تربت مقدس
نمزد که هر کس این روز را روزی کرد و مصیبت خود کرد و اند خدای تعالی
روز قیامت را روز فرج و سرت او گرداند و هر کس مصیبت اهل بیت علیهم السلام
یاد کند و بگوید و دیگر را بگوید روز قیامت با ایشان در درجه
ایشان باشد و چشمش بگرد روزی که هر چشتی گردان باشد هر کس بگوید
اشک بریزد برای خونی که از ایشان ریخته با حق که بظلم از ایشان فیه
بایر که بمرمت گشته بایر ای بیکار شیعیان بک حقیقت بهشت
باشد و حقیقت بهشت سال و شش روز تغییر کرده اند و گرد برای حضرت
امام حسین علیهم السلام که امان عظیم بریزد و هر کس بر آن حضرت گریه کند و
بیشتر رطبت شود و کینه ها فزونی و کینه ها فزونی و کینه ها فزونی و کینه ها فزونی

卷之四

والتبرؤ

يَا أَيُّهَا

وَالْأَنْجَامِ الظَّاهِرَةِ كُنْضِكَ الْجَاهِلَةِ بِأَنْجَاسِهِمْ وَأَوْكُمُ ثَلَاثُكَ لَدُنَّا
مِنْ قِيَامِهِمْ وَأَنْ هَذَا ثَلَاثُكَ لَدُنَّا مِنَ الْبَرِّ الشَّقِيِّ الرَّضِيِّ الرَّكْبِيِّ الْحَادِ
الْمُتَدِينِ وَالثَّقَلَيْنِ الْأَمِينَيْنِ وَلَدَيْكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَأَعْلَامُ الْمَلِكِ
وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَنَحْنُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالثَّقَلَيْنِ بِكُمْ مُؤَيَّدُونَ لَدُنَّا
مَوْفِقِينَ بِشَرِيعَةِ دِينِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَائِكُمْ سَلَامٌ وَأَمْرِي لَا مَرَكِبَ
وَلَنْصَرَفِي لَكُمْ مَعَكُمْ حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ لَكُمْ تَعْلَمُ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدْوَكُمْ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى آُلِ وَأَحِبَّائِكُمْ وَأَعْيَانِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ
بَاطِنِكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الْعَالَمِينَ بَعْدَ زَانِ دَوْرِكُمْ عَمَّا كُنَّا دَوْرًا
دَعَاكُمْ خَلْقًا كُنْتُمْ **فصل** در اعمال ماه ربیع الاول اکثر شعبه
براند که در پنجمین ماه قمری است **فصل** در آنچه واقع شده و اهل
توابع و بعضی از علمای شیعه در دین خلاف کرده اند احدیست صاحب
روایت شده و خلاصه بعضی از آن چنانست که در وکیل از شیعیان گویند
روز نهم ربیع الاول بود که رفیق شجانه محمد بن اسحق قمی که از اعظم اصحاب
امام علی نقی علیه السلام بود محمد بن علی کرده از خانه بیرون آمد و هنوز
از آن نشوده بود و اعضای خود را خشک میکرد ما را از وضع آن تعجب
بود اد گفت که چنانست که شما گمان کردهاید بلکه امروز عید است و من
عسل عید کرده ام گفتیم شیعیان از غیر ارضی و فطر و غنیمت و غیره عید
یکو است گفت بل پس ما را بخانه برده نشستیم یکمست من با جماعتی
شیعیان در همین روز که نهم ربیع الاول است رفیق محمد بن علی

خود

خود ما را علی نقی علیه السلام و آنحضرت هر یک از ملازمان و خدمت را فرموده
جامه های نو پوشیده بودند و مجمره و پیش آنحضرت بود و پیغمبر بود
ما گفتیم بدر ما را رفتن ای نو باده مکر اهل بیت الفرح و عید می نازند
فرمود کدام روز نزد اهل بیت حرم نشین عظیم است از امروز که فخر
ابن البنان در همین روز بخندست جدم رسول الله رفت با امیر المؤمنین
حسن و حسین علیهم السلام تناول میفرمود بخورید و فشان با بوی
امروز که درین روز خدای تعالی شمع خود و شمع جنت شما را هلاک
مکند و دعای مادر شما را اجابت می نماید و اعمال شیعیان و خویشان
شما را قبول میفرماید بخورید که امر و زلت که شکر است شمع جنت شما
شکسته میشود بخورید که امروز است که شکست فرمود اهل بیت من و ظالم
ایشان و غاصب قایم از جلال می شود خذ بیکوید من گفتیم یا رسول الله
در میان آنست که چیست که این جادوی تواند کرد فرمود بیکوید ازینا فقیهین کرد
بیاست و خلافت کند و مردم را بخرد و دعوت نماید و از راه خدا بگوید اند
و کتاب خدا را تحریف و سنت مرا تغییر دهد و میراث فرزند را غصب کند و خورند
امام و پیغمبری مردم گردانند و اسرار خود را از حق بگویند و در مصیبت
صبر کنند و برادر و برادر را بکلیب می نمایند و دخترها را از حق خود منع کنند
و خیرم او را فخرین کند و خدای تعالی اجابت فرماید چنانکه بگوید من که خیرم از
خدا نمی خیرم که او را در جوع تو هلاک کرده اند و فرمود که نمی خیرم خلافت
خدا کنم اما از خود خیرم که روزی که او را هلاک می کند بر ما بر آید انما تقضی الله

نادوستان من و شیعیان و دوستان اهل بیت من آن روز اید که بر این
 و دوستان شما و فرموده ام که اگر کسی کرامت مرادین روز در برابر من
 نصیب کند و مرا نماند بجز برای شیعیان و دوستان شما استغفار کند و کلام
 الکاتبین بفرموده ام که آن روز ناسه روز دیگر قلم از خلق بردارند و هیچ خطی
 بر ایشان ننویسند و این روز برای تو و برای اهل بیت تو و شیعیان شما اید
 گردانیدم و عزت و جلال خودم که هر کس مرا روزی عباد کند و بگوید یا
 او را انعام و انعام عطا فرمایم و هر کس مرا روزی بخورد و مرا عباد خود تو سه
 کند و من از او زیاد کنم و هر سال درین روز صد هزار کس از شیعیان و اهل
 شما را از آتش آزاد کنم و طاعتشان را بخواهم و کناهان را بپارم
 و اعمالشان قبول نمایم خدیجه کو به بر آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم
 بخاتم سلمه فرموده ای فرمود و من هیچ شک نداشتم درینکه از من
 چنین الخطا خواهد تا آنکه بعد از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
 ملعون گردانیده شود و غضبش نمود و حضرت فاطمه صلوات الله علیها بر
 نفرمود و خدا آنچه اجابت فرمود و در روز نهم ربیع الاول گفتند پس
 بخند حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله و سلم فرمود ای خدیجه یاد فرم
 "آن روز را که بخت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و فضایل این
 بیان فرمود که من فرمودم که والله که امروز همان روز است و مؤید این
 احادیث و کلام در فضایل این روز روایت شده مثل آنکه هر کس درین روز
 صدقه و احسان کند مرا ببرد شود و نیز بعضی علی افتل کرده اند که شربت

در روز

درین روز اطعام یوئمان و احسان بوی خوش بایشان و توبه
 و تفسیر و پوشیدن جامهای نو و شکر و عبادت کردن اما در روز
 روز روایت شده مقدّم این ماه مولود حضرت پیغمبر صلی الله
 علیه و آله و سلم و روز این روز برای کمال روزه است و مستحب است
 درین روز صدقه و کرم و زیارت مشاهده مقدّم کردن
فصل ششم در اعمال ماه حجّه الحزبه روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
 که ماه حجّه اهل بیت عظیم الشان رفیع المنزله و منسوب است بحضرت امیر المؤمنین
 صلوات الله علیه و آله و آله و سلم این ماه حشاش مضاعف کند و نیات عباد
 و مستحب است عباد داشتن شب اول این ماه و روایت که هر کس یکشنبه
 ماه اعیاد را داشته و رنج و محنت خود و شفا عظمی و عظمی را بخواهد
 از کتاه و ازان مقبول شود و روایت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
 میگفتند که هر کس درین روز از آنجا که شربت توفیق و انوار فرمود
 اهل این قبر معذب بودند بایشان رحم کردم و از خدای تعالی خواستم
 که عذاب ایشان تخفیف فرمود و اگر ایشان بگویند یا ماه حجّه و من
 و یکشنبه عبادت بر من خواستند این عذاب بر من نباشد و هر روز و شب
 که بگویند این ماه روزه دارد و یکشنبه عبادت بخیر خداوند تعالی و یکشنبه
 روزه و عبادت و خیر و عبادت و خیر و عبادت و خیر و عبادت و خیر و عبادت
 اسعیل و خیر و عبادت و خیر و عبادت و خیر و عبادت و خیر و عبادت و خیر
 و خیر و عبادت و خیر و عبادت و خیر و عبادت و خیر و عبادت و خیر و عبادت

سبحان من ليس له عز وجل وله اهل ونصر وليست له خدات شافوه هوى حجب
من امره يكويده استغفر الله والجلال والاکرام جميع لدنوبنا لا اله الا انت
يا من بين خدات شافنا ثم وسر عجبين فزود وسخايت هرو ورونا
خوافنا ابن دعا اللهم اني استلكت صبرك كبريت لك وعمل الخافين نيلك
يقين العابدات لك اللهم انت العلي العظيم وانا عبدك الناصر الفقير
انت العلي المحمد وانا عبدك الدليل اللهم صل على محمد وآله
اشن يغنا على فقرى ويحليك على عجبى ويقرنك على ضعفى باقوى يا عروب
اللهم صل على محمد وآله الاوصياء الطيبين والنعين ما اهتجى من اهل البيت
والاخر يا ارحم الراحمين وفيه هرو ورونا زينه ابن دعا بخلافكم روت
اخضرت صاحب القامات صلوات الله على الله اني استلكت معاني جميع
ما يدعوك به اولاد اميرك المأمونون على سركك المستبرون بامرك
الواصفون لغدرتك المملكون لعظمتك استلكت بما تلتقونهم
من ميسرتك فجعلتهم معادون لعلما نك وارسا كائنا ليقيدك و
انانك ومما لما نك التي لا تقبل لها في كل مكان يقر فيك
عزك لا فرق بينك وبينها الا انهم عبادك وتخلقك فتعهاون نفها
بيدك بدو عانيت وكودها اليك اعضادوا اشهاوا وامناء وازفا
ومفظة وروفا ودفهم فلا تسمائك وكرهات حتى ظلمت لا اله الا انت
في ذلك استلكت في مواقع العزبين جهنك وبقائك وعلمنا بك ان
نصلي على محمد وآله وان نريد في ما نأوتبنا يا باطنا في ظهوره

في ظهوره

في ظهوره وتكون ذرايا من النور والتجويد باموصوف القبر كنه
ومعرف فابغى شينه خاة كل محود وشاهد كل مشهود وتوجد
كل موجود ويحصى كل معدية وفاقد كل مقود ليس ذلك من
معبود اهل الكبرياء والحد وامن لا يكتف بكيف ولا يؤمن بامن بالحق
من كل عين يا ذا الجلال والاعلام كني معلوم صل على محمد وآله وعلى عبادك
الطيبين وذريته الطيبين ولا تتركك المقيمين والهم الضايفين الخافين
وبارك لنا في هذا المجد المكرم وما بعد من الاشرار المرم
واسبق علينا فيه النعم واخرزل لنا فيه النعم وابرز لنا فيه
النعم باسمك الاعظم الاعظم لكل لا ذرا الذي وصعته على
التهالك فاضاوه على الليل فاطلم واغفر لنا ما تعلم منا ولا تعلم
واعفينا من الذنوب غير النعم وانك لا تفي قدرتك واغفر لنا
بحسن نظرك ولا تكلنا الى غيرك ولا تمنعنا من غيرك وبارك لنا فيما
كتبته لنا من اعمارنا واصلم لنا حيث كنا من اعمارنا واعطنا من
الامان واستعملنا بحسن الايمان وبلغنا شهر البقار وما بعد
من الامار والاعمار يا ذا الجلال والاکرام وفيه هرو ورونا
اللهم اني استلكت بالمو لودين في رجب محمد بن علي اباي و
علي بن محمد المنجب واقرب بهما اليك جبر القرب يا من اليد
المعروف طلب وفيما اليه لديه رغب استلكت موا القفر و
قد اوتقته وتوبه واوتقته عيوقة على الخطايا وتوبه وتوبه

خَطُوبُهُ بِذَلِكَ التَّوْبَةِ وَحَسَنَ الْاَوْفَى وَالشَّرِيعَ عَنِ الْخَوْبَةِ وَمِنْ النَّارِ
وَكُنَّا كَ رَقَبَتِهِ وَالْعَفْوَ عَمَّا فِي رِقَبَتِهِ وَالْعَفْوَ عَمَّا كَانَتْ يَأْتِيهِ
اعظم امله وثقتهم لاهم واسلك بسا اهلك الشريعت وبسا اهلك المنفعة
ان تتعدى في هذا الشجر من حمة منك فاسمة ولعنة في انزعة وتقتل بسا
رقتما فافهة الى ترويا لحافرة ويحل لآخره وما هي اليه ضافرة
وهر كرم بهاء رجب وشعبان ورمضان هر روز هر شب هر يك الحمد
الابرار الكرمي قل الله ربهم وشتجان الله وليحمد الله ولا اله الا الله
والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم من شجران الله
صل على محمد وال محمد وعلى كل خير وكنى من حمة الله والهم
اغفر للمؤمنين والمؤمنات من حمة الله وكنى من حمة الله
و در هر ايت ديكر من حمة الله انا اقول الله وسه حمة الله اغفر
لوالديك واسمهم ما كان ربك في صعب اين امد الله كناهش اس نده
شود اگر چه بعد دستك السماء وقطره باران وبرك درختان كوف
در بار ورك بيايان باشد وبعد در حرفا زين و در شغاعت
دوستان و اشنايان كند و هر كس زين سه ماه اين عمل بخواند اگر چه
در وقت عمر كبريه باشد وبعد در حرفا زين هفتاد هزار حمة عطا
فرم اينكه هر يك سكين قران كوه احد باشد و هفتصد حاجتش برآورده
شود و در وقت فقير و مح و هفتصد روزه و هفتصد حاجتش برآورده شود
در وقتي كه از فقر برون آيد و هفتصد روزه كه نام اعمال و اطراف

منفرد

در اعمال و اعمال منفرد باشد و هفتصد روزه ميزان و هفتصد روزه
صلوات **صلوات** هر يك شصت و اول ايام روزه ديكر و شصت و اول ايام
مرغاب كينند سان نماز شام و خفتن و روزه ركعت نماز كذا در هر ركعت
بعد از الحمد سه مرتبه انا الله انه و روزه مرتبه قل هو الله در روزه
يك سلام و چون از مجموع نماز فارغ شود هفتاد مرتبه صلوات فرستد
بعد از آن سجده كند و هفتاد مرتبه بگويد سبح قدوس رب العالمين
و ان روح بعد از آن سر بردارد و هفتاد مرتبه بگويد ربنا اغفر وارحم و
نجا و زعنا اهل البيت العلي العظيم بعد از آن مرتبه ديكر بگويد
كند و همانكه در رجب اول گفته بود هفتاد مرتبه بگويد و حاجتي كه
باشد بر آورد بخواند سبحان الله و كن هاشم امير المؤمنين شود اگر چه كبر
در بار و وزن كوهها و برك درختان و برك بيان باشد و شصت
كس از اهل بيت خود باشد كه همه مستوحش باشند **عمل ايام رجب** هر يك
ايام رجب ايام روزه كيرد و شبها بابت عبادت بخيزد و شب با نهم
صد ركعت نماز كند در هر ركعت ده مرتبه قل هو الله بخواند و چون فارغ
شود هفتاد مرتبه استغفار كند شهادت اهل اسما و زين و شهادت خود
از و دفع شود و اگر در اياما بيمر دهنيد باشد و هزار حاجتش برآورده
شود يا نصد در دينا و يا نصد در اخرون و ينز و روزه كيرد هر كس
شصت و روزه ركعت نماز كند در هر ركعت بعد از الحمد سه مرتبه
قل هو الله بخواند و بعد از نماز اخصد مرتبه استغفار و نصد و نصد

کند و اگر باین عبادت کوی مجرب بود استغفر الله و الحمد لله و اگر باین
 ناسال دیگر خطی بر وزن بنید و بعد هر قطر که در آسالی از آسمان آمد
 حسنه نویسد و بعد هر رکوع و سجود کرده و پشت قصری از سجده
 سبز و بعد هر حرف قرآن که خواند شهر و از باوق سرخ عطا فرماید و
 تاج کرامت بر سرش گذارد و سحر است در روز باین ده ماه و بار
 اما حسین علیه السلام عمل استغفار کیفیت این عمل در کتب دیگر است
 مذکور است متوجه بیک از اینها در احادیث معلوم نیست و احتمال دارد
 که تاج رحمت هم اسم اعظم بگویند که در کتب دیگر برای روز یا در روز و یا
 باشد یا استغفار مخلوط ذکر کرده باشند و سبب این و نیز آن که باشد
 اما کیفیت آن بخوبی که در حدیث روایت شده است که فاطمه نام زنی بود از زبیر
 حضرت امام حسن علیه السلام حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ایراد کرده بود بر او
 داود بن منصور خلیفه عباسی توفیق بخور کرده اراده قتل او داشت روزی
 فاطمه بخودت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد و بگریه و بجزین رفت
 آنحضرت فرمود ماه حرامی نیست یک سال بگذرد آن ماه را در روز دیگر و روز
 باین ده ماه اول ظهر چهار رکعت نماز بکند در رکعت اول بعد از
 الحمد الم شریع و در دوم قل یا ایها الکافرون و در سیم انا انزلناه و
 چهارم انا انزلنا و بعد از نماز ظهر چهار رکعت دیگر بکند
 اول بعد از الحمد قل هو الله و در دوم قل اعوذ بربک و در سیم
 قل اعوذ برب الناس و در چهارم انا اعطيتنا بخوان بعد از آن ذکر و سجود

عمل

مکرده باشد

ی کرده باشد تا وقت عصر و غسل شود پس نماز عصر در اقل وقت بکند و بچهار
 سلام و بچهار اربع و الحمد لله و بکبر و قل هو الله و صلوات بر محمد و آل
 صد مرتبه بعد از آن سوره الفعالم بگوید و بکبر و قل هو الله و صلوات بر محمد و آل
 سجده و بچهار و انا فتننا و انا فتننا و سوره الملك و قل هو الله
 و اذ النماء انفتحت و انا فتننا و انا فتننا و انا فتننا و انا فتننا و انا فتننا
 ان الحمد صد مرتبه و اذ الکبری و صد مرتبه و قل هو الله و بچهار بعد از آن
 رو بقبله این دعا بخوان که اسم اعظم دین دعاست و فرمود این دعا را
 استغفار باین سبب نام شده که هر که بخواند شود درهای آسمان
 گشوده گردد و همان ساعت چنانکه باین بخوانند مستجاب شود فاطمه گوید
 چون این عمل بخوانم و درم و خواهم جمع اینها و ملائکه را که درین دعا
 مذکورند و صلوات بر ایشان فرستادم و خواهم بگویم که می گویند که ای
 ام داود مرده باد مرا که او بر می آورد عا کرم و حاجت مستجاب شد
 بدو ارشاد و اذله و قی بکنش که او را مدد و گفت در بند و آن
 بودم که در روضه حبیب بایب دیدم که جماعتی بسیار در اطراف تو ایستاده
 بودند که از ایشان بامن گفت ای داود مدعی ما درت خدای تعالی است
 داد و بخیر بدارندم رسول منصور را داده بود مرا از خبر و این
 و بخیر در همین داد و روانه خدمت شدم **دعا** **بسم الله**
 العظيم الذي لا اله الا هو الحي القيوم ذو الجلال والاكرام
 اللهم لك الحمد الذي لا اله الا هو الحي القيوم ذو الجلال والاكرام

وَالْكَافِرِينَ

ويعقوب

وَيَعْقُوبَ وَيُوسُفَ وَالْكَاسِيَةَ وَلُوطَ وَيَعْقِبَ وَأَيُّوبَ وَمُوسَى وَهَارُونَ
وَنُوحَ وَمِيثَاقَ الْغُرَةِ وَدَعَا الْقُرْبَيْنِ وَبُرْشَ وَالْبَسَ وَدَى
الْكَبِيلَ وَطَارُوطَ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَنُوحَ
وَمَتَّى وَارْمِيَّا وَيَسُوعَ وَدَانِيَالَ وَمَرْيَمَ وَعِدَى وَشَعُونَ وَجَبَّ
وَالْمَوَاقِبَتَيْنِ وَالْأَنْبِيَاءَ وَطَلِدَ وَحَطْلَةَ الْكَلْبِ صَدَّقَ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَيْرِ
وَأَحْمَدَ مُحَمَّدًا وَالْحَسَنَ وَبَارِكَةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ
وَرَحَّمْتَ رَحْمَةً عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَالْإِسْمَاعِيلِ إِنَّكَ حَسْبُ عِبْدِكَ الْكَلْبِ
عَلَى الْأَوْصِيَاءِ وَالْعَسَلِ وَوَالْتَمَذَ وَأَمَنَ الْهَدَى الْكَلْبُ صَدَّقَ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالْحَسَنَ وَالْأَزْهَرِ وَالْأَفْوَادِ وَالشَّيَاحِ وَالْعَبَادِ وَالْخَالِصِينَ وَالْأَهْلِيَّةِ
وَالْأَهْلِ الْعَزِيزِ وَالْإِسْمَاعِيلِ وَأَخْصَصَ مُحَمَّدًا وَأَهْلَ بَيْتِهِ بِأَفْضَلِ صَلَواتِكَ
وَأَحْسَنِ كَرَامَاتِكَ وَبَلَغَ رَحْمَةً وَجْهَهُ حَسْبُ مَنْ حَبَبَتْ وَسَلَامًا وَدَوَّهَ
فَضْلًا وَشَرَفًا وَكَرَّمَ تَابِعَتَهُ أَهْلًا دَرَجَاتِ أَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ السَّيِّدِينَ وَ
الرَّبَّاتِينَ وَالْأَفَاضِلِ الْقُرْبَيْنِ وَصَلَّ عَلَى مَنْ عَقِبَتْ وَمَنْ لَمْ يَلْمِ مِنْ
مَلَائِكَةِكَ وَأَنْبِيَاءِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ وَأَفْضَلِ مَلَائِكَةِكَ
الْكَلْبُ صَدَّقَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَاسْمُكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ وَأَوْصِيَاءِكَ
فِيكَ وَأَعْلَانِ عَلَى دُعَائِكَ الْكَلْبُ إِنِّي أَسْتَغْنِي بِكَ لِيكَ وَبِحُكْمِكَ لِي
كَرَمِكَ وَبِحُجُودِكَ لِي وَبِحَسَنِكَ لِي وَبِحُسْنِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ
وَأَسْأَلُكَ الْكَلْبُ بِكُلِّ مَا نَالَكَ بِإِحْدَى مِنْهُمْ مِنْ مُسْئَلَةٍ شَرْعِيَّةٍ غَيْرِ
مُجَبَّيَّةٍ مَرْدُودَةٍ وَمَا دَعَاكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ مُجَابَةٍ غَيْرِ مُجَبَّيَّةٍ بِأَلْفِ

يَعْتَذِرُ نَكَ وَتَشْكُكَ مِنْ لَمُورِ الْعَبِيدِ فَأَرْزُقْنَا بِمِرَّتِكَ وَلِتَجْعَلَ أَوْشَحَ
أَرْزُقْنَا عِنْدَكَ بِرِسْنَتِنَا وَلَتَحْسِنَ أَعْمَالَنَا عِنْدَ إِهْتِبَابِ حِلْمِنَا وَأَطْلُ
فِي طَاعَتِكَ وَمَنَابِقِ رَبِّكَ إِلَيْكَ وَتَجْطِئَ عِنْدَكَ وَتَبْزِلَ لَدَيْكَ أَعْمَارَنَا
وَلَتَحْسِنَ فِي جَمِيعِ أَعْمَالِنَا وَأَمُورِنَا مَعْرِفَتَنَا وَلَا تَكُنْ لَنَا إِلَى أَحَدٍ حَقٌّ
فَبَيْنَ عَلَيْنَا وَتَقْسُدْ عَلَيْنَا بِجَمِيعِ حَوَائِجِنَا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَابْدَأْ بِنَا
وَأَنَا نَتَابِعُ جَمِيعَ إِخْوَانِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْنَاكَ لَا تَنْفِسْنَا
بِأَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا شَتَكُ بِأَسْمِكَ الْعَظِيمِ وَتِلْكَ الْقَدِيمِ
الْقَدِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُغْفِرَ لَنَا الذُّنُوبَ الْعَظِيمَ
إِلَّا الْعَظِيمَ وَهَذَا حَرِّبُكُمْ الَّذِي كُفْنَا بِمَا أَوَّلَ أَشْهُرِ الْحَرَمِ وَكُنَّا
بِهِ مِنْ بَيْنِ الْأَحْمِ فَلَاكُمُ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ فَاسْتَغْفِرْ بِمِصْرِكَ
الْأَعْظَمَ الْأَعْظَمَ لِأَجْلِ الْأَكْبَرِ الَّذِي خَلَقَهُ قَاتِ تَقَرَّرَ فِي ذَلِكَ فَلَا
يُخْرِجُ مِنْكَ لِي غَيْرَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الظَّاهِرِينَ
وَأَنْ تَجْعَلَ قَامِ مِنَ الْعَالَمِينَ فِيهِ بِطَاعَتِكَ وَالْأَمَلِينَ فِيهِ بِطَاعَتِكَ
اللَّهُمَّ اهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ وَلِتَجْعَلَ مَقِيلَنَا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ
فِي طَلَبِ طَلَبٍ وَتِلْكَ جَزِيلٌ فَإِنَّكَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ اللَّهُمَّ أَفِينَا
مُقِيلِينَ بِشَيْءٍ غَيْرِ غَضَبِكَ عَلَيْنَا وَلَا الضَّالِّينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَبِعِلْمِ حَقِّكَ الشَّكْلَ
مِنْ كُلِّ لَيْمٍ وَالْعِظَمَةَ مِنْ كُلِّ رِيحٍ الْقَوِيَّةِ بِالْحَيَّةِ وَالْجَاءَةِ مِنَ
النَّارِ اللَّهُمَّ دَعَاكَ الذَّاعُونَ وَدَعَاكَ وَسَاءَ لَنَا نَالُونَ وَسَاءَ لَكَ

مُطَهَّرٌ

وَسَاءَ لَكَ الظَّالِمُونَ وَطَلَبُكَ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ النُّقَّةُ وَالرَّجَاءُ
وَأَلَيْكَ مُنْتَهَى الرَّغْبَةِ وَالرَّغَاةِ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْ
الْبَقِيَّةَ فِي قَلْبِي مِنَ النُّورِ فِي بَصَرِي وَالنَّبِيَّةَ فِي صَدْرِي وَدَلِيلَ
بِالْبَيْدِ وَالنَّهَارِ عَلَى النَّاسِ وَرِزْقًا لِسَائِعِي مَمْنُونٍ وَلَا تَطْغُرْ
فَارْزُقْنِي وَبَارِكْ لِي فِي مَا رَزَقْتَنِي فَاجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَغِنَايَ فِيهَا
عِنْدَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بعد ان سجد كنند بگوید
لَقَدْ نَسِيتُ اللَّهَ الَّذِي هَذَا لِي عَرَفْتِهِ وَخَصَّنَا بِوَلَايَتِهِ وَوَقَّعْنَا لِي طَاعَتِهِ
وَصَدَقْتَنِي بِكَوْنِهِ كَمَا شَكَرْتُكَ بعد ان سجد بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي
فَصَدَّقْتُكَ بِحَاقِقِي وَاعْتَمَدْتُ عَلَيْكَ بِمُسْتَلْهِمِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِأَمْنِي
وَسَادَفِي اللَّهُمَّ افْعَلْ مَا تَحِبُّهُمْ وَأَوْزِدْ نَامُورَهُمْ وَأَرْزُقْنَا بِرَفْقَتِهِمْ وَادْعُ
لَنَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَتَحْتَ بِلَاسِ عِلِّ كَرْدَنِ دَرِينِ
شَبْعِ بِنِ رُوزَه ابْنِ رُوزِ بَابِلِ بِلَاسِ بِلَاسِ مَاهِ وَرَوَايَتِ دِيكِرِ
هَفْتَا دَسَالِ الْمَدَةِ وَتَحْتَ بِلَاسِ دَرِينِ رُوزِ دَوَانْدِه رُكْعَتِ نَارِ كَذَرَةِ
بعد از سجده هر سوره که خواهد بخواند و بعد از هر دو رکعت این دعا بخواند
لِلْحَمْدِ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخَيِّزْ لَنَا وَلَا لَكُمْ يَكُنْ لَمْ سَرِيكَ فِي الْمَلِكِ وَلَمْ يَكُنْ لَمْ
وَلَمْ يَكُنْ لَمْ لَدُنْ لَمْ وَكَثِيرُهُ كَثِيرًا يَا عَدَدُ لَمْ فِي مَدَدِي يَا صَاحِبِي فِي
شَيْءٍ يَا وَلِيَّ لَمْ فِي عَمَلِي يَا غِيَاثِي فِي رَحْمَتِي يَا كَالِي لَمْ فِي وَحْدَتِي يَا لَمْ
فِي وَحْدَتِي أَنْتَ الشَّافِعُ عَنْ رَحْمَتِكَ فَكُلُّكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ الْمُفْعِلُ عَمَلِي
فَكُلُّكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ الشَّافِعُ عَنْ رَحْمَتِكَ فَكُلُّكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

فاستغفر ربك وامن ربي وقلني عنك واصنع عن جرمي ونجوا
 عن سبائك في اصحاب الجنة وعند الصديق وجون النجوع نمار ودعاف
 شدة لحد وقل والله وسع ذوقه وقل بانها الكافرون واقا انزلناه
 واجبه الكريم ربك لاهت من نجا واد بعد اهت من نجا واد بعد اهت من نجا
 والله الكبر وسبحان الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله حيث
 من نجا واد بعد اهت من نجا واد بعد اهت من نجا واد بعد اهت من نجا
 ودين ربي واد بعد اهت من نجا واد بعد اهت من نجا واد بعد اهت من نجا
 العفو والنجاة وامن ربي وقلني عنك واصنع عن جرمي ونجوا
 وقد كد في القلب عمت الحلة والحدوب ودرت الكمال والظلم
 الرجاء الا ينك وحدك لا شريك لك اللهم اني اجد سبل الطالب
 اليك مشقة ومناهل الرخاء ليد بك مشقة والذات الدمار لمن دعا
 مقصود ولا يستعانة لمن استعان بك بساعة واعلم انك للالعاب
 موضع اجماع وللصاير اليك بمصدا غايه وان في الله الحبيب المحمود
 والظمان بعدك عوصا من شرب الباخلين ومنذ وجه عسا في اليد
 المشاوير وانك لا تحبهم من عذبتك الا ان في الله الحبيب المحمود
 بعدك عوصا من شرب الباخلين والاحمال دونك وقد علم ان قتل
 راد الرحيل اليك عن راحة نجا واد بعد اهت من نجا واد بعد اهت من نجا
 واسلك بكل دعوة دعائك لاجل بقية امك او ضارب اليك اعنت
 مرشده او مكره مكره وحب عن قلبه او مذنب خاطي تغفر

في هذا الكتاب

له او تعالى اتممت نعمتك عليه او فخر اهديت غناك اليه وملك
 الدعوى عليك حق وعندك منزلة الامكنة على محمد وآل محمد
 وقضيت خواصي خواج الدنيا والاخرة وهذا سبب المحب المكرم
 الذي اكدمنا به اول انظر للمكرم واكرمنا به من بين
 الايم باء البود والكرم فنتلك به وبنايك الاعظم الاعظم لا
 الاكرم الذي خلفه فاستغفر في ذلك فلا يخرج منك الى غير
 ان نصلي على محمد وآل بيته الطاهرين ونجعلنا من المؤمنين
 فيه بطاعتك والاطيع فيه بشا عنك اللهم واهدنا الى سائر
 السبل ولجعل مقبلنا عندك خير مقبل في ظل ظليل فانك
 حينا ونعم الوكيل واتكلم على عباد المصطفين وصلواته
 عليهم لجمعهم اللهم وبارك لنا في يومنا هذا الذي فضلكه
 ومكرمك جللك وبالمثل الكريم انزلته وصل على من فيه الى
 عبادك انزلته وبالمثل الرفيع اخلك اللهم صل على محمد وآل
 صلوات الله عليهم اجمعين ولك شكر وكنا داخلنا واجل لنا من امرنا
 واشتم لنا بالعادة الى شئنا الجائنا وقد قلت ليس من اصحابنا
 وبلغنا من صحتك افضل امانا انك على كل شئ قدير وعلى
 على سيدنا محمد وآل بيته الطاهرين وسلم **فصل هفتم**
 در اعمال شهر شعبان المعظم مرويت از اهل بيت طاهرين عليهم السلام
 كبر من ماه منسوب بحضرت سفيان بن عيينه عليه السلام ودرين ماه اعمال

بِكَلِمَةِ الشَّكَّارِ وَمَنْ فِيهَا وَالْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهَا وَالْمَاءُ وَالْمَاءُ وَالْمَاءُ
 الْعَذِيَّةُ وَسَيِّدُ الْأَمْرِ الْمُدَوِّدُ بِالْمُصْرَةِ وَرَمَّا لَكَ وَالْمُصْرَةُ
 أَنْ الْأَمْرَ مِنْ سَلَمٍ وَالْأَوْجِيَاءُ مِنْ عَزْرَتِهِ وَالْمُصْرَةُ فِي رُبِّهِ
 وَالْمُصْرَةُ مَعَهُ فِي وَبَيْتِهِ بَعْدَ قَامِهِمْ وَعَلَيْهِمْ بِدُرِّ الْأَوْجِيَاءِ
 وَبِنَارِ النَّارِ وَمِنْهُ الْجَنَّةُ وَبِكَلِمَةِ الْخَيْرِ الْخَيْرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ
 اللَّيْلِ وَالنَّهَارَ اللَّهُمَّ كَعَمِّكَ أَنْتَ أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ سُؤلاً مُشْرِفٍ
 مُعْتَرِضٍ بِسَمِيِّ الْفِتْنَةِ بِمَا أَقْرَبَ فِي بَوَيْهِ قَامِيهِ يَا لَكَ الْعِصْمَةُ إِلَى
 حَقِّ رَحْمَةِ اللَّهِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَخَشَرْنَا فِي رَحْمَتِهِ وَوَفَّقْنَا
 مَعَهُ إِذَا لَكَ أَمْرٌ وَبِحَقِّ الْأَمْرِ اللَّهُمَّ وَكَأَمْرٍ تَنْبَغِيهِ فَاكُنْ فِي رَحْمَتِهِ
 وَارْتَفَاعُ الْفِتْنَةِ وَمُسَابِقَةُ وَاحْتِلَانِ مَنَاسِكِ الْأَمْرِ وَكَلِمَةِ الصَّلَاةِ
 عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ وَعَلَى جَمِيعِ أَوْصِيَاءِهِ وَاهْلِ طَيْفَانِهِ الْمُدَوِّدِ
 مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْأَشْفِيِّ عَمْرٍاءَ الْخَيْرِ وَالْخَيْرِ عَلَى جَمِيعِ الْبَرِّ اللَّهُمَّ وَبِحَقِّ
 فِي هَذَا الْيَوْمِ خَيْرٌ مِنْ هَبِّهِ فَانْجِ لَنَا فِيهِ طَلِبَةَ كَمَا وَفَّقْتَ لِكُلِّ خَيْرٍ
 جَدِّهِ وَعَادَ قَطْرُ سَمَاءِهِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَشَرْنَا فِي رَحْمَتِهِ
 رُفْقَةً وَنَنْتَظِرُ أَوْفِيَّتَهُ أَمِنْ تِلْكَ الْعَالِيَةِ عَمَلِ يَوْمٍ بِمَا لِي بِفَضْلِ رَحْمَتِهِ
 كَهَرِ كَرَامَتِهِ بِضَمِّهِ رَوْزِهِ كِيرِ دُخْدَايَ تَعَالَى بِرَأْسِهِ هَذَا
 نَفْسِي وَهَذَا رَجُلِي بِدُرِّهِ دَانِدِ وَهَرِ كَرِشِ بَصْفِ شِعْبَانِ وَشِعْبِ
 أَحِبَادِ دَرْدِ لَنْزِيهِ رَوْزِي كَهْطَلَمِ طَهَامِ مَرْدِهِ بَاشَدِ وَشِعْبِ شِعْبَانِ
 بَعْدَانِ شَفِيعِ مَهْمُزِ مَنَاسِكِ شَهْمَاتِ وَدَرِينِ نَكَاهَاتِ كَبِيرِ أَمْرِ مَرِيدِ

شود و حوائج برآورده و دعا مستجاب شود و هر کس درین زیارت حضرت
 امام حسین علیه السلام بکند گناهان گذشته و آینده اش امرزید شود و درین
 مروت که هر کس بصفه شعیبان و فطرسه و غیره در یک سال زیارت آن
 حضرت کند خداوند تعالی برایش هزار عمره نوید و هزار حاجتش برآورده
 در دنیا و آخرت و هر کس درین شب بخواند اللَّهُ وَلَمْ يُولَدْ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 هر یک صد مرتبه بگوید گناهان گذشته امرزید شود و حوائج دنیا
 و آخرت برآورده گردد و خواست انجام گیرد و خواست انجام گیرد و حضرت
 امام محمد باقر علیه السلام فرمود هر کس درین ماه بعد از نماز خفتن
 دو رکعت نماز کند در دو رکعت اول بعد از الحمد قل یا ایها الکافر
 و در دو رکعت اول قل یا ایها المسلمین و بعد از سلام و سه مرتبه بخواند
 اللَّهُ وَبِحَقِّهِ مُحَمَّدٌ وَبِحَقِّهِ جِبْرَائِيلُ وَبِحَقِّهِ إِبْرَاهِيمُ وَبِحَقِّهِ إِسْمَاعِيلُ
 يَا مَنْ أَلْبَسَ الْعِبَادَ فِي الْمَهَشَاتِ وَالْبَهْشَاتِ وَبِحَقِّهِ الْخَلْقُ فِي الْخَلْقِ
 يَا عَالِمَ الْغُيُوبِ وَالْخَفِيَّاتِ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَوَاطِرُ الْأَوْهَامِ وَالْخَوَاطِرِ
 يَا رَبَّ الْخَلَائِقِ وَالْبَرِيَّاتِ يَا مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَوَاتِ
 أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْتَ إِلَهُ الْإِنْسَانِ يَا إِلَهَ الْإِنْسَانِ
 يَا إِلَهَ الْإِنْسَانِ أَنْتَ بَعَلْنِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِنْ قَطْرِ لَيْلِي وَرَحْمَتِهِ
 وَبِحَقِّهِ دُعَاةَ قَاجِيَّتِهِ وَعَلَيْتَ انْقِلَابَهُ فَاكُنْ لَهُ وَتَجَاوَزْ
 عَنْ سَائِرِ خَطِيئَتِهِ وَعَظِيمِ رَجَائِهِ وَفَقْدِ نَجْوَتِهِ مِنْ دُونِي
 وَبِحَقِّهِ أَنْتَ إِلَهُ الْغُيُوبِ يَا إِلَهُ الْغُيُوبِ يَا إِلَهُ الْغُيُوبِ يَا إِلَهُ الْغُيُوبِ

وَلَسَطُ طَعْنًا يَا عَجُّوبَكَ وَعَفْوِكَ وَتَعَفُّي لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ يَا بَارِعَ
كَرَامَتِكَ وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ أَوْلِيَاءِكَ الَّذِينَ ابْتِخَرْتَهُمْ لِطَاعَتِكَ
اخْتَرْتَهُمْ لِعِبَادَتِكَ وَجَعَلْتَهُمْ خَالِصَتَكَ وَصَفْوَتَكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي
مِنْ عِبَادِكَ وَقَوْمِكَ مِنَ الْخَيْرِ حَقَّهُ وَاجْعَلْنِي مِنْ سَلَمَتِكَ
وَأَمْنِكَ وَتَعَفُّي شَرِّ مَا اسْلَفْتُ وَأَعِصْنِي مِنَ الْإِثْمِ يَا دِي فِي عَيْنِكَ
وَحَبِيبُكَ طَاعَتِكَ وَمَا يَمُرُّ بِي مِنْكَ وَبِرَأْفَتِكَ سَيِّدِي
إِلَيْكَ يَا هَارِبِي مِنْكَ يَلْتَمِسُ الْعَالِيكَ وَعَلَى كَرَامَتِكَ بَعُولُ الشَّقِيقِ
الْمَالِ يَا دِي عِيَادَكَ وَأَنْتَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ فَلَا تَجْعَلْنِي
لَا حَافِيَةً مِنْ كَرَمِكَ وَلَا قَائِمَةً مِنْ سَائِغِ نِعَمِكَ وَلَا تَجْعَلْنِي
مِنْ جَرِيدِ قَيْمِكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ يَا أَهْلَ طَاعَتِكَ وَاجْعَلْنِي فِي جَنَّةِ
مِنْ ثَرَايِكَ رَبِّ أَنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلَ ذَلِكَ فَأَنْتَ أَهْلُ الْكَرَمِ
وَالْعَفْوِ وَالْغَفْرِ جُدْ عَلَيَّ يَا أَمَانَكَ أَهْلُ لَا يَأْخُذُكَ فَقَدْ حَسَنَ ظَنِّي
بِكَ وَتَحَنَّنَ رَجَائِي لَكَ وَعَلَيْكَ تَعَفُّي كَرَمِكَ فَأَنْتَ الرَّحِيمُ الرَّحِيمُ
وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ اللَّهُمَّ وَأَخْضَعْنِي مِنْ كَرَمِكَ بِجَرِيدِ قَيْمِكَ وَتَعَفُّي
بِعَفْوِكَ مِنْ عَفْوِكَ وَأَعِزَّنِي الدُّنْيَا لَدَى جَنَّتِكَ عَلَى الْخَيْرِ وَتَعَفُّي
عَلَى الْخَيْرِ حَقِّ أَفْوَاضِلِ رِضَاكَ وَأَقْصَى جَرِيدِ عِلْمِكَ وَأَسْمَى كَرَمِكَ
نِعْمَانِكَ وَقَدْ لَدَى جَرِيدِكَ وَتَعَفُّي لَكَ لَكَ وَأَسْتَعِزُّ بِعَفْوِكَ
مِنْ عَفْوِكَ وَبِحَبْلِكَ مِنْ عَفْوِكَ وَبِحَبْلِكَ وَأَنْتَ يَا أَمَانَكَ
مِنْكَ شَتَاكَ يَا لَيْتَ أَمْرُ عَفْوِكَ مِنْكَ بَعْدَ أَنْ سَجَدَ كُنْتُ وَبِعَفْوِكَ

يَكُونُ

يَكُونُ يَا دِي وَهَفْتُ مَرَّةً يَا اللَّهُ وَدَعَا مَرَّةً لِأَحْوَلِ وَلَا تُفَوِّضْ إِلَيَّ يَا بَارِعَ
صَلَاتِ بَرِيئَةٍ وَهَرَجَاتِ لَحْوَةٍ وَلَا تُفَوِّضْ إِلَيَّ يَا بَارِعَ كُنْتُ يَا اللَّهُ
كُلَّ كَرِيمٍ قَطْرَةٍ بِأَنْ حَاجَتُ بِجَاهِدِكَ خَدَايَ تَعَالَى بِفَضْلِكَ وَكَرَمِ خُودِكَ بِرَأْفَتِكَ
فِي مَا يَدُورُ مِنْ رَيْنِ شَيْءٍ رَكْعَتِ نَارِ الْإِثْمِ وَدَرَجَتِ رَكْعَتِ بَعْدَ الْحَمْدِ مِنْ
قُلُوبِهِ تَجَرُّدِ وَجْهِ قَانِعٍ شَوْجِدِ كُنْتُ وَدَرَجَتِ كَرِيمٍ كَرِيمٍ لَكَ
بِحَبْلِكَ يَا دِي خِيَالِي وَبِإِيَّائِي يَا عَظِيمُ كُلِّ عَظِيمٍ غَفْرِي يَا عَظِيمُ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ
غَيْرَكَ هَتَاةً وَدَوْرًا رَيْتُهُ لَمْ يَحْشُرْ وَهَتَاةً دَوْرًا وَهَرَجَاتِ نَفْسِهِ
شَوْجِدِ وَدَوْرًا لَدَى هَتَاةً دَوْرًا رَيْتُهُ لَمْ يَحْشُرْ وَدَرَجَتِ شَيْءٍ حَسَنَةٍ صَالِحَةٍ
صَلَاتِ هَتَاةً يَتَوَلَّدُ شَوْجِدِ وَابْنِ دَعَا كَرِيمٍ يَا نَافِضَةٍ دَرَجَتِ شَيْءٍ
اللَّهُمَّ فَكُلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَحُجَّةِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ فِي الْمِلَّةِ الْمُسْلِمَةِ فِي الظُّلُمِ مِنْ كُلِّ أَفْرِ الْبَرِّ مِنْ
كُلِّ عَيْبٍ الْمَوْثِقِ لِلنَّجَاءِ الرَّحْمَنُ لِلنَّفْسِ الْمَوْثِقِ إِلَيْهِ دِينُ اللَّهِ
اللَّهُمَّ وَتَعَفُّي بِبَيَانِهِ وَتَعَفُّي بِرَأْفَتِهِ وَأَقْلَحْ حُجَّتَهُ قَدْ دَفَعْتُ حُجَّتَهُ
وَأَصْحَى قَوْلَهُ وَتَعَفُّي وَتَعَفُّي وَأَعِظْهُ الْعَفْوَ وَالْعَفْوَ وَالْعَفْوَ
وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَابْتَعُهُ سَقَا عَمَحُوْا بِفَضْلِهِ بِهِ الْأَكْرَمُونَ وَالْأَكْرَمُونَ
وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَفَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَفَارِثِ الْغُرِّ الْمُجْتَلِينَ وَ
سَيِّدِ الْوَسِيَّةِ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَمَامِ
الْمُؤْمِنِينَ وَفَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ
الْحُسَيْنِ أَمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَفَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ

وَأَخْبَرُ

[illegible]

اَوْ شَفَاعَةِ اَنْبِيَائٍ اَوْ كَفَرًا اَوْ فُسُوقٍ اَوْ عَقِيَانٍ اَوْ عَقْمَةٍ اَوْ شَيْءٍ لَا
 حُجَّتَ فَاسْتَلْكَ يَا رَبِّ اَنْ تُبَدِّلَنِي مَكَامًا اَيْنَا نَا بِرُحْمَتِكَ وَوَفَاءِ ^{بِعَهْدِكَ}
 وَرِضَى بِغَضَائِكَ فَهَيَّا فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَآثَرَةً
 وَكَمَالًا بَيْنَهُ وَتَوَكُّبًا وَتَقَرُّبًا اَسْأَلُكَ ذَلِكَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ اَللّهُمَّ اِنَّا
 نَعْتَظِي بِكَ مِنْ كَرَمِكَ وَجُودِكَ نَطْلَعُ مِنْكَ كَمَا نَعْتَظُ وَنَاوَسُكَ
 بِغَضَبِكَ سَكَنَ اَرْضِكَ لَكُنْ عَلَيْنَا بِالْفَضْلِ جَوَادًا وَبِالْخَيْرِ عَوَادًا
 يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّالِحِينَ لَا تَعْصِي وَلَا تَعْدُ
 وَلَا يَقْدِرُ قُدْرَتُهَُا اَعْلَمُكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **فصل هشتم**
 در اعمال ماه مبارک رمضان مریب است اهل بیت طاهرین علیهم السلام که این
 ماه است ماه هبت اولش رحمت و مبالغت مغفرت و آخرش اجابت دعوت
 و از او انش و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در فضایل این ماه خطبه آورده
 و مجمل و مفروض است که این ماه افضل ماه هبت و یک ماه از قطع در شبهای این ماه
 مثل نماز هفتاد نیت در سایر ماهها واجب و طوع و تصدق و سایر اعمال ^{در این ماه}
 مثل اجر فیض است در غیر این ماه و فیض در این ماه مثل هفتاد و نیت است در غیر این
 و در این ماه اهل حاج و انصار و ادراک مردم فرشته شود و از ذوق بویان در این ماه
 زیاد گردد و هر کس در این ماه پیش از افطار بپوشد چنانست که در آن روز دگر
 و گناهان گذشته اش آمرزیده شود که گفت ماهی قاهر نیستیم هر چه خود را از آن
 نگاه داریم اگر چه بقیه عمر ما باشد یا نیت ابی و هر کس در این ماه خدمت و
 از دها خود تحقیق دهد خداوند تعالی بقیه سال را به حساب او در تحقیق کند

و مؤمنان درین ماه مهمان خدا و اهل کرامت او و بد نشستن نسیح
 و خیرات عبادت و دعا بشان مستجاب عملشان مقبول پس در این ماه
 بین تمامای صادق و دلای پاکیزه از گناه و نوبتی روزی آن و تلاوت قرآن
 مستکتید و مجموع و عطش اینها مجموع و عطش روز قیامت با ذلالت و فقر
 تصدق و بر کس چکان ترجم و مریب است که آن را تو قریب نماید و صلوات
 و زبان این بوده و بجاصل بنیدید و چشم از حرام بپوشید و کوشش از این کرد
 و بر این ماه دم رحم کنید تا بر این ماه شما رحم کند و در او قات صلوات
 او قات است از گناهان استغفار کنید و دستهای عباد را در یک حد
 بر بندگان رحمت نظر کنید چون او را بطلبند بلیک گوید و چون ضایع
 کند اجابت نماید و چون دعا کنید عطا فرماید نفوس شما در یک عمل
 بلی استغفار رخصلا حرکت کنید و پشتهای شما از گناه سنگین است در بطول کرم
 و سجود باد از دست خود سبک کنید و درهای نیت درین ماه کنوده
 سوال کنید تا بر شما نرسد و درهای و رنج نیت است بقیه نماید تا شما
 نکشاید و شایان مسجون و مسجون استغفار کنید تا بر شما مسلط نشود
 و شکی نیست که در این ماه از مغفرت خدا محروم ماند و کسی که در این ماه
 آمرزیده نشود و اگر آمرزیده شود مگر آنکه بفرقات حاضر شود و هر کس
 درین ماه شرم خود از مردم باز کرد و خدای تعالی خود را از او باز کرد
 و هر کس بطوع بجای آورد از آنش بری شود و هر کس صلوات بر من و آتش
 سنگین کند روزی که میراثها سبک باشد و هر کس بلی را از قرآن بخواند

چنان که در ماه دیگر ختم قرآن کند و هر شب در نماز صبح سیار از اثنی عشر روز بخواند
 کسی که روزه بر سر گیرد یا صاحب بدعت یا صاحب بدعت یا صاحب بدعت باشد و در
 آخر مثل آنکه در تمام ماه از اثنی عشر روز بخواند و هر کس اینها روزه گیرد و قدری
 از شبها نیز عبادت کند و موافقت بر نمازها و محافظت نماز جمع و نماز
 عید نماید و بطن و فرج خود را از حرام حفظ کند و زبان از مردم باز دارد
 و لیس از دندانها دور بدارد و کناهان بیرون رود و خاکی از راه بیرون
 میرود و بجایین و صیلة لکم قیام شود و نیز روایت دیگر آمده که هر کس این ماه
 روزه گیرد و فرج و زبان حفظ کند و مردم را نیازارد و بر عبادت خدای
 تعالی کناهان آید و کند شش یا بیامزد و اثنی عشر روز که در آن وقت
 نزولش فرماید و شفا عیش بر اهل توحید بعد از ربك عالم قبول فرماید
 این بود مجمل از حکام اخلاقی و محاسن افعال در بنیاد اما در کار و اولاد
 این بیانش آنکه چون ماه مبارک دیده شود روی به پدید بگوید اللهم اهلکم
 عملنا بالاکرام والایمان والاسلام والعافية العبد والرفیق
 الذایع ودفع الکشفام اللهم ارزقنا صیامه و قیامه و قیامه القل
 فیبه اللهم بک وکنا وکنا فیبه و دعای رویت در این ماه
 کامله نیز بخواند و زیارت امام حسین علیه السلام کند که اثنی عشر روز و در
 از درخت و از کاه پاک شود و در روزی که متولد شده و چنان باشد و در
 گذارده باشد و هر شب این ماه این دعا بخواند اللهم انی اقم فی الشیء بحمدک
 و انت مسدد للصواب عینک انقشتم الریحین فی صوبی لعقوف

این بود مجمل از

الرحمة

والرحمة فاشد لنا من فی صوبک النکال والبقیة واعظم الخیرین فی
 صوبک الذکر یا رب العظمة اللهم اذ تقم فی دعا نیک ومنتک فاستمع یا
 سمیع مدحی وایحیایهم دعوتی و اقل یا عفو غرت فکم یا الهیمن کبر
 قدر عتبتنا و عمن قد کففتنا و عترة قد افلتنا و رحمة قد نشرتها و
 خلقه بلا قدر کسرها الحمد لله الذی لم یخذلنا حجة و لا وکدنا و لم
 یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من لدن و کبره و کبره الحمد لله
 جمیع محامید کلها علی جمیع نعمه کلها الحمد لله الذی لا مضادة له فی کل
 و لا منازع له فی امره الحمد لله الذی لا شریک له فی خلقه و لا شیه له
 فی عظمته الحمد لله الغاشی فی الخلق امره و حسن و حسن الظاهر بالکرم
 تحفه الباطن بالجود و کبره الذی لا یسقط خرافته و لا یرد کثره العطای
 الا کثر ما وجوده انه هو العزیز الوهاب اللهم انی اسئلك قلبا لایمن
 کثیر مع حاجته الیه عظیمه و غنا عنه قدیم و هو عنده کثیر و هو ملک
 سهل یسر اللهم ان عفوک عن ذنبی و تحا و ذک عن خطیئتی و
 صفحتک عن ظلمی و شریک علی قلبی عملی و خلتک عن کبر جرمی عندک
 ما کان من خطائی و عذری طعنی فی اسئلك ما لا استحقه منک
 الذی مررتنی من رحمتک و ادرتنی من قدرک و عرفتنی من طاعتک
 فصرت اذ عولک امنا و اسئلك مستأفیا لا خافا و لا وجلأ و لا
 علیک فمأ صدق فی الیک و ان اطاعتی عتبت بحمدی علیک
 و لعل الذی اطاعتی من جرمی علیک یافیه الامور فکم اروی فی

أصبر على عبدك منهم عليك يا ربك أتدعون فأولي عنك وتكسب
إليك فأبغض إليك وتؤدو إلى فلا أقبل منك كان في النظر عليك
وكم منعتك ذلك من العجز والاحسان إلى والتفضل على عجزك
وكرمك فأرحم عبدك الجاهل وجد عليك بفضل إحسانك إليك عجز
كريم الحمد لله ما ليل تلك بحري لعلك من الزناج فإلى الإحسان فإنا
الذين ربنا العالمين الحمد لله على إجله بعد على الحمد لله على عفو
بعد قد ربه الحمد لله على طول أثاره في عصبه وهو الفادر على ياربك
الحمد لله خالق الخلق وباطن الرزق ذي الجلال والإكرام والفضل
والإحسان الذي بعد فلا يرى وقرب فمن هذا الحق تبارك
وتعالى الحمد لله الذي ليس له منافع بعد له ولا منبه نباله
ولا كبر بعدك وهو عزه الأعلو وتواضع لعظمته العظماء
قبله بعد ربه انشاء الحمد لله الذي يحبني حين أنا فيه ويكر
على كل عورة وأنا أعصيه ويعظم ليعة على فلا اجابة لكم
من موجهة حينه قد أعطاني وعظيمة خوفه قد كفاي وبكفة
موفية قد كفاي فإني عليه حامدا واذكرا وسبحا الحمد لله الذي
لا فتك نجابة ولا يخلق نابه ولا يرد سائله ولا يجيب اماله
الحمد لله الذي يؤمن الخائفين وينجي المشاكسين ويكرم المستضعفين
ويضع المستكبرين ويهلك ملوكا ويخلف اخير الحمد لله فإني
لجانب من قبل الظلمة سيد الظالمين من كمال الظالمين من كمال المستضعفين

موقع حاجات الظالمين من غير المؤمنين الحمد لله الذي رعد السماوات
ومرجع الأرض وعثاها وتوحيج الخار ومن يسبح في حمد الله الحمد لله
الذي خلق ويخلق ويخلق ولا يترك ولا يترك ولا يترك ولا يترك
ويستلخبا ويحكي الموت وهو حي لا يموت يديه الخبز وهو على كل
شئ قدير اللهم صل على محمد عبدك ورسولك يا ربك وصفيك
وجيدك وخيرتك من خلقك وحافظ مريدك ومبلغ مرادك
واحسن وأكمل وأزكى وأتم وأطيب وأطهر وأسن وأكبر وأجلى
وباركت ورحمت وتحت وتحت وتحت وتحت وتحت وتحت
ورسلك وصفتك وأكمل لكلمة عليك من خلقك اللهم صل على
عليه وآله وسلم ورسول رب العالمين وعلى الصديقة الطاهرة
فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين وصل على سبطي الرحمة وإمامي
الحسن والحسين سيدَي شباب أهل الجنة وصل على أئمة
السلمين حججك على عبادك وأمنائك في بلادك صل على كثر
دائمة اللهم وصل على وليك أميرك القائم المؤمل والعدل المتق
اخففه ملائكتك المقربين وأئده مروج القدس يا رب العالمين
اللهم اجعله الداعي إلى كتابك والقاتل بيديك والخلق في
كلما استخلف الذين من قبله يكن له دينه الذي نصبت له
أبدله من بعد خفيه أمّا بعدك لا يشرك بك شيئا اللهم آمين
وآمن به وأمن به وأمن به النصره نصره آمين وأمن به نصره نصره

قريباً اللهم اظهر به دينك وملة دينك حتى لا يتخفى شيء من الحق
تخافه احد من الخلق اللهم انا نعوذ بك في قلبه كبرية فخرها الا
واهلكه وفذلها الضائق واهلكه وجعلنا فيها سائر للقاء الى طاعتك
والقادة الى سبيلك ونورنا لها كما مدها لنا والآخره اللهم انا نعوذ
من الحق لغيرك ومن اقصى ناعته فليغناه اللهم النعم به نعمنا وانعم
به صدقنا وارزقنا به ففقتنا وكثر به قلتنا واعز به عنا
واقصر به عن مغربنا وابخر به فقرنا وسد به غلتنا وكثر به حسننا وابتغ
به وجرهنا وقلك من اسرنا وانج به طليتنا واخر من مولا عبدنا وانج
به عنقنا واعطنا به فرق رحمتنا باخبر المسؤولين واقمع المظلمين
اشهد بصدقنا وانا وذهب غيظ قلوبنا واهدنا به ليل الاختلاف فيه
من الحق يا ذاك اذكك تدمي من نشاء الى صراط مستقيم وافتدنا
على عدوك وعدوك نا الله الحق امين اللهم انا نعوذ بك
فقد بينا وعبيدنا امامنا وكثر عدونا وقلة عدونا وشدة الفتن
بنا ونظاها الزمان علينا فصل على محمد وال محمد واعنا على ذلك
يفتح لحنه وغفر مكنفه ونفخ نوره وسلطان حق نظيره وكن
منك لجلالها وعافية منك ثلثنا لها رخصتك يا ارحم الراحمين
مرحوم ربنا ان دعا لغيرك كما عدت في كبري وباطنا جبي في قديمه و
يا ارحم الراحمين وباطنا جبي في رخصتي انما ارحم منك والمؤمنين
والنفس عثر في فافتد في خطيئتي اللهم انا نعوذ بك من كل شر

فكل حشر الدل في النار يا ارحم الراحمين يا احد يا احد يا احد يا احد
بذل ولم يولد ولم يكن له كفوا احد يا من يعطي من االه وحقنا منيع
ويتدعي يا محير من اربا له نقض لاسنه وكرما بكرتك الدائم
على محمد وال محمد وكتب رحمة واسعة لجامعة ابلغها خير الدنيا
والآخره اللهم اني استغفرك لثابت اليك منه ثم عدت فيه
واستغفرك للغير ارددت من وجهك فاعطاني فيه ما تيسر لك
اللهم صل على محمد وال محمد واعف عن ظلمي بخي بجلالك ورحمتك
يا كريم يا من لا يجيب سائله ولا يقدر نائله يا من عا على قدامه
ودنا فلا يخفى دونه صل على محمد وال محمد واجعلني يا ارحم الراحمين
لومي القبيحة البليدة الشاعة الشاعة الشاعة اللهم انا نعوذ بك
اليتناق ويحكي من الزنا والكن في عيني من الخيانة
فانك تعلم خائنة الاعين وما تخفي الصدور يا رب هذا مقام العائدين
بك من النار هذا مقام السجدة يا رب من النار هذا مقام السجدة
يا رب من النار هذا مقام من يتوب خطيئة ويعترف بذنبه ويتوب الى
ربه هذا مقام النابيين المنبر هذا مقام الخافين السجدة هذا مقام الخائفين
الذكر وهذا مقام المؤمن المصوم هذا مقام الغريب المبرق هذا
مقام المستجير المبرق هذا مقام من لا يجد لذته غافول
ولا طيبه سفر يسأل يا الله يا كريم لا تحرق وجهي بالنار بعد جدي
لك وتعقيري بغير من يقي عليك بل لك نعم والموت والقدر على

ارحم ابي ربي ابي ربي تافقك شوق ضعفي وكلمة جلتي ورفقة
 جلدي ومقدرة اوصالي وقنار الحكي وحسن جدي ووخدي
 ووحشي في قربي وحن من صبري لبداء انك يا ربي
 قرة العين والاختيار يوم الحسرة والتدبير بين وجهي
 تسوء فيه الذنوب امين من الفرج الاكبر انك البشري يوم
 تقابل فيه التسلوب والافساد والبشري عند ذوق الدنيا المحل
 الذي ارجوه عني في جيلتي وعنده ذخر اليوم فاقى الحسد الذي
 ادعوه ولا ادعوا غير محب دغالي الحمد لله الذي ارجوه ولا ارجوه
 لا خلف رجائي الحمد لله لنعم المحسن المحمل المفضل ذي الجلال
 الاكبر وفي كل عمة وصاحب كل حسنة ومنتهى كل رغبة و
 فاضى كل حاجة اللهم صل على محمد وال محمد وارزقني القبول
 وحسن الظن بك وانك رجلك في قلبي وقطع رجائي عن غيرك
 حتى لا ارجو غيرك ولا افوز الا بك بالحق الماتشاء الطيف في جميع
 امور الدنيا حتى وترضي يا ربي اني ضعيف على الشارقة لا يغني
 ما انار يا ربي ارحم دغالي وتضرع وخوفي وذلي وصعوتي و
 تقديري وكوذي يا ربي ضعيف عن ملك الدنيا وانت واسع لهم
 استملك يا ربي موتك على لك وقد نك عليه وغناك عنه
 وحاجتي اليه ان ترزقني في عامي هذا وفي هذا وفي هذا وفي
 هذه رزقا واسعا فتنبه من تكلف ما في امدى الناس من رزقك

للجلال ابي ربي منك اطلب واليك ارفع وابالك ارجو وانت لعل
 ذلك ولا ارجو غيرك ولا افوز الا بك يا ارحم الراحمين يا ربي لي
 ظم نفسي فاغفر لي وارحمي وعافني يا واسع كل صوت ويا جامع
 كل صوت ويا بارئ النفوس بعد الموت يا من لا تشاء الظلمات
 ولا تنبئ عليه الاموات ولا تفعله شي عن شي اعط محمد
 افضل ما سالك وافضل ما سلك له وافضل ما استسلك
 له الي يوم القيمة وهب لي العافية حتى تصبني المعيشة والخير
 بخير حتى لا تنصرني الذنوب اللهم فاصبرني بصري بما قسمت لي
 حتى اسأل احد شي اللهم صل على محمد وال محمد واقبح لي
 خرافات رخصتك ارحمني رحمة لا تعدني بعد ما ابدا في الدنيا
 والاخرة وارزقني من فضلك الواسع رزقا حلالا لا طيبا
 لا تقفني الى احد بعدك نواك تزدني به لك شكرا واليك
 فاقه وقفا وبك عمت نواك عني وتعقبا يا محسن يا
 مجيد يا منعم يا مفضل يا مليك يا مقتدر صل على محمد
 وال محمد والقيهم منهم ككلمة وافضل في جميع خواصيهم
 ببرك ما اخاف بغيره فان تجسر ما اخاف بغيره عليك
 سهل يسر وسهل لي ما اخاف خروجه وتفسر عني ما اخاف
 ضيقه وتكف عني ما اخاف عمة واصرف عني ما اخاف بليته
 يا ارحم الراحمين اللهم املا قلبي ببالك وخشيتك منك

وَقَدْ بَقِيَ لَكَ يَا مَنَّا نَاكَ وَفَرَقَانِكَ وَتَوَقُّا إِلَيْكَ يَا ذَلِيلَ
وَالْأَكْرَامِ اللَّهُمَّ لَكَ عَلَى حَقِّكَ فَاصْدَقْ لَهَا عَلَى وَلَلَّاسِ فِي بِلَى
تَعَارُ فَتَحْتَلُّهَا عَنِّي وَقَدْ وَجِبَتْ لَكَ بِنَفْسِي وَأَنَا ضَعْفُكَ
فَاَجْعَلْ فِرْعَى اللَّيْلَةِ لِحَبَّةِ يَأْوَغَابِ لِحَبَّةِ يَأْوَغَابِ الْعُصْفَرَةِ
وَلَا تَحُولْ وَلَا تَفُتْ إِلَيْكَ دُونَ أَوَّلِ نِيَاهِ ابْنِ دَعَاؤِي أَدْعِي
شُرُوفَتَهُمَا وَأَقْنَاهُ مِنْ وَدْيَادِ حَقِّكَ وَأَمَّا مَنْ خَلَعَ عَلَى
بَاشِدَا سَالِ دَعَاؤِي اللَّهُمَّ إِيَّاكَ بِسْمِكَ الَّذِي أَنْ لَعْنَى
وَبِحَبْلِكَ الَّذِي وَسَّعَتْ كُلُّ شَيْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ
وَبِحَبْلِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلُّ شَيْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي خَلَطَ بِكُلِّ شَيْءٍ
يَا مُؤَيِّدُ يَا مُدْقِسُ يَا أَوَّلَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ يَا بَاقِيَ بَعْدَ كُلِّ
شَيْءٍ يَا اللَّهُ يَا صَنُّوْكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لِي اللَّهُمَّ
الَّتِي تُغْفِرُ النَّعَمَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي نَزَلَ النَّقَمَ وَاعْفِرْ لِي
الذُّنُوبَ الَّتِي تَقَطَّعَ الرَّجَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَدْبِلُ الْأَعْيَانَ
وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُجَوِّدُ
لَهَا نَزُولَ الْبَلَاءِ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ عِلَاقَةَ التَّوَكُّلِ
وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُكْثِفُ الْعِطَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُجْعَلُ
الْفَتَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُرْشِدُ لِدَمِّ الْعَصَبَةِ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ
الَّتِي تُنْكَرُ الْعِصْمَ وَالْبِسْمَ دُونَ عِلَاقَةِ الْحَبِيبَةِ الَّتِي لَا تُخَامَرُ
عَافِي مِنْ سِرِّهَا الْخَائِدِ وَالْبَلَدِ وَالْمَنَارِ فِي مَسْقَبِ بِلَى

مُحَمَّدٍ

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ الْمُنَافِي
الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الرَّافِقِ وَرَبَّكَ بِلَى وَجِبْرِيْلَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدَا الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ أَسْأَلُكَ بِكَ
وَبِمَا سَمَّيْتَ بِرَفْعِكَ يَا عَظِيمُ أَسْأَلُكَ بِكَ يَا عَظِيمُ وَتَدْفَعُ
كُلَّ عَذَابٍ وَتَهْطِ كُلَّ جَزِيلٍ وَتَضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ بِالْقَبْلِ
وَالْكَثْرِ وَتَفْعَلُ مَا تَشَاءُ يَا قَدِيرُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بَيْنَهُ وَالْبِسْمَ فِي مَسْقَبِ بِلَى هَذِهِ سِرَّتُكَ وَ
نَظَرُ وَجْهِ نَبِيِّكَ وَآجِسُ حَبْلِكَ وَبِلَغْنِي بِغَاوَاتِكَ وَتَكْفِ
كَرَامَتِكَ وَجِسْمُ عِطَّتِكَ مِنْ خَيْرِ مَا أَنْتَ مُعْطِيهِ أَحَدًا مِنْ
خَلْقِكَ وَالْبِسْمَ مَعَ ذَلِكَ غَايَتِكَ يَا مُوضِعَ كُلِّ كَوْنٍ
وَنَاهِدَ كُلِّ جَوْنٍ وَعَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ وَدَافِعَ مَا بَيْنَ الْأَمْنِ
بِلَدْنِهِ يَا كَرِيمُ الْعَفْوِ بِأَحْسَنِ الْغَاوِينَ وَتَوَقُّنِي عَلَى مَلَكَةِ أَرْوَاحِهِمْ
وَيُطَرِّدُهُ عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَنَبِيِّهِ وَعَلَى خَيْرِ الْوَفَاةِ فَتَوَقُّنِي مَوْلَا لَنَا لَا
مُعَادَ ثَالِغًا لَدُنَّا اللَّهُمَّ وَجِبْتَنِي فِي هَذِهِ السَّنَةِ كُلَّ عَمَلٍ أَقُولُ
أَوْفِيْلَ يَقْرَبْنِي مِنْكَ فِي هَذِهِ السَّنَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَاسْتَعْنِي
مِنْ كُلِّ عَمَلٍ أَقُولُ أَوْفِيْلَ يَكُونُ مِنِّي خَائِفٌ خَيْرٌ غَايَتِهِ وَتَكْفِ
مَقْنَتِكَ إِنَّمَا حَيْدَا أَنْ تَصْرِفَ وَتَجْعَلَ كَرَمَ عَنِّي فَاسْتَعْنِي بِهِ
نَعْتًا مِنْ عِظَمِهِ عِنْدَكَ يَا رَوْفُ يَا رَحِيمُ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي قَسْبًا
سُبْحَانَكَ فِي حِفْظِكَ وَفِي جَوَارِكَ وَفِي كَنْفِكَ وَبِلَدْنِي

لِلنَّاسِ

سِرِّ غَايَتِكَ وَهَبْ لِي كَرَامَتِكَ عَنْ جَارِكَ وَجَلِّ شَأْنَكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي تَابِعًا لِصَالِحٍ مِنْ عَشَرَةِ أَوْلِيَانِكَ وَتَحْفَظْنِي مِنْ أَلِيمٍ وَتُجَنِّبْنِي
سُكْرَ الْمُرَةِ قَالَ يَا صِدِّيقُ عَلَيْكَ مِنْهُمْ وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ يَخْطُبَ فِي خَطْبَتِي
وَيُكَلِّمَ بِأَمْرٍ عَلَى نَفْسِي أَوْ تَبَاعِي طَوَائِفَ وَاشْتِغَالِي بِهِمْ مَا فِي قِيَمِكَ وَاللَّيْلِي
وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ وَوَيْضَاءُ نَيْكَ فَأَكُونُ شَيْبًا عِنْدَكَ مَسْرُوعًا لِحَبْلِكَ
وَقَسَمَتِكَ اللَّهُمَّ وَفَعْنِي لِكُلِّ عَمَلٍ صَالِحٍ وَفَعْنِي مِنْ عَمَلٍ مُرْتَابٍ لِيْلِكَ نَفْسٍ
اللَّهُمَّ كَمَا كُنْتَ بِكَ مُحَمَّدٌ أَصْلًا نَأْتِ عَلَيْكَ إِلَهُ هَوْلٍ عَدِيدٍ وَفَتْحَتْ
قَمَرٌ وَكَشَفَتْ غَمَةً وَصَدَّقَتْهُ وَعَدَاكَ وَأَنْجَزَتْ لَهُ عَهْدَكَ اللَّهُمَّ
فِي ذَلِكَ فَالْفَعْنِي هَوْلَ هَذِهِ السَّنَةِ وَأَفَاتِهَا وَأَسْأَلُهَا وَفَتْحَهَا وَفَتْحَهَا
وَأَخْرَاجَهَا وَتَسْبِيحُ الْعَالَمِينَ فِيهَا وَيُفَعْنِي بِرَحْمَتِكَ كَمَا لَ الْغَايَةِ بِعِيَامِ
وَدَامِ النِّعَةِ عِنْدَ اللَّهِ مِنْهُ فِي أَجَلِي أَسْأَلُكَ سَوْلَ مَنْ أَسَاءَ وَطَلَمَ
وَأَعْرِفُكَ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا مَضَى مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي حَضَرَهَا
حَقَّقْتُكَ وَأَخْصَنَ مَا كَلَّمْتُكَ كَرَمَتِكَ عَلَيَّ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي مِنَ
الذُّنُوبِ الَّتِي بَقِيَ مِنْ عَمَلِي فِي سَنَتِي أَجَلِي يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَأَفْعِنِي كُلَّ مَا لَكَ وَرَغِبْتَ إِلَيْكَ فِيهِ وَأَتَمَّ
أَمْرِي بِالْدُعَاءِ وَتَحَفَّتْ يَا لِحَاجَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَابْشُرْ بِي
دُخُولَ مَاءِ مَبَارَكِ رَحْمَتِكَ كَمَا مَلَأَ بَخْرًا وَهَرُورَ نَاسِرَاهِ ابْنِ دَعَا
إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا
عَلَيْهِمْ كَمَا صَلَّيْنَا عَلَيْكَ يَا رَحْمَنُ وَبِجَانِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ

وَالْمُحَمَّدِ

عَلَيْهِ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ
حَسْبُ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ إِبْرَاهِيمَ
إِنَّكَ حَسْبُ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَى نُوحٍ فِي
الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ لَنْزِلِ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَى مُوسَى هَارُونَ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ
وَالْمُحَمَّدِ وَابْنَتِهِ مَعًا مَاءً حَسْبُكَ بِرِ الْوَلَدِ وَالْآخِرُونَ عَلَى
مُحَمَّدٍ السَّلَامُ كُلَّمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كُلَّمَا
طَلَعَتْ عَيْنٌ أَوْ ذُرِفَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كُلَّمَا ذُكِرَ لَكُمْ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهُ مَلَكٌ أَوْ قَدَّسَهُ السَّلَامُ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَحِينَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْوَلَدِ
السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْوَلَدِ
وَالْآخِرِينَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَبِّكَ الْخَالِدُ وَرَبِّكَ الرَّحْمَنُ وَالْمَعْتَامُ وَرَبِّ
لَوْحِكَ وَالْحَرَامِ بَلِّغْ مُحَمَّدًا نَبِيَّكَ وَآلَهُ عَنَّا السَّلَامَ اللَّهُمَّ أَعْظِمْ مُحَمَّدًا
مِنْ أَوْلِيَاءِكَ وَالْمَقْنُونِ وَالشُّرُوفِ وَالْكَرَامَةِ وَالْعَبِيدَةِ وَالْوَسِيلَةِ
وَالْكَرَامَةِ وَالْمَعَارِ وَالزُّنُوفِ وَالنَّفَاحَةِ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَفْضَلُ
مَا تُعْطِي أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَأَعْظِمْ مُحَمَّدًا فَوْقَ مَا تُعْطِي الْغَايَةَ مِنَ النِّعَةِ
أَضْعَافًا كَثِيرَةً لَا يُحْصِيهَا عِلْمُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ طَيِّبًا وَطَاهِرًا
أَرْكَسِي وَأَتَمِّي وَأَفْضَلْ مَا صَلَّيْتَ عَلَى الْوَلَدِ وَالْآخِرِينَ وَتَحَفَّتْ
لِحَدِيثِ خَلْقِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

وَقَالَ مَنْ وَالَاهِ وَمَنْ عَادَاهُ وَمَنْ عَادَاهُ وَمَنْ عَادَاهُ وَمَنْ عَادَاهُ
فِي مِثْلِهِ صَلِّ عَلَى نَاطِقَتَيْ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ وَالْعَنْ مَنْ أَدَّى بِكَ فِيهِمَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ
أَمَامِي السَّالِمِينَ وَقَالَ مَنْ وَالَاهُمَا وَمَنْ عَادَاهُمَا وَمَنْ عَادَاهُمَا
عَلَى مَنْ شَرِكْتَ فِيهِمَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى بَنِي الْحَسَنِ وَبَنِي الْحُسَيْنِ
مُحَمَّدٍ وَمُحَمَّدٍ وَعَلَى بَنِي مَرْثُومٍ وَمُحَمَّدٍ وَعَلَى بَنِي مُحَمَّدٍ
وَالْحَسَنِ وَعَلَى بَنِي السَّالِمِينَ وَقَالَ مَنْ وَالَاهُمَا وَمَنْ عَادَاهُمَا
وَصَاحِبِي الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمْتُمْ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مَلَائِكَةِ مَنْ قَبِلْتُمْ
أَمَامِي السَّالِمِينَ وَقَالَ مَنْ وَالَاهُ وَمَنْ عَادَاهُ وَعَلَى اللَّهِ وَرَجَاهُ اللَّهُمَّ صَلِّ
صَلِّ عَلَى الظُّلَمِ وَالْقَاسِمِ بِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
كَتُوبَتِي بِكَ وَالْعَنْ مَنْ أَدَّى بِكَ فِيهِمَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
الْحَبِيبَةِ مِنْ ذُرِّيَةِ نَبِيِّكَ الْخَلْفَةِ نَبِيِّكَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ
لَهُمْ فِي الْأَرْضِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ عَدَدِهِمْ وَمُدَّعِيهِمْ وَأَنْصَارِهِمْ عَلَى الْحَقِّ
فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ اللَّهُمَّ اطْلُبْ بِحِلْمٍ وَفِيهِمْ وَدِينَهُمْ كَقَتِ
سُتَاوَهُمْ وَعَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ بَأْسَ كُلِّ نَاجٍ وَطَائِفٍ
أَخَذَ بَأْسَهُ بِكَ أَنْتَ بَأْسًا وَأَنْتَ تَكْبِلُهُ وَبِزَهْرٍ وَبِزَابِ
بِحْرَانِ اللَّهِ هَذَا فَهَرِ مَضَانِ اللَّهِ بَأْسَ لَكَ فِيهِ الْفَرَانِ هَذَا لَكَ
فِي بَيْتِ الْمَدِينِ وَالْفَرَانِ وَهَذَا فَهَرِ الصِّيَامِ وَهَذَا فَهَرِ الصِّيَامِ
وَهَذَا فَهَرِ الْإِنَابَةِ وَهَذَا فَهَرِ الشُّقْبَةِ وَهَذَا فَهَرِ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ

وَعَدَا

وَعَدَا فَهَرِ الْعَنْ مِنْ التَّارِ وَالْعَنْ مِنْ التَّارِ وَالْعَنْ مِنْ التَّارِ
الَّتِي هِيَ مِنْ الْعَنْ فَهَرِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْنِي عَلَى صَاحِبِهِ
وَقِيَامِهِ وَبِهِ لَوْ كُنْتُ فِيهِ وَاعْنِي عَلَيْهِ بِأَفْضَلِ عَوْنِكَ وَوَفْقِي
لِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَأَوْلِيَاكَ صَلِّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَوَقْفِي فِيهِ
لِعِبَادَتِكَ وَدَعَائِكَ وَتِلَاوَةِ كِتَابِكَ وَتَعْظِيمِي فِيهِ الْبَرَكَةِ وَ
لُجْمَةِ الْغَفَاةِ وَكَحْفِهِ بِكَ وَافْعِ فِيهِ رِزْقِي وَافْعِي مَا أَمْنِي وَ
اسْتَحْبِبِي فِيهِ دُعَائِي وَبَلْعِي فِيهِ رِجَائِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَذْهَبِي عَنِّي فِيهِ الشُّعَارَ وَالْكَسَلَ وَالْثَامَةَ وَالْقُسْرَةَ وَالْقُسْرَةَ وَ
الْفَقْرَةَ وَالْعِزَّةَ وَجَنِّبِي فِيهِ الْعِذْلَ وَالْإِسْقَامَ وَالْهَوْمَ وَالْإِسْقَامَ
وَالْأَخْرَاصَ وَالْأَمْرَاضَ وَالْقَطَايَا وَالذُّوْبَ كَصَرَفِي فِيهِ لَشَرِّ وَأَلْخَافَ
وَالْخُفْزَ وَالْإِلْدَادَ وَالنَّعَبَ الْعِنَاءَ بِكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْزِزِي فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَكُفِّرِي وَفْقِي
وَفَيْحِي وَوَسْوَئِي وَتَنْبِيْطِي وَكَيْدِي وَكُفْرِي وَجَانِلِي وَفَيْحِي
وَأَتْمَانِي وَغُرُورِي وَفَيْحِي وَشُرْكِي وَخَرَانِي وَتَبَاعِي وَشَلَاغِي
وَأَوْلِيَايَ وَشُرَكَائِي وَجَمِيعِ نَكَائِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَرْزُقِيَا مَهْ وَصِيَامَهُ وَبُلُوعَ الْأَمَلِ فِيهِ وَفِي قِيَامِهِ وَاسْتِكْرَامِي
بِرُضْكَ عَنْ حُبِّكَ وَاحْتِلَايَا وَاجْتَامَا وَتَقِيَّتَا تَقْبَلُ ذَلِكَ مِنِّي يَا
الْمُسْتَعَاثَ الْكَثِيرَ وَالْأَجْرَ الْعَظِيمَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَرْزُقِي فِيهِ الْحَيَاةَ وَالْعُمُرَ وَالْإِحْيَاءَ وَالْقُوَّةَ وَالْكَفَاةَ

الْكريم الْعظيم يَا الله يَا رَحمن يَا رَحيم يَا رَحمنَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالْحَمْدُ وَاعْفُ عَنِّي ذُنُوبِي وَغُفْرَانِي اِنَّمَا بِي وَظُلْمِي وَخُرْبِي وَإِسْرَافِي عَلَى
نَفْسِي وَأَنْفُسِي مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ
وَأَعْفُ عَنِّي وَاعْفُ عَنِّي كُلَّ مَا سَلَفَتْ مِنْ ذُنُوبِي وَاعْفُ عَنِّي بِمَا بَقِيَ مِنْ
عَمَلِي وَأَسْرَعْ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَتِي وَوَلَدِي وَقَرَابَتِي وَاهْلِي خَلِّصْنِي
وَمَنْ كَانَ مَعِيَ بِسَبِيلِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
فَإِنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ بِكَ وَأَنْتَ فَاسْخِ الْغَفْرَةِ فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا سَيِّدِي وَلَا
قَرَّةَ دُلْغَانِي وَلَا بَدِيَّ إِلَى خَيْرٍ وَجَنِّ لِقَعْلَ ذَلِكَ بِي وَتَجَنَّبْ لِي جَمِيعَ
مَا سَأَلْتُكَ وَتَبَرَّكْتَ مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَرَحْمَتُكَ
إِلَيْكَ لَا تُغَيِّرُونَ أَلْفَهُمْ لَكَ الْأَمَاءُ النَّفْسِي وَالْكَلْبَاءُ وَالْأَهْلَاءُ أَسْأَلُكَ
بِأَمْرِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنْ كُنْتُ فَضَيْتُ فِي هَذِهِ النَّبِيلَةِ
تَنْزِيلَ لَدُنْكَ وَالرُّوحَ فِيمَا أَنْ فَضَّلْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ وَأَنْ
تَجْعَلَ لِي فِي السَّعَادَةِ وَالدُّعَى مَعَ الشُّهَدَاءِ وَأَخِيَانِي فِي عِلِّيِّينَ
وَأَسْأَلُكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَأَنْ تَسْجِلَ بَيْنَا شَرِيحَ قَلْبِي بِمَا نَالُوا لَوْ
فَكَتُ وَمِنْهُ بِنَا فَمَتَّ بِي وَإِنِّي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ
وَقَبِي رَحْمَتِكَ عَذَابَ السَّارِقَاتِ إِنْ كُنْتُ فَضَيْتُ فِي هَذِهِ النَّبِيلَةِ
تَنْزِيلَ السَّافِكَةِ وَالرُّوحَ فِيمَا فَأَخْرَجْتَ إِلَى ذَلِكَ وَأَرَدْتَنِي بِهَا ذَلِكَ
وَتَحْكُوكَ وَطَاعَتِكَ وَحَسَنَتِ مَعَاذَكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ
مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ صَلَاتِكَ يَا رَحمنَ الرَّاحِمِينَ يَا أَحَدُ يَا أَحَدُ يَا أَحَدُ

محمد

مُحَمَّدٍ أَعْظَمَ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَلَا يَرَى عَذَابُ قَاتِلِ عَدَائِهِمْ بَدَأَ وَأَخْصَاهُمْ
وَلَا تَعْمَلُ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ مِنْهُمْ أَحَدًا وَلَا تَغْفِرُ لَهُمْ أَبَدًا بِأَحْسَنِ الْغَفْرَةِ
يَا خَلِيفَةَ النَّبِيِّ إِنْ أَنْتَ رَحِمَ الرَّاحِمِينَ الْبَدِيعَ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ
شَيْءٌ وَاللَّامِعَ عَمْرَهُ الْغَافِلَ وَالْحَيَّ الَّذِي لَا يَمُوتُ أَنْتَ كُلُّ نَبِيٍّ
فِي ثَنَاتٍ أَنْتَ خَلِيفَةُ مُحَمَّدٍ وَالْعَاقِمُ بِالْقِسْطِ مِنَ أَوْصِيَاءِ مُحَمَّدٍ صَلُّوا
عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَعْظَمَ عَلَيْهِمْ تَصَرُّكَ بِالْإِلَهَاتِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ وَجْهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاجْعَلْ
غَايَةَ أَمْرِي إِلَى غَفْرَانِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا رَحمنَ الرَّاحِمِينَ وَكَذَلِكَ كُنْتُ
فَتَسَّكَ يَا سَيِّدِي بِاللُّطْفِ عَلَى نَاكَ لَطِيفٌ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ
وَالطُّفُّ بِمَا أَنْشَأَ اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ وَأَرْفُقْ بِي بِالْحُجَّةِ
الْعَمْرَةَ فِي غَايَةِ وَتَطَوَّلْ عَلَى مَجِيئِي وَاجْعَلْ لِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ بَعْدَ ذَلِكَ
سَعْدًا بِكَ وَيَكُونُ اسْتِغْفَارُكَ لِي وَأَتُوبُ إِلَيْكَ يَا رَبِّ قَرِيبٌ مُجِيبٌ
اسْتَغْفِرُكَ يَا رَبِّ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ يَا رَبِّ رَحْمَةً وَدُورًا اسْتَغْفِرُكَ
يَا رَبِّ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ يَا رَبِّ كَانَتْ غَفْلَتِي اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ
يَا رَبِّ إِنِّي عَلَيْكَ سَوْءٌ وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَعْفُ عَنِّي ذُنُوبِي ثُمَّ لَا تَغْفِرُ الذُّنُوبَ
إِلَّا أَنْتَ اسْتَغْفِرُكَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْحَكِيمُ الْعَظِيمُ الْكَرِيمُ
الْقُدُّوسُ الَّذِي الْعَظِيمُ وَأَقْرَبُ إِلَيْهِ اسْتَغْفِرُكَ يَا رَبِّ اللَّهُ كَانَ غَفُورًا
رَحِيمًا بَعْدَ ذَلِكَ بِكَ يَا رَبِّ إِنْ فَضَّلْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ
وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا نَفَقْتُ مِنَ الْأَمْرِ الْعَظِيمِ الْخَيْرَ فِي لَيْلَةِ الْقَدَرِ

البدن

حيث

بِأَقْوَامٍ يَدْعُو إِلَى الْإِسْلَامِ وَالْأَكْرَامِ بَارِعِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَصَحْبِهِمَا يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ
يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَتَقَبَّلْ تَوْبِي
وَصَلِّ عَلَى قِيَامِي وَفِيَا مَيِّمِي وَخُذْ بِي زِيَادِي بِمَا شِئْتَ بِأَنَّكَ كُنَّا هَاهُنَا أَمْرًا زَيْدًا
وَأَعْمَالًا مَسِيرًا نَزْدًا وَارْجِعْ أَهْلَ بَلَدِي أَوْ ارْجِعْ أَهْلَ تَوْجِدِي لَشَرْقِي
وَنَامُغْرَبِي مَقْبُولًا شُودِ وَدَعَايَا شَانِ سَجَابِ كَرْدِ وَكُنَّا هَاهُنَا أَمْرًا زَيْدًا شُودِ
وَصَلِّ عَلَى آلِي دُنَا عَائِشَتِي وَخَازِنَتِي وَفَرِيدَتِي أَلَا كَرِهْتُمَا كَرْدِ كَرِهْتُمَا عَظِيمِ
أَزْدِ تَوْجِيعِ عِبَادِي بَاشْدِ وَفِي مَرُوفَتِي كَرِهْتُمَا دَرِيغَتِي شَشِ رَكْعَتِي نَادِ
كَذَرْدِ دَوْرِي رَكْعَتِي بَعْدَ الْحَمْدِ بِخَيْرِ مَرْتَبَةٍ لِمَا شِئْتَ بِخَيْرِ مَرْتَبَةٍ لِمَا شِئْتَ بِخَيْرِ مَرْتَبَةٍ
أَلَا رَجَعْتُمَا تَوْجِيعِي وَزُجْجِي بَاشْدِ دَوْرِي وَزِيَادِي بَارِعِي خَيْرَتِي يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ
عَلَيْهِ السَّلَامُ مَثَلِ صَدِيقِ وَصَدِيقِ وَصَدِيقِهَا دَاتِ بِاسْمِي مَثَلِ بَابِ
مَعْمُومِ وَتَسَاتِ دَرِيغِ رُوغِشِ كَرْدِ وَوَقْتُ عَمَلِ الظُّلُمِ
تَاوَقْتُ نَارَ عِيدِي فَإِنْ أَرَادْتُمَا عَمَلِي مَقْدُورًا بِأَنْتُمَا شِئْتُمَا شِئْتُمَا لَكَارْدِ
وَكَيْفِيَّتَانِ جَنَانَاتِ كَجَوْنِ تَهْنِئَةٍ نَارِ كَرْدِ وَتَوْجِيعِي بِصَدَقَتِي وَكَيْفِيَّتِي
مِنْ مَنِيَّتِي فَأَلْخَرْدِ عَاجِلًا لَكَوَرْدِ أَدْبَارِ جَلَدَتِي وَجَوْنِ شَرِيعِ دَرْمَانِ
بَعْدَ الظُّلُمِ خَامِ بَخْرَانِ بَعْدَ زَانِ شَشِ كَرِهْتُمَا بَعْدَ زَانِ كَرِهْتُمَا بَعْدَ زَانِ
بَخْرَانِ كَرِهْتُمَا أَهْلَ الْكِبَرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَأَهْلَ الْفُجُورِ وَتَوَجُّعَتِي وَأَهْلَ الْعَفْوِ
وَالرَّحْمَةِ وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْعَفْوَ أَشْكُ بِخَيْرِ هَذِهِ الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ
لِلْمُسْلِمِينَ عَيْدًا وَلِلْحَقِّ عَيْدًا عَلَى آلِهِ ذُخْرًا وَزِيَادًا نَصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالْحُجَّةِ وَأَنْ تَدْعِي لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ دَخَلْتُ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

شَرَحِي

شَرَحِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَخْرَجْتُ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُ بِمَا ذَكَرْتُ الْخَالِصُونَ بَعْدَ ذَلِكَ بِخَيْرِهِمْ
يَكُونُ بِكَ وَرُكُوعِي وَرُكُوعِي وَبُحُورِي وَدَوْرِي رَكْعَتِي دَوْرِي بَعْدَ الْحَمْدِ وَتَسْتَ
بَخْرَانِ بَعْدَ زَانِ بَعْدَ زَانِ بَعْدَ زَانِ بَعْدَ زَانِ بَعْدَ زَانِ بَعْدَ زَانِ بَعْدَ زَانِ
بَعْدَ زَانِ بَعْدَ زَانِ بَعْدَ زَانِ بَعْدَ زَانِ بَعْدَ زَانِ بَعْدَ زَانِ بَعْدَ زَانِ
خَوَانَتِي أَيْنَ دَعَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْبَلَدَ الْحَبِيبَ مَا مَعِيَ عَلِيٌّ مِنْ
وَأَتَمَّتْ عَيْنِي وَتَمَّتْ أَلْسِنَتِي مِنْ عَدَايِكَ وَأَقْرَبْتُ بِكُمْ إِلَيْكَ
لَا أَحَدًا حَالًا أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ فَمَنْ أَمْنِي وَأَمْنِي مِنْ خَوْفِي مِنْ عَدَايِكَ
وَحَبْلِكَ وَأَدْخَلْنِي مِرْحَمَتِكَ الْجَنَّةَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَصَلِّ
بِاللَّهِ مُؤَمِّيًا مَوْفِقًا مُخْلِصًا عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَشَيْئِهِ وَعَلَى دِينِ عَلِيٍّ
وَشَيْئِهِ وَعَلَى دِينِ الْأَوَّلِينَ وَشَيْئِهِمُ السَّابِقِينَ وَشَيْئِهِمُ الْوَارِثِينَ
إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِيمَا رَغِبُوا فِيهِ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا اتَّعَادُوا مِنْهُ
وَلَا تَحُولُ وَلَا تَقْوُ وَلَا تَنْفَعُ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ نَوَكَلْتُ عَلَى اللَّهِ
حَسْبِيَ اللَّهُ وَسَرَّيْتُ كُلَّ شَيْءٍ إِلَى اللَّهِ فَتَحَسْبُنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَرِيدُكَ قَارِئِي الْقُرْآنِ
مَاعِيَّتِي فَتَبَيَّرْهُ لِي اللَّهُمَّ أَيْتُكَ قُلْتُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ وَقَوْلِكَ
لِلْحَقِّ وَوَعْدِكَ الصِّدْقِ تَعَالَى مَضَانِ الدُّنْيَا أَوَّلُ فَلْيَقْرَأْ هَذِهِ الْقُرْآنَ
فَعَقَلْتُ فِيهِ مَضَانِ مَا أَقْرَأْتُ فِيهِ مِنْ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَحَسْبُنِي
بِأَنَّ جَعَلْتَنِي لِبَلَدِ الْقُدْرَةِ اللَّهُمَّ وَقَدْ أَفْقَسْتُ قَامَتُهُ وَكُنَّا بِهِ
وَقَدْ صِرْتُ مِنْهُ إِلَى مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي فَأَسْأَلُكَ يَا أَلْهِمَّ بِمَا أَسْأَلُكَ

به ملائكتك المرقوبين وأتيناك وعبادك الصالحين أن تصل على
محمد وآل محمد وأن تقبل مني كل ما قربت إليك فيه ونقصك عنه
ينقصني على قبول تقري وقراني واستجاب دعائي وحبي من ذلك
رحمة وأغفر رقبتي من النار واسمعي يوم الميزان من كل ذنب ومن
كل ذنب هذا عذبة لئلا يلقى عذبة أخرى ويحبك الكريم ويحب
بيتك ويحب الأوصياء أن يصبر هذا اليوم ولك في ربي عزة
أن توأخذ لها أو خطبة تزيلان نقصها مني كم تغفرها إلى الله
يحبك الكريم يا أله إلا أنت يا أله إلا أنت يا أله إلا أنت
وإن كنت قد رزيت عني فزادها بقى من غمري رضا وإن كنت لم
ترض عني فزادها قلبي عني يا سيدي وسلاهي الساعة الساعة
الساعة واجعلني في هذه الساعة وفي هذا اليوم وفي هذا الجليل من
عنفائك من النار عفا لا ريب بعدة اللهم إني أسألك بحجبتك
الكريم أن تجعل يوم هذا جدي يوم عبادك فيه منذ أسكنتني الأرض
اعظمه لجزا وأعمه نعمه وغافيه وأوسعهم رزقا وأبسطه عطفه
من النار وأوجبهم مغفرة وأكله رضا وأزفهم إلى ما يحب وترى
اللهم لا تجعله آخر عمرهم رمضان صنته لك فأرزقني العفو فيه
ثم العود فيه حتى مرضي عني ورضو كل من له قبلي عنة ولا تحني
من الدنيا إلا وأنت راض اللهم اجعلني من حجاج بيتك الحرام
خذ العار المبذور بحجهم الشكور عنهم المغفور ذنبهم السجائب

دعائهم

دعائهم المحفوظين في أنفسهم وأديانهم وذلاربتهم وأموالهم وجميع ما ألفت
به عليهم اللهم اقبلني من عجلي هذا وفي يومي هذا وفي ساعة هذه
مفلا انجح أمحاجا أو علاني مرحوم ما صوتي معقول ذنبي اللهم ولا تجعلني
ثقلت وأردت وقضيت وحملت وألذت أن تطيل عمره وإن
فقرتي ضعفي وإن شجرت فافتي وإن فخرتي وتوئست وخشيت وإن
مكررت فلتني وإن تددت رزقي في غافيتي وبسر وخفي عيني وكهنتي كل
ما ألفتني من غير الخريف ولا تكلني إلى نفسي فأعجز عنها ولا إلى الناس
فبرئوني وغافيتي في بيتي وأهلي وقلي وأهل موطني وحجرتي
واخلدي وذريتي وإن كنت على الأمن أبدا ما أقبلي اللهم إلى ربي
إليك محمد وآل محمد صلى الله عليك وقد ستم اليك أمانا وكنام
خاجتي وطليبي ونصرتي ومسلمتي فاجعلني بهم وجيها في الدنيا
والآخرة ومن المرقمين سنت على يعرفهم فاجعلني بالسعادة لك
على كل شيء قدرك فأنك وليي وسلاهي وسندي وربي وأولي عني
ورجائي ومعدن مسئلي وموضع شكوي وسنتي عني فلا تحبس
عليك دعائي يا سيدي وسلاهي ولا يبطلك لمدني طبعي وحجالي
فقد رزقتك ليك محمد وآل محمد صلى الله عليك وقد ستم اليك
أمانا وكنام خاجتي وطليبي ونصرتي ومسلمتي فاجعلني بهم وجيها
في الدنيا والآخرة ومن المرقمين سنت على يعرفهم فاجعلني
بالسعادة ولك على كل شيء قدرك اللهم لا يبطلك عني طبعي وحجالي

بالله ومُسَلِّمِي وَنَحْنُ فِيهِ بِالتَّعَادَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانِ وَالْعَفْوَ
وَالرَّحْمَةِ وَالْكَفَّارَةِ وَالْحَفِظِ بِأَمْرِهِ كُلِّ حَاجَةٍ يَا اللَّهُ يَا
اللَّهُ أَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ حَاجَةٍ فَوَلِّ غَائِبَتَهُمَا وَلَا تَكْطِبْ عَلَيْنَا أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ
يَنْتَهِ لَأَطِيقَ كُنَا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَفَرَعْنَا لَكُمْ الْآخِرَةَ يَا ذَا الْجَلَالِ
وَالْإِكْلَامِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
عَلَيْكَ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَحَنَّنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا فَضَّلَ مَا صَلَّيْتَ
وَبَارَكْتَ وَفَرَحْتَ وَرَحِمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَمَنَّتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ
إِنَّكَ جَمَدٌ مُجِيدٌ وَابْنُ خِرَافَةٍ دَعَا صَاحِبَهُ كَمَا يَحْتَوِيهِ كَرَامَتُكَ
مِنْ لَوْحَةِ الْعِبَادَةِ **فصل في** در اعمال شهر ذی القعدة الحرام روایت
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که درین روز رکعت عظمی جمع بود و در آن روز
در روزیست و پنجم ایام زمین را کشید و زمین کرد تا خلق در آن تعبیر
روزه این روز کفایت هفتاد سال و مثل روز شصت ماه است و روز
دیگر مثل روز هفتاد سال و مثل روز شصت ماه است و روایت دیگر
مثل روز هفتاد سال آمد و روایت دیگر آمده که ایام این شعبه ایام این
روز مثل صد ساله عبادت است که هر روز هایش روزی دارد و شبهاش
نار کند و اجر طاعت و عبادت درین شب مثل اجر عبادت که یک ساله عبادت
نموده باشد و هر یک از این شعبه ایامی که مستجاب شود و هر روز از
جهت بر عبادین و ذکر این ایام شبانه روز نازل شود و درین روز
دو رکعت نماز در هر رکعت بعد از الحمد پنج مرتبه التَّسْمِیَّه بخواند و چون سلام

دهد حق تعالی بگوید یا مَسْكُودٌ لَعْنَتُكَ أَقْلَمِي عَمْرُكَ يَا حُسْبَابَ الدُّعَا وَالْحُسْبَانِ
يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ ائْتِ بِصَوْتِكَ وَتَحَنَّنْ فَيُجَاوِزَ عَنْ سَيِّئَاتِي يَا ذَا الْجَلَالِ
وَالْإِكْلَامِ وَالْحُسْبَانِ وَالْحُسْبَانِ وَابْنُ خِرَافَةٍ دَعَا صَاحِبَهُ كَمَا يَحْتَوِيهِ كَرَامَتُكَ
وَأَحْيِ الْكَلْبَةَ وَفَالِ الْكَلْبَةَ وَصَارِفَ الْكَلْبَةَ وَكَانَتْ الْكَلْبَةُ أَسْكَتَ فِي هَذَا
الْيَوْمِ وَهُوَ مِنْ أَتَابِكَ الَّتِي أَعْطَيْتَ حَقَّهُمْ وَأَقْبَلْتَ سُبُّهُمْ وَجَعَلْتَهُمْ عَائِدَةً
الْمُؤْمِنِينَ وَدَعَيْتَهُمْ وَلَيْكَ ذَرْبُهُمْ وَبَرَحْتَهُمْ الْوَاسِعِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ
عَبْدِكَ الْمُتَحَنِّنِ فِي الْبَنَاتِ الْقَرِيبِ يَوْمَ التَّلَافِي فَوَاقٍ كُلِّ رَقِيقٍ وَالدُّعَا
إِلَى كُلِّ حَقٍّ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَطْهَارِ الْهَادَةِ الْمَنَارَةِ دَعَا لِحَبَابَةِ
وَوْلَاةِ الْبَيْتِ وَالنَّارِ دَعَا عَطِيَا فِي بَيْتِهَا مِنْ عَطَايَاكَ الْمُخْرُوجِينَ عَنْ
مَقْطُوعٍ وَلَا مَتَوَجِّعٍ تَجَمُّعَ لَنَا مِنَ الْقُرْبَى وَسُنَّ الْأَوَّلِ بِمَا يَحْتَوِيهِ وَكَانَ
مَرْجِي بِالْقِيَامِ يَا مَنَ لَطْفُهُ حَقِّي الطُّفْلُ بِالطُّفْلِ وَالْعَدْلُ
بِالْعَدْلِ وَأَنْتَ بِنُصْرَتِكَ وَلَا تَنْتَ فِي كَرَمٍ ذَكَرْتُ بِوَلَاةِ أَمْرِكَ وَحَقَّقْتَ
بِرَّتِكَ أَحَقَّقْتَ بَيْنَ شَرَائِبِ الدُّعَا إِلَى يَوْمِ تَحْشُرَ وَالْكَثْرَ وَأَشْهَدُ
أَوْلِيَاكَ عِنْدَ خُرُوجِ نَفْسِي وَحُلُولِ رَيْسِي وَالْفِطَاعِ عَمَلِي وَ
انْقِصَاعِ أَجَلِي اللَّهُمَّ وَادْكُرْ بِي عَلَى طَوْلِ الْبَلَاءِ إِذَا حَلَّتْ بَيْتِ
الطُّبَا وَالْفُرَى وَكَرْسِي الثَّانُونَ مِنَ التُّورَى وَاحْلِلْنِي ذُرِّيَّةَ
وَبَيْتِي مِنْ ذُرِّيَّةِ الْكَرَامَةِ وَاجْعَلْنِي مِنْ مُرَافِقِي الْوَلَايَةِ وَأَصْفِيَاكَ
وَبَارِكْ لِي فِي لِقَائِكَ وَارْزُقْنِي حَسَنَ الْعَمَلِ قَبْلَ حُلُولِ الْأَجَلِ
مُبَرِّئًا مِنَ الذُّلِّ وَسُوءِ الْخَطْلِ اللَّهُمَّ وَأَرْزُقْنِي حَوْصَ بَيْتِكَ

مُحَمَّدٍ وَآهِلِّ بَيْتِهِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ وَأَسْغِنِي مِنْهُ شَرْكَارِ وَبَارِكْ لَنَا لِقَائَهُنَا
 لَا أَظْهَرُ بَعْدَهُ وَلَا أَجْلَهُ وَرُدَّهُ وَلَا عَنَهُ أَنْزِلْ وَأَجْعَلْ لِي خَيْرَ زَادٍ وَأَوْفَى
 سِعَادٍ وَتَوَكَّلْ بِقُوَّةِ الْأَشْهَادِ اللَّهُمَّ وَالْعَيْنُ جَبَابِرَةٌ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ
 لِقَائِهِمْ يَحْفَظُونَنَا وَلِيَا أَمَلِكَ لِمُسْتَأْذِنِينَ اللَّهُمَّ وَأَقْضِهِمْ دَعَائِهِمْ وَأَهْلِكَ
 أَسْئَلُهُمْ وَأَعْلَامَهُمْ وَتَحْلِلْ مَهْلِكَهُمْ وَصَيِّقْ سَائِلَهُمْ وَالْعَيْنُ سَائِلُهُمْ
 وَمُشَارِبُهُمْ اللَّهُمَّ وَتَحْلِلْ فَوْجَ أَوْلِيَايَاكَ وَأَرْدُ دَعَائِهِمْ مَطْلَمَتَهُمْ وَقَلْبَهُمْ
 بِالْحَقِّ فَأَمَّهُمْ وَأَجْعَلْ لِدِينِكَ سَتِيرَةً وَأَيَّامَكَ فِي عَدَايِكَ مُؤَمِّرَةً اللَّهُمَّ
 اخْخَفْهُ بِمَلَأَنكَ الْقَبْرِ وَبِمَا لَقِيتَ إِلَيْهِ مِنْ الْأَرْضِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ
 مُسْتَقِيمًا لَكَ حَتَّى تَرْضَى وَتَقْبَلَهُ دِينَكَ بِرِغْبَةٍ جَدِيدَةٍ وَأَعْقِبْهُ
 بِحَقِّ الْحَقِّ مُحَضَّرًا وَبِرَفْعِ الْبَاطِلِ رَفْعًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نَبِيِّهِ وَوَلِيِّهِ
 أَلِيَّائِهِ وَوَلَدِهِ مِنْ صَحْبِهِ وَأَسْرِهِ وَتَعْبَتِهِ فِي كُلِّ رَجْعَةٍ حَتَّى تَكُونَ فِي
 مَرْحَلَتِهِ مِنْ أَعْلَانِهِ اللَّهُمَّ أَدْرِكْ بِنَا قِيَامَهُ وَأَشْهَدْ نَا أَثَامَهُ وَصَلِّ
 عَلَيْهِ وَعَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَرْدُ إِلَيْنَا سَلَامَهُ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
 وَبَرَكَاتُهُ **فصل بارزهم** در احكام اصابه ذي الحجة الحرام وبيت اهل
 بيت طاهرين عليهم السلام قوله شده ودرين روز نيز مجامعت فاطمه عليها
 السلام بوده و مستحب است درين روز نماز فاطمه عليها السلام وآن نماز را من قيام
 چنين روايت كرده اند كه چهار ركعت در هر ركعت بعد از الحمد بجا آورده
 قل هو الله بخواند و بعد از نماز تسبیح بخواند و بگويد بگويد بخواند في
 العز الشايع النقي سجات ذي الجلال البازيخ العظيم سجات لقاغیر

كذا في نسخة
 من
 نسخة
 من
 نسخة

القديم سجات من مرة في النور والوقار سجات من بر حاشي القدر
 في الصفا سجات من بر في وقع الظير في الحواس سجات من هو هكذا
 ولا هكذا غيره وروضة ابن روضة كفات تحت سال ومنه روضة مشاه
 ما مات وروضة وروضة ششم كرويه كرويه كفات بجال وروضة
 كفات نور سال وروضة تمام ابن فرور بابر باصوم وهرست وهر روز
 انا اول ماه فاصيد بعد از نماز صبح وپس از نماز ابد عاجز ابد لكهم
 هذه الايام التي قضيتها على الايام ورفعتها قد بلغت بها نيتك وحرمتك
 فانزل علينا من بركاتك وارفع عنا من عذابك انك الله انك الله انك الله
 فصل على محمد وال محمد وان تهدي بنا فيها السبل الهدى والعرفان في
 والغنى والعسل بما يحب وترضى لكهم اني اسئلك يا موضع كل
 وبما يبيع كل مجمل وبما شاهد كل كمال وبما عالم كل خفية ان
 فصل على محمد وال محمد وان تكف عنا فيها البلاء والنجيب
 لنا فيها الدعاء وتكون فيها وتعتنا وتوقنا لما يحب ربنا ونحبي
 وتعلي اما اخر خفت عليك من طاعتك وطاعة رسولك واهل ولايتك
 اللهم اني اسئلك يا ارحم الراحمين ان تصلي على محمد وال محمد وان تكف
 لنا فيها الرضا انك سمع الدعاء ولا تخبرنا خبر ما بينك فيها من القاء
 وطهرنا من الذنوب ما علم العيوب واوجب لنا فيها اذا ارادنا الله
 اللهم صل على محمد وال محمد ولا تنزل لنا ذنبا الا عفو عنه ولا عينا
 اذ وجبت ولا ذنبا الا قضيت ولا عينا الا ادفنته ولا حاجت من حاجي

نحو

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ الْأَخْلَافُ بِأَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ بِأَعْلَمَ الْخَفِيَّاتِ
 يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا مُصَلِّ الْعَرَلِثِ يَا مُجِيبَ الدُّعَوَاتِ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِينَ وَالْمَلَكُوتِ
 يَا مَنْ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ إِلَّا صَوْنُكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنَا فِيهِ آمِنِينَ
 مُتَّقِينَ لَكَ وَطَائِعِينَ لَكَ مِنَ النَّارِ وَالْفِرَاقِ يَحْتَسِبُكَ الشَّاجِبُ يَا أَزْكَ
 الْأَحْيَيْنِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَرِكُنْ دِينَهُ وَرُوحَهُ
 ابْنِ هَلِيلٍ كَوَيْدِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ اللَّيَالِي وَالْأَلْهَامِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 عَدَدَ أَمْسِ الْبُحْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَرَحْمَتُهُ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 عَدَدَ الشُّجَرِ الْخَضِرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الشُّكُ وَالشُّجَرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الشُّعْرِ
 وَالْأَوْبِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الْفَخْرِ وَالْمَدْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ قَطْرِ الْمَطَرِ
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ حُجَّ الْعَبِيدِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي اللَّيْلِ إِذَا تَحَسَّسَ
 وَفِي النَّهَارِ إِذَا تَنَفَّسَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الزَّيَاحِ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَالْعُلَى
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنَ التَّوْبِ إِلَى قَوْمٍ يَنْفَعُ فِي الصُّورِ خَدَايَ تَعَالَى وَرَبُّهُ
 هَاطِلٌ حَرَجُهُ أَنْدَرُ وَبَاقُوتِ عَطَافُهُ بِأَنَّكَ مَا بَيْنَ هَرْدٍ وَدَجْدٍ هَلْ
 رَاهُ سَوَادِي مَسْرُوعٌ بَاشَدُ هَرْدٍ مَدِينَةٍ قَصْرِ نَزْدِكَ بَارَهُ كَوَهْرٍ مُفَصَّلِ
 دَلَانِ نَبَاتٍ دَرْدِ مَدِينَةٍ خَنَازِلِ وَخَانِهَا وَفَرْمَا وَتَحْتِهَا وَجُورِ الْحَسَنِ
 وَتَسْدِهَا وَفَرُوشِ وَبِطَاطِ وَفَيْقَهَا وَفَرُوشِهَا وَطَعَامُهَا وَخَدَامُهَا وَهَادِ
 وَاشْجَاعُهَا وَاصْفَانِ أَرُوصِهَا أَنْ عَاجِزٌ بَاشَدُ وَجُورِ أَنْ قَبِيرٌ وَتَأِيدِ
 هَرْدِشِ أَنْ زُورِ دَرِخْشَانِ بَاشَدُ وَهَفَا دَهْرُهَا مَلَكُوتِهَا شِمْشُ مَعْرُودِ
 فَافْتَحْ كُنْتُ وَجُورِ بَدْرِ بَهْتِ رَسَدِ وَبَقِي بَدَشِ وَمَلَاكَ دَرِغْفِ وَخَلِ

شوند و میروند تا بنده می رسند کبر و فخر از باقوت سرخ و در و فخر از زرد
 سبز باشد و در آن شهر اصناف خلایق که در بهشت باشد و با و گویند
 ای ولی خدا این شهر از آن است ما فرشته کاظم که وقتی که آن بهیل می کنی
 با تویم و مرده با تو را با فضل ازین تواری که خدا تعالی برای تو در روز السلام
 در جوار خود صفا فرموده و هر کس شرفی زیارت فر حضرت ماسحین علی السلام
 کند آنقدر شرف و انسال این کرد و قضا این بگوید و عمل خیران کند و شرف
 روز عرفه زیارت آنحضرت کند خدای تعالی این شرف را هر از هر سال
 قائم علیه السلام و هزار هزار عمره که با حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله کرده باشند
 و عین هزار هزار عمره که با حضرت سید و هزار هزار عمره که در خدا بجا آورند
 نیکند و در میان ملائکه و راضیه و درین گروهی نام کنند و دنیا
 دیگر مثل هزار جهاد است که با پیغمبر مرسل یا امام معصوم کند خدای تعالی
 مثل آنکه متوجه اهل عرفات شود اول تحفه اول زیارت آنحضرت شود و در
 ایشان برآورد و گناهانش را بمرزد و سائلان اجابت فرماید و بعد از آن
 متوجه اهل عرفات شده ایشان را لسان و اگر امام فرماید و هر کس شرفی
 زیارت آنحضرت در غیر مثل پیست حج و بیت عمره و بیت جهادات که با
 مرسل یا امام معصوم و در روز عید مثل صد حج و صد عمره و صد غزوه
 و در روز عرفه مثل هزار حج و هزار عمره و هزار غزوه روی گویند نکتم اگر
 کوچ کند چون باشد حضرت امام علیه السلام اشتفت و غضبان نگاه کرد
 و فرمود هر مؤمنی که در فرات غسل کند و زیارت آنحضرت کند یک کلام

نماید و یک روز هم احسان درین روز شکر از جزای در هم است و در روز امر و بیکار
 بار و روز تمام عمر دنیا و اگر کسی این پنج نیل را انقضای آن عمر کند و هفت روز دیگر شکر
 عبادت کند هر روز و روز شکر و در ولایت بکشد که روز و هر روز و هر سال
 بیلست با صد حج و صد عمره و هر یک درین روز اعانت موسی کند با و هر روز
 دهد و این روز و امر و عبادت نماید و یکی امر و روز و داری بر او
 افطار فرماید چنان است که دره قیام درم افطار فرموده باشد که یک قیام
 کرات و چنانست که باین عدد انبیا و صدیقین و شهدا را در پیشانی او قیام
 طعام و این ده باشد چنان باشد که کسی جماعتی بنشان راست کند احوال شود و با
 احسان نماید یکی از جمله اجر اینست که از کفر و فقر الهی کرد و مستحب است درین روز
 عمل کردن و ذکر و دعا و استغفار و صلوات بسیار فرستادن و از اهل
 بیت و اهل بیتان برتری نمودن و بعلایان اهل بیت کردن و حضرت امام علی علیه
 السلام فرمود درین روز هر جا که باشی زیارت اهل بیتین صلوات الله علیه را حاضر
 شو که خدای تعالی از هر یومین و مومنین و مسلم و مسلمان شصت سال پادشاه و در
 آنکه در دعا مبارک و مضات و لیلته القدر و لیلته الفطر از انش از کرده
 روز از آن کند و هر کس درین روز هر وقت که خواهد و افضل اینست که نیم
 ساعت پیش از ظهر باشد و دو رکعت نماز کند و در هر رکعت بعد از الحمد
 و انش از کلماتی یا خالده و یا یا انزلنا هربک لعه مریه بخواند و اینست
 با صد حج و صد عمره و هر یک از حجاج دنیا و آخرت سوال کند
 مگر که بخواهد شود و هر چه باشد و این نماز را مستحب است جماعت گذاردن

و بعد از نماز

و بعد از نماز خطبه مشتمل بر ذکر قضای این روز خواندن چنانکه از حضرت
 امیر المؤمنین صلوات الله علیه مرویست که چنین کرد و بعد ازین نماز
 درین روز خواندن این دعا را یا یا انزلنا هربک لعه مریه یا یا انزلنا
 ان امیر المؤمنین یا یا انزلنا هربک لعه مریه یا یا انزلنا هربک لعه مریه
 مع الا بر ربنا و انزلنا و یا یا انزلنا هربک لعه مریه یا یا انزلنا هربک لعه مریه
 انک لا تخلف البعاد اللهم انزلنا هربک لعه مریه یا یا انزلنا هربک لعه مریه
 ملائکک و انزلنا هربک لعه مریه یا یا انزلنا هربک لعه مریه یا یا انزلنا هربک لعه مریه
 یا یا انزلنا هربک لعه مریه یا یا انزلنا هربک لعه مریه یا یا انزلنا هربک لعه مریه
 عما یقول الظالمون علوا کبیرا و اشهد ان محمدا عبدک و رسولک
 و اشهد ان امیر المؤمنین عبدک و مولانا ربنا یسنا و حبیبنا
 و صدقنا فی المناوی رسولک صلواتک علیک لیه اذ نادى یبذل
 عنک بالذکر فانه ان یبلغ ما انزلت الیه من ولا یت و لی امرک
 و حدیثه و انزلنا هربک لعه مریه یا یا انزلنا هربک لعه مریه یا یا انزلنا هربک لعه مریه
 کلیم ربنا انک عصمته من الناس فنادى یبذلنا عنک لامن کنت
 مولاه فعلى مولاه و من کنت و لیه فعلى و لیه و من کنت نبی
 فعلى امیر ربنا حبیبنا ذاعیک النبی محمد عبدک و رسولک
 الی القنادی المهدی عبدک الذی اعمت علیه و جعلته مثلاً لنبی
 انزلنا علی امیر المؤمنین و مولاهم و ولایهم ربنا و اتبعنا مولانا
 و ولاینا و هادینا و لا عینا و لا داعی الا ما و صل طک المستقیم و

وَجَعَلْنَا لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا وَجَعَلْنَا لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا وَجَعَلْنَا لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا
سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
الْمُؤْتِي الْحِكْمَ الَّذِي كَرَّمَهُ فِي كِتَابِكَ فَأَنْتَ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ
وَأَنَّهُ فِي الْكِتَابِ لَدَيْنَا عَلَى حُكْمٍ اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَعْبُدُكَ فَإِنَّكَ
وَالْهَادِي مِنْ بَيْنِكَ لِلدُّنْيَا الْمُنِيرُ وَجَلَّ جَلَّتْ مُسْتَقِيمٌ وَأَمَّا
وَقَالُوا لَعَنَ الْمُجْرِمِينَ وَجَعَلْتَ الْبَالِغَةَ وَلِيًّا نَاكَ لَعَنَ عَنَّا فِي
خَلْقِكَ وَأَنَّهُ الْقَائِمُ فِي لَيْسَ بِرَبِّكَ وَدَبَّانَ دِينِكَ وَخَارِزُ
عَمَلِكَ وَأَمْسَكَ الْمَأْمُونُ الْمَأْمُونُ مِثْلَ قَدْرِهِ وَمِثْلَ قَدْرِهِ
جَمِيعَ خَلْقِكَ وَبَرِّقَتْ نَارُ هَذَا بِالْإِخْلَاصِ لَكَ وَالْوَحْدَانِيَّةِ بِأَنَّكَ
أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنْتَ فَخْلُ عَبْدِكَ وَرَسُولُكَ وَأَنْتَ عَلَيْنَا
أَبْلَغُ الْبَلَاءِ جَعَلْتَ الْإِفْرَادَ بِوَلَايَتِهِ تَامَ وَجَلَّ بِتَيْبِكَ وَكُلَّ بَدْرٍ
وَتَامَ لَعَنَتِكَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ وَبَرِّقَتْ قُلْتُ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ الْبَاقِي
اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَطَمْتُ عَلَيْكُمْ لَعَنَتِي وَوَصَّيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ
دِينًا فَكَانَ الْحَقُّ بِالْإِيمَةِ وَابْتِغَاءَ لَعَنَتِكَ عَلَيْنَا بِالَّذِي جَدَّدْتَ مِنْ
عَهْدِكَ وَمِثْلًا نَاكَ وَدَكْرَتَنَا ذَلِكَ وَجَعَلْتَنَا مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ
وَالْتَصَدَّقُوا بِعِبَادَتِكَ وَمِنْ أَهْلِ الْقَوَائِدِ لَكَ وَكَرَّمْتَنَا مِنْ
اتِّبَاعِ الْمُعْزِينَ وَالْمُبْتَائِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ أَذْهَانَ الْأَعْيَانِ
لِلْعَزِيمَةِ خَلَقَ اللَّهُ وَمِنْ الدِّينِ الْحَقُّ عَلَيْهِمُ الشُّبُهَاتُ فَانْتَبِهْ
ذِكْرُ اللَّهِ وَصَدَقَهُمْ عَنِ الشُّبُهَاتِ وَالْعِلَالِ الْمُسْتَقِيمِ اللَّهُمَّ فَكَانَ

الْحَقُّ

عَلَى الْعَالَمِينَ

عَلَى الْعَالَمِينَ عَلَيْنَا بِالْهَدْيِ الَّذِي هَدَيْتَنَا إِلَى قَوْلِهِ أَمَّا أَنْتَ مِنْ بَعْدِ عَيْنِكَ
الْأَكْمَرُ الْهَدْيُ الَّذِي هَدَيْتَنَا إِلَى الْوَسْطَانِ وَالْعَدَمِ وَالْهَدْيِ وَسَارَ الْقُلُوبِ
وَالْقُلُوبِ وَالْعُرْوَةِ الْوُفْقَى وَكُلَّ دِينِكَ وَكُلَّ لَعَنَتِكَ وَكُلَّ بَرِّكَ
يَا إِلَهَ الْإِيمَةِ رَحِمْتَ لَنَا الْإِسْلَامَ وَبَنَّا فَكَانَ مُحَمَّدًا مَسْأُودًا فَانْتَبِهْ
عَلَيْنَا بِالرَّسُولِ الْبَشِيرِ وَالنَّذِيرِ وَالْبَنَاءِ وَالْهَدْيِ وَمَا دَبَّانَ عَدُوَّهُمْ وَبَرِّقَتْ
لِلْعَالَمِينَ وَالْمَلَكَةِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فَكَانَ ذَلِكَ مِنْ شَأْنِكَ بَابًا
الْوَحْدَانِيَّةِ لَا يَجْعَلُ الْبَعَادَ بَيْنَ هُوَ كُلِّ بَرٍّ مِنْ شَأْنٍ إِذَا نَمَتِ
لَعَنَتِكَ عَلَيْنَا بِمَوْلَانَا أَوْلِيَّا نَاكَ السُّؤْلِ عَنْهُمْ عِبَادُكَ قَالَتْ قُلْتُ ثُمَّ
لَسْتُ بِرَبِّكَ عَنِ النِّعَمِ قُلْتُ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ وَفَقُولُهُمْ أَنَّهُمْ سَمِعُوا
وَسَمِعْتَ عَلَيْنَا بِهَدَايَةِ الْإِخْلَاصِ وَبِوَلَايَةِ أَوْلِيَّا نَاكَ الْهَدْيِ وَبَعْدَ الْبَرِّ وَالْإِيمَةِ
الْبَرِّ وَالْإِيمَةِ وَالْحَقِّ لَنَا بِهِمُ الدِّينَ وَأَمْسَكَ عَلَيْنَا التَّعَمُّدَ وَجَعَلْتَ
عَلَيْنَا عَمَلَكَ وَدَكْرَتَنَا مِثْلًا فَكَانَ الْمَأْمُونُ مِثْلًا فِي أَمْنِكَ وَخَلَقْتَ إِنَّا
وَجَعَلْتَنَا مِنْ أَهْلِ الْإِجَابَةِ لَمْ تَنْبِذْنَا ذِكْرَكَ قَالَتْ قُلْتُ وَكَذَا الْعَدُوُّ
رَبِّكَ مِنْ بَنِي دَمْرٍ خَدُّوا رَحِمَهُمْ وَدِينَهُمْ وَأَشْهَدُهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَمْ
يَرْحَمَكُمُ قَالَ بَلَى شَهِدْنَا بِمَنْ يَكُ وَلِيَّتُكَ فَانْتَظِرْنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
رَبُّنَا وَحُجَّتُكَ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ عَيْنًا وَعَلَى أَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُكَ لَعَنَتِكَ
وَعَلَيْنَا وَجَعَلْتَ أَمْرَ لَعَنَتِكَ وَأَمَّا لَكَ الْكُرْخُ وَالنَّبَأُ الْعَظِيمُ الَّذِي
فِي خَلْقِكَ وَمَعْنَى سَمِعُوا لَوْ أَنَّ اللَّهَ فَكَانَ كَانَ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تَنْتَبِهَ
عَلَيْنَا بِالْهَدْيِ إِلَى عَرَفَتِهِمْ فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تَصْلِيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

الذين آمنوا بالله وكلموا مع الصادقين فافهم عنهم وابان عن عبيدهم
يقربهم ثناء فقل لعلنا نفع ابناءنا وابناءكم وابناءنا وابناءكم و
انفسنا وانفسكم ففهم لعلنا نفع الله على الكافرين فلك الشكر يا رب
ولكن لم نحب هذا حتى وابان حتى لم نجف على اهل البيت
والقراة ففهم ثناءهم واولادهم ورجالهم اللهم اني اتقرب اليك بذلك
التم الذي لا يكون اعظم منه فضلا للذين ولا كسر رخصهم بغير
انفسنا ثناء واليك فضل الله الذين بهم ادخست باطلا عذابك
ونبت بهم قواعده بك ولو اهل المقام المحمود الذي فقد ثنائه و
ولكننا على اتباع الحق من اهل بيت بيتك الصادقين منك الذين
عصمتهم من قول الفاسد ومداين الاثام الحضم هل الايام وظهور
كل اهل الجهاد وفعل اولي العباد فلك الحمد ولك المن والثناء لك
عليك ثناءك واباد بك اللهم فصل على محمد وال محمد الذين هم
عليك طاعتهم وعقدت في رعايتنا ولايتهم واكرم شئناهم فيهم ووقفتنا
يا قبايع افارهم ونبتنا بالقرن الثابت الذي عرفناه فاعلموا على اخذ
بقره ونا واجر محمد عنا افضل الجاه وبما يصح لقلبك وبذلك وعنه
ابلاغ رسالتك وتطهير نبيته في ائمة دينك وعلى ابيه وقبيله
والهاد على دينه والقيم منه على امير المؤمنين فصل على الكمية من
ابناء الصادقين الذين فصلت طاعتهم بطاعتك وادخلنا بقاءهم
واركرمك يا ارحم الراحمين اللهم هل الاصاب الكبار والعباوية

الباخرة

الباخرة اجعلهم ثناء فانا انشئت بحن ذلك المقام المحمود والبر المشهود ان
نعم لي ونعمي على انك انتا القاب الرحيم اللهم اني اتشهد انك انتا
مطهرهم واحده وهي الشجرة التي طابت اصلها واطرافها واولادها اللهم ان
تجبرهم واجبرنا من منافق الغر في الدنيا والاخرة ولايتهم واولادهم
الذين من اهل البيت يوم القيمة وافرارنا بفضلهم واقباعتنا انارهم
واعتنا ثناء هديهم واعتقادنا ما عرفونا من قبحك ورفقونا
عليك من قبحهم ثناءك وقدرنا ثناءك وشكر الامم وكل الضعفاء
ان تملك والعلو ان تحيط بك والوهم ان يقع عليك فانك تهم
حجبا على خلقك ودلائل على قبحك وهذا ثناء على امرك و
هدى على دينك وتوحيحنا الشكر على عبادك وبابا للجزات التي تجر
عما عرفت وبها تدين حجتك وقد عولنا قبحهم لثقتهم بين
خلقك فانت المنفصل على حجتهم فرفقتهم من مكنونك ولخصصتهم
ديرك واصطفيتهم لوجيك وارفعتهم عن اخرنا وبلك رحمتهم بخلقك
ونطقا بعبادك ومنا على بريقك وعلمنا تطوعك عليه صابر امنا لك
وما يكون من غاب صفوتك وطهرتهم في مشيتهم ووسيدتهم ففهم
نايتهم واربيتهم بها فاعلمنا على من من صريحة لهم فاستجابوا لايك
وتسألوا انفسهم بطاعتك وتكوا اجرهم من ذكرك وعمرنا فافهم
تعليم امرك وحجرتنا او فاهم فبما يرضيك واخلاقا لكم من سائر
الطوائر الشاغلة عنك ففهمك فلوهم مكاتب لا لاديتك وعقوبتهم سائر

و تحصیل رضای تو می نمود و بطاعت و عبادت محبت و رحمت تو می جست
 پس آن ملائکه که برین سیماء متوکلند شما را طاعت طلبد ایشان گویند خدا را
 و شعبان و رمضان راست گفتند ما این مبدء را ندیدیم مگر در عبادت
 و عبادت و تحصیل رضای تو و برز و احسان بابتندگان تو اینها هم از روی
 فرح و ابتهاج با روزی رحمت و بعد غنم و مغفرت تو می کرد و از آنجمله
 او را منع فرموده بودی اجزای می نمود و هر چه موجب رحمت و مغفرت تو بود
 می شناسد و می آید می کرد و باطن و فرح و سمع و بصر و سایر اجزای
 روزه می داشت و روزها را به نشانی روزه می گذراند و شبها را تعب
 عبادت و روز می زد و روزه و کرام و صدقه و احسان بفقرا و
 بسیاری که محبت این سه ماه را خوش داشت و وداع ایشان را خوب می کرد
 نیز بر طاعت و عبادت باقی بود و حنک و حریست امروز می نمودی و خدای
 تعالی آن بنده را محبت فرماید و ملائکه با تحفهها و عطا با او که ملائکه
 کنند و بر سختی آن روز نشانند و مکههای بواق برایش می آید و آنست
 باقی و منازل ای می بیند که هرگز از آنجا بیرون نیاید و از آنرا
 پیری نبود و سر و شرف غم در حق بیاید و نورش از تنش بیاید از آنکه
 حساب صورت و از مشقت و عذاب مامون و در منازل شریفه
 رفیع کرم و منیع و هم که حضرت علی علیه السلام فرمود که چون روز اول
 شعبان شود شیطان لشکر خود را در اطراف زمین متفرق سازد و گویند
 کنید و بندگان خدا را بگرد و از راه خدا بر گردانید و خدای تعالی

در اطراف زمین منتشر سازد و فرماید بندگان ما مدد کنید و هدایت شما
 مگر کسی که با او می رسد و طغیان و برز و کم او را داخل جنة ابلیس شود و در
 اول شعبان فرماید درخت طوبی را که شاخها را برین بیا و بخت شود و در
 زهره را که شاخها را برین بیا و برز و بعد از آن ملک از جنة ابلیس اندکند
 ای بندگان خدا این شاخهای طوبی است محکم یکدیگر و خود را با آنها در اول
 تا شما را بهشت برین و این شاخهای رفیع است از آنجا که برین تا شما بهشت
 نیز در جنة ابلیس فرمود بخند ای که را بخت نبوت اختیار کرده که هر کس عملی از
 اعمال خیر کند بشاخی از شاخهای طوبی چسبند و هر کس نماز نطق می کند
 بشاخی چسبند و هر کس میان زن و شوهر با والد و ولد با خویش و
 با سایر و همسایه با یکدیگر و بیکان اصلاح بخش و گذشت کند بشاخی چسبند
 و هر کس قرض داد و پنداشت یا از هر ملت دهد یا چیزی از خود یا از بیعت یا بیعتی
 چسبند و هر کس دای دین کند که صاحبش از آن مأیوس گشته باشد که بشاخی
 چسبند و هر کس متوکل احوال بینی شود بشاخی چسبند و هر کس غنمی و جلی
 از غنبت و عرض منعی منع کند بشاخی چسبند و هر کس عبادت بماری
 کند بشاخی چسبند و هر کس شیخ چاره کند بشاخی چسبند و هر کس سزا
 مصیبتی را تفرم کند بشاخی چسبند و هر کس بر توالدین یا یکی از ایشان
 عجا آورد بشاخی چسبند یا اگر ایشان یا یکی از ایشان از او آزرده باشد
 عذر خواهد کند و رضای ایشان تحصیل نماید بشاخی چسبند و هر
 هر کس هر کاری از کارهای خیر کند بشاخی از طوبی چسبند باشد و هر کس

و هر کس عملی از اعمال ترک کند بشاخی
 از شاخهای طوبی چسبند و هر کس
 فرمود هر کس از روز و روزگار
 از طوبی چسبند

عملي از اعمال نمکند بناخی از شاخهای نور چیده باشد و هر کس نماز
و نیقیص کند یا حق از آنها بگوید اندک بناخی از آن چیده و هر کس قوی باشد
که خیر از آن شایسته باشد و قادر بر حاجت او باشد و او را گذارد
کند و مضطرب باشد بناخی چیده و هر کس از روزه نیقیصی و بدین خواهد
و قبول کند بلکه بر بخاندن بناخی چیده و هر کس میان زن و شوهر با ولد
و ولد یا دو عورت یا دو عصبه یا دو دست یا دو یکانه افاد کند بناخی چیده
و هر کس و قرض دارد یا شای که آن را نذر کند بناخی چیده و هر کس
قرض داشته باشد و از صاحب چیزی کم کند و حسن ببرد بناخی چیده
و هر کس بی رویه بخاند و بر و ظلم کند بناخی چیده و هر کس غیبت موی
و هتک عرض مؤمنی نماید بناخی و هر کس غایبی کند بناخی چیده
و هر کس قبايح افعال خود و انواع ظلم خود را نفل کند و بان تفاخر کند بناخی
چیده و هر کس از روی کبر بعبادت مرخصی فرود بناخی چیده و هر کس
باب استخفاف ترک تسبیح جازه کند یا نزلت تعریف صاحب صیبه کند بناخی
چیده و هر کس عقوق والدین یا یکی از ایشان کند یا ایشان از روزی
باشد و تحصیل رضا و عذر خواهی از ایشان کند و حال آنکه قادر باشد
بناخی چیده و هر کس بر کتب فعلی یا افعال شرع بناخی از روزه چیده
باشد و او را می کشید باشد یا بجهنم بعد از آن مدتی نکام آسمان می کرد
و اظلمه را سرور و شگفتی می فرمود بعد از آن عکا بر زمین کرده و اظلمه را
از کوه دگر می نمود بعد از آن سوره اقصا می کشید و فرود بخدای که بر زمین

اختیار نموده

اختیار نموده که دیدم درخت طوبی را و جمیع بناخه ها را آن اوختی همه را بخت
می برد بعضی بناخه ها را و بخت و بعضی بد و شاخ و بعضی چیده شاخ هر کس کعب
کافری می کرده و دیدم زید بن حارثه را که خواندن انجمن بود و بناخه های
طوبی چیده بود و او را از عکبر یا لایزیر دارین جهت خندان شدم و چون
مکا بر زمین کردم دیدم درخت زقوم را که جمیع بناخه ها را چیده بودند
و فروریجهت بعضی دیدم یک شاخ چیده و بعضی بد و شاخ و بعضی
چیده شاخ هر کس قبايح می کرده و بعضی از منافقین را دیدم که بر بناخه
زقوم چیده بود و او را فروردند از اسفل در کف جهنم و ازین جهت دگر
کشم بعد از آن باز نکام بر آسمان کردم و خندان شد و عکبر بر زمین کرده و
کشایس فرمود اگر آن شخص دیدم شامی دید بد روزها را بیکرهای نشسته و اگر
روز می گذارند بید و بنهار را به تعقیب و عبادت برون می آورد بدو
مالهای خود را بصفتی تمام می کردند و خانه های خود را در جهاد می باجند
و بنا را و اهل و فرزندان مافدا می نمودند و چه دیده فرود چون شاخه های
بهشت رجوع کردند منادی از جانب خدا ندا کرد که ای ملائکه بر بید
و هر کس امروز بناخی از طوبی و بخت آن قدر که سایه آن شاخ می افتد از
خانه ها و قصر ها و قریه های بهشت با و در حدیث بعضی زینان را از حجاب
هزار باره عطا کنند و بعضی دو باره آن و بعضی سه باره آن و بعضی
چهار باره آن و همچنین هر کس بقدر عیش و چون شاخه های نور جهنم
فرود شد منادی از جانب خدا ندا کرد که ای فرزندان جهنم بر بید هر کس امروز

بناحق از نعم جسد و بقدر حراف و ظلمت ان شاخ از عیال برای
از انتر خانها و منازل بنا کنند و بارها و عقیبا و زنجرها و غلها و عداها
برایش مهیا گردانند پس برای بعضی کمال راه و برای بعضی و سال و برای
بشر و کمتر حرکت بقدر عیش و لذت بفرزند و بعد از ان بر اطراف زمین
مکانی که در کاه صحرای و کاه می کشند پس فرزند خویشا انا که طاعت
خدا می کنند و بنا سخنها و طوطیا و غیره اند که خدای تعالی چون با ایشان کارام
و شفقت می نماید شیا طبع متوجه ایشان شده اند که ایشان را کرامت کند و
خدا که ملائکه را فرموده که با شیطان محاربه و مقاتله می کنند و شیا طبع
می کنند و در بعضی عازم و بدل انا که معصیت می کنند و شیا طبع ایشان را
که کرده محبت می فرستند بعد از ان فرمود پس تعظیم مروز کنید و قدر رب
دانند و سر منقش بنمایند که بسیار مردم که مروز نشوند و بسیار مردم که مروز
شقی گردند **باب نهم** در ترویج احکام متعلق بآن و مقصود ازین
ما اینست که در واده فضل بیان شود **فصل اول** در فضایل ترویج
و کراهت غریب مرویت از اهل بیت طاهیرین صلوات الله علیهم اجمعین
که چون کسی ترویج کند نصف دینش محفوظ گردد پس در نصف دیگر کسب ط
و ملا حظت خود نماید و در رکعت نماز صاحب اهل و عیال و فضائل او افتاد
رکعت عز و جج بنای در اسلام پیش خدا دوست از کفاح نیست و هیچ غلبه
از فوق و طلاق و خدای تعالی از غایت دشمنی با طلاق ذکر آن در قرآن
بسیار فرموده و اکثر خیر روزان باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه

والله فرموده چه مافیات مومن را از اینکه ترویج کند شاید از اهلادی هم ^{خدا کند}
و عبادت خدا زمین را سبک کند و غیر مرویت که ترویج کند و تحصیل
اولا نماید که روز قیامت من شایب ایام منفا خرت و مباحات کم خنی
طفلی که از شما ساقط شود و سقط نما غضبناک و خشم الوه بود بهشت ایاده
با و گویند داخل شو کوب داخل نشوم تا اولک الدین من داخل نشوید
خدا تعالی ملک را در مکانی از شک و غم و زعفران برای بای خود استقار
کنند و فرمود از دلترین اموات انا اند که غریب نیستند و حضرت امام جعفر
علیه السلام فرمود ویت ندارم که تمام دنیا و مافیها ارض باشد و یک
غریب بخوابم بعد از ان فرمود و رکعت نماز ترویج بهشت از آنکه غریبها
نمانند از دور روزها و روز دیگر هر که خواهد بآل و پاکیزه پیش خدا رود
باز وجوب و دو کسی از نفس بر نیانی ترک ترویج کند بخدا بدکان باشد
که فرموده که اگر بر ایشان باشد نکاح کنند تا شمار غنی گردانم و هر کس از آنرا
خود برای رضای خدا و صلوات جج ترویج کند خدای تعالی حاجت او را
بر سرش دهد و بنده که خدای تعالی خواهد خیر دنیا و اخرت برایش جمع کرد
دلی خائس و زبانی ذاکر و جیدی و بیلا صابر و زوجه مومنه که هر که نظر
بر او کند سرور شود و چون خدای تعالی فرمایند طاعت کند و چون از غایت
شو خود را و مال و دوا محافظت نماید عطا فرماید و غیر مرویت
که هر کس شفاعتها اینست که میان در کس عیسی تا ترویج بهیم رسد
این عیسی بطرک می بردارد و هر که که گویند خدای تعالی بر این عیسی یکسال

نویسد که شما این نماز و روزه را بنده باشد و ظاهر حوری عطا فرماید
در قصری از دوزخ یا قوت و هر که غریب را فریاد کند از جمله جوی باشد که خدا
تعالی و زکات و نیت بر ایشان دارد و از جمله عبادت و دامت که خوش
در خانه شوهرش خایض شود و هر که در مفارقت میان زن و شوهر کند
بغض و بغایت خدا گرفتارش و بدو زنجیر معذب گردد و هر که با صلاح ایشان
سوی کند بر ظاهر شهید باید و هر که با کبر و جبار و دیگر که یکبار عبادت کند
باروزه روزها و نمازها **فصل دوم** در فضایل متعدد و بر مروت
ظاهرین علیهم السلام که هر کس متعب کند برای رضای خدا و مخالفت نکردن بر کلمه
که با او حکم کند و هر که در توبه بجا نماند برایش سخت نویسد و چون بر یک
کند کناهی از امر زید شود و چون عمل کند بعد هر سوخته در دوزخ است
رسیده کناهان از امر زید شود و جزئی بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت
که خدای بیغیر باید که هر کس از امت تو متعب کند کناهان از امر زیدم **که است**
اما جعفر صادق علیه السلام از رسول الله که در نبود دوست ندارم که کسی از شما برود
و متقی از سنن رسول الله صانع باشد که بجا نیاورده باشد و دیگری با حق
گفت که خمر خورده ام که متعجبم و فرمود که هر که اطاعت خدا استی و طاعت که اگر اطاعت
خدا استی معصیت کرده باشی و مردی بخندست حضرت امام محمد باقر علیه السلام
معروف است که حضرت قم من مال بسیار دارد و این پیام کرده که سید این کبار
مردم مرا خوشگاری کردند و رضی شدم و رغبت می بردن ندادم تا چون شنیدم
که خدا و رسول او متعبد احداث کرده اند و عمر را حرام کرده منی را حرام ایشان است

تعالی

این کم و است که حضرت فرمود بر و متعبد که خدای تعالی بر هر دو صلوات کند
و شد و نیز مروت که از کینان طلبی لاد کنید که در رحم ایشان خیر برکت
و نیز مروت که چون کشتی بخورد باید چهل روز توبه با او باشد که کند
باید که ای حلال کند که اگر نکند پس اگر نکند کناهنش بر او باشد و نیز
روایات آمد که متعبد لالت بر کسی خدا او را بر وجه مستغنی کرده
باشد یا آنکه بفری و فقر و لذت و زنجیر خود دور شده باشد و یکی از ائمه اطهار
علیهم السلام می فرمود که ای خود نوشت که الحاح به تو میکند و از زنان خود دوری
می نماید که ایشان از آن زده شوند و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
با حجاب خود فرمود شما که خدای تعالی برین متعبدی از متعبد و شرم نمی
آورید و عار ندارند از اینکه در جاهای نامناسب بیفتید و ننگ شما باشد
فصل سیم در اختیار نرو وجه و صفات زنان مروت از اهل بیت
علیهم السلام که تا از اقیقت نباشد که زن خوب بجز از اهل بیت و فقر و زنت خل
از و طهارت و هم نشان علیهم السلام فرمودند که زنان بخیر است اختیار کنید که
فرزند بخالوشیب می شود و کسی زن برای مال یا جاهال خواهد زن محرو
شود و اگر برای بن و ایمان اختیار کنید از مال و جاهال بهره مند کرد و
ایم المؤمنین صلوات الله علیه فرمود زن که دم کون سیاه چشم بزرگ مرتب
میافد بالا اختیار کن و اگر از زانی می باشی مردش برین باشد که ایشان
باشد و غیرین زنان آن است که عقیق و ولود باشد و در صفا خود
خود عزیز و در پیش شوهر طبع بود و اگر شوهرش از او زده باشد خوب

ناور را می کند و برای شوهر زنیت کند و از ناهنجار مان پوینده باشد چون
با او خلوت کند مطیع باشد و شایسته کفش نباشد و بدترین زبان آن است
که درین صفات خلافتین باشد کسی بصورت حضرت عیسی علیه السلام
گفت هرگاه بخانه بیروم و بجام استقبال می کند و چون بیرون می آیم شایسته
می کند و اگر مرا دیگر بپندد و لداری و تسلی و هدایا حضرت فرمود خدا را در زمین
جایی باشد که کارهای و نظام دهند و این زن از جمله اینان است و در نصف
اجزای خود باشد و برکت زن آنست که خفیف المیزان باشد و ولائه از آن
و مهرش بک باشد و شایسته زن در آنکه مؤثر بسیار و ولائه در شمار
و مهرش بکین باشد **فصل چهارم** در اوقات قریح و ادا کردن و بیت
از اهل بیاطور و ایلم که است قریح در شب باشد که برای سیرت و لذت
افزین شده و اگر قریح در سخت الشغاع واقع شود طفل ازها قطع کن این
نباشد و اگر قریح در غریب باشد از آن ترویج خبر بپند و اگر در وقت که مایه
باشد و غبارت انجامد بکده باید در طهرین روز باشد که هوای گرم باشد
و چون اراده ترویج کند اول دو رکعت نماز کند و حمد خدا کند بعد از آن بگوید
اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَتُوبُ اِلَیْکَ کَلِمَةً کَثِیْرَةً اِنِّیْ اَسْتَغْفِرُکَ مِنْ خَلْقٍ وَ خَلْقًا وَ خَلْقًا
فَرَجًا وَ اَحْفَظُکَ مِنْ خَلْقٍ وَ خَلْقًا وَ اَسْأَلُکَ مِنْ رِزْقٍ وَ اَعْقَمُ مِنْ رِزْقٍ
وَ اَقْصِرْ لَیَّ مِنْهَا وَ لَکَ طِبْطِیْبٌ تَجْعَلُهُ لَیَّ خَلْقًا فِیْ حِوَارِیْ وَ کَعْدَةً لَیَّ وَ اَسْجَبْ
اِبْدَکَ رَدِّ تَرْوِیجٍ بِخَطْبَةٍ رَضِیْعَةٍ مِثْلِ رَجَدٍ وَ صُلُوْعٍ وَ عِظَةٍ وَ تَرْوِیجٍ بِخَطْبَةٍ
وَ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ مِنْ خَلْقٍ وَ خَلْقًا فَرَجًا وَ اَحْفَظُکَ مِنْ خَلْقٍ وَ خَلْقًا وَ اَسْأَلُکَ مِنْ رِزْقٍ وَ اَعْقَمُ مِنْ رِزْقٍ

نَفْسَهُ وَ اَفْتَحْ بِالْحَمْدِ کِتَابَهُ وَ جَعَلَ لَهَا اَوَّلَ حَرْفٍ حَمْدٌ فَرِحَ بِهِ وَ اَخْرَجَ عَنْ
اَهْلِ جَنَّتِهِ وَ اَتَتْهَا لَکَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَ حَمْدٌ لَا تَرْکُ لَکَ شَهَادَةٌ لَخُلُقِهَا
لَکَ وَ اَخْرَجَ عَنْهَا عِندَهُ وَ صَلَّى اللهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ جَائِمِ الْبُتُوْعِ وَ حَمْدٌ لِّبَرِّهِ وَ عَلٰی اَلِهِ
اَلَا لَیْسَ خَيْرٌ وَ حَمْدٌ لِّلنَّبِیِّ وَ مَعْدِنِ الرِّسَالَةِ وَ تَخْتَلِفُ الْمَلَائِکَةُ وَ لَهَا تَلْکَ
کَانَ فِیْ عِلْمِ الشَّاقِ وَ کِتَابُ الْفَاطِمَةِ وَ یَا اَدِرَ الضَّادِ قَدْ حَقَّ لَکَ اسْبَابُ
لِصَلَاةٍ وَ الْاَمْرُ بِالرَّغْبَةِ فِیْهِ وَ التَّعْدِیْمُ سَبَبٌ وَ حَبْ
نَسَبًا وَ لَمْ یَاْمَعْ بِمَنْ قَالَ حَمْدٌ وَ عَمْرٌ وَ هُوَ الَّذِیْ حَقَّقَ مِنَ الْمَلَائِکَةِ
تَجْعَلُ کِتَابَکَ وَ کَانَ رِکْبَتٌ قَدِیْمًا وَ قَالَ وَ اَلْحَمْدُ اَلَا کُلُّ شَیْءٍ
وَ الصَّالِحِیْنَ مِنْ عِبَادِکَ وَ اَلْمَلَائِکَةِ اِنْ یُحْمَدُ فَاَفْکَلُ یُعْزِمُ اللهُ بِفَضْلِ
وَاللهُ وَ اَسْعَ عَلَیْکُمْ وَ لَوْ یُحْمَدُ فِی الْمُنَافَرَةِ وَ کِتَابُ الْحَمْدِ اَبَدٌ تَحْمَدُکَ
سُبْحًا وَ نَهْیًا وَ لَا اَنْتَ تَنْقُصُ لَکَانَ فَمَا جَعَلَ اللهُ مِنْ رِیْثِ الْغَنَیِّ
وَ قَرِیْبِ الْبَعْدِ وَ قَالَ یَا اَلْفَوْیَّةَ تَشِیْکَ الْحَقُّوْقِ وَ تَجْزِیْلَ الْعَدَدِ وَ تَحْمَدُ
اَلْعَدْلَ لِنِزَامِ الدُّعُوْیِ وَ تَحْمَدُکَ اَلْمُرِیْثَ یَا رِیْثَیْ دُوْنِ الْعَاقِلِ
اَلْبَسِیْبِ وَ یَا اَرْحَمَ الْبَلَدِ لِمَا فِی الْمَصِیْبِ فَیُخْرِصُ عَلَیْهِ الْاَدَبُ الْاَدَبِ فَقُلُوْیَ
اَلْاَسْرِیَّةَ مِنْ اَتَمِّ اَمْرَةٍ وَ اَتَقَدَّرَ حَمْدُکَ وَ اَتَمْنٰی قَضَاءَهُ وَ رَجَّیْ حَمْدَکَ وَ فَلَانِ
فَلَانِ مَنْ قَدْ عَرَفَ حَالَکَ وَ جَلَالَکَ دَعَاہُ رِیْثَیْ نَفْسِہِ وَ اَنَا کُمْ اِبْنَانِ لَکُمْ
وَ اَخْبَارُ الْخَطِیْبَةِ فَلَا فَرْقَ بَیْنَکُمْ وَ بَیْنَهُ لَکُمَا مِنْ الصَّدَاقِ وَ کِتَابُ
وَ کِتَابُ قَلْبِیْنَ بِالْاِجَابَةِ وَ اَجِیْبُ بِالرَّغْبَةِ وَ اَسْجَبْ اَللهُ فِیْ کَرَمِکُمْ بِعَرْمِ لَکُمْ
اِنْ شَاءَ اللهُ تَسَالُ اَللهُ اَنْ یُعِیْمَ بَابَیْکُمْ بِالْبَرِّ وَ الْقَوٰی وَ یُوَلِّیْکَ بِالْحَبِیَّةِ

وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ ثَمَرٍ مِمَّا رَزَقُوا فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِيهَا زَوْجٌ مِمَّا يَشْتَهُونَ
بسم واداب از قاف مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در وقت
از قاف پیش از آنکه در اما دو عرو و بر سر هم بلند و اما دو رکعت نماز کند
بعد از آن حمد خدا کند و صلوات فرستد و بگوید اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْفَقْرَ وَوَدَّعَا
وَرِضَا خَلْقِي وَاجْعَلْ بَيْنَا وَبَيْنَ الْخِطَابِ قَائِلًا مَحْبُوبًا
الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَوْنِ الْحَقَّامِ وَجَعِي كَمَا حَاضِرًا بِشَدَائِعِ بَيْنِ عُرْوَةٍ
چنین کند اما اول دعا چنین بگوید اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْفَقْرَ وَوَدَّعَا
وَرِضَا خَلْقِي وَاجْعَلْ بَيْنَا وَبَيْنَ الْخِطَابِ قَائِلًا مَحْبُوبًا
لَكَ مَا يَكُونُ اللَّهُمَّ عَلَيْنَا بِكَ تَرْجُمَةً وَأَوْفَا مَا تَنَالُ أَخْدَانًا
وَكَلَامًا فَكَانَ اِسْتَحْلَاكُهَا فَإِنْ قَضَيْتَ لِي فِي رَحْمَتِي مَا شَاءَ فَأَجْعَلْهُ سَلَامًا
مُسَكَّمًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْهُ شَرَكًا لِشَيْطَانٍ وَكَرْهًا وَهَدِي بِي اللَّهُمَّ
بِأَمَانَتِكَ خَدَّيْهَا وَبِكَلَامَتِكَ اِسْتَحْلَاكُهَا فَإِنْ قَضَيْتَ لِي مِنْهَا أَوْ كَلَامًا
فَأَجْعَلْهُ مَبَادِئَ كَاتِبِيَّامِينَ شَيْعَةِ الْيَحْيَى وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ
شَرَكًا وَلَا تَقْصِبْنَا وَبِأَمْرِ عُرْوَةٍ بِشَرِّهِ وَإِنْ أَمَّا زَوْجًا فَمَا اخْرُجَاهُ
بِأَشَدِّ هَفَاةٍ فَجَعَلَتْ أَرْغَافَهُ بِرُودِ رُودٍ وَهَفَاةٍ قَدِيمَةٍ كَرْتِ خَل
شود و هفتاد رحمت بر سر عرو و فرود آید که هر کشتی در هر کوشه بخیزد
و عرو را تجزین و حیدام و بر صی این باشد تا در آن خانه باشد و در
اقل عرو را از خوردن شیر و سرکه و کبوتر و سبب تر از آن کند که در
سر و عقیق که در آن که خورد و باشد که حلیض شود هر که از حیض باشد

کرده

و کثیر فلاوت و دشواری و سبب تر از حیض را قطع کند **فصل ششم** در
باید و ادای و قنات از مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در وقت
عظاره بخندست بفرموده صلی الله علیه و آله لم یزل زوج خود شکایت کرد و فرمود
اگر فضا ایل بیا نشیند بدانند بقصد بخورند که گفت کدام است آن فضا ایل
هر که متوجه نشود چنان است که در راه خدا نشیند باشد و چون
مجامعت کند کنایان او بریزد مثل بر لیل از درخت و چون عمل کند
از کنایان پاک شود و هم از آن حضرت صلی الله علیه و آله مرویست که هر که در
رحله الله شود با اهل خود مقاربت نکند تا از اب یا بی ابو شود گفت با اهل
خود صحبت دارد و از اب یا بی نشیند تا نشیند و بدین معنی که هر که کناه دارد
حلال این فرموده و نیز مرویست که هر کس زن و کثیران زیاده از آنکه
با ایشان مجامعت کرد جمع کند و ایشان زن نکند کنا هشان **برو باشد**
مرو باشد و اما اگر بیا نشیند مرویست که در وقت مجامعت بگوید
شیطان در جماع ما او و من است و نطفه که بشود شیطان در آن
شریک باشد و شریک شیطان موجب کفر و فساد و عداوت اهل بیت
علیهم السلام و لا اقل سبب فسوق و معاصی و در نزد آن باشد و اگر مسلم الله
بگوید از شرک شیطان امن کرد و اگر باین عبادت که مرویست از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام که بگوید افضل است نسیم الله الرحمن الرحیم الذي
لا اله الا هو يجمع السموات والارضين اللَّهُمَّ اِنْ قَضَيْتَ لِي فِي هَذِهِ الْقِلَّةِ
خَلِيفَةً فَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيَّ مَرْجًا وَلَا نَصِيبًا وَلَا حَقًّا وَلَا جَعْلًا وَلَا يَكُونُ

مَخْلُوقَاتُ مَعْنَى مِنَ الشَّيْطَانِ مَا رَزَقْنِي اَوْ رَزَقَنِي اَوْ رَزَقَنِي اَوْ رَزَقَنِي
باورند و اگر خواهند در وقت محاسن بگویند اَللّٰهُمَّ اِنْ رَزَقْنِي وَلَدًا فَاجْعَلْهُ
تَقِيًّا ذَكِيًّا لَيْسَ فِيْ خَلْقِهِ زِيَادَةٌ وَلَا نُقْصَانٌ وَاجْعَلْ عَاقِبَتَهُ اَوْ خَيْرٌ وَّوَدَّ
افتای مجامعت حرف زدند و هر یک یکی و گفتی زبان فرزند و نگاه کرد
بفرج زن صورت کوی فرزند باشد و اگر مرد و در وقت فارغ شود باید
صبر کند تا زن بن حلیت خود بر آید گاه باشد که زن محال می آید پیش مرد
می خیزد که اگر بگذرد می خیزد و در آید و هر کدام خرقه جدا بردارد و در وقت
خرق استعالی کند که اگر مرد و زن هر دو هم قد و صورت عداوت میان
شان شود و در آنجا کسی که این از او بدیدند یا صدای ایشان بشنود خواه
طفل و خواه غزالان نباشد که سببنا در فرزند شود و در وقت بقبله
نباشد و اگر محکم شد و باشد تا غسل کند جماعت نکند که سبب خون در وقت
باشد تا اگر بعد از مجامعت مریض دیگر خواهد وضو کافی بود و در وقت
خیز جماعت کردن و در وقت جدا می آید باشد در فرزند و ایضا روایات
بسیار آمد که هیچ کس بغیر عداوت اهل بیت علیهم السلام نکند و اگر کسی که در آنجا
شیطان باشد یا در ایام حیض نطفه اش بسته شده باشد و حضرت ایام
جعفر صادق علیه السلام فرمود اگر حضرت محبت ما در دل خود بپاید ما در دل خود
بیار دعا کند که باید شما خیانت نکرده مروتی که سبب نزد بیا
ضرر کند و گاه باشد که سبب طلاق کرد و شکم بر حجام رفتن و شکم بر حجام
کردن و بان پس مجامعت نمودن و مروتی که ایستاده کردن سبب

فرزند باشد و فرزند و بیام خانه جماعت کند که فرزند منافق و حیا
بدعت و ملائق شود و در آنجا نکند که فرزند در تمام عمر پویشان باشد
و در زیر درخت میوه دار نباشد که فرزند جلا و خونریز شود و اگر زن
حامل باشد بوضو با و مجامعت نکند که فرزند کور دل و بیجیل شود و اگر
از زن غیر شهوت بجز نکند یا آن شهوت با زن خود جماعت نکند که
فرزند محنت مادر او شود و اگر در کشی نشسته باشد مجامعت نکند و اگر
جنب باشد با زن در میان جای خواب فرزند بخواند که کلمه آن بود که گفتی
اِنَّ اِسْمَ اَبَد و هر دو با بوزد و اگر زن جنب باشد و از جای خور و خیزد
تا آنجا سر نشود و بگریه آنجا نشیند و اما اوقات مجامعت چند است
مستحب است مجامعت کردن شب جمعه بعد از نماز خفتن که فرزند از جنم
اعظم و اکابر بدین شود و روز جمعه بعد از عصر که فرزند از جنم کثرت
علا شود و شبی که فرزند مؤمن و رجیم دل و سخی شود و زنانش
از غیبت پنهان پاک باشد و شبی که فرزند از جنم علما یا اکابر
شود و روز پنجشنبه وقت ظهر که فرزند کار ساز مردم باشد و دین
و دنیا بشیلاست بود و شیطان نزدیکش نشود تا آنکه بر شود و شب
اول ماه مبارک نیز مستحب است مجامعت کردن و در چند وقت
مکروه است میان اطفال و اقامت که فرزند بخوبی و بدی می رسد
و میان طلوع صبح و طلوع اقباب و از غروب اقباب تا اذان و تا طلوع
وقت طلوع اقباب و غروب که اقباب رد باشد و روزی که اقباب

گرفته باشد و شش ماه گرفته باشد و شش روزی که زنده شود با باد های خ
وزد و سیاه و زرد که درین اوقات فرزند بی عیب باشد و در اول و میان
و آخر ماه که زن با فرزند را بهم جنون و جدام باشد و در تحت الشعاع
ماه که فرزند ساقط و بعد از ظهر که فرزند احوال شود و در شب عید قربان
که فرزند شش انگشت با چهار انگشت باشد و در نصف ماه شعبان که
فرزند شوم و مصوب باشد و روز آخر شعبان که فرزند خویش و معین
ظالمین باشد و اول شب که فرزند سحر شود و دنیا را با آخر اختیار
کند و شش بار و پنجاه بار که بفرمود که فرزند ما بخور و در باطن حوام
صرف کند **فصل هفتم** در طایفه نذریه و بیست اهل بیت طایفه
علیه السلام که چون کسی با فرزندش در صبح و شام عشاء و مرتبه بگوید یا علی
و بعد از آن ده مرتبه استغفر الله بعد از آن ده مرتبه سبحان الله بعد از آن یک مرتبه
استغفر الله راوی گوید که فرزندش نمی شود با بی نظریه عمل نمود و اولاد بسیارند
طایفه دیگر و محمد کند و در سجده بگوید یا رب العالمین **فصل ثانی** در طایفه
آنکه سمیع الدعاء است لا اله الا انت خیر الودیعین راوی گوید که
چنین کرده و بر سر مادر و فرزند طایفه دیگر و اکثر فرزند نقش کند که بخت
لا اله الا انت خیر الودیعین راوی گوید که چنین کرده و کمال انگشت
که بر سر عطا شود و اگر خواهد فرزندش شود پیش از آنکه از حال چهار ماه تمام
نمودن و بعد از آن نشاند و اگر از آنکه می خواهد و دست بر طایفه گذاشته بگوید
خدا یا این را محمد نام کردم خداوند تعالی از او بزرگوار کند پس چون متولد شود اگر

خود و ناکند و محمد نام کند خداوند تعالی او را مبارک گرداند و اگر نام دیگر کند
پس خداوند تعالی او را خواهد و او را یکی دارد و اگر در بیست و طایفه دیگر و بیست که هر یک
کند که فرزند را محمد یا علی نام کند یا نبی شود طایفه دیگر و در وقت مجامعت
که همبای این کار شده باشد و دست راست بر جانب راست زن گذاشته
هفت مرتبه انا اولنا و نحن اول بعد از آن صحبت دارد و چون حمل ظاهر
شود شش ماه مرتبه که در میان جا حرکت کند دست بر جانب با فرزند
گذاشته هفت مرتبه انا اولنا و نحن اول راوی گوید که چنین کرده و هفت
بار از بی یکدیگر آمد و بسیار مردم گویند و بعد از اولاد و کور بسیار شد و در
محمود از کار دیگر و او و بزرگوار است این نام بفرمایند که گشته **فصل هشتم**
در فضایل حمل و ولادت و احکام متعلق بآن و بیست اهل بیت طایفه
علیه السلام که چون زن حامله شود مثل کسی است که روزی که در بیض و مال
خود در راه خدایها داند و چون وضع حمل شود و فرزندش از بسیار می توان
دانست و چون نوزدهم بگوید یا رب العالمین یا رب العالمین یا رب العالمین
اسمعیل از او کند و چون طفل را از شیر بکشد و فرشته ندا کند که اعمال از کس
که گناهت ظاهر نهد شد و اگر در عرض امانت میرد شهید باشد و نیز در
که اگر زن در تقاضای برادر و حش را در بزرگوارند و بزرگوارند و انجا باشد
نار و قیامت و در قیامت و در حساب باشد بزرگوارند و در بیست که
حامله بسیار بخورد که فرزندش جلیل شود و اگر در ولایت حمل کند بخورد و بخورد
فرزندش جلیل و عاقل شود و اگر در بیاض شجاع باشد و اگر دختر بود بزرگ

مغفرت دارد و مستجاب است گفتار است مولا و مولا را شرح کردن و افضل آن است
 که مادر خود بشردهد مادر بسیار گزاف است و مرویت که بشرد صاحب دین و پناه
 و تقوی باشد حق و دین و فاسق نباشد که بشرد طفل افرو کند و مرویت که گزاف
 بنیت باشد بشرد ادن ظلم است بطفل و طاعت حد بشرد و سال تمام است و بشرد
 ادین نشاید **فصل دوم** در فضایل و احوال و مریت بیان مرویت اهل
 بیت طاهرین علیهم السلام که چون خدای برای بند خود بخواند و از دنیا
 نبرد تا خلف صالحی عطا فرماید و فرزندان خود را بجایست از پشت و کوفه طفلان
 تا حفظ تملک است و بعد از آن تا حد بلوغ استغفار است برای والدین
 بعد از آن هر چنان که کنند والدین در ثوابش شریک باشند و اگر بشرد
 ضرر برایشان فرسد و کوفت اطفال کفار والدین است و اگر فرزند
 میرد والدین را از آن ثواب و رحمت باشد حق آنکه سقط برده باشد استاده
 نباشد و داخل نشود ثواب والدین خود را کوفه داخل بهشت خود و اگر بایند
 برای ایشان دعا و استغفار کند و هر چنان که کند سبب مغفرت و درج
 برای ایشان و مرویت که حضرت عیسی علیه السلام بر قبر می گذشت که صاحب
 بود سال دیگر بر آن قبر می گذشت عذاب از آن بر خواسته بود مناجات
 از این سوال نمود رحمتی آمد که این شخص را فرزند منی صالح است که بیتی دانه
 داده و غم خورای کرده عذاب در وجه ایشانم و مرویت که بشرد بخت و خیر از
 نصبت سوال کنند و بر چنانچه فرما دهد و حضرت یحیی علیه السلام فرمود
 کسی که در خیر یا خیر خواهد عاقل باشد بهشت او را و لایق شود کسی برسد که اگر

دو نام باشد چنین است فرمود علی کرد و نام گفت اگر یکی هم باشد فرمود
 اگر یکی هم باشد و نیز مرویت که هر که در دوزخ باشد و خواهر یا دو عتبه یا دو عالم
 عاقل باشد و از دوزخ نگاه دارند و هر که بر فرزند خود احسان و حسن
 کند چنانست که والدین خود کرده باشد و حضرت یحیی علیه السلام
 فرمود و اطفال را دوست دارند و برایشان رحم کنند و چون باینان
 وعد کنند وفا کنند و هر که بر فرزند خود بسیار محبت داشته باشد خدا
 تعالی و رحمت کند و اگر فرزند را یوسف یا یحیی فرستد و اگر سرور نکند
 و زنی قیامت سرورش کند و هر که از باز آری کوفه برای عیال و اطفال
 بسیار دجنات که برای جمعی محتاج صدقه بوده باشد و افضل است که اول
 چتر بخشد و زن نان دهند هر که در خیر بر سر کند چنانست که بشرد اگر
 اسمعیل از آن کند و اگر پسر بر سر کند چنانست که از فرس خدا گرفته باشد
 از فرس خدا بگیرد از اهل بهشت باشد و هر که از فرس که با و فریبی و خوبش
 باشد سرور کند خدای تعالی و زنی قیامت او را سرور کند و چون والدین
 فرزندان را قرآن تعلیم کنند و بهشت ایشانند و حلقه ایشانند که بر قیامت روز
 اهل بهشت را روشن کند و مرویت که هر دی روزی بخند حضرت یحیی علیه السلام
 علیه السلام گفت من هر که فرزند خود را بنویسم بعد از آن که او رفت حضرت
 فرمود این مرد از اهل دوزخ است و مرویت که طفل را لا اله الا الله
 و اینه اخر بنی اسرائیل قال الحمد لله الذی لم یخون و کذا تا اخر سوره نعلین کند
 زبانش فصیح شود و نیز مرویت که چون پسر را سال تمام شود امر کند تا هفت

لا اله الا الله بگوید و چون سال و هفت ماه و بیست روز تمام شود بگوید
 هفت مرتبه بگوید محمد رسول الله و چون چهار سال تمام شود هفت مرتبه بگوید
 صلی الله علی محمد و آل محمد و چون بمحال تمام شود دست راست و چپ
 از وی برسد چون بگوید و بیشتر بگوید و بگوید بگوید و چون شش
 سال تمام شود در کعبه سجود یادش دهد و چون هفت سال تمام شود بگوید
 دست و رو بشوید و یکبار بکشد و چون نه سال تمام شود و منور و مان
 بیادش دهد و هرگاه فقیر و گاهلی کند بفرزند و چون منور و مانز یاد کند
 کناهان و الدینش از نهد شود و نیز مر و بیست که طفل را هفت سال بگذرد
 باز نکند و هفت دیگر قرآن و کتاب خط یادش دهد و هفت سال
 دیگر ملازم خود گرداند که ادا بی اخلاق یاد کند و شرایع دین انحلال
 و حرام تعلیمش کند بعد از آن اگر آثار صلاح و رغبت بدین و ایمان در او
 یابد در صد مرتبه پیش باشد و اگر نه دست از او بردارد **فصل یازدهم**
 در حقوق زوجین بایکدیگر و بیست اهل بیت طاهرین علیهم السلام که حق بر
 هر وجه نیست که خدمت و طاعت کنند و خلایق را و برضایتش نکند و از خانه
 او بیازد و تصدیق نکند و بکسی چیزی نهد و اگر دهد کناهش و توانش از
 شوهر نباشد و ضبط خانه و ضبط مال او کند اگر در خانه شوهر بر او چیزی
 و صلحت خانچه بر او ایجاب کند که از خدای تعالی بر او نظر رحمت کند و اگر
 خدا بر او نظر رحمت نکند بعد از آن هرگز عذابش نکند و از جمله حقوق اینک
 خود را از زینت خالی ندارد و هر چه مقدور شود دست را بچنان نگذارد که

عین ببالیدن باشد خیار دست باشد و بلاذت شوهر از خانه بیرون نرود
 و اگر در ملائکه اسمان و زمین و ملائکه غضب و رحمت بر او عفت نکند تا وقتی
 که رجعت نماید زینت بخرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که شوهر
 بفرزیه و ملائکه از خانه بیرون فروم تا او بیاید و پس و چهار شده اگر
 رخصت فرماید بیستم را عیادت کند و فرمود در خانه بنشین و طاعتش
 مرتبه دیگر فرستاد و چون جوابش نمود تا آنکه پدرش فوت فرستاده اذن
 خوات که بنان او حاضر شود فرمود بنشین و طاعت شوهرت کن تا آنکه
 پدرش فوت کرد و فلان حضرت صلی الله علیه و آله پیش او فرستاد که خدای تعالی
 بدین را امر بدی بسبب این طاعت شوهرت کردی و از جمله حقوق اینک
 بیازد او روزه غیر واجب بکشد و نذر نکند و قسم نخورد و بکسی چیزی نهد
 و تصدیق نکند و بیاید از آن کند که چنان مال خود را نباشد و از جمله حقوق
 اینک خود را از بیان ندارد اگر چه بر یکب وارد باشد حضرت پیغمبر صلی
 علیه و آله فرمود که یا قریب من جملة متوفات کنت متوفات کیانند و من
 زانی که شوهر ایشان این از بخلت بطلبند بهمانه و صد افرکتند تا آخر
 خرابی برسد پس ملائکه بدین زن لعنت است و تا وقتی که شوهرش پیدا نشود از
 جمله حقوق اینک اگر شوهر از خانه بیاید باشد خواب نکند تا عذر خواهی کند و اگر
 راضی کند اگر چه بر او ظلم کرده باشد و اگر پیش از آنکه او را راضی کند بخوابد
 هر طاعت از قبول نشود و زنی که شوهر کو بدین هرگز از تو خیر ندارد
 و باطل شود و زنی که شوهر را برنجاند و از زنده کند هیچ حسنه از قبول

نشود اگر سوم ده کبر و عیبت نماز ندارد و عیبت ها از آن دکنند و ما لها حکم در راه
 خدا صدقه دهند تا آنکه او را از خود راضی کنند اگر شوهر مرزبان ظالم و اذیتگر
 مثل آن کناه و عذاب بر او ثابت شود و هر کس بد خویش زن بکشد و بکشد
 مثل بزار صبر از برب برایش نویسد و بر زن هر شبانه روز مثل یک حاکم
 عالج کناه نویسد و اگر زن با شوهر سازگار نکند و او را تکلیف چند
 که مقدور نیست بکشد و بر شوهرت و فقیر را در هیچ حسنه از قبول نشود
 که او را از آتش نگاه دارد و مادامی که بر بخال باشد در غضب خدای تعالی باشد
 وجهها و زین آن است که شوهر داری خوب کند و بر زن در شفت او میکند
 و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود ای زنان نصیحت کنید اگر چه از زینت
 خود و اگر چه نصف خرمای باشد و اطاعت شوهران کنید که اگر شما ایوب و یونس
 مایست چون زنان این سخن شنیدند همه گریستند یکی از ایشان بخوابید
 گفت یا رسول الله ما کفار و دروغ بائیم و الله که ما کافرانیم فرمود شما
 که این حق شوهران کنید زنی دیگر گفت یا رسول الله ما با این مشقت
 و رنج حمل و رضاع و با اینکه فرزندان مشفق صالح از ما موجود آیند
 بد و نفع خیریم پس حضرت رفت نموده فرمود شما با آنچه گفتید اگر شوهران را
 نرنجاند و نماز نکند و یکی از شما بد و نفع نرود و ابصار زن از آن حضرت
 پرسید که حق کبر و عظیم تر است فرمود حق بد و پرسید برون فرمود حق
 و اگر غیر خدا سجده کردن جایز می بود امری کردم که زنان شوهران را بکشند
 پرسید حق زن بر مرد چیست فرمود از صید بچی نیست و زنی در شفت

انحضرو صلی الله علیه و آله معروفی داشت که شوهرم با من بی التفات بود و من
 ساختم که او را با خود مهر بمان کم فرمود که ملائکه سموات و ارض بر تو لعنت
 کردند پس آن زن رفت و روزها روزه می گرفت و شهادت می کرد و
 خود را می کشید و پلاس می پوشید این خبر با آن حضرت رسید فرمود هیچ ندارد
 و حق زوجه بر زوج آنست که تقصیر و کسوه اش دهد و اگر مقدور باشد
 معیشت را بر او قرضه کند و او را محتاج دیگری نکند و خود را بر او
 بیاراید که بکشد عیبتش باشد و چنانکه او را از دست دارد و زن نیز
 او را از دست دارد و جهل و تقصیر او را عفو کند و او را بهر آنکه
 خطا و تقصیر می کند و عتاب نکند و نرنجاند و نرزد و نرسد و روی
 و عیبت نکند حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود بهترین مردان کسی است
 که با زن خوش سلوک باشد و بدترین مردان کسی که زن را نرنجاند و نرزد
 و از حاکم حق و اینکه جلال و حلال و ادا و احکام دین تعلیم کند و در عیبت
 حق با عیبت و سرور بقدر و تقدر برایش نماید **فصل دوازدهم** در بعضی
 نوادر و اسالیب باب ششم در سبب مریت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام خدا
 تعالی عز و جل برادران عطا فرموده از این جهت است که بر زن زیاده از آنکه حرام
 شد زن از غیرت نباشد بلکه غیرت ایشان حد است و حد اصل آنست
 و از این جهت است که زنان مؤمنه برای متعه و زنی دیگر غیرت نکنند و زنان
 غیر مؤمنه غیرت کنند و زنی مردی در خدمت حضرت امام علی علیه السلام
 خود را بسیار تعریف کرد و فرمود که هیچ امثال او را ندیده ام گفت فرمود برو

که در وقت زنده بگویند و زنت اول همان بحال خود ثابت بود و بطریق
 خوشی بگذرد خدمت حضرت امام حکایت کرد و فرمود حالا رات میگوی
 و نیز مرویت که در کارها باز نان مشورت میکنید و اگر کند خلافت ایشان
 که برکت در مخالف ایشان است و از ایشان بگویند و از ایشان بگویند
 باشد و در خیر اطاعتشان میکنند و در شطرنج کنند و ایشان را بگویند
 عروسی و عزیزی بخت میدهد و بجهلا مکتوب کرد و وقت و بجز این
 دیدند که موجب عظیم باشد و مردی که زن خود را بچار بخت دهد
 سزاوارد در روز خشت افکند **باب دهم** در اذای سفر و احکام
 متعلق بآن و این مجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود **فصل اول**
 در بعضی مقدمات سفر مرویت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که عاقل را
 سفر کردن مکروه و حرام یا تحصیل زنا و اخوت یا مروت معیشت یا لذت
 حرام نباشد و نیز مرویت که سفر کردن یا تحصیل یا مروت یا معیشت یا لذت
 مکروه و نیز مرویت که چون خدای تعالی از کسی در جای بقدر کرده باشد
 حاجتی برای او در انجام بکشد که ضرورت یا بجا حرکت کند و نیز مرویت
 که هر کس برای سفر دریا کند درین خود را در معرض تلفت آورده باشد و تحصیل
 معاش حرام و رزوه باشد **فصل دوم** در اختیارات ساعت برای
 سفر مرویت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که سفر سابر و طایر و بیج
 شب و پنجمین مبارک است و روز پنجمین اگر کسی از جای خود حرکت کند
 خدای تعالی از آنجا بخیر خود بیاورد و روز پنجمین روز نیست که خدا

و رسول و واهل بیت او ملائکه علیهم السلام انرا دست دادند و حضرت پیغمبر
 صلی الله علیه و آله و سلم اکثر عمر و اوقات در روز پنجمین و ششمین می شد و نظیر می یافت
 و روز سه شنبه خدای تعالی این را برای حضرت داود علیه السلام برگزید
 که نه ساعت سفر درین روز با سالی کند و نیز احادیث بسیار آمده که روز
 چهارشنبه روز بخت و خدای تعالی اکثر اقسام سالقه را درین روز عذاب
 کرده و از کائنات اشرف درین روز آفرید اما حدیث دیگر روایت شده
 که روز چهارشنبه بخت شکایت کرد که بندگان نوزاد آنحضرت میل کنند فرمود
 تو نحسی هر کافران و سعدی برای مؤمنان و روایت دیگر آمده که کسی
 از حضرت امام موسی علیه السلام پرسید که مردم سفر و چهارشنبه را شوم میگویند
 فرمود هر کس بخلاف جمع کند فالهای بد بپزند و چیزها را شوم میگویند
 و چهارشنبه را شوم بگویند از آفات و عاهات سلامت و عاقبت مرا
 کند و مرویت از حضرت که هر کس روز پنجمین سفر رود ملکین کند که خدا را
 باز بخواند و از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویت که هر روز روزی
 برای شتمان ما آفریده شده و شکران قریش درین روز بر من برآمد
 و من درین روز از آنکه محروم گروم و درین روز رحلت خواهم نمود و علی
 درین روز که شغل خواهد شد و حسن درین روز مسجون شود و درین روز
 رحلت کند و نیز مرویت که جمعی که درین روز غم سفر کرده رفتند که
 حضرت امام جعفر صادق علیه السلام داود است فرمود شمار امر و چیز ناپسند
 خبر و برکت دارد که امروز باشد اما روز باشد که حضرت پیغمبر صلی الله

الشراب ولا لغيرك لا تخلف الجهاد وابن دعا جواد اللهم بك
موصول الضائل ويعد بك بطول الظائل ولا حول ولا قوة الا بك
الايمان ولا قوة الا بك تصفونك من خلقك خيرتك من ربك
بمحمد نبيك وخيرته وسلاية اللهم صل على محمد وآل محمد
اليوم وضوءه وارزقني خيره وقصر لي من نصري في محسن العافية
وبلغني المحبة والظفر بالآئنة وكفانية الطاغية العويصة وكل دغية
على آذنة حتى اكون في الجنة وعفمة من كل بلاء ونعمة وابدي من
الحق اوف في امنا ومن العوالي في غيري حتى لا يصد في ضا عن المار
ولا يحل لي طار من اذ على العباد اناك على كل شيء قدير واكمل
اليك نصبر لمن ليس كغيري وهو السميع البصير وايضا وقت برك
رفعت من جنة قدور غرور صدق كند بكويدا اللهم اني اشتريت كرامتي
في سري هذا لعلك اذا فاتت برك وود حضرت سجاد عليهما جود بغير
هين كرامتي صالت در كرامتي كذا شئت تصدق مكره وجون بركات
رجوع مكره بذكر ان تصدق بذكر مكره وكره بفرج وعمر وود
جون انصاف برون ايد بكويد لا اله الا الله الحمد لك لا اله الا الله
الحمد لك يا الله رب السموات والارض والعرش العظيم
والعرش العظيم والحمد لله وصلى الله على محمد وآله الطاهرين اللهم
كن لي جارا من كل جناب عبد ومن كل سلطان مرهوب اللهم كن لي
وكيل الله فحسب الله اني انا قدام ربك في الدنيا والآخرة

ثالثا

ثالثا لا حول ولا قوة الا بالله في سري هذا ذكره النبي
اللهم انت المستعان على الامور كلها وانت صاحب الشفاعة
لتخلفني في الاهل اللهم عون عليا سقرا والحوالي الارض وسقرا
ومها طاعتك وطاعة رسولك اللهم صل على طاعتك وبارك لنا فيها
وزدنا ونما على النار اللهم اني اعوذ بك وعنا بالشفاعة المقلب
وسوء النظر في الاهل والمال والولد اللهم انت عضدي ناصر
اللهم قطع عني بعدة وشقة واصحني فيه واخلفني في اهل بيته لا
حول ولا قوة الا بالله اللهم اني عبدك وهذا حملك والرجوع
خبرك والشفاعة اليك وقد اطمعت على ما لم يطلع عليه احد قبل لمجمل
سري هذا كفارة لما قبله من ذنوب وكن عونا لي عليه والغني واعنه
ورشفته ولغني من القول والعقل رطاك فاعنا انا عبدك وبك لك
فصل در طاع وفاق من ريت اهل بيت طاهرين عليهم السلام
كهون جمعي سائر ادع كند بكويدا زدكم الله الثغرى ويحكمكم الى كل
خير وقضاكم كل حاجة وسلم ديمكم ودنياكم وردكم المدين والكره بعد
بكويدا حسنا لله لك الصلوات واكمل لك المعونة وسلك لك المرونة
وقرب لك العبد وكفاك اللهم وحفظ لك دينك وامانتك وخواتم
عصاك ويجهلك لكل خير عليك تنقوي الله استودع الله نفسك على
بركة الله عز وجل وجون مافروا نود از عبقري الكرمي خواتم
واذان ولفات بكويدا بكويدا اللهم الطه لبي بر وقبيل كل مقارن

يَبْلُغُ لَكُمْ عَلَيْكَ يَسِّرَ أَمَّا لَكَ وَالْعَاقِبَةُ وَالْمَعَاقَةُ الدَّائِمَةُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَيَسِّرُ لَكُمْ الْيُسْرَى وَالْآخِرَةَ وَالْآخِرَةَ وَالْآخِرَةَ مَا يَسِّرُ لَكُمْ الْيُسْرَى فِي الْأَرْضِ
فصل ثامن وَاذْأَبِ سَوَارِثُكَ وَرَاهُ وَفِي مَرِيضَاتِ زَاهِلِ
طَاهِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَجَمِيعِ بَادِرِ رُكَّابِ كُنْأَرِي كَوْنِي سُبْحَانَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَسَابِغِ الْأَذْيَانِ سَوَارِثُكَ دَرَفُضِلْ خُذْ كُنْثَى وَجُودِ سَافِرِ
خُذْ وَبَرِّتْ مَكْرُورِ وَكُونِ سُبْحَانَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَلِيِّ
هَذَا لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ عَلِمَ الْحَقَّ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي سَمِعَ لَنَا هَذَا
وَمَا نَأْتِيهِ مَقْرِبِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ
اَسْتَلْأَمِلُ عَلَى الظُّلَمِ وَالْمُسْتَعَانُ عَلَى الْأَمْرِ اللَّهُمَّ بَلِّغْنَا بَلَّغْنَا نَبْلَغْ بِهِ
إِلَى رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ اللَّهُمَّ لَا طِبَّ لَكَ إِلَّا خَيْرُ الْأَشْيَاءِ
خَيْرُكَ وَلَا حَافِظَ عَزْلِكَ وَجُودِ مَكْرُورِ وَنَهْشِ دُورِ وَخَيْرُ جُودِ جُودِ
دُورِ وَبِعْزِمْ جُودِ مَنِي قُوَّةِ وَلَكِنْ جُودِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ بِرَأْسِ إِلَيْكَ بَارِئِ
لِلْمَوْلِ وَالْقُوَّةِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرُكَّتِكَ سَعَى وَهَذَا وَبَرِّكَ أَهْلِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ وَبِقَاحِلَةِ أَطْيَبِ سَوْفَةِ الْإِنِّ وَأَنَا خَائِفٌ فِي عَاقِبَةِ
نَفْسِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي سَأَلْتُ فِي سَعَى هَذَا بِلَا نَفَقَةٍ وَدَرْجَاءَ لِسْوَاكَ فَارْدُفِي
فِي ذَلِكَ شُكْرَكَ وَعَاقِبَتِكَ وَوَفَّقْنِي لِطَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ حَقَّ حَقِّكَ
وَبَعْدَ الرِّضَا وَجُودِ أَزْهَرِ جَدِيدِ شُودِ إِنِّي أَسْتَوِدُّكَ دِينِي وَنَفْسِي
وَمَا لِي وَدُنْيَايَ وَالْآخِرَةَ وَخَائِفٌ عَلَى فَاخِظِي مِنْ كُلِّ أَمْرٍ وَعَاقِبَةٍ وَ
أَعِظْنِي مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَخَطَايَا بِأَسْمِعِ بِالْوَرَبِ بِأَحْفَظِ بِأَجْزَلِ

أَحِبُّ دُعَائِي يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَشْفِي بِكَ وَأُكَلِّمُكَ وَأُجَاهِدُكَ
وَبِكَ أَعِصَمُكَ أَنْتَ تَقْنِي وَتَجَانِي اللَّهُمَّ الْفَتْنِي مَا أَهْتَمُّ وَمَا أَهْتَمُّ لَهُ
وَمَا أَتَى عِلْمِي بِعَيْنِي اللَّهُمَّ رَدِّفِي الشَّقَايَا وَاغْفِرْهَا وَارْحَمْنِي فِيهَا
بِكُودِ لَيْلِمُحَمَّدٍ وَبِإِذْنِهِ خَرَجْتُ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ الْخُرُوجَ خُرُوجٌ
وَقَدْ أَحْصَى لِعَلِّيهِ فِي مَخْرَجِي بَقِيَّتُكَ عَلَى آلِهِ الْأَكْبَرِ وَكُلِّ مَقَرٍّ
إِلَيْهِ أَمْرٌ مُتَعَيْنٌ بِهِ عَلَى نَفْسِي سَبِيلٌ مِنْ فَضْلِهِ يَمُرُّ بِقَبْرِ
مِنْ كُلِّ قَوْمٍ الْأَكْبَرِ خُرُوجٌ صَرِيحٌ بِفَيْضٍ إِلَيْنِ بِكَفٍّ وَخُرُوجٌ بِفَيْضٍ
خَرَجَ بِقَبْرِهِ إِلَيْنِ مِنْ بَيْتِهِ وَخُرُوجٌ غَائِلٌ بِعِلَّتِهِ إِلَيْنِ مِنْ بَيْتِهِ وَأَوَّلِي
مِنْ دُيَاكُمُ النَّفْسِ وَأَعْظَمُ رَجَاءِهِ وَأَفْضَلُ مُنْتَبِهَةِ اللَّهِ تَقْنِي فِي جَمِيعِ
أُمُورِي كُلِّهَا مِنْهَا جَمِيعُ السَّعْيِ وَالْإِسْنَاءِ الْإِمَانُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ
أَسْأَلُ الْخَيْرَ الْحَقَّ وَالْمَدْحَ لِأَلِهِ الْأَكْبَرِ وَأَكْبَرُ الْمَصِيرِ وَبِكُودِ لَيْلِمُحَمَّدٍ
خَرَجْتُ فِي وَجْهِهِ هَذَا بِلَا فِتْنَةٍ مِنْ بَيْتِكَ وَلَا جَاءَ أَوَّلِي إِلَيْهِ إِلَّا بِكَ
وَلَا قَوْلٌ أَحْكَمُ عَلَيْهَا وَلَا حِلَّةُ الْجَنَّةِ إِلَّا طَلَبُ رِضَاكَ وَاتِّبَاعُ حُكْمِكَ
وَقَرَّةُ الرِّفْقِ وَتَكُونُ الْحُسْنُ غَايَتُكَ وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِالْأَقْوَامِ
فِي عِلْمِكَ فِي وَجْهِهِ هَذَا أَمَّا أَحِبُّ فَارَكُهُ اللَّهُمَّ فَاصْرِفْ عَنِّي مَقَادِيرَ كُلِّ
بَلَاءٍ وَمَقْصِفِي كُلِّ لَذَّةٍ وَأَبْطِئْ عَلَيَّ كَفَّافًا مِنْ حُرْمَتِكَ وَكُلِّهَا
مِنْ عَقْلِكَ وَخُرُوجًا مِنْ حُضْنِكَ وَبَعْدَهُ مِنْ مَرْفِقِكَ وَمَقَامًا
مِنْ نَيْتِكَ وَجَنَّةً مِنْ مَعَا فَارَكُ وَوَقُوعًا فِيهِ يَارَبِّ جَمِيعِ
فَضَائِكَ عَلَى سَاقِئَةِ هَوَايَ وَحَقِيقَةِ أَمَلِي وَادْفَعْ عَنِّي مَا اخْتَرْتُ

قَالَا اَلَا اَحَدٌ عَلَى نَفْسِي وَدِينِي وَمَالِي مِمَّا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ قَوْلِي جَعَلْتُ
 خَيْرَ الْاٰخِرِينَ وَوَدَّ نَبَايَحَ مَا اَسَا اَلَا اَنْ تَخْلُقَنِي فَمِنْ خَلْقِكَ فَمِنْ لِي مِنْ
 وَلَدِي وَاهْلِي وَنَابِي وَخَوَانِي وَجَمِيعِ رَأْسِي بِافْضَلِ مَا خَلَقْتَ مِنْ عَائِلَتِي
 مِنَ الْمَوْتِيَةِ فِي حَضْرَتِي كُلِّ عَمْرَةٍ وَخَفِظْ كُلَّ مَضْغَةٍ وَنَمَامٍ كُلِّ عَمْرَةٍ
 وَدَفَاعِ كُلِّ سَيْفَةٍ وَكَلَامَةٍ كُلِّ مَخْذُومٍ وَاصْرِفْ كُلَّ مَكْرُوهٍ وَحَالَ
 مَا تَخْتَصُّ لِي بِالرِّضَا وَالسُّرُورِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ثُمَّ اَرْزُقْنِي كُلَّ
 وَفْدِكَ وَطَاعَتِكَ وَعِيَادَتِكَ حَتَّى مَرْضَى وَفَعْدَ الرِّضَا اَللّٰهُمَّ
 اسْتَوْدِعْكَ الْيَوْمَ دِينِي وَنَفْسِي وَمَالِي وَاهْلِي وَوَلَدِي وَدِينَتِي وَجَمِيعَ
 اَخْوَالِي اَللّٰهُمَّ احْفَظْ اَنْشَادِي وَمَا وَالْعَائِدِ عَنَّا اَللّٰهُمَّ احْفَظْنَا وَ
 احْفَظْ مَا مَعَنَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِي خَوَارِكَ وَلَا تَكُنْ لَنَا وَلَا فِتْرَةً مَا نَابِنِ
 فِتْنَةٍ وَلَعَائِنَةٍ وَفَضْلٍ وَنِيْلٍ كَوَيْدٍ اَللّٰهُمَّ اسْعِدْنَا هَذِهِ الْمَرْكَةَ وَامْنًا
 بِالْيَمِينِ وَالْبَرْكَهَ وَفَا سَوْءَ الْفَقْدِ وَكَلْنَا مَوْتِمَاتِ الشَّرِّ وَفَرَّقْنَا
 الْبُعْدَ وَالْقُرْبَى وَتَهْلَلْنَا الشَّرَّ وَالسَّرَى وَفَقْنَا لَطْفَ الْمَحَلِ
 وَانْزَلْنَا خَيْرَ الْمَنَازِلِ وَاحْفَظْ خَلْقَنَا وَنَجِّعْ بَيْنَا وَبَيْنَهُمْ بِأَحْسَنِ الْمَلَكَاتِ
 وَأَمَّا بَيْنَنَا سَائِلِينَ عَائِلَتِي قَائِلِينَ اَيُّيُنِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 وچون بر سر راه رسد هفت عدد سنک ریزه بر دارد و بر هر یک
 ده مرتبه بگوید قل من ربکم قلکم یا للیل و النهار من الرحمن بل هم
 عن ذکر ربکم معرضون و قل هو الله احد بخواند و با خود دارد از اوقات
 محض ذکر کرد و اگر در راه جاری بیند که بهال غرض نیاید بگوید اغصمت

بک یا رب من شر ما اجد من نفسی فاعصم منی من ذلك و بر بلند
 که بر آید بگوید و چون بر سر تیغ بگوید و چون بر سر بلند بسیار سد بگوید لا اله الا الله و الله اکبر و الحمد لله ربنا لعالمین لک الشرف علی کل شرف و چون
 در پشت سر باشد از سحر او کوه و غیر آن بدلیل و دلیل و هر چه در پیش
 رو باشد بگوید و بگوید و چون بصحرا خوفناک رسد بگوید یا ارحم
 ربی و ربک الله اعوذ بالله من شرک و غیر ما فیک و من شر ما یحاط
 علیک اعوذ بالله من شر کل اسد و اسود و حبه و عقر ب من
 ساکن البکد و من شر ولد و ما و کذا فغیر دین الله شیون
 و کما اسم من فی السموات و الارض طوعا و کرها و اکرها و یجوعون
 الحمد لله بنعته و حسن بلائه علینا اَللّٰهُمَّ صاحبنا فی الشرف
 افضل علینا قاتله للاحول و لا قوة الا بالله بعد از آن سوره
 اهلکم بخواند و تسبیح و هوام و هیات و عقارب را برین شود و ایضا
 از حضرت اما جعفر صادق علیه السلام مرویست که اگر در صحرا ازین باب
 خوف داشته باشی دست راست بر فرق سر بگذارد و با او از بلند آید
 ای بخوان افعیر دین الله یا اکره مر جعوت و اگر از غول چنین بترسد
 با او از بلند آید بگوید و اینه الکرسی بخواند و بعضی علماء در کتب خود
 ذکر کرده اند که اگر کسی در محل خوفناک باشد با او در حریم قطع شود
 چهار سنک ریزه بر دارد و یکی را بجانب دست و دوم بجانب
 و سیم را از بالای سر پشت سر و چهارم را بر پیش رو اندازد و هر مرتبه بگوید

وَقُلْ لِّلْحَقِّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ الْكُتُبُ وَبِطَرَفِ نَجَاتٍ يَابِدَاتٍ نَادَاهُ وَانْكَرَ
نَكَتَيْلَهُ بَدْرًا لِّبُصَاكَ رَدَّ رَاوِي خَوْفَكَ بَاشِجَ سَكَ سَبِيحَ بَرَدَارِ دَابِن
اَوَّلَ نَاكَ بَرَدَارِ بَكْرِ بِلَا نَهْ دَوْمِ جَبَلِ سِيمِ سَوِي جِهَادِ مُحَمَّدِ بَحْمِ اِبْرَاهِيمِ بَاخُو
نَكَاهُ دَارِ اَنْشَاءِ اَلِهِي سَنَ كَرْدِ وَحَرِّ زَنْبَاعِ وَكَلَاوِي وَفَضْلِ حَرِّ وَبِقَوْلِ
كَذِبَتَا كَرَامَتِكَ بَكْرِ بِلَا صَالِحِ اَبَا صَالِحِ اَرْشَدُوْنَا اِلَى الطَّرِيقِ قَبْلَكُمْ اَللّٰهُ
وَكَرْدِ دَرِ بَابِ اَشَدِّ بَكْرِ بِلَا حَزْمِ مَرْوِيَّتِ كِهَالِ مَرْوِيَّتِ اَحْمَرِ بَرَدَارِ
مُتَكَلِّمِ اَلْخَوَالِدِ بَكْرِ بِلَا سَلَامِ اَللّٰهُ دَعَا اَلشَّانِ عَظِيمِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ
كُلِّ بَرِّ هَوْنِ اَلشَّانِ مَا شَاءَ اَللّٰهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَكُنْ وَلَا حَوْلُ وَلَا قُوَّةُ
اِلَّا بِاَللّٰهِ وَكَرْسِيٍّ بَادِ اَشَدِّ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ
مَرْوِيَّتِ كِهَالِ مَرْوِيَّتِ بَرَدَارِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ
كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ
بِاَللّٰهُ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ
دَرِ اَوَّلِ اَلْخَوَالِدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ
وَحَقِّقِ دَرِ اَوَّلِ اَلْخَوَالِدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ
مَرْوِيَّتِ اَلْخَوَالِدِ طَاهِرِ اَلْخَوَالِدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ
اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ
صَالِحِ اَلْخَوَالِدِ وَبِقَوْلِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ
وَمَا اَهْلَكَ وَبِقَوْلِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ
اَلْخَوَالِدِ وَبِقَوْلِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ

وَقُلْ اَهْلَا اَهْلَكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ
وَقَوْلِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ
اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ
مِنْ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ
مَنْ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ
وَهَبْ لِي اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ
اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ
دَرِ اَوَّلِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ
اَزَاكَ بَقِيَّتِ دَرِ اَوَّلِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ
مَبَانِ كَرْدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ
وَاعِزَّ اَمْرَ كَرْدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ
حَسْبُكَ اِلَى اَهْلِكَ وَحَسْبُكَ اِلَى اَهْلِكَ اَلْخَوَالِدِ
مَدْفُوعِ كَرْدِ وَبِقَوْلِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ
اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ
اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ
وَقَوْلِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ
مَنْ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ
بَكْرِ بِلَا وَدُودِ دَرِ اَوَّلِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ
بِقَوْلِ كَرْدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ اَلْخَوَالِدِ

اَوْ كَانَ عَرَضًا اِنْ تَكَفَّفْتَ مِنَ الطُّعْمِ اَوْ اَبَيْتَ اَغْنَىٰ بِمِثْلِ عَرَضٍ
و سایر اوقات و ایات برای عزاداری در فصل و عقود و فصل ادب
خواستگاری است و چون خواهد از آن منزل کوچ کند دو رکعت نماز کند
و آن منزل و اهل آن منزل را وداع کند و در هر موضع جمعی از راه را که
باشد و بگوید اَللّٰهُمَّ عَلٰی مَلَائِكَةِ اللّٰهِ الْمُحَافِظِيْنَ اَللّٰهُمَّ عَلَيْنَا
وَعَلَىٰ اٰدَائِنَا الصَّلٰوةَ **فصل ششم** در ادب سفر در بیابان و دشت
از اهل بیابان و دشت که چون داخل کشوری شود بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ
وَمَا قَدْ رَزَقْتَهُ حَقَّ قَدْرِهِ فَبَسِّطْهُ یَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ اَسْأَلُکَ مَطْلُوبَاتِیْ بِمَنْجَرِ
سُجْدَتِیْ وَ تَعَالٰی عَمَّا تُشْرِكُ بِکَ اَسْأَلُکَ اَنْ تَجْعَلَ لِّیْ اَنْ اَنْ یُعْقِبَ
رَحْمَتُکَ اَمَانًا اَنْ تَعْرِقَ شِدَّتُکَ وَاَنْ تَرْسِلَ لِّیْ اَمْرًا یُجِیْبُ اَسْأَلِیْ اَللّٰهَ
اَلَا اَنْتَ سُبْحَانَکَ اَنْیَّ کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ وَاِنَّهُ لَکَرِّحٌ یُّجِیْبُ دُرُودَکَ
و یُکَلِّمُکَ کَیْفَ یَشَاءُ و باریت راست اشاره به وجهی است که در
قرآن ذکر شده عَنْ وَجْهِ وَجَلَّ وَاسْتَسْقِیْ بِکَلِمَةِ اللّٰهِ حَلَّ وَ عَمَّ وَ لَحْوَلَّ وَ لَا
قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ وای گوید در ردیای بود هم که در جواب
بلند شد چنین کردم ساکن گشت چنانکه هرگز کو با نبوده **فصل**
نهم در مکان اخلاق و ادب رفاقت در سفر و بیابان اهل
بیابان و دشت که از جمله و صایای نعمان باشد این بود که مادامی
که سوار باشد قرائت کتاب الله کن و مادامی که مشغول کاری باشی و کوفتی
کن و وقتی که بیکار باشی عاکل و چون با جمعی رفیق باشی در کارها با

مشوره کن و با ایشان ایضا طریقتی کن و در کارهای ایشان مدد کن و رفاقت
چنان کن که ایشان از آنجائی و ایشان را دلیل کردانی و خود نیز دلیل ایشان
نشوی و حضرت ایشان اما جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که در عزت و رفعت
بخش نیست بلکه عزت مردانست که چون لغزش و در پیرون خاندان باشد و در
دو قسم است در حضرت فاطمه تلاوت قرآن است ملازمت مساجد و سعی در حج
مؤمنان و در سفران خوب و بسیاری نوشته است و بذل آن برفقای و کسان
احوال ایشان بعد از مفارقت و کثرت مزاح بخوری که معصیتی در آن نشود
و فرمود چون با جمعی رفیق باشی اگر توانی که همیشه دستا حسان تو بر
ایشان باشد چنان کن که در ذوق بقدر عزت و مؤنت بقدر معرفت
و صبر بقدر بلا قائل می شود و کسی را نخضرت عاقل کرد که در سفر با جمعی
رفیق می شود و با ایشان فرسود و احسان بسیار می کند و فرمود با چنین فرمود
مخلوط و صاحب بیاض که اگر ایشان نیز مثل تو سلول کنند از عهد بهرینا
و اگر دلیل شوند بلکه با امثال خود مخالفت کن و عهد شده باشی یعنی
اوضاع و احوال تمام شود بسیار هم نباشد بلکه چنان که در خانه های خود در
می باشد و نقد که مقدور شود احسان و اطعام کنند و نیز مریت
که با کسی که در وسعت مال از شما نیاورده باشد مخالفت و رفاقت میکند
که سبب لذت شود و اگر کسی که قدر شما را چنانکه شما قدر او را می دانید
نداند رفاقت میکند **فصل دهم** در رجوع از سفر و بیابان اهل
بیابان و دشت که از جمله و صایای نعمان باشد این بود که مادامی
که سوار باشد قرائت کتاب الله کن و مادامی که مشغول کاری باشی و کوفتی
کن و وقتی که بیکار باشی عاکل و چون با جمعی رفیق باشی در کارها با

امین دعا بخوان یا جامعاً بین اهل الجنة علی قلوبهم من الفلوق فی قیلة
قوا اصلکم فی الجنة ویا جامعاً بین طاعتیه وعبادته خلیفها فی امتی
حزین کل محزون ویا من یصل کل غریبه یا ارحم الراحمین اصحی فی
منی بحسن الحفظ والکفایة والمعونة وخرج ما فی من القیوة
الحرب بالجمع بینین اخیانی یا مؤکفا بین الاجنة صل علی محمد
قال محمد ولا تقصونی باقطاع رؤیة اهل ولا قطع اهل باقطاع رؤیة
یکل مساکینک تسکک وادعوتک فاصحبه وذلک دعا فی ناک فاصحبه
برحمتک یا ارحم الراحمین و مرویت که سفر قطعه از عذاب است چون در
فضای حاجت خود گردید روز مراجعت کنید و اگر مسافر یا غایب
شود باید که پیشتر بخرد و داخل شود و چون داخل شود خانه را بگوید
بگوید انی انا من غایت الکون ساحدون لربنا حامدون اللهم
لک الحمد علی حفظک ایا فی سقری وحضری اللهم اجعل اونی فی
مبارکة مبرومة مفرومة بتوبة تصوح فوجیب لها العادة یا ارحم
الراحمین و پیشتر از آنکه مشغول کاری شود دو رکعت نماز گذارد و بعد
نماز در سجده صد مرتبه بگوید بسم الله و تصدق بکند و مرویت که از هر وقت
نیست فکل کردن احوال غرا خیر و شریست تحفه دهد و هدیه بلی
دوستان فرستادن و اگر کسی از سفر حج آمدن باشد او را هم چنان باعتبار
راه معاف کند چنان است که اسلام حرام لا و کند و هیت حاجتین
کند فیکل الله منک و خلف علیک نفقتک و عفره منک **باب**

باب دوم در فضایل حج و عمره و زیارت و مقصود ازین باب انشاء الله در فضیل
بیان شود **فصل اول** در فضایل حج و عمره و زیارت اهل بیت طاهرین علیهم
السلام که هر کس حج با عمره گذارد از بکری شود و از گناه پاک شود چنانکه از نماز
مستور شد و نیز مرویت که قریب به هشتاد است عمره کفاره گناهات
و چون کسی مشغول تهیه اسباب حج شود برای هر کاری از آن هر کام
که بردارد و بگذارد ده حسنه نویسد و ده سینه محو کند و ده درجه
بلند گردد و تا وقتی که از تهیه اسباب فارغ شود و چون سوار شود
هر کام که مرکب بگذارد و بر دارد همان حسنه نویسد و زیارت
محو کند و چون طواف خانه و سعی صفا و مروی گذارد گناه پاک شود
چنانکه مستور شد و در هر حجرات زخیره روز قیامت باشد و چون
حلق کند هر سوی روز قیامت نوزی عطا فرماید و روایت دیگر
آمد که چون نلیس کوید بهر نلیس و حسنه نویسد و ده سینه محو کند
محو کند و چون هفت مرتبه طواف کند خدای تعالی از او برایش زخیره کند
و شرم دارد که بعد از آن عذابش کند و چون در مقام ابراهیم دو رکعت
نماز گذارد هر حج برایش نویسد و چون سعی صفا و مروی کند چنان
که هفتاد سینه مؤمن از او کند و چون وقوف عرفات بجا آورد گناهانش
امریزد شود اگر چه مثل یک عالم و قطره باران و ساره آسمان باشد
و چون در حجرات کند هر چه ده حسنه نویسد و چون قربان کند فطره
خون حسنه نویسد و چون از همه مناسک فارغ شود از همه گناهان پاک

شود و چهار ماه بعد از آن کناه بر وی نهاده میگرداند و اگر کسی که کینه بر او دارد و خواه
در جوار اهل ایمان او باشد که بگوید بپشت نبرد و اگر بپشت نبرد و اگر بپشت نبرد و اگر بپشت نبرد
باشد و اگر دعا کند حاجت کند و اگر دعا کند عطا فرماید و اگر خوش باشد
انتظار نماید و اگر شفاعت کنند قبول کند و بگوید هم کسوف کند و اگر
قرار بر این عوض دهد و روایت دیگر آمده که اگر در وقت رفتن بپاید
الیه نرسد شود و اگر احرام بپوشد بپاید لیت که بویان محسوس شود و اگر
در جمعیت غیر خدا و غیر کناه یا ک باشد و هر کس درین راه در وقت
یا در آمدن بر دار فرغ اگر قیامت این باشد و این مروت که هر کس
که هفتاد مرتبه بگوید که خداوند تعالی را از ملک و اکوهر برای نجات و از عذاب
و از آتش و چون مجرم رسد فرود آمده غسل کند و کفش را در دست گرفته
از روی قاضی بپوشد و داخل حرم شود و خداوند تعالی صفت دهد و بگوید
و صد بار حاجتش بپاید و چون داخل میگردد با خشوع و تسلیم کلاهها
پایانزد و چون داخل مسجد الحرام شود و در نظرش بر کلاه قدیم کلاهانش
پایانزد و کفایت تمامش نماید و چون سعی صفا و مروه کند ملائکه بر او
شفاعت کنند و خداوند تعالی قبول شفاعتشان کند و نیز مروت که اهل
حج سجد کنند و کلاه گذاشته و اینده اش را بپوشد و دوم آنکه
کلاه گذاشته و اینده اش را بپوشد شود سیم آنکه اهل و مالش را بخواباند
مخفوط کرده و این قیامت که بپوشد قبول شود و هر کس عرفات
شود دعا بپوشد مستجاب شود خواه مؤمن و خواه مخالف مؤمن را

در دنیا و آخرت و مخالفان در دنیا نیز مروت که چون مؤمن و قوفوفات
بجای آورده و ولایت که باشد اهل آن ولایت از مؤمنان و غیره شوند کسی
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسید که کناه که عظیم است فرمود کسی که
مناسک حج بجا آورد بعد از آن چنان دعا بپوشد که کناه از او
نشد و چون اهل حج در زمان خود بمأزول کنند دعا بپوشد که کلاه
در کلاه آمده بپوشد و این کلاه هر چه درین سفر صرف کرده اید عوض بپاید
مغفرت بپوشد و این مروت که بگوید هم در حج و فصلت آنست که در
هزار و هفتاد و یک مرتبه از وجوه و کسی از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
پرسید که من الیای دارم عمل این را بکنم که اجر حج یا هم فرمود اگر بپوشد
تعلل باشد و همه بلاد را خدا صرف کنی بپوشد و روایت دیگر
آمده که اگر کسی نیت غیر خالص فقره غیر طیب حج گذارد و در وقت
اعلام بر او انبیا و صدیقین و شهدا و صالحین جا دهد و نیز مروت که اهل
قبول دارند و کلاه بپوشد تمام دنیا و مایهها ایشان را یک حج میبرد و نیز
که هر کس چهار حج گذارد از شایسته این شود و چون میرد بختی های که گذارد
بپوشد و صورتی داخل قبر او شوند و ناز و زقیامت بخوانند و نوازندگان
ایشان را نوازند و یک رکعت آن نواز را بر او است بپوشد و رکعت نواز
«امی که بپوشد حج گذارد خداوند تعالی هرگز عذابش نکند و اگر ده حج گذارد هرگز
حسابش نکند و هر کس حج بپوشد و هر یک حج شش روز بپوشد و این
بنایند در هر شهر خانها و غریب های بیار که در آنها حویلان باشد و در

شاکر بر ابراست بافتن حاج بعد از تحفه الاسلام و از کناه با آن شود مثل آنکه از ناد
 شد و بعد از هشت برای ولایت و جنان شام هفت است که هر چه پیش از آن و هر چه
 و هیچ خطای نرسید و آن حضرت فاطمه علیها السلام رویت که فرمود که هر کس
 روزی بریدیم و بیرون سلام کند کند در ایام حیوة یا بعد از وفات بافت
 او را جانشود **فصل چهارم** در زیارت حضرت امیر المؤمنین صلوات
 رویت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر روز زیارت آن حضرت کند خداوند
 برایش اجر صد هزار ساله بخشد و کناه که گذشته و آیند از او برآید و مرز
 در روز عیدین محسوب شود و حسابش را آن کرد و در وقت رفتن
 ملائکه استقبال کنند و در وقت مراجعت شایسته تر نمایند تا بخانه او
 رسانند و اگر چهار غریبه را در آن نشاند و اگر بیدار نشاند و اگر نشاند
 برایش استغفار کند کسی بخشد امام جعفر صادق علیه السلام گفت از کوفه بخت
 تو اندم و زیارت حضرت امیر المؤمنین علیهم السلام نکردم فرمود بد کردی
 اگر در آن اولیای ما بودی نگاه بر تو نمی کردم زیارت نمی کنی کسی که خدا
 و انبیا و ملائکه و مؤمنان زیارتش میکنند و ایضا رویت که چون کسی
 پیاده بر زیارت آن حضرت رود هر کس بیایند و یک عمره برایش نهد و اگر
 پیاده مراجعت کند هر کس بیاید و در حج و یک عمره نهد و روایت دیگر
 آنست که هر کس زیارت آن حضرت رود هر کس بیاید و عمره مقبول برایش نشود
 نوشته شود و خدای تعالی با او قهر کند و زیارت آن حضرت عباد
 کوفه حق او دارد و خواهد پیاده **فصل پنجم** در زیارت حضرت

امام حسین علیه السلام رویت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس زیارت
 کند و او امام مفضل الطائفة و اندک ترین اجر غایت که گناهان گذشته
 و آیند از او پاک شود و زیارت آن حضرت فرض است بر هر مسلم و حضرت
 امام صادق علیه السلام از کسی پرسید که چند حج کرده گفت هفت فرمود اگر
 نیست حج کنی مثل زیارت امام حسین است و روایت دیگر که زیارت
 آن حضرت بر ابراست بابت بی بی و بی بی رویت که حضرت امام جعفر صادق
 علیه السلام فرمود زیارت مثل حج و عمره است و ایضا و ضاعفان روایت کرد
 پرسیدم که مثل چند حج و عمره است فرمود شتر کفتم صد فرمود که می تواند
 شتر کفتم فرمود بیشتر بعد از آن فرمود در راه چند بخاری تمام شود و بی بی رویت
 که زیارت آن حضرت بر ابراست با آنکه هر یک از آن کس و هزار اسب یا زین
 و لحام و دهه خدای بجهاد فرستد و امان است از هدم و غرق و حرق و عذاب
 و جوی طغیانی و زبانی زشت و ایضا روایت آن حضرت داخل تمام
 عمرت و زیارت آن حضرت بقیصان عمر و وفات حضرت امام
 علیه السلام فرمود اگر یک کس کسی که ترک زیارت آن حضرت کند کسی حال پیشتر از
 اجل خود ببرد دست گرفته با غم و اگر کسی زیارت آن حضرت نکند ده برابر
 ناقص باشد و اگر ده بیست رود و در قبل از مؤمنان است زیارت و زیارت
 که اگر کسی زیارت آن حضرت رود در برابر و شتر و هفت دینا از کناه پاک
 شود مثل جامه شست و کثافات و هر کس که بکند و یک حج و چون برآورد
 یک عمره نوشته شود و شفاعت بر او بخواهد کلاه کاران مقبول است و حج

جز در آن روز خداوند بخواند و عطا فرماید و یکدهم که درین راه صرف
کند هزار بار بگوید یا علی و چهار هزار فرشته و بر روایت دیگر هفتاد
هزار فرشته با سوره های ذیل و یا ایا الود بر قرآن حضرت مؤمنان و کبر
می کنند تا روز قیامت چون کسی بیایست رود مشایعتش کند و اگر بیاید
هر صبح و عصر عبادتش نمایند و چون بمیرد بر او نماز گذارند و تا روز قیامت
بدانش استغفار کنند و نیز هر رویت که هر کس بیاید آن حضرت رود هزار
ملک از ملکات و حبیبان او را فرستند و خدای تعالی هزار حج و هزار
عمره برایش نویسد که با پیغمبری یا وصی پیغمبری کرده باشد و ایضا رویت
که چون کسی قیامت زیارت آن حضرت کند اهل آسمان یکدیگر بر سر می دهند
و چون از آنها بیرون آید خواه سواره و خواه پیاده خدای تعالی چهل
هزار فرشته مؤمنان فرماید که بر و صلوات فرستند تا بر وضو مقدس رسد و چون
برود و وضو پاک داده بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیْکَ اَبَاوَدَّیْ اَحْمَدَ صَلَوَاتُ اللهِ تَاخِر
چنانکه در فضل او اب زیارت آتش الله می آید بعد از آن بجا بفرستند
روانه شود هر کجا که بر دارد و بگذارد و ثواب آن دارد که در راه خدا در خون
خود غلبه باشد بعد از آن دست بر قبر مبارک گذاشت بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیْکَ
اَبَا اَبَا عَبْدِ اللهِ تَاخِر چنانکه می آید بعد از آن بکناری مقبره مشغول نماز شود
خدای تعالی و ملائکه بر و صلوات فرستند تا وقتی که فارغ شود و هر یک رکعت
نماز که در آن روز گذارد ثواب هزار حج و هزار عمره و عشق هزار رقیب و هزار
ایستادن در معرکه جمیع با پیغمبر مسل عطا فرماید و چون از اینجا بگذرد

ملکی نماند که ای بنده مؤمن خوش بیا که کناهان گذشت از تو بگذرد
شد و اگر در آن سال میرد خدای تعالی خود متولی قبر و خوشتر چون
روانه خاخود شود ملائکه با او فرات کت و بر و صلوات فرستند تا بخانه
خود رسد پس بر در خانه او مقام بنویسد و تسبیح و تفلید و تقدیر بخواند کرده
باشد تا وقتی که اجلش برسد و ثواب آن از باشد بعد از آن در قفس
و تکفین و نماز بر و حاضر باشند بعد از آن در قبر او مقیم شوند و ذکر
و تسبیح و تقدیر می کرده باشند تا روز قیامت و ثواب هر یک از این نوشته
شود و نیز روایت دیگر آمده که نماز فریضه پیش از هر مقدس انصاف حضرت
برابر است با حج و ثواب بر او است با عمره او بود فضایل زیارت سلطان
حضرت و فضایل زیارت مخصوصه در باب اعمال مشهور گذشت **فصل**
نهم در زیارت حضرت امام رضا علیه السلام که از حضرت امام محمد تقی
علیه السلام پرسید زیارت امام حسین علیه السلام افضل است یا زیارت امام رضا
علیه السلام فرمود زیارت پدرم افضل است که حضرت امام حسین علیه السلام زیارت
کنند و زیارت پدرم مخصوص شیعیان و دوستان ماست و نیز روایت
که هر کس زیارت آن حضرت کند و معترفی ماست او باشد کناهان گذشته
و آئینه اش را ببرد و شود اگر چه بعد از شاره آسمان و قطر باران و
دوستان باشد و روز قیامت در برابر منبر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
منبری برای او نصب کنند تا وقتی که خدای تعالی از حساب خلق فارغ شود
و آن حضرت علیه السلام فرموده که هر کس مرا در غیبت زیارت کند ثواب صد

کرامات خلق میرزا سجند و وفی

ارض و طوبى

وَيَعْنِي كَلَامِي بِرَدِّ دُونَ كَلَامِي سَلَامِي فَإِنَّكَ حَبِيبٌ مِنْ جَمْعِي كَلَامِي وَسَلَامِي
 وَتَحْتَ جَمْعِي بِإِيْدِي سَلَامِي وَفِي إِشْرَافِكَ إِشْرَافُكَ وَأَشَارَتُ رُسُوكَ وَكَلَامُكَ
 الْقَرِيبُ عَلَى عَتَمِهِمْ وَأَشَارَتُ الْمَلَائِكَةِ الْمُرَكَّبُونَ بِهَذَا الْمَقَامِ الْمَقَرَّبِ
 بِإِذْنِ اللَّهِ وَإِذْنِ رَسُولِهِ وَإِذْنِ خَلْقِهِ إِذْ دَخَلَ هَذَا الْبَيْتَ فَكَوْنُوا مَلَائِكَةَ اللَّهِ
 أَهْلًا وَكُفُورًا أَنْصَارِي حَقِّي دَخَلَ وَأَعْوَاهُ يَفْتُونِي الدُّعَاةُ وَأَعْرِفُ
 اللَّهُ بِالْعُبُودِيَّةِ وَالشَّيْءِ وَالْأَكْبَرُ بِالْقَضَاءِ وَدُرُوفَتِ الْحُلِيِّ بِكَوْنِهِ
 بِسَمِي اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 وَحْدَنَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّهُ
 وَبِضَرْحِ مَقْدَرِ رَيْثِ عِيَالِي سَادَةِ زِيَارَتِ عِبِيدَانِ نَارِ زِيَارَتِ بَكْرِ الدَّ
 وَدَعَا وَسَلَّاتِ فَقَدَرُكَ تَزِيدُ بَرَاءِي خُورُ الدِّينِ وَأَوْتَابِي سَائِرِ مَوْفِقَاتِي
 مَا يَدُورُ وَدَرَكْتُ مِنْ جَمِيعِ كَفَرَةٍ أَنْدَرُكَ نَارِ دِيَارِي مَا يَدُورُ مَا تَدُورُ نَوَاحِي
 أَنْصَرْتُ صَاحِبَ الْبَيْتِ صَالُوا اللَّهُ عَلَيْهِمْ بِسَمِيكَ نَارِ دَرَجَةِ وَضْعِ كَلَامِي
 فَرَمُودِي دُرُوقِي بِالْأَيِّهِ بِبَابِي بِأَشَارَتِي بِدَرَكِي بِدُرُوقِي بِسَامِي
 أَوْتُونِ أَيْتَادِي بَلَدِي دَرِيغَتِ قَرْنَانِي كِيدُ وَفَكَرِي زِيَارَتِ نَامِهَائِي أَشَانِ
 عَلَيْهِمْ بِتَقْصِيلِ الْخُصُولِ بَيْنِ سَلَامِي وَرُونَ وَكَتَبْتُ بِأَيِّ شَهْرِي لَا يَكُونُ
 بِجَمْعِي أَنْكَبُ مِنْ رِجَالِي أَرَفَضَلِي فِكْرَانِي بِكِيَارِهِ مَحْمُودِي نَارِ دَرَجَةِ وَضْعِ
 إِذَا شَرَفْتُ زِيَارَتِ حَضْرَتِ بِغَيْرِ سَمِي اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالسَّلَامِ وَبِالسَّلَامِ
 أَمَامَ رِضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

حُجَّةُ اللَّهِ

حُجَّةُ اللَّهِ أَنْهَذَا نَاكَ قَدْ نَصَحْتُ لَكَ وَجَاهَدْتُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتُ
 مُخْلِصًا حَقِّي لَيْتَ لَقِيْتُ فِرَارَكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جُورِي نِيَّتًا عَنْ أَمْرِ اللَّهِ
 صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ
 حَسَنٌ مُحَمَّدٌ وَمَرْوِيَّةٌ حَضَرْتَ أَمَامَ جَعْفَرٍ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَقِيْتُكَ أَنْتَ كَمَا
 سَلَّمَ كَرَمِي دِيَارِي بِبَابِي دُرُوقِي بِبَابِي دُرُوقِي بِبَابِي دُرُوقِي بِبَابِي
 أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ
 مُحَمَّدًا عَبْدُ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِجَالِي لَيْتَ لَقِيْتُكَ وَنَصَحْتُ
 لَكَ وَجَاهَدْتُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتُ اللَّهَ مُخْلِصًا حَقِّي لَيْتَ لَقِيْتُكَ
 بِالْحِكْمَةِ وَالْوَعْدَةِ الْحَسَنَةِ وَأَدْنَى الَّذِي عَلَيْكَ مِنْ أَحْسَنِ دُرُوقَتِ
 بِالْأَوْتَابِينَ وَغَلَقْتُ عَلَى الْكَافِرِينَ فَلَمَّ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفِي مُجَلِّدِي الْكَرَامَةِ
 لَعَنَهُ اللَّهُ الَّذِي اسْتَفْعَلَ بِكَ مِنَ الْفِتَنِ وَالْإِسْلَامِ لَعَنَهُ اللَّهُ قَامُجَلِّدِي
 صَلَّوْنَاكَ وَصَلَاةُ مَلَائِكَتِكَ الْمَلَائِكِينَ وَأَيُّهَا مَلَائِكَتِي كُنْ وَعِيَادِي الْفَائِزِينَ
 وَأَهْلِي التَّوَاتُوتِ وَالْأَرْضِينَ وَمَنْ سَجَّحَ لَكَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَكْبَرِينَ
 وَالْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَيَتِيكَ وَأَمِينِكَ بِحَبْلِكَ حَبْلِكَ
 وَصَفِيَّتِكَ وَخَاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ وَ
 اعْظِمِ لِي حُجَّةَ الرَّقِيعَةِ وَأَذِنِ لِي بِكَلِمَةِ صِرَافَةِ وَاعْبُدْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا
 يُعْلِمُ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَكَلَّمَائِهِمْ أَفْظَلُوا أَنْفُسَهُمْ
 جَاوَزْتُ فَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ الرَّسُولُ وَجَدُوا اللَّهَ وَآلَهُ
 رَحِمًا الْيَوْمَ قُلْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِرًا فَايْتَابَ مِنْ دُونِي فَصَلِّ عَلَى

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرُهُمَا بِاسْتِغْفَارِكَ وَتَوَكُّلِكَ وَتَوَكُّلِكَ عَلَى اللَّهِ
 وَتَوَكُّلِكَ عَلَى نَبِيِّكَ وَتَوَكُّلِكَ عَلَى رُسُلِكَ وَتَوَكُّلِكَ عَلَى عَمَلِكَ وَتَوَكُّلِكَ
 خُضُوعَ وَاعْتِمَادَ بَدَنٍ وَبَشَرٍ كَرِيمٍ بِأَنْ يَتَقَرَّرَ دَوْرُ عِبَادَتِكَ بِكَرَامَتِكَ
 إِلَيْكَ لِمَا شَامَرَ بِقَبْرِ نَبِيِّكَ أَسَدِكَ ظَهَرِي وَفَلَتِكَ لَعْنِي رَضِيهَا
 لِحُجْرِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِمَا اسْتَقْبَلْتَ وَخَبَرْتَ اللَّهُمَّ لَأَسْتَبْدِلَ لِي فِي كَلْبَتِي
 حَبِيبِي لَأَسْتَبْدِلَ لِي عَزِيْزِي أَصْبَحْتَ وَتَوَكَّلْتُ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي إِلَّا رَجَا
 وَلَا أَصْرِخُ عَنْهَا إِلَّا بِاللَّهِ الْأَمَلُ وَتَوَكَّلْتُ لَأَسْتَبْدِلَ لَكَ اللَّهُمَّ رَدِّي
 مِنْكَ بِخَيْرٍ فَإِنَّهُ لَا رَادَّ لِقَضَائِكَ اللَّهُمَّ رَدِّي بِكَ بِالْمَقَرَّةِ وَفِي حِلْيَتِي
 بِالْعَافِيَةِ وَاعْتَمِدْ بِالنِّعَمِ وَارْزُقْنِي شُكْرَ الْعَافِيَةِ أُولَئِكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
 قَدِيرٌ هَرَجَاجَتُهُ دَائِمَةٌ بِلَدِّهِ وَبِمَوْضِعِ طَلَبِهِ كَمَا وَارِثِينَ أَمَا
 كُنْ بِالْجَانِبِ أَيْنَ مَكَانٍ **زِيَارَةُ** حَضْرَةِ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 عَلَيْهِ سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَكْثَرُكَ جَاهِدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ
 وَكَلِمَتِكَ بِكَ نَابِرٌ وَتَابَعْتُكَ بِسَبِيحَةِ صَلَاتِكَ عَلَيْهِ الْوَحْيُ وَكَانَ اللَّهُ
 إِلَى الْحَوَارِيِّ وَفَضْلِكَ كَيْفَ بِاخْتِيَارِهِ وَكَأَنَّكَ أَعْلَى لَكَ الْحُجَّةُ مَعَ مَا لَكَ مِنْ
 الْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ عَلَى خَلْقٍ خَلَقَ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي طَائِفَةً بِقَدْرِكَ لِقَابَتِهِ
 بِقَضَائِكَ سَوَاعِدَةً بِذِكْرِكَ وَدَعَائِكَ حُجَّةً لِلصِّفَةِ أُولِيَّائِكَ مُحِبِّو
 فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ ضَامِرَةً عَلَى مَنْزِلِ بِلَا لَكَ شَفَاعَةً أَوْ فَرْحَةً
 لِقَائِكَ مِنْ وَجْهِ النُّفُوسِ وَفِي حِلْيَتِكَ مُنْتَهَى كِسْرَتِ أُولِيَّائِكَ
 مُفَارِقَةً لِحُلَاوِي أَعْلَى نَفْسُكَ عَنْ الدُّنْيَا حَمْدَكَ وَمُنَاظَرَةَ بَعْدَكَ

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتِهِ عَلَى عِبَادِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

دُرُودُ بِرَقْدِ مُقَدَّسٍ كَذَلِكَ بِكَوْنِهِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا بِأَحْسَنِ أَيْتِكَ وَالْغَنَى
 وَسُكْرَ الْمُنَافِقِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةً وَأَعْلَامَ الْفَاعِلِينَ إِلَيْكَ وَاصْحَابَهُ
 أَفْئِدَةَ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَارِغَةً وَأَصْلُواتِ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَادِقَةً
 أَبْوَابَ السَّمَاءِ لِلْمُجَابِرِينَ مَفْعُومَةً وَدَعْوَةً مِنْ تَابِجَاتِ مُسْتَجَابَةٍ
 وَتَوَكُّبَةٍ مِنْ أَمَّا إِلَيْكَ مَقْبُولَةً وَغَيْرَةً مِنْ مَكْنِي مِنْ حُفُوفِكَ مَرْحُومَةً
 وَالْإِغَانَةَ لِمَا اسْتَعَانَ بِكَ سَوْجُودَةً وَالْإِغَامَةَ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ
 مَسْذُوقَةً وَعِلَادَتِكَ لِعِبَادِكَ مُجَرَّدَةً وَذَلِكَ مِنْ يَسْتَعَالَ بِكَ مُعَا
 وَأَعْمَالِ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْظُوظَةً قَارِئًا فَكَانَ فِي الْخَالِقِينَ مِنْ
 لَدُنْكَ نَارِيَةً وَعَمَلًا لَدُنْكَ لِمَنْ يَلْبِثُ فِيهِمْ فَاصِلَةً وَدُرُودُ الشُّغْرِ مِنْ مَقَرَّةٍ
 وَخَلِيجِ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْبُوتَةً وَجَمَاعَةٍ ثَابِتِينَ عِنْدَكَ مَوْجُودَةً
 مَوْجُودَةً وَمَوْجُودَةً لَدُنْكَ مَوْجُودَةً وَمَوْجُودَةً لَدُنْكَ مَوْجُودَةً وَمَوْجُودَةً
 الْقَلَامُ مَوْجُودَةً اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ لِي وَأَقْبَلْ ثَنَائِي وَاجْعَلْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِكَ
 بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالحُسَيْنِ وَأَتَكَ وَلِيَّكَ لَعْنَتِي
 وَمَنْ مَعِي مَنَائِي وَغَايَةَ رَجَائِي فِي شَقْلِي وَمَنْ أَوْحَضْتَ أَمَامَ خَلْقِكَ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا بَكْرَةَ الْأَمَّةِ وَاعْلَمِمْ بِأَيْسَرِ بَقَرَاتٍ كُنْدَ بَارِئَةٍ وَدَرْجَتِهِ
 أَرْزُقْ كَذَلِكَ وَخُذْ عِزِّي عَلَى مَنْ جَاءَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَا زُوِّدَ بِحُجَّتِهِ
 قَامَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِسَارِدٍ تَأْوِضِي كَمَا تَحْتِ وَكَرَامَتِ وَبَارَتِ بِصَاحِبَتِ رَسَا
 وَيَا يَدِ دَانَتْ كَمَا كَرَّمَ بِأَيْسَرِ بَقَرَاتٍ كُنْدَ بَارِئَةٍ وَدَرْجَتِهِ
 أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نَامُ أَنْ أَمَامَ مَا يَدِ كُنْتِ وَدَرْجَتِهِ ضَرْبُ مَقَرَّةٍ حَضْرَتِ أَم

وَأَمَّا بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْأَمِّيَّةِ مِنْ وَلَدِهِ أَمِّيَّةٌ فَإِنَّ أَقْلَهُمُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلَى
 بْنِ الْحُسَيْنِ وَتَحَدُّبْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنِ
 مُوسَى وَتَحَدُّبْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيَّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْقَائِمَ الْحَجَّةَ
 عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَإِنَّ لِحَقِّهِ حَقٌّ وَإِنَّ النَّارَ حَقٌّ وَالشَّاعِرَ الْأَمِّيَّةَ لَا كَيْفَ
 فِيهَا فَإِنَّ اللَّهَ يَجْعَلُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَإِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 لِحَاجَةُ الْحَقِّ وَإِنَّ عَلِيًّا وَلِيًّا لِلَّهِ وَالْحَقِيقَةَ مِنْ قَدَرِ رَسُولِ اللَّهِ وَتَحَدُّبْنِ
 فَإَمِّيَّةٌ مُؤَدِّيَا الْأَمْرِ بَيْنَهُمَا نَكَتٌ وَتَعَالَى وَإِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَ
 ابْنَهَا الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ ابْنَا رَسُولِ اللَّهِ وَسَيِّدَاهُ أَمَّا عَالِمُ الْهَدْيِ وَقَالُوا
 الْحَمْدُ وَإِنَّ عَلِيًّا وَتَحَدُّبْنِ جَعْفَرًا وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَتَحَدُّبْنِ عَلِيًّا
 وَالْحَقَّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَمِّيَّةٌ وَقَادَةُ وَدَعَاةُ إِلَى اللَّهِ حِلٌّ وَعَمْرٌ وَ
 حُجَّةٌ عَلَى عِبَادِهِ بَعْدَ أَنْ يَكُونُوا بِجَامِعَتِ شَهَادَتِ خُودِ رَأْسِهِ
 بَعْدَ أَنْ شَهَرُوا بِكَوْنِهِمْ تَقْوَى عَلَى اللَّهِ وَالْثَّقَاتُ وَالْأَقْلَامُ وَ
 الْأَخَاءُ مُؤَدِّعِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَتَقَرُّ عَلَيْكَ
 السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ بَعْدَ أَنْ يَكُونُوا بِصِفَةِ سَجْدَةِ شَهْرِهِ
 مَهْجُورٍ وَمَهْرِيَّتِهِ تَنْزِيلًا كَذَائِدٍ وَبَاجِرِينَ كَذَائِدِ لَوِي رَأْسِهِ
 كَذَائِدٍ وَخَيْفَتِ بَاكَاهُ وَيُؤَيِّدُ وَكَأَنَّ بَرِيَّتِ مَقْدَسِ نَوَيْدِ حَائِكِ
 دَرِينِ نَهْمَانِ مَتَعَارِفَتِ تَوَالِدِ وَكَأَنَّ أَفْضَلُ بَاشِدِ **مَقْدَرِ رَقْمِ**
 دَلَالِ بَحَالَتِ اخْتِصَارِ وَفَضَائِلِ بَعْضِي وَقَاتِ مَحَالِ الْكَوْفَاتِ
 دَلَالِ اتِّفَاقِ قَدَمِ رُؤْيِ زَاهِلِ بَاطِنِ طَاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كَرَامَتِ

اختصار

اختصار صفت کلمات فرج و نهاده بن و اقرار بائنه طاهرین علیهم السلام
 تلقین کنند و اکبت برستی باین اقرار کنند اش و در رخ هیچ طبع و کس و
 نجاست یابد و هر کس از کلام مشرک الیه الا الله باشد از اهل بیت و بنز این
 دعاء را تلقین کنند و مکرر بگوید که کنا هاشم از بریده باین قبیل البسوا
 عَفْوَ عَنِ الْكُفْرِ اِنَّكَ أَنْتَ الْعَفْوُ الْعَفْوُ و مرویت که اگر سوره بکش و پیش
 بیمار بخوانند بعد از هر حرف از آن ده ملک حاضر شوند که برایش استغفار
 کنند و شیخ جازده اش نمایند و بیرون از آن گذارند و چون حالش متغیر
 شود و پیش از آنکه قبض روحش شود و بقیه اش بخوابانند چنانکه گفت با
 بجان قبل باشد که چون چنین کند خدای تعالی برحمت متوجه او شود و
 ملائکه متوجه شوند تا آنکه قبض روحش شود و اگر نزع روح در خواب
 نماز که در آن می گذارد و بخوابانند و خلاص شود و بنزیر
 که در بر حال پیش هر کس سوره صافات بخوانند مکرر آنکه در و نجاست
 یابد و در وقت اختصار جنب و جانی حاضر نباشد که ملائکه متناهی
 شوند و چون قبض روحش شود و ستمایش را در آن کنند و هفت
 بربند و و چشمش را بپوشد و در وقت چشم پوشیدن بگوید اَللّهُمَّ
 اغْفِرْ لِعِبَادِي وَارْفَعْ مَجْدَهُ فِي الْمَهْدِيَّتَيْنِ وَارْحَلْهُ فِي عَمَلِهِ
 فِي الْعَالَمَيْنِ وَاغْفِرْ لَنَا وَكَرَّ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ و باز ماند کاش
 بگوید اَللّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَكَرَّ وَتَحَقَّقْ مِنْهُ عَفْوَ حَسَنَةً وَتَبْتَ لَهَا
 نَكَارَتِ كَمَا شَيْطَانِ در وقت صرف کند و مرویت از امیرالمومنین علیه السلام

علیه چون مؤمن روز پنجشنبه بعد از ظهر تا روز جمعه وقت ظهر بیدار باشد
ایمن شود و نفاعت شش بر او کناه کلان بعد از قیامه و بعد از قبول باشد
و اگر روز شنبه بیدار باشد خدای تعالی هرگز او را بایستی در آتش جمع نکند و اگر روز
دوشنبه بیدار باشد بایستی جمع نکند و اگر شنبه بیدار باشد با ما محشور شود و در رفیق
اعلا با ما باشد و اگر روز چهارشنبه بیدار شود از روز قیامت ایمن شود باشد و
سعادت جوارح الهی فایز گردد و در دار فضل خدا مقام کند که از هر شفقت
و تعالی باشد بعد از آن فرمود مؤمن در هر حال و در هر ساعت که بیدار
و بیدار باشد و اگر مؤمن کناه تمام اهل زمین داشته باشد چون از دنیا برود
همین مردن کفاره و کفن باشد و بر او فرمود که از حسیب خود رسول الله بنم
که فرمود هرگز لا اله الا الله با خلاصه بگوید از ترک بری باشد و غسل بشت شود
و این جماعت شعیان و دوستان نماز که روز قیامت لا اله الا الله محمد
رسوله الله علی نبی فی ظالم بحجته الله گویند از قبر بیرون آیند پس حمله
و تاجها و اکلها و اسبها ای خبیثه بشت آرند و هر یک از ایشان رطله
پوشند و تاج شامی و اکلیل کرامت بر سر دهند و بر اسبهای سوار شده داخل
شوند و از فرج اکبر این باشند و ملائکه فوج فرج ایند آمده و بیزارند
و ایضا حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود من برای شش کیس
بشت شوم کسی صدقه برای مسکینی بدم و کسی که عبادت مریضی بود و بوی
و کسی در راه خدا بجای داد و در و بدم و کسی بنماز جمع بیرون رود و بیدار
و کسی که بیرون رود و بیدار و کسی که بیست و چهاره بیرون رود و بیدار و حضرت

امام محمد باقر علیه السلام فرمود کسی که عمرش لا اله الا الله یا بیک روز و روز
با صدقه ختم شود داخل بهشت شود و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
چون مؤمنی مغرب بیدار که زمان و عیالش حاضر نباشد که بروی کند
مرا صنی که در آنجا عبادت کرده و درهای آسمان که اعمالش را لا اله الا الله
کبر و موقل بود ندبر و بگوید که من خدایت عیالش فرمود چون غریب
بحال موت نزد بشت شود بچهارت نگاه کند و کسی را بچهارت بپوشاند
خدای تعالی فرماید که ای جوینی که برای تو بخت از من باشد بخت حلال
خودم که اگر ازین عقد نجات مهم بطاعت خود فرستم و اگر قیامت بنام
بگوید خود بدم **فصل سیم** در مجتنبیت مرویت از اهل بیت
علیهم السلام که اقامت بخت کرد و در وقت کند و انتظار طلع و غروب و باب
نکند و هر کس مؤمنی را غسل دهد و در آن وقت بگوید لا اله الا الله خدا بدین
عبداللہ المؤمنین و قد اخرجت روحه منه و فرقت بینهما فعقولهم
یکال کناش غیر کتاب از من زید شود و اگر خواهد همین تنها بگوید عقلت
عقل خدای تعالی از غفوق فرماید و نیز مرویت که هر کس مؤمنی را دهد
و عیالی که از فقید پنهان دارد و بکسی بگوید که پالت شوخیانکه از
مترک شد و هر روز از تو بخت بپاید و صد درجه بر او بشود
و اگر عیالی پنهان ندارد اجرش باطل شود و عیالش در دنیا آخرت
رسوا شود و هر کس مؤمنی را کفن کند چنان است که تا روز قیامت او را
کوه داده باشد و هر کس فرج برای مؤمنی کند چنان است که تا روز

و معوذتین و ایضا اگر می بخواند و چون در قبر بگذارد بگوید بسم الله و قی سبیل الله
و عکرملة رسول الله صلى الله علیه و آله اللهم ناریت عبدک و نری عبدک ترک
لیک و انت خیر من رول به اللهم ان کان محسنا فرزد فی الجنه و ان کان
سبیا فتنها و نزعته و لطفه بیتی محمد صلواتک علی طایفه و صلیح شعبه
و اهله و ائمه الی اصل الطیبتین اللهم عفوک عفوک اللهم اجعلها روضة
مزیة باطن الحیة و لا تجعلها حفر من حفر النیران و مکر بری صیت
کند و بیت لد و بیدله بر بیلوی راست بخواباند و بند کفن از سر پا بکشد
و روی دستش را برهنه کرده بر خاک گذارد و قدری مزیت مقدس را او
گذارد بعد از آن دستچپ بر بازوی چپیت گذاشته حرکت نشود و در عهد
ای فلاح چون از سوال کنند بگوی الله رب و محمد نبی و الایلام نبی
و القزبان کشای و علی امانی الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر
و موسی و علی امانی و محمد و علی و الحسن و الحسین و الفایم ائمتی بکرمه
و دیگرین را اعاده کند بعد از آن بگوید دانستی او بزبان روح خواهد
گفت بگو بگوید شاک الله بالقول الشایب هذاک الله الی صراط
مستقیم عرفنا الله بنیک و بین اولیایک فی مستقر من صحنه بعد
بگوید اللهم جاف الارض عن جنیه و اصعد روحه الیک و لفته
منک مرها نا اللهم عفوک عفوک و در وقت خشت جدید بگوید
اللهم صل علی و حذنه و ائمه و خسته و ائمه من جنات
رحمة تغنیه بها عن رحمة من سواک و چون خواهد پروان بگوید

اللهم

ان الله وانا الیه الرجوع و الحمد لله رب العالمین اللهم ارفع درجته
فی اعلی علیین و اخلف علی عقیبتی العارین یا رب العالمین و از طرف
پای قبر پروان اید و چون خاک بر قبر بنشیند هر کس قدری خاک در ده
گرفت بگوید یا نا بیک و قصد بقای نعمتک هذا ما وعدنا الله ورسوله
اللهم زدنا انباءا و تسلیما بعد از آن خاک بر روی جگر در ده حش برایش
نویسد و سحر بت سر بر سر و یا بت دست ریختن و حوشتان خاک
فریزد که مورق فواره قلب شود و غیر آن خاک که از همان قبر پروان آمده
داخل کند که بریت سنگین شود و قبر را بعد چهار انگشت از زمین بلند
کند و مربع بدارند و با بر و برین فدا بند از پیش سر از جانب قبله کند
و از پیش رو بگرداند و از بر پا بدو بگوید بعد از آن بر میان قبر فریزد
تا می از آن باقی باشد از عذاب قبر این باشد بعد از آن دست بر قبر گذارد و
چنانکه نکشان کشته باشد و در خاک فرو برند و بگویند اللهم ایش و
خسته و ارحم غریبه و ائمه و عتقه و صل و حذنه و ائمه من
رحمتک رحمة تغنی بها عن رحمة من سواک و اخره من کان
بیولیه و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود چه شود اگر اهل بیت
ملاها ت سکر و نکر را از بیت خود دفع کند کسی سبب جبرن کند و نور بعد از
دفن کردن که مردم هم میفرستند و شوق کسی که اول عتبت باشد و در پیش رتبت
برده با و از بلند بگویند یا فلان بن فلان هل انت علی العهد الذی فای
و قنا علیک من شهادته ان لا اله الا الله و حذنه و ائمه من جنات

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ سَيِّدُ الْبَشَرِ وَأَنَّ عَيْنًا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدَ الْوَحِيدِينَ وَأَنَّ
مَاجِلَهُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَنَّ الْوَرِثَةَ حَقٌّ وَأَنَّ الذَّبْتَ حَقٌّ
وَأَنَّ الشَّاعِرَةَ آتِيَةً لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ
كَمَا يَبْعَثُ مَنْ فِي الْحَيَاةِ كَمَا كُودِي بَابِ رُوحٍ كَمَا تَلَفَتْ شَيْءٌ كَمَا
نفس در خواب دایم مصیبت و عذاب ویت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که چون کسی مصیبتی رسد باید مصیبت دخلت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
وآله را یاد کرد که عظیمترین مصیبتهاست و مکتوب است رجاء کند یعنی گوید
إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ و حمد خدا کند که چون چنین کند در مصیبت
خدا داد و فرایش بخدا باشد و اگر صبر کند قضا خود گذشته باشد و اگر صبر نکند
شود و در پیش خدا مذموم و هر کس در بلا مصیبت صبر کند خدا بکافران
درجه برایش بلند گرداند که میان هر دو درجه مثل میان آسمان و زمین باشد
و چون صبر کند و إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ گوید خدای تعالی فرماید
و حشر و رستم و اندر زمر هدایت یافتگان شمارم و کنهانش بر همه ماست
غیر از کباب و اگر این عبارت را نیز اضافه آن کند اللَّهُمَّ اجْعَلْ عَلَى مَصِيبَتِي
خَيْرًا مِمَّا خَلَقْتَ خَلْقًا خَيْرًا مِنْهَا خدای تعالی بزرگواران عطا فرماید و هر مرتبه که مصیبتی رسد باید که
بعد از آن باشد بگوید إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ و الحمد لله رب العالمین
اللَّهُمَّ اجْعَلْ عَلَى مَصِيبَتِي خَيْرًا مِنْهَا و افضل آنها همان اجر مصیبت داشته
باشد و از مرتبه پیش ازین گفته باشد تا حال که گناهانش از مرتبه پیش ازین
که چون فرزند کسی بر خدای تعالی ازین یک پرسد که ازین من فرزندانند

گویند گویند با فرماید چه گفت گویند استرجاع رجوع کرد فرماید که در
بهشت خانه برایش بنا کنند و خادم را خدمت نام کنند و نیز مر ویت که یک فرزند
کلی پیش ازین و بعد از آن برای او از مقتدا پیشه که بماند و هر دو را صد
جهاد کند و نیز مر ویت که خدای تعالی که عذر از آنست که فرزندان مؤمن را
از یکدیگر و بعد از آن هر کس او را عذاب کند و طفل که پیشتر بودند و ازین
ازدواج دور کند و دست ایشان گرفته داخل بهشت کند کسی پسند که
کسی فرزند نباشد ازین فضل محروم نخواهد بود و فرمود برای دران
مؤمن هر گاه فرزند یکدیگر کند و مر ویت که اگر مردی در مصیبت
بر زانو زند یا کسی هنگامی که از صبر سست باشد یا طبل شود **فصل ششم**
در قرائت و ادب و غیره و اگر چه مر ویت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام است
کردن مثل الحز و تلی دادن سوره بهشت است و هر کس صابر مصیبتی
و بختی بگذرد مثل اجر او باید که از دیگری کم شود و هر کس بخی مصیبت
رسد و تقرب کند خدای تعالی او را در سایه عرش خود پناه دهد و در روز
قیامت او را در حد بهشت پوشانند باز نیت و بخت تمام و مر ویت که هر
پیش رو فات کرده بود جزع و فغانی می کرد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
بفرموده او فرمود خود را بمصیبت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که اعظم
مصایب است گفت پیغمبر مظلوم و معاصی بود جزع من ازین جهت است فرمود
چون چیزی در پیش دارد شهادت لا اله الا الله و رحمت طهارت خدا و
شفاعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است و الله از فوت بخراش شود

و مروت که هر کس متکفل الحلال بیتی شود و نافرمانی نکند که او را مستغنی گرداند
او را واجب که پس از روی فریاد دست بر بیتی مال دهد هر موی از آن
برایش نرفته شود و روز قیامت بعد هر یک از آن موی عطا و پند
نیم کرده کند عرش بخود بطرز دین خدای تعالی فرماید که است که این بند
در کوچه بپزد و مادرش از او گرفته ام می گویند بفرست و جلال و ارتفاع کانم
که هر مومن که او را تسلی دهد بشت برای او واجب گردانم **فصل ششم**
در هدیه برای بشت اعمالی که با نفع رساند مروت از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که هر شب بر بشت بخوابد و اول بکشد و پس در اقل بشت بصدقه
رحم کند و اگر مقدور نباشد دو رکعت گذارد در رکعت اول بعد از
حمد الله الذی یکدره و در دوم انا انزلناه و در مرتبه بخواند و بعد از سلام بگوید
اللهم صل علی محمد و آل محمد و اجمعین و اجمعین و اجمعین و اجمعین و اجمعین و اجمعین
تکلیف از ملک قبر او فرستد هر کلام با حله از بشت و فرزند و وسیع گرداند
تا روز قیامت و برای کسی که این نماز کند در جهنم درجه بلند کند و بعد
هر چه از قیامت برآید و حسنات عطا فرماید و هر کس بقصد بشت بصدقه
کند خدای تعالی امر فرماید که هزار ملک هر یک طبعی از نور و در دست بقبر
او داند و بر او سلام کند و گویند این هدیه فلا نیست که برای توفیق
و آنکس در بشت نماز هر روز و هر روز عطا فرماید و هر روز
حاجتش برآید و هر کس برای بشت عملی مثل نماز و روزه و حج و عمره
و زیارت و صدقه و دعا و عقیق و رقبه و قلاب و غیر آن و غیر آن بکند

هر وقت که باشد خدای تعالی اجازت دهد برابر یا بشت ضاعف گرداند و بشت
از آن نفع رساند و عذابش را تخفیف دهد اگر چه کار فرماید و گاه باشد که بشت
در قیامت عذاب باشد که خدای تعالی او را از آن نجات دهد و با او کند
این نجات بسیار بجهت فلا نیست و میندازد حدیث و دعا و استغفار و
کبرایش کند و خوشحال شود و چند کس بلکه بجهت مومن از او یک نماز
یا حج یا غیر آن شریک توان کرد و هر کلام ثواب العمل علی حق و صدق
خود هر عملی خیر که در ایام حیات کرده باشد مثل تصنیف و صدقه و کتب
و مصنفی یا کتابی یا چیزی بشت اند یا چاه یا بکند یا کسی تعلیم چیزی بدهد یا
و دلات بخیر یا غیر آن شریک توان کرد و هر کلام ثواب العمل علی حق
از اعمال خیر کند تا اثری از آن باقی باشد بشت با و صد و هر کس بفعل
دلالت او عمل کند مثل آن ثواب برای او ثابت باشد بی فکر و حساب
عمل چیزی کم شود و نیز مروت که از جمله حقوق مومن است که بعد از
موت ذکرش بخیر کند و عیب و بیاضش بپوشیده دارند و مروت
که اول صیغه مومن همانست که بعد از موت برایش گویند اگر خیر است
خیر اگر شر است **فصل هفتم** در زیارت قبور مروت از اهل
طاهرین علیهم السلام که زیارت قبور و دیدن که باعث بخت و شجاعت و
الحریت و چون کسی زیارت قبور و دیدن اهل قبور را فرمودند و با او
کردند گفته و مرشد شوند چنانکه در زندکی دیدنش روند و چون از آنجا
برود این از او حشمت دهد و مفارقت اثر کند و هر کس زیارت قبور و دیدن

و اینست محبت من جمعی پاک در طاعت من با هم دوستی کنند و در محبت من
از هر دو بی نیاند و بر من توکل کنند و محبت من علت غایت و نهایت نالند و بر
دوستان خود هر یک علم عزت و قریب که در پیش خود بداند که علی با اهل آن پیش
خلاق است که با هم اینانند جمعی که حاجات خود را بخلاقین بهتر در بطونشان
ارطعام حقیقت است لذت نعمتشان در دنیا ذکر و محبت و رضای من با
اگر خواهی و رعایتی در دنیا ناهد و یا حسرت را غایتی گفت خدا با او
چون زاهد یا حسرت چون را غایتی فرمود خود را انطعام و شرب و لباس
و نیاز است با دار و دل جمیع و ذخیره دنیا مدار و از ذکر و یاد من غافل
مباشند گفته و ام ذکر را چون تحصیل کنم فرمود بخلاوت از ناس و بغض
ترش و شیرین دنیا و فراغ شکم و خانه از شاعان دنیا یا احمد پیران آنکه
اطفال هر سرخ و زرد که بی میل کنی و هر ترش و شیرین که بای فریفته شوی
گفت خدا با بعد از دلالت برای که بتو فروز یک شوم فرمود شب را بنام
بداد دارد و در آن مجموع شب را با احمد بخت و جلال خودم که هیچ
کس برای من ضامن چهار چیز نشود مگر آنکه اهل بهشت که با هم زیاده
از بی فایده و دلش را از خباثت های باطل ببرد و بداند که من او را می بینم
و بعد از آنم و در شش چشمش مجموع باشد اگر لذت و جلال و کسرتی بخواهد
و خلوت و تنهایی نازد و یا هیچ چیز را اختیار کنی گفت نتیجه اینها محبت
فرمود حکمت و معرفت و حفظ دل از خباثت های باطل و فرودگی خدا و دل
در دنیا و حزن دایم و حقیقت مؤمن و کلام حق یا احمد سید الهی حقیقت

بنده بنی نزد یک شود گفت فرمود و فقی که که صبر یا صبر باشد یا احسان
آنکه کسی که در نماز بیداند که در پیش کی استاده و پاک در ضاحات و با این
حال خواب الود می باشد و کسی که قوت بکوشد دارد و فکر و دایمی کند کسی
که نمیداند که من از تو راضیم یا نه خنده میکند یا احمد در وقت قصید از لاله
که هیچ غصه ای ندارد و خواص من در آن در آن باشند هر روز هفتاد مرتبه
نظر کنیم و تکلم کنیم در هر نظر هفتاد مرتبه یاد شاهی و قریب ایشان را بفرم فقی که
اهل جنت بطعام و شراب نشاند و متشعشع باشند ایشان محو لذت ذکر و فانی
من باشند گفت ایشان کیانند فرمود انا الله که زبان از فضل کلام
و شکم از فضل طعام باشند یا احمد محبت با خدا محبت با فقر است
با ایشان گفت فقر کیانید فرمود انا الله که دنیا بقبلای راضی باشند نعمت
شکوه و در شدت صبور باشند و با کشتی کایت بکنند و در رخ بگویند
و بد دنیا و خناک و بفقدان غمناک نشوند یا احمد دوستی با من
با فقر است اگر خواهی من نزد یک شوی ایشان را بخود نزدیک کن و اگر
خواهی از من دور باشی ایشان را بخود دور گردان که ایشان دوستان
متد یا احمد خود را با لباس های نازک و طعام های لذت و با طعم های
نرم میاری که فتنه ما و ای هر شر و رفیق هر شر و است که در بطاعت خود
ترا به عصیت می خواند و طاعت مخالفت و در عصیت مخالفت می کند
اگر سرشته شود شکوه کند و اگر سر کرده در کشتی از سر کرده و اگر فتنه شود غمناک
شود و اگر سرشته نشود متکبر شود و اگر از حوادث این کمره دار خدا غافل شود

و نفس قهری شیطان است نفس شرمه نیت بسیار می خورد و بار می بارد و مثل
دغل است نکثر خوش باشد و طمعش نفع است یا احمد دنیا و اهل دنیا را دشمن
و آخرت و اهل آخرت را دوست دارد گفت خدا یا ایشان کیند فرمود اهل دنیا
که کی غضب خود را بخندد و خفتش بسیار باشد و بسمت خود را ضی
نشود و چون با کسی بد کند عذر خواهی نکند و چون از عذر خود دل
مکند در طاعت کاهل و نافرمان و در عصیت دلیر و نافرمان طوطی
اجلش فریب محاسبه نفس خود نکند و بداند که چه می کند قلیل العلام کثیر الکلام
بر عاقبت خود نترسد و از حال خود ندرند نشند و نعمت نکند و در وقت
صبر و خود را بنا کرده است ایند و محال که ندرند عوی کندی و عویب
نا سر کوبند یا احمد عید اهل دنیا است اهل جهل و حماقت و صاحب
و غلام است پیش مردم عقلا و در پیش عارفین جهلا یا احمد اهل آخرت
رویشان تنگ و حیاشان بسیار حق و مکرشان قلیل و نفع و خیرشان
کثیر مردم از ایشان در راحت و ایشان از خود در تعب کلامشان سنجید
عقل و همیشه در محاسبه نفس چشمان در خواب و بیداری
کمر باین و دلشان بدو کمر دارد کار و وقتی که مردم از غافلان نویسنده ایشان
از ذکران نویسنده در اول نعمت حمد بشود و در آخر شکر پیش دعا شان و در
پیش خدا مرفوع و کلامشان محبوب و سجع و ملائکه با ایشان خوش شود و مانع
دو خدا از ایشان مفقود علما و علمای اخف پیروی و جفا را بهر جهت
کنند نمایند و هرگز بیک مرتبه نباشد و ایشان از شدت مجاهد نفس

و مخالفت هر روز یک هفتاد مرتبه بخواند از ضعف و نفاق از هر بادی بگذرد
و در وقت عبادت چون سون محکم بایستد و دلش خالی از هر شغلی غیر عبادت
بگذرد و جلال خود بکس چون روحش از بدن مفارقت بر نهد که خوشتر نهد
که دائم و ملائکه الموت را بر و مسلط نکند بلکه خوشتر و فیض و مسح شوم و در
آسمان را برای روحش بکشاید و حجابها را از پیش خود و او بردارد و نیست
امر فرمایم تا زینت کند و حور العین را نام بتای عالم شان شوند و ملائکه
تا بر ایشان صلوة فرستند و در خانه ایار آیند و میوه ها را بخورد و ایار بفرستد
و بادی از بادهای زیر عرش را بنمایم که کوههای مثلث و کافور بر آید
تا آتش بخور کند و در میان من و آن روح هیچ پوره و مانعی نباشد و از
ملاطفت و اکرام و رحمت و رضوان به پیش خود خوانم ای کاش در پیشی که ملائکه
چون دست بدست بگردانند یا احمد اهل آخرت را طعام کواری باشد
لغالی خود را شناختند و از مصیبت محزون نشوند تا تیاره و خود را
دانسته اند و همیشه بر کلاهان خود کریان باشند و از عبادت فرصت استراحت
نباشند و ایشان در دنیا را حق نبود و چون میرد بر لخت برسد و نفس
ایشان اشک چشمان است که در چهار روی یثار و آن شود و هم
ملائکه باشند و هم با ایشان خدای بزرگوار دلشان در سینه رعایه حزن
و الم و صبح همیشه مشاق و آخرت یا احمد صدایی لذت دهان در پیش من
چه خبر دارد و نکست نه فرمود روز قیامت که خلائی که کفر قاتل باشد
ایشان از آن بمن باشند و کترین عطیه که با ایشان عطا کنم اینست که کلید

بهشت و در ایشان ده نام از هر که خواهد در دوزخ روند و ایشان را در مقام شش و شصت
خود بکشایم و انواع لذت از ملک خود بایشان کم و چهار در برابر ایشان بکشایم یکی
آنکه در هر روز که امانت و عطایا از پیش من بایشان داخل شود و یکی آنکه هر وقت
خواهد بپیش من رفت و نعمت نماید من کند و یکی آنکه بتأی من مخالفین ظاهرین کند
در جبهه که چون با انواع عذاب عبادت و یکی آنکه هر که حورالعین و حشام بایشان داخل
شود که گفت خدا با این زاهدان که این در فرمود تا آنکه در بهشت انداخته اند و خدا
چشمی که بین شوند و در غیر از این که از سوارش محروم کردند و نه بهای که از نقش
مهرم باشد و نه با کسی شایسته که بهر لحظه ایشان را مانع شود از خداوند زیاده
وقت دارند که از ایشان سوال کنند و نه بجا دارند و با خرمی از خداوند احد
روی زاهدان زرد است از غصه عبادت و نه برونه روز زیاده از کدات
مکرم و زکند و لها شان در سینه از کثرت مخالفت از زوها پاره پاره و نشان
از کثرت مجاهده زار و زلزله و در حال عبادت بی آرام و بیقرار لیکن
از شوق جنت و فراتر خوف ناری که چون خدا را شناخته و اهل عبادت یافته
بقرار عبادت گشته اند گفت خدا یا از امت من کسی را این مرتبه عطا فرموده
تا احد این درجه و صفتین است از امت تو گفت خدا یا زاهدان کدام
بیشترند زاهدانی که از اهل در میان زاهدان است تو بیک سیاحت و بیک
سفیر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود بعد از آن خدا را احد و شکر بسیار
نمودم و ایشان را و عا که در هم گفتیم خدا یا بایشان رحم کن و ایشان را و این
ایشان را بان راستی گفته حفظ کن و ایشان را ایمانی عطا نماید که بعد از آن

مشکلند

شک نکنند و در عی که بعد از آن بدینا رعبت نمایند و خوف که بعد از آن غافل شوند
و عمل که بعد از آن جهل نمایند باشد و عملی که بعد از آن از حق این باشند و فریاد
که بعد از آن دوری دهند و خشوعی که قنوت در عبادت باشد و نه که می کشان
در پیوند و عی که بعد از آن خوار می بختند و صبر که بعد از آن جوع نکند
و عملی که بعد از آن پشیمان شوند و دلش از اصل حیا گردان تا همیشه از حیا
کند و ایشان را به اوقات دنیا و اوقات نفوس خود و وسوسه شیطان بشارت
تا از فتنان این باشند و بعد از آن فرمود و یا احد از سلاطین و رعایا
مبارک که اول و میان و آخرین هر و رعایا و رعایت مؤمن و عباد
و رعایت مثل کشتی است چنانکه از دریای کشتی شزان گذشت چنین زاهدان
از دنیا نتوان نجات یافت یا احد و رعایت مؤمن بر فیه کشته گردد
و به رعایت در پیش مردم مکرم و در پیش خدا عزیز و معظم یا احد خوشی پیش
که معورتین و هادول صاحبان و خاصان است و خراب ترین و هادول
پهلو ده کویات یا احد عبادت و جبر و است خیر و شکر طاعت است که معظم
و مشرب خود را از حرام بپاک می در حفظ و پناه من باشد گفت خدا یا از اعیان
چیت هر و اول عبادت و نه خواست است یا احد سیدان پیغمبر و نه
گفت فرمود که خوری و کم کوبی و پیغمبر خاموشی است و پیغمبر حکمت معرفت
و پیغمبر معرفت یقین و چون بنده صاحب یقین شود بر و از سخت و است
دنیا نکند و چون چنین شود ارض و کوه من را می باشد و چون بر خای
من عمل کند و صفت یا و عطا نماید شکر که مخلوط با حیا باشد و ذکر که مخلوط

بسیار نبود و بختی که بر من غیر اختیار کند پس چون مرا دوستی او رسد
او را دوست دارم و مخلوق دوست دارم و چشم و گوش و عقل و جلال خود
کتابم را علم خاص خود را از یویش ندادم و در پیش خود بماند و از این
تا آنکه صاحب جلال نفس از غیر من قطع شود و کلام ملائکه خود باو بشنود و سر خود
از خلق پنهان داشته باشم باو بشناسم و با سر جبار رو پیشانم تا خلق از او جدا کند
و کتاهاش را با من هم و دلش را خفی از سر خود کنم و پره از جلال است
و در رخ و احوال روز قیامت برای او بر دارم تا او را مشاهده کند و فرشت
منز که در آنم و شرف موت و ظلمت قبر و وحد و هوای قیامت فریبند و نصیبان
و فرشتگان برایش بگویم بعد از آن کلمه محقق و کلمه بر خیزم تا آنکه از ارض ط
بگذارد و ملائکه این بدن خود را با آن ملائکه ملک خود را که در آنم و شرف و نعم
لشت با او و صیانت کنم و عقلش مستغرق معرفت خود گردانم و چون ملائکه
برو نازل شود گوید خوش باد لای خدای عز و جل شایسته ای و سر خدا گد
اسمان که اعمال تو از آن بالا میرفت و محراب صلاهی تو میریزد و می کند و ملائکه
بر سر ترا بختاده باشند و هر یک جای ترا بهشت و دست چون روش
ارند بیرون ایوان از نظر ارباب و دهند تا سکرات و تلقی موت زایل شود و
مرده اش دهند پس از دست ملائکه بپروازند و به پیش خدای و ملائکه از چشم
بر هم زدند و بیان او و خدای هیچ حجاب ممانعی نباشد پس در جانب ط
عزیز نشاند پس خدای تعالی از او سؤال کند که دنیا را چون گذاشتی گوید
و جلال تو که از پیش خود از تو داشتم از دنیا بخیر داشتم پس خدای تعالی فرماید

داست

داست می گوید اگر چه بدیت در دنیا بود اما رخت با من بود و من از ظاهر و
باطن خبر دارم هر چه خواهی سؤال کن تا عطا نمایم و جبار من ساکن با تو شد
من بخیر این آن روح گوید تو معرفت خود مرا عطا فرمودی که با آن از حق پر
مستغنی شدم بعزت و جلال تو که اگر از این بدیدند جدا میکردند با حق و مرتبه
کشت بخیر این انحاء کشتن که رضای تو پیش من از حق چنان بود و من چون بخیر
مغز و باشم که هر چه دارم از تو دارم اگر تو مرا اگر می گویی دلیل می بودم و اگر
تو نصرت نمی دادی مغلوب می بودم و اگر تو تقویت نمی نمودی ضعیف می بودم
و اگر تو مرا بدید که خود ندانم می گویی میت می بودم و اگر تو مرا بر حمت نمی پوشان
اول مرتبه که معصیت کردم و با می گویی چون رضای تو نخواهم که عقل مرا تمام
کردی تا ترا نشانم و حقان باطل دانستم و امر تو را علم از جهل و غور از ظلمت
نیز که در پیش خدای تعالی فرماید بعزت و جلال خودم که میان من و تو حجابی
نباشد تا هر وقت که خواهی پیش من و با دوستان خود چنین کنم یا الخیر بگو
که این زندگي کو را اندر و گذارم حق باقی است گفت خدای تعالی دانم و فرمود تا
زندگی که را از آنست که صاحبش از ذکر من مانده نشود و نعمت مرا فراموش
کنند و از من غافل نگردد و حق را بشناسد و شکر و در نظر از رضای من
باشد و تا حق باقی که از کلمات من کند تا دنیا در نظرش خلیل شود
و آخرت گردد و خواهش مرا بر خوش خود ملتذا کند و پیروی رضای من
نماید و مرا چنانکه حق تعالی است تعظیم کند و بداند که من از غافل
نبینم و زبیر و در نظر داشته باشد تا از معصیت من کویان باشد

و دلش از صفات ذمه و خیالهای باطل پاک کند تا شیطان در دلش راه
نیابد و شیطان دشمن دارد و اطاعتش نکند و چون باین طریقه عمل نماید
دلش از محبت خود لبریز گردد و نام هیچ چیز را بر من اختیار نکند و هر چه بگوید
و گوید بر او من کند و چشم و گوشش را بکشتایم تا هیچ علم و جلال و عظمت
مرایند و بگوشتش را سر از زمین نشود و دنیا را بر او نماند و لذت
دنیا را از دلش بیرون کند و از دنیا و مافیها او را برسانیم چنانکه ایشان
کلام را از بهایها و مواضع که بر سرانجام و چون چنین شود از مردم که بر این
کرد و و از دنیا بیانی فانی که خافه شیطانست دل دارد و شتاب اخلاص که
خامه حلال شود و بعلت و هدایت او از نیت کم اندیش نیست که او را
و حیوة باقی با آنکه کسی که عقل ندارد غنی نیست و کسی که جهل ندارد فقیر
نست با احمد میدانی چه چیز را افضل از سایر انبیاء کردیم گفت نمیدانم
لیس فیین و حسن خلق و سخاوت و رحم بر خلق و همچنین مؤمنانی که
بایشان محکم است باین صفات این دین را یافته اند با احمد فعل و قولش
برای من کن و در وقت استواضع کرد آن نافر که از زمین غافل نشوی که هر کس
ازین غافل شود از روی و انکه هر جا که هلاک شود با احمد عقلش پیش
از آنکه از دست رود و کارهای که هر کس عقلش را کار فرمایند خطا کنند و
بعلمی که ترا عطا کرده اعمل نمای که علم اولین و آخرین برای تو جمع شود و چون
چنین کنی انقدر معرفت در دلت ندانم که هر کس صفات نتواند و بهر
راه چنین تله دایت کنم و فوق عبادت هم و عبادت را در چشم و دست

شرین گردانم تا هیچ چیز را از آن دور نماند و یا احمد که خواهر جادوت
ایمان در دلی که سکی را پیش خود و خوشی باشد و زبان و خوف را بلام
دل گردان اگر چنین کنی نجات یابی و اگر هلاک شوی با احمد بعزت و
جلال خود که اول عبادت عابدین و قویه ایشان و تقویه ایشان بمن
مکرو زده و کرسکی و خوشی و تنهایی از اهل دنیا و اول معصیت میری
و بفایده کو بی اختلاط اهل دنیا با آنکه چون بند کرسکی و خوشی
پیشکند حکمت او را عطا کنیم اگر چه کافران باشند اما اگر کافر باشند ان حکمت بر او
حجت باشد و مال شود و کور و من باشد و برهان و شفا و رحمت شود
با اینچه بنی و استعدا بند و اینچه بنی بدیدند و اول اینچه بنی بدیدند و خود
باشد تا بآن مشغول شود و اینچه بنی بدیدند و اول اینچه بنی بدیدند و خود
و حیلتهای شیطان و حیلتهای نفس خودش بنیاء کنیم تا نفس شیطان را بر
راهی باشد با احمد هیچ عبادت پیش من بهتر از کرسکی و خوشی نیست پس کسی
که روزی که در زبان از پیورده نمیدد مثل کسی است که بنماز است و قرائت
نکند با آنکه میدانی بعد از هر وقت عابد باشد گفت خود را و هر وقت که گفت
صفت در دین باشد و عی که او را از رحمت مبارک دارد و خوشی که از کار بد بپایند
باز دارد و خوشی که روزی و روزی که او را شایسته شود و حیاتی که در خلوت ازین
جا کند و کم خوری که بقدر ضرورت خود خورد و دنیا را دشمن دارد که آنرا
دشمن دارم و خوبان را دوست دارد که من ایشان را دوست دارم با احمد
چون کسی که گوید من خدا را دوست دارم مرادوست دارد تا آنکه از دنیا بفری

و جائه علی را ضعیف شود و عمر خود را در عبادت من گذارد و خوشی را پیش
کند و توکل بر من کند و کبر بسیار بخندد که کند و مخالفت هوا و هوا کند
و سجد خاندنش و علم صاحبش و زهد همیش و علماء دوستانش و فقرا
و فقایش باشند و طایفه ای من باشد و از غضب من بگریزد و از اهل
دنیا را و از محاصری که بران باشد و خود را مستغول و ذکر و تسبیح من دارد
و در وعده صادق و بعد وفا کند و دلش از صفها و از ادما و فکها
باطل یال باشد و غارتش از ثروت و ریا و مقصور یال باشد و در حق
سعی نماید که در اغنیای عباد هار باز عذاب من باشد و رفق و هم
دوستان من باشد یا انجمنی که درین مثل تمام اهل آسمان و زمین و دره
گیرد و مثل ایشان نماز کند و مثل ملائکه یکبار و دست انعام بکند
مثل عابدین با همای و رشتن ذلیل باشد و این همه در دلش و در ذک
دنیا با حبس یال نام با او از به یار نیست دنیا باشد و در جوار من راه
نداید و محبت خود را از دلش بردارد و دلش را تا ریل که تمام از دلش
کند و حلاوت محبت خود او را بچنانم و بر تو باد رحمت و سلام من و ایضا
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت که خدای تعالی فرموده الخ می زند
و انصاف نمی آید و شرم نمی آید و همیشه من با تو بخت و رحمت و شفقت
دستی و همی با من می کنم و تو با من بدو به معاصی مخالفت و دشمنی می کنی
همیشه خیر و رحمت من بر تو نازل بشود و شر و مخالفت تو پیش من می آید
و روز نشسته کرم از تو علی قبیح تر من می آید اگر تو وصف خود از کسی شوی

و غافل که فریادی گوید و این دشمن خود شوی مراد و وقت غضب با یکدیگر تا من ترا
در وقت غضب یاد کنم و همان حضرت صلی الله علیه و آله روایت که منادی
از پیش عرش ندا کند که ای بنی آدم خدای تعالی شما را سلام می رساند و می گوید
من شما را مشتاق خود می کنم و شما مشتاق من نمی شوید و شما را اخود می بینم
و نمی بیند شما را انجواب و روزها را بغفلت می گذرانید پس این همه دور
و در از کسی می کند و ظلم حضرت صلی الله علیه و آله بحضرت امیرالمومنین
علیه السلام فرمود یا علی تو اوصی منی کنم ما دام که از مرا محافظت کنی همیشه
در دنیا با منی با علی بن ابی طالب است که چون صبح بر چیزی ظلم کسی در ظاهر
نداشته باشی هر کس مردم از زبانش برسد از اهل دوزخ باشد بدین
مردم کلی است که آخرت را بد نیامد و رفت و بد را از کسی که اخوت خود را
بد نیاید بفرزند یا علی هر کس قبول عذر نکند خواه راست و خواه دروغ
بشفاعت من نرسد یا علی پشت حرام است بر تو خاشع هر که از هر چه گوید
و با او گویند بر او انجمن یا علی مزاح بسیار ممکن که قیمت برود و در کوی
که نوبت برود و زنهار ملال و کمالی بخورد راه مد که چون ملال با او صبر حق
نکند و چون کاهل شوی ای حق نتوانی یا علی هر گناه را بگویم است مگر
خلق را که صاحب خلق بد از هر گناه که بد تو بد و برین ابد در گناه دیگر افتد
بقیه آن ترک است یا علی خدای تعالی است از خشتی طلا و خشتی
هره آفریده و بوارش از باقوت و سفتش از زبردت و در یکش از از لول
و خاکش را از عفران و مشک از زعفران بدین از ان فرمود که کیم گفت

لا اله الا الله الف تحو معاد ت یافت هر کس داخل من شد فرمود
بفرست و جلال من که داخل نون شود شرب خور و سخن چین و دیوتش او
ظلم و سخت و بناش و عشار و قاطع رحم با علی چند کس برین است که گویند
نجد سخن چین و کسی جستجو ایلم مردم کند و دیوتش و کسی که زین ایلم
بازن محرم را با جلالی را بکام کند و کسی که در محرم را بفرست و محرم را بفرست
در فتنه سعی و کسی که صلاح جنگ با اهل حرب بپسین فرود شد و مانع زکوة و
کجج شود و ببرد با علی چنان کارم اخلاقیات در دنیا و آخرت عفو کردن
از کسی که بر قتل کند و صلح کردن با کسی که از قتل قطع کند و حلم و رزیدن از کسی
که با تو ناخوشی کند با علی تا چندان که قبول نشود بنده که از صاحبش که بزرگوار
که شوهرش را بر بخاند و از دوری کند و مانع زکوة با علی هر کس هست داشته
باشد حقیقت همان برایش بود و درهای طشت برایش کشوده شود و نور
بر استار و نماز را در وقت با حقوق خود گذارد و زکوة مال دهد و عصب
خود را حفظ کند و زبان نگاه دارد و از کناهان استغفار کند و خیر خواهی
اهل بیت طاهرین علیهم السلام کند با علی محالست طایفه را بمیزان غنیا واد
و زبان با علی چنان خفقت ایمان است صدق در وقت برینانی و انصاف
بحق و بذل علم بمعلم با علی چنان است که هر کس ندانسته باشد علمش تمام شود
و هر کس از معاصی کما حق دارد و خلقی که با مردم مدار کند و حلی که بهر
جاهلان را بکند و با علی و صالحه و برادر و ولدین و کباب الیه و حلی که
رحم و با بیل بعبادت مریض و دو میل به شمع جنازه و میل با جانت

دعوت و چهار میل بر بارت مؤمن و پنج میل ببرد در ماند و نش
بدل با عانت مظلوم و در استغفار و تافیه میکن با علی چون کسی که
گویند چه گذاشته و ملائکه گویند چه آورد با علی چنان بودت قسارت
بشدن قنای و صد کردن لجه و پدر خاندن سلاطین رفتن با علی هر کس خفتش
نیکو فر و طشت زیاد تر و ترش باقر باقر و انصافش بیشتر از هر کس بن شیره
و طمان حضرت صلی الله علیه و آله با بود در رحمة الله فرمود با ابا در وقت
مرا محافظت نمای تا در دنیا و آخرت نجات یابی خدا را بخوان عبادت کن
که گویا او را می بینی اگر تو او را ندانی و تو را می بیند یا ابا در اهل بیت من مثل
کشتی نو چند هر کس باه با ایشان بر در نجات باید و هر کس از ایشان
بازماند هلاک شود یا ابا در پنج چیز پیش از پنج چیز غنیمت دان جوانی را
پیش از پیری و صحت را پیش از بیماری و غنی پیش از فقر و فرصت پیش از
بفرستی و زود که پیش از مرگت یا ابا در چون کار خیر بخاطرت رسد
تا خیر میکن که نمیدانی بعد از این چه شود اگر بعد از این بمانی کار دیگر
نوان کرد و اگر ندانین کار محروم نیامنی بسیار کسی که در زمان نبیسانند
و بفرمانند یا ابا در خود را در دنیا غریب شمار و یا مثل صافرا که
و از جمعه در کان بند چون صبح بخیزی و دو فکر شام بانی چون
بشام بخیاک صباح مدد یا ابا در غر را غنیمت شمار و بر بخیاک از
درم و دنیا را بانی یا ابا در حقوق خدا پیش از آن که توان دانست
فقههای او پیش از آنکه توان نمرد غیر از این چاره نیست که هیچ و شام در استغفار

و نه باشی یا ابا در صوفی از خطبه کزبان فریاد که صید ادم یا ابا از دمی
کناه کند و باین سبب روزی خود محروم شود یا از کارش کفایت ندارد
مکن و حرفی که فایده ندارد و مگوی و زیاده از این حفظ کن که مال ^{حفظ}
میکنی یا ابا در جمعی بد بهشت نگاه کند و جمعی در دنیا جانی ندارد از خود
بند کند خدایا ما و ایشان در دنیا با هم می بودیم چرا ایشان را بر ما تفصیل
فرمودی و ما را در جهنم ایشان کردند و نشسته می بودند و شما می سرایید
می بودید ایشان عبادت می کردند و شما می خوابیدید ایشان شقت
می کشیدید و شما راحت می کردید یا ابا در چشم من بنما در و نشست چنانکه
چشم من نشسته و طعام و آب گرسنه از طعام و آب بر شوند و من از زبان
سیر نفوس یا ابا در خوشا جمعی روز قیامت علمها شام افراشته بر بهشت
سبقت کنند ایشانند که در صحرا و غیر این بساجد سبقت کنند یا ابا در
دنیا زندان مؤمن و بهشت کافران مؤمن در دنیا نباشد و مگر محزون
و چون محزون نباشد که هرگز از بلا فارغ نیست و چون از دنیا برود
براحت رسد یا ابا در جمیع عباد و مثل آن نیست همیشه محزون باشی اگر چه
کوچک کن و اگر بخواهی دل از غم کن و در خود را بگردان که دل سخت از خدا
دور است یا ابا در هر کس که بگوید که باین کرده از عصیت این شود و چون
غصه باشد یا ابا در دنیا کسی که خود را بر شقت دارد و کار آخرت کند
و نادان کسی بی رویه و غلبه شود و خود را با زوهار و زهد یا ابا در دنیا
و هر چه در دنیا است معلوم کن مگر آنچه برای خدایت یا ابا در خدای تعالی بگو

از ده چیز که او را در دین و انا و در دنیا زاهد کرد و در بهشت خود
مینا کند یا ابا در چون کسی را بدی که ترک دنیا کرده سخن او بشنود که در آن ^{حکمت}
براست یا ابا در من دعا کردم که خدا از من و دوستان من بگذرد که هفت
کند و اعدای ما را مال بسیار دهد یا ابا در خدا بهر چه و بهر چه منم اگر آن
خدای من می داند که بنده یا ابا در هر چه که می خواهم خوردن و خوابیدن
نیت رضای خدا تا از آن قوی باشی یا ابا در بهشت می خواهم از روی دنیا
از دل بیرون کن و عهد منظر مرا تا از خدا بخواهم که گفت ما را از خدا بخوا
می کنم و بنده ^{است} اوست و مقابر و مرگ را فراموش کنی و در خوردن و پوشیدن
از خلل و حرام بی پروا باشی هر کس که استغثرت خواهد کرد نیت دنیا کند چنان
چنان باشی از اهل دوستی خدا باشی یا ابا در اگر یکی از زنان بهشت در ثواب
کجا بر زمین کند آن نور طلعت او تمام روی زمین روشن قرار ماه شود و در
بد تمام اهل زمین بوی عطر او بشنوند و اگر جامه از جامه های بهشت در دنیا
بکشاید هیچ کس عجب بدین نثار و همه بوی بهشتند یا ابا در جایی که بر این
مرکز لذت و شهوات دنیا کند و جوانی در طاعت بگیری رساند بهشت
و وصیف داشته باشد یا ابا در کسی که چون از آن نماز نشود اجابت کند و
مساجد را خوب عمارت کند و از بی بهشت باشد که عمارت مسجد که الم است
فرموده اند که در مسجد او از بلند کنی و مشغول لغو باطل و بیح و شر نشوی و اگر
چیزی در قیامت حسرت و ندامت کنی یا ابا در یا در مسجد باشی یا بیکدیگر برو
فرستد و هر کسی که در غلبه کند و ده حسنه نویسد و ده سینه محو کند یا ابا در

کسی نمیباشد تا در اکل و شرب لباس و خوراک و جامه و غیره
فکند مثل کسی با کمال دقت محاسبه بکند و بخوبی بداند که با ابا در خدای تعالی بود
بغیرت و جلال خود که هیچ بزرگ رضای بر او رضای خود اختیار نکند و اگر آنکه نفسش
غنی گزیند و قصد و فکرش را صرف اخوت کند و آسمان و زمین را صاف از رزقش گرداند
و من تجارت هر جا برایشم با ابا در کار و دعوای رزق خود بکند و چنانکه از رزق
میگیرد و رزقش را ببرد چنانکه بکند با و میرسد با ابا در خدای تعالی نظر اهل
و حال کند بلکه نظر بکند با ابا در کسی که فرج و زبان حفظ کند در خل
بهشت شود و کار با حق که گویم مواخذه کند و فرمود مکرر در روز و شب و رزق
انگازند مکر حاصل زبان با ابا در کسی که بقدر خواهد مردم پیش او بر آید
جای خود در دنیا نشوید و ابا در کسی که بقدر خود که در دنیا نشوید
بهشت نشود تا قریه کند با ابا در کسی که قادر باشد تا برای تو وضع خدای تعالی
دنیا کند و خور و در پیش خدا دلیل و فکر کرد و مال خود را در غیر مصیبت
صرف کند و بوفقر و مساکین رحم نماید و با اهل علم و دانش مخالفت نکند و برین
اعتنا باشد خوشا کسی که ظاهر و باطنش خوب باشد و شر و خویشتن را باز دارد
و بعل خود عمل نکند و هر چه زیاد در سعادت و عیال باشد و طاعت حق
کند و حرف بنماید و گوید و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت
که فرمود عجب آنکه کسی بداند که در این دنیا و آخرت و از او از او با احسان
نمیخورد که بداند و عجب آنکه کسی که اوست رحمت از او از خود دارد و چون بر این
تلا از خود رحم نکند و عجب آنکه کسی که از نور من از طعامی که بر او گذشت از نور

از کلاه برهنه نکند و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بجمعی از شیعیان فرمود
ای معاشر بشر شما در دنیا مایه اند و فتنه مایه اند با مردم خوش بولید کنید
و زبان خود نگاه دارید و از فضل و کلام و قیام افعال اختیار نماید و
آن حضرت علیه السلام بعد از آنکه بن حبیب که از اصحاب آن حضرت بود فرمود یا محمد
ایلسن اهلای خود را برای اولیاد و دین دار غریب گسترده و حال آنکه اخوت
در نظر ایشان چنان جلوه کرده که هیچ چیز را بر این اختیار نکند بعد از آن
فرموده اهل دنیا را که از نور الهی لبریز شده و دنیا در نظرشان مثل
رقم باشد و عیال هم بد بخدا انفس گرفته و از اهل دنیا و حشمتی که اولیا
منتد بخود و خدا بایشان رفیع طرافت و بلا از اهل دنیا نماید این چند
بهر کس را را ساخته و اجابت که هر روز و هر شب محاسبه حق خود کند و احسن
کرده باشد بخدا را شکر کند و طلب نیاید نماید و اگر تیر کرده باشد استغفار
کند و در صدق و بلا فی باشد تا روز قیامت دلیل نباشد خوشانند که چشم غرض
اهل دنیا و رفیقای ظاهر ایشان نداشته بران رشتان نبرد و خوشانند که مشغول
طلب اخوت باشد و بار و زوایا بطلان دنیا از راه فرود یابن چند بکند
براه راستانند و طاعت ما کنند ملائکه با ایشان مصافحه کنند و هیچ چیز را خدا
طلب نکند مگر عطا فرماید این چند بهر کس که کار آن شیعه بد گویند
و بخدا برای توفیق و تقوی ایشان تضرع و استغاثه کند که هر کس تو را
کند و از اعدای مایه ترا نماید و اگر چیزی از تو بگوید و آنچه خدا بداند و تو
باشد ساکت شود از اهل جنت باشد یا بن چند بهر کس که عمل میکند که اهل

دار که از رحمت تو میدن شوی رشت و ناخوشی سانش که مردم از تو دوری
 کند و حقیقت حق باش که دلیل و خفیف شوی بایش از خود بدی و حقیقت
 و باکم از خود خیره و استغنا کن و با مردم در کارها مانا و غنما و استغنا
 مسایه و خود را در پیش هر کس خفیف مگردان و کارها قائل کن و خوشتر را
 تمیزهای تا دران در غائی و پنهان تنوی طیب نصرت خود با نیز و خیر خود
 بشنا و اگر کسی احسان کنی بکس که در وقت باطل مگردان بلکه اگر از آن
 خشم و خوشی بدیده کن که اگر عالمی نیست باشد اگر جاهلی برده عبد یابن
 جندب عیسی بن مریم با صاحب خود گفت اگر شما یکدیگر را بدیدید که با هم
 از بعضی عورتش کثوره ایام را برایش می فرود می آید بکشاید با کثوره را
 بپوشید گفتند همه را بپوشیم فرمودی همه را بکشاید عیوب یکدیگر بپوشید
 و نمی پوشید تا ترک شمسوات نکند آنچه می خواهید نمایید و فاصه بین
 قمار و آنچه می خواهید فرساید چشم مردم و زینت ایشان بپوشید که
 آن حسرت و عاقبتش فداست مثل ما که آن نظر عیوب مردم میکنند
 بلکه مثل بندگان مشغول عیوب خود باشند مردم و دشمنه و تبلی و
 معافی و تبلی رحم کنید و بر عاقبت شکو نمایند باین جندب چون قصد
 کنی علانیده که مردم ترا مدح کنند که اگر چنین کنی با خود رسیده
 باشی بلکه با دست راست دهی باید دست چپ را خبر نباشد باین
 جندب خیر و شر هر دو پیش از دست تمام خیر در دست است و تمام شر
 در دوزخ که هر دو باقی است یا بر جندب خدای تعالی در بعضی

و جیبا

و جیبا فرموده که نماز کسی را قبول کنم که در پیش عظمت من تواضع کند
 و خود را برای من از شمولات باز دارد و روز خود را بیا من گذارد
 و بر خلق من بگرزد و بکرسد و برهنه را بپوشاند و در پیش
 رسیده رحم و غنی بپنازد و کسی که چنین باشد نورش مثل افق تابان
 باشد و در ظلمت نورش در هم و در جهالت عقلش در هم عطا کنم بلا شک
 بسیارم و بعزت خود محافظت کنم چون مرا بطلب لبیک گویم چون
 سوال کند عطا نمایم و چنین بند در پیش من مثل فرود است که بپوش
 از اوقات مصون و از غیر محفوظ است باین جندب روز قیامت
 میان اولیا و اعدای ما دیواری نه کشید محفوظ بچوب و زنجیر
 و عزیز بدیبا و سند چون از طول موقف و حرارت قیامت
 مغرور ما غنما بخوشاید و دلباس بر آید و جگرها بخته شود اولیا
 داخل این حصار کنند و در امن و امان باشند و هر چه از درو
 کنند برایشان مهیا باشد و اعدا بعقوبت عظیم و عذاب الیم
 گرفتار باشند و از روی حسرت گویند کجایند تا فکما ایشان را که
 می دانستیم و اولیا برایشان نکردند و بر حال ایشان خند کنند و هر
 یکی از اولیا می آید و حکمه اعانت کند و آن روز بحساب رود
 تملک و کذا و چون الملك الوهاب یوم الاحد وقت الغر
 شهر ذی الحجه الحرام سنه الف و مائه و خمس و مائه و مائه



و جیبا
 البتوة الفلف و الشا سنده
 هر که حوا
 در مورد روز قیامت
 و جیبا

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

الحمد لله

الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

الحمد لله

الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

الحمد لله

الحمد لله

الحمد لله